

OIL

DURING REZA SHAH REIGN

کتاب حاضر زمینه‌ای را فراهم می‌سازد تا محققان و پژوهشگران با استناد به این اسناد، به تجزیه و تحلیل امتیازنامه‌داری و آثار سیاسی، اقتصادی، حقوقی، امنیتی و بین‌المللی [اكتشاف، استخراج، بهره‌برداری، حمل و نقل، پالایش و صدور نفت و گاز](http://t.me/physakhtajil) در ایران، تأثیر درآمدهای نفتی بر بودجه مملکتی و برنامه‌های عمرانی کشور، زمینه‌ها و علل اختلافات دولت ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس، روند گفت و گوهای طرفین برای حل اختلافات و سرانجام توافق غیرمنتظره دولت ایران با مسئولان شرکت نفت برای تجدیدنظر در امتیازنامه‌داری و انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ که به مراتب زیانبارتر از امتیازنامه‌داری بود، بپردازند.

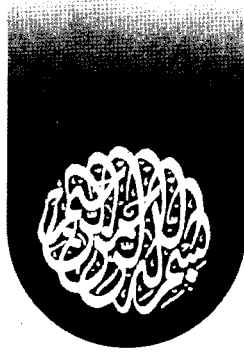
۲۲۰۰۰ ریال

شابک ۹۶۴-۴۲۲-۰۴۶-۳

ISBN 964-422-046-3



سازمان چاپ و انتشارات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



https://t.me/shenakht_lib



سازمان چاپ و انتشارات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

https://t.me/shenakht_lib

.....
نفت در دوره رضاشاه؛ تجدیدنظر در امتیازنامه داری (قرارداد ۱۹۳۳) / تهیه و تنظیم اداره کل آرشو، اسناد و موزه دفتر رئیس جمهور،
زیرنظر یعقوب آژند [.. و دیگران] - تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۸.
سی و پنج، ۵۸۱ ص: مصور، نمونه.
۱. نفت - ایران - قراردادها. ۲. نفت و امپریالیسم ۳. ایران - تاریخ - پهلوی - ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰. الف. آژند، یعقوب. ب. ایران. وزارت فرهنگ و
ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات. ج. عنوان. د. عنوان: تجدیدنظر در امتیازنامه داری (قرارداد ۱۹۳۳).

۳۳۸/۲۷۲۸۲۰۹۵۵

HD ۹۵۷۶ / الف ۹۲ ن ۷

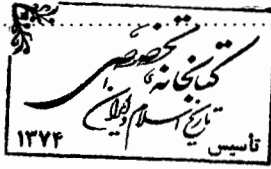
۱۳۷۸

.....

نفت در دورهٔ رضاشاه

https://t.me/shenakht_lib

https://t.me/shenakht_lib



«تاریخ»
اقتصاد (۱)

نفت در دوره رضاشاه

تجدیدنظر در امتیازنامه داری
(قرارداد ۱۹۳۳)

https://t.me/shenakht_lib

اداره کل آرشیو، اسناد و موزه
دفتر رئیس جمهور

تهران، شهریور ماه ۱۳۷۸



سازمان چاپ و انتشارات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

نفت در دوره رضاشاه
تجدید نظر در امتیازنامه داری
(قرارداد ۱۹۳۳)

https://t.me/shenakht_lib

تهیه و تنظیم: اداره کل آرشیو، اسناد و موزه دفتر رئیس جمهور

زیر نظر شورای علمی: دکتر یعقوب آژند، دکتر سیدهاشم آقاجری،

دکتر عطاءالله حسینی، دکتر عبدالرسول خیراندیش و

دکتر غلامحسین زرگری نژاد

طرح روی جلد: بیژن صیفوری

چاپ اول: پاییز ۱۳۷۸

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

تمام حقوق محفوظ است. ©

چاپخانه و انتشارات

کیلومتر ۴ جاده مخصوص کرج • تهران ۱۳۹۷۸ • تلفن: ۰۵-۴۵۱۳۰۰۲-۴۵۱۴۴۲۵ • نامبر ۴۵۱۴۴۲۵

توزیع

خیابان فردوسی • خیابان کوشک • شماره ۹۱ • تلفن: ۶۴۵۳۲۶۱

فروشگاه‌ها

فروشگاه شماره یک: خیابان امام خمینی • نبش خیابان شهید میردامادی (استخر) • تلفن: ۶۷۰۱۴۵۹

فروشگاه شماره دو: نشر زلال • خیابان انقلاب • خیابان ۱۶ آذر • تلفن: ۶۴۱۹۷۷۸

فروشگاه شماره سه: خیابان فردوسی • خیابان کوشک • شماره ۹۱ • تلفن: ۶۴۵۳۲۶۱

شابک ۳-۰۴۶-۴۲۲-۹۶۴

ISBN - 964 - 422 - 046 - 3

اقتصاد

https://t.me/shenakht_lib

https://t.me/shenakht_lib

https://t.me/shenakht_lib

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
یک	پیشگفتار
سه	مقدمه
سیزده	راهنمای اسناد
۱	اسناد
۴۳۳	تصویر نمونه اسناد
۵۶۱	نمایه

https://t.me/shenakht_lib

https://t.me/shenakht_lib

پیشگفتار

فراهم آوردن امکان استفاده بهینه از اسناد به عنوان مواد خامی که پژوهشگران و محققان از طریق تجزیه و تحلیل آنها بسیاری از نکات کور و ناشناخته تاریخ معاصر را روشن می‌سازند یکی از وظایف مهم مراکز اسنادی است. در این میان اسنادی که بتوانند به تبیین جنبه‌های اقتصادی - سیاسی تاریخ معاصر کمک کنند کمتر در دسترس پژوهشگران و محققان قرار گرفته است.

به همین منظور مرکز اسناد ریاست جمهوری که اقدام به چاپ اسناد خود در قالب مجموعه‌های سیاست، اقتصاد، روابط خارجی، فرهنگ و ادب و جامعه نموده است، پس از چاپ کتاب "دولتهای ایران از میرزا نصرالله خان مشیرالدوله تا میر حسین موسوی"، دومین کتاب خود را تحت عنوان "نفت در دوره رضا شاه (تجدید نظر در امتیاز نامه داری، قرارداد ۱۹۳۳)" منتشر می‌نماید. اسناد این کتاب که اولین جلد از مجموعه اقتصاد است، مربوط به وزارت دربار دوره پهلوی اول است. اهمیت کتاب حاضر در این است که یکی از مهمترین مأخذ در زمینه نقش نفت در تحولات اقتصادی - سیاسی ایران را در دسترس محققان مسایل ایران قرار می‌دهد، که می‌توان

بر اساس آن چشم انداز بهتری را در تحقیقات اقتصادی - سیاسی انتظار داشت. کتاب حاضر زمینه‌ای را فراهم می‌سازد تا محققین و پژوهشگران با استناد به این اسناد، به تجزیه و تحلیل امتیاز نامه داری و آثار سیاسی، اقتصادی، حقوقی، امنیتی و بین‌المللی اکتشاف، استخراج، بهره‌برداری، حمل و نقل، پالایش و صدور نفت و گاز در ایران، تأثیر درآمدهای نفتی بر بودجه مملکتی و برنامه‌های عمرانی کشور، زمینه‌ها و علل اختلافات دولت ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس، روند گفتگوهای طرفین برای حل اختلافات و سرانجام توافق غیرمنتظره دولت ایران با مسئولین شرکت نفت ایران و انگلیس برای تجدیدنظر در امتیاز نامه داری و انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ که به مراتب زیانبارتر از امتیاز نامه داری بود، پردازند.

امید است این کتاب مورد استفاده محققین محترم قرار گیرد و اهل نظر ما را از راهنمایی‌ها و نظرات مفید خود بهره‌مند سازند.

در پایان از زحمات آقایان علیرضا اسماعیلی، عیسی عبدی و سایر همکاران محترمی که در تنظیم، تدوین و ترجمه اسناد انگلیسی و فرانسه این کتاب فعالیت داشته‌اند، تشکر و قدردانی می‌شود.

و من الله التوفیق

محمد کشاورز

مدیر کل آرشیو، اسناد و موزه

https://t.me/shenakht_lib

مقدمه

در سال ۱۲۸۰ ه. ش (۱۹۰۱ م) ویلیام ناکس داریسی سرمایه‌دار یهودی‌الصل استرالیایی تبعه انگلیس، با همراهی میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان، صدراعظم وقت مظفرالدین شاه، امتیاز انحصاری اکتشاف، استخراج، حمل و نقل، پالایش و صدور نفت در تمام ممالک محروسه ایران، به جز پنج ایالت شمالی را، به مدت شصت سال به دست آورد.

پس از تحصیل این امتیاز و به نتیجه رسیدن عملیات حفاری در مسجد سلیمان، ناگهان ارزش سهام داریسی بالا رفت و در سال ۱۲۸۵ ه. ش که انقلاب مشروطه به پیروزی رسید و اندیشه مخالفت با امتیازات بیگانگان در ایران قوت گرفت، زمره‌های مخالفت با امتیاز داریسی نیز آغاز شد، اما عمر کوتاه مجلس اول، برقراری استبداد صغیر و معضلات مجالس پس از استبداد صغیر مانع از آن شد که امتیاز داریسی مورد توجه و بررسی قرار گیرد.

با شروع جنگ جهانی اول و افزایش نقش نفت در تأمین سوخت کشتی‌های جنگی، اهمیت این ماده در نزد دولت انگلستان دو چندان شد و موجب گردید که

دولت مذکور برای در اختیار گرفتن امتیاز نامه داری اقدام کند.

پس از خاتمه جنگ جهانی اول، تمام دولتهای ایران تا دوره سلطنت رضاشاه، به اشکال مختلف و در سطوح کمی و کیفی متفاوت، نارضایی خویش را از سیاستهای شرکت نفت ایران و انگلیس و نادیده انگاشتن سهم واقعی ایران از درآمدهای نفت ابراز می‌داشتند، اما بحرانهای خاص آن دوران و بی‌ثباتی کابینه‌ها، هیچگاه فرصت و شرایط توجه جدی به مسأله نفت و تلاش برای احقاق حقوق ایران را فراهم نکرد. قدر مسلم این است که هم رجال سیاسی و هم عامه مردمی که نسبت به این گونه مسائل ملی دقت نظر داشتند، به خوبی بر اصل نادیده انگاشته شدن منافع ایران توسط مقامات انگلیسی وقوف داشتند و به آن معترض بودند.

پس از تأسیس سلسله پهلوی، مشاوران شاه جدید نیک می‌دانستند که باید برای اعتراضهای آشکار و پنهان اذهان عمومی چاره‌ای اندیشیده و آن را به گونه‌ای که با دعاوی سیاست مستقل حکومت جدید تعارض نداشته باشد، حل و فصل کنند. به خصوص آنکه پس از بالا گرفتن اختلاف ایران و انگلیس بر سر منافع درآمد ایران از شرکت نفت ایران و انگلیس در زمان کابینه مشیرالدوله، آرمیتاژ اسمیت، مستشار مالی دولت ایران که مورد اعتماد مقامات انگلیسی بود، مأمور حل اختلافات شد. گرچه وی با ارائه پیشنهادهایی به ایران و انگلستان موقتاً در حل و فصل کشمکش‌ها توفیق یافت، اما با سقوط کابینه مشیرالدوله و پایان دوره وزارت خارجه و ثوق‌الدوله، هیچ‌کدام از دولتهای بعدی اصول توافق دولت مشیرالدوله و آرمیتاژ اسمیت را برای احقاق حقوق ایران کافی ندانستند. به همین جهت حکومت رضاشاه نمی‌توانست نسبت به آنچه دولتهای پایان دوره قاجار معترض بودند بی‌تفاوت باقی بماند و در همان حال نیز مدعی استقلال باشد.

در کنار تمایلات رضاشاه و دولتمردانش به اتخاذ موضعی جهت احقاق حقوق ایران از شرکت نفت انگلیس، مقامات دولت بریتانیا نیز تمایل داشتند تا با حصول به توافقی رسمی و جدی با مقامات ایرانی، نقاط ضعف امتیاز داری را که از جمله مهمترین آنها عدم تصویب امتیاز مذکور در مجالس عصر مشروطه و سپری شدن مدت زمان قابل توجهی از عمر سی ساله امتیاز بود، از میان بردارند. بر این اساس و با

تمایل طرفین به حل معضل ریشه‌دار اختلافات مربوط به نفت، اعتراضهای مقامات ایرانی به شرکت نفت و مکاتبات طرفین آغاز شد و سرانجام قرارداد جدید ۱۹۳۳ جایگزین امتیازنامه داری گردید.

آنچه مسلم است امتیازنامه داری به مثابه یکی از یادگارهای عصر استبداد نمی‌توانست مورد قبول مردم ایران باشد. همگان انتظار داشتند که پس از انقلاب مشروطیت و استقرار دولت ملی تمام امتیازها و قراردادهای استعماری و زیانبار برای منافع ملی لغو گردد.

کوشش‌های کارشناسان و مقام‌های گوناگون دولت در جهت لغو یا اصلاح امتیازنامه نیز منعکس کننده خواست عمومی بود و همان‌گونه که اسناد موجود در این مجموعه نشان می‌دهد اظهار نظرها و اقدامات اولیه دست اندرکاران دولتی، زیان‌ها و خسارت‌های وارده بر منافع ایران از قبیل امتیازنامه داری را آشکار می‌کند، اما در این میان آنچه شگفت‌انگیز است دخالت ناگهانی شخص رضاشاه در فرایند امر و سوزاندن متن امتیازنامه و نهایتاً انعقاد قرارداد جدیدی است که زیان‌های آن بر منافع نفتی و ملی ایران به مراتب بیشتر از امتیازنامه داری بود.

متأسفانه اسناد حاضر برای پرکردن این‌گونه خلأها و پاسخگویی به پرسش‌هایی از این دست کافی نیست. امید است با انتشار اسناد دیگری در آینده بتوان به پاسخ مکفی و مقننی برای پرسش‌های فوق و رفع ابهام‌های موجود دست یافت.



اگرچه قرارداد آرمیتاژ اسمیت آرامش چند ساله‌ای در روابط دولت ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس ایجاد کرد، اما نتوانست به طور اساسی مشکلات موجود را برطرف کند و اختلافات از سال ۱۳۰۵ ه. ش مجدداً از سر گرفته شد. ریشه این اختلافات، ناشی از تخلف شرکت از مفاد قرارداد بود، زیرا حق‌السهم دولت ایران روز به روز کاسته شده و بر درآمد شرکت و سهام بریتانیا افزوده می‌شد. کارگران

ایرانی مورد بی‌اعتنایی شرکت بودند و به بهانه‌های گوناگون اخراج شده، کارگران چینی و هندی جایگزین آنها می‌شدند.^۱ بر این اساس بود که دولت ایران متوجه نقص و عیب‌های آشکار قرارداد اسمیت شد و به اولیای شرکت نفت خاطر نشان نمود که اسمیت اختیاری جز "حل اختلافات طرفین" نداشته است^۲ و باید قراردادی جدید تنظیم شود که منافع طرفین را به طور عادلانه تأمین کند.

گفتگوهای رسمی برای عقد قرارداد جدید، یا تجدید نظر اساسی در قرارداد داری، در سال ۱۳۰۷ ه. ش، میان تیمورتاش، وزیر دربار پهلوی و سرجان کدمن، مدیر عامل شرکت نفت ایران و انگلیس، آغاز شد. در این گفتگوها، تیمورتاش در صدد سهامدار کردن دولت ایران و ارتقای حق‌السهم از ۱۶ درصد منافع خالص به ۲۵ درصد داشت، اما کدمن و سایر اعضای هیأت مدیره نه تنها با مشارکت ایران در سهام شرکت مخالفت می‌نمودند، بلکه به بیش از ۲۰ درصد حق‌السهم نیز رضایت نمی‌دادند.

گفتگوهای تیمورتاش و کدمن به نتیجه‌ای نرسید و در سال ۱۳۰۷ ه. ش بر وخامت روابط دولت ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس افزوده شد. رضا شاه در موقع افتتاح جاده تهران - خرم‌آباد - اندیمشک و بازدید از تأسیسات شرکت، پیامی به هیأت مدیره شرکت فرستاد که دولت ایران نمی‌تواند محروم از درآمد سرشار خود بوده و شاهد چپاول آن توسط بیگانگان باشد.

شرکت نفت ایران و انگلیس برای کاهش تشنج حاکم بر روابط شرکت و دولت ایران، گفتگوهای جدیدی را آغاز کرد. بر این اساس، کلایو، وزیر مختار بریتانیا در تهران، در زمستان ۱۳۰۷ با رضا شاه ملاقات کرد؛ شاه از وی استقبال کرده و خواستار تجدید نظر در امتیاز داری و انطباق آن با شرایط جدید شد.^۳

۱. ن. ک: اسناد شماره ۱۰ و ۱۱؛ در کلیه ارجاعات به اسناد، منظور اسناد همین مجموعه است.

۲. مصطفی فاتح، پنجاه سال نفت ایران (تهران: پیام، ۱۳۵۸)، ص ۲۸۵.

۳. علی اصغر زرگر، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه، ترجمه کاوه بیات

(تهران: پروین و معین، ۱۳۷۲)، ص ۲۹۰.

متعاقب انعکاس پیام رضاشاه توسط کلایو به لندن، کدمن در اسفند همان سال به تهران آمد و با نصرت‌الدوله فیروز، وزیر مالیه، علی‌اکبر داور، وزیر عدلیه و تیمور تاش، وزیر دربار ملاقات و مذاکره کرد. کدمن در این ملاقات، از حق انحصاری شرکت در کشیدن خطوط لوله به خلیج فارس چشم‌پوشی کرد و حوزه عملیات شرکت را به ۱۰۰ هزار مایل مربع کاهش داد، اما بر تمدید مدت امتیاز به ۳۰ سال پس از پایان یافتن امتیاز داری (۱۹۶۱ میلادی) و حداکثر درآمد ایران از منافع ناخالص به میزان ۲۰ درصد اصرار ورزید، در حالی که مقامات ایرانی بر ۲۵ درصد منافع ناخالص و داشتن دو نفر مدیر در هیأت مدیره شرکت اصرار داشتند.

این گفتگوها نیز به نتیجه‌ای نرسید و کدمن مستقیماً رهسپار آمریکا شد و تا سال ۱۳۱۰ ه. ش هیچ‌گونه گفتگویی میان طرفین صورت نگرفت. آغاز نوروز ۱۳۰۸ مصادف با تظاهرات بی‌سابقه کارگران شرکت نفت در اعتراض به کمی پاداش و عیدی، کاهش ساعات کار و نیز درخواست افزایش دستمزدها بود. متعاقب این تظاهرات، تعداد زیادی از کارگران اخراج شدند و شورش با دخالت نیروهای دولتی ایران، سریعاً سرکوب گردید و غائله خاتمه یافت.

کاهش حق‌السهم دولت ایران در سال ۱۳۰۷ ه. ش و ناآرامی‌های عشایر در شهریورماه ۱۳۰۸ زمینه‌ای را برای گفتگوهای طرفین فراهم ساخت، اما دولت ایران که از گفتگوهای پیشین نتیجه‌ای نگرفته بود، چاره‌ای جز احضار کمیسر دولتی خود، میرزا عیسی خان فیض، از لندن نداشت. متعاقب این اقدام دولت ایران، شرکت نفت حق‌السهم ایران را تا مبلغ یک میلیون و چهار صد هزار لیره افزایش داد که نسبت به سال قبل بی‌سابقه بود.^۱ مبالغ مذکور در بانک ملی ایالتی لندن با بهره چهار درصد به امانت گذارده شد.^۲ به دنبال افزایش حق‌السهم، دولت ایران نیز امتیازاتی از قبیل معافیت شرکت از قوانین مالیاتی اردیبهشت ۱۳۰۹ داد و نوعی اعتماد مجدد بر روابط طرفین حاکم شد.

۱. ن. ک: سند شماره ۷۵.

۲. ن. ک: سند شماره ۷۸.

دور جدید گفتگوهای کدمن و تیمورتاش در سال ۱۳۱۰ ه.ش آغاز شد. در آغاز این سال "روزنامه شفق سرخ" طی مقالاتی شرکت و اعضای آن را آماج حملات خود قرار داد. مقالات مذکور مورد اعتراض سفارت بریتانیا قرار گرفت. به دنبال این اعتراض نامه‌هایی میان طرفین رد و بدل شد. دولت ایران ضمن تکرار خواسته‌های قبلی خود، موارد دیگری را از قبیل پیشنهاد تعیین حداقل سطح حق السهم دولت، وضع مالیات بر درآمد شرکت، افزایش تولید و عرضه نفت و مشتقات آن به داخل ایران اضافه نمود. هیچ کدام از این پیشنهادها مورد قبول کدمن و هیأت مدیره شرکت واقع نشد و کدمن طی نامه‌ای در مرداد ماه ۱۳۱۰ امکان ادامه گفتگو میان طرفین را از بین برد.

https://t.me/shenakht_lib

موضع‌گیری شدید اولیای شرکت، تیمورتاش را واداشت که قدری نرمش به خرج دهد و به همین منظور سفری به اروپا نماید. تیمورتاش در مسافرت به اروپا، در پاییز ۱۳۱۰، گفتگوهایی با کدمن انجام داد و با توافق یکدیگر طرحی مقدماتی را تنظیم کردند و قرار شد در زمستان همان سال اجرا شود. این طرح اجرا نشد و چند ماهی نگذشته بود که با حادثه‌ای غیر مترقبه، نتیجه تمام گفتگوهای طرفین از بین رفت. هنگامی که ترازنامه سالیانه شرکت برای سال ۱۹۳۱ میلادی، در ۱۳ خرداد ۱۳۱۱ تکمیل شد، کاهش فوق العاده‌ای در منافع شرکت و به همان نسبت در درآمدهای ناشی از حق الامتیاز ایران مشاهده گردید. این بار درآمد ایران در مقایسه با ۱/۲۸۸/۳۱۲ لییره و ۱/۴۳۷/۰۰۰ لییره سالهای ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ ه.ش، به ۳۰۶/۸۷۲ لییره تنزل یافته بود.^۱

توجیه شرکت این بود که بحران اقتصاد جهانی ۳۱-۱۹۲۹ میلادی باعث کاهش حق السهم دولت و به طور کلی شرکت شده است. اما این توجیه مورد قبول دولت ایران قرار نگرفت و در ششم آذر ۱۳۱۱، سید حسن تقی زاده، وزیر مالیه، مکتوب وزارت دربار مبنی بر لغو رسمی امتیاز داری را به اطلاع ژاکس، مدیر مقیم شرکت

۱. جواد شیخ الاسلامی، افزایش نفوذ روس و انگلیس در ایران (تهران: کیهان، ۱۳۶۹).

نفت ایران و انگلیس در تهران رسانید. متعاقب اقدام دولت ایران، سفارت انگلیس واکنش تندی نشان داده، تهدید نمود که "...برای حفظ منافع کمپانی از هیچ وسیله‌ای فروگذار نخواهد کرد."^۱ اما دولت ایران بی اعتنا به تهدید سفارت انگلیس، پاسخ همیشگی خود را دال بر بطلان امتیاز داری و عدم تأمین منافع ایران در آن، تکرار کرد.

به نظر می‌رسید وزرای رضا شاه از جمله تقی زاده موافق لغو امتیاز نامه داری نبوده‌اند^۲ و خود رضا شاه نقش اساسی در لغو امتیاز داشته است و به همین دلیل بود که شاه کانون توجه بعدی اولیای شرکت نفت واقع شد. در یادداشت دوم سفارت انگلیس آمده بود که "اگر دولت ایران اعلامیه لغو را پس نگیرد، دولت بریتانیا مرافعه را به دیوان داوری بین‌المللی لاهه ارجاع خواهد داد"^۳. به دنبال این یادداشت، به منظور تهدید دولت ایران، ناوگان جنگی بریتانیا در سواحل ایران پهلو گرفت و به حالت آماده باش درآمد.

بریتانیا از این تهدیدها نتیجه‌ای نگرفت و ناچار از در سازش و گفتگو وارد شد. البته ترس از مداخله شوروی در ایران، بر اساس عهدنامه مودت ۱۹۲۱ میلادی، نیز در خنثی ساختن این تهدیدها بی‌تأثیر نبود. بنابراین دور جدید گفتگوها پس از لغو امتیاز داری آغاز شد و این دوران مصادف با سقوط تیمورتاش بود؛ رضاشاه محمدعلی فروغی را عامل اصلی گفتگوها قرار داد. فروغی در ابتدا به مذاکره با وزیر مختار انگلیس پرداخت. در این مذاکره وزیر مختار انگلیس با چهره‌ای برافروخته و عصبانی تهدیدهای سابق را تکرار کرد^۴، اما فروغی بدون عقب‌نشینی از خواسته‌های پیشین دولت ایران، اعلام کرد که ایران از عقد قرارداد جدیدی که منافع طرفین را تأمین کند، استقبال می‌نماید. گفتگوهای طرفین نهایتاً به نتیجه‌ای نرسید و دولت

۱. ن. ک: سند شماره ۱۲۱.

۲. ن. ک: سند شماره ۱۱۴.

۳. ن. ک: سند شماره ۱۲۱.

۴. ن. ک: سند شماره ۱۲۹.

بریتانیا قضیه را به شورای جامعه ملل ارجاع داد. دولت ایران نیز هیأتی مرکب از علی اکبر داور، وزیر عدلیه، حسین علا، رئیس بانک ملی ایران و نصرالله انتظام رهسپار ژنو کرد تا از منافع دولت متبوعه خود دفاع نمایند. در صحن جامعه ملل، سرجان سیمون، وزیر خارجه بریتانیا و علی اکبر داور به دفاع از نظرهای دولت متبوع خود پرداختند. شورای جامعه ملل پس از استماع نظریات طرفین، ادامه قضیه را به ادوارد بنش، وزیر خارجه چکسلواکی، به عنوان میانجی واگذار کرد. بنش طرفین را به گفتگو دعوت کرد و بدین ترتیب گفتگوها در تهران دنبال شد.

دور جدید گفتگوها در بهار ۱۳۱۲ شروع شد. در چهاردهم فروردین ۱۳۱۲ هیأت نمایندگی شرکت، مرکب از یانگ، فریزر، کدمن و سایر مشاورین عازم تهران شدند. اولین دور گفتگوها توسط تقی زاده و فریزر انجام گرفت و کدمن پشت صحنه ماند. در اینجا بود که کدمن متوجه مسلوب الاختیار بودن تقی زاده شد و خود رسماً وارد عمل شده، در ۲۲ فروردین، در کاخ سعدآباد، بارضاشاه اولین دور گفتگوها را انجام داد. کدمن متوجه این نکته بود که شاه از ارجاع مجدد پرونده نفت به جامعه ملل بسیار بیمناک است، بنابراین در جلسه دومی که به حضور وی رسید، پس از اظهارات شاه، به صورت خیلی مختصر جواب داد: "حالا که می فرمایید (تمدید مدت امتیاز) نمی شود، ما حرفی نداریم، پس مرخص بفرمایید برگردیم و شکست مذاکرات را به دولت انگلستان (و از طریق آنها به جامعه ملل) گزارش بدهیم".^۱

شاه به محض شنیدن سخنان کدمن، از موضع خود کاملاً عقب نشینی کرده، تمامی پیشنهادهای کدمن، از جمله تمدید مدت امتیاز را پذیرفت. بدین ترتیب گفتگوهای کدمن با شاه در هجدهم اردیبهشت ۱۳۱۲ به امضای قرارداد معروف به "قرارداد ۱۹۳۳" انجامید که در هفتم خرداد ۱۳۱۲ به اتفاق آرا به تصویب نمایندگان مجلس شورای ملی رسید.



اسناد این مجموعه که شامل ۲۰۶ سند است، متعلق به وزارت دربار دوره رضاشاه (۱۳۱۲-۱۳۰۴ ه. ش) می‌باشد. بخش عمده این اسناد خطی است و عمدتاً سالهای بین ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۲ ه. ش را در بر می‌گیرد که بیشترین مکاتبات مربوط به سالهای ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ ه. ش است.

بخش قابل توجهی از اسناد این مجموعه به مکاتبات عبدالحسین تیمورتاش، وزیر مقتدر دربار رضاشاه با سرجان کدمن، مدیرکل و رئیس هیأت مدیره شرکت نفت ایران و انگلیس، لارینگتن ژاکس، مدیر مقیم شرکت نفت ایران و انگلیس و سایر مدیران شرکت مذکور اختصاص دارد. مکاتبات تیمورتاش و کدمن به زبان فرانسه در نوع خود بی‌نظیر هستند. اهمیت این مکاتبات به دلیل نقش برجسته‌ای است که تیمورتاش در انجام و هدایت گفتگوها داشته است.

مقالات روزنامه‌های داخلی و خارجی، گزارشهای کنسولگری ایران در بصره، گزارشهای سفارت ایران در پاریس، مکاتبات کورت لیندن بلات (مدیر بانک ملی ایران)، مکاتبات وزارتخانه‌های فلاحت، تجارت و فواید عامه و مالیه، صورت جلسات شرکت نفت ایران و انگلیس، صورت حسابهای شخصی تیمورتاش با شرکت، مکاتبات مربوط به پرداخت حق‌السهم ایران در سال ۱۹۲۹ و سپرده‌گذاری آن در بانکهای خارجی که شامل بیش از ۳۰ سند می‌باشد، متن قانون اعطای امتیاز نفت به شرکت نفت ایران و انگلیس (قرارداد ۱۹۳۳) و متن اظهارات نمایندگان ایران در شورای جامعه ملل در مورد علل لغو قرارداد داری، بخش دیگری از اسناد این مجموعه را تشکیل می‌دهند.

از لحاظ زبان تحریر، اسناد مذکور به صورت پراکنده به زبان‌های فارسی، فرانسه و انگلیسی نوشته شده‌اند. اسناد فرانسه و انگلیسی ترجمه شده و تصویر آنها نیز در انتهای کتاب آمده است. نکته آخر این که تنظیم این اسناد بر حسب ترتیب تاریخی - موضوعی صورت گرفته است. به این ترتیب که سند اصلی بر اساس تاریخ و اسناد فرعی بر حسب موضوع تنظیم شده‌اند.

https://t.me/shenakht_lib

https://t.me/shenakht_lib

راهنمای اسناد

شماره سند	موضوع	شماره صفحه
۱	مقاله مندرج در روزنامه اونینگ استاندارد راجع به تاریخچه امتیازنامه داریسی	۱
۲	رونوشت امتیازنامه نفتی داریسی	۶
۳	مکاتبه فریدالسلطنه (کمیسر نفت ایران) با وزارت فواید عامه در خصوص استخدام عملجات هندی و چینی توسط شرکت نفت ایران و انگلیس در آبادان و سایر ادارات شرکت در جنوب.....	۱۵

- ۴ مکاتبه شرکت نفت ایران و انگلیس با تیمورتاش
(وزیر دربار) در خصوص گزارش مربوط به
مطالعات استخراج نفت از ناحیه امام حسن واقع
در قصر شیرین ۱۸
- ۵ مکاتبه وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه با
شرکت نفت ایران و انگلیس در خصوص
موافقت هیأت وزیران با پیشنهادهای شرکت ۲۴
- ۶ مکاتبه وزارت مالیه با وزارت دربار در خصوص
آثار کاهش عواید شرکت نفت بر بودجه سلطنتی
و جوابیه وزارت دربار ۲۶
- ۷ مخالفت رییس کل مالیه (میلسپو) با لایحه
مالیاتی ارسالی به مجلس شورای ملی به علت
کاهش درآمد نفت ۳۰
- ۸ مکاتبات محمدحسن بدیع (کنسول ایران در
بصره) با وزارت امور خارجه در خصوص
استخدام کارکنان عراقی در کمپانی نفت جنوب و
اقدام غیرقانونی کمپانی در صدور گذرنامه برای
اشخاص ۳۲
- ۹ مکاتبه ژاکس (مدیر مقیم شرکت نفت ایران و
انگلیس) باریاست الوزراء در خصوص ابلاغ

- انتصاب گرینهوس و مصطفی فاتح به ریاست و
 معاونت اداره شرکت نفت در تهران و جانشینی
 گرینهوس در غیاب وی ۳۴
- مکاتبه محمدحسن بدیع با وزارت امور خارجه
 در خصوص اقدام کمپانی نفت جنوب در
 استخدام اتباع خارجه و اخراج کارگران ایرانی ۳۵
- مکاتبه ژاکس با وزارت دربار در خصوص دلیل
 اخراج کارگران مازاد شرکت نفت ایران و انگلیس
 و تحریکات به عمل آمده در این زمینه ۳۷
- مکاتبه وزارت مالیه با وزارت دربار در خصوص
 گزارش میرزاعیسی خان فیض راجع به علل
 کاهش قیمت نفت در بازار دنیا ۳۹
- گزارشهای کنسولگری ایران در بصره در مورد
 استخدام کارگران خارجی توسط شرکت نفت
 ایران و انگلیس و وادار ساختن کارگران ایرانی به
 جاسوسی برای دولت انگلیس ۴۲
- مکاتبه با وزارت دربار در خصوص فصل سوم
 امتیازنامه داری، قرارداد بین خوانین بختیاری و
 شرکت نفت ایران و انگلیس برای تحصیل
 اراضی در خاک بختیاری و پیشنهادهای ارایه شده ۱۴

- به منظور انعقاد قرارداد بین دولت ایران و شرکت
مذکور جهت تحصیل اراضی موردنیاز شرکت ۴۵
- ۱۵ مکاتبات سرجان کدمن (مدیرکل و رییس هیأت
مدیره شرکت نفت ایران و انگلیس) با تیمورتاش
در مورد بررسی پیشنهاد وی راجع به تغییر
بنیادی در مفاد امتیازنامه داری از طریق مذاکره و
مسئله سهام و حق الامتیاز ایران ۵۳
- ۱۶ مکاتبه ژاکس با تیمورتاش در خصوص ترتیب
استحفاظ از ناحیه هفت گل بختیاری ۵۸
- ۱۷ مکاتبات تیمورتاش با سرجان کدمن در مورد
سفر وی به تهران جهت بررسی مشکلات
امتیازنامه داری و ابراز رضایت از بازدید خود از
تأسیسات شرکت در آبادان و مسجد سلیمان و
مذاکره با سرروبرت کلایو به منظور حل
اختلافات موجود ۵۹
- ۱۸ مکاتبه وزارت دربار با حکومت خوزستان در
خصوص موافقت رضاشاه با درخواست شرکت
نفت جنوب مبنی بر اعزام صاحب منصب نظامی
برای حفاظت از منطقه هفت گل ۶۶
- ۱۹ مکاتبه ژاکس با تیمورتاش در خصوص واگذاری

- اراضی مورد احتیاج در ناحیه بختیاری به شرکت
نفت ایران و انگلیس ۶۷
- مکاتبه داود مفتاح با وزارت امور خارجه در
خصوص گزارش سفارت ایران در واشنگتن
راجع به مسافرت کدمن به آمریکا ۶۹
- مکاتبه وزیر مالیه (فیروز فیروز) با تیمورتاش در
خصوص تصمیم شرکت نفت ایران و انگلیس به
تغییر مبدأ سال مالی و کاهش حق السهم ایران ۷۴
- مکاتبه ژاکس با تیمورتاش در خصوص نحوه
اداره مناطق نفتی مسجد سلیمان و هفت گل پس
از الغاء حکومت بختیاری ۷۵
- مکاتبه وزارت جنگ با دفتر مخصوص
شاهنشاهی در خصوص مقررات مربوط به
مستحفظین شرکت نفت ایران و انگلیس ۷۷
- مکاتبه رخشانی با وزارت دربار در خصوص
ملاقات و مذاکره وی با سرجان کدمن در امور
نفتی ایران ۷۸
- مکاتبه وزیر امور خارجه (محمد علی فرزین) با
وزارت دربار در خصوص مسافرت سرجان

- ۷۹ کدمن و همراهان به آبادان
- ۲۶ مکاتبه رخشانی با وزارت دربار در خصوص
مسافرت سرجان کدمن و همسرش از طریق
عراق به ایران ۸۰
- ۲۷ قدردانی سرجان کدمن از تیمورتاش به خاطر
فراهم نمودن امکانات مسافرت وی به خوزستان ۸۱
- ۲۸ مکاتبه وزارت مالیه با وزارت دربار در خصوص
گزارش میرزا عیسی خان فیض راجع به سهام
خوانین بختیاری در شرکت نفت ایران و انگلیس ۸۲
- ۲۹ بختیاری‌های سهام‌دار در شرکت نفت ایران و
انگلیس ۸۵
- ۳۰ مکاتبه خزانه داری کل با نصرت‌الدوله فیروز
(وزیر مالیه) در خصوص تعیین وضعیت حقوقی
اراضی استیجاری شیخ خزعل و لزوم تجدیدنظر
در قرارداد شرکت نفت ایران و انگلیس و شیخ
مذکور ۸۷
- ۳۱ مکاتبه خزانه‌داری کل با نصرت‌الدوله فیروز
(وزیر مالیه) در مورد تصریح اصول بنیادی
امتیازنامه جدید داری ۹۰

- ۳۲ نامه تیمورتاش به سرجان کدمن در خصوص
تجدید نظر در ماده Z طرح متقابل امتیازنامه
جدید راجع به مالیات‌های مالی و گمرکی ۹۵
- ۳۳ مکاتبه ژاکس با تیمورتاش در خصوص قرارداد
اجاره اموال غیر منقول شیخ خزعل در خرمشهر
توسط شرکت نفت ایران و انگلیس ۹۷
- ۳۴ تلگراف‌های رمز واصله به وزارت پست و تلگراف
و تلفن در خصوص علل و روند شورش‌های
کارگران شرکت نفت ایران و انگلیس در آبادان و
سرکوب آنها توسط نیروهای پلیس ۹۹
- ۳۵ گزارش محمدحسن بدیع به وزارت امور خارجه
در خصوص اعتصاب کارگران ایرانی شرکت
نفت ایران و انگلیس در آبادان، به انضمام
مندرجات روزنامه تیمس عراق در این زمینه ۱۰۳
- ۳۶ گزارش محمدحسن بدیع به وزارت امور خارجه
در خصوص شورش کارگران نفت آبادان به دلیل
تبعیض میان آنها و کارگران هندی توسط شرکت
نفت ایران و انگلیس ۱۰۷
- ۳۷ مکاتبه عیسی خان فیض با وزارت دربار در
خصوص بی‌نتیجه ماندن تلاش‌های وی در اخذ

- اطلاعاتی از مسئولین شرکت نفت ایران و انگلیس راجع به کمپانی بهره‌برداری اولیه ۱۱۱
- مکاتبه گرینهوس با تیمورتاش در خصوص اعلام میزان نفت تحویلی شرکت نفت ایران و انگلیس به کمپانی یولن ۱۱۳ ۳۸
- پیشنهاد وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه در خصوص صدور دستور به کمپانی نفت جنوب مبنی بر حفر چاه نفت مطابق با پیشنهادهای مستر کلاپ (متخصص نفت) در مناطق سرحدی ایران و عراق ۱۱۳ ۳۹
- خبر مندرج در روزنامه تایمز مالی در مورد افزایش سهام دولت انگلیس در کمپانی نفت جنوب طی سالهای ۲۹-۱۹۱۴ ۱۱۶ ۴۰
- مکاتبه سفیر ایران در فرانسه (حسین علاء) با تیمورتاش در خصوص مخالفت با تمدید امتیازنامه داری با توجه به نظر متخصصین امر در این زمینه ۱۱۸ ۴۱
- مکاتبه گرینهوس با تیمورتاش در خصوص ارسال بیستمین صورت جلسه سالیانه شرکت نفت ایران و انگلیس ۱۲۰ ۴۲

- ۴۳ نامه ارسالی سرجان کدمن به تیمورتاش در مورد اعزام نماینده انگلیس به ایران (هرن) جهت مذاکره و بررسی پاره‌ای از مسایل مورد اختلاف ۱۴۱
- ۴۴ مکاتبه وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه با وزارت دربار در خصوص جوابیه شرکت نفت ایران و انگلیس راجع به چاههای نفت خانه ۱۴۳
- ۴۵ گزارش ارسالی به وزارت دربار راجع به لزوم انتخاب مدیرانی از جانب ایران جهت دستیابی به کلیه اطلاعات مربوط به عملیات شرکت نفت ایران و انگلیس و شرکت‌های وابسته به منظور حفظ منافع ایران و جلوگیری از حمایت احتمالی انگلیس از اکثریت سهامدار ۱۴۵
- ۴۶ نامه ارسالی به وزارت دربار راجع به مساعد نبودن شرایط شرکت نفت ایران و انگلیس جهت گسترش امتیازنامه داری ۱۴۹
- ۴۷ مکاتبه شرکت نفت ایران و انگلیس با وزارت فواید عامه در خصوص حفر چند حلقه چاه در ناحیه جبل میش داغ ۱۵۰
- ۴۸ عدم موافقت دولت ایران با انجام عملیات اکتشاف نفت در مناطق پیشنهادی شرکت نفت

- ایران و انگلیس به دلیل نبودن امنیت در آن مناطق ۱۵۱
- ۴۹ مکاتبه گرینهوس با تیمورتاش در خصوص
نقشه برداری ناحیه دشت لالی برای اقدامات
مهندسی در آن ناحیه ۱۵۲
- ۵۰ گزارش سیدحسن تقی زاده در خصوص مخالفت
عیسی خان فیض با تغییر در امتیازنامه داری و
تمدید آن ۱۵۳
- ۵۱ مکاتبات مربوط به مذاکره با هرن (نماینده شرکت
نفت ایران و انگلیس) در مورد مسایل مورد
اختلاف دولت ایران و شرکت مذکور راجع به
نحوه تجدیدنظر در امتیازنامه داری ۱۵۵
- ۵۲ اظهار نظر سیدحسن تقی زاده در مورد تجدید
امتیازنامه داری و درخواست مشخص شدن
نقش وی در مذاکرات نفت ۱۵۹
- ۵۳ مکاتبه وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه با
وزارت دربار در خصوص عدم توجه شرکت
نفت ایران و انگلیس به حفظ منافع ایران در حفر
چاههای نفت در مناطق مرزی ایران و عراق ۱۶۰
- ۵۴ مکاتبه وزارت مالیه با وزارت دربار در خصوص

- شیوه برآورد حق السهم دولت ایران از عواید نفت
 ۱۶۲ کمپانی نفت جنوب در سال ۱۹۲۹ میلادی
- ۵۵ مکاتبه ژاکس با تیمورتاش در خصوص دعوت
 به نصب ایستگاه ثبت ارتعاشات زلزله در مسجد
 ۱۶۷ سلیمان
- ۵۶ مکاتبه سیدحسن تقی‌زاده با تیمورتاش در
 خصوص شکل خطاب در جوابیه ارسال از دفتر
 ۱۶۸ مخصوص در پاسخ به تلگرافهای سرجان کدمن
- ۵۷ مکاتبه مصطفی فاتح (معاون مدیر مقیم شرکت نفت ایران
 و انگلیس) با تیمورتاش در خصوص ارسال صورتحساب
 ۱۶۹ شخصی وی با شرکت نفت ایران و انگلیس
- ۵۸ مکاتبه ماکس. ام. دیکسن با تیمورتاش در
 خصوص تبعات سیاسی و اقتصادی کشیدن
 ۱۷۴ خطوط لوله نفت به خلیج فارس
- ۵۹ پیشنهاد کورت لیندن بلات (مدیر بانک ملی
 ایران) به تیمورتاش راجع به انتخاب بانک برای
 سپردن حق سهم ایران از عایدات شرکت نفت
 ایران و انگلیس، به انضمام سؤال تیمورتاش از
 نبودن نام بانکهای انگلیسی در فهرست
 ۱۷۶ پیشنهادی وی

- ۶۰ ابراز امتنان تیمورتاش از شرکت نفت ایران و انگلیس به خاطر افزایش عواید ایران ۱۷۹
- ۶۱ مکاتبه کورت لیندن بلات با مهدی قلی هدایت (رییس الوزراء) در خصوص ارسال فهرست بانکهای پیشنهادی خود جهت سپردن ۱۴۵۰۰۰۰ لیره استرلینگ حق سهم دریافتی ایران از شرکت نفت ایران و انگلیس ۱۸۰
- ۶۲ مکاتبه سیدحسن تقی زاده با تیمورتاش در خصوص نرخ سود بانکهای آلمان بابت وجوه ذخایر دولتی ۱۸۲
- ۶۳ پیشنهاد کورت لیندن بلات به تیمورتاش راجع به نحوه سپردن ۱۴۵۰۰۰۰ لیره حق سهم ایران از عایدات شرکت نفت ایران و انگلیس در چند بانک مختلف ۱۸۴
- ۶۴ مکاتبه تیمورتاش با ژاکس راجع به انتخاب بانک جهت سپردن حق سهم ایران از شرکت نفت ایران و انگلیس و ارسال فهرست بانکهایی که تاکنون به وی پیشنهاد شده، به انضمام نرخ بهره آنها ۱۸۵
- ۶۵ نامه تیمورتاش به ویلکینسن راجع به انتخاب بانک جهت سپردن حق السهم ایران از شرکت

- نفت ایران و انگلیس و معرفی چهار بانک بزرگ
لندن توسط ویلکینسن ۱۸۸
- مکاتبه ژاکس با وزارت دربار در خصوص ودیعه
گذاشتن حق السهم دولت ایران در بانک نشنال
پروونشیال و جوابیه وزارت دربار ۱۹۰
- نامه ارسالی تیمورتاش به ویلکینسن در
خصوص کسب اطلاعاتی راجع به نرخ بهره
پیشنهادی بانک‌های معتبر برای سپرده‌های ایران ۱۹۲
- مکاتبه ژاکس با تیمورتاش در خصوص تلاش
وی در امانت گذاردن حق السهم دولت ایران در
بانک‌های لندن ۱۹۳
- پرداخت دو درصد بهره توسط بانک نشنال
پروونشیال بابت امانت گذاشتن حق السهم ایران
از شرکت نفت ایران و انگلیس در بانک مذکور ۱۹۴
- مکاتبه ویلکینسن با تیمورتاش در خصوص
ارسال نرخ بهره پیشنهادی چهار بانک بزرگ لندن
برای سپرده‌های ایران ۱۹۵
- مکاتبه ژاکس با تیمورتاش در خصوص بهره قابل
پرداخت بانک نشنال پروونشیال به سپرده گذاری ۷۱

- حق‌السهم ایران از شرکت نفت ایران و انگلیس
در بانک مذکور ۱۹۷
- ۷۲ مکاتبه تیمورتاش با ژاکس در مورد تصمیم ایران
جهت سپردن حق سهم سال ۱۹۲۹ در بانک نشنال
پروونشیال ۱۹۸
- ۷۳ مکاتبه تیمورتاش با ویلکینسن در مورد تصمیم
ایران مبنی بر سپرده گذاری در بانک شاهنشاهی ۱۹۸
https://t.me/shenakht_lib
- ۷۴ مکاتبه عبدالحسین تیمورتاش با لیندن بلات در
خصوص ابلاغ مصوبه هیأت وزیران راجع به
معرفی اسامی چندین بانک جهت سپرده گذاری
حق‌السهم ایران بر حسب لیره استرلینگ ۱۹۹
- ۷۵ تشکر تیمورتاش از ژاکس به خاطر اقدامات وی
جهت افزایش نرخ بهره سپرده گذاری حق‌السهم
ایران در بانک نشنال پروونشیال ۲۰۴
- ۷۶ مکاتبه ژاکس با تیمورتاش در خصوص امانت
گذاشتن حق‌السهم دولت ایران در بانک نشنال
پروونشیال ۲۰۵
- ۷۷ مکاتبه ژاکس با تیمورتاش در خصوص
سپرده گذاری حق‌السهم ایران در بانک ایالتی ملی ۲۰۷

- ۷۸ مکاتبه تیمورتاش با ژاکس در خصوص اقدامات مدیریت شرکت نفت ایران و انگلیس جهت سپرده گذاری حق السهم سال ۱۹۲۹ ایران ۲۰۸
- ۷۹ مکاتبه ژاکس با وزارت دربار در خصوص وضعیت نواحی گچ پوکک و گچ کروقلی ۲۱۰
- ۸۰ مکاتبه ژاکس با تیمورتاش در خصوص منافع شرکت نفت ایران و انگلیس در سال ۱۹۲۹ ۲۲۵
- ۸۱ سواد قرارداد منعقدہ بین وزارت مالیه و شرکت نفت ایران و انگلیس در خصوص مالیات وارده بر عواید خالص شرکت ۲۲۷
- ۸۲ مکاتبه کورت لیندن بلات با شرکت نفت ایران و انگلیس در خصوص معافیت آن شرکت از تعهدات ماده ششم قانون ۳۱ تیر راجع به واردات کالا ۲۲۹
- ۸۳ مکاتبه میرزا عیسی خان فیض با وزارت مالیه در خصوص عواقب نظام مالیاتی ایران بر عواید خالص کمپانی نفت جنوب، به انضمام مکاتبه مک لین تاک با نامبرده در این زمینه ۲۳۰

- ۸۴ مکاتبه گرینهوس با وزارت دربار در خصوص
مخارج حمل و نقل و توزیع نفت و مصرف بنزین
و نفت در ایران..... ۲۳۹
- ۸۵ مکاتبه شرکت نفت ایران و انگلیس با وزارت
مالیه در خصوص تأدیه مبلغ ۱۰۹۶۵۰ لیره به آن
شرکت به دلیل تعدیل محاسبات حق السهم
دولت ایران طی سالهای ۲۹-۱۹۲۴..... ۲۴۸
- https://t.me/shenakht_lib
- ۸۶ مکاتبه شرکت نفت ایران و انگلیس با وزارت
مالیه در مورد نحوه تسویه حق السهم دولت ایران..... ۲۴۹
- ۸۷ مکاتبه شرکت نفت ایران و انگلیس با وزارت
اقتصاد ملی در خصوص معافیت مالیاتی شرکت
از واردات ملزومات عملیات نفتی و مایحتاج
کارکنان آن شرکت در حدود امتیازنامه نفتی به
ایران..... ۲۵۰
- ۸۸ صورت حساب شخصی تیمورتاش با شرکت نفت
ایران و انگلیس..... ۲۵۲
- ۸۹ درخواست شرکت نفت ایران و انگلیس از
وزارت اقتصاد ملی مبنی بر تکذیب مطالب
مندرج در مقالات توهین آمیز روزنامه شفق سرخ
نسبت به شرکت نفت ایران و انگلیس..... ۲۵۳

- ۹۰ مکاتبه گرینهوس با تیمورتاش در خصوص
ارسال مقالات توهین آمیز مندرج در روزنامه
شفق سرخ ۲۵۵
- ۹۱ انتقاد سرجان کدمن از سیاست‌های دولت ایران
در عدم همکاری با شرکت نفت ایران و انگلیس ۲۶۵
- ۹۲ مکاتبه گرینهوس با تیمورتاش در خصوص
استقبال سرجان کدمن از پیشنهاد وی مبنی بر
پذیرایی از انصاری در لندن ۲۶۶
- ۹۳ مکاتبه گرینهوس با تیمورتاش در خصوص
موافقت سرجان کدمن با حضور ال‌کینگتن در
هیأت تحقیقه خزائن صنعتی به شرط هیچ‌گونه
مسئولیتی برای شرکت ۲۶۷
- ۹۴ مکاتبه حسین علاء (سفیر ایران در پاریس) با
تیمورتاش در خصوص ارسال نظرات پیشنهادی
یکی از تجار ایرانی در مورد لزوم مشارکت ایران
در هیأت مدیره نفت جنوب از طریق خرید سهام
کمپانی مزبور ۲۶۸
- ۹۵ متن بیست و دومین صورت جلسه شرکت نفت
ایران و انگلیس در لندن ۲۷۸

- ۹۶ مکاتبه سرجان کدمن با تیمورتاش در مورد موقعیت بازار نفت و لزوم اتخاذ تدابیری جهت حل اختلافات مالی مربوط به وامها و حق الامتیاز..... ۲۹۲
- ۹۷ مکاتبه ژاکس با تیمورتاش در خصوص آثار صدور نفت از ایران توسط اشخاص بر کاهش ارز شرکت نفت ایران و انگلیس در بانکها..... ۲۹۵
- ۹۸ https://t.me/shenakht_lib مراسله سیدحسن تقی زاده به وزارت امور خارجه در خصوص معرفی وکلای حقوقی و متخصصین امور مالی و حسابداری جهت بررسی مسائل حقوقی و مالی شرکت نفت ایران و انگلیس ۲۹۸
- ۹۹ مکاتبه سفیر ایران در فرانسه (حسین علاء) با تیمورتاش در خصوص تعلق گرفتن مالیات بر شرکت نفت ایران و انگلیس و شرکتهای تابعه..... ۳۰۰
- ۱۰۰ مکاتبه میرزا عیسی خان فیض با تیمورتاش در خصوص ملاقات با سرجان کدمن و نتایج مذاکرات به عمل آمده با وی، به انضمام مکاتبه صورت گرفته در این زمینه ۳۰۱
- ۱۰۱ نامه تیمورتاش به سرجان کدمن در مورد موافقت رضاشاه با نتایج مذاکرات به عمل آمده بین طرفین

- در لندن، مخصوصاً اعطای ۲۵٪ سهام شرکت
 نفت ایران و انگلیس به ایران ۳۰۸
- ۱۰۲ ابراز امیدواری تیمورتاش برای بازدید از
 تأسیسات شرکت نفت ایران و انگلیس و تشکر از
 سرجان کدمن به خاطر ارسال عکس و فیلم‌های
 سینمایی برای وی ۳۰۹
- ۱۰۳ مکاتبه ژاکس با وزارت دربار در خصوص ارسال
 قبوض بدهی تیمورتاش بابت لوازم التحریر ۳۱۰
- ۱۰۴ مکاتبه کنسولگری ایران در بصره با وزارت
 امور خارجه در خصوص ارسال ترجمه روزنامه
 تیمس عراق تحت عنوان "منافع انگلیس در
 ایران" ۳۱۲
- ۱۰۵ دعوتنامه ژاکس از وزیر دربار به صرف شام ۳۱۶
- ۱۰۶ بیست و سومین صورت جلسه مجمع عمومی
 شرکت نفت ایران و انگلیس ۳۱۷
- ۱۰۷ مکاتبه نادر آراسته با وزارت دربار در خصوص
 مراسله شرکت نفت ایران و انگلیس به حکومت
 خوزستان راجع به ویزای سالیانه برای رؤسای
 بندرگاه برای تردد در آبادان ۳۳۰

- ۱۰۸ درخواست شرکت نفت ایران و انگلیس مبنی بر
اجازه عزیمت هیأت فنی شرکت به وسیله
هوایما به بندر لنگه، بندرعباس و جزیره قشم
جهت نقشه برداری ۳۳۵
- ۱۰۹ مکاتبه گرینهوس با وزارت دربار در خصوص
ارسال رونوشت درخواست شرکت نفت ایران و
انگلیس به اداره صنعت راجع به نقشه برداری
تاحیه قشم ۳۳۷ https://t.me/shenakht_lib
- ۱۱۰ گزارش سفارت ایران در لندن راجع به مسافرت
کدمن به آمریکا و استقبال شرکت نفت از انعقاد
قرارداد جدید با ایران ۳۴۰
- ۱۱۱ رونوشت نطق سرجان کدمن در مجمع سالیانه
انستیتوی نفت آمریکا در ۱۶ نوامبر ۱۹۳۲ ۳۴۲
- ۱۱۲ یادداشت تیمورتاش به وزارت مالیه در خصوص
مکاتبه آن وزارتخانه با کمپانی نفت جنوب راجع
به عدم تأمین منافع ایران در امتیاز داری و اعلان
الغاء آن امتیاز ۳۴۷
- ۱۱۳ مکاتبه وزارت مالیه با شرکت نفت ایران و
انگلیس در خصوص تصمیم دولت ایران به الغاء
امتیاز داری ۳۴۹

- ۱۱۴ نامه سید حسن تقی‌زاده (وزیر مالیه) به وزارت
دربار در خصوص تلگراف رمز میرزا عیسی خان
فیض راجع به اثرات زیان بار الغای امتیازنامه
داری بر موقعیت بازار نفت ایران و لزوم تغییر
لحن مطبوعات ایران در این خصوص ۳۵۰
- ۱۱۵ اخبار مندرج در روزنامه منچستر گاردین راجع به
تاریخچه امتیازنامه داری و دلایل الغای آن ۳۵۲
https://t.me/shenakht_lib
- ۱۱۶ کسب تکلیف باقر کاظمی (سفیر ایران در عراق)
از وزارت دربار در خصوص اعلام الغاء امتیاز
داری به دولت عراق..... ۳۵۵
- ۱۱۷ مکاتبه سفارت ایران در بغداد با وزارت
امور خارجه در مورد اخبار مندرج در مطبوعات
عراق راجع به الغای امتیازنامه داری ۳۵۷
- ۱۱۸ مکاتبه عنایت الله سمیعی (سفیر ایران در آلمان)
با وزارت دربار در خصوص بازتاب الغاء
امتیازنامه داری در نشریات آلمان ۳۶۲
- ۱۱۹ مکاتبه فریدالسلطنه با وزارت دربار در خصوص
معایب و نواقص قرارداد ۵ دسامبر ۱۹۲۱ آرمیتاژ
اسمیت و پیشنهادهای در مورد انعقاد قرارداد
جدید دولت ایران و شرکت نفت ایران وانگلیس ۳۶۵

- ۱۲۰ خبر مندرج در روزنامه تایمز راجع به رشد سهام
شرکت نفت ایران و انگلیس ۳۷۵
- ۱۲۱ اعتراض سفارت انگلیس در تهران به اقدام یک
جانبه ایران در الغای امتیازنامه داری و تقاضای
استرداد اعلامیه الغاء امتیازنامه مذکور، به انضمام
جوابیه سفارت ایران در لندن در این زمینه ۳۷۶
- ۱۲۲ تلگراف ارسالی به وزارت دربار در خصوص
لزوم تهیه یادداشت محکمی در جواب اولتیماتوم
سفارت انگلیس در تهران درباره الغای امتیازنامه
داری ۳۸۷
- ۱۲۳ تلگراف حکومت خراسان به وزارت دربار در
خصوص عکس العمل روسیه نسبت به
اولتیماتوم انگلیس به ایران ۳۸۸
- ۱۲۴ مکاتبه وزارت دربار با وزارت امور خارجه در
مورد گزارش تشکیلات کل نظمیه مملکتی راجع
به تکذیب شایعه برداشتن تابلوهای شرکت نفت
ایران و انگلیس ۳۸۹
- ۱۲۵ مکاتبه محمدعلی فروغی با تیمورتاش در
خصوص مخابره تلگراف به ژنو و لندن و جوابیه

- به تلگراف مسیو اونول راجع به حل اختلافات
شرکت نفت ایران و انگلیس و دولت ایران در
شورای جامعه ملل ۳۹۰
- ۱۲۶ تلگراف به انصاری مبنی بر مذاکره با سرجان
کدمن در خصوص لزوم مسافرت وی به ایران
برای انعقاد قرارداد جدید نفتی و عدم مداخله
دولت انگلیس در قضیه امتیازنامه داری ۳۹۴
- https://t.me/shenakht_lib
- ۱۲۷ یادداشت تهیه شده در زمینه الغای امتیازنامه
داری ۳۹۵
- ۱۲۸ متن اظهارات نمایندگان ایران در شورای جامعه
ملل در خصوص علل لغو امتیاز داری توسط
دولت ایران ۴۰۱
- ۱۲۹ مکاتبه محمدعلی فروغی (وزیر امور خارجه) با
وزارت دربار در مورد درخواست دولت انگلیس
جهت استرداد مراسله وزارت مالیه راجع به الغای
امتیازنامه داری و آمادگی این کشور جهت
مذاکره دوستانه با ایران ۴۱۵
- ۱۳۰ متن قانون اعطای امتیاز نفت به شرکت نفت
ایران و انگلیس (قرارداد ۱۹۳۳) ۴۱۶

https://t.me/shenakht_lib

https://t.me/shenakht_lib

سند شماره ۱

مقاله مندرج در روزنامه اونینگ استاندارد راجع به تاریخچه
امتیازنامه داری

داری

از روزنامه اونینگ استاندارد
به قلم ایان کاستر

اگر برحسب تصادف و اتفاق مشاوره [ای] در اداره یکی از وکلای حقوقی، در یکی از شهرهای استرالیا به عمل نمی آمد، وسیعترین معادن نفت دنیا امروز در قبضه اختیار بریتانیا واقع نمی شد و معادن عظیمی که به اسم شرکت نفت ایران و انگلیس معروف گردیده هرگز وجود پیدا نمی کرد. ویلیام ناکس داری مستشار حقوق در شهر کوچک خودش، فقط در رشته کار خویش دخالت داشته است. این شخص بر اثر

اندوختن مکتب و مال داخل امور مالی بین‌المللی گردید. امروز که امتیازنامه اصلی وی مورد اعتراض دولت ایران واقع شده، شکل و قیافه وی از دور نمایان گردیده است.

حکایت داری بیشتر به افسانه شبیه است. در سال ۱۸۴۹ در نیوتن ابات واقعه در دیوانشایر متولد گردید و در سال ۱۸۶۶ هنگامی که داری جوان به سن هفده سالگی رسیده و در "وست می نستر" مشغول تحصیل بود، پدرش که وکیل حقوقی بود، خانواده‌اش را به استرالیا منتقل ساخت. داری (یعنی پدر داری صاحب امتیاز نفت) در "راک هامپتون" واقع در "کونیس لند" به امر وکالت عمومی اشتغال ورزید و عاقبت پسرش نیز در آن رشته داخل شد.

ممکن است داری در عالم خیال و تصور اندیشه‌هایی کرده و خواب‌هایی برای آتیۀ خود دیده باشد، ولی به طور قطع و یقین آنچه در زندگانی او به تحقق می‌پیوست، در آیینۀ خیال و تصور وی هرگز نقش نبسته بود.

یک روز در اواخر قرن نوزدهم یک نفر از اربابان رجوع که چویدار و گله‌بانی موسوم به "ساندی مرگان" بود، داخل اطاق کار داری شد. مرگان در کوه و مزرعه محل وسیعی برای پرورش اغنام داشت. همین که داخل اطاق شد یک قطعه سنگ روی میز داری انداخت و گفت "این چیست و از چه جنسی است؟" در پشت منزلگاه من یک کوه از این سنگ موجود است."

داری نظری از روی دقت به سنگ انداخته و تصور کرد که سنگ مزبور بلور کوهی طلا است، آنگاه آن را برای تجزیه به "سیدنی" فرستاد. هنگامی که راپرت قضیه به او داده شد، دانست که مکتب و ثروت در حیطة تصرف وی درآمده است. این قضیه ابتدای اکتشاف در معدن مشهور ماونت مرگان است که یکی از عجایب دنیا می‌باشد. در ازاء صرفه‌جویی‌های وی و اقداماتش به عنوان یک نفر مدیر و تشکیل دهنده، یک ثلث از مجموع سرمایه را که بالغ بر ۱۰۰۰/۰۰۰ لیره بود، او گرفت. معدن شروع به ترقی گذارد و پس از ده سال داری در پشت میز کار خود نشست و به احتیاجات و تقاضاهای گله‌داران ارباب رجوع خود گوش فرا داد. ضمناً مراقبت نمود تا سرمایه‌اش روی به فزونی نهاد.

شاید این فقره پایان ماجرای زندگانی وی باشد، ولی این طور نبود و مستشار مزبور تنها از راه استخراج معادن مکنت اندوزی نمی‌کرد. ویلیام ناکس داریسی تصمیم گرفت^۱ که قدری جهانگردی نموده و به اتفاق زوجه‌اش قسمتی از جهان را ببیند. در آن موقع جمله تعینات و تمکانات وی بالغ بر ۱۰۰/۰۰۰ لیره بود و در هنگام حرکت دستور داد یک قسمت از سهامش (آن موقع سهمی ۸ لیره ارزش داشت) فروخته شود.

نخست خانواده داریسی به مصر رفتند، آنگاه به ایتالی و در آخر به وینه. ولی از وقت استفاده می‌کردند، بر حسب اتفاق داریسی یکی از شماره‌های قدیم روزنامه تایمز را در وینه ملاحظه کرد. در آن شماره اعلانی سندج بود مبنی بر این که اگر داریسی به صرافان خود در لندن مراجعه نماید، اطلاعاتی کسب خواهد کرد که به نفع او تمام خواهد شد. داریسی عجله‌ای در جواب دادن نداشت، ولی زوجه‌اش او را مجبور کرد که اقدام فوری به عمل آورد. بالاخره موقعی که به لندن مراجعت نمود، مشاهده کرد که در غیاب وی سهامش ترقی کرده و به ۱۷ لیره بالغ گشته و اکنون در نتیجه ترقی سهام مکنتش به ۱/۲۰۰/۰۰۰ لیره بالغ گشته است. اولین اقدامش بعد از ورود به لندن که حکایت از طبع بذال و پرسخا و سرشار وی می‌نماید - این بود که مبالغ هنگفتی به دوستان قدیم خود که سهام خویش را با قیمت نازلی فروخته بودند اعطا نمود. به این معنی که ۷۰/۰۰۰ لیره در میان آنها تقسیم نمود.

مملکت غیر مکشوفه

زندگانی میلیونری او را مشمئز ساخت. داریسی احساس تمایلی فوق‌العاده برای کار کردن نمود که دوباره مشغول کار شده و سرمایه خود را به کار اندازد. به علت غیر معلومی تصمیم گرفت^۲ که به سرزمینی برود که اسباب ثروتمندی وی شده و در آنجا

۱. در اصل: نمود.

۲. در اصل: نمود.

هم خود را صرف اکتشاف معدن نفت نماید. دوباره بر حسب تصادف در اینجا هم اتفاق ملاقاتش با شخصی افتاد. این بار با یک جوان ایرانی موسوم به کتابچی ملاقات نمود که شرحی از چشمه سارهای نفت شمال مملکتش برای داری نقل کرد. اگرچه از چندین قرن پیش نفت در ایران وجود داشته و لیکن مورد اکتشاف واقع نشده بود. کلیه نفت از اتازونی^۱ و روسیه، هند و هلند وارد می شد. داری از شوق به هیجان آمده و یک نفر متخصص معرفه الارض^۲ برای اکتشاف فرستاد. دو گوشه منطقه نفت به طول ۳۰۰ میلی پیدا شد و در سال ۱۹۰۱ داری به اطمینان مشاهدات خویش، امتیازنامه بسیار مهمش را از شاه برای استخراج گاز طبیعی و نفت و آسفالت در تمامی ایران به استثنای پنج ایلات شمالی برای مدت شصت سال گرفت. تپه های بی درخت و خالی از سکنه و دره هایی که از ایام سقوط پادشاهان ساسانی جولانگاه کفتار و شغال و معبر ایلات و عشایر گردیده بود، مورد تفتیش قرار گرفتند. در میدان نفتون چادری برپا کردند. در این سرزمین نهرها و سدهایی از ایام قدیم وجود داشت که قطرات نفت در میان آنها می چکیده و عشایر و ایلات وحشی آن را مورد معامله قرار می دادند.

اطلال^۳ و خرابه های مسجد سلیمان در نزدیکی میدان نفتون واقع شده بود. در ایام زردشتیان یا آتش پرستان نفت به مصرف افروختن آتش ابدی این مکان مقدس می رسیده است.

ولی مته ها و مثقب های صنعت، صلح و سکونی که از دیرگاه در آن سرزمین حکمفرما بود بر هم زد. داری شرکت خود را برای اندوختن ثروت دیگری تشکیل داد. اشکالات زیادی بدو مواجه گردید. لوازم کار را می باید الاغ و شتر حمل نماید و پرت^۴ کافی هم وجود نداشت و می بایستی یک رشته لوله از میان کوهها بگذرد.

۱. کشور ایالات متحده آمریکا.

۲. زمین شناسی.

۳. جای های بلند و برجسته از خانه های خراب.

۴. بندر.

غلبه بر مشکلات

دو سال تمام پیشوایان این امر خطیر جان‌کنند و رنج کشیدند. در سال ۱۹۰۳ سرمایه کم آمد. داریسی ۳۰۰/۰۰۰ لیره از مکنت شخصی خود را صرف حفر کردن چاه در دل سنگ کرده بود، فقط دو چاه کوچک را توانسته بود حفر کند. اشکالاتی مالی شروع شد. همین که آلمانها متوجه اهمیت امتیاز نامه گردیدند شروع به اقداماتی نمودند و پیشنهادهای به داریسی دادند و بالاخره فشارهای زیادی بر او وارد آوردند. ولی او از قبول پیشنهادات آنها سرباز زده راضی به قبول مالکیت خارجی نشد. از طرف لرد "استراتکونا" رئیس کمپانی نفت بورما به او مدد رسید و مبارز الیه سندیکایی برای اکتشاف سایر قسمت‌های حوزه امتیاز نامه تشکیل داد. پیشاهنگان با یکدیگر شروع به مبارزه بر علیه مشکلات لایحصایی که پی در پی رخ می‌نمود کردند و راههای قاطر روی در میان کوهها ایجاد کرده و یک رشته لوله به طول ۱۵۰ میل تا دریا ساختند. آنگاه شروع به احداث راه آهن‌ها و کشتی‌ها و سدها و تصفیه‌خانه‌ها^۱ نمودند.

در سال ۱۹۰۸ شرکت نفت انگلیس و ایران تشکیل یافت و لرد استراتکونا به سمت ریاست و داریسی به سمت مدیر آن انتخاب گردیدند. امیرالبحری انگلستان به اهمیت حیاتی نفت از لحاظ سوخت برای بحریه واقف گشت و بزرگترین متخصص نفت در دنیا، یعنی پروفیسور (اکنون سرجان) کدمن^۲ برای تحقیقات به معادن نفت ایران اعزام گشت.

نتیجه این شد که در تاریخ دهم اوت ۱۹۱۴، یعنی شش روز بعد از آن که انگلستان اعلان جنگ با آلمان داده بود، پیشنهاد این که سرمایه دولت در شرکت نفت گذارده شود مورد تصویب مقام سلطنت واقع شد. امروز دولت انگلیس ۷۱ میلیون لیره^۳ در

۱. در اصل: تصفیه‌خانهها.

۲. Sir John Cadman؛ در اسناد این مجموعه، نام این شخص به صورت‌های مختلفی آمده

که همگی به سرجان کدمن، تبدیل شده‌اند.

۳. در اسناد این مجموعه، این کلمه به صورت میلیون نیز آمده که همگی به میلیون، ←

سهام عادی شرکت دارا می باشد و اکثریت سهام در دست دولت است. داری در سال ۱۹۱۷ وفات یافت و در زمان حیات خودش تحقق خیالات خویش را به رأی العین مشاهده نمود، زیرا نفتی که او طرف جستجو و اکتشاف قرار داده بود در مقدرات ملی اهمیت فوق العاده ای پیدا کرده بود.

[حاشیه بالا، چپ، به خط تیمورتاش:] ضبط دوسیه الغای امتیاز نفت.

https://t.me/shenakht_lib

سند شماره ۲

رونوشت امتیازنامه نفتی داری

وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه

سواد امتیاز نامچه نفت و موم طبیعی معدن

مابین دولت اعلی حضرت شاهنشاهی از یک طرف و ویلیام کنکس رانتید شهر لندن نمره ۴۲ گرس ویز (من بعد در تمام امتیازنامه به جای اسامی و محل توقف و غیره مختصراً صاحب امتیاز قید خواهد شد) از طرف دیگر موافق این امتیازنامه تفصیل ذیل مقرر شده است.

فصل اول

حدود و موضوع امتیاز

دولت اعلیٰ حضرت شاهنشاه ایران به موجب این امتیازنامه اجازه مخصوصه به جهت تفتیش و تفحص و پیدا کردن و استخراج و بسط دادن و حاضر کردن برای تجارت و نقل و فروش محصولات ذیل که عبارت از گاز طبیعی و نفت و قیر و موم طبیعی باشد، در تمام وسعت ممالک ایران، در مدت شصت سال، از تاریخ امروز اعطا می نمایند.

https://t.me/s/bnakht_lib فصل دوم

حق کشیدن لوله و بنای تأسیسات لازمه

صاحب این امتیاز دارای حق بالانحصار کشیدن لوله های لازمه از سرچشمه های نفت و قیر و غیره تا خلیج فارس و کذالک شعبات لازمه لوله های فوق به جهت توزیع و تقسیم نفت به جاهای دیگر خواهد بود و کذالک حق بنای چاههای نفت و حوضها و محل تلمبه و مواقع جمع و تقسیم و یا تأسیس کارخانه و غیره از هر چه که لازم باشد خواهد داشت.

فصل سوم

حق تملیک اراضی و مستثنیات آن

دولت علیه ایران اراضی بایره خود را در جایی که مهندسین صاحب امتیاز به جهت بنا و تأسیس کارهایی که در فوق مذکور است لازم بدانند، مجاناً به صاحب امتیاز واگذار خواهند کرد، و اگر آن اراضی دایره باشند، صاحب امتیاز باید آنها را از دولت به قیمت عادلانه خریداری نماید و دولت علیه به صاحب امتیاز نیز حق می دهد که اراضی و

املاک لازمه را به جهت اجرای این امتیاز، از صاحبان ملک به رضایت آنها ابتیاع نماید و معلوم است که این ابتیاع موافق شرایطی خواهد بود که مابین صاحب امتیاز و مالکین ملک مقرر خواهد شد. ولی صاحبان املاک مجاز نخواهند بود که از قیمت عادلانه اراضی واقعه در حول و حوش تجاوز نمایند. جاهای مقدسه و جمیع متعلقات آنها در دایره [ای] که دویست ذرع شعاع آن باشد، مجزی و مستثنی هستند.

فصل چهارم

https://t.me/shenakht_lib

مالیات معادن موجوده

چون معادن نفت شوشتر و قصر شیرین و دالکی و بندر بوشهر که بالفعل دایر و مبلغ دوهزار تومان جمع دیوانی دارند و متعلق به دیوان همایون اعلی می باشند، شرط شد که آنها را نیز دولت به موجب فصل اول به صاحب امتیاز واگذار نماید، مشروط بر این که علاوه بر صدی شانزده مذکوره در فصل دهم که باید به دولت برسد، صاحب امتیاز همه ساله دوهزار تومان جمع حالیه معادن مذکوره را نیز به دولت کارسازی دارد.

فصل پنجم

حق داشتن مهندسین

طرح ریزی و نقشه کار گذاشتن لوله ها به توسط مهندسین صاحب امتیاز و یا خود او خواهد بود.

فصل ششم

حدود امتیاز

قطع نظر از آنچه در فوق ذکر شده، این امتیاز شامل ولایات آذربایجان و گیلان و مازندران و خراسان و استرآباد نخواهد بود. ولی به شرطی که دولت علیه به هیچ کس اجازه ندهد که لوله‌های نفت به طرف رودخانه‌ها و سواحل جنوبی ایران تأسیس نماید.

فصل هفتم

https://t.me/shenakht_lib

تمام اراضی که به صاحب امتیاز واگذار شده و همچنین اراضی که صاحب امتیاز به موجب فصل سوم استملاک خواهد کرد و همچنین تمام محصولات آنها که به خارجه حمل شود، از هر نوع مالیات و عوارض در مدت این امتیاز نامه معاف خواهد بود و تمام اسباب و آلات لازمه برای تفتیش و تفحص و استخراج معادن و بسط آنها و کذاک به جهت تأسیس لوله‌ها در وقت دخول به ایران به هیچ وجه من الوجوه، حقوق گمرک را نخواهند پرداخت.

فصل هشتم

تفتیش و استخراج نفت به فوریت

صاحب امتیاز نامه مکلف است که بدون تعلل و تأخیر به خرج خود یک یا چند نفر را از اهل خبره به ایران به جهت تفتیش صفحاتی که صاحب امتیاز احتمال وجود معادن مزبوره را در آنها می‌برد، بفرستد و در صورتی که راپورت‌های آن اشخاص خبره به عقیده صاحب امتیاز کافی باشد، صاحب امتیاز مکلف است که بدون تأخیر و به خرج خود اجزای علمی لازمه با اسباب و آلات و ادوات استخراج به جهت تعمیق و کندن چاهها و امتحانات لازمه بفرستد.

فصل نهم

حق تأسیس شرکت‌ها

دولت علیه ایران به صاحب امتیاز اجازه می‌دهد که یک یا چند شرکت به جهت انتفاع از آن امتیاز تأسیس نماید. اساس و نظامنامه و سرمایه آن شرکت‌ها به توسط صاحب امتیاز معین خواهد شد. مشروط بر این که در ایجاد هر شرکتی، صاحب امتیاز آن ایجاد را رسماً به توسط کمیسر به دولت اطلاع بدهد. و نظامنامه آن شرکت را با تعیین محلی که شرکت مزبور باید در آنجا کار کند، به دولت اظهار دارد و مدیرهای شرکت‌ها نیز به توسط او انتخاب خواهند شد. این شرکت یا آن شرکت‌ها تمام حقوق صاحب امتیاز را خواهند داشت، ولی از طرف دیگر آنها باید تمام تعهدات و مسئولیت صاحب امتیاز را نیز در عهده خود گیرند.

فصل دهم

اسهام و حقوق نقدی دولت

بین صاحب امتیاز از یک طرف و شرکتی که تشکیل کند از طرف دیگر قرار داده خواهد شد که یک ماه بعد از تاریخ تأسیس رسمی شرکت اول، صاحب امتیاز مکلف است مبلغ بیست هزار لیره انگلیسی نقداً و بیست هزار لیره دیگر اسهام پرداخته شده به دولت علیه بدهد. علاوه بر آن، آن شرکت و تمام شرکت‌هایی که تأسیس خواهند شد، مکلف خواهند بود که از منافع خلص سالیانه خود، صدی شانزده به دولت علیه سال به سال کارسازی نمایند.

فصل یازدهم

کمیسر

دولت علیه مختار است که یک نفر کمیسر معین نماید که آن کمیسر طرف شور صاحب امتیاز و مدیران شرکت‌ها خواهد بود و محض این تأسیس هرگونه اطلاعات مفیده داشته باشد به آنها داده، همه نوع راهنمایی به آنها خواهد کرد و محض حفظ حقوق دولت متفقاً با صاحب امتیاز هرگونه تفتیشی که مفید بداند به عمل خواهد آورد و حقوق و مشاغل کمیسر دولت صریحاً در نظام نامه شرکتی که تشکیل شود معین خواهد گردید. صاحب امتیاز همه ساله ابتدا از تاریخ تشکیل شرکت اول، مبلغ هزار لیره انگلیسی به کمیسر دولت حق خواهد داد.

https://t.me/shenakht_lib

فصل دوازدهم

ایرانیت کارگران

عمله و فعله که در تأسیسات فوق کار می‌کنند، باید رعیت اعلی حضرت شاهنشاه باشند، به استثنای اجزای علمی از قبیل مدیر و مهندس و عمّاق و مباشرین.

فصل سیزدهم

استفاده اهالی از نطف

در تمام جاهایی که مدلل شود که اهالی محلیه حالا از نطف آنجا منتفع می‌شدند، شرکت باید به آنها مجاناً همین مقدار نطف را که اهالی سابقاً جمع می‌کردند، حالا هم بدهد. این مقدار به اظهار خود آنها و به تصدیق حکومت محلیه معین خواهد شد.

فصل چهاردهم

حمایت دولت

دولت علیه متعهد می‌شود که اقدامات لازمه را در حفظ امنیت و اجرای مقصد این امتیاز و اسباب و آلات و ادوات مذکور در فوق به عمل آورد و کذالک نماینده‌ها و اجزای علمی وکلای شرکت را در تحت حمایت مخصوصه خود بگیرند و چون دولت علیه این تکالیف خود را ادا کرد، صاحب امتیاز و شرکت‌های تشکیل شده دیگر به هیچ اسم و رسم، حق مطالبه خسارت از دولت علیه ندارند.

https://t.me/shenakht_lib
فصل پانزدهم

انتقال مؤسسه به دولت

بعد از انقضای مدت معینه این امتیاز، تمام اسباب و ابنیه و ادوات موجوده شرکت به جهت استخراج و انتفاع معادن متعلق به دولت علیه خواهد بود و شرکت حق هیچ‌گونه گرامت از این بابت نخواهد داشت.

فصل شانزدهم

الغای امتیاز

اگر در مدت دو سال از تاریخ این امتیازنامه، صاحب امتیاز نتواند شرکت اولی مذکوره در فصل هشتم را تأسیس نماید، این امتیاز از درجه اعتبار به کلی ساقط است.

فصل هفدهم

حکمت

در صورتی که مابین طرفین متعاهدین منازعه و اختلافی در تأویل و ترجمه این امتیازنامه و کذالک در باب حقوق و مسئولیت طرفین مشاجره [ای] اتفاق افتد، حل مشکل و مسئله در طهران به دو حکم رجوع خواهد شد و آن دو حکم به توسط طرفین معین خواهند شد و نیز آن دو حکم قبل از مبادرت به مرافعه، حکم ثالث را معین خواهند کرد. حکم آن دو حکم و یا در صورتی که حکمین مزبورین متفق نشوند، حکم حکم ثالث قطعی خواهد بود.

فصل هیجدهم

https://t.me/shenakht_lib

اولویت متن فرانسه

این امتیازنامه در دو نسخه به فرانسه نوشته شده و به همان مضمون به فارسی ترجمه شده است. اگر اختلافی در مضمون این امتیازنامه مابین دو زبان حاصل شود، متن فرانسه اولویت دارد و به آن متن باید رجوع کرد.

[حاشیه اول، پایین:] سواد دستخط مهر نقط مبارک^۱ ملاحظه شد. صحیح است. فی شهر صفر ۱۳۱۹ در صاحبقرانیه اودئیل^۲.

[حاشیه دوم، پایین:] سواد دستخط مبارک حضرت مستطاب اشرف امجد اسعد آقای اتابک اعظم:

۱. از تعبیرات تملق آمیزی است که معمولاً در مورد شاه آورده می‌شد، چنان که از نامه‌های شخص شاه، به دستخط مهر (آفتاب) نقط تعبیر می‌کردند.
۲. سال گاو؛ از مجموعه دوازده گانه تقویم مغولی که به اسامی حیوانات نام‌گذاری شده و آغاز این دوره دوازده گانه، از سال موش است و به سال خوک پایان می‌پذیرد.

امتیاز نامه موم و نفت طبیعی معدنی است که به شرف امضای مقدس سرکار بندگان اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی رسیده است.

محل مهر مبارک اتابک اعظم (علی اصغر)

[حاشیه سوم، پایین:] سواد خط جناب مستطاب وزیر امور خارجه:

این امتیازنامه موم و نفت معدنی که به شرف امضای مبارک اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه رسیده است، در وزارت امور خارجه دولت ایران ثبت شد. در نمره ۸۹۲ فی نهم شهر صفر المظفر ۱۳۱۹. مشیرالدوله

[حاشیه چهارم، پایین:] مراتب مرقومه صحیح است. محل مهر (نظام الدین وزیر معادن)

[حاشیه پنجم، پایین:] سواد مطابق اصل است. محل امضا و مهر (اداره دفتر وزارت امور خارجه)

[حاشیه ششم، پایین:] سواد مطابق با اصل است. [امضاء:] امان الله خان اردلان
[مهر:] کابینه وزارت فواید عامه و تجارت ۱۳۳۵

[حاشیه هفتم، پایین:] با کمال دقت مقابله شد در اداره دفتر وزارت جلیله امور خارجه، میرزا تقی وارث، ۲ شهریور ۱۳۰۴

[حاشیه هشتم، پایین:] مقابله شد، مطابق با اصل است. نظام الدین
 [مهر:] وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه
 دایره آرشیو

سند شماره ۳

مکاتبه فریدالسلطنه (کمیسر نفت ایران) با وزارت فواید عامه در
 خصوص استخدام عملجات هندی و چینی توسط شرکت نفت ایران و
 انگلیس در آبادان و سایر ادارات شرکت در جنوب

نمره ۵۹۶/۴۰، مورخه چهارم جمادی الثانی ۱۳۴۰

مقام منیع وزارت جلیله فواید عامه دامت شوکتة العالی

در موضوع استخدام عملجات هندی و چینی در عبادان^۱ و سایر تأسیسات اداره نفت جنوب، مکرر در مکرر و بلکه همه ماهه در تعقیب وصول صورت عده اعضاء و اجزا پروتست کتبی نموده و آنچه ممکن بوده است در این خصوص فشار آورده است، متأسفانه تاکنون نتیجه لازمه را نتوانسته است تحصیل و به عنوان این که به موجب امتیازنامه حق دارند مهندسین و سایر اعضاء ریسه را از خارج استخدام نمایند و به ادعای این که نمی توانند بین عملجات ایرانی این قبیل اشخاص را پیدا نمایند، تاکنون جواب رد به پروتست های این جانب داده و عجالتاً هر روز در کشمکش هستیم. به عقیده بنده از دوازده هزار و کسری عمه که در محل مشغول کار است، نمی توان قایل

۱. برابر با: ۱۳ بهمن ۱۳۰۰.

۲. شهر آبادان.

شد که پنج هزار و کسری آن اشخاص مدرسه دیده و تحصیل کرده و مهندسین قابل هستند. بنابراین تصور می‌کنند که این عده خالی از هر نسبتی باشد و کمپانی در این موضوع دانسته و فهمیده، به ملاحظات دیگری عمداً برخلاف امتیازنامه عمل می‌کند.

برای استحضار خاطر محترم موادی از مراسلات اخیری که در این خصوص بین کمپانی و این بنده رد و بدل شده، لفاً تقدیم می‌نماید و استدعا دارم پس از ملاحظه دستور لازم را مرحمت فرمایید که آیا صلاح هست شدیدتر از آنچه تاکنون اقدام شده، اقداماتی به عمل آید یا ترتیب و رویه دیگری تعقیب شود.

https://t.me/shenakht_lib

امضاء فریدالسلطنه

[حاشیه اول، پایین:]مقابلہ شد، صحیح است. ۱۳۰۵/۹/۱۰ [امضاء: ناخوانا]

[حاشیه دوم، پایین:]سواد مطابق اصل است [امضاء: ناخوانا]

[مهر:]وزارت فواید عامه و تجارت

سند شماره ۳/۱

نمره ۱۸۳/۴۰، مورخه ۷ فوریه ۱۹۲۲^۱

سواد تلگراف به وزارت خارجه بارمز سفارت لندن

کمیسر عرض می‌کند کمپانی نفت اخیراً عده [ای] از پلیس عراق و عرب به عبادان

آورده و بعد از تحقیق در جواب کمیسر محافظت عملجات هندی را بهانه این اقدام قرار داده [است]. چون به موجب قرارداد حق آوردن عملجات خارجی ندارند و حفظ دستگاه نفت با دولت علیه است. کمیسر مکتوباً به کمپانی پروتست کرده، مدعی است تحقیقات محلی فرموده هر دستورالعملی را صلاح بدانند مقرر فرمایند.

امضاء داود [مفتاح]

سواد مطابق اصل است - فریدالسلطنه

https://t.me/shenakht_lib

سند شماره ۳/۲

ایضاً تلگراف رمز به وزارت خارجه، نمره ۳۰۵/۴۰، ۲۵ جمادی الثانی ۲۲ فوریه

کمپانی نفت به کمیسر در باب انفصال پلیس عراق و عرب و عده اقدام فوری داده است. مقرر فرمایند از محل، تحقیقات در صحت و سقم اظهارات کمپانی شود.

امضاء داود [مفتاح]

سواد مطابق با اصل است - فریدالسلطنه

[حاشیه اول، پایین:] مقابله شد صحیح است. ۱۳۰۵/۹/۱۰

[حاشیه دوم، پایین:] سواد مطابق اصل است. [امضاء: ناخوانا]

[مهر:] وزارت فواید عامه و تجارت

سند شماره ۸

مکاتبه شرکت نفت ایران و انگلیس با تیمورتاش (وزیر دربار) در خصوص گزارش مربوط به مطالعات استخراج نفت از ناحیه امام حسن واقع در قصر شیرین

نمره پ ۲۶۸، تهران ۲۵ خرداد ۱۳۰۵

https://t.me/shehakht_lib

حضرت مستطاب اجل اکرم عالی آقای وزیر دربار پهلوی دام اقباله

موقعی که سرجان کدمن اخیراً در طهران بودند، ایشان افتخار شرفیابی حضور ملوکانه را داشته و اعلی حضرت همایون شاهنشاهی راجع به امام حسن که محلی است واقع در ناحیه قصر شیرین اظهار علاقه مندی فرمودند.

سرجان کدمن دستور دادند که یک نسخه از راپورت مطالعات این نقطه تقدیم خاکپای اعلی حضرت همایون شاهنشاهی شود و این جانب اکنون افتخار دارم که یک نسخه از راپورت مزبور را تقدیم و تمنا نمایم که حضرت عالی آن را به نظر مهر ظهور اعلی حضرت همایون شاهنشاهی برسانید.

چنانچه ملاحظه خواهد شد راپورت مزبور از نقطه نظر استخراج نفت امیدبخش نیست.

شرکت نفت انگلیس و ایران، محدود

[امضاء: فرلی]

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش: ضبط.]

سند شماره ۸/۱

دفتر مخصوص شاهنشاهی

خلاصه راپرت تحقیقات طبقات الارضی است که کمپانی نفت ایران و انگلیس راجع به تنگو و امام حسن و دانه کوشک، واقعه در ناحیه قصر شیرین، به ضمیمه نقشه طبقات الارضی تقدیم داشته است.

این راپرت مشتمل بر یک مقدمه و چهار موضوع است. https://t.me/shenakht_lib

قشر و قشر بندی - ساختمان طبقات الارضی - علایم نفت - نتیجه و نظریات

مقدمه - پروگرام^۱ طبقات الارضی که برای ناحیه شمالی، اداره لندن اتخاذ کرده بود، عبارت بود از نقشه برداری حدود امام حسن، به مقیاس ۶ اینچ در هر میل - تهیه کنندگان این راپرت برای تحقیقات مربوطه انتخاب شده و اول ماه فوریه از محمره به اتفاق دکتر ه. دُبُخ و مستر مایو و خانم مشارالیه و مستر والکر به طرف ناحیه شمالی حرکت کردند.

مرکز عملیات خود را در تنگ (میخواره خان) قرار و تحقیقات طبقات الارضی را از آنجا شروع نمودند. در نتیجه مطالعاتی که به عمل آمد، رأی عموم اعضاء هیئت بر این قرار گرفت که وضعیت امام حسن برای زدن چاه که امتحاناتی به عمل آید مساعد نیست. (علل و جهات این تصمیم در قسمت نتیجه و نظریات مندرج است)

بنابراین تهیه نقشه این ناحیه به مقیاس ۶ اینچ غیر لازم به نظر آمده و در نتیجه مستر مایو تلگرافی به لندن مخابره و پیشنهاد کرد از پروگرامی که منظور بوده صرف نظر نمایند و در عوض قطعاتی را که مساعدتر بوده، به مقیاس نیم اینچ نقشه برداری کنند. پس از انصراف اداره لندن از پروگرام تهیه نقشه طبقات الارضی ۶ اینچی و تهیه نقشه

نیم اینچی قطعات اطراف مصمم شدند نقشه ساختمان بعضی قطعات تنگو و امام حسن و دانه کوشک قبل از حرکت از این قسمت برای شروع به عملیات محلی برداشته شود. قسمت بزرگی که روی کاغذ ترسیم شده یکپارچه نیست و عبارت از سه قسمت است که با هم تشکیل یک قطعه کاملی را می دهد. در عرض سه ساختمان و تقریباً به طول ده میل. (در این قسمت شرحی از طرز عملیات نقشه برداری ذکر می کند) و بعد توپوگرافی (توصیف جغرافیایی) را شرح می دهند: توپوگرافی این ناحیه در راپرت های سابق کاملاً شرح داده شده. (قسمت تنگا و در راپرت ک.م.ل. ۳ و قسمت امام حسن در راپرت ب.ک.ن. و غیره):

توپوگرافی کاملاً ایرانی و حاکی از ساختمان طبقات الارضی است. برآمدگی ها عبارت از تپه ها و فرورفتگی ها تشکیل دره هایی می دهد. معهداً مرکز محوطه امام حسن صاف و تشکیل یک فرورفتگی را می دهد به شکل یک بیضی که دور آن را حلقه ای از سنگهای آهکی کلهر احاطه کرده. از وسط این دیوار خارجی چشمه های زیادی جاری می باشند که منبع آنها در وسط دایره مزبوره و مجراهایی در پهلوئی شمال غربی احداث کرده اند.

قله های شمال شرقی سنگهای آهکی کلهر در اغلب نقاط به ۳۰۰۰ فوت می رسد (تقریباً ۱۰۰۰ ذرع) و رشته تپه های تنگو به طور متوسط دارای ۲۵۰۰ فوت ارتفاع می باشد. پستی و بلندیهای سنگهای آهکی کلهر تشکیل یک سطح خشن و بریده را می دهند که عبور از آنها خیلی مشکل است.

دانه کوشک تپه های بلند به شکل پشت خوک تشکیل می دهد که از سطح دره ۴۰۰۰ فوت ارتفاع دارد. رودخانه های عمده این محوطه عبارتند از: کیلان و ملحقات آن و رودخانه دیره و امام حسن. هرچند این رودخانه ها رشته های باریکی هستند، ولی در موقع طغیان تولید موانع سخت می کنند. چنان که تهیه کنندگان راپرت در یک موقع با آن مصادف شدند.

۲- قشر و قشربندی: نویسندگان این راپرت برای تشخیص کلیه مستحاث های حیوانی که به دست آمده و تناسب و عمر تخته سنگها رهین لطف و معلومات دکتر دُبُخ هستند. قشری که نمایان است خیلی ضخیم و عبارت از صخره های تحتانی عهد

سنونیان یا (تورانیان) تا عهد میسن وسطی می باشد. (موقعی است که می گویند جنس میمون در دنیا خلق شده) در این قسمت صورتی از اسامی طبقات مختلفه و ترکیب آنها ضمیمه است.

در قسمت مربوط به ساختمان اراضی شرحی به عنوان (علایم نפט) بدین ترتیب نوشته است. علایم نفت چندین قسم است و در قسمت های مختلفه قشرها ظاهر می شود.

(۱) چشمه های نפט.

(۲) رگه های (مانجاک). https://t.me/shenakht_lib

(۳) خاکهای رس مخلوط به قیر.

(۴) چشمه های آب گوگرد.

اولاً چشمه های نפט. چشمه های نפט در گل های مخلوط به رس آبی رنگ عهد (سنونیان) در افقی تقریباً ۹۰۰ فوت، زیر قله این دسته وجود دارد. نفتی زرد رنگ مایل به سبزی آهسته آهسته از گل های رس مخلوط به شن سبز رنگ از چاه هایی که در سطح زمین حفر شده ترشح می کند. این نפט گاز ندارد و کلیه نفتی که در روز جمع می شود باید فقط چند گالون باشد (گالون تقریباً یک من و نیم است).

ثانیاً رگه های مانجاک. مانجاک در کلیه افق قشرهای (کرتاسئوس) و (ایوسن) یافت می شود. هرچند مخصوصاً محل آن در گل های مخلوط به رس و اراضی خاک رس لوحه سنگی عهد (سنونیان) می باشد.

ثالثاً گل های رس لوحه سنگی قیردار: زیر اراضی خاک رس منطقه وسیعی را تحت (شل) های (پریکوسموس) اشغال کرده و بین (مارل) های آبی رنگ عهد (سنونیان) هم یافت می شود. وقتی که آنها را بشکنند رنگ قهوه ای دارد و در موقع احتراق بوی (هیدروکربون) سوخته می دهد.

رابعاً چشمه های آب گوگرد: از سنگهای آهکی جاری است ولی آب آن بدون نפט است. چشمه های بزرگ در سنگهای آهکی کلهر و امام حسن و تنگ میخواره خان و

کورا و همچنین در نزدیکی سنگهای آهکی (الکتروئینا) جاری است. بوی مخصوص نفت از سنگهای آهکی کلهر استشمام شد. (موقعی که یکی از این سنگها را در محلی که به طور عمود واقعد شکستند) همچنان بوی نفت از سنگهای آهکی (فارس وسطی) در جنوب غربی جلگه امام حسن، نزدیک تنگ (کورا) استشمام شده است.

نتیجه و نظریات

https://t.me/shenakht_lib

جلگه امام حسن برای عملیات امتحانی با چاه مساعد نیست، به جهات ذیل: اولاً کم مایگی چشمه نفت - ثانیاً فقدان گاز نفت در آبخوره^۱ چشمه های نفت - ثالثاً به علت این که سنگهای آهکی (الکتروئینا) که تشکیل سفلی ترین افق را در این محوطه می دهند و تا پنج میل شمال شرقی چشمه های نفت منبسط است، نفت خیز نیستند. - رابعاً فقدان چشمه های نفت در امتداد شکافهای نقاط مرتفعه - خامساً به علت این که زیر (مارل) های عهد (سونونیان) به ضخامت زیادی سنگهای آهکی بزرگ (سنگهای آهکی سیاه کوه) در سایر قسمت ها نمایان است و این بسترها نفت خیز نمی باشند - سادساً آمیدی نمی رود چشمه نفتی پایین تر واقع شده باشد که به طبقه (کرتاسوس) صعود نماید، زیرا که هیچ جا در تخته سنگهای سفلی کرتاسوس وضعیت مساعدی برای نفت مشاهده نشده است.

یقین است چاهی که در محوطه امام حسن زده شود، مقداری نفت خواهد داد، ولی حتمی است که این عمل بالتیجه اقدامی بلافایده خواهد بود.

در کلیه قشرهای (ائوسن) و (کرتاسوس) سه افق است که در آنها مبدأ نفت ظاهراً وجود داشته است، از این قرار:

اولاً (مارل های) شنی (بسترهای نفت امام حسن)

ثانیاً شن های آبی و ارغوانی

این سه دسته تمام (مارل) های شبیه به گل هستند و دارای (گلوبی جونیا)ی معتنا بهی می باشند. در مارل های شنی امام حسن نفظ یافت شده است و مارل های آبی رنگ فوقانی محتوی رگه های مانجاک هستند.

مافوق این بسترها زیر و روی یک طبقه مارل های آهکی و مارل های دیگر وجود دارند، تقریباً به اندازه هزار (۱۰۰۰) فوت بدون اثری از نفظ یا مانجاک.

مافوق این قسمت مارل های سبز و ارغوانی است که باز دارای قیر و محتوی رگه های مانجاک هستند. بالای این مارل ها را قسمتی از سنگها و ریگ های (کلوکونیتیک) و سنگهای آهکی پوشانده اند، به ضخامت بیست تا چهل فوت که اثری از نفظ نشان نمی دهند.

https://t.me/shenakht_lib

بلافاصله روی این قسمت یک سلسله (شل) های قیری ضخیم واقعند که محتوی رگه های مانجاک و سنگهای آهکی اندوده به مانجاک هستند.

بنابراین یقین است که این مارل های گل رس از جنس صخره های نفظی این ناحیه و نفظی که در آنها جمع شده است خیلی کم بوده.

بدین جهت^۱ و به علت عوامل نامساعد مشروح در فوق، محلی برای امتحان چاه در این محوطه نمی توان تعیین نمود.

امضاء و.گری

آ.ژ. گودمن

محمراه ۲۷ ژوئن ۱۹۲۴^۲

۱. در اصل: جهة.

۲. برابر با: ۵ تیر ۱۳۰۶.

سند شماره ۵

مکاتبه وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه با شرکت نفت انگلیس و ایران در خصوص موافقت هیئت وزیران با پیشنهادات شرکت

وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه

https://t.me/shenakht_lib

نمره ۷۱۴۳، نمره ۳۱۱۴، شرکت نفت انگلیس و ایران محدود طهران

در جواب مراسله شریفه مورخه ۱۱ آبان ماه اشعار می‌دارد که مندرجات مراسله مزبور تقدیم هیئت وزراء عظام شده و هیئت مزبور به این وزارتخانه اجازه داده‌اند به شما اطلاع داده شود که دولت علیه ایران پیشنهادات آن شرکت را که ذیلاً ذکر شده قبول می‌نماید.

۱. کمپانی حق خواهد داشت از انبارهای ذخیره خود کلیه مصالح و آلاتی را که برای کشفیات مقدماتی و استخراج معدن و جریان و توسعه امور معدنی و برای ساختمان و بسط لوله کشی لازم است، از ایران صادر و به اراضی نفت خانه وارد نماید و یا از انبارهای ذخیره راجع به عملیات معادن نفت جنوب به اراضی نفت خانه، بدون پرداخت هرگونه مالیات یا حقوق گمرکی انتقال دهد.

پس از تسلیم اظهارنامه در اولین وهله ورود ماشین آلات و مصالح که برای اراضی نفت خانه بایستی حمل شود، کمپانی در امر حمل و نقل ماشین آلات از یک طرف به طرف دیگر سرحد از انجام هرگونه مراسم گمرکی معاف و آزاد خواهد بود.

۲. کمپانی حق خواهد داشت مواد تصفیه شده نفت خام را که در اراضی نفت خیز نفت خانه به دست آمده، بدون پرداخت حقوق گمرکی یا مالیات وارد ایران نماید، به شرطی که مواد تصفیه شده مزبور در ظرف یک سال بیش از معادل پورسانتاژ مواد متشابه که در نفت خام حاصله در غرب ایران یافت می‌شود، نباشد.

تا زمانی که ایران محتاج باشد، نفت سوخت را کلاً یا جزئاً وارد نماید. یعنی تا معادل پورسانتاژ که مواد مزبور در نفت خام حاصله در غرب ایران یافت می‌شود، کمپانی حق خواهد داشت عوض سوخت مذکور یا قسمتی از آن الی یک ربع بنزین و الی یک ثلث نفت وارد نماید.

از نفت تحصیل و ضبط شده در غرب ایران، آنچه مواد تصفیه شده به دست آید و برای بازارهای ایران لازم است، کمپانی متعهد است الی صدی صد آن را چنان که فوقاً مقرر است به ایران وارد نماید. مشروط بر این که از کمپانی انتظار نرود مقادیر لازمه را به ضرر به فروش برساند.

۳- ترتیب تشخیص سهم دولت که به موجب ماده دهم امتیازنامه داریسی صدی شانزده از عایدات خالص است و بایستی از بابت عملیات غرب ایران به دولت پرداخته شود، از قرار ذیل خواهد بود.

در نتیجه عملیات کمپانی در جنوب ایران مبلغی که در ظرف یک سال سهم دولت تشخیص داده می‌شود، بایستی به واسطه عدد تنی که در اثر همان عملیات نفت خام حاصل شده، تقسیم گردد تا معلوم شود که نسبت به هر تن چه مبلغی بوده. پس از آن راجع به موادی که مشمول ماده یک نظامنامه داریسی می‌باشد و در غرب ایران تحصیل و در انبارها و تانک‌های صحرائی کمپانی ضبط شده است، برای مقدار هر یک تن و مبلغی که فوقاً مشخص شده بایستی در سینه مربوطه به دولت ایران پرداخته شود، ولی در این موضوع کمپانی حق خواهد داشت مواد ذیل را از مقدار کل که به این ترتیب تحصیل و ضبط شده، موضوع نماید:

۱- آب و کلیه مواد خارجی (ب) کلیه موادی که برای عملیات استخراج نفت در غرب ایران و برای عملیات و نگاهداری خطوط لوله به مصرف می‌رساند. این ترتیب برای تشخیص سهم دولت از بابت نفت خام تحصیل و ضبط شده در غرب ایران که بایستی به دولت ایران برسد، از تاریخ حال الی سه سال مجرای خواهد بود و پس از آن نسبت به ترتیبی که باید اتخاذ شود بعدها مطالعه به عمل خواهد آمد.

۴. کمپانی کلیه موادی را که مشمول امتیازنامه داریسی می‌باشد و در غرب ایران به دست آمده و ضبط می‌شود، مقیاس خواهد گرفت و نمایندگان دولت که برای این کار

مأمور هستند اختیار خواهند داشت :

اولاً این مقیاس را رسیدگی نمایند. ثانیاً وضع اندازه گرفتن را تحت مذاقه درآورند و هر اقدامی را که لازم می‌دانند به عمل آورند تا اطمینان حاصل نمایند که ترتیب اندازه گرفتن صحیح است.

۵. کمپانی محاسبه بی نقص و صحیحی راجع به موادی که از قرار مذکور در فوق مقیاس گرفته شده و راجع به موضوعاتی که تحت ماده ۳ ذکر شده نگاهداری خواهد نمود و نمایندگان دولت که رسماً مأمور و مجاز هستند در مواقع مناسب اختیار خواهد داشت دفاتر کمپانی [را] که محاسبه مزبور در آن ثبت است، رسیدگی و مستخرجاتی از آن بنمایند. کمپانی از سه ماه پس از اختتام سال، خلاصه محاسبه مزبور را از بابت بند مربوطه به خرج خود تهیه و به دولت تسلیم خواهد نمود و سهمی که بایستی به موجب ماده ۳ به دولت ایران برسد، در موقعی که سهم دولت از بابت عملیات کمپانی در جنوب پرداخته می‌شود تأدیه خواهد شد.

این گونه محاسبات را دولت محرمانه نگاهداری خواهد نمود، به استثنای ارقامی که انتشار آن را لازم بدانند.

۶. طرفین قبول دارند که قبولی پیشنهادات فوق از طرف دولت علیه ایران، تزلزلی به حقوق و تعهدات هیچ یک از طرفین که تحت امتیاز داری دارا هستند وارد نخواهد آورد و مندرجات این مراسله به هیچ وجه نمی‌تواند در مسایل سرحدی که ممکن است مابین ایران و دولت دیگری مطرح شود موثر واقع شود.

مهدی‌قلی هدایت وزیر فلاح و تجارت

سند شماره ۶

مکاتبه وزارت مالیه با وزارت دربار در خصوص آثار کاهش عواید شرکت نفت بر بودجه سلطنتی و جوابیه وزارت دربار

وزارت مالیه
اداره محاسبات کل

نمره ۱۱۵۲۵، به تاریخ ۱۳۰۶/۳/۳۰

وزارت جلیله دربار پهلوی

با عطف توجه خاطر محترم به مذاکرات خصوصی که راجع به بودجه ۱۳۰۶ کابینه سلطنتی فرموده و تقاضا فرموده بودید که یک اعتبار اضافه [ای] برای تصویب مجلس پیشنهاد شود، خاطر محترم را مستحضر می‌دارد که در ضبط وزارت مالیه یک پیشنهاد مخصوصی برای ۱۳۰۶ دیده نمی‌شود، ولی یک نسخه فرم اداری از بودجه ۱۳۰۵ که سابقاً برای کابینه سلطنتی پیشنهاد شده و متضمن ۱۴۳۴۰۰ قران اضافه سالیانه نسبت به اعتبار فعلی که عبارت از سالی ۱۴۷۰۰۰ قران است، در ضبط سرویس بودجه موجود می‌باشد. بودجه مزبور در تاریخ ۲۳ شهریور تحت نمره ۲۳۹۲۷ احاله شده و توضیحاً تذکر داده شده که در این موقع و جوهی برای تامین این اضافه موجود و قابل استفاده نیست. بعداً راجع به موضوع دیگری تحت نمره $\frac{۱۰۵۶}{۳۷۵۹}$ مورخه ۲۹/۸/۶ مجموع اعتباراتی را که برای ۱۳۰۵، به انضمام کابینه سلطنتی تقاضا شده بود ذکر فرموده‌اند، بدون این که اضافه [ای] برای کابینه سلطنتی تعیین کرده و بدین طریق موضوع اضافه اعتبار کابینه سلطنتی مسکوت عنه ماند.

اینک بودجه موازنه ۱۳۰۶ تهیه شده و طرحها و اقداماتی که ضمن آن بودجه برای تامین تعهدات و مخارج منظور بود، مدتی قبل تعیین و تشخیص شده است، جز اضافاتی که قبلاً به تصویب مجلس رسیده یا برای مصارفی که در موقع تقسیم و جوه ضروری تر و مهم تر شناخته شده بود به وزارتخانه‌ها اختصاص داده شده است.

بنابراین اگر بنا باشد که در این موقع یک اضافه اعتباری برای کابینه سلطنتی اختصاص و تعیین نمود، لزوماً بایستی از اعتبارات یکی از وزارتخانه‌ها کسر و تقلیل نمود.

این نکته را لزوماً اضافه می‌نماید که در ضمن یافتن راهی برای تأمین اضافه اعتبار مزبور، بایستی در عین حال این موضوع را هم مورد ملاحظه قرار داد که به قراری که کمپانی نفت جنوب راپرت می‌دهد، یک نقصان خیلی زیادی در منافع خالص کمپانی روی داده است که در عایدات دولت از لحاظ مادی تأثیر داشته و حتماً موجب تخفیف و تقلیل بودجه ۱۳۰۷ خواهد شد.

بنابر مقدمات فوق ناگزیر است از اولیاء محترم آن وزارت جلیله خواهش نماید که مقرر فرمایند بودجه ۱۳۰۶ کابینه سلطنتی را در حال حاضر در حدود اعتبارات کل فعلی باقی نگاهدارند.

متمنی است نظریات خود را اشعار فرمایید، چنانچه یک اضافه اعتباری را فوری و ضروری می‌پندارند، مقرر فرمایید پیشنهاد خود را در حدود کمترین میزانی که مقتضی می‌دانند، ارسال دارند.

[امضاء: فیروز فیروز]

[مهر: وزارت مالیه]

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] جواب داده شود که مقصود بودجه جدید ۱۳۰۶

بود که قبلاً ارسال شده بود و حالیه نیز سوادى از آن ارسال می‌گردد، زیرا که بودجه حالیه دفتر مخصوص شاهنشاهی کافی برای احتیاجات آن نیست، بنابراین بودجه جدید پیشنهاد می‌شود.

سند شماره ۶/۱

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب ثبت ۱۴۱۱، تاریخ اصل مطلب ۱۲ تیرماه ۱۳۰۶

وزارت جلیله مالیه

عطف به مراسله نمره ۱۱۵۲۵ راجع به بودجه دفتر مخصوص شاهنشاهی، زحمت می دهد که مقصود بودجه جدید (۱۳۰۶) بود که قبلاً ارسال شده بود و حالیه نیز سوادی از آن ارسال می گردد، زیرا که بودجه فعلی دفتر مخصوص شاهنشاهی کافی برای احتیاجات آن نیست. بنابراین بودجه جدید پیشنهاد می شود.

https://t.me/shenakht_lib

[امضاء:] لطفعلی قویم - وزیر دربار پهلوی

سند شماره ۶/۲

بودجه جدید دفتر مخصوص شاهنشاهی

ماده ترتیب	اسامی	مبلغ		جمع ماهیانه	جمع سالیانه
		قران	دینار		
ماده اول	رییس دفتر مخصوص شاهنشاهی	۶۰۰۰			
	متصدی مرموزات	۱۵۰۰			
	مترجم	۱۵۰۰			
	منشی دو نفر	۲۶۰۰			
	منشی یک نفر	۸۰۰			
	فرمان نگار	۱۰۰۰			

		۱۰۰۰	مدیر ضبط	
۱۸۱/۲۰۰	۱۵۱۰۰	۷۰۰	متصدی اندیکاتور	
			<u>اجزاء</u>	ماده دویم
		۴۰۰	پیشخدمت دو نفر	
۱۳۲۰۰	۱۱۰۰	۷۰۰	شوفر یک نفر	
			مخارج و مصارف	ماده سوم
		۳۰۰	مخارج نهار و آبدارخانه	
			بنزین و روغن و سایر مخارج	
		۱۲۰۰	اتومبیل یک دستگاه	
		۵۰	مخارج پست خارجه	
۶۵۴۰۰	۵۴۵۰	۱۲۰۰	مخارج ملزومات	ماده چهارم
			مصارف سالیانه	
			مخارج فوق العاده رییس و اعضاء	
۱۶۴۰۰			در مدت توقف بیلاق	
۳۰۰۰		۲۵۰	فوق العاده تلگرافچی	ماده پنجم
۲۷۹۲۰۰	۸۰۶۰۰			جمع سالیانه

سند شماره ۷

مخالفت رییس کل مالیه (میلسپو) با لایحه مالیاتی ارسالی به مجلس شورای ملی به علت کاهش درآمد نفت

جناب مستطاب آقای وزیر مالیه

نظر به این که اخیراً یک فقره لایحه مالیاتی جدیدی را به مجلس شورای ملی تقدیم کرده‌اید، لازم می‌دانم به جناب عالی خاطر نشان کنم که این جانب لایحه مزبور را تصویب نکرده‌ام. این لایحه با آن که هرگز رسماً به هیئت وزراء ارسال نشده بود، معذالک هیئت وزراء آن را مورد مذاکره قرار داده و در موقع مذاکره هم به این جانب فرصت حضور در هیئت را ندادند و قبل از اتخاذ تصمیم قطعی در آن باب، مشورت لازم را با این جانب به عمل نیاوردند.

جناب عالی دو سه روز پیش مینوت لایحه را برای این جانب [فرستاده] و تهیه مقدمه آن را می‌نمایید. ولی قبل از آن که من فرصت کرده اعتراضات و نظریات خود را نسبت به لایحه اشعار دارم، لایحه را به مجلس شورای ملی تقدیم می‌کنید. صدور این لایحه برخلاف مقررات نظامنامه مراسلات و ضبط وزارتی صورت گرفته. در این باب رییس دایره مراسلات و ضبط کل این قسم به من توضیح می‌دهد که در موقعی که معجلاً تقاضای ثبت و ارسال لایحه را می‌نمودید، مشارالیه از شما پرسیده است که آیا این جانب با لایحه موافقت کرده‌ام یا خیر و جناب عالی جواب گفته‌اید که آری موافقت حاصل است و حال آن که به خوبی می‌دانستید که من لایحه مزبور را با آخرین تغییراتی که در آن داده شده بود، مطلقاً تصویب نکرده‌ام. موادی را که راجع به این [لایحه] باید مورد ملاحظه واقع شوند، به شرح ذیل خاطر نشان می‌کنم.

نظر به مقدار زیادی نفت که اخیراً در آمریکا علاوه بر معمول سابق استخراج کرده‌اند و منجر به تنزل قیمت نفت در بازار عالم شده، در ۱۳۰۷ بابت حق الامتیاز دولت از شرکت محدوده نفت انگلیس و ایران تخمیناً دو کرویر تومان کسر عایدی پیش بینی می‌شود.

از طرف دیگر لایحه [ای] که جناب عالی به مجلس تقدیم کرده‌اید، تقریباً بیش از دو کرویر تومان کسر عایدی تولید خواهد کرد. لذا اگر لایحه بودجه و خرج به همان میزان کاسته شود، بدیهی است سال آینده کسر دخل به قدری گزاف خواهد بود که اساساً مالیه مملکتی را دچار مخاطره خواهد ساخت.

تغییراتی که در بند (ه) و در ماده ۲ داده شده، مخالف اطمینانی است که دولت ایران به مجمع اتفاق ملل داده است. این تغییرات به نظر من اقتضا و ضرورت ندارد. دولت ایران به مجمع اتفاق ملل وعده کرده است که پیشنهادهایی را به مجلس شورای ملی تقدیم خواهد نمود. اگر پیشنهادهای مزبور را نکند، تعهدات معنوی و اخلاقی خود را نقض نموده و بدیهی است در نتیجه از اعتماد دول خارجه به صدق اظهارات دولت ایران تا درجه [ای] کاسته خواهد شد و حال آن که دولت ایران با تقدیم لایحه به مجلس، به سهولت موجب خلف وفا می‌کند و اگر تغییری در مواد مزبور مقتضی باشد، ممکن است مجلس شورای ملی تغییرات را بدهند. راه اصلاح این سهو که از طرف دولت شده آن است که لایحه را از مجلس شورای ملی مسترد دارید تا تجدید نظر لازم در آن به عمل آید و مجدداً به ساحت مقدس مجلس تقدیم شود.

یکی از حقوق و وظایف قانونی من اظهار نظر در مسایل مالی است. هیچ مسئله مالی از موضوع این لایحه که در کلیه عایدات داخلی مملکت مؤثر می‌باشد مهم‌تر نیست. هیئت دولت باید ملتفت باشند که اگر از جلب نظریات من در این باب کوتاهی کنند یا اگر از قبول نظریات این جانب نسبت به موضوع مهم مزبور خودداری نمایند، مسئولیت عواقب چنین اقدامی کاملاً متوجه خود دولت خواهد بود و بس.

سواد شرح فوق برای استحضار آقایان نمایندگان دارالشورای ملی ارسال می‌شود.

رییس کل مالیه

[امضاء:] سرآرتور میلسپو

سند شماره ۸

مکاتبات محمدحسن بدیع (کنسول ایران در بصره) با وزارت امور خارجه در خصوص استخدام کارکنان عراقی در کمپانی نفت جنوب و اقدام غیرقانونی کمپانی در صدور گذرنامه برای اتباع خارجی

نمره ۷۶۶، ۲۲ بهمن ۱۳۰۶، محرمانه است

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

به طوری که محرمانه شنیده شده، کمپانی نفط جنوب، شعبه "سیکیورتی اوفیس"^۱ یعنی اداره سکره و تأمینات تشکیل و توسط عبدالمطلب مأمور پاسپورت عراقی در «سیبه»، مقابل آبادان که اخیراً بسیاری از اتباع ایران را که تذکره از قونسولگری گرفته اند توقیف نموده است، پولیسهای عراقی گرفته و آنها را به اسم مأمورین اطفائیه داخل خدمت کمپانی کرده اند و این اقدام کمپانی خلاف مواد امتیاز نامه است و علاوه بر این بسیاری از اتباع عراقی در اداره کمپانی در آبادان مستخدم هستند و بنده صورتی از آنها [را] محرمانه خواسته است، همین که به دست آمد تقدیم خواهد شد.

با این که مطابق مواد امتیاز نامه، کمپانی نفط جنوب به هیچ وجه حق ندارد مستخدمین جزء و اجزای اداری خود را به استثنای متخصصین فنی از اتباع خارجه استخدام نماید و در بین النهرین متخصصین فنی وجود ندارد و البته دولت حق دارد به این عملیات کمپانی مزبور اعتراض و او را مجبور به اجرای مواد امتیاز نماید.

[امضاء:] محمد حسن بدیع

یک سواد از این راپورت برای اطلاع به وزارت جلیله دربار پهلوی تقدیم می شود.

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] به عرض برسد. سواد برای سرتیپ فرج الله خان^۲ فرستاده شود.

۱. در اصل: سکورتی اوفیس.

۲. والی خوزستان.

سند شماره ۸/۱

نمره ۷۶۷، ۲۲ بهمن ۱۳۰۶، محرمانه است

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

کمپانی نفت جنوب در آبادان هم تذکره می دهد و هم تذکره ویزا می نماید و بنده تعجب دارد به یک مؤسسه تجارتي چگونه اجازه داده می شود عمل به وظایف یک قونسولگری نماید، در صورتی که قونسولگری انگلیس در محمره موجود است؛ برای تذکره اشخاصی که به بصره می آیند باید از طرف او به عمل آید نه کمپانی نفت و این اقدام کمپانی به کلی مخالف ترتیبات جاریه است و اگر سابقه پیدا کند رفعش مشکل است و نمی داند ایالت خوزستان از این اقدام مطلع است یا نه، در صورت اطلاع چگونه در مقام جلوگیری بر نیامده است.

[امضاء: محمدحسن بدیع]

یک سواد از این راپرت برای اطلاع به مقام منیع وزارت جلیله دربار پهلوی تقدیم می گردد.

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش: سواد برای آقای سرتیپ فرج الله خان فرستاده شود و مراتب استفسار بشود.]

سند شماره ۹

مکاتبه ژاکس (مدیر مقیم شرکت نفت ایران و انگلیس) باریاست الوزراء در خصوص ابلاغ انتصاب گرینهوس و مصطفی فاتح به ریاست و معاونت اداره شرکت نفت در تهران و جانشینی گرینهوس در غیاب وی

نمره س ۷۷۲، طهران ۶ اسفند ۱۳۰۶

مقام محترم حضرت اشرف آقای رییس الوزراء دامت شوکتہ

عطف به مراسله مورخه ۲ مهرماه ۱۳۰۶ که سرجان کدمن به آن مقام محترم عرض کرده بودند، خاطر محترم را مطلع می‌دارد که مستر ف.س. گرینہوس مانند سابق ریاست اداره طهران شرکت را داشته و از حیث معاونت این جانب در اوقاتی که این جانب از طهران غیبت نمایم، کفالت شغل مرا عهده‌دار خواهند بود. آقای مصطفی خان فاتح هم به سمت معاونت اداره طهران شرکت تعیین شده‌اند. در خاتمه احترامات فائقه را تقدیم می‌دارد.

شرکت نفت انگلیس و ایران، محدود

[امضاء: ژاکس]

مدیر مقیم

سند شماره ۱۰

مکاتبه محمدحسن بدیع با وزارت امور خارجه در خصوص اقدام کمپانی نفت جنوب در استخدام اتباع خارجه و اخراج کارگران ایرانی

قونسولگری دولت علیه ایران در بصره

نمره ۹۳۰، به تاریخ ۲۰ اسفند ماه ۱۳۰۶، محرمانه است

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه

به طور محرمانه اطلاع حاصل نموده است که کمپانی نفت جنوب تصمیم گرفته است ده هزار نفر از عملجات و کارگران ایرانی را از کار خارج کند. با این که به طور مشهور هزاران عمله هندی و عراقی در آبادان و مسجد سلیمان داخل کار کمپانی می‌باشند و این اقدام کمپانی البته مخالف مواد امتیازنامه است که در آن قید و شرط شده جز متخصصین فنی، نباید از اتباع خارجه کسی را استخدام نمایند. به عقیده چاکر خوب است صورتی از کلیه اجزا و مستخدمین و کارگران کمپانی جنوب در خوزستان، با اسم و رسم و تعیین شغل و تابعیت و حقوق خواسته و در آن تدقیق شود و هرگاه ملاحظه فرمایند که منشی و عمله و غیر از متخصصین فنی که در میان ایرانی‌ها کمیاب است، از اتباع خارجه مستخدم هستند، بر طبق مواد امتیازنامه کمپانی را مجبور به تبدیل آنها به اجزا و کارگران ایرانی فرمایند و هر چندی یک هیئت تفتیشیه از طرف دولت مأمور شود که مسجد سلیمان و آبادان و جمیع مؤسسات کمپانی را مراقبت و تفتیش و راپرت آن را به عرض اولیای دولت برسانند. چون لازم بود عرض شد.

[امضاء:] محمدحسن بدیع

یک سواد از این مراسله به وزارت جلیله دربار پهلوی تقدیم می‌شود.

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] به بدیع بنویسید که راپرت‌های ایشان اغلب می‌رسد و خیلی از مراقبت ایشان خوشوقتی حاصل است، لازم است که مسایل را مستقیماً به آقای سرتیپ فرج‌الله خان، حکمران و مأمور فوق‌العاده خوزستان راپرت بدهند. به آقای سرتیپ فرج‌الله خان هم بنویسید و سواد این مراسله را بفرستید.

سند شماره ۱۱

مکاتبه ژاکس با وزارت دربار در خصوص دلیل اخراج کارگران مازاد
شرکت نفت ایران و انگلیس و تحریکات منبث از آن

تهران ۲۲ اسفند ۱۳۰۶

حضور محترم حضرت اشرف آقای تیمورتاش وزیر دربار پهلوی دامت شوکتہ

الآن پست آبادان رسیده و لذا با عجله خاطر محترم را از اطلاعاتی که راجع به بیکاران
و سایر قضایا رسیده مسبوق می‌دارم.

چنانچه در ملاقات حضوری هم خاطر شریف را مسبوق داشتم، اتمام تدریجی
قسمتهای جدیدی که در آبادان بنا و برقرار شده، ناچاراً اخراج مازاد کارگران را
ایجاب می‌کند و این مسئله شامل اروپایی‌ها و ایرانیهایی که در عملیات ساختمان
دخیل بوده‌اند خواهد شد.

مستر ال‌کینگتن رییس کل اداره آبادان به بنده اطلاع می‌دهد که قریب دو هزار نفر
ایرانی در آبادان بیکار و مشارالیه با جناب آقای حکمران خوزستان داخل مذاکره شده
است که برای این عده کاری در قسمت ساختمان جدید راه آهن یا محل دیگر تهیه
نمایند.

البته حضرت اشرف مستحضرید که بیکاری چه زمینه مساعدی برای تبلیغات
خطرناک تهیه کرده و بنده بیش از پیش لازم نمی‌دانم عرض کنم که همیشه اشخاصی
در خوزستان هستند که تنها قصدشان تولید اغتشاش است و بدون تردید همین
عنصر بوده است که موجب واقعه نامطبوعی که حضرت اشرف در ملاقات اخیر می
لطفاً با بنده داشتید به آن اشاره فرمودید، شده و اینک مستر ال‌کینگتن واقعه مزبور را
تأیید می‌نماید. به قراری که مشارالیه اطلاع می‌دهد، عده [ای] در مقابل اداره استخدام

ما در آبادان اجتماع نموده و با نظر خصومت ادارهٔ مزبور را سنگباران کرده‌اند. این واقعه بدون این که ضرر زیادی وارد آورد خاتمه پیدا [کرد. در این قضیه] نقطه مخصوصی نمی‌توان [پیدا] کرد ولی همان طوری که فوقاً در این مراسم ذکر شد، دائماً تبلیغاتی در جریان است که عقیدهٔ عمومی را بر علیه عملیات شرکت در خوزستان تهییج نماید. اگرچه بنده یقین دارم عملیات شرکت مستوجب این مراتب نیست، ولی مدتی است به بنده ثابت شده که تبلیغات مزبور از طرف اشخاصی می‌شود که قصدشان تولید اغتشاش در صنعت نفت ایران است. لفاً یک نسخه ترجمه انگلیسی مجله [ای] که اخیراً از طرف اشخاص غیر معلوم در شهر آبادان منتشر شده تقدیم می‌دارم.

https://t.me/shenakht_lib

این را هم متذکر می‌شوم که مستر ال‌کینگتن به بنده اطلاع می‌دهد جناب آقای حکمران خوزستان همه گونه مساعی برای کشف اشخاصی که اقدام به این خیانت نموده‌اند به کار می‌برند. ولی با وجود این شاید حضرت اشرف لازم و صلاح بدانید نتایج وخیم این گونه تبلیغات را به ایشان خاطر نشان فرمایید، زیرا تأثیر خطرناک تبلیغات مزبور متوجه مملکت و شرکت هر دو خواهد بود.

بنده حس می‌کنم و یقین دارم حضرت اشرف هم مستحضرنند که نزدیک شدن موقع الغاء کاپیتولاسیون فرصت خوبی به این گونه مفسدین می‌دهد که بیش از پیش موجبات زحمت را فراهم آورند.

به عقیده بنده برای پیدا کردن سرچشمهٔ این گونه تبلیغات و جلوگیری قطعی آن، تحقیق کامل و جامعی در وضعیات آن نقطه از طرف دولت ایران لازم و صلاح است.

با تجدید احترامات فائقه

ارادتمند حضرت اشرف

[امضاء:] ژاکس

[حاشیهٔ بالا، به خط تیمورتاش:] سواد برای آقای سرتیپ فرج‌الله فرستاده شود.

سند شماره ۱۲

مکاتبه وزارت مالیه با وزارت دربار در خصوص گزارش میرزا عیسی خان فیض راجع به علل کاهش قیمت نفت در بازار دنیا

تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۰۶

https://lib.tmc.ac.ir/benakht_lib وزارت مالیه

قربانت شوم:

راپرت جناب آقای میرزا عیسی خان فیض، کمیسر دولت ایران راجع به علل نکث قیمت نفت در بازار دنیا، برای مطالعه و ملاحظه خاطر شریف، لفاً تقدیم می‌شود.

[امضاء:] فیروز فیروز

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] ضبط.

سند شماره ۱۲/۱

وزارت مالیه

راپرت راجع به علل نکث قیمت نفت در بازار دنیا:

۱. کثرت مقدار مستخرجه نفت خام از معادن دنیا عموماً و ممالک آمریکای شمالی

خصوصاً که از ارقام ذیل به خوبی روشن و ثابت می شود.

محصول نفت کره زمین در سده ۱۹۲۵ مسیحی	۱۴۵/۸۸۳/۶۷۳	تن
ایضاً	۱۵۰/۷۷۱/۰۰۰	تن
۱۹۲۶		
ایضاً به صورت تخمین در	۱۶۹/۱۲۱/۰۰۰	تن
۱۹۲۷		

چون امروز دوم ژانویه و فقط دو روز است که داخل سنه جدید ۱۹۲۸ شده ایم، ارقام حقیقی راجع به سنه ۱۹۲۷ هنوز جمع آوری و منتشر نشده و ناچار تخمیناً برآورد کرده اند، ولی بدیهی است که مقدار فوق الذکر معمولاً حداقل است و ظناً غالب این که چند میلیون تن اضافه خواهد بود.

۲. به تناسب کمیت نفت خام که از معادن عالم استخراج شده، به عده وسایل نقلیه از قبیل اتومبیل سواری و بارکش و موتورسیکلت که بنزین استعمال می کنند افزوده نشده و ارقام تخمینی ولی رسمی ذیل حاکی این مدعا است.

سنه ۱۹۲۵ مسیحی	۲۵/۱۵۴/۸۹۴	عدد دستگاه
سنه ۱۹۲۶ مسیحی	۲۶/۱۲۶/۷۷۷	عدد دستگاه
سنه ۱۹۲۷ مسیحی	۲۹/۶۰۱/۹۲۱	عدد دستگاه

کنترل بازار نفت دنیا به اراده دو شرکت بزرگ معروف به (استاندارد اوپیل) و (رویال دوچ) است که هرچه بخواهند می کنند و سایرین را مجال چون و چرانیست - مسلم است که شرکت نفت انگلیس و ایران تا چند سال دیگر با آنها لاف برابری خواهد زد و حالیه هم با کمال اقتدار و قوت قلب زورآزمایی می کند و می توان گفت از بعضی جهات کهر کم از کبود نیست. ولی این جا نکته خیلی مهمی است که باید همیشه در

مدنظر دقت داشت و آن این است که در آمریکای شمالی و جنوبی صاحبان معادن نفت چندین صد نفر هستند و هر کدام یک قطعه کوچک زمین نفت خیز را یا خریداری و یا اجاره و یا امتیاز گرفته‌اند و به رقابت و هم چشمی یکدیگر اتصالاً چاه حفر نموده، نفت تحصیل می‌کنند و لهذا مقدار نفت روز به روز در تزايد و از قیمت آن کاسته می‌شود. از آنجایی که این اشخاص یا شرکتها فقط تحصیل کننده نفت هستند و بس، یعنی (پرودوکتور) می‌باشند و به سایر عملیات مختلفه از قبیل تصفیه و حمل و نقل و پیدا کردن مشتری و بازار برای فروش مواد فرعی به واسطه فقدان وسایل نمی‌پردازند، ناچارند که نفت خام خود را عیناً به فروش رسانده و بالنسبه به فایده اندکی قانع شوند. اینجا است که دو شرکت بزرگ فوق‌الذکر کاملاً استفاده از موقع نموده، نفت خام را از حضرات که مجبور به فروش هستند به قیمت روز اکتیاع نموده، در کارخانجات مفصل خود تصفیه کرده، بالوله و کشتی‌های خود حمل نموده، فواید زیاد می‌برند. به عبارت آخری تنزل نفت خام در منافع این دو شرکت بزرگ چندان مداخلیت و اثر ندارد، زیرا مواد اولیه را به قیمت نازل از صاحبان آن خریداری می‌کنند، ولی شرکت نفت انگلیس و ایران به واسطه این که نفت خام را از خارج خریداری نکرده، بلکه به خرج خودش در ایران تحصیل می‌کند، مجبور است از طرفی به هر قیمتی که برایش تمام شود تصفیه نموده، از طرف دیگر به قیمت سایر شرکتها در بازار دنیا بفروشد. لهذا هر وقت قیمت نفت خام ترقی داشته باشد، به فایده شرکت مزبوره است و بالعکس هر وقت تنزل کند به ضرر اوست. یعنی از فایده او کاسته می‌شود، زیرا تمام مواد اولیه ارزان یا گران تعلق به خودش دارد و محتاج خریداری از دیگران نیست.

۴. رقابت روسیه است که محصول نفت خود را به واسطه ضبط و تصاحب اراضی نفت خیز و چاهها و انبارهای نفت و کارخانجات تصفیه و لوله و غیره که غالباً با سرمایه اروپایی تحصیل شده بود، می‌تواند به قیمت خیلی نازلی در بازارهای اروپا و مشرق زمین که بازار طبیعی نفت ایران است به فروش رسانده و فایده هم ببرد - بدیهی است چون یک دینار سرمایه برای مؤسسات به مصرف نرسانده، محتاج به استهلاک آن نمی‌باشد و دیگر صاحبان سهامی هم در میان نیستند، پس هر چه ولو مقدار آن هم

خیلی قلیل باشد فایده عاید دولت ساویت بشود برای او وجود، باز یافتن است.

۵. هر یک پنس که از قیمت یک (گالن) بنزین یا نفت چراغ (کروزین) کسر شود، در عرض سال تقریباً یک میلیون لیره از عایدات شرکت نفت انگلیس و ایران می‌کاهد و چون تنزل قیمت هذه السنه به سه پنس و چهار پنس هم رسیده است، به همین تناسب عایدات شرکت مزبور نکث^۱ خواهد کرد و در نتیجه لطمه به حق السهم دولت علیه از ۱۶ درصد عایدات خالص آن وارد خواهد آمد. علیهذا چنانچه در ضمن معروضات سابقه خاطر عالی را مکرر متذکر شده است، حق السهم دولت علیه راجع به سنه مالیه جاری که در سه ماه دیگر یعنی ۲۱ مارس ۱۹۲۸ ختم و در ده ماه دیگر یعنی در ماه نوامبر ۱۹۲۸ پرداخت خواهد شد، تخمیناً بالغ بر ۵۰۰ هزار لیره می‌شود. ممکن بل محتمل است یک صد هزار لیره هم علاوه شود، ولی تخمین مزبور از روی بصیرت و موازنه صحیحه است و ناچار حداقل ماخذ گرفته شده است. در خاتمه باکمال تأسف خاطر محترم را مستحضر می‌دارد که عجالتاً روزنه امیدی برای ترقی قیمت نفت پیدا نیست و ظن غالب این که تا مدتی این تنزل فعلی مداومت خواهد داشت.

عیسی فیض

سند شماره ۱۳

گزارشهای کنسولگری ایران در بصره در مورد استخدام کارگران خارجی توسط شرکت نفت ایران و انگلیس و وادار ساختن کارگران ایرانی به جاسوسی برای دولت انگلیس

قونسولگری دولت علیه ایران در بصره

نمره ۶۱، به تاریخ ۱۰ فروردین ۱۳۰۷، محرمانه است، ناصری^۱

مأموریت فوق العاده و حکومت جلیله خوزستان

از قرار مسموع در مؤسسات کمپانی نفت در آبادان، از اتباع بین‌النهرین، هشتاد نفر منشی و دویست نفر کارگر و از هندی‌ها پانصد و پنجاه نفر منشی به غیر از کارگر و از اتباع ایران به غیر از عمده فقط یک صد و سی نفر منشی مستخدم می‌باشد و نظر به این که منشی و کارگر از متخصصین فن نیستند و ممکن است از اتباع ایران استخدام نمود، استخدام منشی و فعله از اتباع خارجه مخالف مقررات امتیاز نامه می‌باشد. و علاوه بر این محرمانه اطلاع یافته است، کمپانی نفت به اجزا و مستخدمین ایرانی گذشته از شغل و وظیفه [ای] که دارند، تکلیف جاسوسی و راپورت نگاری می‌کند که در ادارات حکومتی و مجامع خصوصی داخل شده، برای کمپانی تجسس اخبار نمایند و هر کدام که به وظیفه جاسوسی خوب عمل کند مورد توجه می‌شود و اگر به واسطه وطن خواهی از این عمل پست استنکاف نماید، یا او را به یک بهانه از خدمت خارج، یا طوری با او رفتار می‌نمایند که مجبور به استعفا شود. بنابراین خوب است عموم مستخدمین کمپانی را از ایرانی و اتباع خارجه، به نظر مخبر نگریسته به عموم مأمورین به طور مستقیم و غیر مستقیم محرمانه ابلاغ فرمایند که با آنها به طور احتیاط رفتار و از دادن اخبار اداری و غیره به ایشان خودداری و در صورت امکان اخبار و اسرار کمپانی را از ایشان تحصیل نمایند.

[امضاء:] محمد حسن بدیع

یک سواد برای اطلاع به وزارت جلیله دربار پهلوی تقدیم می‌شود.

سند شماره ۱۳/۱

قونسولگری دولت علیه ایران در بصره

نمره ۶۲، به تاریخ ۱۰ فروردین ۱۳۰۷، محرمانه است، ناصری

مأموریت فوق العاده و حکومت جلیله خوزستان

به طوری که این قونسولگری اطلاع دارد، در ادارات کمپانی نفت در خوزستان یک عده از مأمورین مبرز سیاسی انگلیس مستخدم هستند و اینها در زمان جنگ در بین النهرین حکام سیاسی و نظامی انگلیس بوده و هر کدام در قسمتی از بین النهرین حکومت داشته و کارهای مهمی انجام داده اند. پس از سپری شدن دوره جنگ و خاتمه یافتن کنتراست استخدام آنها، کمپانی نفت جنوب برای مقاصد استعماری خود همه ایشان را در ادارات خود به عناوین مختلفه در خوزستان مستخدم نموده است. اسامی آنها مستر کلگ - مسترالت - مستر کارستر - مستر وایلد - مستر جونس - مستر مایلز [و] مستر گرین هاوز می باشد. مستر کلگ رییس اداره سیاسی و مستر وایلد رییس تشکیلات پولیس (سیکیوریتی اوفیس)^۱ و شعبه پاسپورت کمپانی است. این اشخاص باید همیشه طرف احتیاط بوده و هر جا بروند و با هر کس ملاقات نمایند، محرمانه تحت مراقبت باشند. البته حکومت جلیله از وظایف و احوالات ایشان در خوزستان بهتر از این قونسولگری می تواند کسب اطلاع بفرماید.

[امضاء: محمدحسن بدیع]

یک سواد برای اطلاع به وزارت جلیله دربار پهلوی تقدیم می گردد.

سند شماره ۱۳/۲

قونسولگری دولت علیه ایران در بصره

نمره ۸۶، به تاریخ ۱۴ فروردین ۱۳۰۷، ناصری

مأموریت فوق‌العاده و حکومت جلیله خوزستان

به طوری که از اشخاص موثق شنیده شده، کمپانی نفت جنوب بدون ورقه جواز به هیچ کس اجازه ورود به مسجد سلیمان نمی‌دهد و هرکس قصد مسافرت به مسجد سلیمان داشته باشد، اعم از مأمورین حکومت یا غیر، می‌بایستی قبلاً تحصیل ورقه جواز از کمپانی مزبور نماید و هرگاه بدون ورقه جواز کمپانی برود، مستخدمین کمپانی در (درخزینه) مانع ورود به مسجد سلیمان شده و از همان راهی که آمده می‌باید مراجعت کند. مثل این که بدون ورقه جواز به یک مملکت اجنبی مسافرت کرده باشد. نظر دقت حکومت جلیله را به این اقدام کمپانی که حایز کمال اهمیت است و به حقوق حاکمیت دولت برمی‌خورد، جلب می‌نماید.

[امضاء:] محمدحسن بدیع

قونسول دولت علیه ایران در بصره

Persian consul, Basrah

یک سواد از این مراسله برای اطلاع به وزارت جلیله دربار پهلوی تقدیم می‌شود.

سند شماره ۱۴

مکاتبه با وزارت دربار در خصوص فصل سوم امتیازنامه داری، قرارداد بین خوانین بختیاری و شرکت نفت انگلیس و ایران برای تحصیل اراضی در خاک بختیاری و پیشنهادات ارایه شده برای انعقاد قرارداد بین دولت ایران و شرکت مذکور جهت تحصیل اراضی مورد نیاز شرکت

https://t.me/shenakht_lib

راپورت خصوصی

فصل سوم امتیاز نامه داری به شرح ذیل است:

”دولت علیه ایران اراضی بایره خود را در جایی که مهندسین صاحب امتیاز به جهت بنا و تأسیس کارهایی که در فوق مذکور است، لازم بدانند، مجاناً به صاحب امتیاز واگذار خواهند کرد و اگر آن اراضی دایره باشند، صاحب امتیاز باید آنها را از دولت به قیمت عادله خریداری نماید و دولت علیه به صاحب امتیاز نیز حق می دهد که اراضی و املاک لازمه را به جهت اجرای این امتیاز از صاحبان ملک به رضایت آنها ابتیاع نماید و معلوم است که این ابتیاع موافق شرایطی خواهد بود که مابین صاحب امتیاز و مالکین ملک مقرر خواهد شد، ولی صاحبان املاک مجاز نخواهند بود که از قیمت عادلانه اراضی واقعه در حول و حوش تجاوز نمایند. جاهای مقدسه و جمیع متعلقات آنها در دایره [ای] که دویست ذرع شعاع آن باشد، مجزی و مستثنا هستند.“

فصل فوق شامل نکات ذیل است:

۱- دولت ایران قبول می کند که مجاناً اراضی بایر متعلق به خود را به شرکت واگذار کند.

۲- دولت ایران قبول می‌کند که اراضی مزروع خود را به قیمت عادلانه به شرکت واگذار کند.

۳- دولت ایران به شرکت حق خرید اراضی را از صاحبان آنها می‌دهد.

۴- خرید اراضی از اشخاص به وسیله شرایط و مقرراتی خواهد بود که بین شرکت و آنها برقرار می‌شود.

۵- صاحبان املاک حق مطالبه قیمت غیر عادلانه را نخواهند داشت.

سابقاً، شرکت اراضی که مورد احتیاج آن بود، به وسیله قرار و ترتیب مخصوصی که با صاحبان آنها می‌داده تحصیل می‌نموده است. قرارداد منضم به این راپورت، یک نمونه‌ای است که شامل نکات ذیل است:

۱- ترتیب مخصوصی برای تحصیل اراضی

۲- تعیین قیمت و نرخ معینی برای هر طبقه و قسمت از اراضی لازمه

۳- قیمت اراضی به حکومت ایل پرداخته شده و او تعهد می‌کرده که به صاحبان اراضی بپردازد.

۴- حکومت ایل خود را مسئول دعاوی راجع به اراضی که از طرف شرکت اشغال شده می‌شناخته است.

منظور مراسله مورخه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۰۷ وزارت جلیله فواید عامه، تحت نمرة ۹۸۶ این است که ترتیب سابق را ملغی نمایند. ولی ترتیب و مقررات جدیدی برای تحصیل اراضی از طرف شرکت بیان نمی‌کند.

شرکت مراتب را به حضرت اشرف آقای وزیر دربار عرض و ایشان به حضرت مستطاب اجل آقای سرتیب شیانی گفته‌اند که راجع به این قضیه با مستر ژاکس، مدیر مقیم شرکت در ایران مذاکره نموده و ترتیب قطعی برای آتیه بدهند که اجرا شود. شرکت به غیر از آنچه در امتیازنامه مقرر است، تقاضایی ندارد و با نهایت میل حاضر است اصولی را که دولت مقرر می‌دارد مراعات نماید. فقط تقاضا دارد که اطراف قضیه مورد مطالعه قرار داده شده و وضعیات محلی و اشکالات راجع به مالکیت اراضی در خاک ایلات مطمح نظر واقع شود تا در تحصیل اراضی تعویقی روی ندهد. البته واضح است که عملیات شرکت در ایران جزو کارهایی است که جنبه فواید عمومی داشته و ترقیات و پیشرفت آن در عواید دولت و ملت مؤثر و منعکس خواهد بود. اگر دولت احتیاجات شرکت را با احتیاجات دولت یکی و توأم بداند، قسمت اعظم اشکالات مرتفع خواهد شد.

شرکت بیم آن را دارد که الغای مقررات سابق بدون آن که ترتیب جدیدی جانشین آن شود، موجب تولید اشکالات و تعویق بسیار خواهد بود و من باب مثل اظهار می‌دارد که دو سال و نیم قبل درخواستی به دولت تقدیم و تقاضای واگذاری چند قطعه زمین در آبادان نموده و هنوز یک قسمت از این اراضی واگذار نشده است. پیشنهادات منضمه به این نظر تنظیم شده که اشکالات و تعویقات فوق‌الذکر پیش نیاید.

سند شماره ۱۴/۱

قرارداد بین خوانین بختیاری و شرکت نفت انگلیس و ایران راجع به تحصیل اراضی در خاک بختیاری

ماده اول هرگاه کمپانی نفت زمینی را برای توسعه اداره لازم داشته باشد، قیمت هر یک جریب قابل ذرع دیمی واقعه در خاک گرمسیر بختیاری، به استثناء محوطه مال امیر و گتوند و آب بید و لالی و کلیه قطعات املاک آبی را از قرار جریب که یک

هزار ذرع مربع باشد، مبلغ ده تومان و آنچه زمین غیر قابل ذرع است، باز به استثناء نقاطی که اسامی آن ذکر شده، جریبی در مبلغ پنج تومان خواهد بود. اعم از این که این قبیل اراضی متعلق به املاک شخصی خوانین یا اختصاصی به املاک ایلاتی باشد. توضیح آن که اگر در آینده کمپانی نفت محتاج به زمینی از نقاط مستثنی شده گردید، این گونه اراضی در تعیین قیمت باید تفاوت و تناسب منصفانه داشته باشند.

ماده دوم زمین‌هایی که به موجب این ورقه در آتیه کمپانی نفت در گرمسیر بختیاری خریداری می‌نماید، تا زمان انقضای مدت امتیازنامه، دولت علیه ایران هرگونه تصرفاتی را در این قبیل اراضی محقق خواهد بود و بعد از انقضاء مدت امتیاز دولت علیه ایران، کلیه اراضی مذکوره با کلیه عمارات به خوانین عظام مسترد خواهد شد.

ماده سوم اراضی را که کمپانی نفت به ترتیب فوق خریداری می‌کند، بایست به وسیله مهندسین کمپانی پیمایش کرده، تعداد جریب آن را تعیین و با ستونهای گچی علامت و نشانه بگذارد و نقشه نسختین کشیده، یک نسخه کمپانی امضاء نموده، با نسخه ثانوی بدون امضاء برای حکومت وقت ارسال دارد که حکومت وقت نسخه امضاء شده را ضبط و نسخه دیگر را مهر و امضاء نموده، برای کمپانی نفت عودت دهند.

ماده چهارم در صورتی که کمپانی در اراضی مزروع و مسکون بخواهد مشغول عملیاتی گردد، باید به حکومت وقت اعلان نماید و حکومت وقت موظف است، متوقفین این گونه اراضی را در عرض سه ماه بکسب نماید. ولی این شرط راجع به طوایف ایلاتی است نه دهات.

ماده پنجم کلیه املاک ایلاتی اعم از مزروع و غیر مزروع، مسکون و غیرمسکون که کمپانی نفت از حکومت وقت خریداری می‌کند، باید تمام قیمت آن را به حکومت

وقت تسلیم کند و حکومت وقت ملک یا قیمتی را در عوض به رعیت بپردازد.

ماده ششم راجع به اراضی شخصی فامیلی قرار شد، نصف قیمت اراضی را کمپانی به استحضار و تصویب امضاء حکومت وقت، به صاحب اراضی تسلیم کند و نصفه دیگر را به حکومت وقت عاید دارد. توضیح آن که هر عنوانی در موضوع اراضی قراردادی از طرف صاحبان املاک ظاهر شود، به عهده حکومت وقت است.

ماده هفتم اراضی را که کمپانی با شرایط قبل خریداری می‌کند، وقتی تصرف نمود، طوایف حق این که حشم خود را در آن اراضی برای تعلیف رها کنند، نخواهند داشت و اگر طوایف از این قرار تخلف نمودند، حکومت وقت پس از تحصیل اطلاع، باید در صدد تأدیب و جلوگیری آنها برآید و هرگاه در ضمن رها کردن احشام و اغنام در اراضی مذکوره، بعد از اعلان کمپانی، مال و حشمی مصادف با حوادث از قبیل تأثیر گاز و غیره شد، کمپانی دارای مسئولیتی نخواهد بود.

ماده هشتم شرایط این کترات تا زمان انقضاء مدت امتیازنامه دولت علیه ایران باقی و برقرار خواهد بود. مگر قیمتی که برای اراضی معین شده، پانزده سال بعد از این تاریخ نسخ و موکول به تجدیدنظریات طرفین است.

راجع به ماده دوم قرارداد فوق، چون دولت علیه ایران مفاد آن را مخالف با روح امتیازنامه دانسته بودند، در ۱۳۰۵ به طریق ذیل اصلاح شده است:

این جانبان امضاء کنندگان ذیل فصل دوم قرارداد مورخه دهم شعبان ۱۳۳۹^۱ را که بین خوانین و شرکت انعقاد یافته، راجع به قسمت عمارات (که مفاد آن به موجب امتیازی که به مستر داری در سنه ۱۳۱۹ اعطا شده و مخالف با حقوق دولت علیه ایران تعبیر شده است) به موجب این ورقه در آتیه ملغی دانسته و از درجه اعتبار ساقط و باطل و کان لم یکن خواهیم شناخت.

سند شماره ۱۴/۲

پیشنهادات برای انعقاد قراردادی بین دولت علیه و شرکت نفت انگلیس و ایران دایر به ترتیبی که برای تحصیل اراضی باید اتخاذ شود.

اراضی غیر مزروع دولتی

۱- دولت به شرکت اجازه می‌دهد که عملیات اکتشافیه در تمام اراضی غیر مزروع دولتی به کاربرد. در هر نقطه [ای] که عملیات مزبور شروع شد، شرکت باید مراتب را به دولت اطلاع داده و شروع به عملیات نماید. اطلاع مزبور پس از ابلاغ به دولت، به ضمیمه نقشه‌ای که محل را نشان می‌دهد به منزله اجازه دولت خواهد بود.

۲- پس از آن که عملیات اکتشافیه تمام و فقط به دست آمد، شرکت باید درخواست رسمی به دولت تقدیم و تقاضای واگذاری اراضی مورد احتیاج را بنماید. دولت نیز به فاصله دو ماه از تاریخ درخواست مزبور، آن اراضی را به شرکت واگذار خواهد کرد. اگر در مدت مزبور جوابی از دولت نرسید، شرکت حق نخواهد داشت آن اراضی را تصرف کرده و این را به موجب فصل سوم امتیاز نامه به منزله واگذاری قطعی و مجانی از طرف دولت بدانند. این ترتیب شامل اراضی که برای سایر عملیات مندرجه در امتیاز نامه شرکت لازم می‌آید نیز خواهد بود.

اراضی مزروع دولتی

۱- شرکت در موقع لزوم درخواستی به دولت برای واگذاری این گونه اراضی تقدیم خواهد نمود و نقشه [ای] که حدود اراضی را نشان می‌دهد، به درخواست مزبور منضم خواهد کرد. دولت تعهد می‌کند که قیمت اراضی مذکور را در مدت دو ماه از تاریخ درخواست قطع نموده و به شرکت واگذار کند. اگر چنانچه دولت این اراضی را در مدت معین مزبور به شرکت واگذار نکرده، شرکت [حق] خواهد داشت اراضی

مزبور را تصرف نموده و بعد قیمت آن را قطع نماید.

اراضی متعلق به اشخاص اعم از مزروع و غیر مزروع

۱- شرکت باید نقشه [ای] شامل اراضی مورد احتیاج خود را تهیه و به وزارت فواید عامه تقدیم دارد و تا حدی که اطلاعات آن اجازه می دهد، اسامی صاحبان اراضی مذکور را نیز در نقشه نشان دهد. در همان وقت نسخه دیگری را از نقشه مزبور که دارای اطلاعات مشابه است، به حکومت ناحیه [ای] که اراضی در آن واقع است تقدیم دارد. پس از تقدیم اطلاعات فوق الذکر، شرکت شروع به مذاکره با صاحبان اراضی کرده و برای تحصیل آن، نوشتجات لازمه را امضاء و معامله را ختم و سپس نتیجه را به حکومت محل و وزارتخانه اطلاع خواهد داد. اگر شرکت در ظرف سه ماه موفق به ختم معامله با صاحبان اراضی نشد، به حکومت محل مراجعه و تقاضای قطع معامله را خواهد نمود. حکومت مزبور قیمت عادلانه [ای] برای این گونه اراضی تعیین و آن را به شرکت واگذار خواهد کرد.

(ترتیب فوق شامل اراضی مزروعی نیز خواهد شد که متعلق به اشخاص بوده و در قلمرو ایلات واقع است)

اراضی غیر مزروع ایلاتی

۱- نرخى که در حال حاضر برای اراضی واقعه در خاک بختیاری به موجب قرارداد بین شرکت و خوانین پرداخته می شود، در آتیه نیز مجری خواهد بود.

۲- شرکت باید نقشه [ای] به وزارت فواید عامه تقدیم و در آن اراضی غیر مزروع [را] که در خاک ایل واقع و مورد احتیاج شرکت است نشان دهد.

سپس وزارتخانه تعلیمات لازمه به اولیای محلی صادر خواهند نمود که در ظرف دو ماه از تاریخ این درخواست، مالکین این گونه اراضی را تعیین و نظارت در انتقال

اراضی به شرکت بنمایند. قیمت این گونه اراضی در حضور مأمور دولت به صاحب ملک پرداخته خواهد شد. اگر در ظرف مدت دو ماه مزبور مالکین این گونه اراضی معین و مشخص نشوند، مأمورین محلی دولت اراضی را به شرکت واگذار نموده و پس از تعیین مالک، شرکت قیمت آن را به طریق فوق به صاحبش خواهد پرداخت.

سند شماره ۱۵

مکاتبات سرجان کدامن (مدیرکل و رئیس هیئت مدیره شرکت نفت انگلیس و ایران) با تیمورتاش در مورد بررسی پیشنهاد وی راجع به تغییر بنیادی در مفاد امتیازنامه داری از طریق مذاکره و مسئله سهام و حق الامتیاز ایران

تلفن
مونتویو ۲۹۰۱
تلگرام
شخصی

۱۵ نوامبر ۱۹۲۸
32. West Hill
High Gate. N.6

دوست گرامی :

همان طوری که در نامه پیوست ملاحظه خواهید کرد، پیشرفت های چشمگیری در مذاکرات مربوط به پیشنهادات نسبتاً «متحول کننده» جناب عالی که در گردهمایی لوزان مطرح فرموده بودید صورت گرفته است. موافقت با چنین تغییرات بنیادی در مفاد امتیازنامه کار بسیار دشواری است، هر چند می دانم پس از اجرای تحولات مذکور

همکاری مانزدیکتر و با کارایی بیشتری نسبت به شرایط فعلی انجام خواهد گرفت. کاش می‌توانستیم در منطقه‌ای نزدیک طهران، مانند لوزان در ساحل رودخانه‌ای جذاب و در یک روز آفتابی به تبادل نظر بپردازیم. مطمئنم در آن صورت به راحتی می‌توانیم به تفاهمی سریع دست یابیم! اگرچه به برخی موارد که تا حدودی منجر به ایجاد شکاف بین ما گردیده‌اند التفات کامل دارم، اما با عزمی که هر دو داریم، امکان دستیابی به طرحی که موافقت و رضایت طرفین را فراهم سازد، بسیار بالاست. نمی‌دانید چقدر خوشحالم از این که شرایط امکان داد بار دیگر شما را در پاریس بینم تا همچنان برای دیدارهای دیگر امیدوار شویم. آشنایی که به موجب آن شناخت نزدیکی با افکار و نظریات شما راجع به روابط ایران و انگلیس برای بنده مقدور گشته خوشحال کننده است، بی‌شک با پشتکار و حوصله و با ایجاد شرایط مناسب، وضعیت رو به بهبودی خواهد رفت.

بی‌گمان بنده همچنان در وظیفه ملی و خطیری که بدوش گرفته‌اید به عنوان یک دوست با شما همکاری خواهم کرد و ذکر آن را لازم نمی‌بینم. با کمال میل منتظر جواب شما هستم. چرا که اقدامات سه یا چهار ماه آینده بنده بستگی به جوابیه شما خواهد داشت.

با تقدیم ارادت به شما و همسرتان
[امضاء:] سرجان کدمن
به حضرت اشرف تیمورتاش، طهران

[حاشیه بالا، صفحه اول:] در تاریخ ۸ دسامبر (یکشنبه) از طریق آقای ژاکس دریافت شد.

سند شماره ۱۵/۱

۱۵ نوامبر ۱۹۲۸

از سرجان کدمن
تلفن: لندن وال ۶۳۰۱

Britannic House
Finsbury Circus
London.E.C.2

حضرت اشرف تیمورتاش - طهران

حضرت اشرف :

همان طوری که قرار گذاشته بودم با جناب عالی مکاتبه نمایم، احتراماً به اطلاع می‌رساند بنده پیشنهادات مورد بحث در گفتگوهای لوزان را به طور کامل تسلیم هیئت مدیره نمودم. https://t.me/shenakht_lib

اجازه می‌خواهم قبل از بازنگری مسایل عمده مورد بحث، فهرستی اجمالی از مباحثات قبلی خود را ارایه نمایم تا اهمیت آنها به ترتیب زیر روشن شود.

جناب عالی از طریق اصلاح مفاد امتیازنامه خواهان تغییری بنیادی در روابط موجود بین دولت ایران و شرکت نفت انگلیس - ایران شده بودید و بعداً طی نامه‌ای که از رم ارسال داشتید، خواسته خود را مکرراً ذکر نمودید. متعاقب آن با خواسته شما موافقت نمودم. تنها انگیزه برای موافقتم تحکیم مجموع منافع ایران و شرکت مذکور است که به مدت طولانی تحت تأثیر اختلاف نظرها و سوءتعبیرها، به ویژه در بخش مالی دچار تزلزل شده است.

برای این که درک ما از موقعیت روشن شود، فرصت به دست آمده در لوزان را مغتنم شمردم تا وضعیت شرکت نفت را در حین مذاکرات بعدی نمودار سازم.

ایجاد یک پروژه جدید، هرچند که برای طرفین مطلوب واقع گردد، یک عامل مهم را همواره در خاطر ما مجسم می‌کند. یعنی در واقعیت امر صحبت از نهالی نیست که در آستانه کشت باشد، بلکه مسئله، درختی است که ریشه دوانیده و شاخه‌های حیاتی به خود گرفته است که قطع آنها بدون تضعیف قطعی درخت و در نتیجه به مخاطره انداختن حیات آن قابل تصور نیست. بنابراین بحث ما بر سر ایجاد سازمان جدیدی نیست. ما با یک مؤسسه بزرگ تولیدی سر و کار داریم که ۲۷ سال پیش تأسیس گردیده و در حال حاضر نفوذ زیادی در دنیای نفت دارد. شرکت نفت

ایران - انگلیس در قبال سهام داران و اعضای وابسته، حقوق و تکالیفی در طول دوره امتیاز نامه بر عهده گرفته که در برابر هر تحول شدید احتمالی مستلزم توجهات بسیار جدی و بررسی اکید می باشند. بدین خاطر در لوزان به خود اجازه دادم که ضرورت بروز روحیه ای مطمئن و مسالمت آمیز از جانب طرفین را مورد تأکید قرار دهم، چرا که موفقیت مذاکرات ما به میزان زیادی به آن بستگی خواهد داشت.

پیشنهادات حضرت عالی تغییراتی بنیادی را در اساسنامه شرکت در بر داشت. تلاش بنده هم در جهت متقاعد ساختن هیئت مدیره جهت انجام چنین تحول بنیادی بوده که با مشکل مواجه گردیده است. معهذا، خوشحالم که نکته ای را به عرض برسانم و آن این که بطور کلی شرکت در حال حاضر نسبت به پذیرش یک اصل تمایل نشان می دهد. مطابق اصل مذکور، ایران می تواند سهام دار شرکت گردد و علاوه بر آن به ازای هر تن تولید، حق الامتیاز دریافت نماید - چنانچه همین اصل مورد موافقت قرار گیرد، دری به روی مذاکرات بعدی ما که پیرامون کلیه مسایل آن است گشوده می شود و پیشرفت هرچه بیشتر آنها را ممکن می سازد. حل مسایل مختلفی که مبحث مذاکرات لوزان را تشکیل می دهند، در صورتی که ما علت حضور و هدف مذاکرات خود را همواره در خاطر داشته باشیم، عمل ناممکنی نیست، هر چند هم که مسایل مذکور گسترده باشند.

همکاران بنده نیز در لندن با «انگیزه» حضرت عالی از مذاکرات لوزان مبنی بر «حل و فصل مشکلات مربوط به دوره امتیاز نامه داری» موافق هستند و این مسئله را به عنوان پایه و اساس مذاکرات قبول کرده اند.

با داشتن چنین تعریفی از هدف خود، بسیار امیدواریم که ملاحظات و موارد دیگر در حین گفتگوها هرگز باعث ابهام و به خطر انداختن انگیزه ما نخواهد گردید. این گفتگوها ناگزیر بعد از مذاکرات مجدد ما صورت می گیرد. حفظ روحیه خیرخواهی و حسن نیت که همواره مشخصه گردهمایی های ما بوده است، بی شک بهترین روش جهت جلوگیری از بروز هر نوع سردرگمی است. امیدوارم حضرت عالی با عنایت به این که هیچ دلیلی نمی تواند ما را از نیل به هدفمان باز دارد، با بنده به اتفاق نظر برسید و اما در مورد اعطای تعدادی سهام به ایران که مسئله بسیار مهمی است، اطمینان دارم که جناب عالی به دشواری مسئله آگاه هستید و همچنین

ارایه پیشنهادات مختلف از جانب همکاران بنده جهت حل آن را به عنوان امری مسلم قبول دارید. در ضمن اجرای پیشنهاد حضرت عالی مبنی بر اعطای ۲۵٪ سهام به ایران، در ترکیب فعلی شرکت بی شک خسارت و خیمی به منافع سهام‌داران دیگر وارد خواهد کرد که مخالفت جمعی آنها مذاکرات ما را به احتمال قوی با شکست روبرو خواهد نمود. در نهایت امید می‌رود که بتوانیم از طریق مطالعات کنونی، خود به فرمولهایی دست یابیم که مورد پذیرش شما واقع گردد. به نظر من، این حدس که روش اهمیت ندارد، بلکه مهم آن است که خواسته دولت ایران در چنین شرکت بزرگ و گسترده‌ای تأمین گردد، از نظر عقلی نمی‌تواند درست باشد.

مسئله پرداخت حق الامتیاز نیز مسلماً رابطه تنگاتنگی با مسئله سهام دارد، ولی چون که مسئله اخیر مانند قبلی نیست، در اینجا به اشاره‌ای گذرا بسنده می‌کنم. مبلغ حقیقی قابل پرداخت به ازای هر تن، همانطوری که در لوزان هم گفته شد، بستگی به سایر روشهای مشارکت ایران و اهمیت آنها دارد. نظر به تمامی موارد و با فرض این که توافقی بر سر سهام اعطایی امکان پذیر باشد، گمان نکنم که مسئله حق الامتیاز سد راهی بشود و مانع از دست یابی به سازشی دوستانه گردد. مسئله «تعیین حدود جغرافیایی» همان طوری که در قرارداد امتیازنامه یاد شده است، در حال حاضر نیز توجه بسیاری از کارشناسان فنی را به خود معطوف نموده است. علاوه بر شروطی که در لوزان بحث شد، پیشنهادات حضرت عالی نیز به اطمینان بنده به طرز رضایت‌مندانه‌ای حل خواهند شد. تمدید دوره امتیازنامه، به خاطر این تصور که ایران سهام‌دار می‌گردد، شرح و تفاسیری را ایجاد کرده است. تا اینجای بحث لازم نمی‌بینم که وارد جزئیات شوم، به نظر بنده، پس از انقضای موعد مقرر، کافی است که به یک موافقت مشترک به منظور تمدید قطعی امتیازنامه تن دهیم و مطمئنم که طرحی رضایت‌مندانه به محض حل شدن قطعی مسئله فراهم خواهد شد. پیشنهاد بنده این است که مسایل طراز دوم اهمیت مندرج در بیانیه اهداف طرفین که در لوزان تهیه کردیم، در اینجا مورد بحث و بررسی قرار نگیرند و در حل هر کدام از مسایل مورد نظر، تا جایی که قابل پیش بینی است، به مشکل عمده‌ای برنخواهیم خورد. همان طوری که حضرت عالی مستحضر هستید، در این نامه خود را در پیچ و خم

ارقام درگیر نکرده، بلکه تنها به موارد عمده بسنده کرده‌ام. هرچه بیشتر اوضاع را از نزدیک بررسی کنم، در کار خود اطمینان بیشتری پیدا می‌کنم تا یک مکاتبه صرف؛ زیرا بررسی چنین مسایلی از طریق مکاتبه به کوششی می‌ماند که جز فاصله انداختن میان نظریه و عمل، کار دیگری را از پیش نمی‌برد، هرچه نامه در بیان خود صریح و روشن باشد، باز هم از خطر سوء تعبیر مصون نیست و هر قدر هم که خوب نوشته شود همچنان کالبدی است که روح در آن حضور ندارد. به هر صورت از آنچه گفته شد روشن می‌شود که توافق ما جز با حضور در یک میزگرد به دست نمی‌آید. نظریاتی که برای این جانب در درجه اول اهمیت قرار دارند، در آنچه که از خاطر مبارک گذشت، برای جناب عالی و اعلیٰ حضرت شاهنشاه مشخص می‌شود. بنده نیز بسیار خوشوقت خواهم بود چنانچه پاسخ نامه را دریافت کنم، زیرا به تأییراتی که گفتگوهای قبلی در شما ایجاد کرده پی برده و درمی‌یابم در چه تاریخی آمادگی خواهید داشت گفتگوهایمان را از سر بگیریم تا بلکه دو طرف به موافقت نهایی، کامل و رضایت‌مندانهای دست یابیم.

بنده قطعاً به هر طریقی که مفید بدانید جهت دست‌یابی به هدف مشترکمان با شما همکاری خواهم کرد و این لازم به ذکر نیست.

با تقدیم احترامات عالیّه [امضاء:] سرجان کدمن

سند شماره ۱۶

مکاتبه ژاکس با تیمورتاش در خصوص ترتیب استحفاظ از ناحیه
هفت گل بختیاری

حضور محترم حضرت اشرف آقای تیمورتاش دامت عظمته

عطف به مذاکراتی که دو روز قبل راجع به ترتیب استحفاظ هفت گل با حضرت اشرف نمود، بنا به امر عالی پیشنهادی را که به آقای سرتیپ فرج‌الله خان در این موضوع نموده و مورد قبول ایشان واقع شده، ذیلاً به عرض می‌رساند.

یک نفر صاحب منصب نظام یا امنیه با چند نفر نظامی در هفت گل مأمور شود که محافظت نقطه مزبوره را به عهده گرفته و مسئول امنیت آن محل باشد. صاحب منصب مزبور پس از مطالعه اوضاع ایلی آن نقطه، به شرکت اطلاع خواهد داد که چه عده مستحفظین ایلی برای ناحیه مزبوره لازم است و عده مزبوره را به مسئولیت خویش استخدام خواهد نمود.

شرکت فوق العاده [ای] که معمولاً به صاحب منصبان و نظامیان مأمور حوزه عملیات خود می‌پردازد، به عده [ای] که در هفت گل مأمور می‌شوند خواهد پرداخت و کلیه مواجب مستحفظین ایلی را هم توسط صاحب منصب مزبور خواهد پرداخت.

متمنی است لطفاً تعلیمات تلگرافی به آقای سرتیپ فرج‌الله خان صادر فرمایید که ترتیبات فوق‌الذکر را زودتر به موقع اجرا گذارند.

در خاتمه خاطر محترم را به این مسئله متوجه می‌سازد که ترتیب فوق به طور قطع حفاظت عملیات شرکت را به وسیله مأمورین دولت تأمین نموده و اختلافات ایلی و دعاوی مختلفه راجع به استحفاظ هفت گل را خاتمه می‌دهد.

با تجدید احترامات فائقه

[امضاء:] ژاکس

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] برای سرتیپ فرج‌الله خان مدلول ارسال شود و نوشته شود که مراتب به عرض رسید و حسب‌الامر همین طور عمل کنند.

سند شماره ۱۷

مکاتبات تیمورتاش با سرجان کدمن در مورد سفر وی به تهران جهت بررسی مشکلات امتیازنامه داری و ابراز رضایت از بازدید خود از تأسیسات شرکت در آبادان و مسجد سلیمان و مذاکره با سرروبرت کلایو جهت حل اختلافات موجود

https://t.me/shenakht_lib

۱۲ دسامبر ۱۹۲۸

طهران

دوست عزیزم:

دو روز بعد از ارسال نامه مورخه ۶ دسامبر که به پیوست ایفاد می‌گردد، موفق شدم از دستان مبارک آقای جکس نامه ارسالی ۱۵ نوامبر شما را دریافت نمایم. خوشحالم بار دیگر شاهد ابراز مودتی صمیمانه هستم که ما را همچنان به هم پیوند می‌دهد و همچنین خرسندم که جناب عالی با عزمی راسخ در پیشبرد روابط ایران و شرکت به سوی غایت مطلوب گام برمی‌دارید به راحتی می‌توان منطقه‌ای امن و آرام در اطراف طهران یافت تا در آینده‌ای نه چندان دور مذاکرات دوستانه لوزان و لندن را تکمیل نمایم. درست است که مذاکرات ما در ایران مانند مذاکرات قبلی مان در لندن در ساحل دریایچه و در مکانی به زیبایی اقامتگاههای شما انجام نخواهد گرفت، اما می‌باید از جنبه زیبایی و هنر بگذریم و به اصل مهم، یعنی تحکیم یک شرکت بین‌المللی اهمیت دهیم که جز در پناه همکاری نزدیک ایران و اعتماد ایرانیان قابل حصول نیست، بی‌شک دورنمای گسترده‌ای که از رشد و تعالی این امر بزرگ متصور است، کاستی‌ها و عیوب مکانی را از ذهن ما خواهد زدود. معهذایران حداقل،

سرزمینی آفتابی است و مناظر آن در کل جلوه زیبایی دارد.

گفتنی است که تصمیم شما مبنی بر سفر به ایران مرا بیش از اندازه مسرور کرده است. پیشاپیش به شما خوشامد می‌گویم. در ضمن، آقای جکس اظهار داشتند شما تقریباً در تاریخ ۱۰ ژانویه قصد ترک لندن را دارید، اگر اینطور است در فوریه آماده پذیرایی از جناب عالی هستیم. از اتفاق نظری که از راه دور، یعنی به وسیله مکاتبه داشته‌ایم همواره خرسند بوده‌ام، ولی این بار سفر شما بیش از هر چیز دیگر مرا خوشحال کرده است. چون که می‌دانم تنها در کنار میزگرد است که تفاهم ما حاصل می‌گردد. در نامه ۱۵ نوامبر خلاصه‌ای از پیشنهادات «متحول کننده» این جانب و نکات مورد بحث در مذاکرات لندن و لوزان را مطرح کرده بودید، لازم است که انگیزه خود را از ارایه پیشنهادات مذکور عرض نمایم.

همان طوری که بعداً هم خواهید دید، هدف بنده تحول کلی در نظم موجود نیست. در نهایت، به روش یک جراح عمل می‌کنم که بعد از تشخیص مرض، به سود بیمار اقدام می‌کند نه این که به خیال انسان دوستی و برای این که عمل جراحی را سریع انجام دهد، به قطع اعضاء متوسل شود و از شرایط سوء استفاده کند. بدیهی است که همه پدیده‌ها در این دنیا نسبی هستند، پیشاپیش اعتراف می‌کنم که بنده فاقد روحیه‌ای «محافظه کارانه» هستم، زیرا علت محافظه کاری، کامل دانستن نهادهای کشور است و چنین نعمتی از آن همه نیست. ما و دیگران، یعنی آنهایی که فاقد حس «محافظه کاری» هستیم، ترجیحاً به زدودن هر چه سریعتر دردها و مشکلات می‌پردازیم، به هر حال خوشحالم که شما را در برنامه‌های «متحول کننده» یا تکاملی خود شریک و هم‌رأی می‌یابم. اطلاع یافتم که به لطف کوششهای جناب عالی، هیئت مدیره خواسته‌های بنده را مورد تأیید و موافقت قرار داده که عبارت بودند از: حل و فصل مشکلات مربوط به دوره امتیازنامه داری، مشارکت ایران در سهام شرکت، مسئله حق‌الامتیاز به ازای تن و بالاخره تعیین حدود جغرافیایی امتیازنامه. این پذیرش به بنده آرامش خاطر داده است - مسئله تمدید امتیازنامه و طرح جناب عالی کاملاً برایم روشن نشده است، بهتر می‌دانم الان در مورد آن چیزی نگویم و ترجیحاً منتظر اظهارات شفاهی شما هستم.

مقایسه‌ای که بین شرکت و درخت مشحون از حیات ارایه فرموده بودید از نظر بنده مورد تأیید است و اولین کسی هستم که ایمان دارم صحبت بر سر یک درختچه یا نهالی نیست که قرار است آن را در زمین بنشانیم، بلکه مسئله مورد بحث درختی است که ریشه دوانیده و شاخه‌های مستحکم به خود گرفته است و ما مصلحت می‌دانیم که از روی بی احتیاطی متوسل به قطع عضو یا اعضای از آن نشویم؛ خدا ما را از ضربه زدن به آن حفظ کند. حاکم مقتدر ما اعلی حضرت پهلوی که حکمت سیاسی و علاقه وافرش برای خوشبختی ملت و کشور ایران بر ما پوشیده نیست، اهمیت والایی برای شرکت نفت ایران - انگلیس قایل هستند. ما هم یقیناً مطیع وی بوده و از عقایدش پیروی می‌نماییم و شرکت مذکور را به عنوان عاملی جهت احیاء و مرمت ملی ایران می‌دانیم و این در صورتی محقق می‌شود که مشکلات موجود، موانع و یا بهتر بگوییم عوامل مختل کننده منافع دو کشور را برطرف سازیم - سوای از آنچه گفته شد، آیا جناب عالی خودتان به طور قطع اطمینان دارید که بستر فعلی برای رشد درخت فرضی، بستر کاملاً مساعدی است؟

درخت مورد بحث درختی زیبا، قوی، تنومند، جوان و مملو از شیره حیاتی است. ۲۸ سال از عمرش می‌گذرد و هنوز هم ۳۲ سال دیگر زنده خواهد ماند، اما نه بیش از آن. در صورت تهیه سرمایه‌های ضروری برای رشد و توسعه کامل درخت و رشد طولی هرچه بیشتر ریشه‌های آن، فکر نمی‌کنید که ریشه‌های مذکور ممکن است به تخته سنگی برخورد کند؟

شکی نیست که امتیازنامه‌ای در کار است که موجودیت درخت فرضی را تضمین می‌کند، اما صادقانه عرض می‌کنم و آن این که آیا امتیازنامه مذکور در ساخت فعلی خود استحکام فکری دارد و آیا با سهولت بکار بسته می‌شود؟ مسلماً نه.

شما خودتان بیشتر از بنده افکار عمومی مردم ایران را می‌شناسید. هر کشوری که توجه به افکار عمومی را وظیفه مسلم خود می‌داند، همواره نمی‌تواند مشارکت کامل خود را در این امر بی‌هیچ تزلزلی ایفا نماید. افکار عمومی بر این حقیقت ناظر است که منافع ایران تحت تأثیر مفاد فعلی امتیازنامه دستخوش ضرر و زیان است و رونق شرکت به جای این که در این راستا رضایت عموم را جلب کند، برعکس احساسی از

کینه به خاطر خدشه‌ای که بر منافع حقیقی یا ظاهری شان وارد گشته در مردم برمی‌انگیزد. مسایل و مشکلات زیادی نیز در عمل به چشم می‌خورد که ذکر آنها را در اینجا لازم نمی‌دانم. اما کافی است اختلاف نظرهایی را که بین ما و شرکت وجود دارد یادآوری نمایم. مسلماً اتخاذ راه‌حلهایی از نوع راه حل آقای اسمیت هرگز نمی‌تواند مشکلات موجود را برطرف سازد و یا به گونه‌ای رضایت طرفین را فراهم آورد. ما که بر معایب امور فعلی واقف هستیم، بایستی با هم در رفع آنها گام برداریم. هدف ما از ابتدا نزدیک نمودن و حتی اشتراک منافع طرفین بوده و حل و فصل نکات مورد اختلاف به عنوان عاملی در ایجاد رضایت متقابل مورد موافقت ما قرار گرفته است. به نظر بنده، تنها راه جهت حصول هدف فوق ایجاد امتیازنامه جدیدی است که مشتمل بر مسایل مورد نظر باشد تا بعد از تأیید مقرر قانونی یعنی رفع هرگونه دغدغه خاطر، بتواند جایگزین امتیازنامه قدیم گردد. در عین حال، همان طوری که قبلاً ذکر شد، بایستی ۵۰۰/۰۰۰ (پانصد هزار لیره استرلینگ) به منظور تسویه مطالبات دولت ایران اختصاص یابد تا دیگر مورد اختلافی در بین نباشد. اهمیتی که شما به همان اندازه برای منافع دولت ایران قایل هستید، باعث خوشحالی است و اطمینان بنده را نسبت به موفقیت آینده برمی‌انگیزد.

مسئله دیگری که مورد نظر ما بوده، مشکلاتی است که به خاطر تغییر روند عادی و تعصب افکار عمومی در برخی موارد، با آنها مواجه خواهیم شد. شما حتی بر این حقیقت واقفید که تمدید امتیازنامه مشکلات عدیده دیگری را بوجود خواهد آورد، اما به حسن نیت شما در برقراری تفاهم، از طریق مذاکرات و اعتباری که در هیئت مدیره دارید، ایقان دارم. بدین خاطر پس از اجازه و تصویب اعلی حضرت، مشکل می‌دانم که به عقاید متقاعدکننده‌ای برای شما دست نیابم. در برگشت به ایران همان طوری که در نامه اولی خود قید کرده بودم، وجود اعلی حضرت به عنوان تکیه‌گاه در موفقیت مذاکرات امیدوارکننده است. اما روی هم رفته، طبق نظر شما ملاقات ما برای مسئله‌ای به این اهمیت کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین ورود شما به ایران الزامی است. علاوه بر آن، شخص شاه علاقه زیادی به جناب عالی داشته و به عزم راسخ شما جهت سازش منافع دو کشور اطمینان کامل دارد. پس دوست

گرامی، حتی المقدور پیشنهادات ما را که چندان هم بلند پروازانه نیستند، پذیرا شوید و همان طوری که در لندن گفته بودم لاقلاً با ورود به خاک ایران برای مدتی خودتان را از دغدغه چک‌های بانکی فارغ سازید که با استقبال ما روبرو خواهید شد.

در پایان نامه، نکته‌ای را قابل عرض می‌دانم. منطقه مورد بحث در مرز ایران و عراق در حال حاضر به خاطر روشهای استخراج نفت، به حق اعتراض برانگیز است. همان طوری که مطلع هستید، در فواصل نابرابر از مرز ایران - عراق، چاه‌هایی را حفر نموده‌ایم (که مورد اختلاف هم بوده است) چاهی که در طرف خاک عراق قرار دارد بسیار نزدیک به مرز است و چون «حوضچه نفتی» در زیر مرز ایران - عراق منجر به نشت نفت به خاک عراق می‌گردد، جهت رفع چنین معضلی، لازم و منطقی است که چاهی را در فاصله برابر با چاه دیگر از مرز ایران - عراق، با همان شرایط بهره‌برداری حفر نماییم و یا این که چاهی را که در طرف خاک عراق است ببندیم. امیدوارم جناب عالی اقدامات لازمه را در این باب به عمل آورید. همسر من به شما و خانم کدمن ابراز ارادت می‌کند.

با تقدیم ارادت به شما و همسرتان [تیمورتاش]

[حاشیه پایین، صفحه اول:] به سرجان کدمن، رئیس شرکت نفت انگلیس و ایران.

سند شماره ۱۷/۱

۶ دسامبر ۱۹۲۸^۱ تهران

دوست عزیزم:

این نامه را بعد از مراجعت از جنوب در جواب نامه‌های ۳۰ دسامبر و ۱ نوامبر خدمت جناب عالی ارسال می‌نمایم تا مراتب سپاس و قدردانی خود را از شما و آقای جکس و سایر همکاران شما در ایران، به خاطر پذیرایی دوستانه‌ای که در حین دیدار این جانب از مؤسسات شرکت نفت ایران - انگلیس در آبادان و مسجد سلیمان به عمل آوردید، ابراز نمایم. شاهد مهمان نوازی و استقبال صمیمانه‌ای بودیم که فراتر

از توقعات ما بود و به این دیدار کوتاه چنان جذابیتی بخشیده بود که خاطرات آن هرگز فراموش نمی‌شود. اما جای بسی تأسف است که نتوانستیم بیش از این در آنجا توقف کنیم.

بسیار خوشحالیم از این که توانستیم با برادر شما پروفیسور کدمن در مسجد سلیمان افتخار آشنایی پیدا کنیم. از مایشگاه ایشان بیش از هر جای دیگر برایمان جالب بود. ایشان توضیحاتی قاطع و ارزشمند پیرامون کارهای بسیار جالبش عرض کردند و برایمان عجیب بود که وی در حین مطالعات و فعالیت‌هایش روی گاز و پژوهشهای مربوط به بنزل^۱، به ترکیبات کائوچو دست یافته است.

دیدن تأسیسات و محصولات شرکت دو احساسی بارز در من برانگیخت: ابتدا تحسین عزم نیروی انسانی در کنترل، هدایت مجموعه و رفع مشکلات و نارسایی‌هایی که غیرقابل حل به نظر می‌رسند و دیگر احساس شگفتی در برابر عظمت شرکتی که این همه ثروت را استخراج و مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد. بنده بیشتر از گذشته به ضرورت تشریک مساعی و هدایت آن در راستای توسعه و ترقی شرکت اطمینان دارم و از نظر بنده تنها وسیله نیل به هدف می‌باشد. شما نیز خوشبختانه طوری که از نامه‌های ۳۰ سپتامبر و ۱ نوامبر برمی‌آید، در راه رسیدن به هدف گام برمی‌دارید. دقیقاً دیروز بود که به اتفاق آقای سر روبرت کلایو پیرامون اقدام مجلس مبنی بر تصویب برنامه مورد نظر بحث می‌کردیم. برای این که مقدمات اصلاح و بازنگری امتیازنامه‌های موجود چیده شود و امکان مذاکره نزدیک با هیأت مدیره شما جهت حصول تفاهم با دولت ایران بر سر اصول جدید فراهم گردد، مجلس بدنبال اعلان دولت ایران تصویب کرده که چنانچه دارندگان امتیازنامه‌ها مشارکت کلی ایران را لازم می‌بینند، تنها در صورتی امکان پذیر خواهد بود که امتیازنامه‌های موجود اصلاح و بازنگری گردند).

جای بسی خوشحالی است که آقای سر روبرت کلایو تا حدی از جریان مذاکرات مطلع بودند و بنده مطمئن همکاری مشارالیه در این امر بسیار مفید خواهد بود.

1. Benzol = نوعی هیدروکربور مرکب از بنزین و تولوئن

جناب آقای سرجان کدمن، شاهد کندی در پیشرفت کارها هستم و تا به حال اطلاعاتی از شما به دستم نرسیده است - طبق موافقت قبلی، بنده همچنان به حالت انتظار و بدون هیچ گونه اقدامی مانده‌ام. هیچ کس به استثنای اعلی حضرت پهلوی بر آن واقف نیست. علیرغم نگرانی که به خاطر تأخیر ایجاد شده دارم، به زودی مذاکرات دیگر خود را با آقای روبرت کلایو شروع خواهیم کرد و اطمینان دارم که تجربیات، باریک اندیشی و تیزهوشی ایشان به علاوه تمایل وی نسبت به روابط دوستانه طرفین به ما امکان خواهد داد بر سر تمامی موارد به توافق برسیم. بنده اصلاً نمی‌خواهم که مسایل مربوط به شرکت نفت ایران - انگلیس همچنان به حالت تعویق بماند. چون شما را طرفدار مورد اطمینان خود جهت دستیابی به تفاهم می‌دانم و بر فعالیت شما در این راستا واقفم، احساس آرامش می‌کنم و همواره منتظر روزی هستم که جناب عالی به ایران تشریف فرما شوید. در تاریخ ۲۲ اکتبر نامه‌ای جهت ارسال به شما نوشتم، اما به خاطر سفری که داشتم نتوانستم به موقع نامه مذکور را بفرستم، بدین خاطر آن را به نامه حاضر پیوست می‌کنم که امیدوارم مقدمات لازم را فراهم سازد. بنده و همسرم به خانم کدمن مراتب ارادت خود را تقدیم می‌داریم. در پایان سلام بنده را به آقای دکتر یانک برسانید.

ارادتمند شما [تیمورتاش]

[حاشیه پایین، صفحه اول:] به سرجان کدمن، رئیس شرکت نفت انگلیس و ایران.

سند شماره ۱۸

مکاتبه وزارت دربار با حکومت خوزستان در خصوص موافقت رضاشاه با درخواست شرکت نفت جنوب مبنی بر اعزام صاحب منصب نظامی برای حفاظت از منطقه هفت گل

نمره کتاب ۳۶۰۸، تاریخ خروج ۱۲ دی ماه ۱۳۰۷

حکومت جلیله خوزستان

مستر ژاکس، نماینده شرکت نفت جنوب برای حفاظت هفت گل پیشنهاد نموده که یک نفر صاحب منصب نظامی، یا از صاحب منصبان امنیه یا چند نفر تابین^۱ به هفت گل مأمور و اعزام شوند که استحقاق منطقه مزبور را عهده دار و مشغول امنیت آنجا باشند و صاحب منصب مزبور پس از مطالعه اوضاع ایلی آن منطقه، به شرکت اطلاع بدهد که چه عده مستحقظین ایلی برای ناحیه مزبور لازم خواهد بود و عده مذکوره را به مسئولیت خویش استخدام نماید و شرکت فوق العاده [ای] که معمولاً به صاحب منصبان و نظامیان [و] مأمورین حوزه عملیات خود می پردازد، به عده مأمورین هفت گل نیز خواهد پرداخت.

مراتب به عرض خاکپای همایونی رسید و مورد تصویب ملوکانه واقع گردید. این امر مبارک را برای اجرای پیشنهاد مزبور ابلاغ می نماید.

وزیر دربار پهلوی

[حاشیه پایین:] سوادى برای اطلاع اداره نفت جنوب فرستاده شد.

سند شماره ۱۹

مکاتبه ژاکس با تیمورتاش در خصوص واگذاری اراضی مورد احتیاج در ناحیه بختیاری به شرکت نفت ایران و انگلیس

نمره ف ۲-۱۶، طهران - مورخه ۱۵ دی ماه ۱۳۰۷

حضرت اشرف:

عطف به استفساری که راجع به احتیاجات این شرکت از حیث اراضی مسجد سلیمان و هفت گل در این سال فرمودید، تلگرافاً از آبادان سؤال نموده و اطلاعات ذیل که اینک به عرض می‌رسد، از آنجا واصل شده است:

در ۱۳ اوت ۱۹۲۸ (۲۲ مرداد ۱۳۰۷) اداره آبادان شرکت شرحی به آقای سرتیپ فرج‌الله خان نگاشته و به ایشان اطلاع داده‌اند که احتیاجات شرکت عبارت از ۱۰۳۳ جریب و چهاردهم جریب زمین بایر و ۱۷۳ جریب زمین دایر است و از ایشان تقاضا کرده بودند که ترتیب اجاره آن را بدهند. موافق ترتیبات جاریه بین این شرکت و خوانین بختیاری، قیمت اراضی مزبوره به قرار شرح ذیل، بالغ بر ۶۸۹۷۰ قران می‌شود:

۱۷۳ جریب زمین دایر، از قرار هر جریبی ۱۰۰ قران - ۱۷۳۰۰ قران

۱۰۳۳ جریب زمین بایر، از قرار جریبی ۵۰ قران - ۵۱۶۷۰ قران

در موقع ارسال تقاضانامه مزبور، نقشه [ای] به آقای سرتیپ فرج‌الله خان داده شد که کلیه اراضی را که سابقاً از خوانین بختیاری اجاره شده و قسمتی را که حالیه لازم است، به ضمیمه اسامی طوایف جزء ایل بختیاری که آن اراضی را برای مرتع قشلاقی در تصرف دارند نشان می‌دهد.

موجب نهایت تشکر خواهد بود چنانچه تعلیمات تلگرافی به آقای سرتیپ فرج‌الله خان صادر فرمایید که اراضی فوق‌الذکر را به طرز معمول واگذار به شرکت نموده و وجوه آن را گرفته، به هرکس امر می‌فرمایید تأدیه نمایند.

با تجدید احترامات فائقه

ارادتمند حضرت اشرف

[امضاء: ژاکس]

حضرت اشرف اعظم آقای تیمورتاش وزیر دربار پهلوی دامت شوکتہ

[حاشیة بالا، به خط تیمورتاش:] به سرتیپ فرج الله خان تلگراف شود که مطابق نقشه [ای] که در ۲۲ مرداد ۱۳۰۷ در باب اراضی مسجد سلیمان از طرف کمپانی نطف جنوب داده شده است، اقدام بکند. یعنی اراضی را از صاحبان آنها برای کمپانی اجاره بنماید و وجه آن را برای دادن به صاحبانش مأخوذ دارد.

https://t.me/shenakht_lib

سند شماره ۲۰

مکاتبه داود مفتاح با وزارت امور خارجه در خصوص گزارش سفارت ایران در واشنگتن راجع به مسافرت کدمن به آمریکا

وزارت امور خارجه

سواد راپورت سفارت دولت علیه ایران در واشنگتن - نمره ۱۲۷۱ - مورخه ۱۶ دی ماه ۱۳۰۷

نظر به این که سرجان کدمن، رییس کمپانی نطف ایران و انگلیس برای پاره [ای] مذاکرات با کمپانی های بزرگ اینجا به آمریکا آمده که در نتیجه آن توافق نظر حاصل شده و ترتیبی برای بازارهای نطف دنیا داده تا مضرات رقابت و اختلافات موجود بین انگلیس و آمریکا راجع به مسایل نطف مرتفع گردد و در شام سالیانه مؤسسه نطف آمریکا در شهر شیکاگو نطق مفصلی ایراد داشته است و نظر به اهمیت امر از نقطه نظر

مصالح مملکت ایران، به آقای مظفر میرزا فیروز دستور داد [م] که از اقدامات و بیانات سرجان کدمن اطلاع حاصل نموده و ایشان را نیز ملاقات کرده و راپرت نتیجه مطالعات و تحقیقات خود را تهیه کنند. اینک راپرت مشارالیه برای استحضار آن وزارت جلیله ارسال می‌گردد.

ضمناً متذکر می‌شود که مفاد راپرت مزبور کاملاً جالب توجه و شایسته دقت از طرف اولیای امور می‌باشد و امیدوارم به مندرجات آن توجه لازم را خواهند فرمود. بدیهی است در این موقع که سرجان کدمن موافق اظهار خود به ایران خواهد آمد، استحضار اولیای امور از جریاناتی که در راپرت لف تشریح شده برای مذاکراتی که به عمل خواهد آمد مفید خواهد بود.

https://t.me/shenakht_lib

[داود] مفتاح

سند شماره ۲۰/۱

وزارت امور خارجه

مقام محترم وزارت مختار دولت علیه

با کمال افتخار بر حسب دستور آن مقام محترم، صورت نطق سرجان کدمن رییس کل کمپانی نفت ایران و انگلیس که در کنفرانس منعقدۀ نفت در شیکاگو ایراد داشته، در تحت مطالعه درآورده و همچنین برای این که [از] نظریات و خیالات ایشان مستحضر شوم، ایشان را ملاقات کرده و در این راپورت که به سه قسمت منقسم می‌شود، قسمتهای مهم نطق ایشان و شرح ملاقات خود را با مشارالیه با نظریات و استنباطهای خود بنده، اینک از لحاظ محترم می‌گذرد تا هر طور مصلحت باشد اقدام فرمایند.

البته به طوری که ملاحظه فرمودید نطق سرجان کدمن بسیار مفصل و مبهم بوده و در اینجا نکاتی که قابل توجه مخصوص است از نطق مشارالیه استخراج و ترجمه نمودم. در ضمن نطق خود، سرجان کدمن اظهار داشت که بدون حمل به اغراق می توان امیدوار بود که تا چهار الی پنج سال دیگر چند میلیون تن نطف سالیانه در عراق استخراج خواهد شد و بدیهی است در آن موقع وظیفه هر مملکتی که در این کمپانی شرکت دارد و در توسعه عراق ذینفع می باشد، این خواهد بود که بازار دایمی برای نطف عراق پیدا نماید و در قسمت دیگر نطق که راجع به انبار کردن نطف بحث می کرد، چون آمریکایی ها نطف را استخراج کرده تا موقعی که احتیاج پیدا نشود، در انبارهای مخصوص نگاه می دارند، اظهار داشت، ما باید این اصل کلی را سرمشق خود قرار دهیم که بهتر خواهد بود نطفی را که پیدا می نمایم عوض انبارهای مصنوعی روی خاک، حتی الامکان در انبار بی نظیری که خود طبیعت ترتیب داده محفوظ بداریم. در قسمت دیگر نطق اظهار داشت که سالیانه در ایران پنج و ربع میلیون تن نطف استخراج می شود و نصف این در بازار اروپا به فروش رفته، سی درصد در بازار آسیا و آفریقا به فروش می رسد و قسمت دیگر آن به جزیره ایسلند و استرالی^۱ فرستاده می شود.

اما راجع به قسمت ثانی این راپرت که مربوط به ملاقات خود با سرجان کدمن می باشد، متذکر می شوم که در ضمن ملاقات مزبور اظهار داشت که دولت شاهنشاهی در این که ترتیبی با آمریکایی ها داده شود کاملاً ذی نفع است، زیرا که هرگاه چنین ترتیبی داده شود و در نتیجه آن قیمت نطف معین گردد و منافع صاحبان نطف تأمین شود، سهم دولت شاهنشاهی نیز محکم و تثبیت خواهد گردید، و الا اگر ترتیبی که فعلاً رواج دارد ادامه پیدا کند منافع دیگری در نطف نخواهد بود.

ضمناً اظهار امیدواری می کرد که دولت شاهنشاهی برای پیشرفت نظریات ایشان موافقت و اقدام نماید و متذکر گردید که برای پاره ای مذاکرات پس از چندی به ایران خواهد رفت. اما راجع به نظریات و استنباط خود بنده، اولاً لازم است متذکر شوم که

رویه و سیاست نفت انگلیس با آمریکا کمال تفاوت را دارد و از آنجایی که انگلیسی‌ها معتقد هستند که در استخراج نفت رعایت کامل اصل عرضه^۱ و تقاضا را باید کرد تا تولید بیش از تقاضا نشده و صاحبان نفت ضرر نکنند. آمریکایی‌ها عقیده دارند که این اصل علوم اقتصادی کهنه شده و مادامی که در دنیا اشخاصی وجود داشته باشند که احتیاجات آنها رفع نشده باشد، تولید بیش از تقاضا غیر ممکن بوده، بلکه باید دقت کرد که مردم غنی بوده و استعداد خرید داشته تا بتوانند احتیاجات خود را تأمین نمایند.

بنابراین نظر سرجان کدمن [این است که] با آمریکایی‌ها ترتیبی داده شود که بازار نفت دنیا را تقسیم کند تا مضرات رقابت و بیم تصورات دیگر مرتفع گردد و همچنین استخراج نفت را محدود کند و حتی الامکان آن را در انبار بی نظیری که خود طبیعت ترتیب داده محفوظ بدارند، در آمریکا خیلی طرفدار پیدا خواهد کرد.

مطالعه اظهارات و نطق سرجان کدمن به این منجر می‌گردد که :

اولاً انگلیسی‌ها از جدیت و تولید فوق‌العاده آمریکا ترسناک شده می‌خواهند ترتیبی به آنها دهند که بازار نفت دنیا را تقسیم کنند.

ثانیاً اصرار دارند تولید نفت را حتی الامکان کم کرده تا قیمت آن زیاد شود و منافع صاحبان نفت تأمین گردد.

ثالثاً در توسعه دادن نفت عراق سهم هستند و موافق اظهار سرجان کدمن که در نطق خود ایراد کرد، تا چهار الی پنج سال دیگر چند میلیون تن نفت در سال در عراق استخراج خواهد گردید.

رابعاً از این که آمریکایی‌ها در کمپانی نفت عراق که تشکیل داده شده ذینفع هستند، امیدوار هستند در سایر مسایل فی‌مابین نفتی نیز، از قبیل تقسیم بازار دنیا و غیره توافق نظر حاصل کنند.

از طرف دیگر باید فهمید که اگر حقیقتاً انگلیسی‌ها مایلند استخراج نفت را کم کنند، پس چرا آن قدر در توسعه نفت عراق اصرار دارند؟ و به چه علت اصلی کلی که خود

سرجان کدمن در ضمن نطق خود به آمریکایی‌ها توصیه کرده و در فوق ذکر گردید [ه]
[را] رعایت نمی‌نمایند؟

چون این مسئله خیلی قابل دقت است، مجدداً اظهار سرجان کدمن را ذکر می‌کنم:
"ما باید این اصل کلی را سرمشق خود قرار دهیم که بهتر خواهد بود نفتی را که پیدا
می‌نماییم عوض انبارهای مصنوعی، روی خاک و حتی الامکان در آن انبار بی‌نظیری
که خود طبیعت ترتیب داده محفوظ بداریم."

اگر حقیقتاً به این اصل اعتقاد دارند، پس در نتیجه توسعه نفت عراق ناچار خواهند
بود تولید و استخراج نفت را در سایر جاها کم کنند و اجرای این منظور غیر از در ایران
عملی نخواهد بود زیرا که آمریکایی‌ها به واسطه احتیاجات روزافزون مردم در
مملکت خود، اگر بیشتر استخراج نکنند، قطعاً کمتر نخواهند کرد و چون انگلیسی‌ها
در آن کمپانی نفت عراق عمده سهام را دارند، یعنی اگر اکثر سهام در دست و به اسم
خود آنها نباشد، به وسایل غیر مستقیم در مقام تحصیل برخواهند آمد و از طرف دیگر
چون مملکت عراق در اختیار و تصرف خود آنها می‌باشد، شاید این طور مصلحت
دانستند که سرمایه و ابتکاری که برای استخراج و تولید نفت در آتیه بکار برده
می‌شود، در مملکتی باشد که در تحت سلطه خود آنها واقع شده باشد.

اظهار سرجان کدمن به بنده مبنی بر این که دولت شاهنشاهی ذینفع است که با
آمریکایی‌ها ترتیبی داده شود که در فوق ذکر گردید، البته منطقی و صحیح است، به
شرطی که:

اولاً کمپانی نفت ایران و انگلیس به دولت شاهنشاهی تأمین دهد که از جدیت خود در
استخراج و توسعه نفت ایران نخواهد کاست.

ثانیاً در ضمن به هر ترتیبی که با آمریکا یا غیره داده می‌شود، بازار دایمی برای نفت
ایران منظور دارد.

ثالثاً در هیچ موقع منافع و مصالح نفت ایران را برای پیشرفت و توسعه نفت عراق
پایمال نکند.

ضمناً لازم می‌دانم متذکر شوم که سرجان کدمن دارای عقاید باز و روشن بوده و
نسبت به ایران به نظر مساعد می‌آمد و با استحضار اولیای امور از این جریانات، علت

ندارد که در نتیجه تبادل افکار، نظریات دولت شاهنشاهی در حفظ منافع خود تأمین نگردد.

مظفر فیروز

سند شماره ۲۱

https://t.me/shenakht_lib

مکاتبه وزیر مالیه (فیروز فیروز) با تیمورتاش در خصوص
تصمیم شرکت نفت ایران و انگلیس به تغییر مبدأ سال مالی و کاهش
حق السهم ایران

وزارت مالیه

بهمن ماه ۱۳۰۷

دوست عزیزم:

لزوماً خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد که کمپانی نفت جنوب اخیراً تصمیم گرفت مبدأ سال خود را تغییر داده و به جای ماه مارس، ماه ژانویه را اول سال قرار دهد و این تصمیم را بلافاصله از امسال به موقع اجراء گذاشت. بدیهی است حق الامتیاز دولت نیز من بعد مطابق سال جدید محسوب و پرداخت خواهد شد. راجع به میزان حق الامتیاز بابت سال ۱۳۰۷ اخیراً از مستر جکس، رییس کمپانی نفت استفساری به عمل آمد. جواب می‌گویند که نظر به تصمیم معروضه، این سال نه ماهه محسوب خواهد شد و میزان آن تا ۳۱ دسامبر ۱۹۲۸ تخمیناً پانصد هزار لیره خواهد بود که برحسب معمول سابق شش ماه بعد یعنی در ژوئیه ۱۹۲۹ قابل پرداخت خواهد بود -

از این رو، اگر بقیه سه ماهه به تناسب ۹ ماهه اول حساب و تخمین بشود، حق الامتیاز دولت برای سال ۱۳۰۷ تخمیناً معادل ۶۶۶ هزار لیره می شود و از نهصد هزار لیره [ای] که به موجب راپرت تلگرافی آقای فیض، کمیسر نطف پیش بینی شده، ۲۴۰ هزار لیره کمتر است. نظر به همین تفاوت فاحش به آقای فیض تلگراف کردم موضوع را به مورد تحقیق گذاشته و توضیحات لازمه را فوراً بدهند.

[امضاء:] فیروز فیروز

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] <https://t.me/bhrahakhtlib>

سند شماره ۲۲

مکاتبه ژاکس با تیمورتاش در خصوص نحوه اداره مناطق نفتی
مسجد سلیمان و هفت گل پس از الغاء حکومت بختیاری

طهران، نمره ۱۰۰ - ف ۲، ۲ بهمن ماه ۱۳۰۷

حضرت اشرف:

در تأیید مصاحبه [ای] که روز ۱۶ دی ماه بین بنده و حضرت اشرف دست داد، اینک موقع را غنیمت شمرده، وضعیت ذیل را تحت نظر و مطالعه حضرت اشرف قرار می دهد.

در این مدتی که شرکت در مسجد سلیمان مشغول عملیات بوده است، حفظ و حراست ناحیه مزبور به دست ایلخانی بختیاری بوده و مشارالیه در کلیه مدت عملیات شرکت، برای حفظ نظم و امنیت ناحیه مزبوره، به توسط یک نفر رییس

مستحفظین از ایل بختیاری مقیم مسجد سلیمان، از شعب مختلفه ایل مقیم ناحیه مزبوره، مستحفظین محلی را استخدام می نمود و حقوق مستحفظین مزبور را شرکت می پرداخت. در سه ساله گذشته یک نفر صاحب منصب نظامی جزء با عده مختصری هم در مسجد سلیمان مأمور بوده اند، اما صاحب منصب مزبور تاکنون مسئول حفظ عملیات شرکت نبوده است.

از نقطه نظر این که اخیراً یک نفر حاکم کشوری در مسجد سلیمان تعیین شده و ناحیه مزبوره قطعاً در تحت اداره مستقیم حکومت مرکزی، به وسیله حکمران خوزستان درآمده است و دولت صریحاً مقصود خود را در الغای حکومت بختیاری در مسجد سلیمان اظهار داشته است، مسئله نظارت بر امور و حفظ و حراست کامل ناحیه مسجد سلیمان، عطف توجه و مطالعه فوری حضرت اشرف را ایجاب می کند.

در مسافرت اخیر خوزستان، بنده این مسئله را با آقای حکمران خوزستان مذاکره نمودم و توصیه کردم که ترتیب حفاظت هفت گل که مورد موافقت واقع شده بود و در میشون هم مجری شده، در مورد مسجد سلیمان هم اجرا گردد.

برای نیل به این مقصود، اتخاذ یکی از دو طرق ذیل به نظر مناسب می آید - طریقه اول آن است که یک نفر صاحب منصب نظامی با عده مختصری مأمور مسجد سلیمان شده و در مقابل دولت ایران مسئول حفظ نظم و حراست کامل ناحیه مسجد سلیمان باشد و دیگر آن که این مسئولیت مستقیماً به عهده حکمران کشوری که در تحت امر حکمران خوزستان است واگذار شود. در هر یک از این دو صورتی که پیشنهاد می شود، باز لازم است با مشورت شرکت، ترتیب استخدام مستحفظین ایلی دوام یابد و مستحفظین مزبور کمافی السابق از طوایف مختلفه بختیاری که در ناحیه مزبوره دارای حق مرتع اند، استخدام شوند. مستحفظین مزبور مستقیماً مسئول مأمور کشوری یا لشکری که برای مدت معینی از طرف دولت تعیین می شود خواهند بود و مأمور مزبور مسئول استخدام و دیسپلین آنها خواهد بود. شرکت حقوق کلیه این قبیل مستحفظین محلی را خواهد پرداخت.

آقای حکمران خوزستان با پیشنهادهای فوق در صورتی که از طرف دولت علیه تصویب شود موافقت داشتند.

بنابراین چنانچه حضرت اشرف شرح فوق را مورد مطالعه قرار داده و تعلیمات لازمه در این خصوص صادر فرمایند، از همان لحظه که تغییرات منظور دولت شروع و مجری شود، حفظ و حراست کامله تامین و نظم و امنیت در این ناحیه تضمین خواهد شد. در خاتمه احترامات فائقه را تقدیم می‌دارد.

[امضاء: ژاکس]

مدیر مقیم

حضور حضرت اشرف اعظم آقای تیمورتاش وزیر دربار دامت عظمته

سند شماره ۲۳

مکاتبه وزارت جنگ با دفتر مخصوص شاهنشاهی در خصوص
مقررات مربوط به مستحفظین شرکت نفت ایران و انگلیس

دفتر مخصوص شاهنشاهی

نمره ۴۱۹۰، تاریخ ۷/۱۱/۹ [۱۳۰]

در باب مستحفظین مطابق مقررات مواد چهارگانه عمل خواهد شد. ولی اولاً در باب فوق‌العاده که در ماده چهار مذکور است، وزارت جنگ، فوق‌العاده برای عده‌های خیلی [از] مستحفظین خود تأدیه خواهد نمود و فقط در مواقعی که فوق‌العاده مستحفظین مزبور خارج از حدود اعتبارات وزارت جنگ باشد، آن وقت اظهار و قبول خواهد کرد.

ثانیاً نظر به این که قوای تأمینیه مملکت در مواقع مختلفه ممکن است وظایف مختلفه داشته باشند که نشود عده زیادی مستحفظ مأمور کرد، لهذا یقین است که کمپانی در مواقع تقاضای مستحفظین امکان واگذاردن آنها را بدون تکیه به سایر خدمات مرجوعه به آنها در نظر خواهد گرفت.

(۱) در باب جاسک و مکران در موقع خود وزارت جنگ اقدام مقتضی را کرده بود، ولی به واسطه نبودن کثرت عده اسکورت و به واسطه مهیا نبودن اعتبارات در ادارات مربوطه، انجام نمودن آن صورت نگرفته است.

(ب) در این باب اصل مطلب اساساً صحیح است، ولی توضیحاتی که فرمانده لشکر غرب می دهد حاکی از این است که خود مستر جنکیز منتظر حاضر شدن عده [ای] که برای اسکورت لازم بود نشده و حرکت نموده است.

(ج) از طرف وزارت جنگ پس از تقاضای کمپانی فوراً دستورالعمل به فرمانده لشکر غرب داده شده بود و علت تأخیر اجرای آن ممکن است عجله خود مستر هم بوده است.

بنابراین مقتضی است که در هر موقع که تأخیری در اجرای احکام وزارت جنگ مشاهده می شود، فوراً مراتب را اطلاع دهید که وزارت جنگ اقدام در تسریع اجراء اوامر صادره بنمایند.

[حاشیه راست، به خط تیمورتاش:] ضبط شود.

سند شماره ۲۴

مکاتبه رخشانی با وزارت دربار در خصوص ملاقات و مذاکره وی با
سرجان کدمن در امور نفتی ایران

دفتر مخصوص شاهنشاهی

از ناصری

مقام منبع بندگان حضرت اشرف آقای وزیر دربار پهلوی دامت شوکته

برحسب وقتی که دیروز سرجان کدمن برای ملاقات بنده و رؤسای ادارات در اداره ایالتی خواسته، امروز ساعت نه صبح ایشان در معیت دکتر یانگ و یک نفر از رؤسای دیگر کمپانی، پرشان، مدیرکل آبادان و رییس مسجد سلیمان به اداره آمده، تبریک ورود به ایشان گفته شد. در ضمن بیاناتی که راجع به جریان امور مربوط به کمپانی نموده، از ترقیات و اصلاحات اساسی مملکت که در تحت توجهات مبارک بندگان اعلی حضرت قدر قدرت همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه در این مدت قلیل صورت وقوع یافته، مراتب خوشوقتی خودش را اظهار و اضافه نموده است که امورات کمپانی نیز در تحت توجهات مبارک از هر جهت رضایت بخش است، مخصوصاً با وضعیات حاضره خوزستان و تغییرات مهمی که در جریان امور نسبت به چهار سال قبل مشاهده می نماید. ساعت ده صبح عازم مسجد سلیمان و بعد از چهار روز دیگر به ناصری مراجعت و با طیاره عازم شرفیابی حضور مبارک حضرت اشرف است.

برای استحضار خاطر مبارک حضرت اشرف معروض گردید.

رخشانی، نمره ۱۹۸۹، [۱۳۰] ۷/۱۱/۱۸

سند شماره ۲۵

مکاتبه وزیر امور خارجه (محمدعلی فرزین) با وزارت دربار
در خصوص مسافرت سرجان کدمن و همراهان به آبادان

وزارت امور خارجه
اداره اول سیاسی

نمره ۲۳۴۸۱، به تاریخ ۱۳۰۷/۱۱/۲۲، فوری است

وزارت جلیله دربار پهلوی

از وزارت داخله مطابق راپرت تلگرافی حکومت خوزستان، مورخ دوازدهم بهمن ماه جاری اشعار می‌دارند که «سرجان کدمن» رییس کل نفت در لندن، به معیت دکتر یانگ^۱ و یک نفر مستشرق انگلیسی، فردا که روز ۱۳ ماه جاری باشد، ساعت ده صبح وارد آبادان می‌شوند. روز ۱۶ به اهواز رفته و از آنجا برای بازدید مؤسسات نفت به مسجد سلیمان و هفت گل عزیمت خواهند نمود و از قرار معلوم دو هفته در خوزستان توقف کرده و سپس با طیاره عازم طهران خواهند شد.

[امضاء:] محمدعلی فرزین

[مهر:] وزارت امور خارجه

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] ضبط.

سند شماره ۲۶

مکاتبه رخشانی با وزارت دربار در خصوص مسافرت سرجان کدمن و
همسرش از طریق عراق به ایران

دفتر مخصوص شاهنشاهی از ناصری خیلی خیلی فوری

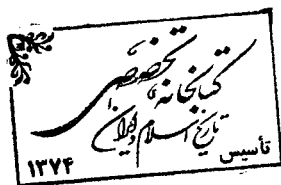
مقام منبع بندگان حضرت اشرف آقای وزیر دربار پهلوی دامت عظمته

سرجان کدمن با خانمشان، دکتر یانگ و سایر همراهان ایشان، فردا قبل از ظهر از مسجد سلیمان مراجعت و پس از دو ساعت توقف در ناصری، طرف محمره^۱ عزیمت و از طریق عراق حرکت خواهند کرد. اینک به وسیله تلفن از مسجد سلیمان تقاضا نموده برای یک نفر منشی کمپانی و پنج نفر گماشتگان دیگر که با آنها حرکت می‌کنند، تذکره عبور از عراق صادر شود. مستدعی است امر و مقرر فرمایند اوامر تلگرافی به عده نظمیة خوزستان صادر شود که تذکره به آنها داده شده و تأخیری در حرکت ایشان نشود.

به علاوه اطلاع می‌دهند که ایشان با کلیه همراهان دیگر تزریق سرم طاعون و آبله کرده‌اند و روز ۲۶ بهمن وارد خسروی خواهند شد. از آن مقام منبع استدعا دارند، امر و مقرر فرمایند تعلیمات لازمه برای قرنطین خسروی صادر شود که ایشان و همراهان را ملزم نمایند.

ساعت ۵ بعد از ظهر ۲۲ بهمن [۱۳۰۷]

نمره ۳۰۲۷ رخشانی



سند شماره ۲۷

قدردانی سرجان کدمن از تیمورتاش به خاطر فراهم نمودن امکانات مسافرت وی به خوزستان

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

نمره کتاب ۳۵۲

از ناصری به طهران - نمره قبض ۵۲۱۵ - نمره تلگراف ۹۴ - عدد کلمات ۱۱۰ -
تاریخ اصل ۲۴ - تاریخ وصول ۱۳۰۷/۱۱/۲۴

حضور مبارک بندگان حضرت اشرف آقای تیمورتاش دامت شوکته. در این شب که از خوزستان عزیمت می‌نماید، مایل است بدین وسیله مراتب قدردانی و تشکرات صمیمانه خود را نسبت به مراحم مبذوله حضرت اشرف و مساعدت‌هایی که از طرف ایالت جلیله خوزستان و معاون محترم ایشان و سایر مأمورین محترم نسبت به بنده ابراز شده است حضور مبارک تقدیم دارد. ضمناً خاطر مبارک را از حسن تأثیرات مشاهدات خود نسبت به وظایف مهمی که شخص ایالت جلیله و سایر مأمورین در عهده دارند مستحضر سازد. در خاتمه علاقه‌مندی و اشتیاق کامل خود را به زیارت بندگان حضرت اشرف نیز متذکر می‌شود.

جان کدمن

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش: ضبط.]

سند شماره ۲۸

مکاتبه وزارت مالیه با وزارت دربار در خصوص گزارش
میرزا عیسی خان فیض راجع به سهام خوانین بختیاری در شرکت نفت
ایران و انگلیس

وزارت مالیه

نمره خصوصی است؛ تاریخ ۲۴ بهمن ۱۳۰۷

دوست عزیزم:

سواد توضیحاتی که راجع به سهام خوانین بختیاری به وسیله جناب مستطاب اجل آقای میرزا عیسی خان فیض رسیده، محض استحضار خاطر محترم، تلواً تقدیم می‌دارد.

https://t.me/shenakht_lib

[امضاء:] فیروز فیروز

[حاشیه اول، پایین، به خط تیمورتاش:] ضبط شود.

[حاشیه دوم، پایین:] مراسله ضمیمه نبود، به آرشیو [داده شود]. [۱۳۰] ۷/۱۲/۱۳

سند شماره ۲۸/۱

سواد راپرت آقای عیسی خان فیض

نمره ۶۲۹، مورخه ۱۹ دی ماه [۱۳۰۷]

وزارت جلیله مالیه

رقیمه محترمه نمره ۴۲۱۵۶، مورخه ۱۳۰۷/۹/۲۵ راجع به سهام خوانین بختیاری و معامله شرکت نفت انگلیس و ایران با مشارالیهم زیب و وصول داد. جواباً خاطر عالی را

مستحضر می‌دارد: خوانین مزبور، یعنی اولاد ذکور حاج امام قلی خان ایلخانی و حسینقلی خان ایلخانی به همه جهت جمعاً معادل سی و هفت هزار و سیصد و بیست (۳۷/۳۲۰) طغراسهم یک لیره [ای] در "فرست اکسپلورتیشن"^۱ کمپانی دارا هستند که قیمت حالیه هر یک سهم تقریباً دوازده هزار لیره است.

معامله شرکت نفت انگلیس و ایران با خوانین راجع به اسهام عیناً همان معامله [ای] است که با سایر دارندگان اسهام می‌نمایند. بدین معنی هر مبلغ حق السهم (دیویداند)^۲ که به دیگران در هر سال پرداخت می‌شود، به آنها هم همان مبلغ را عاید می‌دارند. وجوه خالصی که از ابتداء الی یومنا هذا از بابت حق السهم به خوانین پرداخت شده است، یعنی بعد از وضع ربح^۳ وجوه استقراض خوانین از شرکت نفت، به قرار ذیل است:

سنوات	لیره	سنوات	لیره
۱۹۱۳-۱۴	۱۳۷۶	۱۹۱۹-۲۰	۱۳۳۲۹
۱۹۱۴-۱۵	۳۴۵۳	۱۹۲۰-۲۱	۱۶۱۶۰
۱۹۱۵-۱۶	۴۱۲۶	۱۹۲۱-۲۲	۲۵۳۱۴
۱۹۱۶-۱۷	۵۷۲۰	۱۹۲۲-۲۳	۱۰۵۱۷
۱۹۱۷-۱۸	۶۸۶۴	۱۹۲۳-۲۴	۱۰۸۵۶
۱۹۱۸-۱۹	۸۵۸۰	۱۹۲۴-۲۵	۱۲۳۱۰
		۱۹۲۵-۲۶	۱۴۲۱۵
		۱۹۲۶-۲۷	۶۹۶۶
		۱۹۲۷-۲۸	۱۴۵۴۷

خوانین بختیاری در سنه ۱۹۲۲ یک دفعه یک صد و چهارده هزار لیره و کمره^۴ بعد اخیری هشتاد و چهار هزار لیره به ربح صدی چهار و مجدداً در سنه ۱۹۲۶ مبلغ سی

1. First exploration = اولین بهره‌برداری.

2. Dividendes = سود سهام.

۳. سود، بهره.

هزار لیره به ربح صدی پنج، بدون تعیین مدت و بدون قراری برای استهلاک و استرداد آن، از شرکت نفت انگلیس و ایران استقراض نموده و اسهام [را] تضمین قروض قرار داده‌اند. نظر به این که هیچ بانک یا سرمایه‌داری به ربح صدی چهار یا پنج به خوانین قرض نخواهد داد، اسهام آنها ناچار همیشه گروگان بدهی آنها به شرکت نفت باقی مانده و از فروش آنها ممنوع خواهند بود و مقصود اصلی شرکت نفت بدین طریق کاملاً تأمین می‌شود. بدین معنی که خوانین به علت داشتن این اسهام در توسعه و پیشرفت امور شرکت طبعاً خود را ذی‌نفع می‌دانند و لذا از بذل مساعدت و همراهی مضایقه نخواهند کرد و یا لاقلاً صدمه و ضرر نخواهند رسانید.

به علاوه اسهام سابق الذکر شرکت نفت همه ساله مبلغ سه هزار لیره به عنوان حقوق قراول و مستحفظین محلی مؤسسه‌های خودشان به خوانین می‌پردازند. این مسئله هم محض جلب مساعدت خوانین سیاست عاقلانه [ای] به نظر می‌آید، خصوصاً که در سابق دولت مرکزی در آن قسمت نفوذ نداشته ...^۱

[حاشیه راست، به خط تیمورتاش:] ضبط شود.

سند شماره ۲۹

بختیاری‌های سهام‌دار در شرکت نفت ایران و انگلیس

شرکای نفت از این قرارند: پنج قسمت است سهم اولادان مرحوم حسین قلی خان ایلخانی

بنده حاجی خسرو ایلخان

۱. چند کلمه به علت کم‌رنگ بودن خوانده نشد.

مرتضی قلی خان

سردار اسعد

یوسف خان امیرمجاهد

اولادان مرحوم اسفندیار خان سردار اسعد پنج قسمت می‌شوند، دو نفر صاحبان امتیاز را خود حضرت اشرف می‌شناسند.

ده قسمت است سهم اولادان مرحوم حاجی امام قلی خان ایلخانی

لطفعلی خان امیرمفخم

غلام حسین خان سردار محتشم

https://t.me/shenakht_lib

نصیرخان سردار جنگ

محمود خان هژبرالسلطان

محمد رضا خان سردار فاتح

علی اصغر خان پسر مرحوم علی اکبر خان سالار اشرف

عبدالرضا خان پسر مرحوم سلطان محمدخان سردار اشجع

اولادان مرحوم محمدحسین خان سپهدار

حاجی شهاب‌السلطنه سلطان علی خان

دو نفر صاحبان امتیاز سردار محتشم و سردار جنگ را خود حضرت اشرف می‌شناسند.

استدعای همگی به خاک پای مبارک همایونی ارواحنا فداه این است، یک نفر معین بفرمایند رسیدگی در کار سهم نفت آنها بنمایند، اگر حق دارند احقاق حق آنها را بکنند، اگر حق ندارند، تنبیه کامل بفرمایند، چون رعیت نزد خود شاه یکسان است.

دیگر عرضی ندارم

سند شماره ۳۰۵

مکاتبه خزانه داری کل با نصرت الدوله فیروز (وزیر مالیه) در خصوص تعیین وضعیت حقوقی اراضی استیجاری شیخ خزعل و لزوم تجدیدنظر در قرارداد شرکت نفت انگلیس - ایران و شیخ مذکور

خزانه داری کل

۲۱ اسفند ۱۳۰۷

وزارت مالیه

https://t.me/shenakht_lib

تهران

حضور محترم آقای وزیر مالیه نصرت الدوله فیروز

عالی جناب :

احتراماً عطف به گزارش قبلی خود پیرامون شرکت نفت ایران - انگلیس، مطالب زیر را به اطلاع حضرت عالی می‌رسانم.

اداره معادن مجموعه‌ای از پرونده‌های مربوط به شرکت نفت ایران - انگلیس را به بنده ارسال داشته است، در میان آنها پرونده‌هایی راجع به قرارداد شرکت مذکور با سران بختیاری و شیخ محمره به چشم می‌خورد. فعلاً شناختی پیرامون قراردادهای بین شرکت و سران بختیاری که به زبان فارسی می‌باشند به دست نیآورده‌ام، ولی قرارداد منعقد با شیخ محمره را مطالعه کرده‌ام. پی بردن به ارزش فعلی موافقت‌نامه یاد شده برایم مقدور نگشت، نمی‌دانم که آیا به قوت خود باقی است یا نه و اگر باقی است شامل حال چه افرادی می‌شود. در عین حال گفتنی است متن قرارداد مذکور که جلو روی بنده است دارای آنچنان ماهیتی می‌باشد که توجه ویژه دولت ایران را به خود جلب کند. جسارتاً به اجمال به تصریح مواردی می‌پردازیم که در مسایل فعلی مورد بحث بیشترین اهمیت را دارند :

۱- موافقت نامه حداقل بر اساس آنچه که خواسته طرفین بوده منعقد گردیده است، به طوری که نه تنها شیخ محمره و وراثش را به هم پیوند خواهد داد، بلکه تمامی اعضای قبایل را به هم نسبت می‌دهد. در مقدمه قرارداد، عبارات زیر را در واقع ملاحظه

می نمایم:

«موافقت نامه بین شیخ محمره (خود ایشان، وراث، جانشینان و افراد قبایل) و شرکت نفت ایران - انگلیس در لندن با مسئولیت محدود». در ماده پنجم قرارداد نیز جمله زیر را مشاهده می کنیم: «برای این که شرکت مطمئن گردد که سندی مناسب و کافی از این اراضی را در اختیار گرفته است و کسی در آینده ادعای مالکیت آنها را ننماید، شیخ خزعل این سند را توسط بزرگان قبایلش به امضاء خواهد رساند و مهور به مهر خواهد کرد تا اعتبار کاملی به آن بینخشد».

۲- موافقت نامه اصولاً یک قرارداد استیجاری بین موجر (شیخ محمره) و مستأجر (شرکت نفت ایران - انگلیس) می باشد و مشتمل بر اراضی است که شرکت برای تأسیسات خود به آنها نیاز دارد. زمینهای تحت اجاره مطابق ماده یک قرارداد حدود ۶۵۰ جریب الی ۴۶۶۹ یارد مربع می باشند که در جزیره آبادان واقع هستند و بخشی به صورت نوار تارودخانه بهمین شیرگسترده شده است و سایر موارد به شرح زیر می باشند.

ماده دوم: توانایی در اختیار گرفتن اراضی مکمل که در مجاورت اراضی یاد شده در ماده یکم قرار دارند.

ماده سوم: اعطای امتیاز یک قطعه زمین به صورت رایگان جهت احداث خطوط لوله موردنیاز و اعطای امتیاز استفاده از زمینهایی به منظور ساخت ایستگاههای تلگراف و تلفن، ایجاد مسکن برای مهندسین بازرسی و کارمندان و احداث تلمبه خانه.

ماده چهارم: اجاره زمینهای واقع در اهواز و نصیری.

۳- شرکت در زمینهای استیجاری مربوطه، تأسیسات مختلفی را احداث خواهد نمود. اما وضعیت زمینهای یاد شده در مواد یکم و دوم تصریح نشده است. (در مقدمه «برای اهداف قرارداد فی مابین»)

ماده سوم به خطوط لوله، ایستگاههای تلگراف و تلفن، تلمبه خانه و اماکنی برای مهندسین بازرسی و کارکنان مربوط می شود و بالاخره در ماده چهارم از ذخیره محصولات، احداث مخازن، انبارها و سایر ساختمانهای مورد نیاز شرکت صحبت شده است.

۴- با انقضای دوره امتیازنامه، شیخ خزعل زمینهای استیجاری را پس خواهد گرفت و شرکت متعهد می شود که بدون ادعای خسارات متحمل شده و مخارج، تمامی تأسیسات خود را ترک نماید. در این خصوص مواد زیر را یادآوری می نمایم:

ماده سوم: «موافقت می شود به محض انقضای امتیازنامه، دوره تمدید یا تجدید آن، شرکت ایستگاههای پمپاژ و سایر ایستگاهها را که در این زمینها احداث خواهد نمود، تخلیه کند و حق ندارد درخواست جبران خسارت نماید.»

ماده چهارم: «به محض انقضای مدت اجاره و دوره تمدید یا تجدید آن، شرکت ملزم به ترک تأسیسات خود خواهد بود و حق ندارد هزینه خسارت را مطالبه نماید.

ماده هشتم: «شرکت متعهد می شود که با انقضای امتیازنامه و دوره تمدید یا تجدید آن، تمامی زمینهایی را که از شیخ به صورت اجاره ای یا رایگان در اختیار دارد تخلیه کند. زمینهای مذکور از تاریخ انقضاء دوباره به مالکیت شیخ خزعل درخواهند آمد و شرکت هیچ حقی نسبت به آنها نخواهد داشت.»

جای هیچ تردیدی نیست که موجر مطابق مفاد موافقت نامه که به صراحت بیان شده اند، حق دارد با انقضای اجاره نامه تمامی اراضی خود را همراه با ساختمانهای احداث شده پس بگیرد. یعنی مطابق اصل «Superficies Solo Cedit» ساختمانهای مذکور به تبع مالکیت زمین، به تملک موجر درمی آیند.

بنابر آنچه گفته شد پی می بریم که ماده پانزدهم قرارداد داریسی با موافقت نامه حاضر تناقض دارد: «با انقضای دوره امتیازنامه فعلی، تمامی تجهیزات، مواد و تأسیساتی که شرکت به منظور بهره برداری از صنعت نفط در امتیاز دارد، به مالکیت دولت مذکور (ایران) درمی آید و شرکت حق مطالبه هیچ گونه غرامتی از این کشور را ندارد.» از ماده پانزدهم امتیازنامه به وضوح برمی آید که شرکت می باید تمامی تأسیسات خود را در زمینهای اعطایی ایران و زمینهایی که شرکت با سند مالکیت مطابق ماده سوم امتیازنامه به دست آورده احداث بزند. معضلات جدی در موعد انقضای امتیازنامه بوجود خواهد آمد.

بنابراین لازم است موارد زیر مورد بررسی قرار گیرد:

وضعیت حقوقی فعلی زمینهایی که توسط شیخ محمره به وثیقه داده شده است چگونه است؟

آیا قراردادهای دیگری بر اساس موافقت نامه فعلی با شیخ مذکور بسته شده است یا نه؟

در آخر بایستی مسایل فوق از طریق مذاکرات با شرکت حل و فصل گردد. به این مفهوم که شرکت زمینهایی را که روی آنها تأسیسات خود را احداث نموده خریداری نماید.

با عرض احترامات عالیه

https://t.me/sherakht_lib
خزانه دار کل [امضاء]: دلگردد

سند شماره ۳۱

مکاتبه خزانه داری کل با نصرت الدوله فیروز (وزیر مالیه) در مورد
تصریح اصول بنیادی امتیازنامه جدید داری

خزانه داری کل

۲۶ اسفند ۱۳۰۷

وزارت مالیه

تهران

به وزیر محترم مالیه، جناب آقای نصرت الدوله فیروز

عالی جناب:

گزارش مشروح حاضر را طبق درخواست حضرت عالی که پیرامون جایگزینی امتیازنامه فعلی توسط امتیازنامه جدید می باشد، معروض می دارم.

(۱) امتیازنامه جدید: امتیازنامه داری قرار است توسط امتیازنامه جدیدی جایگزین گردد. در این گزارش صرفاً به تصریح اصول بنیادی امتیازنامه جدید می پردازیم.

تذکر: قبل از این که مذاکرات مربوط به اصول امتیازنامه جدید بین دولت و شرکت نفت ایران - انگلیس شروع گردد، تعیین مطالبات سالهای قبل ایران بر اساس امتیازنامه داری امری الزامی است. بنده بیم دارم که نکند مطالبات قطعی که ایران در طی سالهای گذشته از شرکت مذکور دارد، در مذاکرات مربوط به امتیازنامه جدید مورد غفلت قرار گیرد و شرکت به بهانه امتیازاتی که می باید طبق امتیازنامه جدید به دولت ایران اعطا نماید، خط بطلان بر مطالبات گذشته بکشد.

۲) محتوای امتیازنامه: به منظور تصریح محتوای امتیازنامه جدید، از ماده های ۱ و ۲ امتیازنامه سینکلر الهام گرفته می شود. به طوری که اصطلاحات «پالایش، آماده کردن برای تجارت، حمل و نقل، خریداری، فروش و صدور» نیز جزء مقوله حقوق ویژه و انحصاری قرار می گیرند، اما چند استثناء به شرح زیر وجود دارد:

(a) صدور نفت از تمامی استانها و از تمامی مرزها آزاد می باشد.
 (b) حمل و نقل نفت خام و محصولات وابسته، به هر طریقی که صورت گیرد، خطلوله، راه آهن، کامیون و غیره، در تمامی ایران مانعی ندارد.
 (c) مراحل پالایش، آماده کردن جهت تجارت، حمل و نقل، خریداری، فروش در تمامی نقاط ایران، چنانچه در کمک به صاحب امتیاز انجام گیرند، بلا مانع خواهد بود.
 ۳) مدت امتیازنامه: حداکثر پنجاه سال خواهد بود.

۴) حوزه جغرافیایی امتیازنامه: امتیازنامه همه استانهای کشور به استثنای پنج استان، آذربایجان، گیلان، مازندران، استرآباد و خراسان را در بر خواهد گرفت.

تذکر: چون دولت ایران نمی تواند در بلند مدت $\frac{4}{5}$ مساحت ایران را صرفاً تحت پوشش یک امتیازنامه درآورد، می بایست مقررات زیر را مدنظر داشت: در سه سال اول، صاحب امتیاز حق بهره برداری از امتیازنامه اش را در تمام حوزه جغرافیایی دارد. وقتی این سه سال به پایان رسید، شرکت بایستی به انتخاب خود یک سوم از سطح تحت پوشش امتیازنامه را آزاد کند.

در مرحله بعدی، پس از گذشت دو سال، شرکت یک ششم از حوزه جغرافیایی امتیازنامه را زیر پوشش خود درمی آورد. با ادامه این روند، پس از پنج سال صرفاً نیمی از حوزه جغرافیایی اولیه در اختیار شرکت خواهد بود. سطح آزاد شده مجدداً

به دولت تعلق می‌گیرد.

مقررات مذکور معضلی جدی برای دولت به بار خواهد آورد، چرا که شرکت در این دوره سه یا پنج ساله که نسبتاً کوتاه است، طبیعتاً تمامی امکانات خود را در اکتشاف اراضی موردنظر بکار گرفته و در نتیجه پیامدی که متوجه شرکت می‌گردد، افت سود سهام خواهد بود. سوای آنچه گفته شد، زمینهایی که بعد از سه یا پنج سال آزاد می‌شوند، به عنوان زمینهایی شناخته می‌شوند که میزان نطف شان در مقایسه با زمینهای تحت پوشش شرکت نفت ایران - انگلیس کمتر است. در آن موقع دولت به سختی می‌تواند آنها را با شرایط مناسب به امتیاز گیرنده جدیدی اعطاء نماید.

سهام دولت ایران در شرکت نفت ایران - انگلیس و شرکتهای وابسته به آن:

به منظور جبران امتیازنامه جدید، شرکت مذکور به همراه شرکتهای وابسته سهمی به میزان ۲۵٪ از سرمایه در اختیار ایران قرار می‌دهند. سهم مذکور از طریق توزیع سهام ممتاز عملی می‌گردد. سهام مذکور سود کلی به میزان ۵٪ را جذب خواهد کرد، یعنی سود خالص در مرحله اول، ۵٪ سود را برای سهام ممتاز فراهم خواهد ساخت، ۵٪ مازاد نیز به سهام عادی تعلق می‌گیرد و بقیه بین سهام ممتاز و عادی تقسیم می‌گردد. ایران حق دارد از هر افزایش بر سرمایه یک چهارم را خریداری نماید و چنانچه شرکت امتیازی یا انعامی را توزیع نماید، ایران مستحق یک چهارم از آن امتیاز خواهد بود. سهام ایران از افزایش های سرمایه با توجه به ترازنامه شرکت، به اعتبار امتیازنامه جدید و با توجه به روند امور مشخص می‌گردد. مسلماً شرکت مسئولیت آن را می‌تواند بر دوش بگیرد، زیرا طبق اظهارات به عمل آمده در اجلاس سهام داران، شرکت می‌باید ذخایر قابل ملاحظه‌ای را دارا باشد.

نظر به راه‌حل پیشنهادی در پاراگراف حاضر، دولت ایران می‌باید این حقایق را همواره مدنظر داشته باشد که صرفاً از تعداد محدودی سهام می‌تواند برخوردار باشد و سهام داران عمده نیز می‌توانند بهره‌هایی را در شرکت دارا باشند که از بهره مختصر اقتصادی ناشی از سود سهام جدا می‌باشند. پیشنهاد جناب عالی راجع به اشتراک ایران در سرمایه شرکت های وابسته به زحمت محقق خواهد شد، زیرا اکثر شرکتهای فوق "Contre - Value" ثابتی را دریافت نمی‌کنند و از طرف دیگر روند امور و ترازنامه

این شرکتها تقریباً اجازه تحقق چنین پیشنهادی را نمی‌دهد.

بدیهی است که دولت ایران با اعطای امتیازنامه جدید، حق دارد شروط خاص خود را در آن درج نماید، اما نباید با اصول تجاری و حقوقی زیربنایی ناسازگاری داشته باشند و بعداً موجب سوءظن طرفین گردند. از نظر شرکت‌های وابسته، اشتراک ایران در سرمایه آنها هنگامی تحقق پیدا می‌کند که شرکت مادر آنها به نفع ایران بخشی از سهام خود را قطع نماید، زیرا شرکت نفت ایران - انگلیس بیش از ۷۵٪ سرمایه - سهام را در اختیار دارد.

در عین حال اعتراض شدیدی که بعداً شرکت نفت ایران - انگلیس نسبت به اشتراک در سرمایه شرکت‌های وابسته نشان خواهد داد قابل پیش بینی است، زیرا دولت ایران علاوه بر اشتراک در ۲۵٪ سرمایه اجتماعی شرکت مادر، در سرمایه‌ای که همین شرکت در شرکت‌های وابسته دارد نیز سهیم خواهد بود. یعنی در واقع در کل جریان فعال شرکت مذکور سهم خواهد داشت. از طرف دیگر چون شرکت نفت ایران - انگلیس حداکثر ۷۶ درصد سهام شرکت‌های وابسته را دارا می‌باشد، بدین خاطر این شرکت طبیعتاً از اعطای ۲۵٪ سرمایه ایران معذور خواهد بود، چرا که خود از حداکثر آن محروم می‌شود. دولت ایران می‌باید علاوه بر آنچه گفته شد، یک مسئله را همواره مورد بررسی قرار دهد و آن این که مشخص شود اشتراک ۲۵٪ در سرمایه شرکت‌های وابسته در مقایسه با اشتراک قبلی ۱۶٪ در سود خالص (امتیازنامه داری) تا چه اندازه برای ایران مناسب‌تر خواهد بود.

در گزارش‌های قبلی خود که راجع به امتیازنامه داری نگاشته بودم، تصریح کرده بودم که اشتراک در سود خالص طبق ماده اول قرارداد تا چه حد است. حال برای تبیین مسئله، مثالی به طور نظری عرض می‌نمایم: فرض کنیم که یکی از شرکت‌های وابسته یک میلیون لیره سود خالص به دست آورد و طبق امتیازنامه داری قبل از محاسبه مالیات بر درآمد، سهم دولت ایران از عایدات تعیین گردد در آن موقع دولت ایران ۱۶۰/۰۰۰ لیره استرلینگ دریافت خواهد نمود، در مقابل چنانچه یک چهارم سهام را دارا باشد می‌باید از سیاست تجاری شرکت متابعت نماید و از این که شرکت مبالغی قابل توجه از سود را قبل از محاسبه سود سهام در قبال مالیات بر درآمد،

استهلاک، تنزل ارزش و سایر شرایط از نظر دور دارد، به مخالفت نپردازد. به احتمال زیاد آرایه مثال فوق در چهارچوب امتیازنامه داری مناسب تر می باشد، اما چنانچه شرکت های وابسته که سهام کمتری از آنها در اختیار شرکت نفت ایران - انگلیس می باشد، در چهارچوب امتیازنامه جدید و با توجه به موارد فوق بررسی گردند، به زیان امتیازنامه مذکور خواهد بود، چراکه شرکت هرگز با اعطای ۲۵٪ سرمایه به ایران موافقت نمی کند.

با داشتن چنین عقایدی، دوباره بر مشکلات حقوقی که از اشتراک ایران در سرمایه شرکت های وابسته منتج می گردد، تأکید می ورزم، چراکه شرکت نفت ایران - انگلیس هرگز ۱۰۰٪ سرمایه شرکت های وابسته را دارا نیست و اساسنامه شرکت های وابسته، آینده اشتراک ایران در سرمایه یا عایدات را پیش بینی نکرده است. مشکلات ناشی از اشتراک در سود خالص هم از نظر بنده مورد تأکید است. صرف نظر از شرکت نفت ایران - انگلیس و عاملینی که با آن روابط تنگاتنگ دارند، هر سهام دار طالب اصل *bonne foire* (بازار مناسب) می باشد و هرگونه اشتراکی از طرف دولت ایران مستلزم اصلاحات و دگرگونی اساسنامه توسط مجمع عمومی خواهد بود. بنابراین می باید الزاماً به همه این مشکلات توجه گردد. اشتراک ایران در سود و سرمایه شرکت های وابسته، شرکت نفت ایران - انگلیس را تحت فشار قرار خواهد داد تا شرکت های مذکور را از سازمان خود منفک نماید.

چه وضعیت حاضر حفظ گردد، چه امتیازنامه جدید اختیار گردد، لازم است که دولت ایران مقرراتی را که بدنال تفکیک فوق الذکر متوجه اش می گردد مورد مطالعه قرار دهد. در این مورد مشکلات زیادی از نظر بنده قابل پیش بینی است. حتی اگر اصل اشتراک با شرکت های وابسته در مورد ایران مورد موافقت واقع گردد، خطری ایران را تهدید می کند و آن این که شرکت نفت ایران - انگلیس با تغییراتی در روشهای تأمین مالی خود، ایران را در اصل مذکور دچار سردرگمی می کند. (توسل به یک نظام اخذ و پرداخت وام بین شرکت اصلی و شرکت های وابسته)

بنده کاملاً به خطری که متوجه ایران است پی برده ام، زیرا ایران در حین این که با شرکت مادر (شرکت نفت ایران - انگلیس) و شرکت های وابسته به آن همکاری دارد،

قراردادهایی را منعقد خواهد نمود و همچنین به علت سیاست تعیین قیمت بین شرکت‌های مذکور، این کشور در معرض خطر خواهد بود. تازه اگر کنوانسیونهای اتحادیه‌ای با سایر سازمانهای جهانی را منعقد سازد، وضعش وخیم‌تر خواهد شد. شاید تمامی مشکلات مذکور، ایران را وادارد تا اشتراک خود را با شرکت نفت ایران - انگلیس محدود سازد، به طوری که پورسانت‌ها نهایتاً افزایش پیدا نماید و یا این که حوزه اشتراک خود را به شرکت‌هایی محدود نماید که تجهیزات یا تشکیلات و تأسیسات آنها با انقضای امتیازنامه به مالکیت دولت درآید.

https://t.me/shenakht_lib

سند شماره ۳۲

نامه تیمورتاش به سرجان کدمن راجع به تجدیدنظر در ماده Z طرح متقابل امتیازنامه جدید راجع به مالیات‌های مالی و گمرکی

۲۹ مارس ۱۹۲۹^۱

سرجان عزیزم:

برای آماده‌سازی طرح متقابل امتیازنامه جدید، در زمینه نگارش قطعی ماده Z با یک مشکل مواجه شده‌ایم که به مالیات‌های گمرکی و مالی مربوط می‌شود. می‌خواستم برای این که از هرگونه سوء تفاهم در این زمینه جلوگیری شود، موقعیت را آن طوری که در نظر است خدمتتان تصریح نمایم.

به خوبی می‌دانید در اینجا چه اصلی را دنبال می‌کنیم: از یک طرف نمی‌خواهیم برای مسئله معافیت مالیاتی، به ویژه مالیات بر درآمد و سرمایه سابقه ایجاد نماییم. از طرف دیگر از خواسته شما استقبال نموده و قصد داریم در یک دوره زمانی معقول، اما کوتاه مدت مبنای ثابتی برای بدهی‌های شرکت تعیین کنیم و بدین ترتیب مایلیم هزینه‌ای که بتواند مالیات‌های متفاوت را جبران نماید، به صورت مقاطعه تهیه کنیم. اما در اینجا مشکلی سد راه ما شده است، دولت انگلستان از شرکت مالیات بر درآمد دریافت می‌نماید و دولت ایران هم خود را محق می‌داند از این مبلغ قسمتی را که مربوط به درآمدهای به دست آمده درون مرزهایش می‌باشد، دریافت کند.

بهترین توجیه برای این نقطه نظر در این واقعیت نهفته است که تعداد زیادی از کارشناسان ملل مختلف و در بین آنها کارشناسان انگلیسی در پی مطالعات و گزارش کار فنی S.D.N در طرح کنوانسیون در مورد مالیات مضاعف و فرار مالیاتی اصلی را به رسمیت شناخته و بعد از تنظیم، آن را به شورای S.D.N تسلیم داشته‌اند که ذهن ما را به خود مشغول ساخته است.

حال برآنیم که این جنبه از تقاضای خود را به اطلاع دولت انگلستان برسانیم، چنانچه ما خودمان این نکته را با شما بدون آن که قطعاً با دولت انگلیس مسئله را تصریح کرده باشیم، حل و فصل نماییم، آن وقت تناقضی در اقدامات خود ایجاد کرده‌ایم، زیرا اگر خواسته باشیم مالیات‌هایی را مطابق قانون مالیات بر درآمد خود که در دست تکمیل است، از شما دریافت نماییم، دیگر نبایستی شما را مجبور کنیم که از فشار مالیات مضاعف رنج ببرید. حال امیدوارم این واقعیت را قبول کنید که در این مورد از طرح امتیازنامه جدید، مشکل است حکمی صادر کرد، مگر آن که نکته مربوط به چنان اهمیتی ابتدا به همراه دولت انگلستان تبیین شود.

با تقدیم احترامات عالیّه

[تیمورتاش]

سند شماره ۳۳

مکاتبه ژاکس با تیمورتاش در خصوص قرارداد اجاره اموال غیر منقول
شیخ خزعل در خرمشهر توسط شرکت نفت ایران و انگلیس

طهران ۳۱ فروردین ۱۳۰۸

حضور محترم حضرت اشرف اعظم آقای تیمورتاش، وزیر دربار پهلوی دامت شوکته

عطف به ملاقات ۲۴ فروردین و موافقت حضرت اشرف نسبت به پیشنهاد این جانب
دایر به اجاره بعضی اموال غیر منقول واقعه در محمره که متعلق به شیخ خزعل خان
است، اینک سوادى از قرارداد اجاره [ای] که بین شیخ خزعل خان و این شرکت منعقد
گردیده، به انضمام نقشه محمره که محل اموال مزبور در روی آن نشان داده شده
است، برای استحضار خاطر محترم تقدیم می دارد.

چنانچه ملاحظه می فرمایید تاریخ این اجاره از اول فروردین نوشته شده و علت آن
بوده است که توافقی بین تاریخ ختم اجاره سابق و لاحق بوده باشد.

با تقدیم احترامات فائقه

ارادتمند حضرت اشرف

[امضاء: ژاکس]

سند شماره ۳۳/۱

قرارداد اجاره صحیحه شرعیه قانونیه بین حضرت مستطاب آقای شیخ خزعل خان

ولد مرحوم شیخ جابرخان که در این قرارداد اجاره نامچه موجر نامیده می‌شود و شرکت نفت انگلیس و ایران محدود که مستأجر نامیده می‌شود، به موجب شرایط و مقررات ذیل:

۱- موجر، املاک غیرمنقول خود واقعه در محمره را که در روی نقشه ضمیمه نشان داده شده و به رنگ قرمز ترسیم شده است، برای مدت نود و نه سال شمسی که ابتدای آن از تاریخ اول فروردین یک هزار و سیصد و هشت شمسی هجری و ختم آن در بیست و نهم اسفند یک هزار و چهارصد و هفت شمسی هجری است، به مستأجر اجاره می‌دهد و نقشه مزبوره از طرف موجر و مستأجر امضا شده و به عنوان ضمیمه نمره یک متصل به این قرارداد است.

۲- مال الاجاره کلیه مدت این نود و نه سال، چهارصد و سی و پنج هزار قران است که مستأجر نقداً در مقابل قبض رسید موجر می‌پردازد و رسید مزبور به عنوان ضمیمه نمره دو متصل به این قرارداد است. موجر هیچ گونه حقی سوای این مبلغ بابت مال الاجاره و عمارات مذکوره در ماده اول این قرارداد به مستأجر مزبور نخواهد داشت و مبلغ مزبور در ازای تمام مال الاجاره این مدت پرداخته می‌شود.

۳- موجر کلیه عمارات و ابنیه مذکوره در ماده اول و نقشه منضمه این قرارداد را به تصرف تام و تمام مستأجر داده و مستأجر حق خواهد داشت که ابنیه مذکوره را خراب نموده و هرگونه تغییراتی را که برای اجرای مقاصد و انتفاع خود لازم بدانند بدهد و این حق و اختیار به هیچ حدی محدود نیست و تابع تشخیص و مصلحت‌هایی است که به نظر مستأجر ضرور خواهد آمد و اختیار مزبور برای تمام مدت اجاره بوده و حتی شامل هرگونه تغییرات و خرابی‌هایی خواهد بود که مستأجر به موجب این حق و اختیار احداث بنماید.

۴- هیچ یک از طرفین اجاره حق نخواهد داشت که قبل از انقضای مدت، این اجاره را فسخ نماید.

۵- مستأجر حق خواهد داشت که این اجاره را به دیگری واگذار نموده و یا آن که قسمتی یا تمام از اموال مورد اجاره را به دیگری برای تمام مدت اجاره یا قسمتی از آن

مدت اجاره دهد.

۶- این قرارداد را طرفین در طهران منعقد نموده و امضاء کرده و تمام مراسم قانونیه معتبره را در ایران مراعات نموده‌اند. این قرارداد با منضمات آن در اسرع اوقات ممکنه در ادارهٔ مربوطه به ثبت خواهد رسید.

به تاریخ اول فروردین یک هزار و سیصد و هشت شمسی هجری.

از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران، محدود محل امضاء و مهر خزعل [بن] جابر
 امضاء فارسی و انگلیسی زاگرس
 مدیر مقیم

سند شماره ۳۴

تلگراف‌های رمز به وزارت پست و تلگراف در خصوص علل و روند
 شورش‌های کارگران شرکت نفت ایران و انگلیس در آبادان و سرکوب
 آنها توسط نیروهای پلیس

وزارت پست و تلگراف

نمره ۱۷۷، کشف رمز محمره

مقام محترم آقای وزیر پست و تلگراف

در تتمیم راپرتی که بعد تحصیل شده، ذیلاً عرض می‌شود، امروز ساعت نه و نیم قبل

از ظهر موقعی که عملجات کمپانی دسته دسته سر کار می‌رفتند، هیاهوی غریبی شنیده شد و دفعهٔ با کمال مهابت و شتاب مراجعت نمودند. از قرار تحقیق چون عده‌ای که چند روز قبل، بنا به معرفی کمپانی توقیف شده‌اند، برای این بوده که می‌خواستند راجع به قلت حقوق اعتصاب نمایند. امروز عملجات تصمیم داشتند بر علیه کمپانی قیام و خساراتی به مؤسسه وارد بیاورند. گویا نظمیۀ قبلاً اطلاع پیدا کرده، به محض بروز شورش، عده [ای] آژان مأمور به معیت سرهنگ رکن‌الدین خان^۱ و حاکم و رییس نظمیۀ با اتومبیل رسید، قبل از این که عملجات داخل مؤسسات بشوند، از آنها جلوگیری کردند و کلیه [را] تا مقابل اداره پست و بانک شاهی عقب نشانند. کمپانی می‌خواست عده [ای] رنگولی (؟) را برای کار برده، عملجات جلوگیری کرده و مانع رفتن آنها شدند. آژانها و امنیۀ جمعیت را ساکت نمودند و یک عده سه چهار هزار نفری مقابل پست ایستاده بودند که غفلتاً سیصد و چهار صد نفر از بین آنها به سمت مؤسسه کمپانی حمله آورده، جلو رفتند. عده [ای] امنیۀ و آژان که قریب سیصد قدم دورتر ایستاده بودند از آنها جلوگیری و به ضرب چوب و کتک آنها را به سایرین ملحق و به طوری عقب بردند که گویا در این ساعت که سه و نیم قبل از ظهر است به داخل شهر رفته باشند. احتمال می‌رود عملجات برای بیرون آوردن همکاران خود از حبس اقدامات بنمایند. در این واقعات فقط یک تیر تفنگ به سمت هوا از طرف مأمورین انتظام خالی، قتلی واقع نشد. ولی ضربت خیلی وارد آمد. دکاکین شهر بسته و عدهٔ کثیری از عملجات مقابل نظمیۀ اجتماع کرده‌اند. قضایا بعداً عرض می‌شود.

۱۶ اردیبهشت ۱۳۰۸ / نمره ۱۰۲۶، پارسا

۱. منظور سرپاس رکن‌الدین مختاری است که بعد از فرار محمدحسین آیرم به آلمان، به جای

وی به سمت رییس شهربانی کل کشور منصوب شد.

سند شماره ۳۴/۱

وزارت پست و تلگراف

نمره ۱۷۹، کشف رمز محمره

مقام منیع حضرت اجل آقای وزیر پست و تلگراف

تمیم نمره ۱۰۲۶ دکا کین آبادان باز و جمعیت عموماً متفرق، اژانهای محمره و آبادان حدود کمپانی را حفاظت می کنند. فعلاً صدایی بلند نیست.

نمره ۱۰۲۸، ۰۸/۲/۱۶، [۱۳]، پارسا

سند شماره ۳۴/۲

وزارت پست و تلگراف

نمره ۱۸۰، کشف رمز محمره

مقام محترم آقای وزیر پست و تلگراف

شب ۱۴ جاری رییس نظمیه ناصری (اهواز) به آبادان آمده، وسیله رییس نظمیه و حکومت آبادان عده [ای از] اعضای ایرانی کمپانی را توقیف، مشغول استنطاق هستند. علت معلوم نیست.

۱۶ اردیبهشت ۱۳۰۸ / نمره ۹۹۸، پارسا

سند شماره ۳۴/۳

وزارت پست و تلگراف

نمره ۱۸۱، کشف رمز محمره

مقام محترم آقای وزیر پست و تلگراف

https://t.me/shenakht_lib

در اثر توقیف عده [ای از] منشی های ایرانی کمپانی، امروز پنج قبل از ظهر عملیات کمپانی آبادان اعتصاب و اجتماع نموده، خلاص توقیف شدگان را تقاضا نمودند. امنیت و پلیس برای تفرقه آنها مشغول اقدام هستند. در محمره فرمانده ساخلو با عده [ای] نظامی به آبادان رفتند.

۱۶ اردیبهشت ۱۳۰۸ / پارسا

سند شماره ۳۴/۴

وزارت پست و تلگراف

نمره ۱۸۳، تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۰۸، کشف رمز محمره

مقام منبع محترم آقای وزیر پست و تلگراف

عطف به نمره ۱۰۲۸، عملیات ساکت و مشغول شده اند. تاکنون ده نفر توقیف و به اهواز اعزام شده. حکومت آبادان اعلان منتشر، عملیات را تشویق به کار نموده و

اشخاصی را که خلاف انتظامات رفتار نمایند، تهدید و باکمپانی قرار داده حقوق روز تعطیلی را به آنها بپردازند.

۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۸ / نمره ۱۰۵۰، پارسا

سند شماره ۳۴/۵

وزارت پست و تلگراف
اداره کابینه وزارتی
https://t.me/shenakht_lib

نمره ۱۸۴، تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۰۸، کشف رمز محمره

مقام محترم آقای وزیر پست و تلگراف

تقدیم نمره ۱۰۵۰، ده نفر دیگر توقیف و دیشب اعزام اهواز شدند. سرهنگ رکن‌الدین خان رییس نظمیہ خوزستان امروز به ناصری مراجعت نموده، محتمل است عده [ای] نظامی تا چندی دیگر در آبادان متوقف باشند.

ظهر ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۸ / نمره ۱۰۹۳، پارسا

سند شماره ۳۵

گزارش محمدحسن بدیع به وزارت خارجه در خصوص اعتصاب کارگران ایرانی شرکت نفت ایران و انگلیس در آبادان، به انضمام مندرجات روزنامه تيمس عراق در این زمینه

قونسولگری دولت علیه ایران در بصره

نمره ۳۳۴، تاریخ ۲/۱۹/۱۳۰۸، ضمیمه ۲

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

روز دوشنبه ۱۶ شهر جاری عمله در آبادان اعتصاب نموده و مؤسسات کمپانی نفت را سنگ باران کردند. ولی حکومت خیلی خوب جلوگیری کرده، فوراً به وسیله آژان و ساخلو نظامی محرمه کارگران را متفرق و قبل از آن که شراره شعله ور شود آن را خاموش ساخت. از قرار مسموع علت اعتصاب کارگران ایرانی مربوط به کمی مزد و بدی جا و منزل و سوء معامله کمپانی نفت جنوب نسبت به آنها می باشد. به طوری که می گویند کارگران هندی دو سه برابر کارگران ایرانی مزد می گیرند و جا و منزل آنها بهتر و بیشتر طرف توجه کمپانی هستند. این تبعیض و عدم مساوات موجب تأثر و تکدر عملجات ایرانی شده است و مندرجات اخیراً "حبل المتین" به امضای جواد پژمان این تفوهات را تأیید می کند، ولی بدیهی است توده کارگر ملتفت این معانی نیست و اشخاصی آنها را متوجه این مطالب ساخته اند. از قراری که می گویند این اعتصاب نتیجه یک توطئه بوده و از دو ماه قبل طرح آن ریخته شده است و به قدر دو هزار نفر از کارگران ناراضی شبها در کنار رود بهمنشیر اجتماعاتی تشکیل و عهد و پیمانی بسته و سوگند خورده اند که اعتصاب کنند و مانع سایر کارگران بشوند تا کمپانی نفت جنوب تجدید نظری در اضافه مزد و ترفیه حال آنها نماید. سردسته متعصبین رحیم نام آذربایجانی و یوسف نام از اهالی فارس بوده است. خوشبختانه نظمیة خوزستان از این توطئه غافل نبوده و قبل از انفجار ماده، رییس تشکیلات نظمیة از ناصری به آبادان رفته، عده [ای] از مظنونین را دستگیر و فرصت به آنها نداده است و در اثر توقیف مظنونین اعتصاب شروع شد. عده [ای] از عملجات با چوب و چماق بازارها را بسته و جمعی دیگر راهها را گرفته و نگذاشتند کارگران هندی و غیره سرکار بروند و می گویند حاکم و رییس نظمیة آبادان و مستر و ایلد رییس

پولیس کمپانی نطف در این حیص و بیص کتک خورده‌اند و بالاخره در نتیجه اقدامات مأمورین دولت، بدون این که تفنگی خالی یا قطره خونی ریخته شود این غایله خاتمه پذیرفت.

بعضی تصور می‌کنند انگشت بولشویکی در این کار بوده و پاره [ای] عقیده دارند که به دسیسه خود انگلیس‌ها بوده است و برای بعضی مداخلات و اقدامات غیر مشروع خود خواسته‌اند بهانه درست کرده باشند. قبلاً و بعداً قریب یکصد نفر از اجزای کمپانی و غیره توقیف و به ناصری اعزام شده‌اند. البته بعد از تحقیقات و استنتاج محرکین اصلی، علت اعتصاب بهتر کشف خواهد شد. در خاتمه برای تکمیل اطلاعات وزارت جلیله، ترجمه مندرجات تیمس عراقی را راجع به اعتصاب فوق‌الذکر که در شماره ۷ و ۸ می ۱۹۲۹ انتشار یافته است، به ضمیمه این راپورت تقدیم می‌دارد.

[امضاء: محمدحسن بدیع

یک سواد از این راپورت با ضمیمه برای اطلاع وزارت جلیله دربار پهلوی تقدیم می‌شود.

سند شماره ۳۵/۱

ترجمه از روزنامه تیمس عراقی، شماره ۱۳۰۸، مورخه ۷ می ۱۹۲۹

شورش آبادان

(سنگسار شدن دوایر کمپانی نطف جنوب)

(احتمال رفتن دست خارجی در قضیه)

دیروز اخباری به بصره رسیده است که عصر یکشنبه شورش سختی در محل تصفیه نفت کمپانی نفت انگلیس و ایران در آبادان رخ داده است و مطابق راپورت‌های واصله دوایر کمپانی سنگباران شده و به عمارات و مؤسسات آن از طرف بلوائیان خیلی صدمه رسیده است. ظاهراً قوای پولیس کمپانی از دفع این غایله عاجز مانده و همچنین اقدامات پولیس دولتی نیز غیر مؤثر بوده است. بالاخره قوای نظامی از محمره احضار، ولی از قرار معلوم به آنها امر شلیک نداده بودند و فیما بین آنها زد و خوردی واقع نشده است.

کتابچه‌هایی به شورشیان توزیع شده بوده و تصور می‌رود که این مسئله توطئه آن قبلاً به تحریک محرکین خارجی دیده شده است.

کشتی جنگی انگلیس (سایکلمن) دیروز ظهر، بعد از شلیک توپ سلام به احترام نوزدهمین سال جلوس اعلی حضرت جورج پنجم، از بصره حرکت نموده و بر حیات اتباع انگلیس در آبادان احتمال خطری نمی‌رود.

مطابق آخرین خبری که امروز صبح قبل از آن که روزنامه [ای] به طبع برسد وصول داده است، وضعیت خیلی خوب شده و با این که حادثه خیلی سخت به نظر می‌آمد، به حاصلات نفت آسیبی نرسیده است.

سند شماره ۳۵/۲

ترجمه از روزنامه تیمس عراقی، شماره ۲۴۰۹، مورخه ۸ می ۱۹۲۹

شورش آبادان

اکنون تفصیل رسمی حادثه [ای] که روز دوشنبه در آبادان واقع شده است به ما رسیده و از قرار ذیل است:

عده [ای] از کارگران به تحریک و اغوای بعضی محرکین که هیچ مربوط به کمپانی نفت

انگلیس و ایران نبوده، صبح دوشنبه ۶ شهر جاری اغتشاشاتی در خارج محل تصفیه نفت در آبادان برپا و سعی نمودند سایر کارگران را نیز از رفتن به کار منع کنند. شورش برپا شد، ولی قوای پولیس ایرانی آنها را تا بیرون منطقه کار دفع نموده و اضرائی که در آنجا وارد کرده اند قابل اهمیت نمی باشد. مأمورین دولت ایران به ملاحظه این که مبدا اوضاع شدت پیدا کند، احتیاطاً از محمره قوای نظامی طلبیده و بلوائیان را بدون زحمت متفرق ساختند. حاصلات نفت به هیچ وجه دست نخورده و اوضاع دوباره به حال طبیعی خود برگشته است.

https://t.me/shenakht_lib

سند شماره ۳۶

گزارش محمدحسن بدیع به وزارت امور خارجه در خصوص شورش کارگران نفت آبادان به دلیل تبعیض میان آنها و کارگران هندی توسط شرکت نفت ایران و انگلیس

قونسولگری دولت علیه ایران در بصره

تاریخ ۲/۲۴/سنه ۱۳۰۸، محرمانه است

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

نظر به اهمیت حادثه اخیر آبادان، فدوی برای کسب اطلاع و مشاهده وضعیات آن حدود، یکشنبه ۲۲ سفر مختصری به محمره و آبادان نموده و اینک در تعقیب راپورت نمرة ۳۳۴ مورخه ۱۹ شهر جاری، مسموعات و نظریات خود را به عرض

مبارک می‌رساند. از طرف کمپانی نفت جنوب صورت یک عده از اجزای ایرانی به آقای آسایش، حاکم آبادان داده شده است که اینها بر علیه کمپانی دسته‌بندی کرده و در ماه محرم که روضه‌خوانی و عزاداری بهانه مساعدی به اجتماعات می‌دهد، تصمیم گرفته‌اند بر کمپانی بشورند و به مؤسسات آن صدمه بزنند. حاکم آبادان فوراً به ناصری عزیمت و به جناب سرتیپ فرج‌الله خان مأمور فوق‌العاده و حکمران خوزستان، راپورت داده با رییس تشکیلات نظمی به آبادان مراجعت و شروع به دستگیری جمعی از اجزا و سران کارگران مستخدم کمپانی نمودند. قسمتی از کارگران از توقیف رفقای خود عصبانی شده، دوشنبه ۱۶ شهر جاری دست از کار کشیده و سایر کارگران را نیز به تهدید از کار ممانعت کردند و در اثر دخالت آژان و عده [ای] از ساخلو نظامی محمره همان روز متفرق و روز دیگر مشغول کار شدند و از شخص مطلعی شنیده است محمدعلی نام کرمانی که از اجزای کمپانی می‌باشد و به واسطه اتهام به اختلاس، کمپانی اخراج او را در نظر گرفته بود، برای این که حسن خدمتی به خرج داده و موقع خود را محفوظ بدارد، خبر دسته‌بندی کارگران را به کمپانی داده است و یک صد لیره انگلیسی از کمپانی انعام یافته است و آنچه تاکنون از اجزای کمپانی دستگیر و به ناصری اعزام شده‌اند، به طوری که حاکم آبادان اظهار می‌داشت یک صد و سی نفر هستند و عقیده حاکم آبادان این بود که کارگران خیال داشتند مؤسسات کمپانی را آتش بزنند و تصور می‌کرد انگشت خارجی در کار بوده و مدعی است که مدارکی به دست آورده است و اگر علاج واقعه را قبل از وقوع نمی‌کرد عاقبت وخیم بود و برای دولت یک مشکلات خارجی فراهم می‌شد و هرگاه حقیقتاً این طور بوده البته اقدام حاکم آبادان به موقع بوده است و فدوی هم عقیده ندارد در نقطه سرحدی مثل آبادان کارگران بهانه برای مداخلات انگلیسیها تهیه کنند. ولی این اظهار محتاج مدرک و اثبات است و به قول مجرد کمپانی نمی‌توان عده کثیری را توقیف و اخراج نمود و عقیده فدوی این است متهمین تماماً به طهران اعزام و در آنجا استنطاق و محاکمه بشوند که مطالب در آنجا بهتر روشن می‌شود. از حاکم آبادان فدوی پرسید رفتار کمپانی با اجزا و کارگران ایرانی چگونه است، گفت خیلی خوب و رضایت بخش است. ولی سایر مأمورین و اهالی آنجا برخلاف از رفتار کمپانی نسبت

به اجزا و عمله ایرانی انتقاد می‌کردند. باز از مشارالیه سئوال کرد دسته‌بندی کارگران بر ضد دولت بوده است یا نه؟ گفت بر ضد دولت نبوده ولی اسباب زحمت برای دولت می‌شد.

یکی از مأمورین محرمانه به فدوی این طور اظهار داشت که کمپانی برای بدنام ساختن اجزای ایرانی و اخراج آنها این تهمت را به ایشان زده است و حاکم آبادان به اظهارات کمپانی ترتیب اثر داده و اقدام در گرفتن اجزا نموده است و پس از توقیف این جمعیت، چون دید بر او شکایت خواهند کرد، برای ذیحق جلوه دادن خود به این قضیه شاخ و برگ و اهمیت داده است و مسئله محتاج این همه شدت عمل نبوده است و ممکن بود به طرز ملایم‌تری تصفیه شود و مأمور کیگری طرز رفتار حاکم آبادان را تصویب نمی‌کرد ولی احتمال می‌داد انگشت بولشویکی در دسته‌بندی کارگران محرک بوده است و این طور استدلال می‌کرد که چرا سابق بر این عملجات ایرانی دسته‌بندی نمی‌کردند و از وقتی که تجارخانه بولشویکی در محمره دایر و کشتی‌های تجارتی آنها به خوزستان آمد و شد می‌کنند، فکر اعتصاب در کارگران سرایت کرده است. البته این استدلال قناعت بخش نیست و ممکن است این حرف را انگلیسها به واسطه رقابت تجارتی که بولشویکها در خلیج [فارس] با آنها می‌کنند اشاعه داده باشند. به علاوه کارگران هندی قبل از آمدن بولشویکها به خوزستان، مکرر برای اضافه‌مزد خود در آبادان دسته‌بندی و اعتصاب کرده‌اند و اما سایر مردم اهالی می‌گفتند کمپانی نسبت به کارگران ایرانی خوب رفتار نمی‌کنند، به هر کارگری در ماه نه تومان مزد اسماً می‌دهد و در آخر ماه به عنوان جریمه اهمال در کار مبلغی از مزد آنها کسر می‌گذارد و جا و منزل هم به کارگران ایرانی نمی‌دهد. در صورتی که به کارگران هندی علاوه بر جا و منزل دو سه برابر عملجات ایرانی مزد می‌دهد و هر یک از کارگران ایرانی که هوش و استعدادی دارد و دیدند نزدیک است کار فنی را بیاموزد، به یک بهانه [ای] او را خارج می‌کنند که میان ایرانی کارگران فنی و متخصصین به عمل نیاید و بالاخره اجزا و کارگران ایرانی آن طوری که باید مورد رعایت و توجه کمپانی نیستند و چون اینها در مملکت خودشان می‌باشند بر ایشان ناگوار می‌آید که به اندازه کارگران اجنبی و هندی بهره‌مندی ندارند و این تبعیض

ایجاد عدم رضایت در آنها نموده و برای اضافه مزد و مدافعه از حقوق خود خواستند مثل هندی‌ها جمعیتی تشکیل بدهند و کمپانی همین که از خیالات آنها واقف گردید، برای مقصر ساختن آنها لکه بولشویکی را که در این اوقات به طبقه کارگران می‌چسبد به آنها الصاق کرده است.

از بیانات مأمورین و مردم این نتیجه گرفته می‌شود که جمعیتی از اجزای ایرانی به اشاره کمپانی از طرف حکومت آبادان دستگیر شده‌اند و در اثر آن کارگران اعتصاب، یعنی به حمایت رفقای خود قیام کرده‌اند. اما فدوی تشکیل جمعیت و دسته‌بندی را در نقاط سرحدی مثل آبادان جایز نمی‌داند، زیرا ممکن است این جمعیت‌ها تولید اغتشاش کند و بهانه از برای مداخلات انگلیس بدهد. چنان که روز اعتصاب آبادان شنیده شد کشتی جنگی (سایکلمن) که در لنگرگاه بصره بوده، فوراً حرکت و میان "مفرز" یعنی قریب محلی که حدود ایران از سمت شمال شط‌العرب شروع می‌شود لنگر انداخته، مراقب جریان احوال بود. ولی از طرف دیگر غرض کارگران از این دسته‌بندی اضافه مزد بوده یا سوء قصدی به کمپانی داشته‌اند باید فهمید و البته قضیه محتاج تحقیق است و به طوری که عرض شد بهترین راه تحقیق آن استنتاج و محاکمه متهمین در طهران خواهد بود و همان طوری که برای حفظ مؤسسات کمپانی، دولت جمع کثیری از اجزا و رؤسای کارگران را توقیف و جلوگیری از دسته‌بندی آنها فرموده‌اند، مقتضی است به تظلمات اجزای کارگران نیز رسیدگی و در ترفیه حال آنها بذل توجهی بشود. چون دسته‌بندی و اعتصاب در نتیجه عدم رضایت تولید می‌شود و اگر رفتار کمپانی نسبت به کارگران رضایت بخش و منصفانه باشد عناصر ناراضی کمتر به وجود می‌آید و با سوابق شکایاتی که از طرز رفتار و معاملات کمپانی هست نمی‌توان تظلمات این جمع کثیر از اجزا و کارگران را تمام بی‌اساس و معلل به غرض دانست و راه حلی که برای جلوگیری از اجحافات کمپانی نطف جنوب و حفظ حقوق و ترفیه حال مستخدمین و عمله‌جات ایرانی به نظر فدوی می‌رسد این است:

۱- یک کمیسیون دایمی از طرف دولت در آبادان به ریاست نماینده مخصوص وزارت جلیله فواید عامه و عضویت عده [ای] از مأمورین دولت، از قبیل حاکم

محمیره و حاکم آبادان و رییس پست ایالتی خوزستان و رییس بلدیۀ آبادان تشکیل شود و کمیسیون هفته [ای] یک مرتبه جلسه تشکیل و به تمام شکایات اجزا و کارگران ایرانی رسیدگی و بر طبق امتیازنامه و قوانینی که در سایر کمپانی های نطف معمول و متداول است، در احقاق حق و ترفیه حال آنها اقدام نماید. هرگاه کمپانی اجحاف می کند جلوگیری و اگر اجزا و کارگران تقصیر دارند آنها را تنبیه بسازند و هر ماه راپورت جامع الاطرافی از وضع کمپانی و طرز معیشت کارگران و مستخدمین آن به مرکز تقدیم نماید. بدین وسیله ممکن است از استبداد و خودسری کمپانی تا یک اندازه [ای] جلوگیری نموده و البته رییس کمیسیون باید شخص لایقی انتخاب شود. ۲- پستهای آژان و امنیه که برای محافظت در اطراف مؤسسات کمپانی در آبادان برقرار شده است، مقرر شود به طور دائمی باشد که در ظاهر مأمور محافظه و در باطن مراقب احوال کمپانی باشند.

۴- نظر به این که کمپانی اداره استخبارات دارد و به قرار مسموع سیصد نفر مخبر مخصوص دارد و به وسیله وکلای خود رشته جاسوسی را به تمام خلیج فارس و داخله ایران امتداد داده است، در مقابل این تشبثات از طرف دولت به تشکیلات نظمی و امنیه در آبادان و مسجد سلیمان توسعه داده شود و مأمورین مخفی در لباس اجزا و کارگران در تمام ادارات و مؤسسات کمپانی داخل شوند که دولت از بواطن امور و دسایس کمپانی کاملاً مستحضر باشد. چون لازم بود عرض شد.

[امضاء:] محمدحسن بدیع

یک سواد از این راپورت برای اطلاع وزارت جلیله دربار پهلوی تقدیم می شود.

سند شماره ۳۷

مکاتبه عیسی خان فیض با وزارت دربار در خصوص بی نتیجه ماندن تلاش های وی در اخذ اطلاعاتی از مسئولین شرکت نفت ایران و انگلیس راجع به شرکت فرست اکسپلوتیشن

لندن

۳۱ مه ۱۹۲۹

قربانت شوم پس از هفده روز معطلی و انتظار بالاخره حضرات از دادن جواب به سؤال نمره ۹ مضایقه کردند و حال آن که شرح مبسوطی نوشته و تهیه نموده بودند. در دقیقه آخر رییس کل هیئت مدیره راضی نشده که اطلاعات لازمه به دست ما بیفتد و ممانعت کرد. اینک با یک دنیا انفعال و معذرت، آنچه را که خواستند و دادند، لفاً تقدیم می‌دارد، نه آنچه را که بنده خواستم. راجع به درخواست سندیکا هم وعده به روز سه‌شنبه آینده داده‌اند. گمان می‌کنم مقصودشان از سروا کردن باشد و بس. ایداً صمیمیت و یک جهتی در میان نیست و حتی الامکان نمی‌خواهند ما سر از کارشان دربریم. مراتب ارادت خالصانه خود را تجدید می‌نماید.

[امضاء: عیسی فیض]

[حاشیه راست:] کمپانی به اسم و عنوان First Exploration co وجود ندارد. اگر مقصود عالی First Exploitation co می‌باشد، آن عبارت از شرکتی است که در ایران نطف استخراج می‌کند و دولت ایران بیست هزار سهم معمولی آن را دارا می‌باشد. سی و سه هزار و کسری هم خوانین بختیاری دارند. قریب ده هزار سهم هم اشخاص متفرقه دارا می‌باشند. سرمایه کمپانی یک میلیون و دویست هزار و کسری سهم است که بعد از وضع چند قلم مزبور، بقیه تعلق به شرکت نطف انگلیس و ایران دارد.

سند شماره ۳۸

مکاتبه گرینهوس با تیمورتاش در خصوص اعلام میزان نفت تحویلی
شرکت نفت ایران و انگلیس به کمپانی یولن

تهران، نمره ۱۳۶۵ - ۳۵ سی، مورخه ۱۴ خرداد ماه ۱۳۰۸

حضور حضرت مستطاب اشرف اعظم آقای تیمورتاش وزیر دربار دامت شوکته

حضرت اشرف :

باکمال احترام مقدار نطف سوختی را که از طرف شرکت به کمپانی یولن، در عرض ماه
آوریل ۱۹۲۹ تحویل شده است، ذیلاً به نظر حضرت اشرف می‌رساند.

در محمره ۵۰۸۴ گالن

در آبادان هیچ

با تقدیم مراتب احترام

رییس [امضاء:] ف.س. گرینهوس

از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران، محدود

سند شماره ۳۹

پیشنهاد وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه در خصوص صدور
دستور به کمپانی نفت جنوب مبنی بر حفر چاه نفت مطابق با پیشنهادات
مستر کلاب (متخصص نفت) در مناطق سرحدی ایران و عراق

وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه

اداره کل معادن

نمره ۳۳۷۸/۷۵۹، مورخه ۱۳۰۸/۳/۱۵

وزارت جلیله دربار پهلوی

چنانچه خاطر مبارک مستحضر است، مستر کلاپ، متخصص نفت در نتیجه معاینه و مطالعه معادن نفت جنوب و اراضی نفت خانه، راپرت مفصلی تنظیم و توجه اولیای معظم دولت را مخصوصاً به چاه نمره -۶- که اخیراً در قسمت اراضی انتقالی عراق در مجاورت خط سرحدی حفر شده معطوف و چنین شرح می دهد:

چاه نمره -۱۳- که نزدیکترین چاهی است که در قسمت نفت خانه ایران حفر شده (و به عقیده متخصص مزبور یکی از بزرگترین چاههای دنیا به شمار می رود و به موجب راپرت شرکت روزی ۴۵۰۰۰۰ گالن نفت از چاه مذکور به وسیله یک لوله که قطر آن فقط به قدر یک بند انگشت می باشد خارج می شود)، به خط سرحدی دو کیلومتر فاصله دارد، در صورتی که فاصله چاه نمره -۶- واقع در قسمت اراضی انتقالی عراق تا خط سرحدی بیش از چند ذرع نمی باشد.

در اثر استخراج نفت، متدرجاً نفت چاه مذکور تقلیل یافته و نطفهای اراضی دوردست را به سمت خود جذب می نماید. بنابراین نفت چاههایی که در قسمت اراضی ایران حفر شده، در اثر فشار گاز از مجاری تحت الارضی نفوذ و از چاه نمره -۶- که در اراضی انتقالی عراق در مجاورت خط سرحدی واقع است جریان می نماید.

متخصص مذکور برای جلوگیری از ضرری که مآلاً از این راه به منابع نفت ایران متوجه می شود، عقیده دارد که به مسافت متساوی نسبت به خط سرحدی در قسمت ایران نیز چاههایی در مقابل چاههای واقع در اراضی انتقالی حفر شود.

چون تاکنون در این خصوص اقدامی به عمل نیامده، بنابراین مراتب را برای استحضار خاطر مبارک معروض داشت. در صورتی که صلاح بدانند به کمپانی نفت

جنوب تذکر داده شود که در قسمت ایران به نحوی که مستر کلاپ اظهار عقیده کرد، جاه‌هایی دایر نموده و محل استفاده قرار دهند.

[امضاء:] محمود جم

[مهر:] وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] جواب بدهید در این باب اقدامات مفصل شده و این جانب شخصاً خیلی مذاکره کرده‌ام، از طرف وزارت فواید عامه هم با کمپانی نفت مذاکره شود.

<https://lib.benakht.lib>

سند شماره ۳۹/۱

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب ثبت ۲۱۹۰، تاریخ اصل مطلب ۲۳ خرداد ماه ۱۳۰۸، تاریخ خروج ۲۳ فوق

وزارت جلیله فواید عامه

با استحضار از مدلول مراسله نمره (۳۳۷۸/۷۵۹) راجع به راپرت مستر کلاپ در موضوع سرحد غرب، زحمت می‌دهد که در این باب اقدامات مفصلی شده و این جانب شخصاً خیلی مذاکره کرده‌ام. از طرف آن وزارت جلیله هم با کمپانی نفت مذاکره بشود.

وزیر دربار پهلوی

سند شماره ۰۸

خبر مندرج در روزنامه تایمز مالی در مورد افزایش سهام دولت انگلیس
در کمپانی نفت جنوب طی سالهای ۲۹-۱۹۱۴

تایمز مالی ۲۶/۷/۲۹ [۱۹]^۱

https://t.me/shenakht_lib
نفت ایران - انگلیس

رشد ارزش سهم دولت

وزیر دارایی دیروز، طی نشستی در اتاق بازرگانی جزئیات سهم دولت را در شرکت نفت ایران - انگلیس، تشریح کرد. جیمز گراندن میزان منافی را که بر دارایی‌های دولت، در موجودی شرکت نفت ایران و انگلیس از سال ۱۹۰۹ به طور سالیانه افزوده شده، همراه با ارزش تجاری و اسمی دارایی دولت در هر سال سؤال کرد.

اسنون (Mr Snowne) در پاسخ نوشت:

سهام دولت در موجودی شرکت نفت ایران - انگلیس و غیره را فقط از سال ۱۹۱۴، یعنی زمانی که قانون شرکت نفت ایران - انگلیس (در مورد سرمایه تملیکی) تصویب شده، می‌توان محاسبه کرد.

جدول زیر، عواید دریافتی، ارزش تجاری و اسمی و غیره سالیانه دولت را از ۳۱ مارس نشان می‌دهد:

—	عواید دریافتی در سال	سهام دولت از ۳۱ مارس a		
		سهام عادی	موجودی سهم قرضه	ارزش تجاری
	پوند £	پوند £	پوند £	پوند £
۱۹۱۴-۱۹۱۵	-	a۷۵۰/۰۰۰	-	b۷۵۱۰۳۱
۱۹۱۵-۱۹۱۶	۲۲	a۱۰۰۰/۰۰۰	-	b۱۰۰۰۹۶۹
۱۹۱۶-۱۹۱۷	۷۳	a۱/۲۵۰/۰۰۰	-	b۱۲۵۱۰۹۴
۱۹۱۷-۱۹۱۸	۶۸۲۷۹	۲۰۰۰۰۰	۱۹۹۰۰۰	b۲۱۸۳۱۷۹
۱۹۱۸-۱۹۱۹	۳۲۸۸	۲۰۰۰۰۹۰	۱۹۹۰۰۰	b۲۱۸۲۴۰۲
۱۹۱۹-۱۹۲۰	۴۵۲۰۷۷	{ ۴۰۸۰۰۰۰ a۵۰/۰۰۰	۱۹۹۰۰۰	b۴۲۱۵۳۳۱
۱۹۲۰-۱۹۲۱	۴۲۷۷۵۶	{ ۴۰۰۰۰۰۰ a۵۰/۰۰۰	۱۹۹۰۰۰	b۴۲۱۱۳۲۰
۱۹۲۱-۱۹۲۲	۵۷۷۰۲۸	{ ۴۰۰۰۰۰۰ a۵۰/۰۰۰	۱۹۹۰۰۰	b۴۲۲۶۳۰۷
۱۹۲۲-۱۹۲۳	۱۰۱۷۹۷۶	۵۰۰۰۰۰۰	۱۹۹۰۰۰	۲۱۴۳۶۲۸۹
۱۹۲۳-۱۹۲۴	۵۰۱۳۳۵	۵۰۰۰۰۰۰	۱۹۹۰۰۰	۱۵۱۸۰۲۲۵
۱۹۲۴-۱۹۲۵	۵۲۸۰۹۳	۵۰۰۰۰۰۰	۱۹۹۰۰۰	۱۶۱۲۷۸۳۱
۱۹۲۵-۱۹۲۶	۶۳۵۰۷۰	۵۰۰۰۰۰۰	۱۹۹۰۰۰	۲۱۴۳۸۳۴۱
۱۹۲۶-۱۹۲۷	۸۸۵۰۳۰	a۷۵۰۰۰۰۰	۱۹۹۰۰۰	۳۷۶۹۰۳۳۱
۱۹۲۷-۱۹۲۸	۹۴۷۵۳۰	۷۵۰۰۰۰۰	۱۹۹۰۰۰	۲۴۵۶۹۳۱۱
۱۹۲۸-۱۹۲۹	۵۷۲۵۷۰	۷۵۰۰۰۰۰	۱۹۹۰۰۰	۳۴۸۸۲۸۶۹

a=اضافه بر ۱۰۰ پروند سهم مزیت است. (سهم مزیت سهامی است که شرکت باید به دارندگان قبل از توزیع عواید سهام عادی به آنها بدهد).
 a=پرداختی به میزان ۲۰۰۰۰۰۰۰ پوند سهام

b = پرداختی به میزان ۱۰۰۰۰۰۰۰ پوند سهام
 c = افزایش ناشی از ۲۵۰۰۰۰۰۰ پوند سهام قرضه
 d = نداشتن بازار سهام عادی قبل از ۱۹۲۲ شاخص نمایانگر پرداخت نقدینگی برای سهام عادی به اضافه ارزش تجاری سهم قرضه و سهم مزیتی است.

[حاشیه چپ:] از این قطعه ملاحظه خواهید فرمود قیمت سهمیه دولت انگلیس در کمپانی نفت جنوب تا چه اندازه ترقی کرده است.

http://www.chenakht_lib سند شماره ۴۱

مکاتبه سفیر ایران در پاریس (حسین علاء) با تیمورتاش در خصوص مخالفت با تمدید امتیازنامه داری با توجه به نظر متخصصین امر در این زمینه

سفارت شاهنشاهی ایران در پاریس

یادداشت به جناب اشرف آقای تیمورتاش تاریخ ۱۵ مرداد ۱۳۰۸

در باب طرح جدید امتیاز نفت مدتی است با متخصصین مشورت کرده، خلاصه نظریات آنها دو ماه قبل حاضر بود. حسب الامر منتظر مسافر مطمئنی بودم که نتیجه تحقیقات را به عرض برسانم. می خواستم به توسط آقای فروغی نوشتجات را بفرستم، اما متأسفانه در موقع حرکت معزی الیه از پاریس در اواخر ژوئن اجازه مرخصی هنوز نرسیده، معلوم نبود به طهران خواهند رفت یا خیر. اینک که حسینقلی خان پس از اتمام تحصیلات خود در آکسفورد^۱، سعادت مراجعت به وطن و

شرفیابی به حضور محترم را دارد، دو لایحه که یکی به انگلیسی نوشته شده و دومی به فرانسه لغاً تقدیم می‌نماید.

۱) یادداشت انگلیسی العبارة را مستر کلاپ متخصص نطف آمریکایی که چندی قبل مستخدم ایران بود و آدم مطلع صدیقی است، بعد از مطالعه نوشته. نکته مهم این که منافع ایران به حد کفایت در ماده هشت تامین نشده، در مقابل تمدید مدت امتیاز که برای کمپانی فوق‌العاده ذی‌قیمت است، لازم بود لااقل مانند کمپانی نطف ترکی **Turkish Petroleum** نسبت به دولت عراق، کمپانی نطف انگلیس در ایران با ما معامله می‌کرد. یعنی مقتضی بود تعهد نماید که در بدو امر از قرار تنی ۴ شلینگ، نه دو شلینگ حقوق دولت را بپردازد. خواهید فرمود که اضافه بر تنی ۲ شلینگ، کمپانی اسهامی هم به دولت ایران خواهد داد.

به موجب حساب مستر کلاپ و خود آن شرکت، باز تنی ۲ شلینگ کم است و نسبت به معامله [ای] که با عراق می‌کنند، بایستی لااقل تنی ۳ شلینگ به ما بدهند و اما راجع به گاز طبیعی معنی ندارد کمپانی راجع به فروش یا مصرف خارج از امتیاز تلقی [و] به دولت ندهد و از بابت مشتقات گاز که مواد گرانبهایی است کمپانی خیلی کم حساب کرده، باید حق دولت را زیادتر بدهد. مستر کلاپ تفصیل را به طور روشن نگاشته ماده جدیدی پیشنهاد کرده است.

۲) لایحه دوم مهم‌تر و از قلم شخصی است که به واسطه تجربیات طولانی و تحمل رنج در این قسم امور می‌تواند نصایح خیرخواهانه مفیدی بدهد. نکته برجسته راپرت مشارالیه مشعر بر این است که نمایندگان ایران در هیئت مدیره هر قدر مایل باشند [۱] اگر حق و تو نداشته باشند، وجود و حضور آنها مثمر ثمر نخواهد بود.

نمایندگان دولت انگلیس این حق را دارند، چرا ایران که نطف مال او است و بیش از همه کس ذی‌مدخل است این امتیاز را نداشته باشد؟
به طور کلی عقیده اهل بصیرت این است که چون عمل نطف در ایران تازه رو به ترقی

می‌رود و در سنوات آینده اهمیت آن خیلی بالا خواهد رفت، موقع آن نرسیده که دولت بر مدت امتیاز بیفزاید، بلکه باید صبر کرد تا در نتیجه توسعه دایره عملیات و اخذ اطلاعات جدید عمیق‌تری و تهیه عده [ای] مهندسین لایق ایرانی، دولت قادر بر تحمیل شرایط بهتر محکم‌تری بشود.

[امضاء: حسین علایی]

سند شماره ۴۲

https://t.me/shenakht_lib

مکاتبه گرینهوس با تیمورتاش در خصوص ارسال بیستمین صورت جلسه سالیانه شرکت نفت ایران و انگلیس

شرکت نفت انگلیس و ایران، محدود

عنوان تلگرافی: انگلوپرس

نمره ۲۱۵۶-۲ الف، طهران، مورخه ۱۶ مرداد ۱۳۰۸

حضور محترم حضرت اشرف اعظم آقای تیمورتاش وزیر دربار پهلوی دامت شوکته

لغاً دو نسخه ترجمه عین صورت جلسه سالیانه شرکت که در ۲۵ ژوئن منعقد بود، تقدیم می‌دارد و نهایت متشکر خواهد بود اگر یک نسخه از آن را به عرض خاکپای همایونی رسانده و نسخه دیگر را برای مطالعه خود حضرت اشرف نگاه دارید.

از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران، محدود.

رییس [امضاء: ف.س. گرینهوس]

سند شماره ۴۲/۱

صورت جلسه عمومی شرکت نفت
انگلیس و ایران محدود^۱

بیستمین جلسه عمومی شرکت نفت انگلیس و ایران محدود در تاریخ سه شنبه ۲۵ ژوئن ۱۹۲۹^۲ در عمارت وینچستر، واقع در کوچه اولد براد در شهر لندن، به ریاست سر جان کدمن^۳ منعقد گردید.

در بدو افتتاح جلسه مدیرکل اظهار داشت: <https://t.me/theportalnt.lib>
خانمها و آقایان:

قبل از آن که اخطار راجع به انعقاد جلسه قرائت شود می خواهم متذکر شوم که اکنون کسالت سخت اعلی حضرت پادشاه رفع شده است و بدین وسیله سپاسگذاری و تشکراتی که همه ما در آن شریک هستیم برای تجدید صحت مزاج پادشاه خود تقدیم باری تعالی داشته و امیدواریم که به زودی بهبودی کامل برای معظم له حاصل خواهد شد. اجتماع ما امروز در این نقطه مملو از شکرگذاری است که اعلی حضرت از خطر گذشته و آرزومندیم که سلطنت پادشاه معظم ما سالهای دراز دوام یابد (تحسین حضار) حال از منشی تقاضا می کنم اخطار انعقاد جلسه و راپرت مفتشین را قرائت نماید.

منشی (مستر جان کلارک) اخطار انعقاد جلسه و راپورت مفتشین را قرائت و سپس مدیرکل بیانات ذیل را ایراد نمود:

قبل از آن که نطق خود را شروع کنم می خواهم خاطر محترم حضار را متذکر شوم که سواد نطق بنده حاضر و در آخر جلسه بین صاحبان اسهام توزیع خواهد شد. علت

۱. عنوان فوق بر طبق قانون تجارت ایران ترجمه شده است.

۲. برابر با: ۴ تیر ۱۳۰۸.

3. Sir John Cadman, رییس هیئت مدیره شرکت.

این اقدام آن است که در جلسه گذشته در موقعی که بنده نطق خود را ادا می‌کردم، ورق زدن نسخ نطق که قبل از انعقاد جلسه بین حضار محترم توزیع شده بود قدری باعث پرتی حواس بنده شده و بعضی اوقات ادای نطق را برای بنده مشکل می‌نمود. امیدوارم این اقدام را عفو خواهید فرمود و اینک بنده نطق خود را شروع به خواندن نموده و پس از ختم، نسخ آن بین حضار محترم توزیع خواهد شد.

محاسبات

https://t.me/shenakht_lib

تصور می‌کنم راپورت و صورت حساب را خواننده فرض خواهید فرمود (قبولی حضار). مدتی که اکنون راجع به آن مذاکره می‌شود، فقط نه ماه است و بنابراین مقایسه کامل ارقام فقط به وسیله تطبیق ارقام نه ماهه مزبور با سه ربع ارقام سال گذشته ممکن خواهد بود.

البته تصدیق خواهید فرمود که پیش بینی بنده در باب نتایج حاصله از تجارت این نه ماه که سال قبل به آن اشاره نموده و بهبودی آن را تذکر دادم، به طور کامل وقوع یافته است. زیرا عواید خالص تقریباً پانصد هزار لیره از نه ماه سال گذشته زیادتر بوده و اگر این نکته در نظر گرفته شود که قیمت محصولات در عرض مدت این نه ماه در انگلستان که بزرگترین بازار فروش محصولات ما می‌باشد نسبت به سال قبل هنوز تنزل داشته است، نتیجه مذکور بیشتر موجب رضایت خاطر خواهد بود.

مبلغ دو بیست و یک هزار و پنجاه و یک لیره و سیزده شلینگ و نه پنس به حساب کسر قیمت اضافی^۱ گذاشته شده و مبالغی هم به حساب استهلاک و حساب ذخیره کل و حساب ذخیره برای تأدیه اسهام تعهدی^۲ تخصیص داده شده که مجموع این وجوه

۱. حساب کسر قیمت عبارت از مبلغی است که هر سال برای استهلاک ادوات و افت کنار می‌گذارند.

۲. مقصود از اسهام تعهدی اسهامی است که دارندة آن سهام در منافع شرکت نبوده و فقط عبارت از یک تعهد مستقیم شرکت است.

مطابق مبلغی است که سال گذشته برای این منظور کنار گذارده بودیم. مبلغ ۴۰۰/۰۰۰ لیره به حساب ذخیره کل اضافه شده و فعلاً جمع آن بالغ بر ۲/۵۰۰/۰۰۰ لیره است. پس از وضع این تخصیصات، منافع به اندازه [ای] بوده که بتوانیم از قرار صدی دوازده و نیم در سال بابت منافع اسهام متعارفی برای نه ماه بین صاحبان اسهام تقسیم نماییم. سال گذشته منافع اسهام متعارفی هفت و نیم درصد بود و البته تصدیق می فرمایید که اضافه امسال موجب رضایت خاطر است (تحسین حضار).

از مراجعه به راپرت ملاحظه خواهید فرمود که مبلغ پانصد و سیزده هزار و چهار صد و سی و چهار لیره و دوازده شلینگ بابت مالیات منافع اضافی^۱ از جوهی که سال قبل باقی مانده و به حساب امسال^۲ برده می شود، کسر شده است. در ظرف چند روز اخیر توافق نظر بین مأمورین مالیه و ما در باب پرداخت بقایای مالیات مزبور پیدا شده و ۳۷۵/۰۰۰ لیره دیگر بابت تصفیة قطعی این حساب باید از طرف ما پرداخته شود.

در بیلان دو تغییر مهم روی داده که اولی عبارت از حذف بدهی ما بابت وجوه تقاعد و بیمه مستخدمین شرکت و دومی اضافه شدن ۱/۱۲۵/۰۰۰ لیره به اسهام تعهدی با فرع صدی پنج به شرکت جدید التاسیس موسوم به «تأمین وجوه تقاعد انگلیس و ایران محدود» و اگذار گشته است. قیمت این سهام در موقع صدور^۱ ۹۵ درصد بوده و چنانچه ملاحظه می فرمایید، نزولی که از بابت اشاعه این اسهام داده شده، جزو ضرر محسوب شده است. با وجود این مراتب باعث نهایت خوشوقتی است که به جمع وجه نقد و اسهام قرضه دولت انگلیس که در دست است، ۱۰۰/۰۰۰ لیره اضافه شده است.

در بیلان سال آینده دیگر ذکری از تمسکات تضمین شده پنج ساله که شش و نیم

۱. این مالیاتی است که در موقع جنگ بین المللی وضع شده و برای این بوده است که اضافه

منافعی که در مدت جنگ حاصل می شد مالیات بپردازد.

۲. مقصود از امسال سنه ای است که در ۱۰ دی ماه ۱۳۰۷ ختم شده و مذاکرات در این صورت

جلسه مربوط به آن است.

درصد فرع به آنها تعلق می‌گرفت نخواهد شد، زیرا بالاخره این قرض در ماه مارس گذشته پرداخت گردیده است.

چند تغییر مختصر در سایر اقلام بیلان ملاحظه می‌شود که محتاج به ذکر نیست. در شرکت اصلی و هم چنین در شرکتهای تابعه و مربوطه، سیاست توسعه و تطبیق کار با اصول جدید ادامه داشته و کلیه مخارجی که از این بابت شده از وجوه کسر قیمت منظوره پرداخته شده است.

محصول - معادن https://77t.me/shenakht_lib

ایران - استخراج نفت در مسجد سلیمان در ظرف نه ماه بالغ بر ۴/۲۵۰/۰۰۰ تن^۱ بوده و این مقدار تقریباً همان تخمینی است که بنده کرده بودم. وضعیت معادن مسجد سلیمان فوق‌العاده رضایت بخش و احتیاجات را همیشه و به آسانی جوابگو می‌باشد.

اینک با نهایت مسرت راپورت ترقیات بسیاری که در توسعه معادن جدید هفت گل صورت گرفته و در ماه نوامبر گذشته به آن اشاره کردم، به عرض می‌رسانم. در این ناحیه شش چاه که هر کدام نفت را با فشار گاز خارج می‌کند و در عمق نسبتاً کمی به نفت رسیده، در بیست و چهار ساعت اول پنج هزار تن نفت داده و محصول چاه مزبور از هر چاهی که تا به حال در ایران حفر شده بیشتر بوده است. البته سر تمام این چاه‌ها بسته شده و عملیات حفر با نهایت جدیت در سایر نقاط معادن مزبور تعقیب می‌شود. وسعت تحقیقی این معادن که به قرار معلوم خیلی وسیع است، با نهایت جدیت تحت مطالعه می‌باشد. در سال ۱۹۲۸ اطلاعات ما راجع به این ناحیه به اندازه [ای] بود که اثاثیه و ادواتی که برای معادن مولده لازم است در آنجا تهیه نماییم و تجربیات بعدی که به دست آمده حسن ظن ما را بیش از پیش تأیید می‌نماید. در اوایل ۱۹۳۰ باید ساختن خط لوله فرعی که از این ناحیه شروع و به خط اصلی بین مسجد سلیمان و

۱. هر یک تن معادل سه خروار و ثلث خروار است.

آبادان منتهی می‌شود به اتمام برسد.

چنانچه مسبق هستید، قسمتی از معادن نفت خانه در خاک ایران و قسمتی از آن در خاک عراق می‌باشد و از موقع انعقاد جلسه گذشته تا حال توسعه عملیات در این ناحیه ممکن نشده است. طرح و نقشه [ای] در نظر است که این معادن را به طور یک واحد توسعه داده و متساویاً به استخراج آنها اقدام نمود، ولی این قضیه به واسطه در داشتن مسایل چندی و اختلاف منافع ملی طرفین در منطقه نفتی مزبور جنبه پیچیده [ای] را پیدا کرده است.

حفاری در سایر نقاط ایران هنوز به نتایج قابل ملاحظه [ای] نرسیده، ولی عملیات ادامه داشته و اکنون مطالعات معرفت الارضی را با تحقیقات ژئوفیزیکی به خصوص طریقه تولید ارتعاش در زمین که سال گذشته به آن اشاره کردم، توأم نموده و در تکمیل آن می‌کوشیم.

عراق - شرکت نفت عراق (که سابق موسوم به شرکت نفت ترکیه بود) که ما در آن سهم عمده [ای] داریم و مشغول اجرای یک پروگرام وسیع حفاری است و با در نظر گرفتن اشکالات مخصوصی که با آن مواجه است، پیشرفت رضایت بخشی در عملیات خود نموده و موفقیت قطعی هم در منطقه وسیع کرکوک که ظاهراً آتیه بزرگی در بر دارد به دست آمده است.

البته بر هر کسی واضح است که عملیات بسیار و مخارج زیادی لازم است تا آن که عراق بتواند یک عامل مؤثری در محصول نفت دنیا بشود. چون بنده اخیراً به ناحیه عملیات مزبور مسافرت نموده و امورات را به رأی العین مشاهده نمودم، می‌توانم عرض کنم که استعداد مآلی این معادن و جدیتی که در پیشرفت عملیات دیدم، تأثیرات فوق‌العاده در بنده نموده است.

آلبانی و آرژانتین - موفقیت جدیدی در پروگرام حفاری ما در آلبانی حاصل نشده و کشف مخازن عمده نفت در این نقطه چندان امیدبخش نیست. استخراج در معادن کوچک ما در آرژانتین هنوز رو به تنزل است، ولی کلیه نفت خامی که از معادن مذکور به دست می‌آید در خود محل تصفیه شده و با منفعت به فروش می‌رسد.

تصفیه‌خانه‌ها

در تمام مدت سال، توسعه و تکمیل ادوات و ماشین آلات تصفیه‌خانه‌ها و منطبق کردن آنها با اصول جدید و ترقیات سریع‌السیری که در تکنیک عمل تصفیه می‌شود ادامه داشته و ضمناً صرفه‌جویی‌های مهمی هم در قیمت تهیه محصولات شده است. یک دستگاه بزرگ تقطیر نفت خام که به وسیله عمل تصفیه متوالی، گنجایش تقطیر روزی ۳۵۰۰ تن نفت خام را دارد، در آبادان بنا شده و بالتیجه [بر] میزان عمل کرد تصفیه‌خانه مزبور اضافه گشته است. علاوه بر این دو دستگاه تقطیر دیگر هم در آبادان مشغول بنا هستیم.

نظر به ترقیات روزافزون مصرف بنزین در بازارهای دنیا و لزوم موازنه بین مصرف محصول مزبور و نفت سوخت، تصمیم گرفته‌ایم که مؤسسات «کرکینگ»^۱ خود را توسعه داده و مخصوصاً در آبادان یک دستگاه خیلی بزرگ کرکینگ بنا خواهیم نمود. امروز به طور کلی می‌توانیم از حیث درجه و منزل عالی که در قسمت تکمیل اصول علمی و تکنیکی و صرفه‌جویی عملیات در تصفیه‌خانه‌های خود تحصیل نموده‌ایم، مباحثات نموده و اظهار داریم که پایه عملیات مزبور در جایی قرار گرفته که در هیچ نقطه دنیا سبقت از آن را نمی‌توانند ادعا کنند.

استخراج نفت از صخره

با وجود آن که باز منافی از بابت اسهام متعارفی که ما در شرکت نفت اکس محدود^۲ دارا هستیم وصول نشده، معهداً صنعت استخراج نفت از صخره در اکس جنبه بهتری پیدا کرده و علائم بهبودی در آن ظاهراً است و قیمت بعضی محصولات که از این

۱. عمل «کرکینگ» عبارت از تقطیر و تصفیه مجدد نفت سوخت می‌باشد که از آن بنزین و نفت

حاصل می‌شود.

صنعت به دست می‌آید یا تنزل نموده و یا به قیمت نازلی باقی مانده است. متجاوز از یک سال قبل به واسطه معافیت محصولات داخلی از ادای مالیات جدید بنزین، مساعدت شایانی نسبت به این صنعت به عمل آمد. وقتی که این معافیت منظور می‌گشت تذکر داده شد که یکی از فواید آن تجدید حیات و تشویقی است که نسبت به این صنعت مبذول می‌گردد و هیچ جای شبهه نیست که مساعدت مزبور موجب شده است که اعتماد و اطمینان زیادی در قلوب عده کثیری کارگر که در این صنعت سالهای متمادی خدمت کرده‌اند تولید نماید. فعلاً مشغول ساختن و اضافه کردن کارخانه‌های جدیدی برای ازدیاد استخراج محصول بنزین از این صنعت می‌باشند.

https://t.me/shenakht_lib

کشتی رانی

پروگرام ساختن سفاین نقاله نطف که از سال ۱۹۲۶ به بعد هر سال اشاره به آن شده بود، فعلاً خاتمه یافته و اکنون کلیه سفاین مزبور مشغول کار هستند. عده سفاین مزبور از کوچک و بزرگ ۸۵ و مجموع وزن آنها در حالی که بارگیری کرده باشند ۷۵۵/۸۳۸ تن است. در عرض سنه گذشته، سفاین مذکور پروگرام خود را به طور رضایت بخش انجام داده‌اند. لارویی معبر «روقه» که سال گذشته به خصوص ذکری از آن شد پیشرفت بسزایی نموده است.

راجع به حُسن عمل سفاین عموماً و مستخدمین بحری خود خصوصاً غیر از تمجید چیز دیگری ندارم که عرض کنم. ولی در این موقع می‌خواهم راجع به واقعه ذیل اشاره مخصوص کرده و متذکر شوم که واقعه مذکور بهترین شاهد بر این است که صاحب منصبان و مستخدمین سفاین ما دارای احساساتی هستند که ناشی از بهترین شعائر بحر پیمایی است.

در دسامبر گذشته حریق در یکی از سفاین نقاله نطف ما موسوم به بریتیش کورج^۱ که ظرفیت آن ده هزار تن است روی داد. کشتی مزبور مشغول حمل نطف خام بوده و

حریق در موقعی اتفاق افتاد که کشتی در دریای مدیترانه طی طریق می نمود و نهایت تأسف را دارم که حریق مزبور باعث تلف شدن دو نفر از مستخدمین کشتی مزبور شد. فقط شجاعت کاپیتن همسلی^۱ و صاحب منصبان و عملجات موجب شد که کشتی از سوختن و از بین رفتن نجات یابد. در ضمن حریق شعله آتش تمام عملجات را مجبور کرد داخل قایق های نجات شده و کشتی را ترک گویند. ولی قایق های مزبور دو ساعت تمام در نزدیکی کشتی در دریای طوفانی توقّف کرده و سپس کاپیتن با شانزده نفر از عملجات داوطلب دوباره به کشتی رفته و پس از چندین ساعت صرف مساعی و مواجه شدن با شعله های آتش، حریق را خاموش و کشتی را از خطر نجات دادند.

چندی بعد دو کشتی دیگر ما موسوم به بریتیش هوپ^۲ و بریتیش افیسر^۳ به کمک این کشتی رسیده و آن را به سلامتی به بند رساندند.

خانمها و آقایان: بنده تفصیل واقعه را خیلی مختصر به عرض رساندم، ولی تصدیق می فرمایید که واقعه مزبور یک فصل درخشانی را به تاریخ بحر پیمایی تجارتی اضافه می کند (تحسین طولانی حضار).

فروش

فروش محصولات ما چه در داخله و چه در خارجه به طرز رضایت بخشی رو به تزاید و مخارج فروش هم خیلی تقلیل یافته است. قیمت محصولات اگرچه در اروپا و سایر نقاط بهتر بوده ولی در انگلستان در قسمت اعظم سال به میزان قبل باقی و ترقی در آن مشاهده نشده و فقط دو ماه پس از سالی که تحت راپورت است، ترقی در قیمت بنزین و نفت روی داد.

1. Captain Himsley.
2. British Hope.
3. British Officer.

شاید مسبوق باشید که مقدار عمده [ای] به تعداد اسهام ما در شرکت «اولکس»^۱ افزوده شده و شرکت مزبور محصولات ما را در آلمان به فروش می‌رساند. در هندوستان فروش محصولات نفتی ایران باعث ازدیاد فروش ما شده و اگر در خاطر داشته باشید، مساعد شرکت نفت برمه^۲ موجب انجام این افزایش گشته است. مساعدت شرکت مزبور به خوبی نشان می‌دهد که ارتباط تامّ ما با آن شرکت مفید به حال طرفین است.

در جلسه گذشته اشاره [ای] به قرارداد منعقدہ بین ما و شرکت نفت آسیا^۳ نمودم که نتیجه آن تشکیل شرکت جدیدی موسوم به شرکت متفقہ نفت^۴ برای فروش محصولات نفتی در مصر و آفریقای شرقی و جنوبی و بعضی بازارهای دیگر در شرق بوده است. به واسطه نزدیک بودن بازارهای مزبور به معادن ایران رساندن محصولات ما به نقاط مذکورہ به سهولت انجام می‌گیرد. قرارداد مزبور از اول ژانویه امسال اجرا و در آتیه از این تشریک مساعی فواید بسیاری را انتظار داریم.

میل دارم توجه مخصوص حضار محترم را نسبت به مساعی دایمی که در اعتلاء جنس بنزین «ب.پ» ما می‌شود و مخصوصاً اقدام اخیر که در آن شده جلب نمایم. مواد و ترکیبات جدیدی که در بنزین «ب.پ» داخل شده و اینک بنزین مزبور در تمام نقاط انگلستان به فروش می‌رسد، مستخرج از نفت خام ما است و محصول جدید از هر حیث یک بنزین درجه اول می‌باشد. بنزین «ب.پ» جدید ما که جانشین «ب.پ» قدیم شده نتیجه یک رشته عملیات علمی است که منطبق با احتیاجات صنعتی شده است. گمان می‌کنم خاطر حضار محترم مسبوق است که امروزه رویه [ای] که در ترقی و توسعه موتورهای احتراق داخلی تعقیب می‌شود، عبارت از تهیه سوختی است که ترکیبات آن دارای خصوصیات فوق‌العاده مناسبی باشد. زیرا احتیاجات موتورهای

1. Olex.
2. Burmah Oil Company.
3. Asiatic Petroleum Company.
4. Consolidated Petroleum Company.

مزبور را غیر از چنین سوختی نمی تواند رفع کند. بنزین «ب.پ» جدید ما، با در نظر گرفتن تمام احتیاجات آخرین سیستم موتورهای مزبور، تهیه شده و اطمینان دارم اگر صاحبان اتوموبیل آن را استعمال نمایند، صحت ادعای بنده به آنها ثابت خواهد شد. برای حصول این مقصود صاحبان اسهام می توانند به طرق مختلف کمک و مساعدت نموده و یقین دارم پس از استعمال بنزین مزبور با خصوصیات آن در عمل آشنا شده و بعدها جدیت خواهند نمود که محاسن آن را گوشزد عموم نمایند. این را هم اضافه می کنم که از موقع نوشتن این نطق تا حال مراسلات متعددی از صاحبان اسهام و دیگران که بنزین جدید را استعمال کرده اند رسیده و همه مبنی بر تقدیر و تمجید فوق العاده از بنزین مزبور است (تحسین حضار).

مسافرت به ایران

در اوایل امسال بنده مسافرتی به نقاط مختلف عملیات شرکت در ایران کرده و سپس به طهران رفتم. معادن و خطوط لوله و کارخانه های تصفیه همگی در نهایت انتظام و مطابق پروگرام و دستور عملیات خود را انجام داده و مستخدمین لایق و رؤسای با کفایت آنها وظایف خود را در نهایت خوبی عهده دار بودند. شرکت مرهون خدمات مستخدمین خود در ایران بوده و نهایت مسرت را دارم که این مسئله را در حضور مسترژاکس مدیر مقیم شرکت در ایران که امروز در این جلسه حضور دارند اعتراف و از کار آنها قدردانی کنم (تحسین حضار).

آتیه معادن جدید هفت گل توجه مرا مخصوصاً جلب نمود. استعداد عظیم معادن مزبور و موقعیت فوق العاده خوب آن و بالنسبه سهولت استخراج از این ناحیه موجب آن است که معادن مزبور در آتیه یک ثروت گرانبهایی برای ما محسوب خواهد شد.

در موقعی که در جنوب بودم فرصت را غنیمت شمرده و بندر جدید ایران را که موسوم به بندر شاهپور و در خور موسی واقع است بازدید نمودم. بندر مزبور در کنار یک خور عمیقی واقع شده و مسافت آن تا آبادان از راه دریا یک صد و پانزده میل

است. ورود کشتیهای بزرگ اقیانوس رو از دریا به بندر شاهپور به واسطه عمق کافی آب آسان است. بندر مزبور در ترقی و توسعه تجارت آتیۀ ایران مدخلیت تام داشته و مختم جنوبی خط آهن ماورای ایران می باشد که فعلاً مشغول ساختن آن هستند.

پس از معاینه و بازدید جنوب به طهران مسافرت کرده و چند مرتبه به تشریف حضور اعلی حضرت همایون شاهنشاهی مفتخر شدم. شرفیابی بنده به خوبی واضح می دارد که اعلی حضرت همایون شاهنشاهی علاقه به ترقی و سعادت شرکت دارند. مسایل مهم بسیاری که در قضایای مربوط به طرحهای آتیه شرکت مؤثر می باشد با وزرا مذاکره شده و مذاکرات مزبور با نهایت سادگی و حسن نیت توأم بوده است. نهایت امیدوارم که این مذاکرات مالا منجر به حل و تسویه غالب مسایل معوقه گشته و موجب تشدید و تحکیم منافع طرفین شود.

از جمله مسایلی که مذاکره شد، اتصال بندر شاهپور به وسیله راه آهن به نقاطی بود که فعلاً شرکت در آن مشغول کار است و یا نقاطی که بعدها در آن شروع به کار خواهد نمود.

چنان که سال قبل متذکر شدم قصد ما این است، تا حدی که متناسب با احتیاجات فنی و منافع اقتصادی شرکت باشد، هرچه بیشتر راه آهن مزبور و بندر شاهپور را مورد استفاده قرار دهیم. متعاقب مذاکراتی که در طهران شد، فعلاً مشغول مطالعه بهترین طریقی هستیم که بدان وسیله بتوان از تسهیلات جدید استفاده نمود. اکنون با نهایت رضایت خاطر به مسئله [ای] اشاره می کنم که مورد تحسین و تقدیر عموم اشخاصی است که مانند خود ما به سعادت و استقرار امور شرق وسطی علاقه حیاتی دارند و آن عبارت از تقرّب سیاسی می باشد که اخیراً بین ایران و عراق صورت گرفته است. به عقیده بنده این مسئله از بسیاری جهات مفید و بی شک موجب خواهد شد که یک رشته مسایل تجاری و صنعتی که شرکت ما در آن ذیعلاقه می باشد، با توافق نظر طرفین حل شود.

راپورت زلزله و ضایعاتی را که در خراسان رخ داده البته با کمال تأسف و تأثر در

جراید خوانده‌اید. تلفات جانی در اثر این حادثه مولمه حقیقه هولناک و اطمینان دارم اظهار همدردی و مساعدت عملی را که هیئت مدیره شرکت فوراً تقدیم نمود، تأیید خواهید فرمود (احسنت حضار).

قبل از آن که بیانات خود را راجع به ایران خاتمه دهم، لازم است از وقایع اخیر خوزستان هم که مطبوعات اشاراتی به آن نموده بودند و اکنون جزو وقایع گذشته محسوب می‌شود ذکری بنمایم. نظر به جدیت و کفایت بسزایی که اولیاء دولت شاهنشاهی ایران و مأمورین آن در حل این قضیه به خرج دادند، هیچ‌گونه وقفه [ای] در عملیات شرکت روی نداد.

https://t.me/shenakht_lib

ملاحظات عمومی

در ماه نوامبر گذشته مبادرت به اظهار یک رشته نظریات عمومی راجع به اصولی که می‌بایستی در پروگرام آتیه نظارت و فروش منابع نفتی دنیا مؤثر باشد نمودم. گمان نمی‌کنم در هیچ یک از مراکز مسئول - اگرچه از لحاظ اصول و تئوری هم باشد - اختلاف واقعی بین نظر آنها و بیاناتی که در آن وقت به عرض رساندم موجود باشد. از حیث عمل، مدتی که از نطق بنده در جلسه سابق تاکنون گذشته، البته برای بروز نتایجی که با عظمت قضایای مزبور قابل مقایسه باشد کافی نبوده است. معهذرا هفته به هفته و ماه به ماه پیشرفت کلی حاصل شده و مبرهن تر می‌گردد که تکثیر و ازدیاد وسایل فروش تا یک حد معینی ممکن است به نفع مصرف کننده باشد و هر وقت از آن تجاوز کرد وسایل مزبور موجب اتلاف خواهد بود نه توسعه کار.

از لحاظ تنظیم استخراج، معادن نفت ایران کما فی السابق یک سرمشق خوبی برای دنیا می‌باشد و سرمشق مزبور که به درجه کمال رسیده، فقط در سایه وحدت منافی می‌باشد که بین ایران و این شرکت موجود است. اگر فعلاً معادن نفت ایران یک نمونه مجزایی محسوب شده و اگر همان طور که متذکر شدم وضعیت اختصاصی آن در جای دیگر موجود نیست، معهذرا اصول عملیات آن در نقاط دیگری که استعداد استخراج از میزان فعلی استخراج به مراتب بیشتر است، به تدریج مورد قبول واقع

می‌شود. در دسامبر گذشته بنا به دعوت مؤسسه نفت آمریکا به ممالک متحده آمریکا رفته و در این موضوع نطقی در حضور اعضای مؤسسه مزبور ادا نمودم. پیام و نظریات مرا اعضای مؤسسه مزبور با حسن نظر تلقی نموده و در این موقع می‌خواهم یک بار دیگر اعتراف [کنم] که به نظر بنده پر مسئولیت‌ترین اشخاصی که در صنعت نفت هستند، احتیاجات دنیا را از حیث لزوم تنظیم استخراج با عقل سلیم و نهایت فطانت درک نموده و با وجود اصطکاک منافع بسیاری که این قضیه در بر دارد، با کمال جدیت در صدد تهیه راه‌حل منصفانه و دایمی آن بر می‌آیند. صاحبان سهام این شرکت البته از اطلاع راجع به این قضیه مشعوف خواهند بود که به عقیده این جانب شرکت نفت انگلیس و ایران هیچ‌گاه چنین مقام مهمی را که امروزه در جامعه نفت دنیا حایز است نداشته و هیچ وقت مقصود و طریقه عمل آن به اندازه امروز مورد قبول و تقدیر واقع نشده است.

مکرر و در نقاط مختلف اصولی را که این شرکت نسبت به محصول نفت دنیا و تنظیم و تقسیم آن قایل است بیان نموده‌ام، ولی نظر به اهمیت و افری که دارد دوباره به اختصار آن را تکرار می‌کنم.

دنیا از حیث مصرف یک واحدی را تشکیل می‌دهد و منابع نفتی آن نه تنها به ما بلکه به نسل‌های آینده نیز تعلق دارد. در عین حالی که احتیاجات خود را، ما از منابع مزبور رفع می‌کنیم، نباید فراموش کنیم که تولید و حفظ امانت اخلاف نیز در عهده ما است. از حیث استفاده کامل از نفت، ما هنوز در مراحل اولیه علم و معرفت هستیم و بنابراین ماراست که مصرف و تقسیم و فروش و حفظ آن را عاقلانه انجام دهیم. ادامه خروج نفت از مخازن تحت الارضی به مخازن سطح الارضی بدون رعایت احتیاجات حاضر و توقعات نسل آتیه استخراج نافع محسوب نشده و برعکس مخالف کلیه اصول علمی است که اساس تولید حقیقی را تشکیل می‌دهد.

اعضاء و مستخدمین

مجدداً وظیفه مطبوع خود می‌دانم که نسبت به خدمات اعضاء و مستخدمین کلیه

شعبات شرکت اشاره نموده و تقدیر از آن نمایم. خدمات مستخدمین این شرکت چه در داخله و چه در خارجه، برأ و بحرأ، شایان همه گونه تحسین و تصور نمی‌کنم در آتیه وظایف و کارهای جدیدی پیش آید که مستخدمین مزبور با نهایت سرعت و کفایت از عهده آن بر نیایند.

دورنمای آتیه

پس از اتمام بیانات خود راجع به عملیات سال گذشته و مراجعه به بعضی ملاحظات عمومی که اهمیت بسیاری هم برای این شرکت و هم برای تمام صنعت نفت دارد، اکنون به وظیفه عادی خود رسیده و راجع به آتیه نزدیک شرکت هم چند کلمه [ای] به عرض می‌رسانم. در جلسه قبل پیش بینی کردم که اگر قیمت نفت به منتها درجه تنزل رسیده باشد، سنه ۱۹۲۹ مبشر عصری خواهد بود که منافع به تدریج رو به ازدیاد خواهد گذاشت. قریب به نصف سنه مزبور فعلاً گذشته و با اطمینان خاطر می‌توانم بگویم که از روی مأخذ حاضره فروش و مخارج در صورتی که وقایع غیرمنتظره [ای] روی ندهد، منافع بایستی به میزان عمده [ای] ترقی نماید و قبل از ختام سنه حاضر هیئت مدیره هم خواهد توانست که منافی در خلال سال بپردازد (تحسین حضار).

اکنون با نهایت خوشوقتی پیشنهاد می‌کنم که «راپورت و بیلان و حساب نفع و ضرر برای نه ماهی که در سی و یکم دسامبر ۱۹۲۸ منقضی می‌شود قبول و تصویب شود» و از سر ررژ بارستو^۱ تمنا می‌کنم که این پیشنهاد را تأیید نمایند.

سر ررژ بارستو - با نهایت مسرت پیشنهاد مذکور را تأیید می‌نمایم.
مدیرکل - خانمها و آقایان: قبل از آن که راجع به این پیشنهاد رأی گرفته شود، بنده حتی المقدور برای جواب دادن سؤالاتی که داشته باشید حاضرم.
مستر چارلزورت - فقط بنده می‌خواستم استفسار کنم که آیا ممکن نیست در سنوات

آتیه از زحمتی که به واسطه تصادف تشکیل این جلسه با روز و ساعت تشکیل جلسه سالیانه شرکت تجارتی و نقلیه شل روی می دهد جلوگیری نمود؟

مدیرکل - جواب این سؤال را بنده فوری می دهم. اقدامات لازم [ای] به عمل آمده که این اتفاق دیگر روی ندهد. موقعی که تاریخ انعقاد جلسات سالیانه خود را تغییر دادیم، بالطبع این نکته از نظر محو شد که سایر شرکتها هم در همین روز ممکن است جلسه سالیانه داشته باشند. اکنون خانمها و آقایان نسبت به پیشنهاد مذکور رأی می گیریم و تمنا می کنم آنهایی که موافق اند اظهار دارند. مخالفین (سکوت). پس این پیشنهاد به اتفاق آراء تصویب گردید. قبل از آن که راجع به سایر پیشنهادات رأی گرفته شود، می خواهم خاطر محترم خانمها و آقایان را تذکر دهم که دوست قدیمی ما جناب مستطاب اجل آقای میرزا عیسی خان فیض، کمیسر دولت شاهنشاهی ایران امروز در اینجا حضور دارند. در جلسات اخیر ایشان ما را به چند کلمه [ای] محظوظ ساختند و تمنا می کنم حال هم لطف فرموده و ما را به بیانات خود مسرور دارند (تحسین حضار).

آقای میرزا عیسی خان فیض - آقای مدیرکل: خانمها و آقایان: پس از تشکر از اظهارات محبت آمیز سرجان نسبت به این جانب، اجازه می خواهم به مناسبت نشان عالی درجه [ای] که اخیراً از طرف اعلی حضرت پادشاه انگلستان بالاستحقاق به سرجان کدمن اعطا شده، از طرف حضار محترم تبریکات صمیمانه را به ایشان تقدیم نموده و دوام عمر معزی الیه را مسئلت نمایم.

در این جلسات سالیانه شرکت همیشه اسباب خوشوقتی این جانب است که دولت شاهنشاهی ایران را با صاحبان سهام در اظهار تقدیر از بیانات مدیرکل شریک و مربوط نمایم. ادای وظیفه مزبور هنگامی که راپورت عملیات شرکت مانند راپورت امروزه تا این اندازه رضایت بخش باشد موجب خوشوقتی و مسرت نیز می شود. در عین حالی که همه ما علاقه مفراطی به عملیات گذشته شرکت داشته و دولت و ملتی را که من افتخار نمایندگی آن را دارم بیش از همه علاقمند به عملیات مزبور هستند، عموم ما با یک نگرانی و بی صبری منتظر پیش بینی های مدیرکل راجع به ترقیات آتیه شرکت نیز می باشیم. وقایع هفت ماه قبل گرچه تا اندازه [ای] ما را امیدوار به آتیه

می داشت، لکن مستلزم بردباری بسیاری بود. امروز موجبات امیدواری بیشتر فراهم و وضعیاتی را که مدیرکل تشریح نموده اند حاکی از ترقیات وسیعی است که در هر رشته پدیدار شده است.

اهمیت به سزایی را که سرجان به وحدت منافع بین ملت ایران و شرکت می دهد خیلی به مورد و خود معزی الیه یکی از اشخاصی می باشد که در حفظ آن مساعی بسیاری بکار برده است.

راجع به مسافرت ایشان به طهران که شرح آن از منابع مختلف به این جانب رسیده است، فقط این نکته را متذکر می شوم که روش ایشان در بازدید مراکز عملیات شرکت در ایران به فاصله [آی] که هیچ وقت از هیجده ماه الی دو سال تجاوز نمی کند، از هر نقطه نظر مستحسن می باشد.

امروز مدیرکل شرکت نه تنها در ایران مهمان عالی مقام و معززی است که همیشه با نهایت احترام از او پذیرایی می شود، بلکه به واسطه مسافرت های او به ایران می توان ایشان را مبین این حقیقت شمرد که این شرکت - که یکی از بزرگترین مؤسسات صنعتی عالم محسوب می شود، نه تنها یک مؤسسه انگلیسی است، بلکه ایرانی نیز هست.

در خاتمه بنده هم مانند شما بی نهایت خوشوقتم که عصر افزایش منظم منافع که مدیرکل در نوامبر گذشته به آن اشاره نموده، اگر تا به حال طالع نشده باشد، اکنون در شرف است (تحسین حضار).

مدیرکل - اکنون با نهایت مسرت پیشنهاد می کنم که: «بابت اسهام متعارفی راجع به نه ماهی که در سی و یکم دسامبر ۱۹۲۸ منقضی می شود منافع از قرار ده و نیم درصد پس از وضع مالیات بر عایدات اعلان و در تاریخ سی و یکم ژوئیه پرداخته می شود.» از لرد گرینوی^۱ تمنا دارم لطفاً این پیشنهاد را تأیید نمایند.

لرد گرینوی - آقای مدیرکل: با نهایت مسرت پیشنهادی را که از طرف سر جان کدمن شده، تأیید و در ضمن فرصت را غنیمت شمرده و رضایت خاطر می که یقین دارم همه

حضار در آن شریک و ناشی از مشاهده مجدد از دیاد منافع اسهام است اظهار می دارم. به علاوه اهم تشکرات خود را تقدیم مدیرکل و رؤسای شرکت دارم که با وجود تنزل قیمتی که در عرض سال موجود بوده، موفق به تحصیل چنین نتایج رضایت بخشی شده اند. بنده در سنوات گذشته به کرات این حقیقت را تذکر داده ام که این شرکت در مرحله طفولیت یا بدواً...^۱ واقع شده و امروز هم بیش از پیش می توانم با کمال اطمینان بیان مذکور را تکرار [کنم] زیرا منابع دست نخورده این شرکت به حدی است که ما هنوز می توانیم خود را در بجهو حه بدانیم.

با منابع فراوان نفت که در دسترس ما می باشد و تشکیلات جامعی که در بسیاری از نقاط دنیا داریم و با تفوق جنس محصولات و کمی مخارج تهیه محصولات مزبور و بالاتر از آن اداره کنندگان لایقی که در کلیه شعب تجارت خود جمع و تربیت کرده ایم، می توانیم در آتیه امیدوار به حصول نتایجی باشیم که بی شک مافوق آنچه تاکنون دیده شده است خواهد بود (تحسین حضار).

مدیرکل - اکنون نسبت به پیشنهاد مذکور رأی گرفته می شود. آنهایی که موافق هستند نظرات خود را اظهار دارند. مخالفین (سکوت). پس تصویب شد. پیشنهاد بعد راجع به تجدید [انتخابات] مدیران است و سرجان کارگیل^۲ لطفاً این پیشنهاد را خواهند نمود.

سرجان کارگیل - آقای مدیرکل: خانمها و آقایان: پیشنهادی را که بنده با نهایت خوشحالی و مسرت می کنم این است که: «سرجان کدمن و مستر اس.س. هرن^۳ و

۱. یک کلمه در نسخه اصلی سفید بود.

2. Sir John T.Cargill.Bart.

3. Mr.A.C.Hear.

مسترت.ل.ژاکس^۱ و مستر رابرت ا.واتسن^۲ مجدداً به عضویت هیئت مدیره انتخاب شوند.» البته تصدیق می فرمایید که در موقع تقدیم این پیشنهاد مطالب زیادی هست که می توان و باید هم گفته شود، مخصوصاً راجع به مدیرکل عالی مقام این شرکت - لکن بنده قصد ندارم حضار محترم را بیش از حد لزوم معطل نموده و میل هم ندارم در حضور آقایان مزبور بیاناتی دایر به تمجید آنها عرض کرده و موجب ناراحتی خیالشان بشوم. سبقت هم به پیشنهاد کننده و تأیید کننده رأی تشکر از مدیرکل نمی گیرم، زیرا آنها در موقع خود بیاناتشان را اظهار خواهند نمود.

فقط عرض می کنم که امروز نطق بلیغ مدیرکل را استماع و البته استنباط فرموده اید که معلومات و اطلاعات مشارالیه در کلیه امور این مؤسسه عظیم تا چه اندازه وسیع و چه مقدار وقت و توجه شخصی خود را صرف حفظ منافع این شرکت می نمایند. اطلاعات شخصی که بنده راجع به کار سرجان کدمن از بدو دخول ایشان به خدمت شرکت در هفت سال قبل الی حال دارم، مرا وادار به ذکر این نکته می کند که مدیریت کل او در شرکت نفت انگلیس و ایران فوق العاده موجب سعادت این شرکت بوده و تا وقتی که مهمام امور شرکت در دست ایشان است می توانید اطمینان کامل داشته باشید که منافع شما کاملاً محفوظ خواهد ماند. لهذا یقین دارم که تجدید انتخاب ایشان را با بشاشت خاطر قبول خواهید فرمود (تحسین حضار).

و اما راجع به مستر هرمن که از حیث قدمت خدمت جدیدترین عضو هیئت مدیره لندن می باشد: خدمات مشارالیه در مدت دو سالی که عضو هیئت مدیره بوده فوق العاده قابل توجه و رضایت بخش بوده و لذا تمنا می شود که تجدید انتخاب ایشان را تصویب فرمایید. چنانچه قبلاً مدیرکل اظهار داشتند امروز مستر ژاکس در اینجا حضور داشته و البته تجدید انتخاب ایشان به اتفاق آراء موجب خوشوقتی ایشان خواهد شد. (صحیح است - صحیح است) باقی می ماند مستر واتسن که عضو هیئت مدیره شرکت نفت برمه و اداره کننده آن شرکت نیز می باشد. بنده اخیراً در نطق

1. Mr .T.L.Jacks.

2. Mr.Robert I.Watson.

عمومی خود خدمات ذیقیمت مشارالیه را به شرکت نطف برمه متذکر شده‌ام و در اینجا لازم بشرح نیست. راجع به ایشان می‌خواهم فقط این نکته را عرض کنم که اگر مشارالیه لایق این است که در هیئت مدیره شرکت نطف برمه عضویت داشته و مسئول اداره کردن امور آن شرکت باشد، پس البته شایسته و قابل این هم هست که در هیئت مدیره شرکت نطف انگلیس و ایران عضویت داشته باشد (خنده بلند و تحسین حضار). بنابراین با نهایت مسرت تجدید انتخاب چهار نفر آقایان مزبور را پیشنهاد می‌نمایم.

سرهیو بارنز^۱ خانمها و آقایان - لازم به تذکر نیست که بنده صمیمانه با بیانات فصیح سرجان کارگیل موافقت نموده و یقین دارم شما هم موافقت می‌فرمایید. بنده با کمال خوشوقتی پیشنهاد مزبور را تأیید می‌نمایم.

مدیرکل - وظیفه مرا و ادار به رأی گرفتن در این پیشنهاد می‌نماید. آنهایی که موافقت به طریق معمول اظهار دارند. مخالفین (سکوت). پس تصویب شد. تشکر می‌کنم. تمنا دارم یکی از صاحبان اسهام لطفاً راجع به تجدید انتخاب مفتشین محاسبات پیشنهاد نماید.

مستر جان کر^۲ بنده پیشنهاد می‌کنم: «مسرز برون فلمینگ و مری^۳ دوباره به سمت مفتشین محاسبات شرکت با حقوقی که هیئت مدیره تصویب می‌نماید انتخاب شوند.»

مستر الیور^۴ بنده این پیشنهاد را تأیید می‌نمایم.

مدیرکل - خانمها و آقایان البته پیشنهاد مذکور را استماع فرمودید. تمنا دارم آنهایی که موافقت به طریق معمول موافقت خود را اظهار دارند. مخالفین (سکوت). تصویب شد. دستور جلسه در اینجا ختم می‌شود.

1. Sir Hugh S. Barnes.
2. Mr. John Kerr.
3. Messrs. Brown, Fleming and Murray.
4. Mr. T.A Oliver.

سر ار چیبالد باید کارپنتر - خانمها و آقایان: قبل از آن که جلسه ختم شود اجازه بفرمایید من پیشنهاد کنم رأی تشکری برای خدمات سرجان کدمن مدیرکل و اعضاء شرکت داده شود. به خاطر دارم از شخصی خواهش شده بود که در یک چنین موقع رأی تشکر را پیشنهاد بدهد به دو او مسایل را درهم و برهم کرده و در عوض پیشنهاد مزبور اظهار تسلیتی برای ضرر و زیان وارده کرده بود. البته در این موقع خطایی را که او کرده بود بنده مرتکب نخواهم شد. (خنده حضار). برعکس شخص مزبور بنده در خواندن راپورت عملیات شرکت غفلت نموده و بنابراین می خواهم پیشنهاد کنم که رأی تشکر صمیمانه [ای] برای خدمات مدیرکل ما داده شود و در ضمن حضار محترم را هم معطل نکرده و فقط یک نکته را به عرض می رسانم.

خانمها و آقایان: بنده سعادت این را داشته ام که به صفحات جنوبی مملکت عظیم ایران مسافرت نمایم و مطلبی را که در ضمن مسافرت به این نقاط توجه مرا جلب کرد، آشنایی شخصی و الفتی بود که بین مدیران و اعضاء شرکت برقرار بود. این قضیه یک سرمایه خوبی برای شرکت ما بوده و جریان کار را آسان و حصول نتیجه مطلوبه را تأمین می نماید. بهترین شخص برای تحصیل بهترین نتیجه، شخص سرجان کدمن است و بنده پیشنهاد می کنم رأی تشکری به ایشان و اعضاء شرکت داده شود (تحسین حضار).

مستر برون^۱ بنده بانهایت خوشوقتی این پیشنهاد را تأیید می نمایم.

پیشنهاد مزبور توأم با تحسین حضار بوده و تصویب شد.

مدیرکل - سرار چیبالد^۲ - خانمها و آقایان - رأی تشکری که از طرف صاحبان اسهام به بنده و همکارانم داده شده طوری است که بیانات من برای اظهار احساسات تشکر آمیز خود کافی نیست.

ما یک دسته مستخدمین لایقی داریم که متحداً مشغول خدمت هستند و هرگونه

1. Mr. J.T.Brown.

2. Sir Archibald Boyd Carpenter.

تشویقی که از خدمات آنها بشود موجب پیشرفت کار خواهد بود. از طرف خود و عموم مستخدمین شرکت تشکرات خود را در مقابل این بیانات پرمحبت تقدیم می‌دارم (تحسین حضار).

در این موقع جلسه ختم شد.

سند شماره ۴۳

https://t.me/shenakht_lib

نامه ارسالی سرجان کدمن به تیمورتاش در مورد اعزام نماینده انگلیس به ایران (هرن) جهت مذاکره و بررسی پاره‌ای از مسایل مورد اختلاف

از سرجان کدمن

۲۰ اوت ۱۹۲۹

تلفن: لندن وال ۶۳۰۱

شخصی

Britannic House
Finsbury Circus
London E.C.2

جناب آقای تیمورتاش

نامه ارسالی شما از طریق گرینیهوس به دست این جانب رسید. در این نامه پیشرفت مذاکرات مربوطه را تا جایی که به بنده مربوط می‌شود جویا شده بودید و همچنین خواسته بودید که آیا می‌توانم در اواخر ماه سپتامبر به طهران بیایم. بنده در

پاسخ پیشرفت مذاکرات و گفتگوها را رضایت بخش می دانم، پیشنهاداتی نیز در این میان تا سپتامبر برای ارایه به شما آماده خواهد شد. در ضمن یکی از همکاران خود آقای هرن را به منظور مذاکره و بررسی مسایل موردنظر به طهران اعزام خواهم نمود که امیدوارم اختلافات فی مابین را به طرز رضایت بخشی حل و فصل نماید. مسلماً در صورت نیاز خود نیز مایلیم به طهران سفر نمایم و متقاعدم که جناب عالی با اقامت الزامی این جانب در لندن مخالفتی ندارید. در اینجا می توانم به اختلاف نظرهای شما با آقای هرن رسیدگی کنم.

آقای عیسی خان نیز طرح مربوط را به دقت مطالعه نمود و در حال حاضر با آقای ویلیام مک لین تاکی^۱ مشغول بررسی ارقام می باشد.

دو سؤال مربوط به مالیات را که قبلاً مطرح کرده بودید، به طرزی که رضایت خاطر شما را فراهم نماید، حل و فصل گردید. شرح آن را به عهده آقای هرن می گذارم. امید است تحقیقات زمین شناسی که بدنبال حوادث تأسف بار جنوب متوقف شده بود، زمستان امسال از سر گرفته شوند. تحقیقات یاد شده در تعیین حوزه فعالیت نفتی شرکت نطف ایران و انگلیس در آینده نقش حیاتی دارند. بنابراین لازم نمی دانم بیش از این بر اهمیت آنها تأکید نمایم. همچنین امیدوارم کمکی که از جانب شما به آقای علاء کردم برایش مفید واقع گردد. در حین یکی از سفرهایم به پاریس بود که پیرامون خواسته شما مبنی بر مذاکره وی با آقای هندرسن با من مشورت کرد و دلایل انجام این امر را برشمرد. بنده هم به منظور تحقق خواسته شما نه تنها گفتگو با آقای هندرسن را برایش تدارک دیدم، بلکه وی را در تماس با اکثریت اعضای وزارتخانه جدید قرار دادم. صمیمانه آرزو مندم که مأموریت وی پر ثمر باشد.

تصوراتی که ممکن است در اذهان شما و هرکدام از اعضای دولت ایران نسبت به کارکنان انگلیسی شرکت نطف وجود داشته باشد، اخیراً ذهن مرا به خود مشغول کرده است. تصور شما نسبت به اعضای انگلیسی شرکت مذکور یا این است که آنها را در

۱. William Maclintock؛ در اسناد این مجموعه، نام این شخص به صورت های مختلفی

آمده که همگی به مک لین تاکی، تبدیل شده اند.

موقعیت کنونی ایران دارای نقش فعال می‌دانید و یا احتمالاً موضع آنها را نسبت به اعلیٰ حضرت و دولتش کاملاً دوستانه و هوادارانه نمی‌بینید.

بنده نه تنها به اعضای انگلیسی شرکت نفت ایران - انگلیس اعتماد کامل دارم، بلکه ایمان دارم که سیاست دولت انگلیس نسبت به ایران متأثر از همان احساسات دوستانه است.

جناب آقای تیمورتاش، باور داشته باشید که اعلیٰ حضرت شاه ایران و جناب عالی دوستان فراوانی نزد ما دارید. توصیه جدی بنده به شما این است تا جایی که امکان دارد افکار مخالف را از ذهن خود دور نگهدارید. این افکار صرفاً جو بی‌اعتمادی و سوءظن را در روابط ما ایجاد می‌کنند که مطمئناً کاملاً بی‌اساس و بی‌مورد هستند.

بسیار سپاسگزار خواهم بود از این که جناب عالی در موقعیت نگران کننده‌ای که متوجه اعلیٰ حضرت گردیده، مراتب همدردی و دعا‌های صمیمانه این جانب را به امید رفع هر چه سریعتر مشکلات، به ایشان ابراز فرمایید. کاری که ما هر دو به عهده گرفته‌ایم اگر با موفقیت انجام شود مطمئناً و عیناً منجر به رشد احساسات دوستانه بین دو کشور خواهد گردید. بدین خاطر در پایان آرزو مندم کارمان سریعاً به نتیجه نهایی برسد که این خواسته شما هم می‌باشد.

با تقدیم احترامات فائقه

[امضاء:]سرجان کدمن

سند شماره ۴۴

مکاتبه وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه با وزارت دربار
در خصوص جوابیه شرکت نفت ایران و انگلیس راجع به
چاه‌های نفت خانه

وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه
اداره معادن

نمره ۷۲۹۲/۹۳۷، ضمیمه سواد مراسله شرکت نفت جنوب، به تاریخ ۱۳۰۸/۶/۳

وزارت جلیله دربار پهلوی

پس از وصول مرقومه جوابیه نمره (۲۱۹۰) موضوع چاههای نفت خانه، شرحی به شرکت نفت نوشته شده بود، اینک جوابی از شرکت مزبور رسیده است که سواد آن را برای استحضار خاطر مبارک، لفاً ایفاد می دارد.

[امضاء:] محمود جم

[مهر:] وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] ضبط.

سند شماره ۴۴/۱

وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه

سواد مراسله شرکت نفت، نمره ۲۲۲۵ - ۲۲، مورخه ۲۳ مرداد ۱۳۰۸ [۱۳]

مقام محترم وزارت جلیله فواید عامه

محترماً توجه عالی را به مراسله نمره ۹۹۹ - ۴۷۳۳، مورخه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۰۸ آن وزارت جلیله معطوف می دارد.

۱. البته خاطر محترم مستحضر است که موضوع حفر چاههای نفت نفتخانه در موقع مسافرت اخیر سرجان کدمن به طهران مورد مذاکره واقع گردید. اینک طرحی تحت مطالعه است که مآلاً کلیه معادن نفت خانه را به طریقی که رعایت مساوات نسبت به تمام عوامل ذیعلاقه بشود، توسعه بدهند.

۲. مستر جکس مدیر مقیم شرکت پس از مراجعت به ایران راجع به این موضوع با حضرت اجل آقای وزیر داخله در مذاکره خواهند شد.

سواد مطابق با اصل است. از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران محدود
[امضاء: ناخوانا] اداره کل معادن <https://t.me/sherakht> رایس ف.س گرینهوس

سند شماره ۴۵^۱

گزارش ارسالی به وزارت دربار راجع به لزوم انتخاب مدیرانی از جانب ایران جهت دستیابی به کلیه اطلاعات مربوط به عملیات شرکت نفت انگلیس و ایران و شرکت‌های وابسته به منظور حفظ منافع ایران و جلوگیری از حمایت احتمالی انگلیس از اکثریت سهامدار

در تمامی معاهدات بین یک طرف متعهد برای مثال ایران که اقلیت سهامدار باشد و طرفی دیگر به عنوان نمونه انگلستان یا شرکت نفت انگلیس - ایران و یا شرکتی متشکل از چندین گروه که بتوانند با اتحاد خود اکثریت سهامدار را تشکیل دهند، می‌باید همواره این نکته را مد نظر داشت که قوانین دولت انگلستان با ایجاد

۱. متن لاتین سند شماره ۴۵ که تصویر آن در پایان کتاب آورده شده است در اصل ۷ صفحه بوده که صفحه شماره ۳ آن در پرونده موجود نبود، لذا به همان تعداد صفحات ترجمه گردیده است.

اختیارات و آزادیهایی در عمل موجب بروز خطراتی برای منافع اقلیت می‌شوند. بدین سان هیچ کشوری نمی‌توان یافت که مانند انگلستان قوانینی به این شکل به نفع اکثریت وضع کرده باشد. همین قوانین به اکثریت اجازه می‌دهند تا معاملات یا اعمالی که به ضرر منافع اقلیت‌ها تمام می‌شود انجام دهند. در همه کشورها برای مثال آلمان یا آمریکا در چنین موردی مجازات شدید اعمال می‌شود و این در حالی است که در انگلستان مجاز و قانونی شناخته می‌شود.

به خاطر همین بایستی منافع ایران را از طریق کنوانسیونهای خاص که در آنها حقوق مورد قبول و اعطایی به طور صریح و محکم مقرر گردیده باشند حفظ نمود و ضمن عقد قرارداد با تصریح شروطی حقوق ایران را از تمامی احتمالاتی که ممکن است به ضرر نفس کنوانسیونها تمام شود، حفظ کرد.

قانونگذار انگلیسی ملهم از اصولی محافظه کارانه است که امروز هنوز در تمامی نهادهای انگلستان حاکم است.

حال چند نمونه از روشهای متعددی که اکثریت سهامدار جهت محدود نمودن منافع اقلیت می‌توانند بکار ببندند ارایه می‌دهیم:

نمونه اول:

۱- گروه سهامداران که تشکیل اکثریت را می‌دهند قادر هستند بر تمام شورای اداری شرکت نظارت داشته باشند و نمایندگان را معرفی، سیاست کلی و اداره امور شرکت را دیکته نمایند. لذا، اگر در حوزه چنین اختیاراتی، شرافت و انصاف رعایت شود، جای هیچ‌گونه ترسی باقی نمی‌ماند، ولی عکس آن می‌تواند عواقب جدی در بر داشته باشد.

۲- اکثریت سهامداران می‌توانند دور از هرگونه وابستگی به شرکت نفت انگلیس - ایران اقدام به تأسیس شرکت جدیدی بنمایند، به طوری که از نظر قانونی هم وابسته محسوب نشود. وقتی که شرکت جدید تشکیل شد، سهامداران اکثریت که شورای اداری شرکت را کنترل می‌کنند می‌توانند شرکت انگلیس - ایران را ملزم به فروش

تمام یا بخشی از تولید خود به شرکت جدید نمایند، آن هم با قیمتی که برای شرکت نفت انگلیس - ایران سود آور نباشد.

در آمریکا چنین عملی غیرقانونی تلقی می‌شود. با این حال می‌توان با قوانین انگلستان بازی کرد، با گفتن این که "این سیاست خوبی بود" و دلیل یا بهانه‌ای ساده برای آن ذکر کرد و یا این که گفته شود که اگر شرکت نفت انگلیس - ایران تولیدات خود را به شرکت جدید بفروشد، «در جهت منافع خود» عمل کرده است و بدین ترتیب سودی به دست خواهد آمد که می‌باید به طور مشروع نصیب شرکت انگلیس - ایران گردد.

https://t.me/shenakht_lib

نمونه دوم :

اکثریت سهام‌دار می‌تواند یک کار جدید تولیدی با قیمت بسیار بالا و قابل پرداخت با سهام برای شرکت انگلیس - ایران ایجاد نماید. بدین ترتیب به علت افزایش بیش از حد سرمایه جهت دستیابی به سود اکثریت سهام‌دار ارزش سهام اقلیت کاهش می‌یابد. نمونه‌هایی که از این داده‌ایم مواردی است که واقعاً در انگلستان اتفاق افتاده و هنوز هم اتفاق می‌افتد. دلیل آن ناقص بودن قوانین آن کشور است، زیرا روح قوانین یاد شده همواره حمایت از طرف قوی می‌باشد. هرگونه توافق بین ایران و شرکت انگلیس و ایران می‌باید به طور دقیق توسط حقوق دانان انگلیسی و زیر نظر کارشناسان واجد شرایط که امور نفتی را به طور نظری و عملی می‌شناسند، مورد بررسی قرار گیرد. خارج از کنوانسیون‌های خاص که با دقت تهیه گردیده‌اند، می‌باید تنظیم اساسنامه‌های شرکت نفت انگلیس - ایران را زیر نظر داشت که مبادا بعداً کنوانسیون‌های تازه منعقد شده را غیرقانونی اعلام نمایند.

به طور مطلق لازم است همانند مدیرانی که توسط دولت انگلستان انتخاب می‌گردند، مدیرانی هم در این قرارداد توسط دولت ایران تعیین شوند که هرگاه منافع اقلیت چه به طور مستقیم چه غیر مستقیم مورد تهدید قرار گرفت، بتوانند مثل مدیران انگلیسی بر معاملات شرکت حق و تو داشته باشند. در این یادداشت مشکل است به شرح تمام

احتمالاتی که اکثریت سهامداران می‌توانند به اقلیت آسیب رسانند و منافع او را تقلیل دهد، پرداخت.

در طرح کنوانسیون‌هایی که در اختیار ما گذاشته شده، راههای گریز زیادی وجود دارد که در آینده می‌تواند حقوق جدیدی را که ظاهراً از طریق کسب رایگان ۲۵٪ سهام به دست می‌آید، محدود سازد.

بدهی‌های نقدی هم که با ۲ شیلینگ در مقیاس صعودی شروع می‌شوند، بایستی بر پایه طلا قرار گیرند تا دولت شاهنشاهی ایران را در مقابل نوسانات ارزی محافظت نماید. برای مثال قبل از جنگ ۲ فرانک معادل ۲ فرانک طلا بوده است، اما امروز ۲ فرانک قبل از جنگ برابر یک پنجم ارزش خود در قبل از جنگ می‌باشد.

شکی نیست که امروزه اعتبار دولت انگلیس بی‌نظیر است، اما در یک امتیازنامه ۷۰ ساله درست آنست که بدهی‌ها بر پایه واحدهای طلا گذارده شود.

حال می‌توان به این صورت نوشت: ۲ شیلینگ طلا معادل $\frac{1}{10}$ لیره استرلینگ که این هم به نوبه خود معادل X گرم طلا با عنوان^۱ می‌باشد.

چنین روشی برای تعریف بدهی در حال حاضر بسیار رایج است، مخصوصاً زمانی که برای پرداخت کوپن^۲ هیچ‌گونه طرح انتشار وجود نداشته باشد. باید با دولت ایران مشورت شود تا در زمینه پخش هرگونه سهام جدید تأیید خود را اعلام دارد، زیرا بدلائل مختلف می‌تواند در جهت منافع ایران نباشد و در مواقعی که برای ایران مناسب نیست، طرفهای دیگر پیمان می‌توانند اقدام به انتشار سهامی با مبالغ هنگفتی نمایند و چنین امکانی اگر برای شرکت فراهم گردد و مهار نشود می‌تواند برای آینده بسیار خطرناک باشد.

شکل و نوع سهام هم بایستی مورد موافقت دولت ایران قرار گیرد. از یک طرف به شرکت و شورای اداری آن آزادیهای ممکن داده می‌شود و از طرف دیگر دولت ایران را مجبور می‌سازند که تا ۲۸ سال سهام خود را بفروش نرسانند. چنین کاری عادلانه

۱. نقطه چین مربوط به اصل سند است.

نمی‌باشد و راه را برای بسیاری از سوءاستفاده‌ها باز می‌کند. دولت انگلستان همیشه آزاد است که سهامش را بفروش برساند و از این راه می‌توان شرکت‌های جدیدی تأسیس کرد که سهم دولت انگلستان را خریداری نمایند، ولی اگر توافقها بدون پیش بینی انجام گردد می‌تواند برای منافع ایران بسیار مضر باشد. این که ایران حق دارد به امتیازنامه قبلی داری رجوع نماید، رضایتبخش نیست. چنین اختیاری فقط جنبه مکتوب دارد. اکثریت سهام‌دار به خاطر آزادی عمل خود و بنا به متن طرح قرارداد، می‌تواند چنان موقعیت‌های دست و پاگیری برای ایران درست نماید که حق رجوع به امتیازنامه قدیمی با تمام مزایای خود از ایران سلب گردد و به

یک خیال واهی مبدل گردد، <https://t.me/shenakhtlib>
مواد ۱۱ و ۱۲ طرح کنوانسیونها بسیار خطرآفرین بوده و راه را برای بسیاری از سوءاستفاده‌ها باز می‌گذارد. تشکیل شرکت‌های کوچک با این شرط که شرکت انگلیس - ایران اکثریت یعنی ۵۱٪ را برای خود نگهدارد، توانایی به شرکت می‌بخشد تا معاملاتی با سایر گروهها به عمل آورد، به طوری که ۵۱٪ برای خود و ۴۹٪ برای آنها اختصاص دهد. با این عمل منافع دولت ایران به نفع سایر گروهها و تشکیلاتی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در جهت منافع اکثریت سهامدار هستند، تقلیل خواهد یافت.

بایستی ترتیبی اتخاذ گردد که نمایندگان دولت به عنوان مدیر در تمامی شرکت‌های فرعی و کمیته‌ها حق دستیابی به تمام اطلاعاتی که در اختیار کمپانی و مدیران آن است را داشته باشند.

سند شماره ۴۶

نامه ارسالی به وزارت دربار راجع به مساعد نبودن شرایط شرکت نفت ایران و انگلیس جهت گسترش امتیازنامه داری

به این زودی نمی‌توانیم با شرکت نفت انگلیس - ایران برای گسترش امتیازنامه‌ای به این اهمیت به توافق برسیم. از ۳ سال پیش استخراج نفت در وضعیت نامطلوبی بوده است. شرکت یاد شده تا سال ۱۹۲۰ در قیمومیت "رویال داچ شل" به سر می‌برد. به طوری که طی یک قرارداد تمامی تولیدش را به آن شرکت می‌فروخته، ولی دارای سازمانی مختص به خود بوده است.

به خاطر همین چند سالی است که شرکت نفت انگلیس - ایران رو به گسترش گذاشته است، ولی به هر حال این شرکت هنوز در مراحل اولیه رشد و توسعه خود می‌باشد. با توجه به عظمت ثروت ملی، این شرکت خود را ملزم به شکوفایی هرچه بیشتر می‌داند. بنابراین به خاطر کوچک بودن شرکت، هنوز شرایط برای گسترش امتیازنامه هموار نیست.

سند شماره ۴۷

مکاتبه شرکت نفت ایران و انگلیس با وزارت فواید عامه در خصوص
حفر چند حلقه چاه در ناحیه جبل میش داغ

جی.او. ۲/۲۴۸۱، ۱۴ شهریور ۱۳۰۸

مقام محترم وزارت فواید عامه - طهران

(۱) افتخاراً معروض می‌دارد که این شرکت مایل است چند چاه دستی امتحانی در جبل میش داغ، ۴۵ میلی شمال غربی اهواز و به مغرب رود کرخه حفر کند و می‌خواهد در ماه اکتبر آتیه به این کار شروع نماید.
آقای حکمران خوزستان اظهار داشته‌اند که ناحیه مزبور مغشوش است و پیشنهاد

کرده‌اند که در این باب به آن وزارت جلیله مراجعه شود.
 (۲) افتخاراً توجه آن وزارتخانه را به مراسله نمره ۲/۲۴۳۹ جی.او.این شرکت مورخه ۱۰ شهریور ماه ۱۳۰۸ جلب می‌نماید. اینک از طرف شرکت تصمیم شده است که جزء پروگرام تفتیشات معرفة الارضی عده مختصری....^۱

سند شماره ۴۸

عدم موافقت دولت ایران با انجام عملیات اکتشاف نفت در مناطق
 پیشنهادی شرکت نفت ایران و انگلیس به دلیل ناامنی در
 آن مناطق

شنبه ۱۶ شهریور ۱۳۰۸ (۶ سپتامبر ۱۹۲۹)

امروز مستر گرین‌هاوس کفیل کمپانی نفت جنوب را در ساعت چهار و نیم بعد از ظهر احضار و با او در باب مراسلات ۱۰ و ۱۴ شهریور که ضمیمه هستند، مذاکره کردم که بدون ملاحظه شروع به عملیات اکتشافیه در مناطقی که ذکر کرده‌اید صحیح نیست. علی‌الخصوص که شما برای نفت دست تنگ نیستید که بخواهید منابع جدیدی پیدا کنید. نظر به این که در تمام مناطق پیشنهادی شما عدم نظم موجود است و اگرچه قوای عمده متمرکزی شکسته و از هم متلاشی شده‌اند، ولی هنوز در هیچ یک از مناطق مزبوره سکونت و امنیتی که منظور نظر دولت است برقرار نگردیده است. لهذا اولاً ما نمی‌توانیم اطمینان داشته باشیم که دستجات مهندسین شما امنیت کامل خواهند داشت و هر نوع سوء حادثه [ای] نسبت به آنها اسباب خجالت ما خواهد شد.

۱. یک خط از اصل سند محو شده است.

ثانیاً نظر به این که ما میل داریم هیچ نوع سوء ظنی و سوء نظری متوجه کمپانی نفت جنوب که یک مؤسسه ایرانی تلقی می‌شود، نشود، حضور عده [ای] به این نواحی و مناطق که وضعیت آنها معلوم نیست - در نتیجه هر پیشامدی در افکار عامه سوء تعبیر شده و حتماً مأمورین شما را عامل تحریک یا اغتشاش و شرارت ایلات خواهند دانست، در صورتی که آرزوی دولت ایران این است که هیچ نوع سوء ظنی متوجه کمپانی نفت جنوب نشود - از دوشق خارج نیست:

یا کسانی که بخواهند شرارت بکنند عمداً مزاحم مأمورین شما خواهند شد که باعث کدورت و رنجش شما را فراهم بکنند یا این که مزاحم مأمورین شما نخواهند شد و در این صورت افکار عامه خود این عدم مزاحمت را هم دلایل همدستی آنها با اشرار قرار خواهد داد.

در این صورت خواهش می‌کنم مطالب را به سرجان کدمن خاطر نشان کنید که از اعزام کلیه دستجات تا یک سال صرف نظر کند و این که مستقیماً این اظهار را [می]کنم برای این که نمی‌خواهیم از مجرای اداری این گونه توضیحات داده شود. مشارالیه اظهار تشکر از این نصیحت کرد و گفت که آیا اگر در بهار وضعیت بهتر شود، می‌شود متخصصین را فرستاد. جواب دادم اگر آسایش کاملی برقرار شود و موجبات اطمینان فراهم بشود البته. در خاتمه مشارالیه از نصیحت در نرفتن به لرستان در چندی قبل اظهار تشکر کرد و رفت.

سند شماره ۴۹

مکاتبه گرینهوس با تیمورتاش در خصوص نقشه برداری ناحیه دشت لالی برای اقدامات مهندسی در آن ناحیه

حضور محترم حضرت اشرف اعظم آقای تیمورتاش وزیر دربار پهلوی دامت شوکته

عطف به مراسله دیروز این جانب و مذاکرات شفاهی راجع به پروگرام علمای
معرفة الارض، خاطر محترم را مسبوق می‌دارد که دشت لالی تقریباً در هفت فرسخ و
نیمی شمال شرقی شوشتر واقع و در خاک بختیاری است.

سایر نقاطی که به عرض رسانده [ام] تمام در مناطقی است که بختیاری‌ها سکنی دارند
و وضعیات نقاط مزبور همیشه قرین آرامش بوده است.

نقشه کشی بجزء هر ناحیه متعاقب کشفیات معرفة الارضی آن ناحیه بوده و منوط به
آن است که کشفیات مزبور احتیاج آن را ایجاب نماید و جزو کارهای عادی محسوب
می‌شود.

امیدوارم که حضرت اشرف بزودی نقشه برداری فوق‌الذکر را تصویب خواهید
فرمود. زیرا فصل کار علمای معرفت الارضی که پس از خنک شدن هوا شروع
می‌شود رسیده و کارهای مقدماتی مالی برای اعزام دستجات مهندسین باید انجام
گیرد.

ما اطمینان داریم که مأمورین محلی می‌توانند به وسیله ترتیبات محلی کلیه مساعدت
و حفاظت لازمه را فراهم نمایند.

با تجدید احترامات فائقه

ارادتمند [امضاء]: ف.س. گرینھوس

سند شماره ۵۰

گزارش سیدحسن تقی‌زاده در خصوص مخالفت عیسی خان فیض با
تغییر در امتیازنامه داری و تمدید آن

وزارت امور خارجه

نمره ۸۹۷، به تاریخ ۱۳۰۸/۶/۳۰

محرمانه و خیلی فوری، از طرف آقای میرزا عیسی خان فیض به حضرت اشرف آقای وزیر دربار پهلوی، عرض می‌شود عایدات پنج سال و نه ماه گذشته بر طبق قرارداد آرمیتاج اسمیت^۱ که در معنی خیلی کمتر از صدی شانزده واقعی امتیاز داری است، با تن واقع دو شیلینگ و ۲۵ درصد سهام، با اطلاع کارکنان کمپانی به دقت مقایسه شد. نتیجه بلاشک به ضرر دولت است. در این صورت از تغییر اساسی و امتداد امتیاز فایده فعلی یا در آتیه نزدیک انتظار نباید داشت.

فقط می‌توانیم امیدوار باشیم که بعد از ختم امتیاز دولت دارای عده سهامی خواهد بود که شاید مبلغ معتناهی قیمت خواهند داشت، یا عکس این تصور امکان دارد. لهذا بنده در عالم خدمتگزاری موافقت با مقصود کمپانی را صلاح نمی‌دانم. مستر هرن برای تعقیب مذاکرات تا اواخر سپتامبر به طرف طهران حرکت خواهد کرد.

عیسی فیض [نمره] ۳۵۳، تقی زاده

سند شماره ۵۰/۱

وزارت امور خارجه به تاریخ ۱۳۰۸/۶/۳۱

رمز به لندن

نمره ۳۵۳، جواب آقای میرزا عیسی خان فیض، می فرمایند چون مسئله خیلی اهمیت دارد، با تلگراف نمی توان نتیجه گرفت. چون به علاوه، در موقع ورود هرن برای مذاکرات، حضور آقای فیض لازم است. لهذا به فوریت به طهران حرکت نمایند.

نمره ۷۶۰، غفاری

سند شماره ۵۱

https://t.me/shenakht_lib

مکاتبات مربوط به مذاکره با هرن (نماینده شرکت نفت ایران و انگلیس) در مورد مسایل مورد اختلاف دولت ایران و شرکت مذکور راجع به نحوه تجدیدنظر در امتیازنامه داری

به تاریخ ۱۳۰۸/۷/۱

وزارت امور خارجه

رمز به لندن

عطف به تلگراف نمره ۳۸۳ جناب میرزا عیسی خان فیض، نظر به این که تلگراف ایشان دارای دلایل کافی برای اقتناع نبود و نظر به این که در بودن این جانب در لندن از جانب ایشان و مک لین تاک در ضمن استفسار فرمولهای مختلفه با کمپانی، مشارکت دولت ایران با سهم کمتر از آنچه که حالیه در نظر است، خیلی مورد تصدیق آقایان گردیده و از طرف دیگر سرجان کدمن با فرمول جدید حداقل عایدات را که برای دولت ایران در سنوات ابتدایی تأمین می کرد، بیش از عواید حالیه بود و منطقاً نیز برخلاف آنچه گفته می شود، این جانب شخصاً فرمول حالیه را خیلی مفید برای ایران می دانم و قطع این قبیل مسایل که علاوه بر منافع مادی برای مملکت، متضمن منافع

زیاد دیگری از نقطه نظر سیاست می باشد که ذکر آنها از حدود تلگراف خارج، ولی حضرت عالی نباید آنها را فراموش کرده باشید. با مخابره که تلگراف غیر ممکن است، لهذا لازم است که آقای فیض با اسرع وسایل و به فوریت حرکت به طهران بنمایند که در موقع آمدن مستر هرن اینجا باشند. خواهش می کنم در حرکت تسریع بفرمایند.

تیمورتاش

نمره ۷۶۸

https://t.me/shenakht_lib

سند شماره ۵۱/۱

۲۳ سپتامبر ۱۹۲۹

گرین هاوس عزیزم:

نظر به این که هنوز مطالعات مربوط به طرح جدید امتیازنامه به اتمام نرسیده و نظرات دریافتی هم نامساعد می باشند، ناگزیریم به بررسی مجدد مسئله بپردازیم. از جنابعالی استدعا دارم از جانب بنده به سرجان کدمن تلگراف زده و از ایشان بخواهید اعزام آقای هرن را تا دریافت نامه این جانب به تعویق بیاندازد. زیرا می ترسم ایشان در حال حاضر که شناخت قبلی به مسئله ندارد، در وضعیتی نباشد که راجع به اصلاحات وارده نظر قطعی خود را ابراز نماید.

دوستدار شما

[تیمورتاش]

سند شماره ۵۱/۲

وزارت امور خارجه
اداره رمز

نمره ۹۱۱، به تاریخ ۱۳۰۸/۷/۴

از سفارت لندن

https://t.me/shenakht_lib

نمره ۷۶۸ به آقای فیض ابلاغ، جواب عرض می‌کنند علت عدم پیشرفت کار، سختی آقای هرن^۱ بود که تا حال طرف مذاکره بود. کدمن تازه از تعطیلی مراجعت کرده، اینک جداً با او مشغول مذاکره هستم. مکالین تاک هم تا یک هفته دیگر از تعطیلی مراجعت و در مذاکرات مشارکت خواهد کرد. محتمل است مقصود حاصل شود. در این صورت حرکت بنده قبل از اتمام مذاکرات، زحمت این مدت را به هدر خواهد داد. اگر نتیجه مطلوبه با کدمن حاصل شد، در صورتی که باز حضرت اشرف ضرور بدانند، حرکت خواهم کرد و پیشنهاد می‌کنم در صورت اقتضاء مکالین تاک و یا یک نفر از معاونین او همراه بنده بیاید. حرکت هرن در نتیجه پیغام حضرت اشرف به نماینده کمپانی در طهران عجالاً به تأخیر افتاده.

عیسی فیض - نمره ۳۸۳ - تقی زاده

۱. در اصل: هرون؛ به قیاس سایر صفحات این مجموعه که هرن (Hern) آمده، تصحیح شده

سند شماره ۵۱/۳

وزارت دربار پهلوی

جواب داده شود که خود این جانب هم احتمال می‌دادم که هنوز مطالعات جناب مستطاب اجل آقای فیض به کلی تمام نشده باشد و لهذا مستقیماً به سرجان کدمن تلگراف کردم حرکت هرن را به تعویق بیندازد تا مطالعات ما تمام بشود و یقیناً حالیه مشارالیه منتظر خبر این جانب خواهد بود و لازم است که زودتر تبادل نظر با کدمن و تحقیقات خود را تمام کرده، اطلاع بدهند.

در باب آمدن مک‌لین تاکنون ممکن است تصمیمی اتخاذ کرد، ولی باید دانست چه شرایطی را مشارالیه پیشنهاد خواهد کرد. در این باب تحقیق کرده، اطلاع بدهید.

سند شماره ۵۱/۴

وزارت امور خارجه

از لندن، نمره ۹۹۶، به تاریخ ۲۰ مهر ۱۳۰۸

از طرف آقای میرزا عیسی خان به حضرت اشرف آقای وزیر دربار عرض می‌شود، کدمن به احتیاط این که تعهدی نکرده باشد، از دادن جواب قطعی مکفی راجع به مبلغ و مقدار امتناع دارد. پیشنهاد می‌کنم صریحاً خاطر نشان مشارالیه بفرمایید، حداقل تن سه شیلینگ و بیست و پنج درصد اسهام، و الا هرن حرکت نکند. کمپانی به سهولت ولکن معامله نخواهد بود. امسال اگر نشود، در آتیه دنبال خواهد کرد. دولت باید حتی المقدور ته ترازو زمین بزند. منتظر وصول اوامر است.

سند شماره ۵۲

اظهار نظر سیدحسن تقی‌زاده در مورد تجدید امتیازنامه داری و درخواست تعیین نقش وی در مذاکرات نفت

سفارت شاهنشاهی ایران
لندن

https://t.me/shenakht_lib

نمره ۴۰۵/۳۰۸، مورخه ۱۳۰۸/۷/۸

وزارت جلیله دربار پهلوی

چندی قبل آقای میرزا عیسی خان فیض صورت تلگرافی به این سفارت آورده و تقاضا کرد که توسط رمز سفارت با وزارت خارجه آن تلگراف به وزارت جلیله دربار پهلوی مخابره شود. این تقاضای او قبول و انجام شد. چنان که معلوم است تلگراف مزبور راجع به مذاکرات با کمپانی نفت بود و جوابی که به تلگراف مشارالیه رسید به او ابلاغ شد.

بعد از یک روز، باز تلگراف مفصلی به رمز وزارت خارجه از طرف حضرت اشرف عالی رسید و کشف شده به او ابلاغ شد و باز جوابی که داد به رمز سفارت مخابره شد. تلگراف دومی طهران خوب مفهوم نبود و بعضی جمله‌ها داشت، مثل این که تلگراف خطاب به این جانب است، مثلاً «....» که ذکر آنها خارج از حدود تلگراف است ولی حضرت عالی نباید آنها را فراموش کرده باشید» و نظیر آن. این جانب کاملاً ملتفت مآل تلگراف نشدم و نفهمیدم آیا منظور این است که این جانب نیز در این کار باید مداخله و مشارکت داشته باشم یا مقصود خود آقای میرزا عیسی خان است. تا این تاریخ نه آقای میرزا عیسی خان و نه کمپانی نفت در باب تجدید یا تمدید امتیاز به این جانب مراجعه نکرده‌اند و از طهران نیز در این باب مراسله یا تلگرافی نرسیده. لہذا نه

از جریان مذاکرات بین دولت و کمپانی و نه بین آقا میرزا عیسی خان و کمپانی اطلاعی نداشتم، جز اطلاع اجمالی از کلیات مطلب که در طهران حاصل شد. یا آنچه اخیراً گاهی آقا میرزا عیسی خان در ضمن صحبت اظهاراتی می‌کردند و بنابراین دخالتی در کار نداشته و نمی‌تواند داشته باشد. اگر مقصود این است که این جانب رسماً در این کار داخل مذاکره شده و با کمپانی طرف مذاکرات بشوم، در آن صورت چون مذاکره از مجاری مختلف صورت ندارد، باید مراجعه این کار به این جانب رسماً به کمپانی و به این سفارت اشعار شود و این جانب، البته با استفاده از اطلاعات کمیسر دولتی و اهل خبره مطلب را از ابتداء تا انتها مطالعه و تحقیق نموده، عقیده خود را عرض می‌کنم.

این جانب بر حسب تکلیف سابقاً در کاغذ خصوصی به حضرت اشرف عالی عقیده خود را در اساس این کار عرض کردم و حالا نیز لازم می‌دانم تکرار کنم که به عقیده این جانب صلاح دولت در آن است که در صورت امکان فعلاً به تجدید امتیاز اقدام نفرمایند، چه زمان برای ما کار می‌کند و هرچه قوام داخلی و قدرت ایران بیشتر و اجل امتیاز نزدیکتر شود، مقاصد ایران بهتر پیشرفت خواهد کرد، ولی اگر به جهتی از جهات امکان تأخیر نباشد، البته آن وقت باید به قدر مقدور در تحصیل منافع برای ایران کوشید.

به هر حال مقصود این است که تکلیف این سفارت در این گونه امور روشن باشد و اگر لازم است اقدامی شود صریحاً بفرمایند.

[امضاء:] حسن تقی زاده

سند شماره ۵۳

مکاتبه وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه با وزارت دربار در خصوص عدم توجه شرکت نفت ایران و انگلیس به حفظ منافع ایران در حفر چاههای نفت در مناطق مرزی ایران و عراق

وزارت فلاحت و تجارت و فوائد عامه
اداره معادن

نمره ۳۹۹۷/۱۱۲۴۰، به تاریخ ۱۳۰۸/۸/۱۹

وزارت جلیله دربار پهلوی

خاطر مبارک مستحضر است که مسترکلاپ متخصص سابق نفط در راپرت خود وضعیت چاههای نفط که در معادن نفط خانه حفر شده مورد دقت و توجه قرار داده و به دلایل فنی، نزدیکی چاههای نفط ایران را با چاههای قسمت عراق مناسب با منافع دولت علیه ندانسته است و نظر به این که شرکت چاههای نفط واقعه در خاک ایران را متروک داشته و از چاههای واقعه در اراضی انتقالی عراق استخراج نفط می نمایند و به علاوه چاه نمره ۱۳ که در نفطخانه ایران حفر شده، یکی از بزرگترین چاههای نفط به شمار می رود، در فاصله دو کیلومتری خط سرحدی واقع شده، در صورتی که فاصله چاه نمره ۶ واقعه در اراضی انتقالی عراق بیش از چند ذرع به خط سرحدی نیست. به دلایل علمی رشته‌های تحت‌الارضی معادن مزبور به یکدیگر متصل و دارای منابع مشترکی هستند، در صورتی که نفط تنها در نواحی عراق استخراج می شود، نفط منابع واقع در ایران از زیرزمین به سمت عراق جاری و در نتیجه ذخیره معادن خاک ایران به اتمام خواهد رسید، بدون این که به هیچ نحوی جبران پذیری گردد.

متخصص مزبور در راپرت خود توجه اولیای دولت علیه را به مسایل فوق معطوف داشته و برای محفوظ بودن منابع ایران پیشنهاداتی کرده که اجمالاً چنین پیش بینی نموده که به مسافت متساوی نسبت به خط سرحدی در قسمت ایران نیز چاههایی در مقابل چاههای نواحی عراق حفر و مورد استفاده قرار گیرد. مراتب طی نمره (۷۲۹۲) به استحضار خاطر محترم رسیده و به طوری که مقرر فرموده اند شرحی از طرف این وزارتخانه به شرکت نفط ایران و انگلیس نوشته و اجرای نظریه فوق‌الذکر را تذکر داده و در جواب چنین اشعار داشته‌اند که موضوع حفر چاههای نفط خانه در موقع

مسافرت اخیر سرجان کدمن به طهران مورد مذاکره واقع و اینک طرحی تحت مطالعه است که مآلاً کلیه معادن نفت خانه را به طریقی که رعایت مساوات نسبت به مقام عوامل ذیعلاقه بشود، توسعه بدهند، ولی تاکنون نتیجه مطالعه شرکت معلوم نگردیده است.

در این موقع که قراردادهایی به وسیله نماینده دولت علیه در بغداد با عراق منعقد می‌گردد، چون ممکن است برای اطلاع از وضعیت نفت خانه از نقطه نظر تعیین حدود و غیره این اطلاعات برای نمایندگی ایران مفید باشد، اگر مقتضی بدانند این قسمت از راپرت مستر کلاپ برای جلب نظریه نماینده ایران ارسال و ضمناً اگر اقدام مجددی را لازم بدانند مرقوم فرمایند تا عمل شود.

[امضاء: کریم بوذرجمهری]

[مهر: وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه]

سند شماره ۵۴

مکاتبه وزارت مالیه با وزارت دربار در خصوص شیوه برآورد حق‌السهم دولت ایران از عواید نفت کمپانی نفت جنوب در سال ۱۹۲۹ میلادی

وزارت مالیه

اداره خزانه

تاریخ ۱۳۰۸/۱۰/۵، ضمیمه یک ورقه صورت [مبالغ تحویلی بابت حق‌الامتیاز]

وزارت جلیله دربار پهلوی

در انجام مدلول مرقومه محترمه نمره ۸۰۴۵ مورخه سوم آذر ماه جاری که ضمن آن تقاضا فرموده‌اند مبالغ تأدیه شده بابت حق الامتیاز سنوات اخیر کمپانی نفت جنوب را با تعیین مواعد پرداخت هر سال و تغییری که در موعد پرداخت حاصل گردیده است، برای تقدیم به عرض خاکپای مبارک ملوکانه ارواحنا فداه راپرت نماید، اینک صورت مبالغ تحویلی بابت حق الامتیاز از سال ۱۳۰۱ تا سال ۱۳۰۷ را با تاریخ تحویل مبالغ هر سنه، تلواً تقدیم می‌دارد.

ضمناً خاطر محترم را مستحض می‌دارد، بر طبق ماده ۸ امتیازنامه، سنه مالی شرکت نفت جنوب در ۲۱ مارس (۱۱ فروردین) هر سال ختم می‌شود و مدت فرجه کمپانی برای تهیه محاسبه سنه مالی گذشته معمولاً از ۶ ماه تا ۸ ماه امتداد می‌یابد که برای این مدت تأخیر پرداخت از قرار صدی شش فرع می‌پردازد و مطابق ماده ۹ امتیازنامه، پس از تهیه محاسبه و ۱۵ روز قبل از تشکیل جلسه عمومی شرکت، بایستی صورت حساب سنه مالی گذشته را به نماینده دولت علیه تسلیم نمایند. بنابراین تصدیق خواهید فرمود بر طبق مدلول دو ماده فوق، قاعده بایستی حق الامتیاز هر سال شمسی ایرانی در نیمه دوم سال بعد تحویل شده باشد. لیکن بسا اتفاق افتاده است که پس از رسیدگی به حسابهای یک سنه مالی کمپانی و تصفیه مخارج قطعی در سالهای بعد معلوم گردیده است که سهام منافع یا حق الامتیاز دولت بیش از آن بوده است که قبلاً تأدیه شده بوده و در این صورت تفاوت مازاد را در هر سالی که روشن و تعیین گردیده است، پرداخت می‌نماید. (کما این که در سال ۱۳۰۵ دو فقره، هر یک صد هزار لیره بابت حق الامتیاز ۱۳۰۲ تحویل شده است = یاد در سال ۱۳۰۶ دو فقره لیره یکی به مبلغ ۳۰۰-۱۳۴۵۵۶ لیره و دیگری به مبلغ ۰۸-۰۴-۲۱۴۱۲ لیره بابت حق الامتیاز معوقه سنوات ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ بدون تفکیک مبلغ هر سال جمعاً عاید شده است)

در سنوات گذشته گاهی هم اتفاق افتاده است که وزارت مالیه مبلغی از حق الامتیاز نفت جنوب را به طور مساعده (یعنی قبل از تشکیل جلسه عمومی شرکت) دریافت

نموده است.

(مثل این که در سال ۱۳۰۲ معادل ۴-۰۰-۲۰۲۰ لیره در ماه خرداد همان سال بابت حق الامتیاز ۱۳۰۱ یا در سال ۱۳۰۵ چهار فقره هریک صد هزار لیره در ماههای از تیر الی مهرماه همان سال بابت ۱۳۰۴ عاید گردیده است). در این موارد البته از فرع صد ۶ محروم مانده ایم.

ترتیبی که بر طبق ماده ۸ امتیازنامه نسبت به تشخیص سنه مالی مقرر بوده، تا سال ۱۳۰۷ ادامه داشته، ولی در هذه السنه بر طبق راپرتی که از آقای فیض، کمیسر دولت علیه رسید، کمپانی فقط جنوب سنه مالی خود را تغییر داده و در عوض ترتیب سابق (یعنی از اول آوریل یکسال تا ۳۱ مارس سال بعد = ۱۱ فروردین تا ۱۱ فروردین) سنه مالی جدیدی قایل شده است که ختم آن سنه مطابق سال شمسی مسیحی می باشد. (یعنی از اول ژانویه تا ۳۱ دسامبر همان سال = دهم دی ماه یک سال تا دهم دی ماه سال بعد) و بنابراین مبلغ ۰۵-۱۸-۵۲۳۸۱۳ لیره که در هشتم تیرماه ۱۳۰۸ بابت ۱۳۰۷ عاید گردیده، حق الامتیاز ۹ ماه، یعنی از اول آوریل الی ۳۱ دسامبر سنه ۱۹۲۸ (۱۱ فروردین ۱۳۰۷ الی دهم دی ماه ۱۳۰۷) می باشد.

مطابق شرح فوق، سنه مالی ۱۹۲۹ که کمپانی حق الامتیاز این سال را یک میلیون و دو بیست و پنجاه هزار لیره پیش بینی کرده است، در ۱۱ دی ماه جاری مقتضی، ولی در صورتی که مدت رسیدگی و تشخیص محاسبه کمپانی را برای طرح در جلسه عمومی شرکت ۶ الی ۸ ماه فرض کنیم، حق الامتیاز سنه مالی ۱۹۲۹ علی القاعده بایستی در ماه تیر الی مرداد ۱۳۰۹ تحویل گردد.

[امضاء:] حسن مشار

[مهر:] وزارت مالیه

سند شماره ۵۴/۱

بابت ۱۳۰۱

لیره	۳۰۲۰۲۰-۰۴-۰۰	دریافتی در ۱۲ خرداد ۱۳۰۲
لیره	۴۷۵۱۰-۰۷-۰۰	دریافتی در ۱۷ مرداد ۱۳۰۴
لیره	۹۹۰۲۹-۰۷-۰۰	دریافتی در ۵ آذر ۱۳۰۴
لیره	۳۴۸۵۵۹-۱۸-۰۰	جمع دریافتی بابت سال ۱۳۰۱

بابت ۱۳۰۲ https://t.me/shenakht_lib

لیره	۳۲۷۵۲۳-۱۹-۰۶	دریافتی در ۲۹ بهمن ۱۳۰۳
لیره	۲۴۴۳۲-۰۲-۰۷	دریافتی در ۵ آذر ۱۳۰۴
لیره ^۱	۳۵۱۹۵۵۲۱۳	جمع دریافتی بابت سال ۱۳۰۲

بابت ۱۳۰۳

لیره	۶۰۰۰۰۰-۰۰-۰۰	دریافتی در ۷ آبان ۱۳۰۴
لیره	۵۵۵۲۸-۰۲-۰۰	دریافتی در ۲۵ آبان ۱۳۰۴
لیره	۷۳۲۵۰-۱۳-۱۱	دریافتی در ۲۵ آبان ۱۳۰۴
لیره	۱۰۰۰۰۰-۰۰-۰۰	دریافتی در ۲ اردیبهشت ۱۳۰۵
لیره	۱۰۰۰۰۰-۰۰-۰۰	دریافتی در ۲۴ خرداد ۱۳۰۵
لیره	۹۲۸۷۷۸-۱۵-۱۱	جمع دریافتی بابت سال ۱۳۰۳

بابت ۱۳۰۴

لیره	۱۰۰۰۰۰-۰۰-۰۰	دریافتی در ۲۶ تیرماه ۱۳۰۵
لیره	۱۰۰۰۰۰-۰۰-۰۰	دریافتی در ۲۲ مرداد ۱۳۰۵

لیره	۱۰۰۰۰۰-۰۰-۰۰	دریافتی در ۳۱ شهریور ۱۳۰۵
لیره	۱۰۰۰۰۰-۰۰-۰۰	دریافتی در ۲۴ مهرماه ۱۳۰۵
لیره	۳۷۴۸۲۳-۰۹-۰۲	دریافتی در ۳۰ آبان ۱۳۰۶
لیره	۶۳۹۵۵-۱۴-۰۹	دریافتی در ۳۰ آذر ۱۳۰۶
لیره ^۱	۸۳۸۷۷۸-۲۳-۱۱	جمع دریافتی بابت سال ۱۳۰۴

بابت معوقه

لیره	۱۳۴۵۵۶-۰۳-۰۰	دریافتی تتمه سنوات ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴
لیره	۲۱۴۱۲-۰۴-۰۸	دریافتی تتمه سنوات ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴
لیره	۱۵۵۹۶۸-۰۷-۰۸	[جمع کل]

بابت ۱۳۰۵

لیره	۱۳۸۹۶۱۱-۱۹-۰۳	دریافتی در ۳۰ آذر ۱۳۰۶
لیره	۱۳۸۹۶۱۱-۱۹-۰۳	جمع دریافتی بابت سال ۱۳۰۵

بابت ۱۳۰۶

لیره	۵۲۰۲۳۷-۰۶-۰۷	دریافتی در ۱۵ آذر ۱۳۰۷
لیره	۵۲۰۲۳۷-۰۶-۰۷	جمع دریافتی بابت سال ۱۳۰۶

بابت ۱۳۰۷

لیره	۵۲۳۸۱۳-۱۸-۰۵	دریافتی در ۸ تیرماه ۱۳۰۸
لیره	۵۲۳۸۱۳-۱۸-۰۵	جمع دریافتی بابت سال ۱۳۰۷

خزانه دارکل

معاون محاسبات

دفتر محاسبات و معاون

سند شماره ۵۵

مکاتبه ژاکس با تیمورتاش در خصوص دعوت به نصب ایستگاه ثبت ارتعاشات زلزله در مسجد سلیمان

نمره ۲ ف، طهران - مورخه ۲۱ دی ماه ۱۳۰۸، محرمانه

حضرت اشرف عزیزم:

این شرکت مسئله لزوم تأسیس و نصب ادوات و آلاتی را برای ثبت ارتعاشات زلزله در مسجد سلیمان تحت مطالعه قرار داده و پس از امتحانات دقیقی که از طرف علماء ژئوفیزی و معرفه الارضی این شرکت به عمل آمده، چنین در نظر گرفته شده است که ملاحظات دایم ارتعاشات زلزله (سیسموگرافی) در عرض سنوات چندی از نقطه نظر علمی برای این شرکت دارای کمال اهمیت است.

از نقطه نظر فوق سرجان کدمن از پروفیسور ترنر، معلم جامعه اوکسفورد استشاره نموده است که چه نوع آلاتی را باید در محل مزبور نصب نموده و در ضمن به نظر سرجان کدمن رسیده که ممکن است دولت ایران میل داشته باشند که دستگاه مزبور را پس از نصب یک استاسیون ثبت ارتعاشات، از لحاظ مقاصد کمیته بین المللی ثبت ارتعاشات زلزله به شمار آورند. اگرچه در موقعی که سرجان کدمن این موضوع را به بنده نوشته تحقیقات خود را کامل نموده و لذا نمی تواند در این باب پیشنهادهای قطعی به دولت علیه تقدیم نماید، معهذا موجب امتنان خواهد بود چنانچه حضرت

اشرف نظریات خود را در این خصوص اظهار فرمایید. سرجان کدمن تصور می‌کند که دولت ایران مایل خواهد بود از این تصمیم شرکت استفاده نموده و بدون تحمل مخارجی در این اقدام مهم علمی بین‌المللی شرکت جوید. لذا متشکر خواهد شد چنانچه این موضوع را تحت مطالعه قرار داده، اجازه دهید بنده نظریات حضرت اشرف را به سرجان کدمن اطلاع دهم.

فهرست ۲۷۲ مرکز موجوده ملاحظات مذکوره را با نسخه نمونه [ای] از خلاصه ثبت ارتعاشات زلزله بین‌المللی را که راجع به سه ماه اول سال ۱۹۲۶ است تقدیم می‌دارد که آن را مطالعه فرموده و امر به اعاده فرمایند. از مطالعه صورت‌های مزبور تصدیق خواهید فرمود که چنانچه دولت ایران به وسیله [ای] که در فوق عرض شد مشارکت با برقراری استاسیون ملاحظات بین‌المللی نماید، هرچند مدت یک مرتبه کتابچه‌هایی راجع به این موضوع را از طرف کمیته بین‌المللی دریافت خواهد داشت. در خاتمه احترامات فائقه را تقدیم می‌دارد.

ارادتمند صمیمی حضرت اشرف

[امضاء: ژاکس]

حضور محترم حضرت مستطاب اشرف عالی آقای تیمورتاش وزیر محترم دربار پهلوی دامت شوکت، طهران

سند شماره ۵۶

مکاتبه سیدحسن تقی‌زاده با تیمورتاش در خصوص شکل خطاب در جوابیهٔ ارسالی از دفتر مخصوص در پاسخ به تلگرافهای سرجان کدمن

سفارت شاهنشاهی ایران
لندن

نمره ۸۱۳، مورخه ۵ بهمن ۱۳۰۸

وزارت جلیله دربار پهلوی

سرجان کدمن رییس کمپانی نفت انگلیس و ایران، صورت تلگرافی را به این جانب ارایه داد که به خاکپای اعلیٰ حضرت اقدس همایونی در خوزستان مخابره نموده، با جوابی که از طرف قرین الشرف همایونی دریافت نموده است، متمنی است در صورت امکان مقرر فرمایید صورت این تلگرافات را از دفتر مخصوص به این سفارت ارسال دارند. مخصوصاً شکل خطاب در مخابره و طرز عبارت به انگلیسی قدری موجب تردید برای این جانب شد، خصوصاً که جواب مثل آن قلمداد شده که به امضای شخص شخیص اعلیٰ حضرت و از زبان خود ذات ملوکانه و مستقیماً خطاب به خود کدمن است.

[امضاء: حسن تقی زاده]

سند شماره ۵۷

مکاتبه مصطفی فاتح (معاون مدیر مقیم شرکت نفت ایران و انگلیس) با تیمورتاش در خصوص ارسال صورت حساب شخصی وی با این شرکت

نمره ۷۶/۷۹۸ جی، طهران - مورخه ۱۷ اسفند ماه ۱۳۰۸

حضور حضرت مستطاب اشرف عالی آقای تیمورتاش وزیر محترم دربار
دامت شوکته

حضرت اشرف:

افتخاراً نسخه [ای] از صورت حساب حضرت اشرف را با این شرکت تقدیم داشته و
نظر بر این که این شرکت دفاتر محاسبات سال گذشته خود را می‌بندد، تمناً می‌نماید
مقرر فرمایند حواله بقیه حساب مزبور صادر گردد.

https://t.me/shenakht_lib

از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران، محدود

معاون

[امضاء: مصطفی فاتح]

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش: حساب شخصی.]

سند شماره ۵۷/۱

[صورت حساب شرکت نفت ایران و انگلیس]

با حضرت مستطاب اشرف عالی آقای تیمورتاش دامت شوکته

قبض مدیون نمره ۴۱ ج بابت قیمت^۱ کاغذ یادداشت و پاکت خریداری اداره
لندن از تجارخانه فرانک اسمیت سان ۱۳ - ۱ لیره از
قرار لیره [ای] ۴۷/۸۰ قران ۷۸/۹۰

- قبض مدیون نمره ۱۲۵ ج بابت مخارج ذیل در لندن به حساب میس راندال :
 مساعده بابت لباس ۲۰/ لیره
 حقوق از ۲۵ فوریه ۱۹۲۹
 الی ۲۴ مارس ۱۹۲۹ ۱۲/ لیره
 مساعده ۱۳ مارس ۱۹۲۹ ۲۵/ لیره
 به شعبه استخدام رجینا تأدیه شده ۳/۳/۰ لیره
 مخارج تذکره ۰/۱۸/۰ لیره
 قیمت عکسهای تذکره ۰/۷/۶ لیره
 مخارج ویزای روسیه در پاریس
 ۲۱۲/۶۵ فرانک از قرار لیره [ای]
 ۱۲۴/۲۵ فرانک ۱/۱۴/۲ لیره
 بیمه اشیاء شخصی ۱/۰/۱۱
 از قرار لیره [ای] ۴۹/۵۵ قران ۶۴/۳/۷ لیره
 ۳۱۸/۰۰۰
- قبض مدیون نمره ۱۳۶ ج مبلغ پرداختی در انگلستان از طرف میس راندال
 بابت ماه آوریل ۱۹۲۹ - ۱۱ لیره از قرار
 لیره [ای] ۵۲/۱۰ قران ۵۷۳/۱۰
- قبض مدیون نمره ۱۵۲ ج مبلغ پرداختی در لندن به کمپانی اسلپینک کار
 بابت میس راندال ۴۹/۷/۷ لیره از قرار
 لیره [ای] ۵۱/۷۵ قران ۲۵۵۵/۳۵
- قبض مدیون نمره ۱۵۳ ج مبلغ پرداختی به کمپانی عراق و ایران، محدود
 بابت تصدیق نامه [ای] که برای دعوی میس راندال
 صادر کرده اند. ۱۳/۴۰

قبض مدیون نمرة ۱۸۰ ج مبلغ پرداختی در انگلستان از طرف میس راندال
بابت ماه مه ۱۹۲۹ - ۱۱ لیره از قرار لیره [ای]
۵۸۰/۸۰ قران ۵۲/۸۰

قبض مدیون نمرة ۲۱۶ ج مبلغ پرداختی در انگلستان از طرف میس راندال
بابت ماه ژوئن ۱۹۲۹ - ۱۱ لیره از قرار
۵۸۴/۶۵ قران ۵۳/۱۵ [ای] لیره

https://t.me/shenakht_lib

قبض مدیون نمرة ۲۷۶ ج مبلغ پرداختی در انگلستان از طرف میس راندال
بابت ماه ژوئیه ۱۹۲۹ - ۱۱ لیره از قرار
۵۹۳/۴۵ قران ۵۳/۹۵ [ای] لیره

قبض مدیون نمرة ۳۵۶ ج مبلغ پرداختی در انگلستان از طرف میس راندال
بابت ماه اوت ۱۹۲۹ - ۱۱ لیره از قرار
۵۹۷/۳۰ قران ۵۴/۳۰ [ای] لیره

قبض مدیون نمرة ۳۹۴ ج مبلغ پرداختی در انگلستان از طرف میس راندال
بابت ماه سپتامبر ۱۹۲۹ - ۱۱ لیره از قرار
۵۹۷/۳۰ قران ۵۴/۳۰ [ای] لیره

قبض مدیون نمرة ۴۰۶ ج بابت قیمت ۳ عدد قوطی سیگار طلاکه توسط
شرکت ح. ویلیم سان محدود در لندن تحویل شده
است ۴۲/۸/۹ لیره، از قرار لیره [ای] ۵۴/۳۰
قران ۲۳۰۴/۳۵

قبض مدیون نمره ۴۶۰ ج
کرایه حمل دو بسته از خانقین الی طهران که توسط
سرویس حمل و نقل ترانس پرس تحویل داده
شده است.
۲۵/۰۰

قبض مدیون نمره ۵۱۰ ج
مبلغ پرداختی در انگلستان از طرف میس راندال
بابت ماه اکتوبر ۱۹۲۹ - ۱۱ لیره از قرار لیره [ای]
۵۶/۲۵ قران
۶۱۸/۷۵

قبض مدیون نمره ۵۲۳ ج
مبلغ پرداختی در انگلستان از طرف میس راندال
بابت ماه نوامبر ۱۹۲۹ - ۱۱ لیره از قرار لیره [ای]
۶۰ قران
۶۶۰/۰۰

قبض مدیون نمره ۵۹۷ ج
مبلغ پرداختی در انگلستان از طرف میس راندال
بابت ماه دسامبر ۱۹۲۹ - ۱۱ لیره از قرار لیره [ای]
۵۹/۰۸ قران
۶۴۹/۹۰

مبلغ پرداختی در انگلستان از طرف میس کرنلیوس
بابت چهار ماه از ماه ژانویه لغایت ماه آوریل
۱۹۲۹
۱۵۷۰/۶۰
۱۵۱۸۲/۸۵
۴۹۵/۵۰
۱۴۶۸۷/۳۵
منهای مبلغی که قبلاً تأدیه شده است
طلب شرکت

از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران، محدود - طهران
محاسب

سند شماره ۵۸

مکاتبه ماکس. ام. دیکسن با تیمورتاش در خصوص تبعات سیاسی و اقتصادی کشیدن خطوط لوله نفت به خلیج فارس

MAX M.DIXON

مهندس مشاور معدن و

زمین شناسی

تلفن: لندن وال ۹۳۹۱

آدرس تلگرافی:

دیکسی ماین - استاک، لندن

۴، خیابان بزرگ وینچستر

لندن. E.C.2

https://t.me/shenakht_lib

۲۹ مه ۱۹۳۰، طهران

حضرت اشرف تیمورتاش، طهران

حضرت اشرف:

قبل از هرچیز تشکر و تقدیر مرا از بابت نامه‌ای که در تاریخ ۲۶ مه راجع به پیشنهادات مربوط به حقوق نفتی حاکم در ۵ ایالت شمالی بود، پذیرید. قصد دارم به زودی طهران را به قصد کنفرانس مربوط به کمپانی ترک کنم. دیدار بعدی در طول تابستان خواهد بود. امیدوارم نمایندگان را در پاریس و لندن ملاقات کنم، اگرچه ممکن است ضرورت اقتضا کند که مذاکرات را از طریق نیویورک ادامه دهم. قبل از دریافت نامه شما، مقدمات پیشنهاد دومی را فراهم ساختم که کاملاً بر اساس پیشنهاد اولی است که در اختیار شما است. اما شرط مربوط به لوله کشی به خلیج فارس را هم در بر می‌گیرد که می‌تواند به طور اصولی مورد موافقت دولت متبوعتان قرار بگیرد.

به منظور نایل شدن به شرط مذکور و در ارتباط با ترتیبات موجود در امتیاز داری راجع به خط لوله، بدیهی است که چنین ترتیباتی باید قبل از پذیرفتن و مؤثر واقع

شدن مورد توجه کامل دولت متبوعتان قرار بگیرد.

در این رابطه توصیه می‌کنم به سیاست دایمی کمپانی من توجه داشته باشید که مبتنی بر استقلال کامل از سایر منافع تجاری است و اطمینان می‌دهم که در مورد ترتیبات مربوط به خط لوله، هیچ بخشی از حقوق آنها مورد حیف و میل قرار نمی‌گیرد. عالی جناب مطلع هستید که در حال حاضر، انتقال نفت از طریق سرزمین شوروی از نظر تجاری توسط شرکت‌های آمریکایی مقرون به صرفه نیست. بنابراین دوراه باقی می‌ماند، یکی دریای سیاه، از طریق خاک ترکیه، دیگری خلیج فارس که تماماً تحت کنترل دولت ایران است.

از نظر تجاری، کشیدن خطوط لوله به دریای سیاه، مشکلات جدی مهندسی به دنبال دارد، گرچه این کار شدنی است. کشیدن خط لوله به خلیج فارس، در صورتی که مورد رضایت دولت متبوعتان باشد و برای بنده هم ابهامی برجای نگذارد، معقول‌تر خواهد بود.

دومین پیشنهاد فوق‌الذکر به حضرت اشرف فروغی وزیر دارایی واگذار شده است. طی کنفرانسی که با کمپانی داشتم، متوجه شدم که می‌توان از اختیاری که حضرت عالی به طور دوستانه به ما مبذول داشته‌اید استفاده نموده، به طوری که اجازه یابم از طریق تلگراف، تأثیراتی را که اصولاً با ارائه پیشنهاد دوم در شما ایجاد گردیده جو یا شوم.

برخی از ابعاد مسئله خط لوله که تأمین‌کننده علایق دولت شما از لحاظ سیاسی و اقتصادی است، برای ما نیز بیشترین اهمیت را دارد.

با تقدیم احترامات فائقه

ارادتمند

[امضاء:] ماکس. ام. دیکسن

سند شماره ۵۹

پیشنهاد کورت لیندن بلات (مدیر بانک ملی ایران) به تیمورتاش راجع به انتخاب بانک برای سپردن حق سهم ایران از عایدات شرکت نفت انگلیس - ایران، به انضمام سؤال تیمورتاش از نبودن نام بانکهای انگلیسی در فهرست پیشنهادی وی

دکتر کورت لیندن بلات
مدیر بانک ملی ایران

https://t.me/shenakht_lib

۱۲ ژوئن ۱۹۳۰

تهران - خیابان علاءالدوله، شماره ۴۶

حضرت اشرف:

پیشنهادی راجع به تقسیم ۱/۴۵۰/۰۰۰ لیره که دولت شاهنشاهی به عنوان حق سهم دریافت کرده است، جسارتاً به پیوست ارسال می‌دارم. پیشنهاد یاد شده با همکاری آقای دلکرد - Delcorde خزانة دار کل تنظیم گردیده است. با توجه با این که در حال حاضر نرخ بهره در کشورهای اروپایی دستخوش کاهش شدیدی گردیده، بعید است که بتوان بیشتر از ۲۷/۸ به عنوان بهره در سال به دست آورد. شمار زیادی از بانکهای اروپایی طراز اول، تلگرافی به ما اعلام داشته‌اند که فعلاً هیچ‌گونه بهره‌ای برای سپرده‌های ثابت پیشنهادی لیره استرلینگ نمی‌پردازند. تنها کشوری که بانکهای مهم آن هنوز می‌توانند نرخ بهره مناسب پیشنهاد نمایند، آلمان می‌باشد. لذا در یادداشت پیوست تعداد نسبتاً زیادی از بانکهای آلمان را پیشنهاد کرده‌ایم. در آخر راجع به آخرین مسئله فنی پیشنهاد می‌کنم که اطلاعات تلگرافی به نماینده شرکت نفت انگلیس - ایران در لندن ابلاغ گردد تا مبلغ را به حساب جاری بانک ملی ایران در

بانک میدلند Midland Bank Ltd در لندن واریز نماید.
در موارد بعدی سپرده گذاری در بانکهای مختلف با وساطت بانک ملی ایران به عنوان
نماینده دولت شاهنشاهی انجام خواهد شد.

با تقدیم احترامات فائقه
[امضاء:] کورت لیندن بلات

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] به عرض برسد.

https://t.me/shenakht_lib

سند شماره ۵۹/۱

پیشنهاد

پیشنهاد بانک ملی ایران برای سپرده گذاری مبلغ ۱/۴۵۰/۰۰۰ لیره استرلینگ که دولت
شاهنشاهی به عنوان حق سهم شرکت انگلیس - ایران دریافت کرده است.

نام بانک	محل	مبلغ برای مدت شش ماه	نرخ
Bayr. Hypoth. Und Wecsellark	مونخ	۱۰۰/۰۰۰ لیره	$\frac{۳}{۸}$
Darmstaedter Und National Bank	برلین	۱۰۰/۰۰۰ لیره	$\frac{۳}{۲}$
Deutsche Bank Und Discanto Gesellschaft	برلین	۲۰۰/۰۰۰ لیره	$\frac{۳}{۲}$

Berliner Handelsgesellschaft	برلین	لیره ۱۰۰/۰۰۰	$\frac{1}{3}\%$
Reichscreditgesellschaft	برلین	لیره ۵۰/۰۰۰	$\frac{1}{3}\%$
Commerz-und Privat-Bank	برلین	لیره ۱۵۰/۰۰۰	$\frac{5}{8}\%$
Credit General Liégeois	بروکسل	لیره ۱۰۰/۰۰۰	۰/۳
Banque de paris et des Pays Bas	پاریس	لیره ۳۰۰/۰۰۰	$\frac{7}{8}\%$
Banque de L'union Parisienne	پاریس	لیره ۱۰۰/۰۰۰	$\frac{7}{8}\%$
Amsterdamsche Bank	آمستردام	لیره ۱۵۰/۰۰۰	$\frac{7}{8}\%$
Guaranty Trust Comp Of N.Y	نیویورک	لیره ۲۰۰/۰۰۰	$\frac{7}{8}\%$
Acceptance Bank	نیویورک	لیره ۱۰۰/۰۰۰	$\frac{7}{8}\%$
		<u>لیره ۱/۴۵۰/۰۰۰</u>	

۲۲ خرداد ۱۳۰۹
۱۲ ژوئن ۱۹۳۰
تهران

بانک ملی ایران

سند شماره ۵۹/۲

۱۶ ژوئن ۱۹۳۰

دکتر لیندن بلات عزیزم:

در پاسخ به نامه ۱۲ ژوئن ۱۹۳۰ در خصوص سپرده ۱/۴۵۰/۰۰۰ لیره به اطلاع می‌رساند، این موضوع در جلسه‌ای که ۱۴ ژوئن تشکیل گردید تسلیم هیئت وزیران شد.

خواهشمند است نرخ بهره‌ای که بانکهای انگلیسی بویژه بانک شاهنشاهی می‌پردازند به ما اطلاع دهید. از طرفی هم نمی‌دانم چرا در فهرست شما نامی از بانکهای انگلیسی برده نشده است، علت آن چه می‌تواند باشد؟ چنانچه تصمیمی در این رابطه اتخاذ گردد، متعاقباً به اطلاع جنابعالی خواهد رسید.

https://t.me/shenakht_lib

ارادتمند شما

[تیمورتاش]

دکتر لیندن بلات، مدیر بانک ملی ایران

سند شماره ۶۰

ابراز امتنان تیمورتاش از شرکت نفت ایران و انگلیس به خاطر افزایش عواید ایران

وزارت دربار پهلوی

نمره ۱۳۸۸، تاریخ ۹/۳/۲۴ [۱۳۰]

مستر جاکس عایدی دولت ایران را از تاریخ سنه ۱۹۲۹ نطف جنوب اطلاع داده است. از طرف حضرت اشرف آقای وزیر دربار محترم، جواباً از افزایش عایدی اظهار امتنان شده است.

۱۳۰۹/۳/۲۴

[امضاء: شکرایی]

سند شماره ۶۱

مکاتبه کورت لیندن بلات با مهدی قلی هدایت (رییس الوزراء)
در خصوص ارسال فهرست بانکهای پیشنهادی خود جهت سپردن
۱۴۵۰۰۰۰ لیره استرلینگ حق سهم دریافتی ایران از شرکت نفت
ایران و انگلیس

https://t.me/shenakht_lib

۳۱ خرداد ۱۳۰۹

دکتر کورت لیندن بلات
مدیر بانک ملی ایران

عالی جناب :

جسارتاً پیشنهاد جدید خود را در مورد تقسیم ۱/۴۵۰/۰۰۰ لیره بین بانکهای مختلف خارجی، به پیوست خدمت حضرت عالی ارسال می‌دارم. اگر تصمیم قطعی در اسرع وقت اتخاذ گردد موجب امتنان خواهد بود، در غیر این صورت با دیرکردهای بعدی مواجه خواهیم شد و بانکهای موردنظر که پیشنهاد بهره خود را به طور جزئی از دو هفته پیش در اختیار ما گذاشته‌اند، ممکن است به خاطر تأخیر دست به کاهش نرخ بهره بزنند.

با تقدیم احترامات فائقه

عالی جناب مهدی قلی خان هدایت، رییس الوزراء - طهران

رونوشت به: تیمورتاش (وزیر دربار) طهران

سند شماره ۶۱/۱

پیشنهاد

بانک ملی ایران برای سپرده گذاری ۱/۴۵۰/۰۰۰ لیره استرلینگ به مدت شش ماه که دولت شاهنشاهی به عنوان حق سهم از Anglo-Persian oil comp.ltd دریافت نموده است. به شرح زیر پیشنهاد می نماید:

Midland Bank Ltd	لندن	۲۰۰/۰۰۰ لیره	۲٪	$\frac{۳}{۴}$
Imperial Bank	لندن	۲۰۰/۰۰۰ لیره	۲٪	$\frac{۳}{۴}$
Interbank	بازل	۲۰۰/۰۰۰ لیره	-	
Parisbas	پاریس	۱۰۰/۰۰۰ لیره	۳٪	
Parunion	پاریس	۱۰۰/۰۰۰ لیره	۲٪	$\frac{۷}{۸}$
Guaranty trust co	نیویورک	۱۰۰/۰۰۰ لیره	۲٪	$\frac{۷}{۸}$
Amsterdamsche bk	آمستردام	۱۰۰/۰۰۰ لیره	۲٪	$\frac{۷}{۸}$
Bayr.Hyp.Bank	مونیخ	۱۰۰/۰۰۰ لیره	۳٪	$\frac{۵}{۸}$
Deutsche Bank Und Discante-Ges	برلین	۱۰۰/۰۰۰ لیره	۳٪	$\frac{۱}{۲}$

Berliner Handelsges	برلین	لیره ۱۰۰/۰۰۰	$\frac{1}{2} \times 3\%$
Reichskredit-Ges	برلین	لیره ۵۰/۰۰۰	$\frac{1}{2} \times 3\%$
Comerz und Privatbank	برلین	لیره ۱۰۰/۰۰۰	$\frac{5}{8} \times 3\%$
			[جمع کل] ۱/۴۵۰/۰۰۰ لیره

https://t.me/shenakht_lib

بانک شاهنشاهی ایران آماده است ۴٪ در سال افزایش دهد، در صورتی که ۲۰۰/۰۰۰ لیره تا ۲۰ مارس ۱۹۳۱ در اختیار آن باشد و دولت متعهد گردد این مبلغ پرداخت علی الحساب امتیازنامه اسکناسهای بانک می باشد.

اینتر بانک اعلام نموده است بر طبق اساسنامه خود نمی تواند از دولت سپرده مستقیم قبول نماید، تنها می تواند از بانک ملی ایران سپرده را قبول نماید. این بانک هنوز نرخ بهره خود را اعلام ننموده است، با وجود این، نرخ بیشتر از ۲٪ در سال خواهد بود.

سند شماره ۶۲

مکاتبه سیدحسن تقی زاده با تیمورتاش در خصوص نرخ سود
بانک های آلمان بابت وجوه ذخایر دولتی

حضور محترم حضرت اشرف اعظم آقای تیمورتاش وزیر دربار پهلوی دامت شوکته

۲۹ خرداد ۱۳۰۹، خصوصی و محرمانه

دوست عزیز محترم، قریب دو هفته پیش که اخوی عازم فرنگستان بود، ضمن صحبت از او تقاضا کرده بودم در باب تنزیلی که بانکها در آلمان به وجوه ذخیره می دهند اطلاعاتی تحصیل و برای من بنویسد و گفته بودم که مقصود سپردن وجوه دولتی است تا بانک از روی اطلاع مظنه بدهد. امروز تلگرافی از یکی از بانکهای عمده برلن به این جانب رسید، به این مضمون:

“وجوه دولتی را به لیره یا به دلار برای یک سال به پنج درصد تنزیلی و برای دو سال به پنج و نیم درصد به مارک آلمان یک ساله به پنج و نیم درصد و دو ساله به شش درصد قبول می کنیم. جواب به تلگرافیه”.

در تلگراف مزبور بانک به جای امضاء آدرس تلگرافی خود را گذاشته بود و نوشته بود به این کلمه تلگراف کنید. پس از تحقیقاتی که کردم معلوم شد، این کلمه آدرس تلگرافی کُمرس آند پریوات بانک:

(Commerce and private Bank.a.y.Behneusth 46/48 Berlin.w.8)

است که شخصاً می شناسم و بانک معروفی است در برلن و سایر نقاط آلمان و عجب آن که اسم این بانک در جزو اسامی بانکها که خدمت عالی داده بودند، موجود بود، ولی میزان تنزیل را آنچه خاطر می آید خیلی کمتر قلمداد کرده بودند و این فقره اصلاً موجب ضعف اطمینان به تمام اطلاعاتی که در این باب داده شده بود می شود. علاوه بر این، باید عرض کنم که این جانب اگر چه یقین ندارم، ولی ظن قوی (و به قول علما متأخم به علم) دارم که در لندن هم میزان تنزیل از چهار درصد پایین تر نیست و اگر هم پایین تر باشد خیلی جزئی پایین تر است و البته بسته به میزان وجهی است که به بانک سپرده شود. هرچه مبلغ بیشتر و مدت زیادتر باشد، تنزیل بیشتر خواهد بود.

پنج بانک انگلیس همه وجه را قبول خواهند کرد:

۱. بانک میدلاند

۲. بانک لوید

۳. بانک بارکلی

۴. بانک ناشیونال پرونسیال

۵. بانک و ستمنیستر

و این آخری محتملاً یکی دو عشر (یعنی یکی دو هزار یک) هم بیشتر از سایرین قبول می‌کند.

آیا صلاح نیست علاوه بر تحقیق از آقای فیض، با خود سرجان کدمن در این باب نیز مشورت شود؟ چون بانک جواب تلگرافی خواسته است. آنچه صلاح بدانید اشعار فرمایید که جواب داده شود.

زیاده عرضی ندارم جز تجدید مراتب ارادت صمیمی.

https://t.me/shenakht_lib

[امضاء:] حسن تقی زاده

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] به عرض برسد. به مستر جکس نوشته [شود].

سند شماره ۶۳

پیشنهاد کورت لیسندن بلات به تیمورتاش راجع به نحوه سپردن
۱۴۵۰۰۰۰ لیره حق سهم ایران از عایدات شرکت نفت ایران و انگلیس
در چند بانک مختلف

دکتر کورت لیسندن بلات

۲۱ ژوئن ۱۹۳۰

مدیر بانک ملی ایران

تهران، خیابان علاءالدوله، شماره ۴۰

حضرت اشرف

افتخار پیدا کردم که نسخه‌ای از نامه ارسالی خود به عالی جناب مهدی قلی خان هدایت را، به پیوست خدمتتان بفرستم. در این نامه پیشنهادهای جدیدی راجع به تقسیم ۱/۴۵۰/۰۰۰ لیره ارایه نمودم.^۱

با تقدیم احترامات فائقه

[امضاء:] کورت لیندن بلات

به حضرت اشرف تیمورتاش

وزیر دربار، طهران

<https://lib.shenakht.com> سند شماره ۶۴

مکاتبه تیمورتاش با ژاکس راجع به انتخاب بانک جهت سپردن حق سهم ایران از شرکت نفت ایران و انگلیس و ارسال فهرست بانکهایی که تاکنون به وی پیشنهاد شده، به انضمام نرخ بهره آنها

۲۶ ژوئن ۱۹۳۰^۲

ژاکس عزیزم:

بسیار متشکرم از نامهٔ محبت آمیزی که مورخه ۲۱ ماه جاری ارسال فرمودید. نامه انضمامی سرجان کدمن و متن سخنرانی ایشان را که قرار است هفدهم در مجمع عمومی شرکت نفت انگلیس - ایران ارایه گردد رؤیت نمودم.

بدینوسیله از شما تقاضا نمودم که نظر سرجان کدمن را در مورد سپردن حق سهم سال گذشته (بالغ بر یک میلیون و چهارصد هزار و چندصد لیره استرلینگ) جویا شوید.

۱. نامه ارسالی لیندن بلات به مهدی قلی هدایت در صفحات قبل آمده است، سند شماره ۶۱/۱.

۲. برابر با: ۵ تیر ۱۳۰۹.

می خواهم بدانم نظر ایشان راجع به بانک های انگلیسی و سایر بانکها که مورد اطمینان هم هستند برای سپردن مبلغ یاد شده بصورت پس انداز ثابت چیست. به پیوست فهرست اسامی بانکهایی که به اطلاع بنده رسیده، به همراه نرخ بهره قابل پرداخت آنها به خدمتتان ارسال می نمایم. آیا به نظر شما بانکهای دیگری وجود دارد که بهره بیشتری بپردازند؟

جک عزیزم قبلاً از همکاری شما متشکر و خواهشمندم احساسات دوستانه این جانب را بپذیرا باشید.
https://t.me/shenakht_lib
 [تیمورتاش]

سند شماره ۶۴/۱

Midland Bank Ltd.		2 3/4 %
Imperial Bank		2 3/4 %
Imperial Bank pour les £.200.000.		4 %
Bayr.Hypoth.und Wechselbank	Muenchen	3 5/8 %
Darmstaedter & Nationalbank	Berlin	3 1/2 %
Deutsche Bank	"	3 1/2 %
Berliner Handelsgesellschaft	"	3 1/2 %
Reichscreditgesellschaft	"	3 1/2 %
Commerz und Privatbank	"	3 5/8 %
Crédit Général Liégeois	Bruxelles	3 %

Banque de Paris et des Pays Bas	Paris	3 %
Banque de L'Union Parisienne	"	3 %
Amsterdamsche Bank	Amsterdam	2 7/8 %
Guaranty Trust Co.	New-York	2 7/8 %
Acceptance Bank	"	2 7/8 %

سند شماره ۶۴/۲ <https://www.khthlib.ir>

س ۲/، طهران ۷ تیر ۱۳۰۹

حضرت اشرف عزیزم:

به مجرد وصول مراسله شریفه مورخه ۲۶ ژوئن که روز بعد به بنده رسید، به اداره لندن بر طبق شرح جوف، تلگراف کرده و هروقت جواب آن رسید، خاطر محترم را مسبوق خواهد داشت.

سرجان کدمن دیروز جمعه برای یک مسافرت مختصری به نیویورک رفته‌اند، ولی قضیه مورد توجه فوری سرجان لوید که کارهای مالی را عهده دارند واقع خواهد شد^۱.

با تقدیم احترامات فائقه

ارادتمند

[امضاء: ژاکس]

حضور محترم حضرت اشرف اعظم آقای تیمورتاش وزیر دربار پهلوی دامت شوکته

سند شماره ۶۵

نامه تیمورتاش به ویلکینسن راجع به انتخاب بانک جهت سپردن
حق‌السهم ایران از شرکت نفت انگلیس - ایران و معرفی چهار
بانک بزرگ لندن توسط ویلکینسن

۲۷ ژوئن ۱۹۳۰، محرمانه

https://t.me/shenakht_lib

ویلکینسن عزیز

همان طوری که اطلاع دارید مبلغ ۱/۴۵۰/۰۰۰ لیره مربوط به حق سهم سال گذشته از
شرکت نفت انگلیس - ایران طلبکاریم. خواهشمند است نظر خود را برای انتخاب
بانکهای انگلیسی و یا بانکهای دیگر که در آنجا بتوان مبلغ ذکر شده را سپرد، بیان
دارید. از نظر ما ملیت این بانکها اهمیتی ندارد، به شرطی که معتبر بوده و درصد بهره
کافی را بپردازند. مبلغ مربوطه را می‌توان به مدت بیش از شش ماه تا یک سال هم به
صورت پس‌انداز ثابت سپرد.

با عرض تشکر و ابراز ارادت

[تیمورتاش]

سند شماره ۶۵/۱

بانک شاهنشاهی ایران
تهران

۲۹ ژوئن ۱۹۳۰، محرمانه

حضرت اشرف :

در جواب نامه مورخه ۲۷ ژوئن راجع به سپردن ۱/۴۵۰۷۰۰۰ لیره، توصیه می‌کنم با توجه به بحران جهانی و عدم اطمینانی که همه جا حاکم است، بخش اعظم این پول نزد چهار بانک بزرگ لندن، هر کدام به میزان مساوی سپرده شود.

Midland Bank Ltd

Lloyds Bank Ltd

Westminster Bank Ltd

Barclays Bank Ltd

در صورت تمایل بنده می‌توانم در مورد نرخ بهره پیشنهادی آنها اطلاعاتی به دست بیاورم و همان طوری که مطلع هستید این بانکها با توجه به استحکام و اعتباری که دارند، آنچنان بهره بالایی پرداخت نمی‌کنند.

در چنین شرایط زمانی به نظر من اگر برای دست یابی به بهره‌ای بالاتر، ذخایر پولی خود را در اروپا در بانکهایی که طراز اول نیستند بسپاریم، بی‌احتیاطی کرده‌ایم.

چنانچه مایل هستید مبلغ ناچیزی به ما بسپارید چون اعتبار این کار تضمینی است و ترازها نیز حاکی از همین می‌باشد - برای شش ماه در قبال آن مبلغ، به شما $\frac{1}{4} \%$

پایین تر از نرخ بانک انگلیس که اکنون $\frac{۳}{۴}$ ٪ است پرداخت خواهیم کرد.

حضرت اشرف به من اطمینان داشته باشید
چاکر شما - [امضاء:] ویلکینسن

سند شماره ۶۶

https://t.me/shenakht_lib

مکاتبه ژاکس با وزارت دربار در خصوص ودیعه گذاشتن حق السهم
دولت ایران در بانک نشنال پروونشیال و جوابیه وزارت دربار

طهران ۱۰ تیر ۱۹۳۰، فوری

حضرت اشرف عزیزم:

در تأیید عرایض تلفونی آقای فاتح که امروز صبح به عمل آمد و در ضمن آن جواب تلگراف واصله از لندن را به عرض رسانید، خاطر محترم را مسبوق می‌دارد: (این جواب تلگرافی است که سواد آن به مراسله ۷ تیر این جانب منضم بود.) اداره لندن مدت ودیعه را استفسار کرده و اظهار می‌کنند، اگر مدت کمتر از شش ماه نباشد، نرخ بهتری می‌توان تحصیل نمود. لندن احتمال می‌دهند بتوانند بانک نشنال پروونشیال^۲ را که بانک کمپانی نیز هست و یکی از بانک‌های خمسه بزرگ انگلستان می‌باشد، حاضر کنند که ربح از قرار $\frac{۳}{۴}$ درصد بپردازند، مشروط بر آن که

۱. برابر با: سال ۱۳۰۹ شمسی.

۲. National Provincial؛ در اسناد این مجموعه، نام این بانک به صورت‌های مختلفی آمده

که همگی به بانک نشنال پروونشیال، تبدیل شده‌اند.

وجه مذکور تا ماه ژانویه آینده به عنوان ودیعه ثابت در نزد آنها گذارده شود. بر حسب دستور لندن، خاطر محترم را مطلع می‌دارد که با مشورت کمیسر شاهنشاهی اداره لندن مبلغ حق السهم دولت را از تاریخ ۲۸ ژوئن تا دوم ژوئیه در بانک نشنال پروونشیال به ودیعه، از قرار صدی $\frac{۳}{۴}$ در سال گذارده‌اند. در خاتمه احترامات فائقه را تجدید و خاطر محترم را مطمئن می‌دارد که پس از وصول تعلیمات حضرت اشرف هر اقدامی که صلاح دانید فوراً اطاعت خواهد کرد.

ارادتمند حضرت اشرف

[امضاء:] ژاکس https://t.me/shenakht_lib

حضور محترم حضرت اشرف اعظم آقای تیمورتاش وزیر دربار پهلوی دامت شوکت

سند شماره ۶۶/۱

ژوئیه ۱۹۳۰

ژاکس عزیزم:

در پاسخ نامه مورخه یکم ماه جاری که جای تشکر دارد، بی هیچ‌گونه درنگی به اطلاعاتان می‌رسانم بخشی از حق السهم را که قرار است به بانکهای متفاوت سپرده شود، می‌توان به صورت سپرده ثابت برای شش ماه واریز نمود و احتمال می‌رود تا ۸ ماه هم قابل تمدید باشد.

از خبری که راجع به سپردن کوتاه مدت لیره استرلینگ در بانک انگلیسی:

National Provincial

به بنده دادید متشکرم، ولی آیا این سپرده گذاری را نمی شود تا ۱۰ روز هم تمدید کنند، زیرا برای اخذ تصمیم در این زمینه این مدت لازم است؟
آیا امکان دارد این بانک یا هر بانک معتبر دیگری را با نرخ بهره بالاتر از $\frac{1}{4}\%$ مثلاً $\frac{3}{4}\%$ متقاعد کرد؟

قبلاً از همکاریتان متشکرم
دوستدار شما
[تیمورتاش]

https://t.me/shenakht_lib

سند شماره ۶۷

نامه ارسالی تیمورتاش به ویلکینسن در خصوص کسب اطلاعاتی راجع به نرخ بهره پیشنهادی بانک‌های معتبر برای سپرده‌های ایران

۲ ژوئیه ۱۹۳۰، محرمانه

ویلکینسن عزیزم:

به خاطر نامه مورخه ۲۹ ژوئن متشکرم. همانطوری که مطلع هستید مالیه‌های خود را نزد بانک‌های مختلف پس انداز می‌نماییم: چنانچه در مکاتباتی که با بانک‌های یاد شده دارید، اطلاعاتی به ویژه در مورد نرخ بهره پیشنهادی آنها در دسترس ما بگذارید موجب امتنان خواهد گردید.

طی گزارشی به بنده اطلاع داده شد که بانک شاهنشاهی برای پرداخت $\frac{4}{100}\%$ اعلام

آمادگی کرده است و این در صورتی است که مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ لیره بصورت سپرده ثابت تا ۲۰ مارس ۱۹۳۱ واگذار گردد و بنا به توافق اخیر مبلغ یاد شده با انقضای موعد مقرر به بانک شاهنشاهی تعلق خواهد گرفت. حال آیا ممکن است که برای مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ لیره دیگر همان نرخ بهره را پیشنهاد فرمایید.

ارادتمند شما

[تیمورتاش]

https://t.me/shenakht_lib

سند شماره ۶۸

مکاتبه ژاکس با تیمورتاش در خصوص تلاش وی در امانت گذاردن
حق السهم دولت ایران در بانک‌های لندن

س ۲/، طهران ۱۲ تیر ۱۳۰۹

حضرت اشرف عزیزم:

قبل از وصول مراسله شریفه مورخه دوم ژوئیه که امروز صبح به بنده رسید و تشکر می‌کنم، تلگرافی از اداره لندن رسیده که به شرح ذیل است:

«خیلی فوری - عطف به تلگراف نمره ۲۴۰، وجه فعلاً به نرخ معمول یک درصد روز به روز در بانک به امانت گذارده می‌شود و بیشتر از این ربح نمی‌توان دریافت داشت، مگر آن که اقلاً یک ماهه به امانت گذاشته شود و آن وقت شاید دو و ربع درصد ربح داده شود».

چنانچه خاطر حضرت اشرف مسبوق است، شرکت در ضمن عملیات تجارتي خود

دائماً و جوه زیادی به عنوان دپوت^۱ در بانکهای اروپا امانت می‌گذارد و یقین دارم که نظر به نرخ سه درصد معمول بانک، اظهار سرجان لوید که شاید ممکن باشد بانک نشنال پروونشیال انگلستان را راضی نمود که به دولت ایران برای حق السهم که تا ماه ژانویه به امانت گذارده شود، سه و ربع درصد ربح پردازد، یک ترتیب مخصوص مساعدی می‌باشد. مخصوصاً در این موقع که وضعیت فعلی مالی اروپا قرین سکونت و آرامش نیست.

لهذا حضرت اشرف ملاحظه خواهید فرمود که هیچ‌گونه امکانی نیست که لندن بتواند ربحی که به چهار درصد برسد تحصیل کند.
 بنده به لندن تلگراف کردم که حق السهم دولت را فعلاً تا پانزدهم ژوئیه به بهترین نرخی که می‌توان تحصیل کرد امانت بگذارند تا تصمیم دولت معین شود.

با تقدیم احترامات فائقه
 ارادتمند حضرت اشرف
 [امضاء:] ژاکس

حضور محترم حضرت اشرف اعظم آقای تیمورتاش وزیر دربار پهلوی دامت شوکته

سند شماره ۶۹

پرداخت دو درصد بهره توسط بانک نشنال پروونشیال بابت امانت گذاشتن حق السهم ایران از شرکت نفت ایران و انگلیس در بانک مذکور

1. Depot = سپرده، پس انداز

طهران، ۱۴ تیر ماه ۱۳۰۹

حضرت اشرف عزیزم:

مذاکرات دیروز خود را که در ضمن آن معروض داشت اداره لندن تلگرافاً اطلاع می دهند که بانک نشنال پروونشیال انگلستان را راضی کرده اند دو درصد ربح برای امانت حق السهم دولت، از تاریخ سوم ژوئیه تا دوازده روز بپردازند، تأیید می کنم.

با تقدیم احترامات فائقه

ازادتمند [امضاء]: ژاکس https://t.me/shenakht_lib

حضور محترم حضرت اشرف اعظم آقای تیمورتاش وزیر دربار پهلوی دامت شوکتہ

سند شماره ۷۰۵

مکاتبه ویلکینسن با تیمورتاش در خصوص ارسال نرخ بهره پیشنهادی
چهار بانک بزرگ لندن برای سپرده های ایران

بانک شاهنشاهی ایران

طهران، ۵ ژوئیه ۱۹۳۰^۱، فوری، محرمانه

حضرت اشرف:

موارد زیر توسط چهار بانک بزرگ در لندن پیشنهاد گردیده است.

Westminster Bank Ltd	} در سال تنها برای شش ماه ۳٪
Barclays Bank Ltd	
Midland Bank Ltd	در سال تنها برای شش ماه $\frac{7}{8}$ ٪
Lloyds Bank Ltd	در سال تنها برای شش ماه یا بیشتر $\frac{7}{8}$ ٪

تقاضای جواب داریم.

برای مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ فرانک دیگر که به بانک شاهنشاهی مربوط می‌شود، می‌توانیم میزان $\frac{1}{3}$ ٪ در سال برای شش ماه پردازیم. علت این که نرخ ۴٪ را برای ۲۰۰/۰۰۰ لیره پیشنهاد کرده‌ایم این است که اگر دولت متعهد شود این مبلغ را برای امتیاز اسکانس‌های بانک بکارگیرد خواهیم توانست روش سپرده‌گذاری «Placer en Titres» را در پیش بگیریم که مزیت بیشتری نسبت به پس‌انداز ثابت دارد.

از نظر بنده در پیشنهادی مبنی بر سپرده ثابت شش ماهه که در مورد بخش مهمی از ذخایر شما ارایه کرده بودم، به نظر می‌رسد این سپرده ثابت با $\frac{1}{4}$ ٪ پایین‌تر از نرخ بانک انگلیسی که همان $\frac{3}{4}$ ٪ است، به سود شما خواهد بود. فکر نکنم نرخ بهره پایین‌تر رود، مگر آن که بحران جهانی شدیدتر شود.

از طرفی دیگر چنانچه افزایشی رخ دهد که بعید هم نیست، این نرخ شش ماهه که انتخاب نموده‌اید سودی را عایدتان نخواهد کرد و این راه هم نمی‌دانم که آیا بانکهای بزرگ چنین شرایطی را می‌پذیرند یا نه. چنانچه اطلاعاتی در این زمینه بدردتان بخورد دریغ نخواهم کرد.

ارادتمند شما

[امضاء: ای - ویلکینسون]

سند شماره ۷۱

مکاتبه ژاکس با تیمورتاش در خصوص بهره قابل پرداخت بانک نشنال پروونشیال بابت حق السهم ایران از عایدات شرکت نفت ایران و انگلیس در بانک مذکور

س/۲، طهران ۱۸ تیر ماه ۱۳۰۹

https://t.me/shenakht_lib

حضرت اشرف گرامی ام^۱:

در تعقیب مراسله مورخه ۱۴ تیر، امروز تلگرافی از اداره لندن رسید و مشعر است: در صورتی که مبلغ حق السهم دولت که در بانک به امانت گذاشته می شود، از یک میلیون لیره کمتر نباشد و مدت امانت هم شش ماه کمتر نباشد، اداره لندن گمان می کند بتوانند بانک خود را که همان بانک نشنال پروونشیال انگلستان باشد راضی نمایند که ربح از قرار $3\frac{5}{16}$ درصد بپردازد.

این مختصر اضافه نسبت به مظنه [ای] که سابق به عرض رسانید و سه و ربع درصد بود می باشد و عبارت از مظنه بانک مزبور است که در مراسله ۱۲ تیر به عرض رسانید.

با تقدیم احترامات فائقه

ارادتمند [امضاء]: ژاکس

حضور محترم حضرت اشرف اعظم آقای تیمورتاش وزیر دربار پهلوی دامت شوکته

سند شماره ۷۲

مکاتبه تیمورتاش با ژاکس در مورد تصمیم ایران جهت سپردن حق
سهم سال ۱۹۲۹ در بانک نشنال پروونشیال

۹ ژوئیه ۱۹۳۰

https://t.me/shenakht_lib ژاکس عزیزم:

تصمیم گرفته شد که تمام حق السهم سال ۱۹۲۹ که بالغ بر یک میلیون و
چهار صد و پنجاه هزار و چند صد لیره استرلینگ است، با بهره‌ای بالغ
بر $\frac{1}{4}$ ٪ و بصورت درآمد ثابت (سپرده ثابت) به مدت شش ماه در بانک
نشنال پروونشیال انگلیس واریز گردد. این نشان اطمینانی است که دولت ایران به بانک
پیشنهادی شرکت نفت انگلیس - ایران دارد.

ارادتمند شما

[تیمورتاش]

سند شماره ۷۳

مکاتبه تیمورتاش با ویلکینسن در مورد تصمیم ایران مبنی بر
سپرده‌گذاری در بانک شاهنشاهی

۹ ژوئیه ۱۹۳۰^۱

ویلکینسن عزیزم:

تصمیم بر این شد که مبلغ دویست هزار لیره استرلینگ با بهره ۴٪ و بصورت سپرده ثابت، تا ۲۰ مارس ۱۹۳۱ در بانک شاهنشاهی ایران واریز گردد و بر حسب موافقت نامه منعقدہ مربوط به منع نشر اسکناس از جانب ایران با سپری شدن دوره مذکور مبلغ فوق جزء اموال بانک شاهنشاهی خواهد بود.

ارادتمند شما

[تیمورتاش]

https://t.me/shenakht_lib

سند شماره ۷۴

مکاتبه تیمورتاش با لیندن بلات در خصوص ابلاغ مصوبه هیأت وزیران راجع به معرفی اسامی چندین بانک جهت سپردن حق السهم ایران بر حسب لیره استرلینگ

۹ ژوئیه ۱۹۳۰^۲

دکتر لیندن بلات عزیزم:

بدینوسیله فهرست اسامی بانک‌هایی که ذخیره دولت به لیره استرلینگ باید در آنها پس‌انداز گردد، به پیوست ارسال می‌شود. تصمیم مربوطه توسط هیئت وزیران اتخاذ

۱. برابر با: ۱۸ تیر ۱۳۰۹.

۲. برابر با: ۱۸ تیر ۱۳۰۹.

گردیده و فهرست یاد شده جهت اجراء به وزارت مالیه ابلاغ گردیده است.

ارادتمند شما

[تیمورتاش]

سند شماره ۷۴/۱

مبالغ بر حسب لیرة استرلینگ که قرار است به مدت شش ماه در بانکهای زیر پس انداز گردد: https://t.me/shenakht_lib

در انگلستان:

National Provincial Bank Of England ۱/۴۵۰/۰۰۰ لیرة به اضافه
حق الامتياز سال ۱۹۲۹ با $\frac{۵}{۴}$ ٪ بهره

Imperial Bank Of Persia تا ۲۰ مارس ۱۹۳۱ ۲۰۰/۰۰۰ لیرة با ۴٪ بهره

Westminster Bank ۱۰۰/۰۰۰ لیرة با ۳٪ بهره

در آلمان:

Deutsche Bank ۲۰۰/۰۰۰ لیرة با $\frac{۱}{۲}$ ٪ بهره

Darmstaedter and National Bank ۱۰۰/۰۰۰ لیرة با $\frac{۱}{۲}$ ٪ بهره

Berliner Handelsgesellschaft ۱۰۰/۰۰۰ لیرة با $\frac{۱}{۲}$ ٪ بهره

Drestner Bank ۱۰۰/۰۰۰ لیرة با $\frac{۲}{۴}$ ٪ بهره

Commerz und PrivatBank ۵۰/۰۰۰ لیرة با $\frac{۵}{۸}$ ٪ بهره

در بلژیک :

Credit General Liegeois

۱۰۰/۰۰۰ لییره با ۰/۳ بهره

در فرانسه :

Banque de Paris et des Pays-Bas

۱۰۰/۰۰۰ لییره با ۰/۳ بهره

Banque de L'union parisienne

۱۰۰/۰۰۰ لییره با ۰/۳ بهره

https://t.me/shenakht_lib

(N.1) وزارت جنگ باید باید این مبالغ را به ترتیب پرداخت نماید :

لییره	۲۰۰/۰۰۰	ژوئیه	اواخر
//	۲۰۰/۰۰۰	اوت	//
//	۲۰۰/۰۰۰	سپتامبر	//
//	۲۰۰/۰۰۰	اکتبر	//

مابقی لییره استرلینگ را می توان به مدت شش ماه به صورت سپرده ثابت پس انداز کرد.

(N.2) از ابتدای ۲۰ مارس ۱۹۳۱، ۲۰۰/۰۰۰ لییره استرلینگ به مالکیت بانک شاهنشاهی درخواهد آمد، که به خاطر توافق مربوط به خرید حق انتشار اسکناس صورت می گیرد.

Westminster Bank

۵۰/۰۰۰ لییره

بهره ۰/۳

Barclay Bank

// ۰/۲ $\frac{7}{8}$

Midland Bank		$\frac{7}{8} \%$	//
Lloyds Bank		$\frac{7}{8} \%$	//
National Provincial Bank	// ۱/۴۵۰/۰۰۰	$\frac{1}{4} \%$	//
Imperial Bank	// ۲۰۰/۰۰۰	$\frac{1}{4} \%$	//
Imperial Bank		$\frac{1}{2} \%$	//
Drestner Bank (برای یک سال با $\frac{1}{4} \%$ بهره)	// ۱۰۰/۰۰۰	$\frac{3}{4} \%$	//
Darmstaedter and National Bank	// ۱۰۰/۰۰۰	$\frac{1}{2} \%$	//
Deutsche Bank	// ۱۰۰/۰۰۰	$\frac{1}{2} \%$	//
Berliner Handels Gesellschaft	// ۱۰۰/۰۰۰	$\frac{1}{2} \%$	//
Commerz Und Privat Bank	// ۵۰/۰۰۰	$\frac{5}{8} \%$	//
Credit General Liegeois	// ۱۰۰/۰۰۰	$\frac{3}{8} \%$	//
Banque de Paris et des Pays Bas	// <u>۱۰۰/۰۰۰</u>	$\frac{3}{8} \%$	//
	// ۲/۳۰۰/۰۰۰	[جمع]	
Banque de L'union Parisienne	// <u>۲۵۰/۰۰۰</u>	$\frac{3}{8} \%$	//
	// ۲/۵۵۰/۰۰۰	[جمع کل]	

[حاشیه بالا:] این صورت در ۱۸ تیر برای وزارت مالیه ارسال شد.

[حاشیه پایین:] در ۱۷ تیر مراتب به عرض خاک پای مبارک رسید و مورد تصویب واقع گردید.

سند شماره ۷۴/۲

Westminister Bank		٪۳
Barclays Bank		٪۲ $\frac{۷}{۸}$
Midland Bank		٪۲ $\frac{۷}{۸}$
Lioyds Bank		٪۲ $\frac{۷}{۸}$
Imperial Bank	۲۰۰/۰۰۰ لیره	٪۴
Imperial Bank		٪۲ $\frac{۱}{۴}$
National Provincial	۱/۴۵۰/۰۰۰ لیره	۰/۳ $\frac{۱}{۴}$
Banque de Munchen	۱۰۰/۰۰۰ لیره	۰/۳ $\frac{۵}{۸}$
Drestner Bank	یک سال $\frac{۱}{۴}$ ٪۴ ۱۰۰/۰۰۰ لیره	۰/۳ $\frac{۳}{۴}$
Darmstaedter (Uelum)	۱۰۰/۰۰۰ لیره	۰/۳ $\frac{۱}{۴}$
Deutsche Banque	۱۰۰/۰۰۰ لیره	۰/۳ $\frac{۱}{۴}$
Berliner Handes Gesellschaft	۱۰۰/۰۰۰ لیره	۰/۳ $\frac{۱}{۴}$
Reichscredit		$\frac{۳}{۴}$
Commerz und Privat-bank	۵۰/۰۰۰ لیره	۰/۳ $\frac{۵}{۸}$
Credit General Liegeois	۱۰۰/۰۰۰ لیره	۰/۳
Banque de Paris et de Pays-Bas	۱۰۰/۰۰۰ لیره	۰/۳
Banque de L'union Parisienne		۰/۳

Amsterdamsche Bank		$\frac{۲۷}{۸}$
Guaranty Trust Co		$\frac{۲۷}{۸}$
Acceptance Bank		$\frac{۲۷}{۸}$

سند شماره ۷۵

تشکر تیمورتاش از ژاکس به خاطر اقدامات وی جهت افزایش نرخ بهره سپرده گذاری حق السهم ایران در بانک نشنال پروونشیال

دهم ژوئیه ۱۹۳۰

ژاکس عزیز:

در جواب نامه دیروز شما و در ادامه نامه‌ای که همان روز برایتان ارسال نمودم، جا دارد عاجلانه از شما به خاطر اقدامات دوستانه‌ای که برای افزایش نرخ بهره سپرده گذاری در بانک نشنال پروونشیال انگلیس به عمل آورده‌اید تشکر نمایم و همچنین از شما تقاضا کنم از جانب من از دفتر مرکزی شرکت نفت انگلیس و ایران در لندن به خاطر تلاشهایی که در این راستا داشته‌اند تشکر و قدردانی نمایم.

بنده بدون هیچ وقفه‌ای مضمون نامه شما را به وزارت مالیه ابلاغ نمودم و خواستار شدم تمامی حق السهم سال ۱۹۲۹ را به مدت شش ماه و با نرخ بهره $\frac{۵}{۱۶}$ ٪ در بانک مذکور واریز نمایند. خواهشمندم ارادت قلبی بنده را پذیرا باشید و در آخر بسیار ممنون خواهم بود چنانچه لندن را هم از جریان امر مطلع سازید.

سند شماره ۷۶

مکاتبه ژاکس با تیمورتاش در خصوص امانت گذاشتن حق السهم
دولت ایران در بانک نشنال پروونشیال

س/۲، طهران ۲۱ تیر ۱۳۰۹

حضرت اشرف عزیزم: https://t.me/shenakht_lib

امروز صبح تلگرافی از اداره لندن واصل و تأیید می‌کند که حق السهم سال ۱۹۲۹ دولت که بالغ بر ۱/۴۵۲/۱۶۳ لیره بوده برای شش ماه در بانک نشنال پروونشیال بانک از قرار ربح $\frac{۵}{۱۶}$ در سال به امانت گذاشته شده.

تاریخ تلگراف ۱۹ تیرماه و وجه مذکور در همان تاریخ به امانت گذاشته شده و بنابراین حضرت اشرف ملاحظه خواهید فرمود که مدت امانت موقتی این وجه که از قرار صدی دو برای دوازده روز بوده، پنج روز کسر شده است.

موجب نهایت تشکر خواهد بود هرچه زودتر اطلاعات ذیل را به بنده التفات کنید، تا آن را به اداره لندن تلگراف نمایم.

(۱) این وجه به اسم چه کسی باید در نشنال پروونشیال بانک باشد؟
(۲) چه شخصی را دولت تعیین می‌فرمایند که قبض رسید این وجه را گرفته و به امانت نگاهدارد.

(۳) چه شخصی را دولت معین می‌فرمایند که حق داشته باشد پس از شش ماه این وجه را از بانک خارج نماید.

در مراسله [ای] که امروز از لندن رسیده می‌نویسند که یک میلیون و نیم لیره وجه معتناهی است و لذا با وضعیت بازار پول که امروز حکم فرماست، مشکل است که بتوان آن را روز به روز به کار انداخت.

حضرت اشرف ملاحظه می‌فرمایید که چندان کار آسانی نبود که بانک، کمپانی را

راضی نمایند که این وجه را موقتاً قبول کرده و بکار اندازند، زیرا در آن وقت موعد معینی برای امانت گذاردن این وجه تعیین نشده بود و تعلیماتی از طرف دولت شاهنشاهی در باب این وجه نرسیده بود.

در تاریخ ۱۷ ژوئن این وجه در اختیار دولت، نزد بانک کمپانی موجود بود. در تاریخ ۱۸ ژوئن نظر به این که بنده از خزانه دار راجع به تعلیمات دولت در این باب با تلفن استفسار کرده و مشارالیه به بنده اظهار داشتند که تا ۲۱ ژوئن تعلیماتی نمی توان داد و بنده هم همین طور به لندن تلگراف کرده بودم، اداره لندن موفق نشد که از ۱۸ تا ۲۱ ژوئن، این وجه را از قرار $\frac{1}{4}$ درصد به امانت بگذارد.

روز ۲۱ ژوئن شنبه بود و لذا وجه مزبور را ممکن نبود در آخر هفته به کار انداخت. بنابراین تا تاریخ ۲۳ ژوئن این مبلغ بیکار ماند. در تاریخ ۲۳ ژوئن اداره لندن ما موفق شد که آن را روز به روز از قرار صدی یک به ودیعه گذارد. چون اداره لندن تا تاریخ صبح ۲۸ ژوئن تعلیماتی نداشتند، فرصت احتیاج مردم را به پول در اواسط سال غنیمت شمرده و با تصویب کمیسر دولت شاهنشاهی، وجه را تا تاریخ دوم ژوئیه از قرار $\frac{3}{4}$ درصد به امانت گذاشتند.

اداره لندن عقیده دارند که دولت برای نرخ $\frac{5}{16}$ درصد که برای ۶ ماه فعلاً تحصیل کرده خوشبخت بوده اند، زیرا متذکر می شوند که بانکها تا ندانند که مشتری می تواند و حاضر است که معامله را فوراً ختم کند، نرخ خود را اظهار نمی دارند و فوق العاده مشکل است که از آنها قبلاً نرخ ثابتی به دست آورد.

برای اطلاع خاطر حضرت اشرف معروض می دارد که بنابر عقیده لندن، بازار پول احتمال دارد تا مدتی ارزان باشد، ولی پس از چندی دوباره نرخ پول گران خواهد شد و دلیل این که بانک نشنال پروونشیال حاضر شده است که $\frac{5}{16}$ هم از نرخ فعلی جاری بانک تجاوز کند، همین است که امید به آتیه دارد، مخصوصاً که ودیعه برای شش ماه است.

احتمال هم دارد که نرخ بانک پایین تر برود، ولی اداره لندن عقیده دارند که قبل از ختم

سال جاری دولت شاهنشاهی ملاحظه خواهند فرمود که نرخ مزبور زیادتز نیز خواهد شد.

با تقدیم احترامات فائقه

ارادتمند

[امضاء: ژاکس]

[حاشیه پایین:] سواد مراسله [ای] که برای فورمالیته به خزانه دار کل نوشته، لفاً تقدیم می دارد.

https://t.me/shenakht_lib

حضور محترم حضرت اشرف اعظم آقای تیمورتاش وزیر دربار پهلوی دامت شوکته

سند شماره ۷۷

مکاتبه ژاکس با تیمورتاش در خصوص سپرده گذاری حق السهم ایران
در بانک ایالتی ملی

شرکت نفت ایران - انگلیس محدود

طهران

عطف: C/2

خزانه دار مرکزی

طهران

طهران، [نمره] ۲۶۹۳، ۱۲ ژوئیه ۱۹۳۰

دوست گرامی:

از نامه‌ای که در ۱۹ تیر ۱۳۰۹ به شماره ۱۵۸۰۷ فرستادید متشکرم. تعلیماتی را از حضرت اشرف در دهم ماه جاری دریافت کردم. قبلاً طی تلگرافی از مقامات لندن درخواست کردم که پیشنهاد بانک ایالتی ملی را در مورد سپرده ۶ ماهه بپذیرند. اما تأییدیه‌ای از لندن دریافت نداشتم که آنها سپرده‌ای به مبلغ ۱/۴۵۷/۱۶۳ پوند را در ۶ ماهه ۱۹۲۹ با تنزیل ۳ تا ۵/۱۶ به بانک ایالتی ملی بپردازند. متمنی است ترتیبی اتخاذ فرمایید که اطلاعات زیر از لندن خواسته شود.

۱. سپرده را باید تحت چه عنوانی به بانک ایالتی ملی سپرد؟
۲. کدام دولت حفظ سپرده دریافتی را به گردن می‌گیرد؟
۳. چه کسی دولت ایران را مجاز به اعطاء مسئولیت به بانک می‌کند، زمانی که پس از انقضای شش ماه سپرده بیرون کشیده شود؟

با تقدیم احترامات فائقه

ارادتمند شما

[امضاء]: ژاکس

مدیر مقیم

سند شماره ۷۸

مکاتبه تیمورتاش با ژاکس در خصوص اقدامات مدیریت شرکت نفت ایران و انگلیس جهت سپرده‌گذاری حق السهم سال ۱۹۲۹ ایران

۱۳ ژوئیه ۱۹۳۰

ژاکس عزیز:

در جواب نامه دیروز شما جا دارد عاجلانه مراتب تشکر خود را از مدیریت شرکت نطف انگلیس - ایران به خاطر اقداماتی که در زمینه سپرده گذاری حق السهم سال ۱۹۲۹ انجام داده و همچنین پاسخ‌هایی که به سؤالات مطروحه شما در نامه ارسالی خود داده است ابراز نمایم.

۱- تمام مبلغ ۱/۴۵۲/۱۶۳ لیره بایستی به اسم وزیر مالیه و خزانه‌دار کل فعلی واریز گردد.

https://t.me/shenakht_lib

۲- از مدیریت شرکت تقاضا می‌شود اقدامات لازم را انجام دهد تا رسید بانک نشنال پرونشال با وساطت شما جهت نگهداری در وزارت مالیه به طهران آورده شود.

۳- هر نوع چک که به سپرده‌های ما در بانکهای مختلف مربوط باشد، می‌باید به امضای وزیر مالیه و خزانه‌دار کل وقت برسد. در ضمن با فرارسیدن موعد پرداخت ۱/۴۵۲/۱۶۳ لیره استرلینگ، تصمیم دولت ایران به بانک مذکور ابلاغ خواهد شد.

با عرض تشکر مجدد

ارادتمند شما

[تیمورتاش]

سند شماره ۷۹

مکاتبه ژاکس با وزارت دربار در خصوص وضعیت نواحی گچ پوکک و
گچ کروقلی

وزارت دربار پهلوی

سواد مراسله کمیانی نفت جنوب

https://t.me/shenakht_lib

نمره ۳۴۹۹- (ب) ۶س، طهران - مورخه ۱۲ شهریور ماه ۱۳۰۹، محرمانه

حضرت اشرف گرامی ام^۱:

عطف به ملاقات دیروز، اینک تلگرافی از سرجان کدمن رسیده و دستور داده‌اند که فوراً سوادى از راپورت خود خطاب به ایشان که راجع به وضعیت گچ پوکک و گچ کروقلی که موضوع تحقیقات بنده بوده، تقدیم حضرت اشرف بدارم.

اینک سوادى از راپورت مزبور، به انضمام ترجمه فارسى آن با نهایت مسرت تقدیم می‌دارم.

سرجان کدمن در تلگراف خود اظهار امیدوارى می‌کند که اولیای دولت شاهنشاهی پس از خواندن این راپورت، مجدداً مطمئن خواهند شد که رویه شرکت و مستخدمین آن، قبل از حمله بویراحمدیها و در تمام مدت مشکل و صعوبی که در پیش بوده، خارج از قاعده نبوده و صحیح بوده است.

با تقدیم احترامات فائقه

ارادتمند

[امضاء:] ژاکس

حضور محترم حضرت اشرف اعظم آقای تیمورتاش وزیر دربار پهلوی دامت شوکتہ
طهران

[حاشیة بالا، به خط تیمورتاش: ضبط.]

سند شماره ۷۹/۱

https://t.me/shenakht_lib

سواد راپورت مستر ژاکس

س ۶ (ب) ۶۱۲۲۹، آبادان ۵ شهریور ماه ۱۳۰۹، محرمانه

مدیرکل شرکت کل نطف انگلیس و ایران محدود - لندن

آقای عزیز:

به موجب دستور تلگرافی جناب عالی، مورخه ششم اوت، بنده در ساعت ۵ صبح
دوم شهریور با طیاره از طهران حرکت کرده و ساعت هشت و پنجاه دقیقه همان روز
وارد ناصری شدم.

با آقای کفیل حکومت خوزستان در همان روز ملاقات کرده و وقایع اخیر ناحیه
جنوب (گچ کروقلی و گچ پوکک) را مذاکره کرده و از مشارالیه استفسار کردم که آیا
اطلاعی یا راپورتی به ایشان راجع به وقایع آنجا رسیده است که اعضاء و اجزای
شرکت اقدامی کرده باشند که موجب توییح و ملامت باشند یا خیر.

آقای کفیل حکومت جواب دادند که هیچ راپورتی به ایشان نرسیده، ولی گفتند اشتهااری بوده است که شرکت مهمانی به طوایف داده است و چون ایشان می دانستند که شهرت مزبور بی اساس است مورد اعتنا قرار نداده اند و نیز در جواب استفسار بنده اظهار داشته اند که مأمورین شرکت همیشه مساعدت لازمه را با ایشان نموده و ایشان هم همواره ساعی بوده اند که در پیشرفت امور شرکت مساعدت نمایند.

در تاریخ سوم شهریور بنده در ساعت پنج صبح با طیاره عازم گناوه شده و ساعت شش و چهل پنج دقیقه به آنجا رسیدم. از گناوه هم با اتومبیل عازم میشون و گچ کورقلی شده و در ساعت دوازده و نیم به گچ کورقلی رسیدم.

برای این که مندرجات این راپورت بهتر و واضح باشد، نقشه [ای] به عنوان ضمیمه (الف) این راپورت تقدیم می دارم که وضعیت جغرافیایی محل و نقاطی را که بنده رفته ام واضح دارد.

صورتی هم از اعضاء و اجزایی که در موقع حمله در نقاط مزبور متوقف بوده اند، به عنوان ضمیمه (ب) تقدیم می دارم. غالب مستخدمین اروپایی شرکت و چند نفر از مستخدمین ارشد ایرانی را بنده شخصاً ملاقات کرده و سئوالاتی از آنها نمودم.

برای آن که چگونگی عملیات شرکت در منطقه مذکور واضح گردد، شرح ذیل را برای مزید توضیح اضافه می نماید.

گناوه بندری است که کلیه واردات و ملزومات کار از آبادان حمل شده و به این بندر وارد می شود و مسافت بین گناوه و میشون ۶۲ میل است. میشون تا به حال مرکزی بوده است برای عملیات آزمایش در گچ کورقلی به مسافت بین میشون و گچ کورقلی ۲۷ میل و بین گچ کورقلی و گچ پوکک هم ۱۵ میل است.

عملیات شرکت در گناوه و میشون و گچ کورقلی و گچ پوکک تحت ریاست مستر ا.ج. گریفیتز است که سالها در شرکت بوده [و] راجع به نواحی تحت آزمایش تجربیات بسیاری دارد. مستر و.ت. کارتر در کارهایی که مربوط به خرید لوازم و ثبت اسامی کارگران و پرداخت مزد عملجات باشد، سمت معاونت مشارالیه را داشته و در امورات بین صاحب منصب رییس ساخلو آن نقطه و شرکت واسطه است.

نظریاتی که ذیلاً ذکر می شود، نتیجه تحقیقات کاملی است که بنده شخصاً در

محل نمودم.

ترتیب محافظت ناحیه قبل از حمله اخیر

عده اشخاصی که برای محافظت در حال عادی مأمور می‌باشند، به قرار ذیل است :
 یک نفر صاحب منصب که در میثون متوقف است.
 ده نفر نظامی که بین گچ کورقلی و میثون تقسیم شده‌اند.
 علاوه بر این عده، در آخر خرداد ماه گذشته ۶۹ تفنگچی نیز استخدام شده بودند که ۲۴ نفرشان در میثون و ۴۵ نفر دیگر در بین گچ کورقلی و گچ پوکک تقسیم شده بودند.

کلیه تفنگچی‌های مزبور از طرف شرکت و برحسب موافقت ساخلو استخدام شده‌اند.

صاحب منصب رییس ساخلو محل روزی دو تومان فوق‌العاده از شرکت دریافت داشته و افراد نظامی هم هریک روزی چهار قران فوق‌العاده می‌گیرند. حقوق افراد تفنگچی که شرکت می‌پردازد، از قرار ۱۲ تومان و نه قران [است]. وظیفه تفنگچی‌های مزبور آن است که در نقاط مختلفه که شرکت کار می‌کند، پاسبانی کرده و از سرقت جلوگیری کنند. وظایفی را که تفنگچی‌های مزبور انجام می‌دهند در تحت مسئولیت صاحب منصب ساخلو است. صاحب منصب رییس ساخلو موسوم به نایب سوم عبدالله خان مهاجر است که مشارالیه این پست را عهده‌دار و مسئول وظایف مزبور بوده است. در اوایلی که صاحب منصب مزبور به این مأموریت آمد، رفتار او کاملاً رضایت بخش بوده، ولی در چند ماه اخیر نظر و رفتار مشارالیه موجب شکایت بوده است. در این موضوع مراتب به کفیل حکومت خوزستان اطلاع داده شده و بوسیله ایشان به اولیای نظامی نیز تذکر داده شد. از طرف نمایندگان شرکت پیشنهاد شده بود که صاحب منصب یا مأمور ارشدی مأمور شود که به ناحیه مزبور رفته و تفتیش بنمایند تا قضایا تحت رسیدگی و تحقیق درآید. در ضمن این راپورت دوباره ذکری از این مسئله خواهد شد.

ایالات بویراحمدی

اگرچه خاک بویراحمدی از مرکز عملیات شرکت دور است، سابقاً در دو وهله شرکت مورد تعرض ایالات مزبور واقع شده است.

در وهله اول سه نفر از مستخدمین شرکت و یک نفر شوfer که از میشوند به گچ کورقلی می‌رفته‌اند، از طرف دسته سارقین مورد تعرض واقع شده و کلیه اموال آنها را سرقت کرده و مجبورشان کرده بودند که پای پیاده و لخت چندین میل راه را در زمین سنگ زار و سخت طی مسافت نمایند. پس از آن که چند بار جانشان مورد تهدید واقع شد، آنها را رها کردند که با حالت تأثر آوری به محل اقامتگاه خود معاودت نمایند.

در وهله دوم محلی که شرکت از آنجا آب برای میشوند می‌آورد مورد تعرض واقع شده و جریان آب قطع گردیده و یکی از مستخدمین ایرانی شرکت مقتول و دیگری زخمی شد.

نظر به مراتب مذکور، فوق‌العاده بعید به نظر می‌رسد هیچ یک از اعضای شرکت با ایالات بویراحمدی همدردی نموده و یا میل آن را داشته است که [به و] جهی روابطی با آنها داشته باشد.

وقتی که بویراحمدیها به ریاست سرتیپ خان از کوههای خود آمده و باشت را تصرف کردند، عملیات آنها مورد بسی نگرانی برای شرکت گردید و در اواسط خرداد به تواتر شهرت زیادی پیدا کرد که ایالات مزبور قصد دارند به یکی از نواحی عملیات ما در آن حدود حمله کنند. اشتهاارات مزبور که نقل مجلس مستخدمین ما شده بود، باعث تزلزل و نگرانی گردید.

اگرچه با نایب عبدالله خان در باب اقدامات لازم، برای محافظت نقاط مزبور، به کزات مشورت شد، لیکن بنده هیچ‌گونه نتیجه از اقداماتی که مشارالیه اتخاذ کرده بود مشاهده نکردم.

در این وقت، دوباره به حکومت خوزستان مراجعه شده و تقاضا شد که صاحب منصب ارشدی به این نقاط اعزام دارند، ولی باز نتیجه نبخشید. در یک وقت شهرت حمله بویراحمدیها به اندازه [ای] بود که رییس عملیات شرکت صلاح در

این دید که گچ پوکک را تخلیه نماید و کلیه اعضا را از آنجا برد. ولی چون تعرض از طرف ایلات مزبور نشد، دوباره به گچ پوکک مراجعت کرده‌اند. به عقیده بنده، وظیفه صاحب منصب ساخلو محل بود که شرکت را از وقایعی که ممکن است خطری برای اعضاء و اموال شرکت داشته باشد مطلع دارد و همچنین هرگونه راپورت یا اطلاعی هم که به نمایندگان شرکت برسد، بایستی به صاحب منصب مزبور بدهند. تنها طریق، تشریک مساعی و موافقت در کار بین مأمورین دولت ایران که در محل متوقف‌اند^۱ و مأمورین^۲ شرکت به دست می‌آید. بنا بر تحقیقاتی که بنده کرده‌ام، مأمورین شرکت این رویه را کاملاً تعقیب کرده [اند] و از طرف دیگر، در هیچ مورد، نایب سوم عبدالله خان اطلاعات مشابهی به نمایندگان شرکت نداده است.

حمله چهارم تیرماه ۱۳۰۹

جزئیات حمله ۴ تیرماه در ضمن راپورت دیگر اطلاع داده شده و تمام حقایق قضیه به جناب عالی معلوم است. لهذا دیگر لازم نیست که در این راپورت به شرح آن پردازم، فقط وقایعی که منتهی به حمله مزبور شده متذکر گشته و عواملی که به عقیده بنده تا حدی موجب آن بوده شرح می‌دهم. سرتیپ خان بویراحمدی سرحدی [و] مظفرخان بویراحمدی گرمسیری مدتها است که با یکدیگر عداوت داشته‌اند. وقتی که سرتیپ خان باشت را تصرف کرد و پس از کشته شدن اسدخان، کلانتر ایل باوی، عداوت مزبور مبدل به یک رقابت شدیدی بین این دو نفر شد و هر یک در صدد آن بود که نفوذ خود را در کدخداهای ایل باوی مستقر دارد.

قائد حبیب‌الله رییس قسمت قاید یوسفی ایل باوی یکی از کدخداهای ایل باوی است که اقامتگاهش در نزدیکی گچ پوکک می‌باشد. قائد حبیب‌الله به ملاقات

۱. در اصل: است.

۲. در اصل: مأموریت.

سرتیپ خان (که در آن وقت از طرف برادر خود غلامحسین خان ایل بیگی طوایف کوه گیلویه، عهده دار امور طایفه بود) رفته و از طرف او به خوبی پذیرایی شد. چندی بعد قاید حبیب الله، برحسب دستور نایب عبدالله خان درارو، به ملاقات مظفرخان رفت. اینک معلوم می شود که نایب عبدالله خان بدون هیچ مجوزی اسم مستر کارتر را به قاید حبیب الله برده و او را بدین وسیله تشویق کرده بود که او نزد مظفرخان برود. این قضیه سرتیپ خان را فوق العاده خشمگین کرد [ه] و گفته بود که من قاید حبیب الله را برای این کار تنبیه خواهم کرد. بالاخره با این نظر به گچ پوکک حمله کرد.

https://t.me/shenakht_lib

عامل مهم دیگر این بود که بویراحمدها برای خطاهای گذشته خود همیشه بیم آن را داشتند که دولت به تنبیه آنها پردازد و خلع سلاحشان نماید و این قضیه همواره در نظرشان بود. همان طور که حضرت اشرف آقای وزیر دربار به بنده فرمودند، رؤسای بویراحمدهی که بالاخره مردمان نادانی هستند، شاید تصور می کردند که تظاهری با قوای خود موجب شود که عملیات دولت بر علیه آنها به تعویق افتد و تردید در خاطر اولیای امور برای تنبیه آنها پیش آید.

فوری پس از حمله که به گچ پوکک شد یک عده صد و سی نفری نظامی و دو صاحب منصب به قوای محل افزوده شود شرکت با این نظر موافقت نمود. ولی اضافه کرد که چون شرکت باید حقوق آنها را پردازد، در اولین وهله امکان از عده آنها کاسته شود. در عوض تقلیل عده آنها، مرتباً بر عده شان افزوده و فعلا صد و شش نفر تفنگچی در این ناحیه استخدام شده اند. یک گرافیکی ضمیمه این راپورت است (ضمیمه چ) که افزایش شده تفنگچی ها را نشان می دهد و با وجود آن که به کرات به نایب عبدالله خان تذکر داده شده است که با حضور ۱۳۰ نفر نظامی در محل و با وجود آن که باشت از طرف قوای دولتی تصرف شده و امنیت برقرار شده و دیگر احتیاجی به این عده زیاد تفنگچی نیست، هیچ اقدامی از طرف مشارالیه برای تقلیل آنها نشده است، خود این قضیه، به نظر بنده، تحقیقات کاملی را از طرف دولت شاهنشاهی ایران ایجاب می کند.

علاوه بر این، به ما دستور داده شده که هفده برج کوچک در نقاط مختلف از لحاظ

امورات نظامی بنا نماییم. برجهای مزبور ساخته شده و خرج آنها تقریباً ۴۵۰ لیره شده است.

چند روز پس از حمله مذکور تعمیرات و اصلاحات اثاثیه خراب شده در گچ پوکک شروع گردید و حفر چاه هم دوباره شروع شده بود که دستور داده شد آنجا را تخلیه کنیم و حتی دستور داده شد که عملیات در چاههای نمره ۶ و ۷، واقعه بین گچ کورقلی و گچ پوکک، هم موقوف گردد. دستور مزبور از طرف فرمانده بهبهان رسیده و از طرف نایب عبدالله خان به شرکت ابلاغ گردید و چون دستور مزبور اقدام احتیاطی بود، فوراً نواحی مزبور از طرف رییس فنی ناحیه تخلیه گردید. معهذا چند روز بعد هم دستور دیگری رسید که عملیات چاه نمره ۴ در گچ کورقلی نیز باید تعطیل گردد. این امر هم فوری اجرا شد و اضافه بر آن چاه نمره ۳ که در جوار نمره ۴ است تعطیل شد. تنها چاهی که کارش تعطیل نشد، چاه نمره ۵ است که چاه جدیدی است و عملیات آن جدیداً شروع شده است. نظر به تعلیمات مزبور، لازم آمد که یک عده از حفارها و سایر مستخدمین شرکت را به نقاط دیگر انتقال دهد، زیرا در گچ کورقلی کاری نبود که انجام دهند.

پس از آن که عملیات ما به طوری که در فوق ذکر شد تعطیل گردید، رییس فنی ناحیه مراتب را به آبادان تلگراف کرده، تقاضای دستور کرد که به چه نحو با رییس ساخلوی محل در این باب داخل مذاکره گردد. جوابی که به او داده شد این بود که هر دستوری که مأمورین نظامی می دهند باید اطاعت کرد و اظهار شد که پس از تصرف باشت از طرف قوای دولتی، امید تجدید عملیات می رود.

بنابر تحقیقات دقیقی که بنده کردم، چنین به نظر می رسد که تعلیمات مأمورین نظامی مورد نداشته است. اقدام به این امر مانند بستن درب طویله پس از سرقت اسب بوده. (نوشدار و پس از مرگ سهراب) بر عده ساخلوی ناحیه مزبور چه از حیث عده نظامی و چه از حیث عده تفنگچی افزوده شده بود و طویلی که معمولاً در اطراف منزل دارند و چند روز قبل از حمله ۴ تیر، محل اقامتگاه خود را تخلیه کرده بودند، همه به موطن خود مراجعت کرده و به عقیده بنده همه این شواهد می رساند که دیگر خطری نبوده و تعلیمات مزبور مورد نداشته است.

در این موقع لازم است متذکر شود موقعی که حضرت اشرف آقای وزیر دربار در تاریخ ۱۹ تیر به بنده اطلاع دادند که مخصوصاً لازم است مأمورین شرکت هیچ گونه روابط مستقیمی با رؤسای ایلات نداشته باشند، بنده مراتب را به آبادان تلگرافاً دستور دادم. پس از ورود بنده به جنوب، ملاحظه شد که رؤسای شرکت، چه قبل از حمله ۴ تیر و چه بعد از آن، همین تعلیمات را به مأمورین شرکت داده بودند. در موقعی هم که سر تپ خان پس از حمله به گچ پوکک پیغام شفاهی به نماینده شرکت فرستاده بود، دستور مزبور دوباره تلگرافاً تأیید شده و پیغام مشارالیه از طرف مستر کلگ در ناصری به کفیل حکومت خوزستان اطلاع داده شد و ایشان هم به طهران راپورت دادند. در جواب دستور رییس شرکت، راجع به عدم برقراری روابط مستقیم با رؤسای ایلات، رییس فنی ناحیه گچ کورقلی به آبادان اظهار داشته بود که خود او و معاونین کاملاً متوجه قضیه بوده و موقعیت خود را در مقابل مأمورین نظامی و ایلات در نظر داشته و همیشه مواظب بوده است که اقدام یا اظهاری نکند که باعث سوء تفاهم یا سوء تعبیری گردد.

در نتیجه تحقیقاتی که کرده‌ام، بر بنده ثابت شده است که مأمورین شرکت در ناحیه گچ کورقلی و گچ پوکک هیچ گاه سعی نکرده‌اند که روابطی با رؤسای ایلات داشته باشند. هرکس در این باب تحقیق کند خواهد دید که برقراری چنین روابطی، گذشته از همه، کاملاً بی‌فایده نیز می‌باشد.

مواردی پیش آمده که مأمورین شرکت از ملاقات رؤسای طوایف خودداری نکرده‌اند و علت هم آن بوده که امتناع آنها از ملاقات رؤسای مزبور نه تنها حمل بر سوء ادب می‌شده، بلکه بی‌احترامی قطعی به نماینده دولت و همچنین رؤسای طوایف در ناحیه مزبور بوده است. برای تشریح قضیه یکی دو مرتبه ملاقاتی که در سال اخیر روی داده برای اطلاع عرض می‌کنم:

(۱) در وهله اولی که سر تپ خان در چند ماه قبل به باشت آمد، پیغامی به شرکت

فرستاد که سخت ناخوش می‌باشد و تقاضا کرد^۱ [که] طبیب شرکت نزد او رفته و او را معالجه کند. قضیه را مأمورین شرکت به نایب عبدالله خان اطلاع دادند و برحسب توصیه و صلاح دید ایشان، طبیب اعزام شد و خود نایب عبدالله خان هم اسکورتی در معیت طبیب روانه کرد.

(۲) هر وقت خوانین کشکولی در زمستان به این ناحیه می‌آیند، درخواست سابق خود را همیشه تجدید کرده و تقاضا می‌کنند که شرکت قرارداد لغو شده با آنها را دوباره تجدید نماید. شرکت مرتباً به آنها جواب داده است که تقاضایشان باید به وسیله مأمورین رسمی دولت به مراکز تقدیم شود. در زمستان گذشته، دوباره این تقاضا تجدید شد و خوانین کشکولی اظهار داشتند که مأمورین نظامی به آنها اجازه داده‌اند که مستقیماً به شرکت مراجعه کنند. شرکت جواب داد که حاضر به ملاقات با آنها بدون حضور مأمورین نظامی نیست و بعد هم که مأمور نظامی حاضر شد، شرکت اظهار داشت که تقاضای آنها باید از مجرای رسمی داده شود. زیرا شرکت دستور قطعی دارد که با آنها روابط مستقیمی برقرار ننماید. بعدها معلوم شد که کلیه قضایا قبلاً بین مأمورین نظامی و خوانین کشکولی طرح شده و قبل از آن که با شرکت داخل مذاکره شوند، در آنجا مطرح بوده است.

(۳) چند ماه گذشته که به حسن خان باوی اجازه داده شد بهبهان را ترک گوید، فوری به گچ کورقلی آمده و اظهار داشت اجازه از فرمانده قوای بهبهان دارد. نزد ما آمده تقاضای تجدید قرارداد را نمود. شرکت از او استفسار نمود که آیا اجازه مزبور کتبی است و اضافه کرد که فرضاً هم اجازه کتبی داشته باشد، مراتب باید به توسط کفیل حکومت خوزستان به طهران احاله داده شود. وقایع شبیه آنچه در فوق ذکر شد، به کرات روی داده و بیشتر عبارات از درخواست معالجه امراض و خرید اشیاء خوراکی بوده است، ولی هیچ وقت تقاضای فوق‌الذکر بدون اطلاع و تصویب مأمورین نظامی

متوقف در ناحیه انجام نگرفته است.

مساعادت به مأمورین نظامی

بعد از آن در مسئله مساعدتی که در ضمن بحران اخیر، بنا به تقاضای مأمورین لشکری و کشوری به عمل آمده است، تحقیقاتی به عمل آورده است و به بنده ثابت شد که تا اندازه [ای] که در قوه نمایندگان شرکت بوده کلیه تقاضاهای ایشان را کاملاً و مجاناً و باکمال سرعت انجام داده‌اند و چند فقره از آن را ذیلاً به عرض می‌رساند:

https://t.me/shenakht_lib

(۱) در موقع وقوع حمله، صاحب‌منصب فرمانده تیپ خوزستان اظهار داشته بود که چنانچه شرکت وسایل نقلیه لازم را تدارک نماید، فوراً عده [ای] قشون امدادیه اعزام خواهد داشت. در همان روز با وسایل نقلیه شرکت یک نفر صاحب‌منصب و پنجاه نفر نظامی از ناصری به گچ کورقلی اعزام شدند و نه اتوموبیل هم از آبادان به پازنون ارسال شد که عده هفتاد نفری نظامی را، در تحت فرمان یک نفر صاحب‌منصب که از عده ساخلو بهبهان مأمور شده بودند، به ناحیه مزبور حمل نمایند. به اندازه حوائج این عده صد و سی نفری و دو نفر صاحب‌منصب در مدت توقف آنها در ناحیه مزبور، وسایل نقلیه به آنها داده شده و نیز مساعادت لازمه در حمل آذوقه آنها از گناوه به میسون و گچ کورقلی به عمل آمده است.

(۲) از تاریخ اشغال باشت، از طرف قشون، مقدار شش و نیم تون با وسایل نقلیه شرکت، از گناوه برای ساخلو باشت به گچ کورقلی حمل شده است.

(۳) برای سکونت ساخلو دائم ابنیه ساختمان شده و در مواقع لازمه چادرهایی نیز زده شده است. برای مزید رفاه و آسودگی نایب عبدالله خان و فامیل مشارالیه یک طبقه دیگر به عمارت مسکونی نماینده قشونی افزوده شده است.

(۴) برای عده [ای] که از ناصری به بهبهان آمده بودند، چادرهایی عاریه داده و کپرهایی بنا شده و با تقاضاهایی که برای تهیه وسایل رفاه آنها می شده موافقت به عمل آمده است.

(۵) با خرج شرکت، هفده برج کوچک ساخته شده و بنا به میل صاحب منصب فرمانده، از طرف نظامیان برای^۱ تفنگچیان اشغال گردید.

(۶) در مواقع امکان، یخ به صاحب منصبان داده شده است. اما تدارک یخ به طور منظمی امکان نداشته، مخصوصاً در میسون که دستگاه یخ سازی آن خیلی کوچک [است] و کافی برای رفع احتیاجات شرکت نیست. تابستان گذشته، دستگاه یخ سازی میسون بزرگتر بود و منظمأ به نایب عبدالله خان یخ مجاناً داده می شد. اما اعضاء به تدریج از میسون منتقل به گچ کورقلی شدند و دستگاه یخ مزبور برداشته شده و دستگاه کوچکتري به جای آن نصب گردید. ظن قوی می رود که چون شرکت نتوانسته است در تابستان امسال یخ به نایب عبدالله خان بدهد، اگرچه به مشارالیه پیشنهاد شده بود که اگر مرکز خود را به گچ کورقلی انتقال بدهد یخ به مشارالیه داده خواهد شد، مشارالیه با حسن جریان عملیات شرکت در ناحیه مزبوره مخالفت نموده است.

(۷) بنا به تقاضای مأمورین قشونی، از طرف آنها، تلگرافات رمز زیادی در گچ کورقلی - میسون و آبادان مخابره و گرفته شده است [ولی] هیچ وقت جز در امور مربوطه شرکت یا برای مأمورین دولت و از طرف آنها تلگرافاتی مخابره و گرفته نشده است.

تلگرافات رمزی که از طرف مأمورین قشونی مخابره می شده است، مستلزم کار اضافی و فوق العاده اعضاء شرکت بوده، معهداً، نظر بر این که نهایت مساعدت ممکنه را نسبت به مأمورین نظامی لازم می دانسته اند، با کمال مسرت و با نهایت سرعت تلگرافات مزبور را گرفته و مخابره می نمودند.

وضعیت فعلی استحقاق وعده مستحفظین کنونی در ناحیه مزبور

چنانچه سابقاً معروض گردید، علاوه بر عده معموله، ساخلو محل مزبور که عبارت از یک نفر صاحب منصب و ده نفر نظامی است، حالیه عده امدادیه که عبارت از دو نفر صاحب منصب و صد و سی نفر نظامی است در محل مزبور اقامت دارند. عده تفنگچی نیز از دو ماه گذشته از ۶۹ نفر به ۱۳۶ نفر افزوده شده است. این افزایش موقتاً لازم بوده، اما امید می رفت، پس از آن که ناحیه مزبور امن شد، یعنی باشت از طرف قشون اشغال گردید در عده مزبور تخفیف داده شود.

شرکت جز آن که حقوق تفنگچی های مزبور را می پردازد، نظارت دیگری بر آنها ندارد و مسئولیت کلیه امور به عهده صاحب منصب نظامی مأمور ناحیه مزبور است. نظر بر این که بودجه شرکت برای تفنگچی ها محدود است، مکرر به نایب عبدالله خان تذکر داده شده که لازم است از عده تفنگچی ها کاسته شود، اما مشارالیه اعتنایی نکرده است. تفنگچی های مزبور از دو محل گرفته شده اند، برای میشون توسط احمدخان کشکولی از کشکولیاها و توسط غلامحسین خان فرزند مرحوم اسدخان از باوی ها برای گچ کورقلی و گچ پوکک، استخدام شده اند. اغلب راپورت می رسد که تفنگچی های اضافی مزبور هر کدام ماهی ۲۰ تا ۳۰ قران می دهند که آنها را سرخدمت نگاهدارند. اما معلوم نیست این پول به کی داده می شود و بالاخره برای چه مصرفی. به علاوه، بدون مراجعه به نماینده شرکت، عده تفنگچی مزبور را تغییر و تبدیل می دهند. مثلاً در ماه مه و ژوئن گذشته از مجموعه عده ۶۹ نفر تفنگچی، ۴۵ نفر آنها را عوض کرده اند. در کلیه مراکز عملیات شرکت معمول است که اسامی اشخاصی که استخدام می شوند، در تاریخ استخدام ثبت شده و در موقع انفصال یا استعفا از خدمت اسم آنها از ثبت خارج می شود. این کار برای آن است که اطمینان حاصل شود اشخاصی که اجرت می گیرند وظایف مربوطه خود را درست انجام می دهند. در ناحیه مزبور به مستر کارتر معاون اداری رییس ناحیه مسئول رسیدگی به این قضیه بوده و البته مواظب بوده است که کار خود را انجام داده و مظنون به غفلت از اداء وظیفه خود نگردد. مشارالیه مکرر از این بی ترتیبی اداره کردن تفنگچی ها به نایب

عبدالله خان اعتراض نموده، اما به اظهارات مشارالیه هیچ گونه اعتنایی نشده تا آن که بالاخره مجبور شده است به آبادان راپورت دهد و این یکی از دلائلی بود که شرکت تقاضا نمود یک نفر صاحب منصب ارشد برای تفتیش به ناحیه مزبور اعزام شود.

کلیات

در موقعی که این جانب مشغول تحقیقات بودم، اطلاع حاصل نمودم که طریقه تأدیة وجه به کنتراچی ها غیر مرتب است. وقتی قراردادی خاتمه می یابد، تأدیة وجه آن همیشه در حضور نایب عبدالله خان انجام می گیرد و مشارالیه امضای کنتراچی را تصدیق می کند. این ترتیب در نواحی دیگر معمول نبوده و در این نواحی، فقط در صورتی که بین کنتراچی و شرکت، اختلافی در خصوص مبلغ تأدیة شده یا طریقه اندازه گرفتن کار اختلافاتی مشهود می گردید، مراتب به مأمورین صالح دولتی احاله می گردید. این طریقه غیر قانونی، ظاهراً در اولین مرتبه در ماه اوت سنه گذشته، در نتیجه اختلافاتی که راجع به طرز اندازه گرفته حاصل شده به موقع اجرا گذاشته شده بود. مع هذا این جانب دستور دادم که در آتیه از اجرای چنین ترتیبی خودداری شود.

این جانب نیز مبهوت شدم و وقتی شنیدم نایب عبدالله خان، به بعضی از مستخدمین عالی رتبه ایرانی شرکت، اظهار کرده بود که عملیات چاههای شرکت را تعطیل نموده بود. زیرا شرکت از دادن یخ به او امتناع ورزیده و بدین جهت مشارالیه خواسته بوده است تولید زحمت و مخارج نماید. یک راپورت محیرالعقول دیگری که نایب عبدالله خان به بهبهان داده این بوده، مستر کارتر تویی ساخته بود به قصد تسلیم به ایلات، ولی مشارالیه آن را توقیف نموده که در تصرف خود نگاهداشته است.

قضیه [ای] که باعث دادن چنین راپورتهای شده به قرار ذیل بوده است:

در ماه رمضان، نایب مزبور یک قطعه لوله دو اینچی از مستر کارتر اخذ نموده و خودش آن را به شکل توپ کوچکی ترتیب داده بود که سحرها در آن باروت ریخته محترق نماید. کمی بعد، مستر کارتر برای انجام مأموریت به بهبهان رفته، از یکی از صاحب منصبان نظامی شنیده بود که راپورتهای بر علیه مشارالیه داده شده و به موجب

آن مشارالیه متهم گردیده که توپ جهت تسلیم به ایلات می ساخته است. مستر کارتر شرح قضیه را توضیح داده، خواهش نمود که به نایب عبدالله خان دستور داده شود توپ را به بهبهان بفرستد تا معلوم شود چیست. بدیهی است هیچ اقدامی در این خصوص به عمل نیامد و همان موقع قضیه خاتمه یافت.

به عقیده این جانب، یکی از دلایلی که اخیراً باعث اتخاذ این رویه اشکال تراشی در کارها از طرف نایب عبدالله خان گردیده، این است که مشارالیه چهارده ماه تمام در آن ناحیه، بدون این که هیچ وقت صاحب منصب ارشدی به بازپرسی و تفتیشات عملیات او بیاید، بسر برده است. معمولاً که مشارالیه مشغولیات زیادی در ناحیه ندارد و مثال انگلیسی ذیل خوب قضیه را توضیح می دهد که می گوید: "همیشه شیطان برای دستهای بیکار عمل بدی تهیه می نماید". به نظر این جانب واضح است که منافع دولت علیه ایران و شرکت، مشترکاً تقاضا و اینجا می نماید که مأمورین نظامی که فقط از نقطه نظر حمایت در مناطق عملیات کمپانی مأموریت می یابند، در فواصل نزدیکی تغییر یافته و غالباً صاحب منصبان ارشد به سرکشی عملیات آنها بروند.

در خاتمه مایل است که این نکته را اظهار نماید که در طی تفتیشات بسیار عمیقی که این جانب از عملیات شرکت و فعالیت مأمورین آن در منطقه گچ کورقلی به عمل آورده^۱، هیچ گاه و در هیچ موقعی کمترین علامتی ندیدم که از طرف مأمورین شرکت خیلی بی احتیاطی در گفتار رخ داده شده باشد که مسبب تقدیم چندین راپورت مهمی از طرف نظامیان به دولت شاهنشاهی شده باشد. به عقیده این جانب، شرکت و کلیه مستخدمین آن، در منطقه مزبور، در یک موقع بسیار مشکل با نهایت متانت و شجاعت رفتار نموده و این رویه باعث حفظ بهترین منافع شرکت و بنابراین باعث حفظ بهترین منافع دولت علیه ایران بوده است.

مخلص باوفای شما

امضاء - ژاکس - مدیر مقیم

سند شماره ۸۰

مکاتبه ژاکس با تیمورتاش در خصوص منافع شرکت نفت ایران و انگلیس در سال ۱۹۲۹ میلادی

طهران ۸ مهرماه ۱۳۰۹

حضرت اشرف عزیزم:

عطف به ملاقات سوم شهر جاری، اینک صورت خلاصه منافع شرکت را برای سال ۱۹۲۹ تقدیم می‌دارم که در روی آن و به موجب آن پرداخت سالی صد هزار لیره برای تمام مدت امتیاز، در ازای معافیت کامل از مقررات قانون فروردین ۱۳۰۹ و مالیات‌های دیگری که جای آن را بگیرد حساب شده است. بصورت مزبور، بنده فرمول طرز حساب کردن مبلغ اضافه مالیات که در اثر افزایش محصول نفت خام پیدا شده و عاید دولت می‌گردد اضافه کرده‌ام. مثلاً اگر محصول نفت خام از پنج و نیم تن که محصول سال گذشته بوده به ده میلیون تن برسد، اضافه مالیات به همان نسبت زیاد خواهد شد.

حضرت اشرف ملاحظه خواهید فرمود که بر طبق فرمول ذیل عاید دولت به قرار ذیل خواهد بود.

$$\frac{۱۰/۰۰۰/۰۰۰}{۵/۵۰۰/۰۰۰} \times ۱۰۰/۰۰۰ = ۱۸۲/۰۰۰ \text{ لیره}$$

با تقدیم احترامات فائقه

ارادتمند ژاکس

حضور محترم حضرت اشرف اعظم آقای وزیر دربار پهلوی دامت شوکتہ - طهران

سند شماره ۸۰/۱

عملیات ۱۹۲۹

معادن

محاسبات شرکت استخراج اولیه
 عوایدی که حساب حق سهم
 دولت از روی آن پرداخته شده
 منهای حق سهم دولت
 مبلغی که باید مالیات عایدات را پردازد

مالیات	۱/۵۶۳/۰۰۰	۲۵۰/۰۰۰
۵۲/۵۰۰	۱/۳۱۳/۰۰۰	

فروش در ایران

منافعی که تخمین شده

۲/۲۰۰	۵۵/۰۰۰	
-------	--------	--

خط لوله (رجوع شود به ملاحظات ذیل)

منافع از قرار هر تن شش پنس برای

۵/۵۰۰	۱۳۷/۵۰۰	۵۵/۵۰۰/۰۰۰
-------	---------	------------

تصفیه (رجوع شود به ملاحظات ذیل)

منافع از قرار هر تنی چهار پنس برای

۳۱/۲۰۰	۷۸۰/۰۰۰	۳/۹۰۰/۰۰۰
--------	---------	-----------

۹۱/۴۰۰

ملاحظات

الف- ارقام مذکوره در فوق قریب به ارقام حقیقی و کسور حذف شده است.

ب - منافع خط لوله و تصفیه خانه منافع خالص است، یعنی مقدار نفت سوختنی که دوباره از تصفیه خانه به چاهها فرستاده شده و متضمن خرج بوده و عایدی آور نبوده است، در جزو آن منظور نشده است.

ج - منافع تنی شش و چهار پنس که برای خطوط لوله و تصفیه خانه ذکر شده، عبارت از تخمین منافی است که اگر عملیات مزبور از طرف شرکت دیگری تأسیس می شد و به موجب کنترات ممتدی برای شرکت نفت انگلیس و ایران عملیات مزبور را انجام می داد، این مقدار عایدش می گردید.

https://t.me/shenakht_lib

سند شماره ۸۱

سواد قرارداد منعقدہ بین وزارت مالیه و شرکت نفت در خصوص مالیات وارده بر عواید خالص شرکت نفت ایران و انگلیس

قرارداد

بین وزارت مالیه دولت شاهنشاهی ایران از یک طرف و شرکت نفت انگلیس و ایران محدود، نمایندگی مستر تماس لارینگتن ژاکس، مدیر مقیم آن در طهران که از طرف هیئت مدیره شرکت دارای اختیارات لازمه می باشد از طرف دیگر.

نظر به ماده دوم قانون مصوبه فروردین ۱۳۰۹ که مالیاتی بر عواید خالص شرکت های انتفاعی و کارخانجات حاصله از عملیات یا محصولات به دست آمده در ایران وضع نموده است.

نظر به این که تفکیک عواید خالص به دست آمده از ایران، از سایر عواید، جهت شرکت نفت انگلیس و ایران دشوار است - و بالاخره نظر به این که تعادل بودجه مملکتی ایران از یک طرف و حُسن اداره امور شرکت مزبور از طرف دیگر ایجاب می کنند که سهمیه شرکت مزبور، از بابت مالیات بر عواید شرکت ها، بر روی ارقام

مسلمی تثبیت شوند، قرارداد ذیل منعقد می‌گردد:

ماده اول - از ابتدای سال ۱۳۰۹ تا انقضای امتیازنامه معروف به داری، مالیاتی که به موجب قانون فروردین ۱۳۰۹ فوق‌الذکر، بر عهده شرکت نفت انگلیس و ایران قرار می‌گیرد و مطابق شرح ذیل به طور مقاطعه و به نسبت مقدار نفت خام استخراج شده از معادن ایران پرداخته خواهد شد، مادامی که میزان استخراج نفت خام در سال معادل با پنج میلیون و نیم تن یا کمتر باشد، مالیاتی را که شرکت مزبور می‌پردازد، در هر سال، معادل با یک صد هزار لیره انگلیسی طلا خواهد بود. ولی چنانچه در یک سال میزان استخراج نفت خام از پنج میلیون و نیم تن در سال تجاوز کند، از برای هر مقدار اضافه، از قرار هر یک هزار تن علاوه بر یک صد هزار لیره فوق مالیات پرداخته خواهد شد.

ماده دوم - پس از تأدیة مبلغ مذکور در فوق، شرکت نفت انگلیس و ایران، از تسلیم اظهارنامه و تأدیة مالیات مقرر در ماده دوم قانون مصوبه ۱۳۰۹ و یا هر مالیاتی که قائم مقام قانون مزبور باشد و یا هر مالیات جدیدی از این قبیل که بعدها وضع شود، به کلی معاف خواهد بود.

ماده سوم - میزان مالیاتی که شرکت به موجب این قرارداد خواهد پرداخت، جز آنچه در ماده اول فوق پیش بینی شده، تغییری نخواهد کرد، اعم از این که در مدت اعتبار این قرارداد، حداکثر نرخ مالیات بر عواید خالص شرکت‌ها از صدی ۴ کنونی زیادتر یا کمتر شود.

ماده چهارم - این قرارداد در صورتی قابل اجرا خواهد بود که قبل از تاریخ به تصویب مجلس شورای ملی رسیده باشد.

در طهران در تاریخ در دو نسخه تنظیم و یک نسخه به هر یک از امضاکنندگان تسلیم می‌شود.

۸ مهر [۱۳۰۹] مذاکره با مستر جکس

ماده سوم غیر قابل قبول است.

سند شماره ۸۲

مکاتبه کورت لیندن بلات با شرکت نفت انگلیس - ایران، در خصوص
معافیت آن شرکت از تعهدات ماده ششم قانون ۳۱ تیر راجع به
واردات کالا

کمیسیون اسعار خارجه

شماره ۴،۴۹۷۲، نوامبر ۱۹۳۰ <https://t.me/shenablib>

شرکت نفت انگلیس - ایران

طهران

آقایان:

در جواب نامه شماره A4/4532 مورخه ۲۸ اکتبر، افتخار دارم به اطلاع حضرت عالی
برسانم که این کمیسیون شما را از تعهدات ماده ششم قانون ۳۱ تیر تا وصول مبلغ
۲۵۰۰۰ لیره در ماه برای واردات کالاهای مندرج در فهرست کالا معاف می دارد. مبلغ
یاد شده به جای ۷ هزار لیره استرلینگ در ماه می باشد و موضوع نامه شماره ۲۵۴۸
مورخه ۹ اوت گذشته نیز می باشد.

مسلم است این واردات جهت رفع نیاز مندیهای آن شرکت محترم و کارکنان آن انجام
می پذیرد.

با تقدیم احترامات عالییه

کمیسیون اسعار خارجه

لیندن بلات

یک نسخه از این نامه به اداره کل گمرکات، جهت اطلاع ارسال گردید.

سند شماره ۸۳

مکاتبه میرزا عیسی خان فیض با وزارت مالیه در خصوص عواقب نظام مالیاتی ایران بر عواید خالص کمپانی نفت جنوب، به انضمام مکاتبه مک لین تاک با میرزا عیسی خان فیض در این زمینه

۴۴ لکزهام گاردنس W.B

https://t.me/shenakht_lib

نمره ۶۶۷، تاریخ ۶ دی ماه ۱۳۰۹، محرمانه، لندن، ضمیمه دو طغرا

وزارت جلیله مالیه

تعقیب مرقومه شریفه و ضمایم آن تحت نمره ۳۴۶۶۵ مورخه ۱۳۰۹/۹/۲۶، راجع به ماده دوم قانون مالیات شرکتها و تجارت و غیره مصوب ۱۲ فروردین و مذاکرات اولیای دولت علیه بانمایندۀ کمپانی نفت انگلیس و ایران مقیم طهران، که نظریۀ بنده را استفسار فرموده بودند، خاطر محترم را مستحضر می‌دارد: فصل هفتم امتیازنامه داری صریحاً می‌گوید: «تمام محصولات آنها که به خارجه حمل شود، از هر نوع مالیات و عوارض در مدت این امتیازنامه معاف خواهد بود.» در ابتدای رقیمه فوق‌الذکر مرقوم داشته‌اید که بدو کمپانی متوسل به مندرجات فصل مذکور شده خود را از تأدیه مالیات معاف می‌دانست، «ولی دولت متقاعد نشده‌النج»، خوب بود مرقوم داشته بودید که دولت چه ادله و براهین قاطعی در رد اظهارات کمپانی اقامه فرموده‌اند، تا به اطلاعات بنده افزوده شده از روی کمال بصیرت و با ملاحظه تمام اطراف و جوانب مسئله اظهار عقیده و رأی کنم. به هر حال چون اجتهاد در مقابل نص جایز نیست، لهذا بدون تردید عرض می‌کنم که به موجب فصل هفتم فقط دولت می‌تواند از عایدات خالص فروش محصولات کمپانی، در قلمرو مملکت، مالیات

عایدات مطالبه نماید و بس، زیرا محصولات آنها که به خارجه حمل شود، از هر نوع مالیات و عوارض معاف است.

فرض کنیم که مندرجات فصل هفتم گنگ و مبهم است. تصدیق خواهید فرمود که دولت علیه به تنها حق تعبیر و تفسیر آن را ندارد. چنان که این حق از کمپانی هم به موجب فصل هفدهم امتیاز نامه سلب شده است و طرفین ملزمند^۱ که رفع اختلاف را در تأویل و ترجمه امتیاز نامه، از طریق ارجاع به حکمیت، فیصله دهند و بنده قطع دارم که اگر مابه الاختلاف به حکمیت مراجعه شود، بلاشک و شبهه رأی حکم بر علیه دولت خواهد بود.

ماده دوم جمله (ب) قانون مالیات بر عایدات به عقیده شخصی بنده تعقید دارد و مقصود کاملاً روشن نیست، ولی عقیده سیر و یلیام مک‌لین تاک که در این فن سرآمد عصر خود می‌باشد، این است که مقصود فقط عایداتی است که در ایران به دست آید. و آنچه دلیل دارد که مقنن دو جمله الف و ب را از یکدیگر متمایز کرده است. راجع به مندرجات مرقومه محترمه قبلاً یک مجلس با مک‌لین تاک مفصلاً مذاکره نموده، سپس نکات برجسته آن را در ضمن مراسله [ای] که سواد آن لفاً تقدیم می‌شود، به مشارالیه خاطر نشان نموده، تقاضای جواب نمود [م]. سواد جوابی که محرمانه فرستاده است، از لحاظ محترم خواهد گذشت و از چگونگی مسائل کاملاً مسبق خواهند شد.

این که کمپانی اظهار داشته است: برای پنج میلیون و نیم تن نطف خام یک صد هزار لیتره به طور مقطوع مالیات عایدات بپردازد و بعدها هم هر مقدار نطف خام زیاده‌تر استخراج کند به همان تناسب به میزان مبلغ بیافزاید، این تقاضا و پیشنهاد کمپانی به هیچ وجه پذیرفتنی نیست. زیرا ما نمی‌دانیم عایدات خالص عملیات آنها در قلمرو مملکت ایران چیست. زیرا صورتی که داده‌اند به اعتراف و اقرار خودشان دلخواه و مصنوعی است. پس دولت نمی‌تواند آن را مأخذ و مبنا قرار دهد. وانگهی افزایش کمیت نطف خام نسبت به عایدات یکسان و یک میزان نیست. بلکه ممکن بل محتمل

است، عایدات چندین برابر اضافه شود. (محض محسوس شدن این نکته، مراجعه فرمایید به ۹ سطر آخر صفحه پنجاهم و ابتدای صفحه هفتادم [Schedule h.i] ستون هفتم دست راست از راپرت مک‌لین تاک، ضمیمهٔ قرارداد ارمیتاج اسمیت.) همچنین رجوع فرمایید به جواب مک‌لین تاک، ضمیمهٔ نمره ۲ این معروضه، پنج سطر آخر صفحه ۳ و سه سطر ابتدای صفحه ۴.

پس برای این که تخمیناً معلوم کنیم که عایدات کمپانی در ایران به چه مبلغ بالغ می‌شود و به طوری که مک‌لین تاک پیشنهاد می‌کند، ناچار باید با کمپانی قرارداد مخصوص منعقد نمود که عایدات هر یک تُن نفت خام و حمل آن به وسیلهٔ لوله و تصفیهٔ آن در آبادان معین شود و به تناسب افزایش کمیت نفت خام و گرانی و ارزانی مواد مشتقه قابل قبض و بسط باشد که در مواقع مقرر آن را کاست یا افزود، به اصطلاح [Sliding scale] باشد. یا این که از تمامی و همگی مجموع عایدات کمپانی یک قسمت آن را به وسیلهٔ محاسبه دقیق، به رضایت طرفین، به تناسب صحیحی عایدات خالص حاصله در ایران قایل شده و از آن قرار مالیات مطالبه نمود.

راجع به صورت تقدیمی کمپانی از عایدات خود در ایران که مقرر فرموده بودند در ارقام آن دقت، نموده صحت و سقم آن را معروض دارد به طوری که در فوق اشاره شد، سرجان کدمن و سایر رؤسای شرکت به این مسئله کاملاً مقرر و معترف‌اند که این صورت من‌عندی و فرضی و مصنوعی است و مقرون به صحت نمی‌باشد. توضیح آن که نفت خام در داخلهٔ ایران و کنار خلیج فارس بازار و خریدار ندارد. یعنی رقیب و مشتری دیگری در آنجا نیست، اما شرکت فرست اکسپلورتیشن سالی شش میلیون نفت خام استخراج می‌کند! پس با نفت خود چه می‌کند؟ آن را به شرکت نفت انگلیس و ایران در سرچاه می‌فروشد، ولی این دو شرکت در معنی و نفس الامر یکی هستند و تابع یک اداره می‌باشند. اما به ملاحظاتی چند که عجلهٔ از موضوع این راپرت خارج است، برحسب ظاهر، اسامی مختلف و دفتر و دستک علیحده و جداگانه دارند. پس ظاهراً کمپانی اصلی که شرکت نفت انگلیس و ایران باشد، از کمپانی فرعی که فرست اکسپلورتیشن است، نفت خام را به هر قیمتی که دلخواه خودش باشد خریداری می‌کند. بدین معنی که نفت خام متعلق به خود را از خود به ثمن بخش به طور

مصنوعی ابتیاع نموده، از کیسه چپ به کیسه راست می‌ریزد!! چنان‌که اگر به راپرت مک‌لین تاک، ضمیمه قرارداد آرمیتاج اسمیت، صفحه ۴۷، سطر چهارم به بعد مراجعه فرمایند، ملاحظه خواهند فرمود که قیمت هر یک تن نفت خام به شرکت فرست اکسپلویژن از یک شلینگ و هشت پنس الی دو شلینگ و نیم زیادتر پرداخت نشده و حال آن‌که در آن موقع قیمت واقعی نفت خام در بازار دنیا شاید متجاوز از دو لیره بوده است!!

لذا عایدات شرکت فرست اکسپلویژن صورت خارجی ندارد، بلکه حساب‌سازی و مصنوعی و فقط برای نگاهداشتن ظاهری دفاتر است و بس و بدین دلیل صورت تقدیمی کمپانی را به هیچ وجه نمی‌توان مأخذ و مدرک مالیات عایدات قرار داد و از همین نقطه نظر است که کمپانی می‌خواهد مبلغی به طور مقطوع پردازد و خود را خلاص کند!!!!

در اینجا لازم است عرض کنم که این طرز محاسبه مصنوعی بین شرکتین اصلی و فرعی راجع به صدی شانزده حصه دولت از عایدات کل خالص کمپانی نفت انگلیس و ایران اثری ندارد و اگر مجدداً نیرنگی نریزند، زیانی نمی‌رساند. چرا؟ به واسطه این که هر معامله [ای] که کمپانی مزبور بکند، بالاخره نتیجه آن در دفاتر محاسبه جمع و خرج کل در لندن ثبت خواهد شد و دولت شانزده درصد حق خود را مطالبه کرده مأخوذ خواهد داشت، زیرا دولت با شرکت‌های فرعی که فعلاً عده آنها در اطراف و اکناف دنیا از بیست متجاوز می‌باشد و بهره آنها همه ساله افزوده می‌شود، طرف نیست و در کیفیت معاملات آنها با یکدیگر مگر در موارد مستثنی، چون و چند نمی‌کند.

طرف دولت فقط شرکت اصلی نفت انگلیس و ایران است و بس. به دلیل آن‌که شرکت‌های فرعی منافع واقعی خود را باید به او پردازند. پس بدین لحاظ اگر برای صورت ظاهر و فقط محض نگاهداری دفاتر، نفت خام را از شرکت فرعی اسماً هر یک تن یک شاهی و یا یک دینار خریداری کند و یا این‌که ابداً عنوان خریداری در میان نباشد، از نقطه نظر شانزده درصد عایدات خالص به دولت ضرری متوجه نمی‌شود.

احتساب شانزده درصد دولت از کل عایدات خالص کمپانی نفت انگلیس و ایران عجله بر طبق قرارداد آر میتاج اسمیت است. ولی محاسبه عایدات کمپانی در قلمرو مملکت ایران، برای تعیین مالیات عایدات، با حساب مذکور خیلی تفاوت و تباین دارد و بایستی، با موافقت بین الاثنین، قرار مخصوصی در این باب داده شود و این مسئله به طوری که در مراسله جوابیه سرویلیام مک‌لین تاک بدان اشاره شده، باید از روی کمال دقت انجام یابد و مدتی وقت لازم دارد.

مقرر فرموده بودند به وسیله مذاکره با مطلعین و متخصصین، معلوم نماید، سایر دول در این موارد چه ارقامی را پایه مالیات قرار می‌دهند و دولت ایران مطابق قانون ۱۲ فروردین چه مبلغ باید از کمپانی دریافت دارد. جواباً تصدیع می‌دهد که توضیح این مسئله تا اندازه‌ای در مراسله جوابیه سرویلیام مک‌لین تاک مندرج است و از مراجعه دیگران، ارقام و مبلغ معلوم نخواهد شد و آنها فقط به ذکر رئوس مسائل و اصول مسلمه اکتفا خواهند کرد و متضمن مخارج گزاف و مدتی صرف وقت بیهوده خواهد بود. راه حل منحصر است به این که قبلاً کمپانی نفت انگلیس - ایران را متقاعد نمود که مقصود از جمله (ب) ماده ۲ قانون دوازدهم فروردین چیست و آیا با فصل هفتم امتیازنامه داری مطابقت می‌کند، یا اختلاف دارد. بدین معنی که مالیات بر تمام عایدات خالص کمپانی من حیث المجموع تعلق می‌گیرد، یا فقط به یک قسمت آن در ایران. در شق ثانی، تناسب آن یک قسمت با مجموع عایدات چه باید باشد. بعد که این مسئله محرز شد و طرفین متفق شدند، آن وقت باید طریقه مخصوصی برای اخذ مالیات عایدات که در ایران سابقه ندارد اتخاذ کرد و مبلغ آن را تعیین نمود.

[امضاء:] عیسی فیض

[حاشیه راست:] به عرض برسد. ۱۳۰۹/۱۰/۲۲

سند شماره ۸۳/۱

44.B. Lexham Gardens

w.8

۲۳ دسامبر ۱۹۳۰^۱، محرمانه است
حضرت اجل میرزا عیسی خان فیض
عالی جناب:

عطف به نامه مورخه دهم ماه جاری، درباره شمول مالیاتی کمپانی فرست اکسپلویتیشن با مسئولیت محدود و کمپانی نفتی ایران - انگلیس با مسئولیت محدود، مربوط به پرداخت مالیات بر عایدات به ایران، تحقیق شد؛ قانون مالیات بر عایدات ایران هم مورد مذاقه قرار گرفت. برای این مسئله توصیه می‌کنم که کمپانیهای فوق‌الذکر اصولاً مطابق ماده دوّم (b) مشمول مالیات گردند. ضمناً از بررسی خلاصه منافع کمپانی نفتی ایران - انگلیس روشن می‌شود که محاسبه آنها در مورد شمول مالیاتی برای هر دو کمپانی، بر عملیات آنها در سنه ۱۹۲۹ مبتنی بوده و افزون بر آن شمول مالیاتی آتی هم بر پایه تولید سالانه به میزان ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ تن گذارده شده است. نظریاتم راجع به موارد خاصی که عالی جناب برای مطالعه ایفاد فرمودید، به قرار زیر است:

۱- معتقدم که شمول مالیات بر عایدات ایران در مورد هر دو کمپانی بایستی به عایدات حاصله آنها در قلمرو ایران منحصر گردد. نه تنها به استناد ماده دوّم (b): «...» آنها به ازای عایدات خالص حاصله از عملیات یا محصولات تولیدی در قلمرو مملکت ایران، مشمول مالیات می‌گردند»، بلکه تجربه شخصی بنده از نحوه پرداختن به این مسئله در جمله کشورهای عمده عالم باعث گردید به این نتیجه نایل شوم. در ایران و آمریکا و به طور کلی در هر کشوری که قانون مالیاتی به عایدات حاصله - بخشی در داخل و بخشی در خارج از کشور - مربوط می‌شود، هیچ تلاشی جهت

اخذ مالیات از کل عایدات حاصله از خرید یا تولید محصول در کشور و فروش آن در کشور دیگر بعمل نمی‌آید، مگر آنکه کل عملیات مرتبط با محصول تولیدی، از خرید یا تولید آن گرفته تا فروش، بطور مستقیم تحت هدایت، نظارت و مدیریت شخص یا اشخاص مقیم در کشور مالیات گیرنده قرار گیرد. چنین موردی شامل شرکتی می‌گردد که در آن کشور ثبت گردیده باشد و چنین شرکتی مشمول ماده دوّم (a) مندرج در قانون مالیات بر عایدات ایران می‌شود و بر کل عایدات حاصله در خاک آن کشور مالیات وارد می‌گردد.

هیچکدام از کمپانی‌های فرست اکسپلوریشن و نفط ایران - انگلیس در ایران ثبت، کنترل یا اداره نمی‌شوند، در نتیجه آنها مشمول ماده دوّم (b) می‌گردند و بنده بر این عقیده‌ام که این ماده بین دو نوع کمپانی از نظر مالیاتی تمایز روشنی قایل می‌شود. کمپانی‌هایی که در ایران ثبت گردیده، به ازای کلیه عایدات آنها مالیات مطالبه می‌گردد و کمپانی‌هایی که در خارج از ایران ثبت شده‌اند مالیاتی که برای آنها منظور می‌شود صرفاً به عایدات خالص حاصله از عملیات یا محصولات تولیدی آنها در ایران محدود می‌گردد. تمایز بین کمپانی‌های مشمول بند a ماده دوّم و بند b ماده دوّم تنها به این معناست که کمپانی‌های مشمول بند b ماده دوّم، مشمول مالیاتی می‌شوند که کمی کمتر از مالیات فرضی بر کل عایدات آنهاست و گرنه هر دو کمپانی بدون تمایز مشمول بند a ماده دوّم می‌گردند. مطابق موارد فوق، بر این عقیده‌ام که عبارت «عایدات خالص حاصله از عملیات یا محصولات تولیدی آنها در قلمرو مملکت ایران» منظور عایداتی است که مستقیماً از عملیات آنها در ایران تا زمان حمل محصولات به خارج حاصل می‌شود.

بندهای a و b ماده دوّم: با توجه به این مسئله که آیا عایدات کمپانی فرست اکسپلوریشن از فروش نفط به کمپانی نفتی ایران - انگلیس و عایدات کمپانی نفتی مذکور از نصب خطوط لوله و پالایش در مملکت ایران که در صورت خلاصه منافع نشان داده شده از لحاظ تجارتي مطلوب واقع می‌شوند یا نه، شخصاً معتقدم که ادله محمول بر صحت معلوم می‌دارد که عایدات مندرجه در صورت خلاصه منافع شرکت نفتی ایران - انگلیس، حاصله از عملیات در قلمرو ایران، نظر به عایدات

حاصله دو کمپانی از تمام عملیات سنه ۱۹۲۹ نمی تواند به لحاظ تجارت مطلوب باشد. در عین حال، شخصاً در مقامی نیستم که بدون دسترسی به تحقیقی مفصل و کامل از عملیات و حسابهای دو کمپانی تبیین کنم که عایدات مطلوب تجاری حاصله از عملیات در قلمرو ایران کدام است. تعریف «عایدات» موضوعی است که بایستی دقیقاً مورد توجه قرار گیرد، زیرا جدا از مسئله تناسب مطلوب عایدات و عملیات در ایران، عایداتی که به منظور احتساب مالیات بر عایدات مد نظر است ضرورتاً همان عایداتی نیستند که در صورت حسابهای کمپانیها منظور و یا به منظور احتساب حق الامتیاز تنظیم می گردند. به عقیده من با نظر به آینده، عایدات متناسب با عملیات در قلمرو مملکت ایران تا حدودی به عایدات حاصله از کل عملیات دو کمپانی بستگی دارد و منفعت به ازای هر تن نفت تولید و تصفیه شده در این کشور را نمی توان به خاطر تولیدات متفاوت و قیمت‌های متغیر محصولات تصفیه شده ثابت فرض کرد.

علی الظاهر چنین دیدگاهی شالوده صورت منافع کمپانی نفتی ایران - انگلیس را تشکیل می دهد. بمنظور احتساب منفعت به ازای تن، چنانچه روش محاسبه مورد توافق باشد مشکلی از بابت ارقام پدید نمی آید.

(C) با توجه به مشکلات فوق الذکر پیشنهاد می نمایم که ساده ترین و کارآمدترین روش جهت محاسبه عایدات حاصله از عملیات در ایران این است که با کمپانی ایران - انگلیس در مورد ارایه مقیاس متغیر (sliding scale) جهت تعیین نرخ منفعت به ازای هر تن نفت (a) تولید شده (b) حمل شده از طریق خط لوله و (c) تصفیه شده، در ایران توافق گردد. مقیاس مذکور بایستی مطابق با محصولات متفاوت و قیمت‌های متغیر محصولات تصفیه شده تنظیم گردد. بطور متناوب، منفعت حاصله از هر کدام از عملیات فوق را می توان به عنوان نسبتی مقبول در برابر کل عایدات محاسبه کرد. چنین عایداتی در موارد مورد توافق قابل تعدیل خواهند بود.

(۳) نکته سوم به نحوه عمل مابین سایر دول خارجه و کمپانی‌های متعدد تصفیه و تولید نفت، از لحاظ مالیات بر عایدات و مالیات مضاعف، مربوط می شود. در این باب، لازم است تحقیقات معتناهی در مورد کمپانی‌های نفتی دیگر که در سایر

ممالک عملیات متعددی انجام می‌هند به عمل آید تا از نحوه تأدیه مالیات آنها اطمینان حاصل گردد. در این مملکت و در آمریکا و فکر کنم بطور کلی، عایدات حاصله از عملیات در هر کدام از ممالک (به غیر از ممالکی که کلیه عملیات کمپانیها در آنها اداره و کنترل می‌شود) همان عایداتی هستند که از طریق صورت حسابهای شعب یا کمپانی‌های فرعی در کشور مورد نظر محاسبه می‌شوند، به شرط آنکه نرخ قیمت خرید و فروش کالاها بین آنها قابل تردید و کاذب نباشد. چنانچه مصنوعی بودن قیمت، محل شک و تردید واقع گردد، کارگزاران مالیاتی دارای اختیاراتی هستند که به منظور حصول به منفعت واقعی یا معقول حاصله از عملیات کمپانی در مملکتی خاص، اقدام به تعدیلهایی بنمایند که به نظر آنان لازم است.

در این کشور چنین تعدیلهایی کلاً بر اساس تقسیم متناسب عایدات حاصله از کل عملیات کمپانی یا مؤسسه مادر و یا عموماً مبتنی بر نرخ متعارف منفعت یا سرمایه برگشتی مربوط به صنایع ویژه می‌باشد؛ کما اینکه در آمریکا به منظور تخصیص منافع به عملیات مختلف کمپانی، فرمول پیچیده‌ای مورد استفاده است که هم در آمریکا و هم در ممالک خارج از آن کشور بکار گرفته می‌شود.

بطور کلی، با ملاحظه مالیات مضاعف در بین ممالک مختلف، مالیات تأدیه شده در یک کشور به عنوان عامل تقلیل یا تقابل برای مالیات پرداختی در مملکت دیگر، مجاز تشخیص داده نمی‌شود. معهداً مالیات پرداختی در یک کشور قابل کسر از عایداتی است که در کشور دیگر بر آنها مالیات بسته می‌شود. بنابراین، مالیات بر عایدات انگلیس که توسط کمپانی فرست اکسپلوریشن و کمپانی نفتی ایران و انگلیس تأدیه می‌گردد، از عایداتی که در ایران هم مشمول مالیات می‌شوند کسر می‌گردد تا مالیات بر عایدات ایران بدست آید.

بطور مشابه برای محاسبه مالیات بر عایدات انگلیس، مالیات بر عایدات ایران را از عایداتی که در انگلیس مشمول مالیات می‌شوند می‌توان کسر نمود. در آمریکا به کمپانی‌هایی که در آنجا ثبت می‌شوند اجازه داده می‌شود که مالیاتهای خارجی را به عنوان جبران در تأدیه مالیاتهای آمریکا بکار گیرند، آنهم به نسبتی که عایدات خارجی با کل عایدات برقرار می‌سازند. بنابراین، چنانچه عایدات خارجی یک کمپانی

آمریکایی یک سوم کل عایدات آن باشد، صرفاً ثلث مالیات خارجی به عنوان عامل جبران کننده و تعادلی در برابر مالیات آمریکا مجاز شناخته می شود. چنین معافیتهایی فقط در مورد کمپانی هایی معنی پیدا می کند که در آمریکا به ثبت رسیده باشند و چون کمپانی فرست اکسپلورتیشن و کمپانی نفتی ایران - انگلیس در ایران ثبت نگردیده اند، بنابراین برای تعیین این که چه سهمی از مالیات بریتانیا به عنوان جبران یا کسر برای تعیین مالیات بر عایدات قابل پرداخت در ایران منظور می شود، نمی توان مقایسه ای بین دولتین ایران و آمریکا انجام داد.

در مورد ممالک متشکله امپراطوری بریتانیا، معمولاً گفته می شود که مالیات پرداخت شده در یکی از ممالک اعتباری است در مقابل مالیات بر عایدات مشابه در کشور دیگر، البته تابع محدودیتهای معینی می باشد. در اینجا هم نمی توان مقایسه ای بین موقعیت ایران و ممالک خارجه بعمل آورد.

همانطور که مستحضرید، به منظور دست یابی به روشی منصفانه جهت محدود کردن شمول مالیاتی به یک کشور و بنابه بررسی های به عمل آمده در مورد محل قانونی، ثبت، کنترل و وضعیت مالکیت در حال حاضر، مسئله مالیات مضاعف در کلیت خود توسط جامعه ملل، تحت بررسی می باشد. تعلیمات بیشتر دولت علیه ایران در این زمینه مشوقی خواهد بود در پیمودن گامهای بعدی که خواهیم برداشت.

ارادتمند شما

[امضاء: ویلیام مک لین تاک]

سند شماره ۸۴

مکاتبه گرینهوس با وزارت دربار در خصوص مخارج حمل و نقل و توزیع نفت و مصرف بنزین و نفت در ایران

حضرت اشرف:

عطف به تقاضای شفاهی عالی، افتخاراً یادداشتی به طور کلی راجع به بازار مواد نفتی در ایران، محض اطلاع محرمانه حضرت اشرف، تقدیم می‌دارد. در ضمن مذاکرات سابقه، چنین اظهار تمایل فرمودید که تخفیفی در قیمت مواد نفتی داده شود، اما در صفحه ۲ یادداشت ضمیمه ملاحظه خواهند فرمود که حد متوسط عایدی نفت در تصفیه خانه آبادان، گالونی ۰/۱۲۵ قران است و مخارج تولید و نقل در لوله و تصفیه نیز باید از این مبلغ کسر گردد و از این رو واضح می‌گردد که نه تنها محلی برای انجام امر و مقصود عالی باقی نمی‌ماند، بلکه به قیمت حالیه، فروش نفت در حقیقت ضرر دارد.

نرخ کرایهٔ حمل و نقل از جنوب خیلی گران است و تقریباً صدی ۴۸ مبلغ قیمت جنس که در طهران به فروش می‌رسد، عبارت از مخارج بار کردن و پیاده کردن و کسر نشتی است و با قیمت نازلی که نفت در طهران به فروش می‌رسد، صدی ۹۷ نرخ جاری این محصول وطنی در طهران عبارت از مخارج بار کردن و پیاده کردن و کسر نشتی آن است.

بنابراین به خوبی مفهوم می‌گردد که عامل عمدهٔ تعیین قیمت نفت وطنی، در نقاطی که فاصله زیادی با آبادان دارد، مخارج حمل و نقل است و تأثیر این عامل در قیمت به نسبت بعد مسافت محل مصرف، از محل تولید و عرضه زیادتر می‌گردد. مثلاً به اندازه [ای] که حمل نفت از آبادان به رشت یا تبریز مخارج برمی‌دارد، به همان اندازه تأثیر آن در تعیین قیمت نفت در دو محل مزبور بیشتر است. انتخاب دو شهر مزبور برای نمونه از این نقطه نظر است که در دو نقطهٔ مزبور محصولات نفتی زیاد به مصرف می‌رسد. تناسب مخارج کرایه باقیمت‌های جاریهٔ بنزین از قرار شرح ذیل است:

در رشت . . . صدی ۴۸

در تبریز . . . صدی ۶۸

تناسب کرایه باقیمت‌های جاری نفت به شرح ذیل است:

در رشت . . . قیمت جاری نفت کمتر

از مخارج کرایه آن
از آبادان است.

در تبریز ۹۸ صدی

از تابستان ۱۹۳۰ که این شرکت کنترات‌های مساعدی برای حمل و نقل منعقد نموده و تناسب فوق مبنی بر نرخهای کنترات‌های مناسب مزبور است، باز نرخ کرایه تا طهران قریب به ۲۰ صدی ترقی نموده و به سایر نقاط نیز قریب به همین میزان بالا رفته است.

برای آن که مخارج سنگین حمل و نقل را بهتر مجسم سازد، صورت ذیل تقدیم می‌گردد:

https://t.me/shenakht_lib

نرخ کرایه و وسایل نقلیه موتوری از پهلوی تا طهران هر تونی ۳۴۰ قران
نرخ کرایه از آبادان به طهران از طریق خرم‌آباد هر تونی ۹۰۰ قران
نرخ کرایه از آبادان به طهران از طریق راه آهن عراق و کرمانشاه هر تونی ۹۰۰ قران

از صورت فوق واضح می‌گردد که برای هر یک از مواد نفتی وطنی یا مواد نفتی خارجی که به ایران وارد می‌شود، منطقه‌های با صرفه معینی موجود است که می‌توان مواد نفتی را به قیمت‌هایی که برای عامه نهایت درجه با صرفه باشد، در آن مناطق وارد نمود و نظر به مسافت مختصری که قسمت شمال به مراکز مصرف کننده زیاد مواد نفتی و نواحی اطراف تبریز و رشت و قزوین و طهران و مشهد و نیز به متناهیه قسمتهای شمالی فلات مرکزی ایران دارد، مواد مزبور از شمال به نقاط مزبور ارزانتر وارد می‌شود. به علاوه، عوامل تجارتي دیگری از حیث صادرات در این مسئله دخیل است و موضوع صادرات نیز به این نکته کمک می‌کند و نرخ کرایه را از رشت ارزانتر از نرخ کرایه جنوب می‌نماید.

تلواً نقشه فرعی از ایران نیز تقدیم می‌دارد. در نقشه مزبور مناطق با صرفه توزیع هر یک از نقطهای وطنی و نقطهای خارجی که به ایران وارد می‌شود، نشان داده می‌شود. ناحیه واقعه در جنوب خط قرمز، ناحیه باصرفه فروش بنزین وطنی و ناحیه واقعه در

جنوب خط آبی، منطقه با صرفهٔ فروش نفت و طنی را نشان می‌دهد. در صورتی که لازم شود فروش نفت و طنی را در منطقهٔ بی صرفه توسعه داد، مخصوصاً باید ناگزیر قیمت نفت را ترقی داد و تا حدی که مربوط به مصالح و منافع عامه مصرف کنندگان است، ظاهراً به وسیله نفت خارجی که وارد مملکت می‌شود، احتیاجات آنها در نواحی شمالی ارزانتر و با صرفه‌تر برآورده می‌شود و برای تأیید این عرض مشغول تدارک صورت و ارقامی است که قضیه را به خوبی روشن می‌نماید.

سرجان کدمن انعکاس سویی را که ممکن است از انحصار توزیع و فروش مواد نفتی حاصل گردد، تذکر داده است. اینک نیز موقع را غنیمت شمرده اضافه می‌نماید که چون ایران مملکتی است که در آنجا مقادیر زیادی از مواد نفتی تولید می‌شود، صلاح حیاتی این مملکت آن است که به فروش آزاد نفت در کلیه بازارها قایل گردد و به جرأت می‌توان عرض و پیشنهاد نمود که هر قدر علاقه‌مندی مملکت به توزیع و فروش محصولات ایران در تمام بازارهای دنیا زیادتر گردد، باید بیشتر به بازار آزاد عقیده مند شده و به طور کلی آن طریقه را اختیار نمود.

این شرکت خاطر محترم حضرت اشرف را اطمینان می‌دهد که با کمال میل حاضر است با دولت علیه در حل قضیه [ای] که مذاکره شد، تشریک مساعی نماید و در صورتی که تصمیم شود ورود نفت خارجی ممنوع گردد، شرکت حاضر خواهد بود که منتها مساعی خود را به کار برده و مقادیر اضافی مواد نفتی را به کمترین قیمت ممکنه تدارک نماید. اما نظر به بعد مسافت آبادان و مسئله نقلیه، قیمت مواد مزبور برای عامه گرانتر از قیمت امروزه تمام خواهد شد و این شرکت برای تدارک مواد نفتی و نگاهداشتن قیمت حالیه، طریقی جز این نمی‌داند که نفت خارجی به شکلی از اشکال وارد مملکت گردد.

چنانچه حضرت اشرف لطفاً طرق و وسایل تحقیق و پیدا کردن راه حل قضیه را پیشنهاد فرمایند، این شرکت در پیدا نمودن راههای مزبور با کمال میل حاضر به انجام اوامر و خدمات عالی خواهد بود.

در خاتمه احترامات فائقه را تقدیم می‌دارد.

[امضاء:] گرینهوس

از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران محدود

حضور حضرت مستطاب اشرف عالی آقای تیمورتاش وزیر محترم دربار پهلوی
دامت شوکتہ / طهران

سند شماره ۸۴/۱

خیلی محرمانه است

https://t.me/shenakht_lib

مجموع مصرف بازار بنزین و نفت در ایران به طور خیلی تقریبی، به شرح ذیل تقویم
می شود:

بنزین	۵/۰۰۰/۰۰۰ گالون
نفت	۱۰/۰۰۰/۰۰۰ گالون

این تقاضا را محصولات ایران و روسیه تقریباً به تفصیل و تناسب ذیل رفع می نماید:

	<u>ایران</u>	<u>روسی</u>
بنزین	۳/۰۰۰/۰۰۰	۲/۰۰۰/۰۰۰
نفت	۳/۲۰۰/۰۰۰	۶/۸۰۰/۰۰۰

نظر به موقعیت جغرافیایی، بزرگترین شهرها [و] نواحی و نقاطی که بیشتر
محصولات فوق را مصرف می نمایند، در قسمتهای شمالی و شمال غربی ایران واقع
است و در این نقاط، محصولات نفتی از منابع روسی با صرفه تر وارد می شود.
سنگین ترین مخارج توزیع در ایران عبارت از کرایه وسایل نقلیه است و به همین
جهت است که نفت روسی ارزانتر به این شهرهای شمالی وارد می شود و حتی پس از

آن که عوارض گمرکی و مالیات راه را به حساب آوریم، باز می‌بینیم که با مسافت بعیدتر و مخارج سنگین تر کرایه نفت از آبادان تکافو نمی‌نماید.

تا سنه ۱۹۲۵، مواد نفتی ایران فقط در ایالات جنوبی که می‌توان آن را منطقه با صرفه نفت مزبور خواند، به فروش می‌رسید. در زمستان ۱۹۲۵/۲۶ اداره ارزاق از شرکت تقاضا نمود که در رسانیدن بنزین به سرویس مزبور مساعدت به عمل آید. زیرا که در آن وقت تقریباً از روسیه به هیچ وجه بنزین وارد نمی‌شد. این شرکت بدون رعایت مخارج مالی، که لازمه این عمل بود، بدون مضایقه شروع به مساعدت به اداره ارزاق نمود و در آن موقع سخت موفق گردید که به قدر کفایت به سرویس ارزاق با کمال سرعت بنزین رساند.

از آن تاریخ، شرکت مؤسسات توزیع و فروش خود را در تمام نقاط مملکت شاهنشاهی توسعه و استحکام داده و بنزین پارس را تقریباً در کلیه شهرهای بزرگ و قصبات در معرض فروش درآورده است.

استفاده کامل عامه مردم از عملیات و اقدامات جدی شرکت از این فقره ثابت و واضح می‌شود که از پنج سال به این طرف دائماً قیمت محصولات مزبور رو به تنزل بوده است و اینک مصرف کننده محصولات مزبور را به نرخ ثابت و عاده خریداری می‌نمایند.

این مسئله از تطبیق نرخهایی که در سنه ۱۹۲۶ در شهرهای بزرگ معمول بوده با نرخ جاری امروزه به خوبی ثابت و مبرهن می‌شود:

بنزین

تخفیف از قرار صدی	قیمت از قرار هرگالنی به قران		
	۱۹۳۰	در ۱۹۲۶	
صدی ۶۰	۵-۶۰	۱۱-۰۵	همدان
صدی ۵۵	۵-۷۲	۱۰-۱۲	اصفهان
صدی ۵۵	۵-۲۶	۹-۲۵	کرمانشاه

مشهد	۱۰-۵۸	۷-۴۹	صدی ۴۴
تهران	۱۴-۰۹	۶-۳۵	صدی ۶۶
تبریز	۹-۴۱	۵-۴۵	صدی ۵۴
قزوین	۸-۱۲	۶-۰۷	صدی ۴۱

نفت

تخفیف از قرار صدی

هرگالنی چند قران

همدان	۶-۵۹	۳-۱۹	صدی ۶۲
اصفهان	۸-۷۹	۴-۰۸	صدی ۶۳
کرمانشاه	۷-۴۰	۳-۲۱	صدی ۶۵
مشهد	۶-۵۵	۵-۰۶	صدی ۳۹
تهران	۵-۲۰	۳-۴۴	صدی ۴۸
تبریز	-	۳-۳۵	صدی -
قزوین	۵-۱۰	۳-۰۱	صدی ۵۳

در عرض دوازده ماهه گذشته، از فروش بنزین در ایران عایدی معتدلا نه تحصیل شده است. اما عایدی حاصله از نفت فقط بالغ بر هر گالونی ۱۲۵-۰ قران بوده است و نتیجه آن ضرر واقعی شرکت بوده است. زیرا که مبلغ مزبور به هیچ وجه تکافو [ی] مخارج تولید و تصفیه محصول مزبور را نمی نماید و خیلی از آن کمتر است و چون در نظر آوریم که ممکن بود از فروش این مقدار در سایر بازارها عایدی زیادتری به دست آورد، تصدیق خواهد شد که رویه و سیاست شرکت در ثابت نگاهداشتن قیمت نفت در تمام ایران و جلوگیری از استنفاع غیر معقول روسها از بازارهای شمالی، فقط به ضرر هنگفت مالی شرکت تمام شده است.

برای آن که درست طرز تعیین قیمت در کلیه ممالکی که مصرف نفت دارند واضح

گردد، لازم است طریقه بیان منفعت و عایدی فروش نفت را ذیلاً توضیح دهد:

منفعت مزبور را به اسم و اصطلاح "عایدی" هر نوع محصولی در تصفیه خانه تعبیر می‌نمایند. برای فهم مطلب، مثل ساده [ای] در اینجا ایراد می‌شود: فرض می‌کنیم در نقطه [ای] یک حلبی محصول نفتی به مبلغ ۲۴ قران فروخته می‌شود و پس از آن که حلبی نفت مزبور را در تصفیه خانه تحویل گرفتند، مبلغ بیست قران مخارج حمل و نقل به مقصد و بار کردن و پیاده کردن در نقاط مختلفه و فروش بر آن تعلق گرفت. آن وقت می‌گویند "عایدی" حاصله از یک حلبی مزبور در تصفیه خانه ۴ قران است. اما برای تعیین منافع حقیقی حاصله از آن، باید کلیه مخارج تولید محصول مزبور و حمل و نقل آن را تا تصفیه خانه و مخارج تصفیه و تحویل محصول مزبور تا نقطه [ای] از تصفیه خانه که باید از آنجا حمل به مقصد گردد نیز محسوب و منظور گردد و از آن عایدی کسر گردد تا میزان منفعت حقیقی به دست آید.

مصرف نفت در بازارهایی که خارج از منطقه اقتصادی محصولات نفتی وطنی است تقریباً به شرح ذیل است:

بنزین	۳/۸۰۰/۰۰۰ گالون
نفت	۸/۱۰۰/۰۰۰ گالون

در کلیه بازارهای ایران و از مقادیر فوق محصولات نفتی وطنی، به شرح ذیل به مصرف می‌رسد:

بنزین	۱/۸۰۰/۰۰۰
نفت	۱/۳۰۰/۰۰۰

بنابراین اگر بنا شود بازارهای نفت وطنی و بومی را توسعه داد، ناگزیر باید قیمت نفت را ترقی داد تا خسارات هنگفت تا اندازه [ای] تکافو شود. و الا ناچار خساراتی متوجه خواهد شد. باید این نکته را به خاطر داشت که نفت روس، در بازارهای جنوب ایران،

به فروش نمی‌رسد و هر قدر دامنه عملیات فروش توسعه یابد، در نواحی که فایده [ای] از آن حاصل نمی‌شود توسعه خواهد یافت و از آن طرف از نواحی مفیده نیز فوایدی که ضرر نواحی دیگر را تکافو کند، حاصل نمی‌شود و نیز هر قدر نطف وطنی را به نواحی شمالی تر ببرند، مخارج حمل و نقل زیادتر و سنگین تر خواهد شد. بنابراین باید تصدیق کرد که صلاح و نفع عموم مصرف کنندگان در آن است که نطف وطنی و نطف خارجی که به ایران وارد می‌شود، هر یک در ناحیه [ای] که برای آنها باصرفه تمام می‌شود، توزیع گردد. چراکه در این صورت، مخارج حمل و نقل که در تعیین قیمت جنس عامل عمده [ای] محسوب می‌گردد، محدود و قابل تحمل خواهد گردید.

https://t.me/shenakht_lib

بدون آن که عملاً از مجموع تقاضا و مخارج توزیع مقدار اضافی نطف که احتیاجات کامله بازارهای شمالی را رفع نماید تجربه حاصل گردد، ممکن نیست جز تعیین قیمت‌های تقریبی و تخمینی اقدام دیگری نمود و تعیین این قیمت‌های تخمینی هم برای این است که ضرر و خسارت مالی کنونی این شرکت محدود گردد. بنابراین، تخمین‌هایی در این باب به عمل آمده و به طور تقریبی می‌توان گفت که قیمت جاری امروزه بنزین را احتمال می‌رود بتوان دوام داد، اما باید در تمام نقاط مملکت قیمت نطف را ترقی داد. عنقریب میزان این ترقی قیمت را به شرح صورت علی حده تقدیم خواهد داشت.

[امضاء: ف.س. گرینهوس

طهران - ۲۸ ژانویه ۱۹۳۱

سند شماره ۸۵

مکاتبه شرکت نفت ایران و انگلیس با وزارت مالیه در خصوص تأدیه مبلغ ۱۰۹۶۵۰ لیره به آن شرکت به دلیل تعدیل محاسبات حق السهم دولت ایران طی سالهای ۲۹-۱۹۲۴

https://t.me/shenakht_lib

نمره ۲/۸۳۲ سی، طهران / مورخه ۲۸ بهمن ۱۳۰۹، فوری است، محرمانه است

حضور محترم حضرت مستطاب اجل آقای وزیر مالیه
طهران

حضرت اجل عزیزم:

به قرار اطلاع واصله از لندن، با تعدیل محاسبات حق السهم دولت علیه از این شرکت، بابت سنوات ۱۹۲۹ - ۱۹۲۴ موافقت به عمل آمده و به موجب تلگراف واصله، مبلغ ۹۰/۰۰۰ لیره انگلیسی، به اضافه فرعی به مبلغ ۱۹/۶۵۰ لیره که جمعاً به ۱۰۹/۶۵۰ لیره انگلیسی بالغ می گردد، در اختیار عالی می باشد. خوشوقت خواهد شد چنان که در اولین فرصت ممکنه این شرکت را از تعلیمات کامله راجع به ترتیب پرداخت وجه مزبور مطلع فرمایند.

ارادتمند

سواد شرح فوق برای اطلاع حضرت مستطاب اشرف عالی آقای وزیر محترم دربار پهلوی ارسال می گردد.

سند شماره ۸۶

مکاتبه شرکت نفت ایران و انگلیس با وزارت مالیه در مورد نحوه تسویه
حق السهم دولت ایران

نمره ۲/۹۴۵ سی، طهران / مورخه ۵ اسفند ماه ۱۳۰۹

https://t.me/shenakht_lib

مقام محترم وزارت جلیله مالیه

طهران

در جواب مراسله نمره ۴۷۱۵۸ مورخه ۲ اسفند ۱۳۰۹ آن وزارت جلیله، شرکت
تلگرافی برای توضیح مفصل کیفیت تصفیه حق السهم، چنانچه خواسته بودند
مخابره نمود و اینک به قرار اطلاع واصله، با تصفیه محاسبه معوقه، به ترتیب ذیل
موافقت به عمل آمده است:

حق السهم برای سالی که

متممی به ۳۱ مارس ۱۹۲۴ می گردد ۲۶۰۰۰ لیره انگلیسی

۲۰۰۰ // ۱۹۲۵ // // //

۱۷۰۰۰ // ۱۹۲۷ // // //

۲۰۰۰۰ // ۱۹۲۸ // // //

۲۵۰۰۰ // ۱۹۲۹ // // //

۹۰۰۰۰ لیره

۱۹۶۶۴ لیره

۱۰۹۶۶۴ لیره

ریح از قرار صدی شش تا ۱۷ فوریه ۱۹۳۱

جمع

تعدیلات فوق که بالاخره با آن موافقت شده، در نتیجه تصفیة اخیر است که با مأمورین مالیات بر عایدات انگلیس، پس از مشاجرات طولانی و تقبل شرکت مبنی بر صرف نظر کردن از ادعای خود نسبت به تقلیل راجعه به تخفیف فروش، از طرف شرکتهای فروش هندوستان که در نتیجه وضعیات تغییر یافته بازار تولید گردیده، به عمل آمده است.

امیدوار است که اطلاع فوق برای منظور آن وزارت جلیله کافی خواهد بود و خوشوقت خواهد شد چنانچه تعلیمات لازمه را راجع به پرداخت وجه مزبور در اولین فرصت ممکنه به این اداره بدهند.

https://t.me/shenakht_lib

از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران محدود

رییس

سواد شرح فوق برای اطلاع حضرت مستطاب اشرف عالی آقای تیمورتاش وزیر محترم دربار پهلوی ارسال می گردد.

سند شماره ۸۷

مکاتبه شرکت نفت ایران و انگلیس با وزارت اقتصاد ملی در خصوص معافیت مالیاتی شرکت از واردات مورد نیاز عملیات نفتی و مایحتاج کارکنان آن شرکت در حدود امتیازنامه نفت

نمره ۴/۱۰۱۰ الف، طهران / مورخه ۹ اسفند ماه ۱۳۰۹

مقام محترم وزارت جلیله اقتصاد ملی
طهران

عطف به قانون انحصار تجارت خارجی و متمم آن که اکنون در جریان تصویب است، با کمال احترام، از آن وزارت جلیله تقاضا می‌نماید که موقعیت مخصوصی را که تحت آن، تجارت شرکت نفت انگلیس و ایران محدود در ایران اداره می‌شود، مورد مطالعه قرار داده و ترتیبی برای معاف کردن شرکت در قسمت وارداتی که در تحت امتیاز برای عملیات و مستخدمین خود لازم دارد، قایل شوند.

علاوه بر اجناسی که به موجب امتیاز شرکت از تأدیة مالیات معافند، شرکت همه ماهه اجناسی به قیمت -/۲۵۰۰۰ لیره انگلیسی برای احتیاجات خود و پرسنلی که برای اجرای امتیاز لازم دارد، وارد می‌نماید.

قیمت این قبیل اجناس به لیره انگلیسی تأدیه می‌شود و تأثیری در وضعیت اسعار خارجی ندارد. نظر به این قسمت، اجازه مخصوصی برای آزادی از شروط مذکوره در ماده شش قانون ۳۱ تیر، از طرف کمیسیون کنترل اسعار خارجی، در تاریخ ۱۲ آبان ۱۳۰۹، تحت نمره ۴۹۷۲ صادر گردید که سواد آن را اینک برای اطلاع آن وزارت جلیله ارسال و خوشوقت خواهد شد، چنانچه اجازه‌نامه مشابهی برای معافیت از شروط قانون جدید انحصار تجارت خارجی نیز تا مبلغ -/۲۵۰۰۰ لیره انگلیسی در ماه صادر و به این شرکت ارسال فرمایند.

ضمناً به آن وزارت جلیله اطمینان می‌دهد که اجناس ورودی مزبور، فقط برای رفع حوایج شرکت و پرسنل آن می‌باشد و از آنجایی که تأدیه و محاسبه آن به صورت لیره انگلیسی انجام می‌گیرد، تأثیری در مسئله اسعار خارجی نخواهد داشت.

از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران محدود

رییس [ف.س. گرینهوس]

سواد شرح فوق برای اطلاع حضرت مستطاب اشرف عالی آقای وزیر محترم دربار پهلوی ارسال می‌گردد.

سند شماره ۸۸

صورت حساب شخصی تیمورتاش با شرکت نفت ایران و انگلیس

صورت حساب جاری بین حضرت مستطاب اشرف عالی آقای تیمورتاش
و شرکت نفت انگلیس و ایران محدود - طهران، در تاریخ ۱۰
فروردین ۱۳۱۰

- قران به موجب قبض مدیون نمره ۴۸۵ ج: مبلغ پرداختی در لندن، از طرف میس راندال، بابت ماه
سپتامبر و ماه اکتبر ۱۹۳۰، ۲۲ لیره از قرار لیره [ای] ۵۹/۹۵ قران
۱۳۱۸/۴۵
- قران به موجب قبض مدیون نمره ۵۰۶ ج: مبلغ پرداختی در لندن، از طرف میس راندال، بابت ماه
نوامبر ۱۹۳۰، ۱۱ لیره از قرار لیره [ای] ۵۹/۹۵ قران
۶۵۹/۴۵
- قران به موجب قبض مدیون نمره ۶۰۷ ج: مبلغ پرداختی در لندن، از طرف میس راندال، بابت ماه
دسامبر ۱۹۳۰، ۱۱ لیره از قرار لیره [ای] ۵۹/۹۵ قران
۶۵۹/۴۵
- قران به موجب قبض مدیون نمره ۴۴ ج: مبلغ پرداختی در لندن، از طرف میس راندال، بابت ماه
ژانویه ۱۹۳۱، ۱۱ لیره از قرار لیره [ای] ۵۹/۹۵ قران
۶۵۹/۴۵

به موجب قبض مدیون نمره ۶۹ ج:

مبلغ پرداختی در لندن، از طرف میس راندال، بابت ماه

۸۹۵/۲۰

فوریه ۱۹۳۱، ۱۱ لیره از قرار لیره [ای] ۸۱/۳۸ قران

به موجب قبض مدیون نمره ۱۳۸ ج:

قیمت اجناسی که از طرف سرکار علیہ خانم تیمورتاش

به شرح ذیل در لندن خریداری شده است:

۲ جفت کفش بچه گانه سفید چرم آهو ۰-۲-۱ لیره

۲ جفت کفش بچه گانه سفید چرم آهو ۰-۴-۱ لیره

۱۲ جفت جوراب بچه گانه ۰-۲-۲ لیره

۵ عدد توپ سفید پشمی (زفیرز) دولایی ۰-۵-۰ لیره

۴۱۸/۵۰

از قرار لیره [ای] -/۹۰ قران ۰-۱۳-۴ لیره

به موجب قبض مدیون نمره ۱۴۱ ج:

مبلغ پرداختی در لندن، از طرف میس راندال، بابت ماه

۹۸۹/۴۵

مارس ۱۹۳۱، ۱۱ لیره از قرار لیره [ای] ۸۹/۹۵ قران

۵۵۹۹/۹۵

[جمع] وجه طلب شرکت در ۱۰ فروردین ۱۳۱۰

از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران محدود / طهران

سند شماره ۸۹

درخواست شرکت نفت ایران و انگلیس از وزارت اقتصاد ملی مبنی بر
تکذیب مطالب مندرج در مقالات توهین آمیز روزنامه شفق سرخ نسبت
به شرکت نفت ایران و انگلیس

نمره ۲۰۷۲، طهران / مورخه ۶ اردیبهشت ۱۳۱۰، محرمانه

مقام محترم وزارت جلیله اقتصاد ملی
طهران

احتراماً توجه آن وزارت جلیله را به مقاله [ای] که در تاریخ ۲ اردیبهشت و مقالاتی که سابقاً در جریده شفق سرخ انتشار یافته است معطوف می‌دارد. معلوم است که در ایران قانونی برای نیستهای توهین آمیز موجود نیست. اما دولت نظارت مخصوصی در امر مطبوعات دارد. اظهارات مندرجه، در مقاله مزبوره شدیداً توهین آمیز و مسلماً عاری از حقیقت است و بنا به قول عموم، مطالب مزبوره به جریده مذکوره تلقین شده است.

بیانات مخالف حقیقت و توهین آمیز در یک جریده معروفی، نسبت به حکومت و مطبوعات، به طور کلی انعکاس سویی خواهد بخشید. آن وزارت جلیله به خوبی از عدم صحت مندرجات مقالات مزبور آگاه است و در ضبط خود، دلایل و اسناد رسمی در تکذیب اظهارات مزبوره موجود دارد.

مطالب خلاف واقعی که انتشار می‌یابد، چنانچه رسماً تکذیب نشود، به عامه مردم و آنهایی که به حالت جریده مزبور آشنا نیستند، تأثیر و انعکاس سویی خواهد داشت. لذا از آن وزارت جلیله تمنی می‌نماید که به فوریت اقداماتی برای تکذیب بیانات مزبوره و مجازات مسببین آن اخذ فرمایند.

از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران محدود

رییس

سواد مراسله فوق :

حضور حضرت مستطاب اشرف عالی آقای وزیر محترم دربار پهلوی دامت شوکته
تقدیم می‌گردد.

سند شماره ۹۰

مکاتبه گرینهوس با تیمورتاش در خصوص ارسال مقالات توهین آمیز
مندرج در روزنامه شفق سرخ

نمره ۲/ پ، طهران / مورخه ۷ اردیبهشت ۱۳۱۰

حضور محترم حضرت مستطاب اشرف عالی آقای وزیر محترم دربار پهلوی
دامت شوکته طهران

حضرت اشرف عزیزم:

عطف به مراسله این شرکت، راجع به بعضی مقالات توهین آمیز که در جریده شفق سرخ انتشار یافته بود، معروض می دارد، از ملاقاتی که امروز صبح با حضرت اشرف به عمل آمد تشکر می نماید و نظر بر این که فرمودند از مقالات مزبوره اطلاعی ندارند، اینک نسخ جریده مزبور، مورخه ۱ و ۲ و ۳ و ۷ اردیبهشت را برای مراجعه حضرت اشرف تقدیم می دارد.

با تجدید احترامات فائقه

ارادتمند

[امضاء:] ف.س گرینهوس

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] به عرض برسد، ضبط.

سند شماره ۹۰/۱

چهارشنبه ۱ اردیبهشت ۱۳۱۰

به قلم یکی از مطلعین فاضل

دولت محق به الغاء امتیازنامه داری است

https://t.me/shenakht_lib

از جمله دلالتی که حقوقاً و قانوناً دولت ایران را به لغو یا اقلاناً تجدیدنظر در امتیازنامه داری حق می دهد، خیار تخلف شرط است. شرکت نفت ایران و انگلیس از بدو تأسیس خود تا کنون مکرر و دائم از شروط و مقررات همان امتیازنامه که خودشان او را معتبر می دانند و ما به هزاران دلیل اخلاقی و چندین دلیل حقوقی آن را ملغی و باطل می دانیم، عمل نموده؛ اثباتاً و نفیاً از شروط آن تخلف نموده است. یعنی به بسیاری از چیزها که به موجب امتیازنامه مکلف بوده است، عمداً و اختیاراً عمل نکرده است و به اعمالی که به آن مجاز نبوده مبادرت نموده است.

یکی از موارد تخلف شرط آن که در فصل ۱۲ امتیازنامه داری مصرح است که مستخدمین صاحب امتیاز، جز متخصصین فنی و مدیران، باید همه ایرانی باشند. قریب به سی سال است که از مدت امتیازنامه می گذرد. در بیست سال اول شرکت نفت ایران و انگلیس کاملاً از این شرط تخلف نموده و گذشته از متخصصین و مدیران، برای انجام امور عادی و کارهای غیر تخصصی خود، از قبیل منشی و محاسب و سرعمله و نجار و حتی کارگر معمولی و حمال، اردوی بزرگی از ملل متنوعه و حتی المقدور از عناصر ایرانی در جنوب مملکت ما تشکیل داده بود و در ده ساله اخیر هم با وجود اعتراضات و استیضاحات احیانی دولت ایران، باز این تخلف علنی و محسوس است و هنوز اکثریت تامهٔ اعضاء دفتری و مستخدمین غیرمتخصص شرکت مزبور در آبادان که بزرگترین مرکز عملیات آنها در ایران است، هندی است و اگر از طرف دولت به احصائیه‌های رسمی آنها مراجعه و رسیدگی شود، معلوم

خواهد شد که شرکت مزبور، در ادامه این حالت و جلوگیری از دخول و بقای ایرانی‌ها در کارهای دفتری و حتی خدمات معمولی کارگری که بعضی از قسمت‌های کارخانجات خود متعهد است و همیشه مواظب است که از غلبه عنصر ایرانی در مؤسسات خود جلوگیری شود و از حد معینی که منافی با منافع ضاره آنها باشد، تجاوز ننماید و اگر از یک طرف گاهی در جراید مرکز برای عوام فریبی و فورمالیته اعلان می‌کنند و چند نفر انگشت شمار برای خدمات جنوب استخدام می‌نمایند، همین قدر که دیدند کم‌کم عده مستخدمین ایرانی می‌خواهد از میزان معهود بین خودشان تجاوز نماید، فوراً یا به بهانه توطئه یا تدارک اعتصاب، جمع کثیری از آنها را از خدمت منفصل و از ناحیه عملیات خویش تبعید می‌نمایند و یا به اسم تقلیل بودجه و تخفیف پروگرام کار، عذر آنها را می‌خواهند و تاکنون به آنها گفته نشده و یا اگر گفته شده آنها ناشنیده انگاشته‌اند که با آن شرط صریح فصل ۱۰ امتیازنامه، چرا باید تقلیل بودجه پانصد نفر منشی و محاسب هندی را به مقام خود نگاهداشته و فقط به یک نفر منشی بیچاره ایرانی که حاضر است وظیفه هر یک از آن پانصد هندی را با نصف مواجب آنها عهده‌دار شود، مؤثر واقع گردد؟ و چرا تقلیل عملیات و ساختمان باید باعث انفصال نجار و آهنگر و سر دسته عمله ایرانی گشته و عده بیشتری از همکاران هندی آنها را از این قاعده مستثنی سازد؟

هیچ معقول است که با شرط صریح امتیازنامه داری مبنی بر حق تقدم و اولویت اتباع ایران در خدمات صاحب امتیاز در داخله ایران، شرکت نفت ایران و انگلیس در موقع تقلیل بودجه و تخفیف مؤسسات خویش (به فرض صحت این مدعا) از بین دو نفر منشی یا کارگر که شغل و لیاقت هر دو متساوی باشد، ایرانی را از کار منفصل نموده و هندی را در خدمت خود نگهدارد؟

شرکت نفت ایران و انگلیس احیاناً می‌گوید نمی‌تواند در خدمات عادی دفتری و بعضی از کارهای نیمه فنی و فنی، ایرانی‌هایی را که بتوانند وظایف هندی‌ها را انجام دهند پیدا کند و مضحک است که با استدلال فریب‌آمیز خویش، هر وقت همچو مستخدم ایرانی پیدا کردند، به اسم تقلیل بودجه او را منفصل نموده و همکار هندی او را در سر کار نگاه می‌دارند و استدلال آنها در این مورد، مانند سایر موارد معاملات

آنها با ما استهزا و سخریه به استدلال معقول و منطقی است.

سند شماره ۹۰/۲

[چهارشنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۱۰]

به قلم یکی از مطلعین فاضل
https://t.me/shenakht_lib

دولت محق به الغاء امتیازنامه داری است

شما اگر خانه خود را به کسی اجاره دادید و شرط کردید که خانه برای سکناى شخص مستأجر است، اما مستأجر شما، برخلاف شرط، آن خانه را قمارخانه یا میخانه نمود و یا آن را به تصرف ثالثی داد، از شرط معامله تخلف کرده است و شما نه تنها حق دارید که او را از اجراء آن نیت در خانه خود ممنوع کنید، بلکه به حکم خیار تخلف شرط محقید که اجاره را لغو و باطل نموده و مستأجر متخلف را از خانه خود بیرون کنید. ما قسمتی از خانه و وطن خود را برای استخراج نفت و استفاده صنعتی و تجارتي به صاحب امتیازنامه داری و شرکتهایی که امروز قائم مقام او قرار گرفته اند واگذار نمودیم. حال اگر صاحبان امتیاز در خانه ما تصرفاتی بر خلاف شروط و اختیارات مصرحه امتیازنامه خود نموده و حق مالکیت ما را تهدید کردند، تکلیف ما چیست؟ آیا نباید حقاً و قانوناً امتیازنامه آنها را ملغی دانسته و حتی آنها را از ادامه عملیات انتفاعی خود ممنوع داریم؟ شرکت نفت ایران و انگلیس، که به استناد امتیازنامه داری در مملکت ما راه یافت، بر خلاف اصول تمامیت و استقلال مملکت، در ناحیه عملیات خود ادارات سیاسی - بلدی و پلیس انفورمه مسلح و بندر و پرت رسمی با بیرق رسمی انگلیس دایر کرد و در شئون داخلی و امور کشوری مملکت ما همه گونه تصرفات و مداخلات نامشروع کرد، آزادی اقامت و سکونت و مسافرت را از سکنه

این مملکت سلب نمود و با آن که به مناسبت مقتضیات و تبدلات و طلوع دولت بالنسبه فعالی، پلیس آنها هشت سال قبل از این خلع سلاح شد و ادارات بلدیۀ آنها در پنج سال قبل از این منحل گردید و ادارات سیاسی آنها چهار سال قبل تغییر اسم داد و پوت و اداره بندر رسمی آنها که مستقیماً در تحت نظر اداره پرت بصره اداره می شد، در سه سال پیش از این منحل شد و بالاخره اداره پلیس آنها، فقط یک سال قبل از این، انحلال یافت و به جای آن نظمیۀ ایران برقرار گردید، باز رسماً و علناً مشغول عملیاتی هستند که نه فقط بر خلاف شرط و اختیارات و حق امتیاز نامه آنها است، بلکه بر خلاف مقررات صریحه قانون اساسی مملکت و منافی با آزادی اتباع ایران است.

این حرف صرف مدعا و اتهامت و افتراء نیست، بلکه بیان یکنی از حقایق واقعیه و مستند به اسناد و اوراق رسمی است که شرکت نفت ایران و انگلیس عدۀ کثیری از کارکنان و عملجات خود را که از شغل منفصل می کند، مجبور و ملزم به امضاء و تعهدنامه کتبی می کند که فوراً پس از اخذ اجرت خویش جلاء وطن نموده و از نواحی عملیات شرکت بیرون روند و در نقاط دور دست اقامت گزینند.

قانون اساسی ایران صریحاً می گوید، جز به حکم قانون، نمی توان کسی را مجبور به جلاء وطن نمود. ما نمی دانیم کدام قانون به یک شرکت تجارتي خارجی حق می دهد که در یک مملکت آزاد و مستقلی، اتباع آن مملکت را به قید سند کتبی مجبور به ترک وطن و مسکن خود نماید، آیا این اقدام تخلف صریح از شروط امتیاز نامه داری و نیست؟ آیا تنها اعتراض به این اقدام و یا جلوگیری از تجدید نظایر آن کافی هست که شرکت مزبور را به جای خود نشانده و ما آیا نمی توانیم این گونه حرکات را که هم^۱ بر خلاف شروط و مقررات امتیاز و هم بر ضد تصریحات قوانین اساسی و مملکت ما است، مجوز قانونی الغاء امتیاز نامه داری قرار دهیم؟

فریاد سکنۀ خوزستان و کارکنان شرکت مزبور، از دست این گونه تجاوزات قانونی و تعدیات علنی شرکت نفت ایران و انگلیس، به آسمان بلند است و ما هنوز نتوانسته ایم از این ناله های جانگداز، از نفع قانونی و شرعی خود استفاده کرده و حقوق حقۀ خود

را از شرکت نفت جنوب استرداد نماییم.

سند شماره ۹۰/۳

۲۴ آوریل ۱۹۳۱

به قلم یکی از مطلعین فاضل

https://t.me/shenakht_lib

دولت محق به العاء امتیازنامه داری است

در فصل پانزدهم امتیازنامه داری مطرح است که بعد از انقضای مدت امتیاز، تمام اسباب و ابنیه و ادوات موجود در شرکت، به جهت استخراج و انتفاع معادن، متعلق به دولت علیه خواهد بود و شرکت حق هیچ گونه غرامت از این بابت نخواهد داشت. پس اگر شرکت نفت ایران و انگلیس از حالا در تدارک آن برآید که مؤسسات ذیقیمت خود را در خارج از ایران دایر نماید و نسبت به اسباب و ابنیه که در ایران دارد، با عملی اقدام کند که خدعه و عدم امانت شرکت مزبور را در این موضوع بر ما ظاهر سازد و ما را به این نتیجه رساند که در ختم مدت، کلیه ادوات و مهمات قیمتی و حتی مواد خام معادن ما را به مؤسسات خارجی خود نقل خواهد نمود و ما را با دست خالی و جیب تهی تودیع خواهند نمود. اگر عاقل و مال اندیش باشیم، باید به اصل لاضرر و لاضرار از حالا امتیازنامه شرکت مزبور را ملغی نموده و از ضرر حتمی خویش جلوگیری نماییم.

شرکت نفت ایران و انگلیس تصفیه خانه بزرگی در لانداری قریب به سوانسی واقع در ولس جنوبی بنا نموده است و دو تصفیه خانه دیگر یکی در گرانبج موات و دیگری در دره واقع در فرانسه ساخته است. این تصفیه خانه‌ها به منافع مشروع و حقه ما

چندین ضرر وارد می‌کند و به جهت عدیده تخلف از شروط امتیازنامه داری محسوب می‌گردد. ضرر اول آنها این است که با وجود تصریح امتیازنامه، مبنی بر این که مستخدمین و عملة شرکت باید ایرانی باشند، کلیه اعمال و مشاغل قهراً از ایرانی‌ها سلب شده و هزاران کارگر و عمال خارجی از حق مسلم اتباع ایران ارتزاق خواهند نمود.

ضرر دوم آن است که مواد خام معدن ما را به خارج برده و در آنجا تصفیه می‌نمایند و اجناسی از قبیل روغن ماشین و روغن دنده و شمع و ادویه ضد هوام ساخته، به قیمت‌های گزافی به ما می‌فروشند. در صورتی که اگر این مواد در خود ایران ساخته می‌شد، به مراتب برای مصرف‌کنندگان ایرانی رزائت و باصرفه‌تر تمام می‌شد. ضرر سوم آن است که کلیه کارخانجات و ابنیه و ساختمان‌هایی که بایستی در داخله ایران به دست استاد و عملة ایرانی ساخته و پرداخته شود و بالاخره پس از انقضاء امتیازنامه متعلق به ایران باشد، در خارج ساخته می‌شود و ما از انتفاع آنی و مالی آن محروم خواهیم بود. ضرر چهارم آن است که تا بتوانند از حالا مؤسسات عمده خود را در ایران تقلیل و در آنجا توسعه خواهند داد و قبل از انقضاء امتیاز نیز تمام آلات و ادوات قیمتی و کلیه مواد خام ما را از منابع تحت‌الارضی به مخازن فوق‌الارضی خویش در آن نقاط خارجی حمل نموده و با تبسم مستهزانه به ما خداحافظ خواهند گفت. هیچ یک از این مضار موهوم و فرض نیست و اگر ما قدری از خواب غفلت بیدار شده و چشمان خود را بمالیم، خواهیم دید که با چه سرعتی رودهایی از طلای سیال از مملکت ما خارج می‌شود.

خارج‌کنندگان در موضوع آلات و ادوات و بنا و ساختمان حتی معتقدند که باید ماست را با طاس خورد. این سوء‌ظن^۱ مبنی بر عمل و مشهودات است و شرکت نفت ایران و انگلیس عملاً بر ما مدلل می‌کند که بر خلاف مقررات فصل پانزدهم امتیازنامه، اسباب و ابنیه را هم به اختیار ما نخواهند گذارد. دلیل این سوءنیت آنها

معامله‌ای است که اخیراً نسبت به مؤسسات خود در ده‌لوران^۱ و ده‌یاری، واقع در خاک پشت کوه نموده‌اند. ده‌لوران و ده‌یاری دو مرکز عملیات متروکه آنها در خاک پشت کوه و قریب به سرحد ایران و عراق است. اخیراً پس از آن که اداره عملیات را در آن نقطه به نفع خویش مصلحت ندیده‌اند، مؤسسات خویش را در آن دو نقطه متروک داشتند.

در عرض چند سال آنچه توانستند آلات و ادوات صنعتی و کلیه مایحتاج قیمتی را از آن دو نقطه که در داخله مملکت ایران واقع بود، به داخله عراق منتقل کردند و برای آن که حتی راه آهن سبک چند کیلومتری آنها و یکی دو فقره عمارات نیز به دولت ایران واگذار نگردد، آهن‌های خط را نیز بیرون آورده و آهن و تیرهای سقف و ساختمان را نیز خراب کرده، به پیله‌ورهای یهودی و عراقی و شرکای ایرانی یهودی مسلک آنها فروخته‌اند و با جدیتی که مأمورین دولتی، حتی در جلوگیری از اخراج مواد مزبور خرج می‌دهند، اصرار دارند که مواد مزبور را به دست قاچاقچیان مزبور از سرحد ایران خارج نمایند.

اینها از جمله دلائلی است که ما را در حسن نیت شرکتی که هر روز میلیونها از منابع طبیعی این مملکت استفاده می‌کنند، مردد و ظنین و قانوناً ما را به الغاء امتیازنامه آنها ذیحق می‌سازد.

سند شماره ۹۰/۴

سه شنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۱۰

به قلم یکی از مطلعین فاضل

تجدیدنظر در امتیازنامه داری

از جمله دلالتی که به دولت ایران حق می‌دهد امتیاز نطف داری را مورد مطالعه قرار داده و تجدیدنظری اقلأ در مواد آن نماید، این است که شرکت مزبور در مواقع مختلفه از تأدیة حق‌السهم ایران تعلل ورزیده و منافع حاصله را که می‌بایست با موافقت نظر صاحب حقیقی آن خرج شود، به مصارف مؤسساتی رسانده است که برای دولت اگر ضرر نداشته و فایده هم بر آن مترتب نبوده است.

مثلاً در ایامی که دولت مرکزی ایران، به واسطه ضعف قوای خود سرگرم رفع اغتشاشات داخلی بود، شرکت نطف به بهانه این که در ماه فوریه ۱۹۱۰ به واسطه اغتشاشات مزبوره خساراتی به لوله نطف وارد شده و محتاج مرمت و تعمیر است، تا چند سال از پرداخت حق دولت خودداری نمود. ما اگر به این نداریم که آن اغتشاشات از کدام منبع ناشی شده و چه سیاستی آتش جنگ را در داخله مملکت ایران که اعلان بی طرفی به دنیا داده بود، شعله‌ور ساخت و باز نمی‌گوییم که در آن موقع آبادان مرکز تعمیر کشتیهای جنگی دولت انگلیس شد و قوای بحری حاضر در جبهه خلیج فارس را کاملاً در آنجا مرکزیت داده و نقض قوانین بین‌المللی و حقوق بی طرفی ایران به عمل آمد، زیرا این داستان از مبحث ما خارج و جای جداگانه دارد، ولی همین قدر یادآوری می‌نماییم که سزاوار نبوده و نیست که به بهانه‌های واهی برای پرداختن یک سهم بسیار قلیل از منابع سرشاری که سالیانه می‌برند، اشکال تراشی نموده و فصل اول و نهم و دهم امتیازنامه را به نفع خود و ضرر دولت ایران تعبیر و تفسیر نمایند.

بالاخره همین مسئله باعث شد که، در ۲۲ دسامبر ۱۹۲۰ به نمایندگی مستر آرمیتاژ اسمیت، مستشار مالیه ایران بین دولت و شرکت نطف جنوب قراردادی منعقد گردید که هر چند شروط آن کاملاً به نفع دولت ایران نبوده، معذالک مفاد آن را نیز تاکنون به موقع اجرا نگذاشته و منافع را که باید از شرکت‌های فرعی عاید دولت گردد نپرداخته‌اند و عجب‌تر آن که سعی می‌کنند مطالبات دولت را نیز پایمال نمایند.

از روی ارقام می‌توان ثابت کرد که آنچه به عنوان مالیات بر عایدات از کمپانی نطف جنوب وارد خزانه دولت انگلیس می‌شود، خیلی بیشتر از سهمی است که سالیانه به دولت ایران که خود مالک حقیقی این ثروت غیرمتناهی است پرداخت می‌گردد. زیرا

به طوری که کراراً تذکر داده‌ایم، سهم دولت ایران پس از وضع تمام مخارج اداری و حقوق مستخدمین و عملیات و متخصصین و مصارف تعمیرات و تأسیسات و ابنیه و اجرت حمل و نقل و حق‌العمل نمایندگان و اعضای کمپانی در تمام بازارهای فروش نفت در دنیا، فقط صدی شانزده است که به هیچ وجه طرف مقایسه با اصل عایدات نفت استخراجی و منافع شرکتهای فرعی نیست. گمان نمی‌رود در عالم شرکتی وجود داشته باشد که دست شریک، بلکه صاحب سرمایه اصلی را از نظارت در مخارج مؤسسه خود کوتاه نموده و به هیچ وجه در مصارفی که طبعاً در سهم او نیز تأثیر دارد، با او مشورت و صلاح اندیشی ننماید و کمپانی داری با دولت ایران تاکنون این معامله را نمود. برحسب دلخواه هر قسم مخارجی را خواسته کرده و به حساب گذاشته و در آخر سال، به میل خاطر خود سهمی هم برای دولت ایران تعیین کرده است. بنابراین هرگاه از روی عدل و انصاف دولت نخواهد بر شرکت مزبور اقامه دعوی نموده و قسمت اعظم مخارجی را که به هیچ وجه طرف استفاده واقع نمی‌شود قبول نکند، آیا محق است یا خیر؟

باری مقصود ما از بیان حقایق فوق این نیست که به دولت اصرار کنیم امتیازنامه داری را به کلی لغو کند، بلکه منظور این است که اگر بخواهد لغو کند، مجوز قانونی بسیار هست که هر یک به تنهایی می‌تواند عامل فسخ و الغاء آن شمرده شود. حالا اگر دولت صلاح بداند که با کمپانی مزبور ارفاق نموده و از حق مشروع خود به مصالحی استفاده نکند. اقلماً باید تجدیدنظری در مواد آن به عمل آورده و معایبی را که با برهان و دلیل گوشزد نمودیم، از امتیازنامه رفع نماید. البته در ضمن تجدیدنظر اولاً باید از تکثیر و توسعه مؤسسات شرکت در خارج از ایران، از قبیل تصفیه‌خانه‌ها و غیره جلوگیری شده و وسائل تأسیس آنها در ایران فراهم گردد. ثانیاً یا بر حق‌السهم دولت مقدار متنابهی افزوده و یا به نسبت عادلانه از روی کلیه عایدات غیرخالص معین گردد. ثالثاً راجع به عواید دولت از شرکتهای فرعی قرار رضایت بخشی داده و آن عواید را مرتباً به دولت ایران تأدیه نمایند - رابعاً اگر بناست که حق دولت را از منافع خالص شرکت پردازند، اقلماً برای دولت ایران حق نظارت و کنترل ملی در کلیه مخارج محفوظ شود، زیرا به طوری که تذکر دادیم هیچ معقول نیست که کسی در نفع

و عواید خرج در رفته مؤسسه شریک بوده، ولی هیچ گونه دخالتی در مخارج آن نداشته باشد.

سند شماره ۹۱

انتقاد سرجان کدمن از سیاست‌های دولت ایران در عدم همکاری با شرکت نفت ایران و انگلیس

https://t.me/shenakht_lib

ترجمهٔ مراسلهٔ سرجان کدمن

از تلگرافات اخیر این جانب ملاحظه کرده‌اید که بنده با اولیای امور اینجا مذاکراتی در زمینه [ای] که به بنده دستور فرمودید و در سفر اخیر طهران مذاکره شد، کردم. بنده حس می‌کنم که میل دارید کاملاً با صراحت مطلب را اظهار کنم. من استنباط می‌کنم که با وجود میل قطعی و حقیقی مقامات عالیه، در تشیید روابط صمیمانه و دوستانه با ایران، بدبختانه عقیده‌ای که اینجا حکمفرماست این می‌باشد که نظر ایران بر طبق جریاناتی که اخیراً در موارد مختلفه مشاهده شده، طوری است که مساعی در این راه را خنثی می‌نماید. در حقیقت به نظر می‌رسد که بین مأمورین این جا عقیدهٔ شدیدی حکمفرماست که اگر به زودی نزدیکی روابط صورت نگیرد، ایران دوستان خود را رنجانده و خود را تنها خواهد گذاشت و البته این قضیه با اوضاع حاضرهٔ دنیا صلاح ایران نیست.

بنده که طبعاً فوق‌العاده مایل به برقراری حسن تفاهم دایمی بین دو مملکت‌مان هستم، اقرار می‌کنم که راجع به وضعیت حاضره و راجع به عواقب آن خیلی نگران هستم. مگر آن که به طور قطع اقدامی بشود، که یک محیط جدیدی در روابط طرفین ایجاد گردد. معهداً عقیدهٔ این جانب بر این است که ترمیم وضعیت حاضره به زودی امکان

دارد و اگر ایران به طور وضوح تمایل خود را در برقراری روابط مساعد با بریتانیای کبیر اشعار دارد، زمینه مساعدی برای شروع روابط جدید و بهتری فراهم خواهد شد. این جانب فقط امیدوارم که شما یک راه‌حلی برای مشکلات حاضره پیدا فرمایید، تا آن که اثراتی که در افکار اینها پیدا شده رفع گردد. بنده به سهم خودم هنوز موفق به رفع این اثرات نشده‌ام. مع هذا بنده یقین دارم که اگر شما اقدامی در این راه بفرمایید، طولی نخواهد کشید که نتیجه مطلوب به دست خواهد آمد.

ارادتمند [امضاء]: جان کدمن

https://t.me/shenakht_lib

سند شماره ۹۲

مکاتبه گرینهوس با تیمورتاش در خصوص استقبال سرجان کدمن از پیشنهاد وی مبنی بر پذیرایی از انصاری در لندن

تهران / مورخه ۱۲ خرداد ۱۳۱۰، خیلی محرمانه است

حضرت اشرف عزیز:

سرجان کدمن از بنده تقاضا نموده است که در موضوع تلگرافی که به معزی‌الیه مخابره فرموده بودید، به عرض محترم رسانم که معزی‌الیه مطابق منظور حضرت اشرف اقدام نموده است و منتظر ورود حضرت اجل آقای انصاری^۱ است و با کمال میل و مسرت با کلیه وسایل ممکنه نهایت مساعدت و پذیرایی را از معزی‌الیه

۱. احتمالاً منظور علیقلی خان مشاورالممالک انصاری است که در ۱۲ تیر ماه ۱۳۱۰ به جای

سیدحسن تقی‌زاده به عنوان وزیر مختار ایران در لندن منصوب شد.

به عمل خواهد آورد.

ارادتمند

[امضاء: ف.س. گرینهوس]

حضور حضرت مستطاب اشرف عالی آقای تیمورتاش وزیر محترم دربار پهلوی
دامت شوکته

[حاشیة پایین، به خط تیمورتاش: [به عرض برسد. https://t.me/shenakht_lib]

سند شماره ۹۳

مکاتبه گرینهوس با تیمورتاش در خصوص موافقت سرجان کدمن با
حضور الکینگتن در هیئت تحقیقه خزائن صنعتی به شرط عدم ایجاد
مسئولیت برای شرکت نفت ایران و انگلیس

طهران / مورخه ۱۲ خرداد ۱۳۱۰، محرمانه

حضرت اشرف عزیز:

(۱) مراسله [ای] که با پست اخیر از طرف سرجان کدمن رسیده است، تلواً تقدیم
می‌گردد.

(۲) راجع به تقاضای حکمران خوزستان مبنی بر حضور نماینده‌ای در هیئت تحقیقه
خزائن صنعتی، معروض می‌دارد سرجان کدمن در موقع تحقیق در لندن حضور
نداشته است و پس از آن معزی‌الیه قبول خود را به مستر الکینگتن تلگرافاً مخابره

نموده، اما صریحاً شرط کرده است که در این خصوص شرکت هیچ‌گونه مسئولیتی قبول نخواهد نمود.

ارادتمند

[امضاء: ف.س. گرینهووس]

حضور حضرت مستطاب اشرف عالی آقای تیمورتاش وزیر محترم دربار پهلوی
دامت شوکتہ

https://t.me/shenakht_lib

[حاشیة پایین:] به عرص رسید، ضبط. نمره ۱ مراسله سرجان کدمن به ضبط وارد
نشده است.

سند شماره ۹۴

مکاتبه حسین علاء (سفیر ایران در پاریس) با تیمورتاش در خصوص
ارسال نظرات پیشنهادی یکی از تجار ایرانی در مورد لزوم مشارکت
ایران در هیئت مدیره نفت جنوب از طریق خرید سهام کمپانی مزبور

سفارت شاهنشاهی ایران

[نمره] ۱۸،۷۶۳ / خرداد / ۱۳۱۰

دوست محترم عزیزم :

آقای شیرازی که از تجار محترم ایرانی و سالها در چین اقامت و حالا در نیس سکنی

دارد و پارسال نیز راجع به اصلاح پول ایران و فروش نقره مطالعاتی کرده بود، اخیراً نظریاتی راجع به لزوم شرکت ایران در هیئت مدیره نطف جنوب، به وسیله خرید اسهام کمپانی مزبور که فعلاً به قیمت نازل در بازار لندن به فروش می رسد، اظهار کرده که برای استحضار خاطر محترم ارسال و توجه عالی را به اهمیت آن جلب می نماید.

[امضاء: حسین علا]

https://t.me/shenakht_lib

سند شماره ۹۴/۱

سفارت شاهنشاهی ایران در پاریس

سواد مراسله آقای شیرازی

نمره اندیکاتور سفارت ۷۱۵

آقای معظم، دوست عزیزم ان شاء الله همواره مزاج شرافت امتزاج قرین سلامت و مسرت است. گرچه دوریم از بساط قرب، همت دور نیست. مدتی است به سبب فقدان وسیله نتوانسته ام خود را متذکر خاطر شریف ساخته و التفات حضرت عالی را از این رو برای خود واسطه کردم، اینک بهانه به دست آمده خود را بدین نوید امیدوار می سازم. عجاله غرض از تصدیع اظهار مطالب مشروحه ذیل است:

اخیراً چنانچه محتمل است خاطر عالی مسبوق باشد یکی از روزنامه های طهران همت کرده چند فقره مقالات راجع به امتیاز نطف جنوب ایران درج و این مسئله را تنقیدی به سزا کرده است. علی الظاهر آنچه در این موضوع بحث شده، عقیده آزاد شخصی بوده و از مقامات رسمی تاکنون التفاتی بدان نشده و اگر هم شده است این بنده را علم و اطلاعی نمی باشد.

عجب نیست [که] شرکت نفت انگلیس و ایران، به اعتبار و پشت گرمی سوابق اعمال خود و بی‌قیدی‌های ما، این‌گونه تنقیدات را مستهزانه تلقی کرده و به جواب، خنده‌وراستین به ما تحویل دهد. از طرفی دولت ایران هم که از معاملات غیر عادلانه این مؤسسه خارجی سالهاست تجربیات تلخ حاصل کرده و بالطبع باید منتظر فرصت و اقدام به پاره‌[ای] عملیات و جلوگیری از بی‌اعتدالی‌ها^۱ باشد، معلوم نیست چه وقت مصالح خود را بداند و بتواند برای اصلاح قیام نماید. بی‌شبهه و بدون هیچ‌گونه تعارف، مادامی که چهار کس اشخاص با کفایت در ایران که هم‌رتبه در لیاقت و کارآگاهی با حضرت عالی می‌توانند بود، پیدا نشوند، اقدامات بی‌اساس از هر جهت در این زمینه بشود در حکم نقش بر آب خواهد بود و اگر باعث سوء اثری نشود، نتیجه منظور به دست نمی‌دهد.

البته باید این‌گونه نظریات مردمان با فکر و اشاعه در مطبوعات پای‌تخت را استقبال و از آنها استفاده کرد. لکن به عقیده بنده، حل مسئله تجدیدنظر در امتیازنامه داری که مورد بحث است، به هر نحو راهش به دست آید، عاجلاً به حال مملکت ما ثمری نمی‌بخشد، چه بر فرض از طرف دولت ایران اقدامی در این مورد به عمل آید، آن قدر اشکالات حقوقی و منطقی و نکات فنی از جانب آن استاد‌های ماهر که مدعا علیه هستند به میان می‌آید و به قدری مشکل‌تراشی از روی تدبیر^۲ در اطراف مسئله می‌شود که ممکن است اصل قضیه را یک مدت طولانی و به امید وقوع یافتن تغییرات معاضدی برله مغرضین روی زمین بکشد و عاقبت هم کسی نمی‌داند که اگر دولت ایران در این معامله اتفاقاً بُرد نصیبش شود، از کدام راه دیگر در سیاست باخته است.

دولت ایران با همه استعداد و قابلیت‌هایی را که اخیراً بروز داده و می‌دهد، هر قدر نزد رقیب مغرض و متصرف اموال موروثی خود بخواهد دعوی رشد کند، خواه مخواه جواب‌های یأس‌مکروه تهدید آمیز می‌شوند. پس مصلحت فرمایان مملکت راست که

۱. در اصل: بی‌اعتدالت‌هایی.

۲. در اصل: تدمیر.

اول ناخنهای تدبیر او را تیز و با تمام ادله و براهین عقلی و قانونی او را مسلح نموده، سپس برای دریافت حقوق مغضوبه وی با خصم غاصب وارد میدان جرو و بخشش نمایند.

لذا نظر این بنده این است که اگر اصلاً قایل به قدر و قیمت مهمی برای این اراضی زرخیز که در دست اجانب افتاده است، بوده باشیم، چه بهتر از این که قسمی کنیم راه نفوذ و اختیار مستقیمی در عملیات این شرکت به ید قدرت دولت ایران آمده باشد. چنانچه البته بر حضرت عالی معلوم است، در سال ۱۹۱۴ - بعد از این که امناء دولت انگلیس کاملاً پی به اهمیت معادن نفت ایران، مالاً و ماداً بردند - در همان اوقات که ما مشغول تفریح ضرب از ید عمر [۱] بودیم، دولت خود را حاضر نمودند دو میلیون پوند بر سرمایه شرکت نفت ایران و انگلیس افزوده و در عوض دو میلیون سهام (متعارفی) شرکت مزبور را از قرار عددی یک پوند به تصرف دولت خود درآوردند. ایضاً در سال ۱۹۱۹ باز از همان نقطه نظر، دولت انگلیس و ادار گردید سه میلیون پوند داده و معادل سه میلیون سهام متعارفی یک پوندی از شرکت نفت گرفته و مجموعاً مقدار این سهام (متعارفی) در تحت مالکیت خود را به ۵ میلیون برساند. شرکت نفت برمه نیز در همان سال اخیر الذکر بالغ بر یک میلیون و نیم سهام متعارفی شرکت نفت انگلیس و ایران را به علاوه آنچه داشت تحصیل کرد و من حیث نتیجه برای هر یک از این دو شرکت مهم علاقه حاکمیت و کلیه امورات شرکت نفت ایران برقرار گردید. تا در سال ۱۹۲۶ که رؤسای مزبور که اعضای معتبرشان نمایندگان دولت انگلیس و شرکت نفت برمه بودند، مصلحت چنین دیدند مبلغ خطیری از ذخیره احتیاطی هنگفت شرکت نفت ایران را مزید سرمایه کنند. بنابراین قریب چهار میلیون و نیم سهام متعارفی تازه ترتیب دادند و آنها را بین این دو طبقه سهامداران که اول و عمده دولت انگلیس و [دوم] شرکت نفت برمه است و بعد سایر شرکاء، اعنی سهامداران متعارفی متصرفه، یک سهم مجانی نو روی دو سهم کهنه تقسیم کردند. پس از آن در نتیجه این عمل ۵ میلیون سهام اصلی دولت انگلیس به ۷ میلیون و نیم و حصه شرکت برمه به موجب همین قاعده به سه میلیون و پانصد و شصت و یک هزار و نهصد و نود سهم رسید. لاجرم اکنون غیر از ۷ میلیون و نیم سهام (مقدم) اول با قید فرع سالیانه،

صدی ۸ و سه میلیون و نیم اسهام (مقدم) دوم با قید فرع صدی ۹، آنچه اسهام متعارفی بدانها اطلاق می‌شود، تعداد آنها به سیزده میلیون و چهارصد و بیست و پنج هزار می‌رسد و از آن جمله چنانچه قبلاً اشاره شد، هفت میلیون و نیم در قبضه تصرف دولت انگلیس و ۳/۵۶۱/۹۹۰ در دست شرکت نفت برمه و مابقی که عبارت از دو میلیون و سیصد و شصت و سه هزار و ده سهم بوده باشد، در تصرف اشخاص متفرقه است. قیمت کلیه این اسهام در حساب سرمایه شرکت نفت انگلیس و ایران را از قرار یک پوند محسوب است، لیکن به حسابی که در دست است، جزء اعظم آن اسهام که در تصرف اشخاص متفرقه می‌باشد و شرکت نفت انگلیس و ایران آنها را در دو موقع در بازار لندن به معرض فروش گذارده بود، بهای هر سهمی را با وجود این که یک سهم مجانی روی دو سهم گذارده‌اند، تقریباً چهل و هفت شیلینگ از مردم اخذ شد و حال آن که در حساب سرمایه شرکت قیمت اصلی به همان میزان یک پوند مقرر گردیده است.

در ایران عده [ای] از علاقمندان به مملکت ایراد می‌کنند که شرکت نفت انگلیس و ایران به کرات و مرات مخالفت با شرایط امتیازنامه داری را ابراز داده است و بر اثر این قسم بی‌عدالتیها^۱ قسمت معتناهی از حقوق مسلمة ایران که مالک حقیقی است در این میانه پایمال شده است و باید راه چاره [ای] پیدا نموده، احقاق حق کرد. اساس این عقیده بر این است که شرکت نفت مزبور، دو سه برابر آنچه از خلاصه حساب سالیانه آن معلوم و مستفاد می‌شود، هر سال دخل از استخراج نفت برده و می‌برد. اما عمداً قسمت [هایی از] این عایدات را صرف تشکیل موسسات متفرعه و دارالتصفیه و فلان در خارج از ایران می‌نماید و برای اغفال و فریب دادن دولت ایران است که این اعمال را مرتکب می‌شود، تا ماحصل عایدات خالص را نصف و یا ثلث آنچه واقعی است نشان دهد و بدین طریق و حيله، حق امتیاز صدی ۱۶ را حتی الامکان تقلیل داده، فقط از آنچه به ظاهر نفع خالص است، در سال یک مبلغ به دولت ایران تأدیه می‌کند. حل این مسئله موکول به اقدامات مؤثر و بسته به استعداد و کفایت دولت ایران است

که با چنین مستأجر قوتمند و پرفنی به میدان آمده و بدانند ضربت حمله را به کدام عضو ضعیف او فرود آورد. نظیر این قبیل اجحافات و تعدیات سرمایه داران اروپا، در دنیا خصوصاً در قاره وسیع آسیا، بسیار و ایران کم طالع را مستثناء نمی‌توان کرد. عموماً هر جا وجودی قدرتمند^۱ دیده شود، او کسب قوت از ضعیف کرده و این شیوه غیره مرضیه از خواص طبیعت دنی بشر می‌باشد و معاملات ما در این دنیای مادیت پرست با خیل ملائکه و روح القدسها نیست، بل با پیروان این طریقت است - اکنون فلسفه گویی و عرفان بافی به کنار، این موضوعی را که ما مبحث قرار داده‌ایم، مقصود اصلی مان راه تدبیر عملی به دست آوردن است.

ما حتم داریم اگر دولت ایران از راه قانونی داخل مذاکره با شرکت نفت انگلیس و ایران شده و تدبیر کافی به خرج دهد، هیچ وقت بی‌نفع بیرون نمی‌رود. تنها خطری که پیش بینی می‌شود این است که یک مدت مدیدی ممکن است این قضیه عمداً روی زمین کشیده شود، به امید این که شاید در ضمن، اتفاقاً اشخاصی که از طرف دولت ایران بانیت پاک و توانایی کامل، با شرکت نفت داخل مذاکرات شده و مقداری راه طی کرده‌اند، بر اثر پاره‌ای تغییرات سیاسی و غیره پایشان از میدان بیرون رفته و عنصر ضدی، به صرفه مدعیان، قائم‌مقام آنها بشود. فرنگی‌ها دربارهٔ تشتت و سستی مسلک مردمان مشرق زمین هنوز دست از عقیدهٔ کهنه خود برنداشته‌اند و تا مدت زمانی خوشبختانه یا بدبختانه هنوز ممکن است نسیم اقبال به سمت اروپائیان بوزد. از مقصود قدری دور افتادیم، غرض این است چنان که قبلاً گفته شد، هرگاه ما قایل به قدر و قیمتی برای این معادن نفت ثروت خیز جنوب ایران باشیم و بالتبع شرکت نفت انگلیس و ایران را یکی از مؤسسه‌های بزرگ دنیا و صاحب تمول در این حرفه و تجارت بشناسیم، ناچار باید اسهام معتبر این شرکت را از اسهام معتبر و پرفایده بشماریم و غیر از این هم ظاهراً عقیده نداریم، پس امروز که اسهام متعارفی شرکت مزبور - همان اسهامی را که مردم ۴۷ شیلینگ بهای هر یک را داده و از شرکت مستقیماً

خریده‌اند و اکنون به علت مشکلات اقتصادی و مالی در انگلستان در بازار لندن در حدود ۲۷ الی ۳۰ شیلینگ که تقریباً نیمه بهاست خرید و فروش می‌شود - چه بهتر از این که دولت ایران وقت را غنیمت دانسته از وجوه نقدینه که در لندن دارد، مبلغی را به کار انداخته، به تدریج یک الی دو میلیون از این اسهام را خریده و مالک شود. اگر دولت ایران چنین پیشرفتی کند، مادناً و معناً از این کار بهره خواهد برد. به این معنی که هم از پولی که مایه می‌گذارد، در سال اقلأً صدی هشت، انتفاع حاصل می‌نماید و هم با داشتن مقدار سهم عمده، می‌تواند حل یک معمای بزرگی را بنماید و آن داشتن نماینده در هیئت منتظمین این مؤسسه و در جزئی و کلی معاملات و محاسبات شرکت مداخله مستقیم داشتن است. اگر چنین شود راه خدعه و تقلب بر علیه حقوق عایدی دولت ایران، از حیث حق امتیاز و غیره مسدود می‌شود. شرکت نفت ایران آنچه را در سال باید خرج و صرف اصلاح و ایجاد دارالتصفیه و مؤسسات متفرعه خود نماید، بیشتر به منفعت ایران انجام می‌یابد، در توزیع و تقسیم منافع شرکت قسمتی از حق حاکمیت را به دست می‌آورد، از آن پولهایی که بدون اطلاع و اجازه دولت ایران از عایدات غیرخالص شرکت مجزا گردیده، در شرق و غرب دنیا صرف تشکیلات جداگانه می‌شود، جلوگیری می‌کند [و] عده زیادی کارکنان و عملجات ایرانی هم در اراضی نفت [خیز] و هم بیرون آن اراضی به جای اجانب استخدام می‌شوند و معامله آبرومندانه با آنها برخلاف سابق می‌شود.

و به عبارتی دیگری دولت ایران می‌تواند کلیه حقوق خود را بدین طریق حفظ نماید و معناً در نفوذ خود یک برهزار بیفزاید. دولت انگلیس به واسطه همین اسهامی که داراست، دو نفر نماینده در هیئت منتظمین شرکت گذاشته و در حالی که حقوق آنها را شرکت می‌دهد، آنها به وظیفه خود، منافع آن دولت را محافظت می‌نمایند. شرکت نفت برمه نیز نماینده [ای] از طرف خود در قطار منتظمین گذارده‌اند و به انجام همین وظایف مشغول است. چنانچه دولت ایران هم موفق شود نماینده از جانب خود در هیئت منتظمین بگمارد، بدیهی است هر خیری از حسن کفایت و درایت وی عاید شود، آن خیر متوجه ایران می‌شود.

قیمت اسهام متعارفی شرکت نفت انگلیس و ایران را اگر به مطنه حالیه در ۳۰ شیلینگ

بگیریم، باید تصدیق کرد که این قیمت به نهایت برای دولت ایران ارزان است. زیرا چنانچه مطلعیم بهای هریک را شرکت نفت از سهامداران ۴۷ شیلینگ مأخوذ داشته است، هرگاه فرضاً همان قیمت دفتری هر سهمی را که به حساب سرمایه شرکت آورده‌اند، میزان قرار دهیم، سرمایه فقط روی هم رفته تقریباً ۱۴ میلیون پوند است، از این قرار:

۷,۰۰۰,۰۰۰	اسهام مقدم اول با قید فرع سالیانه صدی ۸ فی سهمی ۱ پوند
۳,۵۰۰,۰۰۰	اسهام مقدم دوم با قید فرع سالیانه صدی ۹ فی سهمی ۱ پوند
۱۳,۴۲۵,۰۰۰	اسهام متعارفی
۲۳,۹۲۵,۰۰۰	پوند

سهامداران متعارفی مرکب از این جماعتند:

دولت انگلیس ۷,۵۰۰,۰۰۰

شرکت نفت برمه ۳,۵۶۱,۹۹۰

اشخاص متفرقه ۲,۳۶۳,۰۱۰

۱۳,۴۲۵,۰۰۰ اسهام

با هشت میلیون پوند ذخیره احتیاطی این شرکت که نقداً یک ثلث اصل سرمایه به تخمین می‌رود و همچو تصور کنیم که این شرکت را بدون هیچ گونه حیف و میلی از میانه بخواهند از نو تشکیل دهند و سرمایه و ذخیره احتیاطی را برای چنین مقصود روی هم بریزند، مبلغ سرمایه در این صورت به ۳۲ میلیون می‌رسد و هر سهمی همان سی شیلینگ که قیمت حالیه اسهام متعارفی شرکت در بازار لندن است، بیرون می‌آید (و حال آن که علاوه بر اسهام متعارفی، چنانچه در فوق ملاحظه شد ده میلیون و نیم اسهام شرکت نفت ایران به اسهام مقدم اول و دوم تخصیص داده شده و فایده محدودی منظور این طبقه اسهام گردیده و به همین جهت مظنه آنها در بازار قریب ۲۵ شیلینگ می‌باشد و کمتر زیر و بالا می‌شود و از روی این قاعده در میزان کردن سرمایه به ترتیب فرض فوق، حد اسهام متعارفی را مناسب آن است در ۳۵ شیلینگ تخمین

کرد). دولت ایران در صورتی که مالک یکی دو میلیون سهام شرکت نفت انگلیس و ایران شود، هم به چند جهت از سرمایه خود که در این کار انداخته منتفع می‌شود و هم لدلاحتیاج می‌تواند روی این سهام صدی ۷۵ یا بیشتر به سود نازل از بانک‌های اروپا و آمریکا پول قرض بگیرد، فقط اشکالی که متصور است، طریقه به دست آوردن این مقدار سهام، بدون انقلاب در بازار، می‌باشد، چه به مجرد این که در بازار لندن چنین مظنون شود که خریدار عمده [ای] برای این سهام در بازار قدم گذارده یا خواهد گذارد، بالطبع قیمت روی به ترقی می‌گذارد، خصوصاً اگر بدانند دستورالعمل خرید از کدام ناحیه رسیده است و در اینجاست که باید به تدابیر عملی متمسک گردید تا کار پیش برود. قسمتی از آن تریبناک لازمه به طوری که بنده عاجلاً اظهار عقیده می‌کنم، این است که دولت ایران یک نفر عامل محرمانه برای خود انتخاب نماید و بهتر از شخص حضرت عالی (گرچه با فرط مشاغلی که دارید این عهده سنگین و فوق‌العاده برای شماست - ولی موقتی است) کسی به نظر نمی‌رسد.

قبل از هرکار لازم است با یکی از بانک‌های معتبر آمریکایی یا فرانسه بند و بست صحیحی کرد که آن بانک با یک دلال امین و ماهری قرار سری بدهد و بعد به عنوان این که از طرف یکی از مشتریان صاحب سرمایه خود وکیل است، بدون فوت وقت خود را آماده کرده، هر روز که بازار لندن سست و مساعد است، یک مقدار عمده سهام، نقد و نسیه خریداری کند. اگر بازار در ضمن هوای بلندی پیش گرفت، به ظن معمول و مروج بین الدلالهای باخبرت و بصیرت، یک اندازه سهام نقد در بازار عرضه به فروش داشته و در عین حال همان مقدار و بیشتر را به مدت خرید نماید و بازار را به مهارت سرد و گرم گرفته و بدین رویه علی‌الاتصال بر مقدار ابتیاعی خود بیفزاید. پس از یکی دو ماه که کار به اندازه [ای] پیشرفت کرد، کنار نشسته، چند مدت ابدأ داخل معامله نشود. باز عملیات را از سر گرفته و بسته به هوای بازار و صلاح و صرفه، به خرید ادامه دهد تا آن مقدار سهامی که در نظر است تماماً یا جزء اعظم آن تحصیل شود.

همین قدر که سهام کافی به دست آمد، متعاقبش تقاضای تعیین کردن نماینده از طرف دولت ایران در هیئت منتظمین شرکت نفت است و بنده را ایمان قوی است که این

منظور اصلی و عمده در این وقت به آسانی از پیش می‌رود.

غیر از نتایج اخلاقی، فواید مادی دولت ایران در ظرف قلیل مدتی بدون هیچ گونه اغراق صدی [صد] درصد خواهد بود، زیرا این اسهام متعارفی شرکت نفت انگلیس و ایران پارسال یکی نود شیلینگ در بازار معامله می‌شد و اکنون که به سبب زیادی محصول و تنزل قیمت نفت که هر دو موقتی است، به یک اندازه تنزل اسهام شرکت را بدین جهات طبیعی باید شمرد ولی در مظنه این روزها که در ۲۷ الی ۳۰ شیلینگ معامله می‌شود، به کلی خارج از هر حسابی می‌باشد. لہذا همین که این مقدار اسهامی که در بازار پراکنده است، به دست مالک مقتدری آمد و از منطقه قمار خارج گردید، در اندک زمانی دیده می‌شود که به ۶۰ شیلینگ قرار خواهد گرفت و از بعد هر چه بهتر و با صرفه تر شود به سود ایران است. سپس آن آرزوهای که عده [ای] از اشخاص ذی‌علاقه به وطن دارند، در سایه پیش آمدهای آتیه، راه‌حلشان آسان و به نیل مرام اصلی رسیدن مثل امروز مشکل نمی‌باشد. در صورتی که اسباب کار امروز به آسانی مهیا می‌شود، اگر اولیاء امور در طهران عاجلاً و جرأ التفاتی بدین مسئله نفرمایند و استفاده از این موقع بسیار مغتنم، خاصه در این روزها که دولت ایران محتاج به مساعدت‌های اقتصادی است، نشود، بنده به سهم خود باید اعتراف کرد که در مقاصد و نیات آقایانی که در مصادر امور وطن عزیز ما واقفند، عقلم قاصر است.

باری این مطالب باید خیلی سزّی و محرمانه نگاه داشته شود. بنده قبل از این که اراده عریضه نگاری و زمینه خیالات خودم را در این موضوع به نظر عالی رسانیدن داشته باشم، فقط حضور دو سه نفر از دوستان وطن پرست که در حقیقت، در این معامله ذی‌علاقه نیستند، بر سبیل اجمال یک وقت صحبتی به میان آوردم و ظاهراً در همان مجلس رفقا قصد را فراموش کردند و این اول بار است که علی‌التفصیل عقیده خود را محرمانه خدمت حضرت مستطاب عالی اظهار داشتم. مقصود این است که بنده همیشه از دوستان و آشنایان که ایرانی خالص نیستند و اغلب در ایرانی و خارجی بودن ذوجنبتین می‌باشند، از این مقوله صحبت کردن را پرهیز می‌کنم. مخابره نظریات بنده با اولیای دولت موکول به اختیار حضرت عالی است. لیکن لازم است تاکید فرموده اگر صلاح در عملیات دیدند، مثل پیشنهاد پارسال حقیر به جهت

اصلاح پول ایران و مخصوصاً فروش نقره به تأخیر نیفتد، زیرا حالا وقت است.

عزت مستدام - ارادتمند

سند شماره ۹۵

متن بیست و دومین صورت جلسه شرکت نفت ایران و انگلیس در لندن

https://t.me/shenakht_lib

صورت جلسه عمومی شرکت نفت

انگلیس و ایران محدود

بیست و دومین جلسه عمومی شرکت نفت انگلیس و ایران محدود در تاریخ سه شنبه ۱۶ ژوئن ۱۹۳۱^۱ در عمارت ریور پلیت واقعه در میدان بوری شهر لندن به ریاست سرجان کدمن^۲ منعقد گردد. منشی (مستر جان کلارک) اخطار انعقاد جلسه و راپرت مفتشین را قرائت و مدیرکل نطق ذیل را ایراد نمود:

خانمها و آقایان:

اجازه می فرمایید راپرت و صورت حساب را خوانده فرض کنیم؟

محاسبات

بنده یقین دارم تصدیق خواهید فرمود که بیلان ما موقعیت بس مستحکمی را

۱. برابر با: ۲۵ خرداد ۱۳۱۰.

2. Sir John Cadman, رئیس هیئت مدیره شرکت.

مشعر است.

در قسمت جمع حساب بر دارایی مادی ما در ایران به واسطه ایجاد کارخانه‌های کرکینگ^۱ در آبادان قریب ۱/۲۰۰/۰۰۰ لیره افزوده شده است.

تقلیلی که در ارزش سایر اقلام دارایی ملاحظه می‌فرمایید به واسطه مبالغ کافی می‌باشد که به عنوان کسر قیمت^۲ منظور گشته و اوراق بهادار دولت بریتانیا و وجه نقد افزایش بالغ بر ۱۵۰/۰۰۰ لیره را نشان می‌دهد.

در قسمت خرج، مختصر افزایشی در سهام تعهدی روی داده. در طی سال ۳/۲۵۰/۰۰۰ لیره سهام تعهدی موجوده را اشاعت داده و استرداد معمولی سهام مزبور ۱۹۴/۰۰۰ لیره بوده است. در قلم دائین^۳ هم افزایشی رخ داده و در این قسمت ذخیره‌ای برای پرداخت مالیات منظور گشته است به طوری که وجوه کافی برای پرداخت کل مالیاتی که به منافع شرکت تا ۳۱ مارس ۱۹۳۲ وضع شود منظور شده است.

از حساب نفع و ضرر ملاحظه خواهید فرمود که عایدات خالص سال^۴ بالغ بر ۴/۶۴۸/۵۷۹ لیره شده در صورتی که در سال قبل ۵/۲۰۶/۷۶۲ لیره بوده و بنابراین در حدود ۵۶۰/۰۰۰ لیره در عایدات خالص تقلیل حاصل شده است. از مبلغ منافع مزبور مبلغ پانصد هزار لیره برای کسر قیمت اضافی و نزول سهام تعهدی منظور شده و مبلغ ۱/۰۵۰/۰۰۰ لیره هم به حساب ذخایر مختلفه گذاشته‌ایم چنانچه پیشنهادی که راجع به پرداخت منافع سهام شده پذیرفته گردد مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ لیره اضافه هم به حساب سال بعد برده خواهد شد. با عطف به مراتب فوق هیئت مدیره خود را ذیحق می‌دارند

۱. کرکینگ یعنی درهم شکستن و عبارت از عمل تقطیر و تصفیه مجدد نفت سوخت است که

از آن بنزین و نفت حاصل می‌شود.

۲. کسر قیمت اصطلاح دیگری است برای استهلاك ادوات و اثاثیه.

۳. طلب‌کاران.

۴. مقصود سنه‌ایست که در ۳۱ دسامبر ۱۹۳۰ ختم شد و مذاکرات در این صورت جلسه مربوط

به آن است.

از این که به شما پیشنهاد کند مبلغ ده درصد به عنوان منافع آخر سال سهام متعارفی پرداخته شود به قسمی که مجموع منافع سهام سال بالغ بر پانزده درصد گردد.

راجع به محاسبات متوجه به یک یا دو نکته شده و موقع را مغتنم می‌شمارم برای این که هرگونه توهمی در این موضوع موجود باشد رفع نمایم. مثلاً تمام مخارج حفر چاه‌ها مطابق معمول از منافع حاصله سال برداشت شده است.

مبلغ ۲۷۶/۰۰۰ لیره که از بابت خرید سهام شرکت‌های تابعه تقلیل یافته مربوط به مبالغی است که برای پیش بینی هرگونه خسارات شرکت‌های تابعه پس از وضع بعضی اضافات قلیل به حساب منظور گشته است.

همچنین از بنده تقاضا شده رقمی را که برای کسر قیمت منظور داشته‌ایم ذکر کنم. در سال ۱۹۳۰ برای شرکت و شرکت‌های تابعه که کلیه سهامشان در دست ماست مبلغ ۲/۹۵۰/۰۰۰ لیره برای کسر قیمت منظور کرده‌ایم در حالی که در سال ۱۹۲۹ رقم مزبور ۳/۳۰۰/۰۰۰ لیره بوده است ولی اگر مجموع کسور از منافع سال ۱۹۳۰ بابت کسر قیمت و ذخایر را در نظر بگیریم ملاحظه خواهد شد که در سال مزبور مبلغ ۶/۰۰۰/۰۰۰ لیره کنار گذاشته‌ایم در حالی که سال قبل رقم مزبور ۵/۵۰۰/۰۰۰ لیره بوده است.

و نیز از بنده تقاضا شده است توضیح بدهم از چه لحاظ در شرحی که ضمیمه حساب نفع و ضرر گردیده ذکری از شرکت نفت اکس شده است. سهام مزبور عبارت از سهام متعارفی شرکت‌هایی است که در صنعت استخراج نفت از صخره در اکس دخیل هستند. تمام سهام مزبور متعلق به شرکت نفت اکس محدود می‌باشد و به قیمت خرید منهای مبالغی که بابت کسر قیمت موضوع شده تقویم شده‌اند. فعلاً نرخ بورس نسبت به این سهام وجود ندارد و بنابراین برای مفتشین محاسبات آن شرکت وجه مقایسه‌ای موجود نبوده که آنها را هدایت نماید.

ایران - محصول سال ۱۹۳۰ قریب به ۶/۰۰۰/۰۰۰ تن^۱ بوده و از این مقدار، مختصری متجاوز از یک میلیون تن، از معادن هفت گل استخراج گشته است. استخراج از معادن هفت گل فقط از لحاظ برقراری موازنه بوده و الا ما می توانستیم کلیه محصول خود را با نهایت سهولت از معادن مسجد سلیمان به دست آوریم. عملیات حفر، فعلاً به تناسب قلیلی که برای برقراری استخراج منظم از هر دو قسمت معادن مزبور لازم می باشد، تقلیل یافته است.

کاری که در راه توسعه و پیشرفت معادن نفت ایران انجام گرفته است ما را موفق به احراز یک موقعیت سالمی نموده و بنابراین ذخایر قطعی و سهل الوصولی برای ما تهیه شده که در سنوات منمادی آتی می توان به آن اعتماد داشت.

عراق - از ناحیه امتیازیه کوچک ما در این مملکت ۸۰/۰۰۰ تن برای مصرف احتیاجات بازار محلی استخراج شده است.

راجع به شرکت نفت عراق البته علاقه مند بوده‌اید مطالبی که اخیراً در جراید منتشر شده و مربوط به تغییرات و اصلاحات در امتیازنامه شرکت مزبور است مطالعه فرمایید. برحسب قرارداد اصلاحی مزبور شرکت نفت عراق ناحیه وسیع و بلامانعی به دست آورده است که در آن می تواند عملیات خود را به بهترین طرز فنی تعقیب نماید زیرا خطر هرگونه رقابتی از میان برداشته شده است. در سایر قسمتها هم اصلاحات طوری است که فعلاً امتیاز مزبور در روی پایه عملی تری قرار گرفته است. این قضیه برای ما بواسطه منافع زیادی که در شرکت نفت عراق داریم حائز نهایت درجه اهمیت است.

آرژانتین و آلبانی - اضافات جدید بمعادن نفت ما در آرژانتین نشده و استخراج بهمان میزان متوسط سابق باقی است.

در آلبانی معلوم شده است که بدون تکثیر قابلی در میزان قیمت نفت ادامه عملیات در مملکت مقرون به صرفه نیست و بنابراین قرارداد موقتی منعقد شده که امتیاز ما در مملکت مزبور برای سنوات معینی را کد خواهد ماند.

۱. هریک تن معادل سه خروار و ثلث خروار است.

تصفیه

به کارخانه‌های تصفیه ما اضافاتی شده که موقعیت ما را در زیاد و کم کردن مقدار محصول و تطبیق صادرات تصفیه‌خانه‌ها با احتیاجات بازارهای مختلف تسهیل می‌نماید. مهمترین اضافات مزبور عبارت از کارخانه‌های «کرکینگ» در تصفیه‌خانه‌ها و دستگاه تقطیر و تصفیه مقدماتی در معادن است که برپا کرده‌ایم.

در هذلسنه لابوراترهای ما واقعه در سن بوری توسعه بیشتری یافته و از هیچ اقدامی برای این که کارکنان و آلات کار آنجا به حداکثر اکمال منظوره برسانیم فروگذار نشده است.

علاوه بر تعقیب تحقیقات راجع به شیمی و مهندسی، عملیات مختلفی راجع به انواع وسائل فنی قبل از استعمال آنها در کارخانه‌های اجرا شده و توسعه یافته است و دائم مطالعاتی می‌شود که محصولات شرکت همواره به عالی‌ترین درجه باقی و برقرار بماند. سیاست و رویه مزبور تا به حال فواید بسیاری برای ما در بر داشته است.

صنعت استخراج نفت از صخره

خیلی متأسفم از این که اظهار دارم صنعت استخراج نفت از صخره در این ایام دچار وضعیت خیلی مغشوشی شده و بعضی تقلیلات در عملیات آن اجباراً لازم آمده است. لابد از توضیحاتی که سرجان کارگیل رییس هیئت مدیره شرکت نفت اکس در طی نطقی که در تاریخ ۵ ژوئن در کلاسکو در این موضوع ایراد نمودند کاملاً استحضار حاصل کرده‌اید.

کشتی رانی

نه کشتی جدیدی که سال گذشته سفارش داده بودیم و قصد اصلی این بود که کشتیهای مزبور جایگزین کشتیهای کهنه‌تری که اکنون به فروش رسانده‌ایم شوند

اینک تماماً بکار انداخته شده‌اند. فعلاً کشتیهای نقاله ما عبارت از ۸۵ فروند است که مجموع ظرفیت آنها بالغ بر ۷۸۰/۰۰۰ تن می‌باشد.

در طی سال، به استثنای مدت قلیلی که بعضی از کشتی‌ها کار نمی‌کردند، تمامی آنها مداماً مورد استفاده بوده و در کار بودند.

فروش

چنانچه شما مطلع هستید فروش محصولات ما در قطعات مختلف عالم به وسیله مؤسسات تابعه و مربوطه صورت می‌گیرد. در بسیاری از ممالک، محصولات ما و مخصوصاً بنزین جهت موتور، تحت علامت معروف ب.پ «BP» به فروش می‌رسد. اخیراً در انگلستان یک نوع بنزین جدیدی تحت عنوان «BP PLUS» به محصولات افزوده شده با این منظور که به احتیاجات دقیقه اتومبیل جدید وفق یابد. خوشوقتم اظهار کنم که از محصول مزبور پذیرایی شایانی به عمل آمده و به ما اطمینان کامل می‌دهد که باعث تقویت و تنزید حسن شهرت محصولات «BP» بشود.

میزان فروش و نرخها در قسمت اعظم سال ثابت و برقرار مانده بود ولی در پائیز تنزلی حاصل شد که به واسطه شکست فاحش نرخ کرایه کشتی‌های نقاله تشدید یافت. مولدین فعالیت بیشتری برای تهیه بازارهای جدید فروش محصولات خود بکار برده و رقابت استثناء شدیدی رخ داد و تنزل قیمتها ادامه پیدا کرد به قسمتی که امروز اجناس به نازلترین قیمتی که در سنوات متمادی نظیر آن دیده نشده بود رسیده است.

ملاحظات عمومی

هرکس می‌داند که هیچ یک از شعب صنعت یا تجارت نمی‌تواند خود را از کسادگی شدیدی که از چندی به این طرف در قوای تجارتی و معاملاتی دنیا ظاهر شده کاملاً

مصون تصور نماید. آنچه مخصوصاً مربوط به صنعت نفت است عوامل افراط در تولید و نکث در مصرف که تا درجهٔ معتنابهی مکمل یکدیگرند از چندی به این طرف دست به هم داده و موقعیت مشکل و بعضی از اوقات مغشوشی فراهم کرده‌اند. در دول متحده آمریکا که بزرگترین مرکز تولید و مصرف دنیا است، وضعیت مخصوصاً، در نتیجهٔ توأم شدن دو عامل مزبور و تحلیل قوهٔ خرج و کشف معادن جدید که محصول آنها در بعضی مواقع به حد غیرمتناسب رسیده و خامت خاصی پیدا کرده است. عامل دیگری که باعث شکستن عمومی بازار شده تکثیری است که با میزان معتنابهی بدون مطابقت با احتیاجات بازار در صادرات روسیه و رومانی حاصل شده است.

https://t.me/shenakht_lib

در هر حال چنانچه تمامی دنیا را با یک نظر نگاه کنیم می‌توانیم اظهار کنیم که یک حداکثر موقتی تولید ظاهراً در سال ۱۹۲۹ پیدا شده است (البته مقصود من حداکثر عملی است نه حداکثر امکان پذیر) و از آن تاریخ برای اولین مرتبه بعد از جنگ تولید به حالت قهقهه‌رایی رفته است.

این تنزل ظاهراً منتهی به تقلیل در موجودی نگردیده و بنابراین می‌توان از روی منطق اظهار داشت که علت آن تقلیل در مصرف بوده که در نتیجه شکست تجارت دنیا و شکست‌های مالی ظاهر شده است. معهداً من این نکته را خاطر محو نمی‌کنم که در نتیجه استعمال طریقه «کرکینگ» و وسائل دیگر یک تن نفت خام متعارفی آمریکا ۴۲ درصد منابع تصفیه شده می‌دهد و حال آن که در ۵ سال قبل فقط ۳۲ درصد می‌داد. صنعت نفت بدون تردید نمی‌تواند امید داشته باشد که ترقی خود را از اثرات آنچه که دنیا امروزه به آن مبتلا است و من آن را فقرالدم صنعتی می‌نامم دور سازد. معهداً صنعت نفت دارای مسائل مخصوص به خود می‌باشد که حل آنها مخصوصاً به واسطهٔ تأثیر قوای خارجی مخالف لازم تر و فوری تر شده است و لازمهٔ این تأثیر این است که در داخل حدود صنعت مساعی بیشتری تمرکز یابد تا به کلیه وسایل ممکنه این تعادل مجدداً در همه جا برقرار شود. در ضمن این که ما مسائل اختصاصی صنعت خودمان را حل می‌کنیم می‌توانیم امیدوار باشیم که قدمی نیز در راه حل مسائل دنیا برداشته‌ایم.

واضح است که اشکالات زیادی در پیش است. ولی اگر طول مدت را در نظر بگیریم هیچ صنعتی به اندازه صنعت ما مطمئن به آتیه نیست. با عطف نظر به انکشافات بزرگی که اخیراً در دول متحده آمریکا به عمل آمده و عامل عمده جهت تکذیب پیش‌بینی‌های دیرینه راجع به تقلیل ذخایر نفتی دنیا گردیده و با این که احصائیه ذخایر مزبور، در سایه معلومات امروزه، وجود منابع سرشاری را خبر می‌دهد، معهذا عاقلانه نخواهد بود اگر تصور شود که این ماده خام که فعلاً چنین آزادانه در سطح زمین جریان دارد به مقدار وافر لایتناهی وجود دارد. به مرور ایام شاید لازم شود که به مقادیری که امروز و فردا به این سهولت تحصیل می‌شود، ذخایر دیگری که به این سهولت در دسترس نیست، افزوده شود، اعم از این که ذخایر نفتی مزبور بیشتر از آنچه امروز و وسائل فنی ما اجازه می‌دهد در اعماق کره زمین دفن شده یا در نقاطی قرار یافته باشند که از لحاظ بهره‌برداری قابل نفع زیاد نبوده و دور دست باشد، نفتی که از هریک از این منابع تحصیل شود قطعاً خیلی گران تر تمام خواهد شد و بنابراین باید به قیمت گرانتری از نرخهای امروزه فروخته شود. با عطف به این نکات است که این شرکت همواره موافق با نقشه‌ای بوده که استخراج منابع طبیعی‌اش با احتیاط و دقت توسعه یابد و با وجود اشکالاتی که همگی به آن مصادف هستیم ما امیدواریم که در آتیه کاملاً رویه عاقلانه ما را نه تنها از نقطه نظر صنعتی بلکه از نقطه نظر منافع مصرف کنندگان تقدیر نماید.

من نمی‌توانم از این موضوع بگذرم بدون این که ولو به طور خلاصه و با خیلی احتیاط باشد، ذکر از جنبش کنونی برای تحصیل نفت از ذغال سنگ کرده باشم، عوام تصور می‌کنند که شرکت‌های بزرگ نفت مانند ما (که فقط به نام آن می‌توانم صحبت کنم) باید اجباراً مخالف با کلیه این افکار باشند، لکن این تصور کاملاً اشتباه است. ما طبعاً هر توسعه عملیات فنی و هر موضوع اقتصادی را با متها درجه دقت مورد توجه قرار می‌دهیم، بالفرض یک روزی برسد که در سلک وراثت صنعتی نفت مستخرجه از منابع فرعی مکمل و حتی جانشین نفت طبیعی بشود باز ما در عرصه نمایش خواهیم بود. ما رویه خود را که عبارت باشد از مطالعه (و مطالعه دقیق) آنچه در این زمینه گفته و کرده می‌شود ادامه خواهیم داد، اما من هیچ موضوع جاری قابل

توجه عمومی را در نظر ندارم که در آن تفکیک احساسات از عقل سلیم و یا تفکیک سیاست از سیاسیات ضروری تر باشد. برای هر کسی که در این موضوع ذیعلاقه است خیلی مفید خواهد بود اگر مطالعات خیلی عمیق و سلیمی را که از لحاظ فنی عالم ممتاز، لرد و تر فرد، به عمل آورده با دقت قرائت و در اطراف آن تفکر نماید.

ایران

در اوائل هذه السنه من موقعی برای تفتیش معادن شرکت و عملیات تصفیه آن در ایران به دست آوردم و خیلی از عملیاتی که آنجا انجام می‌یابد و از منتهی درجه موفقیتی که از خصائص کلیه شعب ادارات ما در ایران است رضایت حاصل نمودم. من نمی‌توانستم خودداری کنم از این که تغییرات عمده‌ای که از تاریخ اولین مسافرتم برای بازدید عملیات شرکت در ۱۹۱۳ یعنی ۱۸ سال قبل به ظهور پیوسته در خاطر نیآورم، در آن موقع عملیات چاه کنی منحصر بود به یک محوطه محدودی در معادن مسجد سلیمان که در سال ۸۰ هزار تن فقط محصول از آن استخراج می‌شد. هنوز تخت سنگ بزرگ نفتی اسماری سوراخ نشده بود. سؤالی که در آن موقع می‌شد این بود که آیا معدن مزبور استعداد استخراج ۵۰۰ هزار تن را در سال خواهد داشت یا خیر، طول محوطه تصور می‌رفت که از دو میل کمتر باشد و چاه‌ها هر یک به فاصله پانصد قدم از یکدیگر واقع بودند. من چاه ۷ را شخصاً اندازه گرفتم، در آن تاریخ از قرار روزی ۴۶ تن محصول می‌داد، خط لوله، در تمبی، به یک تلمبه بخار «ویر» جفت شده و تلمبه مزبور نفت را از بالای رشته کوه امام رضا عبور داده و از آنجا به قوه خود به طرف آبادان سیر می‌کرد. ظرفیت یومیه لوله هزار تن بود، در آبادان چهار کارخانه تقطیر کار می‌کرد و روزی ۲۵۰ تن تصفیه می‌کرد و حال آن که ظرفیت تصفیه روزانه ۸۰۰ تن را داشتند. در آن موقع ۴۷ نفر اروپایی و ۳۳۲۰ مستخدم ایرانی کار می‌کردند و برای ۴۷ هزار تن انبار تهیه شده بود. تنها دو اتومبیل وجود داشت و تمام حمل و نقل به وسیله قاطر یا کشتی‌های بخار شطی انجام می‌گرفت. از آبادان تا مسجد سلیمان مسافرت ۳ الی ۴ روز طول می‌کشید و چند هفته وقت لازم بود برای این که شخص از

آبادان به طهران و یا از طریق بمبئی از آبادان به لندن برود. وضعیت فوق را با وضعیت امروزه مقایسه کنید. معادن مسجد سلیمان با منتها درجه دقتی که در علم فیزیک میسر باشد کاوش شده است. منطقه نطف به ثبوت پیوسته که ۲۱ میل طول دارد در صورتی که هفت گل دارای وسعت و استعداد مساوی یا بیشتری است.

چاه ف ۷ پس از یک عمر ۱۵ ساله دایمی و زلزله ناپذیر برای حفظ گاز مسدود گردید. میزان استخراج روزانه آن به ۲۰۰۰ تن رسیده و بالغ بر ۷ میلیون تن جمعاً از آن استخراج شده بود. چاه‌های متعدد دیگری هستند که ظرفیت مساوی و حتی بیشتری

https://t.me/shenakht_lib

دارند.

لوله نطف، به کمک تلمبه‌های فشار خارج از مرکزی، ۱۷ هزار تن نطف را جریان می‌دهد و توانایی آن از این هم بیشتر است. نطف در قعر زمین انبار شده و لوله‌های متعدد انبار تحت‌الارضی اسماری را مستقیماً به کشتی یا کارخانه تقطیر متصل می‌کنند. تصفیه‌خانه آبادان به تنهایی روزی ۱۳ هزار تن تصفیه می‌کند و ظرفیت زیادی نیز در ذخیره نگاهداشته است، تصفیه‌خانه دارای سه دستگاه از سیستم کارخانجات تقطیر است و هر یک می‌توانند در هر روز ۴ هزار تن تقطیر کنند. انبارهای نطف گنجایش دو میلیون تن را دارا هستند. اکنون متجاوز از ۲۰ هزار مستخدم مشغول کارند. بالاخره حمل و نقل هوایی مسافرت از آبادان به مسجد سلیمان را در ظرف یک ساعت و مسافرت طهران به آبادان را در پنج ساعت مقدور ساخته است. از انگلستان ممکن است در کمتر از یک هفته به ایران مسافرت نمود و مسافر می‌تواند بین پنج طریق هوایی مختلف انتخاب کند. این تغییرات عظیم در ظرف مدتی انجام گرفته که جنگ با تمام تأثیرات پرخرجش جزو آن بوده و بعد از جنگ، عملیات تجدید ساختمان و تجدید تشکیلات به میزان وسیعی ضرورت داشته است. امروز ما حاضر برای مقابله با آتیه می‌باشیم. ما موفقیت خود را تکمیل نموده و اقدام کمی لازم است برای این که تولید محصول را به قیمتی که باعث سربلندی شرکت و کارکنانش باشد بر روی این پایه حفظ نماییم.

امیدوارم که شما را با این شرح مختصر خارج از موضوع خسته نکرده‌م. در این سال

چنانچه قبلاً اظهار داشتم من مجدداً مسافرتی به ایران نموده، هر چند وقتی را که به اختیار خود داشتم محدود بود، معهداً خوشبختانه توانستم با کمک طیاره قسمت اعظم مسافرت را انجام دهم و بدین طریق قادر شدم مسافرتی به طهران کنم و به حضور مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاهی مشرف شوم. همواره اعلی حضرت شاهنشاهی سهم شرکت را در تأمین سعادت ایران تقدیر می فرمایند و در این مرتبه نیز مانند سابق تقدیر فرمودند. همچنین موفق شدم، گرچه اجباراً به طور اجمال، بعضی از مسائل مربوطه را با حضرت اشرف آقای وزیر دربار و سایر وزرا مورد بحث قرار دهم.

https://t.me/shenakht_116

بدبختانه ایران مانند بسیار و بلکه کلیه ممالک با اشکالات مخصوص زیادی در ایام حاضره مصادف شده که تأثیر تنزل قیمت نقره در پول رایج آن از حقیرترین آنها نیست. قوانین جدید مخصوصاً قانون مالیات بر شرکتها و بر اشخاص و همچنین قانون انحصار تجارت که برای منظور تثبیت موقعیت مالی مملکت وضع شده کمک در سبک کردن بار مخارج عملیات ما در آن مملکت ننموده اند.

مستخدمین

ما می توانیم با نظر قهقرایی به سال گذشته مشاهده کنیم که عملیات مستخدمین مؤسسات مختلف ما در داخله و خارجه دایماً خوب بوده و مانند همیشه مطمئن هستیم که می توانیم به آنها اعتماد کنیم که در انجام وظائف دقیقی که وضعیت کنونی امور ایجاد نموده اقدام نموده و موفق خواهند بود.

من نمی توانم به این موضوع خاتمه دهم بدون ذکر این که این که حالت توقیفی که اوضاع اقتصادی برای بعضی از شعب فعالیت ما ایجاد کرده و همچنین لزوم تجدید تشکیلات فروش و تکمیل بسیاری از پروگرام های عملیات وسیعه ما باعث تقلیل عدد زیادی از مستخدمین گردیده و گرچه این تقلیل ناچاری بود از آن فوق العاده متأسفیم.

دورنمای آتیه

در سنوات سابق متداول بود که به طور خلاصه با درجهٔ تدقیقی که پیش آمده‌های آتیه اجازه می‌داد در این موضوع نیز سخن رانده شود. ولی ایام کنونی روزهای ابر [ی] هستند و از آنچه در فوق گفتم چنین می‌توان نتیجه گرفت که آتیه نامعلوم است. در چند ماه گذشته نتیجهٔ عملیات به هیچ وجه مطابق امیدواری ما نبوده و در این موقع من به هیچ وجه قادر نیستم اطمینان دهم که در آتیهٔ نزدیکی بهبودی حاصل شود. تنزل قیمت‌ها بیش از آن اندازه شدت داشته که بتوان به وسیلهٔ تقلیل مخارج از تأثیرات آن جلوگیری نمود معهداً آنچه در این قسمت مقدور بوده انجام گرفته و بعدها نیز اقدام خواهد شد.

خوشبختانه شرکت هم از نقطه نظر مالی و هم از نقطه نظر فنی، قادر است بر این که موقعیت خود را در قسمت تولید و فروش حفظ نماید و آن روزی که جریان قضایا تغییر یابد و دیر یا زود موقع این تغییر خواهد رسید، ما خود را قادر خواهیم یافت و مصمم هستیم که از موقعیت خود منتهای استفاده را ببریم.

اینک با نهایت مسرت پیشنهاد می‌کنم که «راپورت و بیلان و حساب و نفع و ضرر برای سالی که در سی و یکم دسامبر ۱۹۳۰ منقضی می‌شود قبول و تصویب گردد» و از سر ژرژ بارسو تمنا می‌کنم این پیشنهاد را تأیید نمایند.

سر ژرژ. بارسو - بنده نهایت مسرورم که پیشنهاد مزبور را تأیید کنم.

مدیر کل - خانمها و آقایان: قبل از آن که راجع به این پیشنهاد رأی بگیریم اگر سئوالی باشد که بنده بتوانم جواب دهم باکمال میل حاضرم و آیا هیچ یک از آقایان صاحب سهام نظریاتی دارند که اظهار فرمایند؟

مستر الستن - آقای مدیر کل: بنده میل دارم بدانم که شرکت راجع به روغن ماشین چه اقدامی کرده و آیا شما علامت تجارتی برای آن دارید یا خیر؟ بنده هیچ اعلانی از طرف شرکت راجع به روغن ماشین ندیده‌ام.

یک نفر از صاحبان سهام - اشاره‌ای راجع به بیانات راجع به تحصیل نطف از ذغال سنگ فرموده و ضمناً اسم شخصی که آن بیانات را کرده بود ذکر فرمودید ولی بنده

اسم مشارالیه را نشنیدم.

مدیرکل - راجع به روغن ماشین: مادر تصفیه خانه خود در لند داری روغن ماشین تهیه می‌کنیم ولی جنس مخصوصی عمل نمی‌آوریم.

اسم عالمی را که ذکر کردم لرد رت فرد بود. ایشان رییس مجمع مشاوره اداره تتبعات علمی و صنعتی هستند. بیان مزبور در تاریخ ۲۰ ماه می گذشته در مجلس اعیان از طرف مشارالیه شده بود.

اینک راجع به پیشنهادی که ذکر شده رأی می‌گیریم. به اتفاق آراء تصویب گردید.

میل دارم در این موقع راجع به غیبت جناب مستطاب اجل آقای میرزا عیسی خان فیض کمیسر دولت شاهنشاهی ایران ازین جلسه ذکری بنمایم. چند سال بوده است که مرتباً در این جلسات سالیانه ایشان ما را به چند کلمه بیانات و نظریات خود راجع به عملیات شرکت مستفیض می‌فرمودند. بنا بود که ایشان امروز در این جلسه تشریف بیاورند ولی چون پس از هشت سال غیبت از مملکت خود خیال دارند که مسافرتی به ایران نمایند، دیروز مانند همه ما که در موقع مسافرت به شرق دچار آن می‌شویم تلقیح کرده و متأسفانه در نتیجه این کار امروز کسالت پیدا کرده و با نهایت تأسف از حضور در این جلسه معذورند. اطمینان دارم همه حضار با بنده موافقت خواهید فرمود که امیدواری خود را برای این که مسافرت به وطن به ایشان خوش خواهد گذشت اظهار داریم و امیدوار باشیم که مجدداً در موقع خود مراجعت فرمایند.

اینک با نهایت خوشوقتی پیشنهاد می‌کنم که «بابت منافع آخر سال سهام متعارفی شرکت اضافه بر پنج درصدی که قبلاً پرداخته شده است ده درصد پس از وضع مالیات بر عایدات که جمعاً برای سال مزبور ۱۵ درصد می‌شود اعلان و در تاریخ سی و یکم ژوئیه ۱۹۳۱ پرداخته شود.» از مستر فریزر تمنا میکنم که این پیشنهاد را تأیید فرمایند.

مستر و فریزر - من خوشوقتم که این پیشنهاد را تأیید کنم.

مدیرکل: من پیشنهاد را تقدیم می‌کنم آنهایی که موافقت؟ کسانی که مخالفند؟ به اتفاق آراء تصویب شد. اینک من خوشوقتم پیشنهاد کنم که مستر ویلیام فریزر، سرجان

ب. لاوید، مستر ف. س. تیارکس، مستر گ. ک. ویگهام و سر ت. ر. وین مجدداً به عضویت هیئت مدیره انتخاب شوند. من از سر ادوارد پک خواهش می‌کنم که لطفاً این پیشنهاد را تأیید کنند.

سر ادوارد ه. پک من این پیشنهاد را تأیید می‌کنم.

مدیرکل: شما پیشنهاد را شنیدید رأی می‌گیریم: موافقین؟ مخالفین؟ به اتفاق آراء تصویب شد. آیا یکی از صاحبان سهام لطفاً حاضر است پیشنهاد بعدی راجع به مفتشین محاسبات بکند.

مستر ج. کر - «من پیشنهاد می‌کنم که آقایان برون، فلمینگ و موری مجدداً به سمت مفتش محاسبات شرکت انتخاب شوند و قرار حق الزحمه آنها را هیئت مدیره بدهد».

مستر رنی - من این پیشنهاد را تأیید می‌کنم.

مدیرکل: - آقایان، خانمها پیشنهاد را شنیدید - موافقین؟ مخالفین؟ به اتفاق آراء تصویب شد.

اینک دستور جلسه عمومی خاتمه یافت.

مستر گرانت هوپر - خانمها و آقایان - من بلند می‌شوم برای این که تشکرات خود را به مدیرکل و هیئت مدیره و مستخدمین شرکت برای زحماتشان در سال گذشته تقدیم دارم. این اوقات ایام سختی هستند و یقین دارم همگی احساس می‌کنیم که در این مواقع مشکل هم هیئت مدیره و هم مستخدمین آنچه را که ممکن است انجام داده‌اند. ما که پول می‌دهیم تا عملیاتی که چرخهای تجارت ما را راه می‌برد انجام شود ناچار شده‌ایم به تقلیل منافع خود تن در دهیم ولی کارگری که هیچ محصولی جز کار خود ندارد امتناع می‌کند که این قدم قهقراپی را که وضعیات نامساعد دنیا ایجاب می‌کند بردارد.

من مطمئن هستم که پس از استماع نطق سودمند مدیرکل خودمان شما موافق هستید که باید از هیئت مدیره برای مال اندیشی و حسن رویه‌ای که به خرج داده است امتنان داشته باشیم و همچنین متشکر باشیم از مدیرکل برای زحمات و مسافرت‌هایی که

برای پیشرفت امور شرکت انجام می‌دهد و از اعضای معادن که با دلسوزی مراقبت دارند که ذخایری برای آتیه محفوظ شود و از مستخدمین قسمت شیمی و مهندسی که مساعی زیاد برای ارزانی و بهبودی محصول بکار می‌برند. من مطمئن هستم که بیش ازین لازم نیست گفته شود و فقط کافی است تقاضا شود که رأی تشکری از مدیرکل و هیئت مدیره و مستخدمین شرکت چه در داخله و چه در خارجه داده شود. من از شما تقاضا خواهم کرد که این رأی را با هلهله بدهید. رأی تشکر با هلهله داده شد.

مدیرکل - مستر هوپر خانمها و آقایان - به نام خود و همکاران هیئت مدیره و مستخدمین شرکت من خیلی صمیمانه تشکر می‌کنم که برای عباراتی که مستر هوپر ادا کردند و از برای طریقی که شما با او موافقت نمودید. چنانچه به طور صحیحی گفته شد ما ایام سختی را طی می‌کنیم و من می‌توانم به شما اطمینان دهم که رای قدردانی به قسمی که در این جلسه ابراز شد مشوق تمامی ما که مواجه با این ایام سخت هستیم خواهد بود. امیدوارم با موفقیت طی کنیم. من از شما تشکر می‌کنم. سپس جلسه ختم شد.

سند شماره ۹۶

مکاتبه سرجان کدمن با تیمورتاش در مورد موقعیت بازار نفت و لزوم اتخاذ تدابیری جهت حل اختلافات مالی مربوط به وامها و حق الامتیاز

ترجمه نامه ۷ اوت ۱۹۳۱ سرجان کدمن

جناب آقای تیمورتاش :

اخیراً نامه‌ای از آقای جکس دریافت کردم، وی در این نامه متذکر شده است که بعد از ورودش به تهران سه دور گفتگو با جناب عالی داشته است. قبل از شرح مفصل و کامل مسئله، در فرصتی که در آینده در پیش روی ماست، بلافاصله نامه ارسالی خود را مغتنم شمرده و از طریق آن عقاید اولیه خود را از خاطر مبارک می‌گذرانم. قبل از ابراز نظریات خود، از حضور محترم اجازه می‌خواهم نکته‌ای به عنوان مقدمه عرض کنم و آن این که آقای جکس در معرفی شرایط نامساعد تجارت نفت که امروزه بر جهان سایه افکنده است، اصلاً اغراق نگفته است.

مصرف سالانه محصولات نفتی روندی رو به افزایش داشته که بخاطر پیامدهای طبیعی بحران جهانی اقتصاد که در سراسر دنیا نمایان است، متوقف گردید. مدت زمان این وقفه بر هیچ کسی روشن نیست. متعاقب پیامدهای مذکور، موقعیت بازار نفت بنا به دلایل زیر نسبت به گذشته با بی‌ثباتی بیشتری مواجه گردیده است :

۱- در حوزه‌های جدید استخراج نفت در ایالات متحده آمریکا، نفت خام به میزان بالا و بی‌وقفه تولید می‌شود.

۲- کشورهای رومانی و روسیه در بازارهای اروپایی از نظر تولید هنگفت نفت با هم رقابت می‌کنند که این رقابت برای آنها ارزان و غیر اقتصادی تمام می‌شود.

۳- حمل و نقل نفت در فواصل کوتاه و با هزینه فوق‌العاده پایین انجام می‌گیرد. در حال حاضر، شرکت‌های توزیع کننده نفت به منظور حفظ موقعیت تجاری خود، شدیداً در بازارهای اروپایی با هم رقابت می‌کنند. ورود سازمانهایی که از تولید مفرط و ارزان نفت سود می‌جویند، رقابت مذکور را وخیم‌تر کرده و سازمانهای مذکور فعلی در صدد نفوذ به مناطقی هستند که تقاضا برای نفت در آنها چشمگیر و هزینه توزیع ناچیز باشد، تا بلکه بتوانند نفت را با قیمت‌های بسیار پایینی به فروش برسانند.

پیامد اجتناب ناپذیری که از شرایط فوق متوجه شرکت‌های بزرگ، خاصه شرکت نفت ایران - انگلیس گردید، این بود که این شرکتها برای حفظ موقعیت تجاری خود مجبور گردیدند که قیمت نفت را به میزان زیادی پایین آوردند. به طوری که سود به حداقل میزان خود، حتی به حد صفر رسید. بنده نمی‌دانم این وضعیت تا کی ادامه

خواهد یافت، ولی به هر حال نمی تواند همیشگی باشد، زیرا سازمانهایی که از کارایی کمتری برخوردارند، به علت فشار رقابت و فقدان بهره اقتصادی، خودبخود دستخوش ورشکستگی می گردند. هر قدر هم شرکت نفت ایران - انگلیس از پایگاهی قوی جهت مبارزه و رهایی از دوره رکود فعلی برخوردار باشد و بتواند در آینده ای مساعدتر، با موفقیت های سودآوری مواجه گردد و رو به ترقی گذارد، نباید حقیقتی را بیهوده کتمان کنیم و آن این که شرکت مذکور، چه در وضعیت کنونی و چه در دوره قابل ملاحظه ای از آینده نزدیک، از یک مرحله نامساعد در امان نخواهد بود. مسئولین چنین شرکتهایی بایستی ملاحظات فوق الذکر را همواره مطمح نظر قرار دهند. مطمئنم که جناب عالی شناخت جامعی نسبت به این موارد دارید، حتی اگر آنها را در ایران به خوبی اینجا برایتان تبیین نکرده باشند. با این همه در چنین جو تجاری است که بایستی مسائل فی مابین خود را مورد بررسی قرار دهیم. امیدواریم که با منصفانه ترین و صحیح ترین روش عمل فوق را به انجام برسانیم.

موضوعاتی که آقای جکس با شما مورد بحث و بررسی قرار داد، به دو مقوله تقسیم می شوند: ابتدا مسائلی که مستلزم حل و فصل سریع و بدون تأخیر هستند، سپس آنهایی که زمان بهتر، مناسبتر و به طور کلی افق روشن تری را می طلبند. مسئله وامها و حق الامتیاز که تاکنون لاینحل مانده اند، جزء مقوله اول قرار می گیرند.

انواع تعهدات فی مابین که دوره ای باید با آنها مواجه شویم، پس از برآوردی که از مسائل مالی خود به عمل آوردیم، یک مبلغ کلی را نشان می دهند. در مورد مالیاتها ما قویاً بر این عقیده بوده ایم که بهتر است به مدت چند سال مبلغ مذکور را با تفاهم حل نماییم. اما با توجه به مباحثاتی که تاکنون به عمل آمده، بیم آن می رود که رسیدن به موافقتی که با همه شرایط برای هر دو طرف منصفانه تشخیص داده شود، کار بسیار مشکلی باشد. بنابراین، در وضعیت فعلی، نظر ما این است که یک برنامه عملی که به نفع طرفین می باشد، اتخاذ گردد. مطابق طرح مذکور رقمی برای سال ۱۹۳۰ مورد موافقت قرار می گیرد. همین برنامه سال به سال تازمانی که وضعیت کلی تجارت اندکی بهتر شود و چشم انداز آن آشفستگی کمتری را نشان دهد، ادامه می یابد.

در حال حاضر، مشغول نوشتن همین مطلب به آقای جکس هستم که آن را با شما مورد مذاکره قرار خواهد داد. نظر قطعی بنده نسبت به مسائل مربوط به حق امتیاز این است که ترجیحاً در تمامی موارد آن پیشنهاداتی را که آقای جکس به شما ارایه کرده بیشتر دنبال کنید. بنده هم مانند شما از مسئله حکمیت پرهیز می‌کنم و بهتر می‌دانم تمامی مسایل با تفاهم متقابل حل و فصل گردند و آقای جکس هم با داشتن چنین افکاری به شما پیشنهاد داده است.

صمیمانه آرزو می‌کنم پس از آن که خوب به مسئله اندیشیدید، بتوانید به توافق برسید. مسائل مهمی در خصوص تجدید نظر در امتیازنامه، مورد بحث قرار گرفته که در این لحظه زمانی نمی‌توانم وارد جزئیات گردم، اما همین الآن به طور صریح عرض می‌کنم که در حال حاضر اختلاف نظر زیادی بین ایران و شرکت نفت بر سر امکان تجدید نظر و در عین حال رعایت مساوات وجود دارد. بعد از تأملی که نسبت به قضیه به خرج داده‌ام، معتقدم که مسئله کلی بازنگری امتیازنامه، از جمله گسترش آن را در حال حاضر نمی‌توان به طور مؤثری مورد بحث و بررسی قرار داد، مگر در زمان مساعدتری در آینده و هنگامی که وضعیت آشفته صنعت نفت خاتمه یابد. محاسبه دقیق و معقول امکانات آینده و طرح برنامه‌ای جامع که بتواند در مقابل اتفاقات زمان مقاومت کند، تنها مواردی هستند که فعلاً می‌توان انجام داد.

[سرجان کدمن]

سند شماره ۹۷

مکاتبه ژاکس با تیمورتاش در خصوص آثار صدور نفت از ایران توسط اشخاص بر کاهش ارزش شرکت نفت ایران و انگلیس در بانکها

حضرت اشرف:

عطف به ملاقاتی که روز سه شنبه گذشته (۲۵ اوت) با حضرت اشرف عالی به عمل آورد و در آنجا موضوع صدور نفت از ایران مذاکره شد، معروض می‌دارد، برحسب وعده، صورت قیمت‌هایی را که محصولات شرکت از طرف صادرکنندگان در بنادر خلیج به فروش می‌رسد، ذیلاً به عرض می‌رساند:

بنزین در بحرین

نرخ فروش شرکت حلبی ۵/۱۰ روپیه <https://me.bhenakht.ir>

نرخ فروش صادرکنندگان حلبی ۴/۱۰ روپیه

معادل قیمتی که صادرکنندگان در ایران بنزین را می‌خرند حلبی ۱/۱۴ روپیه

در کویت

نرخ فروش شرکت حلبی ۵/۱۰ روپیه

نرخ صادرکنندگان حلبی ۴/۱۰ روپیه

نفت در کویت

نرخ فروش شرکت حلبی ۲/۱۲ روپیه

نرخ صادرکنندگان حلبی ۱/۸ روپیه

معادل قیمتی که صادرکنندگان در ایران نفت را می‌خرند حلبی ۱ روپیه

در بحرین

نرخ شرکت حلبی ۲/۱۲ روپیه

نرخ صادرکنندگان حلبی ۱/۸ روپیه

از صورت فوق ملاحظه خواهند فرمود که این تجارت برای صادرکنندگان معامله پر منفعتی است و چون صادرکنندگان را وادار [می‌کند اسعار خود را بر اساس صورت قیمت‌هایی] ^۱ که خود آنها در موقع صدور به گمرک می‌دهند، به فروش رسانند، باز به آنها موقع استفاده بیشتری می‌دهد و باعث زمین خوردن تجارت این شرکت در عربستان و بلوچستان هند خواهد شد.

به علاوه اخیراً از آبادان اطلاع یافته است که صدور مواد نطف از ایران به توسط اشخاص متفرقه، از مقدار اسعاری که این شرکت هر ماهه به بانکها می‌دهد، کسر خواهد نمود. زیرا که فروش شرکت در عربستان و بلوچستان هند زمین خورده و روپیه عاید نخواهد شد و از آن طرف به وسیله ازدیاد فروش مواد نطفی در ایران، به صادرکنندگان مزبور مبلغ زیادی پول قران عاید خواهد گردید.

لذا نهایت متشکر خواهد شد چنانچه حضرت اشرف به اداره گمرکات تعلیم دهند که از صادرکنندگان اسعار خارجه به میزان قیمت جنس در مقصد مطالبه نمایند نه به قیمت جاری در بندری که جنس از آنجا حمل می‌شود.

در خاتمه احترامات فائقه را تجدید می‌نماید.

ارادتمند [امضاء:] ژاکس

حضور حضرت مستطاب اشرف عالی آقای تیمورتاش وزیر محترم دربار پهلوی
دامت شوکته

سند شماره ۹۸

مراسله سیدحسن تقی زاده به وزارت امورخارجه در خصوص معرفی
وکلای حقوقی و متخصصین امور مالی و حسابداری جهت بررسی
مسائل حقوقی و مالی شرکت نفت ایران و انگلیس

سفارت شاهنشاهی ایران در پاریس

https://t.me/shenakht_lib

سواد مراسله جناب مستطاب اجل آقای تقی زاده

نمره ۱۵۶۲، تاریخ ۲۰ مهر ۱۳۱۰

دوست عزیزم:

اگر در جواب مرقومه مورخه ۱۳۱۰/۶/۱۱، نمره ۲۳۵۶۶ تأخیر شده است، علت آن
قصور در توجه به موضوع نبوده، بلکه بالعکس مقصود این بوده است که مذاقه کامل
در اطراف امر شده و پس از ملاحظه تمام اطراف کار، نتیجه به استحضار خاطر عالی
برسد. همان طور که مرقوم فرموده اید برای قضیه [ای] که منظور ما است، مستر کلاپ
و مستر گلبنکیان تخصصی ندارند، ولی از آنها مخصوصاً از مسیو گلبنکیان ممکن
است استفاده‌های مهمی در پیدا کردن راه کار خود [نمود]، چنان که بنده هم در این
قسمت به آنها متوسل شده و نتیجه مذاکرات را ذیلاً تصدیع می‌دهم:

قبلاً باید از لحاظ حقوقی قضیه مطالعه شده تا معلوم گردد که مالیات بر شرکتها به چه
قسمت از عواید کمپانی تعلق می‌گیرد و تا چه قسمت از دارایی و منافع کمپانی را
می‌توان مشمول مالیات دانست. اما باید قیمت نفت را در محلی که از چاه استخراج
می‌شود، مناط قرار داده و یا این که قیمت آن را روی کشتی مأخذ قرارداد. بعد از این
که این کیفیت روشن شد، به سهولت می‌توان از روی دفاتر کمپانی میزان مالیات را

معین نمود.

برای مطالعه قسمت حقوقی، اشخاص ذیل صلاحیت دارند :

Millerand la Padelle / fromageot / Paul - Boncour, Leon
Blum / Geze

از انگلیسها :

چون معمول انگلستان این است که کارهای حقوقی قبلاً به ^۱ Solicitor مراجعه و بعد به آوکا احاله گردد. فرش فیلد و همکاران ^۲ که هم Solicitor بانک انگلیس می باشد، صلاحیت دارند و مستر Winfield green برای آوکایی مناسب است. مخارج مطالعه حقوقی را باید تقریباً ۵۰۰ الی ۶۰۰ لیره انگلیسی برآورد کرد.

اما راجع به قسمت محاسباتی :

بهتر از هرکس مک لین تاک Mc lintock است، که اولاً محاسب دولت ایران است و ثانیاً از محاسبات کمپانی کاملاً مطلع و طرف اطمینان است. در فرانسه هم محاسبین زبردست هستند، ولی مدتی وقت لازم دارند که به طرز محاسبات انگلیسی آشنا شوند و بعد هم معلوم نیست به خوبی مک لین تاک از عهده برآیند. اگر کار به مک لین تاک رجوع شود، نظر به این که تا حدی جزو و وظایف اوست، توقع حق الزحمه زیادی نخواهد داشت.

اما راجع به متخصص ثالث که در صورت عدم توافق متخصصین محاسباتی طرفین، شاید تعیین آن لازم شود. مسیو Pinard فرانسوی، رییس Office de contribuables Liquides که در حقیقت وزیر نطف فرانسه محسوب می شود کاملاً صالح است، ولی شاید کمپانی نطف جنوب به ملاحظه این که این شخص فرانسوی است رضایت ندهد. در آن صورت مستر Macdonald عضو Pearson and Co در لندن مناسب خواهد بود. برای مخارج این قسمت باید معادل ۵۰۰۰۰ فرانک

۱. این کلمه به معنای "مشاور حقوقی" است و در اصل سند به صورت "Sollicitor" آمده

است.

فرانسه در نظر گرفت. عجلتاً این مختصر را زحمت افزا شدم که اولاً از جریان مقدماتی امر در این جا مستحضر شده و ثانیاً نظر وزارت مالیه و دولت ایران را در قسمت ورود مشمول مالیاتی به کمپانی معین فرمایند که مطالعات حقوقی و اقدام محاسباتی بر طبق آن بشود. در این موضوع منتظر ورود جناب اشرف آقای وزیر دربار به پاریس نیز هستم، که با حضور ایشان و مستر گلبنکیان نکات فوق را دقیقاً سنجیده و نتیجه را به اطلاع خاطر محترم برسانم. در صورت تعقیب قضیه، در اینجا سواد امتیازنامه داری و قرارنامه آرمیتاژ اسمیت لازم است. تمنّا می‌کنم مقرر فرمایید ارسال دارند.

https://t.me/shenakht_lib

سند شماره ۹۹

مکاتبه سفیر ایران در پاریس (حسین علاء) با تیمورتاش در خصوص
تعلق گرفتن مالیات بر شرکت نفت ایران و انگلیس و شرکتهای تابعه

۲۹ مهر ماه ۱۳۱۰

سفارت شاهنشاهی ایران

دوست محترم عزیزم

چون تصور می‌رفت که به پاریس تشریف فرما می‌شوید، نتیجه مذاکرات و تبادل نظر با مسیو گلبنکیان راجع به مراسله آقای تقی زاده در باب مالیات بر شرکتهای که به کمپانی نفت جنوب تعلق می‌گیرد، حضور محترم عالی کتباً راپرت داده نشد و به مذاکره حضوری محول گردیده بود. نظر به این که ممکن است مسافرت جناب اشرف عالی به پاریس به تأخیر افتد، سواد شرحی که در جواب مراسله آقای تقی زاده نوشته شده، لغاً تقدیم می‌گردد که از نتیجه مذاکرات این جا استحضار حاصل و در صورتی که

دستوری باشد، مرقوم فرمایند.

[امضاء: حسین علاء]

[حاشیه پایین:] عقیده رییس کل عایدات این است که دین آنها خیلی بیشتر از مبلغی است که ما تقاضا می‌کنیم و چون بیلان سنه ماضیه خودشان، علاوه بر هشتصد هزار و کسری لیره که برای مالیات بر عایدات در انگلستان منظور داشته‌اند، پانصد هزار لیره دیگر هم باز به عنوان مالیات منظور کرده‌اند، به آسانی می‌تواند در تمام عایدات خود به دولت علیه ایران مالیات بدهند و مانع مهمی در این کار نیست. لهذا تصور می‌شود قطع و فصل امر به طور مقطوع صلاح نباشد و همچنین ادعای آنها را نسبت به مطلب برات کردن به مالیات نه ماه سنه ماضیه نمی‌توان قبول کرد. یقین است نکات را خود حضرت عالی خوب توجه دارید.

وزیر مالیه

سند شماره ۱۰۰

مکاتبه میرزا عیسی خان فیض با تیمورتاش در خصوص ملاقات با سرجان کدمن و نتایج مذاکرات به عمل آمده با وی، به انضمام مکاتبه صورت گرفته در این زمینه

۱۲ ژانویه ۱۹۳۲

قربانت شوم پس از دعای سلامت و استقامت وجود مبارک، خاطر عالی را مستحضر می‌دارد، صبح روز دوشنبه (دیروز) یک ساعت به ظهر مانده سرجان کدمن را ملاقات کرده، مذاکرات مفصل به عمل آمد. اولاً از حضرت مستطاب اشرف رنجیده خاطر بود. آنچه مقتضی استمالت و دلجویی بود گفته شد و مرقومه عالی به عنوان ایشان مؤثر واقع شد. امروز سه‌شنبه هم یک ساعت به ظهر مانده، مجدداً ملاقات نموده، مذاکرات را ادامه داده، نتیجه گفت و شنید دو روزه در مراسله نمره ۱ سرجان کدمن مندرج است. بعد از این که مفاد تلفون حضرت مستطاب اشرف را از برلن به ایشان ابلاغ نمود، مراسله نمره ۲ را فرستاد. سپس راجع به کمپانی کشتی‌های نفتی^۲، یادداشت نمره ۳ را ارسال داشت که همه آنها با ترجمه فرانسه از لحاظ مبارک، لفاً خواهد گذشت. به عقیده بنده اگر در آتیه سالی یک صد هزار لیره تفاوت به نفع دولت حاصل شود، صلاح قبول کردن پیشنهاد کمپانی است.

ایام شوکت مستدام باد
[امضاء:] عیسی فیض

سند شماره ۱۰۰/۱

ترجمه نامه ۱۲ ژانویه سرجان کدمن به حضرت اشرف تیمورتاش

۱. برابر با: ۲۱ دی ۱۳۱۰.

۲. بهتر است عبارت "کشتی‌های نفتی کمپانی" آورده شود.

دو مسئله هنوز حل نشده باقی مانده است :

۱- مسئله اختصاص مبلغی به ازای ۱۰۰/۰۰۰ تن به عنوان سود سرمایه

۲- یک مبلغ کلی برای تصفیه حساب گذشته

در مورد مسئله اول که قبلاً از سوی ما مشخص گردیده است، پرداختهایی که تا به حال متداول بوده، چیزی حدود ۱۰۰۰/۰۰۰ لییره است، یا جمعاً به ۱/۴۰۰/۰۰۰ لییره می‌رسد. به عنوان یک حرکت زیبا آن هم حرکتی که از حدود جوانمردی هم فراتر می‌رود، مایلیم رقم مذکور را بر دو تقسیم کنیم، آنگاه رقم ۷۰۰/۰۰۰ لییره را خواهیم داشت. حال اگر این رقم را بر پایه ۱۰۰/۰۰۰ تن تولید قرار دهیم، تقریباً به عدد ۱۱۵۰

لییره خواهیم رسید. https://t.me/shenakht_lib

در مورد مسئله دوم، قبلاً به توافق رسیده‌ایم که موافقت نامه بایستی در شکل نهایی خود، ضمن حفظ اصول و نظرات قطعی در گفتگوهایمان، به نحوی نگاشته گردد که در مورد تفسیر آتی آن هیچ شبهه‌ای بر جای نماند. برای نیل به این منظور، لازم می‌نماید که شوراها قانونی و حسابدار طرفین، برای همکاری در این راستا، دستورالعمل لازم را دریافت دارند و طرحی که خواهند نوشت برای تصویب نهایی در اختیار ما قرار می‌گیرد.

اما در اینجا این نکته را یادآوری کنم :

با وجود این که اطمینان داده شده متن فعلی، ترجمه رسا و جامعی از زبان فرانسه است، اما با مطالعه کلی که از آخرین نگارش متن انگلیسی داشته‌ام، به ابهاماتی در بعضی جملات پی برده‌ام که در اصل قصد طرفین کاملاً روشن بوده است.

علاوه بر این توافق گردیده است کارشناسان حسابداری طرفین طرحی به عنوان راهنما در آینده تهیه نمایند که البته مشتمل بر اصول مندرج در موافقت نامه باشد.

لازم است به آنها دستورات لازم داده شود.

سند شماره ۱۰۰/۲

ترجمه نامه ۱۲ ژانویه ۱۹۳۲

سرجان کدمن به حضرت اشرف تیمورتاش

لازم به نظر رسید علاوه بر نامه‌ای که امروز راجع به ارقام برایتان ارسال داشتم، نامه‌ای جداگانه در جواب نامه مورخه ۱۰ ژانویه شما نیز بنویسم. اجازه می‌خواهم ابتدا مراتب تشکر خود را از حسن نیتی که در حق این جانب نشان دادید ابراز نمایم. همواره چنین احساس کرده‌ام که درست است ما گهگاهی در مواردی که در جهت منافع طرفین هست و امری طبیعی هم می‌باشد اتفاق نظر نداریم، اما با حسن نیت، در حل مسائلی که به نفع هر دوی ماست، تشریک مساعی می‌نماییم. آری امید قلبی بنده چیزی غیر از این نمی‌تواند باشد و متقاعدم چنین امیدواری در شما هم هست و این روحیه همکاری همواره بین ما در آینده چون گذشته ادامه خواهد یافت.

معتقدم روشی که می‌خواهیم برای حل اختلافات گذشته اختیار کنیم، ارقام اغراق آمیزی برای دولت به دست خواهد داد. با این وجود آنچه که از همه مهمتر به نظر می‌رسد، تأثیر است که از توافق جدید مادر آینده حاصل خواهد شد.

اگرچه در حال حاضر نمی‌توان پیش بینی کرد چه موقع صنعت نفت رو به رونقی دوباره خواهد گذاشت، ولی متقاعدم از فرمولهایی که برای عملیات آینده بکار خواهد رفت، نفع زیادی خواهید برد و همین که شرایط امور به طور کلی بهبود یافت بیشتر سود خواهید برد.

مسلم است شرکت انگلیس - ایران با استفاده از روشهای ممکن در حوزه توانایی خود در اصلاح امور سهام خواهد بود، در این باب نباستی به خود تردید راه دهید.

سند شماره ۱۰۰/۳

ترجمه نامه الحاقی ۲۱ ژانویه سرجان کدمن به حضرت اشرف تیمورتاش

عالی جناب عیسی خان فیض عنایت فرمودند نامه شما را از برلین برای بنده ارسال داشتند. این نامه باعث شد که توجه خود را به طور دقیق به مسایل مربوطه معطوف دارم. در مورد مسئله اولی که به مساعده مربوط می شود، برای مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ لیره مخالفتی ندارم، زیرا شرکت **British tanker** قطعاً در این مورد مستثنی می باشد. در مورد این شرکت، بایستی تصمیم گیری راجع به مسئله زیر را به حضرت عالی موکول نمایم:

(a) آیا فوق العاده سالیانه ۲۰۰/۰۰۰ لیره خواهد بود که جمعاً مبلغ ۷۰۰/۰۰۰ شود؟
(b) آیا امکان دارد همچون گذشته در آینده هم عمل تسویه حساب بر پایه نرخ بازار قرارداد اجاره کشتی قرار گیرد؟

در مورد تسویه حساب مطالبات گذشته، ما آماده پرداخت مبلغ ۱۰۰۰/۰۰۰ لیره هستیم تا به طور کامل تمامی مطالبات، چه مالیات و چه بدهی را تا پایان ۱۹۳۱ پرداخت نمایم. علاوه بر این با مبنای بدهی با نرخ ۲۰٪ برای بدهی های یکم ژانویه ۱۹۳۲ که در ژوئن امسال قابل پرداخت می باشد، توافق حاصل است.

منفعت شرکت **British tanker** طبیعتاً به نرخ جاری کرایه کشتی بستگی دارد. در حال حاضر نرخها پایین هستند، اما اگر تمام جوانب در نظر گرفته شود و وضعیت به حالت عادی برگردد، این شرکت بایستی سالانه حدود ۱۰۰/۰۰۰ لیره به شما بپردازد.

سند شماره ۱۰۰/۴

عالی جناب فیض - گاورنر هوس لندن

اولاً به نظر این جانب مسئله کشتی رانی مسکوت بماند بهتر است. زیرا که تا وقتی که کشتی‌ها منفعت نداشته باشند، ما هم خرج را قبول نمی‌کنیم، مگر این که از حالا بدانیم کشتی رانی منفعت دارد. در این صورت باید مطلب را حل کرد. ثانیاً مالیات حساب مخصوصی دارد و نمی‌توان از آن صرف نظر کرد و اگر دولت یک میلیون را هم قبول بکند، باید مبلغ مربوط به مالیات را جداً حساب بکند. بالنتیجه مبلغی که برای دعاوی می‌ماند غیر مهم است. بنابراین باز هم مذاکره بفرمایید که یا یک میلیون را بابت دعاوی حساب کرده، مسئله مالیات را جدا حساب بکنید یا این که برای دعاوی مافرع قابل شوند که به هر یک از ترتیبات، در حدود دویست^۱ و پنجاه هزار لیره اضافه عاید دولت ایران بشود. جواب را تا شنبه ظهر به بادکوبه، بعد به طهران منخابره بفرمایید.

تیمورتاش

سند شماره ۱۰۰/۵

از لندن

تلگراف عالی زیارت، مفاد آن به سرجان کدمن ابلاغ شد. مذاکرات مفصلی امروز به عمل آمد. نقطه نظر مشارالیه این است که موضوع مالیات اصلاً عنوان نشود، کمپانی یک میلیون لیره انگلیسی می‌پردازد. دولت علیه ایران هر قسمت از آن را بابت مالیات نه ماه سال شمسی ایرانی، هزار و سیصد و نه و بقیه را بابت کلیه گذشته به میل خود محسوب دارد. البته اگر قرارداد جدید تصویب شود، راجع به سنه هزار و نهصد و سی و یک مسیحی، چهار درصد به مالیات در ماه ژوئن آینده، موقع پرداخت سهم

دولت اضافه خواهند پرداخت. به عقیده بنده مسئله کشتی رانی را نباید بلا تکلیف گذاشت، یا باید حالا قبول و یا به کلی رد کرد. معوق گذاشتن اسباب زحمت خواهد شد. منتظر وصول اوامر است.

[عیسی خان] فیض - علیقلی^۱ ۲۸ دی ماه ۱۳۱۰

سند شماره ۱۰۰/۶

https://t.me/shenakht_lib

تلگراف مبارک زیارت، مجدداً با سرجان کدمن مذاکره، جواب همان است که داده بود. یعنی حاضر نیست از یک میلیون لیره انگلیسی زیادتر بدهد. راجع به کشتی رانی، مسئله را با موافقت بنده این طور پیشنهاد نمود که هر سالی که منفعت نداشته باشد، دویست هزار لیره بابت فرع که فقط بیست درصد آن، یعنی چهل هزار لیره انگلیسی متوجه دولت می شود، به خرج منظور نشود. ولی در عوض هر سالی که منفعت کند، به خرج منظور گشته و به علاوه جبران سالی که منفعت نکرده است نیز بشود. با این ترتیب راه ضررش کاملاً مسدود و ضمناً مقصود ما به عمل آمده، زیرا که ممکن است در سالهای خوب متجاوز از صد هزار لیره به عایدات دولت بیفزاید.

[عیسی خان] فیض - علیقلی

۱. مشاور الممالک انصاری که در ۱۷ تیر ماه ۱۳۱۰ به جای سیدحسن تقی زاده به عنوان وزیر

مختار ایران در لندن معرفی شد.

سند شماره ۱۰۱

نامه تیمورتاش به سرجان کدمن در مورد موافقت رضاشاه با نتایج مذاکرات به عمل آمده بین طرفین در لندن، مخصوصاً اعطای ۲۵٪ سهام شرکت نفت ایران و انگلیس به ایران

محرمانه

https://t.me/shenakht_lib

به محض ورود، جزئیات تبادل نظرهای لندن و سویس و مواردی را که به طور شخصی مورد موافقت ما قرار گرفته بود، به اطلاع شاهنشاه رسانیدم. اهم آنها عبارتند از: اعطای ۲۵٪ سهام شرکت نفت ایران - انگلیس به ایران، میزان بدهی بر اساس تن، تصفیه مطالبات ایران، محدود نمودن و تعیین حوزه فعالیت شرکت نفت ایران - انگلیس، فسخ امتیاز انحصاری خطوط لوله، تأسیس شرکتی خاص یا هر نوع روش دیگر به منظور بهره‌برداری از زمینهای نفت خیز غرب، تمدید حق بهره‌برداری بر اساس امتیازنامه‌ای جدید و بالاخره کلیه مسائلی که بین ما مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

شما را در نزد شاه به عنوان محبوبی فداکار برای دولت ایران و به مثابه شخصی که با نهایت تلاش بدنبال سازش منافع شرکت و ایران هستید معرفی نمودم و به علاوه به اطلاع آن حضرت رساندم که تصمیم شما این است که نتایج گفتگوهای آینده را با هیئت مدیره به ما ابلاغ نمایید و در صورت کسب توافق احتمالی، به منظور قطعیت بخشیدن به روند همکاری فی مابین، به طهران سفر خواهید کرد.

اعلی حضرت رضاشاه، تمام نکاتی را که قبلاً مورد توافق ما بود، به ویژه مسئله اعطای سهام را با عنایت خویش مورد تأیید قرار دادند. به طور کلی، ایشان ضمن ابراز مراتب خیرخواهی خود نسبت به شرکت نفت ایران - انگلیس، بر این عقیده‌اند که منافع ایران می‌بایست در تدابیر و برنامه ریزیهای آینده حفظ گردد و تلاشها بایستی

در جهت تحکیم منافع مشترک انجام پذیرد. جای بسی خوشحالی است که توانستم تمایل رضاشاه را که ضامن موفقیت مذاکرات ماست، به شما ابلاغ نمایم و به علاوه به اطلاع جناب عالی برسانم که مغتنم شمردن فرصت فعلی امری الزامی است تا بلکه بتوانیم در اسرع وقت مذاکرات جاری را به بهترین نحو به انجام برسانیم.

امیدواریم جناب عالی موافقت مقامات مربوط را به دست آورده باشید. در عین حال لازم می‌دانم خاطر مبارک را به این نکته جلب نمایم که پرداخت فوری ۵۰۰/۰۰۰ لیره استرلینگ تأثیر بسیار مفیدی بر روحیه ملت ایران خواهد گذاشت. موضوع نامه حاضر مطلقاً محرمانه است و به جز این جناب، حضرت عالی و اعلی حضرت رضاشاه کسی از آن اطلاعی ندارد. طبق قراری که با هم گذاشته بودیم، بنده موضوع مورد بحث را با جکس در میان گذاشته‌ام. در پایان خواهشمند است در صورت امکان، نتایج اقداماتی را که تاکنون به عمل آوردید، ابلاغ فرمایید.

[تیمورتاش]

سند شماره ۱۰۲

ابراز امیدواری تیمورتاش برای بازدید از تأسیسات شرکت نفت ایران و انگلیس و تشکر از سرجان کدمن به خاطر ارسال عکس و فیلم‌های سینمایی برای وی

سرجان کدمن، طهران

دوست گرامی:

از نامه ارسالی حضرت عالی که به همراه یک قطعه عکس در تاریخ ۱۳ سپتامبر

واصل گردید، سپاسگزارم. عدم بهبودی کامل لیدی کدمن، موجبات تأسف بنده و همسر را برانگیخته است. بدین خاطر جا دارد که دعاهای خود را به منظور شفای عاجل و قطعی ایشان ابراز داریم.

مقاله مربوط که به لطف جناب عالی در مجلهٔ تایمز انتشار یافت، باعث امتنان بنده گردید. به طوری که افتخار یافتم نسخه‌ای از آن را به محضر اعلیٰ حضرت شاهنشاه تسلیم کنم. بی تردید، ایران به لطف دوستان ذی نفوذی در انگلستان، همچون شخص شما، به آینده‌ای بهتر برای مطبوعات امید می‌ورزد.

به علاوه وصول فیلمهای سینمایی را که یادآور اقامت کوتاه مدتمان در لندن هستند، مرهون لطف جناب عالی می‌دانم. اخیراً از مسافرتی که به همراهی اعلیٰ حضرت همایونی به سواحل بحر خزر داشتیم بازگشته‌ام. در طی چند روز آینده هم، ایشان به منظور افتتاح جادهٔ لرستان - خوزستان مسافرتی به جنوب خواهند داشت. در این مسافرت همچنان در معیت آن حضرت خواهم بود. از آنجایی که بنده فرصت بازدید از تأسیسات شرکت نفت ایران - انگلیس را در حین این سفر پیدا خواهم نمود، باعث شغف و سرور است.

یادداشت‌های ویژه راجع به درخواست‌ها و امور فی مابین به پیوست ارسال می‌گردد. همسر به لیدی کدمن عرض ارادت می‌کند و چشم به راه عکس موردنظر است. بنده نیز مراتب ارادت خود را به ایشان ابراز می‌نمایم.

به امید ملاقاتی قریب الوقوع در ایران

ارادتمند شما [تیمورتاش]

سند شماره ۱۰۳

مکاتبه ژاکس با وزارت دربار در خصوص ارسال قبوض بدهی
تیمورتاش بابت لوازم التحریر

نمره ۸/۲۷۹۹۵ الف، طهران / مورخه ۱۸ اسفند ماه ۱۳۱۰

وزارت جلیله دربار

طهران

محترماً توجه عالی را به قبوض مدیون نمره ۱۸۷ ج مورخه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۱۰
راجع به لوازم التحریر

https://t.me/shenakht_lib

Messers.

Rand Smythson Ltd.,

به قیمت ۲۶۵/۵۰ قران و نمره ۴۷۵ ج مورخه ۲ بهمن ۱۳۱۰ بابت محاسبه میس
راندال در لندن ۶۰/۷۵ قران که جمعاً ۳۲۶/۲۵ قران می شود معطوف می دارد.
برای تعادل حساب شرکت با لندن متمنی است مقرر فرمایید لطفاً حواله مبلغ
فوق الذکر را در صورت امکان زودتر ارسال دارند که موجب نهایت امتنان خواهد
بود.

از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران محدود

[امضاء:] ژاکس

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] چک ارسال شود.

سند شماره ۱۰۴

مکاتبه کنسولگری ایران در بصره با وزارت امور خارجه در خصوص
ارسال ترجمه روزنامه تیمس عراق تحت عنوان "منافع انگلیس
در ایران"

قونسولگری شاهنشاهی ایران
https://t.me/sherakht_lib
بصره

نمره ۱۹۰، مورخه ۱۳۱۱/۲/۱۰، ضمیمه ۱، موضوع: منافع انگلیس در ایران

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

روزنامه تیمس عراقی در شماره مورخه ۲۹ آوریل ۱۹۳۲ زیر عنوان (منافع انگلیس
در ایران) مقاله‌ای نوشته است و چون نکات قابل توجهی دارد، ترجمه آن را برای
اطلاع اولیای وزارت جلیله، لفاً تقدیم می‌دارد.

[امضاء:] محمدحسن بدیع

یک سواد با ضمیمه آن برای اطلاع وزارت جلیله دربار پهلوی تقدیم می‌شود.

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] ضبط.

سند شماره ۱۰۴/۱

ترجمه [ای] از قسمت انگلیسی روزنامه تیمس عراقی، مورخه ۲۹ آوریل ۱۹۳۲

منافع انگلیس در ایران عملیات و پیشرفت آن

منافع انگلیس در ایران بر دو قسم است، سیاسی و اقتصادی و چون هر دو به هم خیلی نزدیک و مربوط می‌باشد، اغلب با هم ممزوج و یک عنوان به خود می‌گیرد. در سنوات اخیر اهمیت خلیج فارس برای دولت انگلیس از دو نقطه نظر زیاد شده است. یکی به واسطه سیمت و صایت خود بر عراق و دوم به علت موقعیت جغرافیایی خلیج فارس است که مهمترین حلقه اتصال انگلستان به هند از طریق هوامی باشد. در دسامبر ۱۹۲۸، دولت ایران یک قرارداد سه ساله با کمپانی هواپیمایی سلطنتی بست و به موجب این قرارداد، به طیارات کمپانی مزبور اجازه داده شد از فراز خاک ایران در قسمت سواحل جنوبی پرواز و از فرودگاههای دولتی در بوشهر و جاسک استفاده نمایند و هنوز معلوم نیست قرارداد مزبور تجدید بشود یا نه.

کمپانی نفت

از نقطه نظر مسایل صنعتی و تجارتی، مؤسسه کمپانی نفت انگلیس و ایران مهمترین مؤسسه انگلیس در ایران به شمار می‌رود و معادن نفت موجوده گرانبهاترین منابع ثروتی ملی ایران را تشکیل می‌دهد.

کمپانی فعلی در سنه ۱۹۰۹ با سرمایه دو میلیون لیره انگلیسی تشکیل و با این وجه شروع به تأسیس یک مؤسسه [ای] شد که امروز شهرتش عالمگیر است. لوله نفتی به درازی ۱۴۵ میل از میدان نفت تا جزیره آبادان واقع در ساحل شط العرب کشیده شده و کارخانجات تصفیه نفت در آبادان دایر گردید. در سال ۱۹۱۴ دولت انگلیس، با

پرداخت دو میلیون لیره، در این مؤسسه خود را سهم قرار داد، برای این که تجهیزات بحریه خود را از حیث نفت برای سوخت تأمین کرده باشد. در اثنای جنگ عمومی کمپانی خدمات شایان تقدیری از این حیث و از بسی جهات دیگر انجام داد.

عملیات اخیر

در سنوات اخیر، عملیات کمپانی نفت فوق العاده قابل توجه بوده است. سرمایه کمپانی در عرض این مدت به ۲۰ میلیون لیره بالغ گردید که از آن جمله پنج میلیون لیره سهم دولت انگلیس است. علاوه بر میدان اصلی دو میدان نفت دیگر نیز کشف شده است: یکی در سرحد عراق و دیگری در ۳۵ میلی جنوب شرقی میدان نفت اصلی. در سنه ۱۹۲۹ مجموع محصولات نفتی ایران به پنج میلیون و پانصد هزار تن^۱ و در سنه ۱۹۳۰ به شش میلیون تن بالغ گردیده است و این رقم بین صدی شش و صدی هفت محصولات نفتی دنیا را تشکیل می دهد.

کمپانی نفت یک عده ۲۲ هزار نفری اجزای محلی در استخدام خود دارد که از آن جمله ۲۱ هزار نفر ایرانی هستند و سالی در حدود دو میلیون و پانصد هزار لیره در ایران به مصرف می رساند.

۱۶۰۰ میل در ایران راه سازی نموده و یک خط آهنی از نوع کوچک و مختصر نیز دایر کرده است و مبالغی را که از حیث مالیات به دولت ایران می دهد، معادل صدی ۱۵ الی صدی ۲۰ مالیات سالیانه تمام ایران است.

مریضخانه های ممتاز

کمپانی در مریضخانه های عالی و ممتاز خود، نه فقط اجزا و مستخدمین خود را مجاناً معالجه می نماید، بلکه اهالی نیز از آن مؤسسه استفاده می کنند و همچنین به رشته

معارف در ایران، از حیث تأسیس مدارس و کارخانجات صنعتی و اعزام محصلین ایرانی به خارجه کمک می‌کند.

بانک شاهنشاهی

معاملات بانکی انگلیس در ایران از سنه ۱۸۸۹ شروع شده است. یعنی از وقتی که بانک شاهنشاهی ایران در اثر تحصیل امتیاز از شاه ایران تأسیس شد. بانک مزبور امتیاز انحصاری طبع و نشر اسکناس را در ایران دارا بوده و کلیه معاملات بانکی دولت ایران را با همه نوع معاملاتی که متعلق به تجارت بود انجام می‌داد. عملیات این بانک متدرجاً توسعه پیدا کرده و شعباتی از آن در تمام شهرهای ایران که حایز اهمیت تجارتمندی است دایر گردید. بالجمله بانک مزبور یک فصل مهم و شرافتمندی را در صحنه عملیات اصلاحی ایران نوین نمایش داده است.

بانک دولتی

در سنه ۱۹۲۸، دولت ایران یک بانک دولتی تأسیس و تمام معاملات بانکی خود را به آن بانک انتقال داد. نظر به تنزل فاحش پول نقره ایران که در اواخر سنه ۱۹۲۹ و اوایل سال ۱۹۳۰ رخ داد، دولت ایران تصمیم گرفت پول خود را روی اساس طلا قرار دهد و در اثر این تصمیم با بانک شاهنشاهی قراردادی بسته شد که به موجب آن قرارداد، بانک حق خود را از حیث طبع و نشر اسکناس در مقابل ۲۰۰ هزار لیره به دولت ایران بفرود شد و بانک به عنوان یک مؤسسه تجارتمندی در ایران بر حال خود باقی باشد.

نفوس پراکنده ایران

ایران یک مملکتی است که از حیث وسعت سه برابر مملکت فرانسه است، ولی

نفوس آن متفرق و پراکنده است. تا سنه ۱۹۲۸ فقط دارای ۲۷۱ میل راه آهن بوده و تصمیم دولت ایران کشیدن یک راه آهنی است به درازی یک هزار میل، از زاویه جنوب شرقی دریای خزر تا نقطه [ای] که در رأس خلیج فارس واقع شده است. ولی هنوز عملیات این کار بالنسبه به اهمیت و عظمت موضوع مزبور، پیشرفت قابلی ننموده است.

سابق بر این، تمام مال التجاره در ایران با قافله و عراده های باری حمل و نقل می شد، ولی در این اواخر تجارت ایران به وسیله ساختمان راه های مهم شوسه که روی هم رفته متجاوز از شش هزار میل می شود و استعمال اتومبیل ها، خیلی پیشرفت کرده است. یک قسمت مهمی از وسایل حمل و نقل مسافر و مال التجاره در ایران فعلاً به واسطه اتومبیل های سواری و باری صورت می گیرد و ورود وسایل نقلیه در ایران سال به سال دارد زیاد می شود و تاکنون رشته بازار اتومبیل فروشی در ایران به دست فابریک های آمریکا است.

سند شماره ۱۰۵

دعوتنامه ژاکس از وزیر دربار به صرف شام

۱۹ اردیبهشت ۱۳۱۱

حضرت اشرف گرامی ام^۱:

بنده انتظار ورود مستر الکینگتن را به طهران در دوم خرداد دارم و موجب نهایت امتنان و افتخار بنده خواهد بود، اگر یک شبی را معین فرمایید که پس از ورود

مشارالیه، بنده را برای صرف شام سرافراز فرمایید. آیا روز ۲۵ یا ۲۶ یا ۲۷ می مناسب خواهد بود؟
موجب امتنان بنده خواهد بود اگر لطفاً جواب زودتر مرحمت فرمایید که بنده کارت‌های دعوت را ارسال دارم.

با تقدیم احترامات قلبی

ارادتمند

[امضاء: ژاکس]

https://t.me/shenakht_lib

حضور محترم حضرت اشرف اعظم آقای تیمورتاش وزیر دربار پهلوی دامت شوکته

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش: [اظهار امتنان بکنید، ۲۶ مناسب است.

سند شماره ۱۰۶

بیست و سومین صورت جلسه مجمع عمومی شرکت نفت ایران و انگلیس

صورت جلسه مجمع عمومی شرکت نفت

انگلیس و ایران محدود

بیست و سومین مجمع عمومی شرکت نفت انگلیس و ایران محدود در تاریخ جمعه

۱۷ ژوئن ۱۹۳۲^۱ در عمارت ریورپلیت واقعه در میدان فینزبوری شهر لندن به ریاست سرجان کدمن^۲ منعقد گردید. مستر جان کلارک منشی اخطار انعقاد جلسه و راپورت مفتشین را قرائت و مدیرکل نطق ذیل را ایراد نمود:

خانمها و آقایان:

راپورت و بیلان سال ۱۹۳۱ قبلاً تقدیم حضار محترم شده و گمان دارم اجازه خواهید فرمود که آن را خوانده فرض کنیم. اینک مشروحاً راجع به محاسبات عریضی خواهم کرد:

https://t.me/shenakht_lib
محاسبات

در بیلان سالیانه شرکت ملاحظه می فرمایید که قلم دائنین و قروض مختلفه ۱/۳۶۴/۸۵۴ لیره نسبت به سال قبل کمتر شده و این به واسطه کم شدن دیون بابت مالیات بر عایدات و حق الامتیاز می باشد که در اثر تقلیل منافع پیش آمده است. در قسمت دارایی ملاحظه می فرمایید که قلم اول مختصر افزایشی نسبت به سال پیش نشان می دهد. قسمت عمده مخارج برای تکمیل کارخانه های کرکینگ^۳ که سال گذشته به آن اشاره شد صرف شده ولی مبلغی که برای کسر قیمت منظور گردیده، تقریباً معادل کلیه سرمایه ای است که به این مصرف رسیده است. خوشبختانه قلم ملزومات و ذخایر نسبت به سال پیش ۳۶۵/۳۲۷ لیره کم شده و این نقصان به مناسبت تکمیل و اتمام کارهای ساختمانی عمده می باشد. قلم پرداخت سرمایه برای تحصیل سهام شرکتهای تابعه ۳۱۷/۳۱۶ لیره اضافه گشته که قسمت اعظم آن به واسطه تحصیل سهام اضافی در شرکت تابعه ما در آلمان

۱. برابر با: ۲۷ خرداد ۱۳۱۱.

۲. مدیرکل و رییس هیئت مدیره شرکت.

۳. کرکینگ یعنی در هم شکستن و عبارت از عمل تقطیر و تصفیه مجدد نفت سوخت است که

از آن بنزین و نفت حاصل می شود.

موسوم به «اولکس» بوده است. قسمت عمده مساعده‌هایی که به شرکت مزبور داده شده بود تبدیل به سهام سرمایه آن شرکت شده است و به این جهت جمع قلم سهام شرکت‌های تابعه اضافه شده و از قلم مساعده‌ها کاسته گردیده است.

ضمناً مایلیم توضیح دهم موقعی که تبدیل مساعده‌های مذکور به سرمایه لازم گردید فرصت را غنیمت شمرده و سرمایه شرکت اولکس را بیش از احتیاجات ضروری افزودیم و بالتیجه یک دین احتمالی پیش آمده که بالغ بر ۸/۷۵۰/۰۰۰ مارک است و مربوط به شرکت اولکس می‌باشد.

تقلیلی که در قلم پرداخت سرمایه برای تحصیل سهام شرکت‌های مربوطه ملاحظه می‌فرمایید به واسطه آن است که از قیمت سهام مزبور ۴۳٪ کسر کرده‌ایم. این کسر را ممکن بود به وسیله انتقال از ذخیره عمومی جبران نماییم ولی راه صواب این بود که این مبلغ را از منافع پردازیم و به همین مناسبت آن را در حساب نفع و ضرر در قلم کسر قیمت اضافی منظور داشته‌ایم.

قیمت مقدار نطف خام و سایر محصولات موجود با وجودی که از حیث مقدار تقریباً معادل موجودی است که در آخر سال ۱۹۳۰ داشتیم معهداً ۶۸۰/۷۲۵ لیره کسر شده است.

برای آن که صورت حساب روشن تر باشد ربح عاید شده و منافع سهام از قلم مدیونین مجزا و علیحده ذکر شده است.

چنانچه در راپورت هم ذکر شده هیچ مبلغی برای کسر قیمت اوراق بهادار دولت انگلیس از حیث و ارزش آنها در بازار در تاریخ ۳۱ دسامبر منظور نشده است زیرا که ارزش فعلی اوراق مزبور افزایشی را نشان می‌دهد.

مبلغ وجه نقد موجود نسبت به سال پیش کسر شده ولی این تا حدی مربوط به خرید برات‌های خزانه‌داری دولت انگلیس است که ارزش آنها ۵۷۰/۰۰۰ لیره است و جزو قلم اوراق بهادار دولت انگلیس ذکر شده است. در موقع خرید برات‌های مذکور ملاحظه شد که ربح آنها از ربحی که بانکها می‌دادند زیادتر بوده و لهذا اقدام به خرید آنها شد.

علت تقلیل منافع چنانچه در حساب نفع و ضرر هم ذکر شده به واسطه تنزل قیمت

کلیه محصولات نفتی است. معهذاً به واسطه صرفه جویی‌های عمده‌ای که در مخارج شده تا حدی اثرات این تنزل قیمت مرتفع گشته است و در این باب بعداً عرایضی خواهم کرد.

در مؤسسه‌ای مانند این شرکت همیشه یک مخارج احتمالی پیش می‌آید که باید از راه تخمین و برآورد اعتباراتی برای آن در موقع تهیه صورت حساب منظور داشت. این رویه شامل شرکتهای تابعه نیز می‌باشد و از این جهت است که در ذیل صورت حساب نفع و ضرر توضیحات بیشتری داده شده است. البته ما سعی می‌کنیم برآوردهای مزبور طوری باشد که بعدها کسری حاصل نشود و از این جهت است که هرچند وقت یک بار اعتبارات مصرف شده‌ای که از این راه به دست می‌آید منتقل به صورت حساب تجارتی شرکت می‌گردد.

طبیعی است که اگر امسال منافع سهام زیادتر از صدی پنج می‌بود موجب خوشوقتی بیشتری برای صاحبان سهام بود ولی یقین دارم اگر اوضاع فعلی و تنزل فاحشی که در قیمت کلیه محصولات نفتی روی داده در نظر گرفته شود تصدیق خواهید فرمود که صدی پنج مذکور رضایت بخش است.

محصول

محصول خالص مسجد سلیمان و هفت گل تقریباً ۵/۷۵۰/۰۰۰ تن بوده که قریب یک میلیون و نیم تن از آن، از هفت گل، استخراج شده است.

عملیات حفر، در هر دو نقطه، به حداقلی که متناسب با حسن انتظام عمل استخراج و توسعه باشد محدود بوده است. در منطقه هفت گل مساحت ناحیه نفت خیزی که معلوم شده بود توسعه یافته و امتحانات اکتشافی سیسمیک (تولید ارتعاشات مصنوعی در زمین) که شده امکان توسعه بیشتری را در این ناحیه نوید می‌دهد. چاه عمیقی که در مسجد سلیمان حفر شده است اعلام می‌دارد که در زیر طبقه سنگ آهکی موسوم به «اسماری» نفت موجود می‌باشد. این نکته به ضمیمه مشاهدات زمین شناسی که در سایر نقاط ایران به عمل آمده است اهمیت بسیاری برای معلومات و

اطلاعات ما نسبت به وجود نفت ایران و تمرکز حالیه آن دارد. تحقیقات و مطالعات ما برای تشخیص موجود بودن و تعیین محل نفت به مقدار تجارتي در طبقاتي که قدیم تر از طبقه اسماي است ادامه دارد.

تصفیه

در قسمت عملیات تصفیه به طور کلی سال گذشته مشغول تکمیل و تحکیم پروگرام‌های عظیم سالهای قبل بوده‌ایم. تقریباً تمام کارخانه‌هایی که به موجب پروگرام‌های مزبور باید تأمین شود به کار افتاده و مشغول عملیات تجارتي خود می‌باشند. کارخانه تقطیر «واکوم» (خلأ) برای عمل آوردن روغنهای ماشین در «لندداری» به اتمام رسیده است و شرکت تابعه ما در فرانسه شروع به ساختن کارخانه تصفیه ثانوی نموده است که در نزدیکی مارسیل واقع و در نظر است که حوائج مصرف کنندگان جنوب فرانسه را تأمین نماید.

لزوم ادامه مطالعات و تحقیقات علمی در تمام رشته‌های عملیات همواره مدنظر بوده و در عرض سال گذشته تسهیلات اضافی در لابراتوارهای «سن بوری» برای این مقصود تهیه شده است. توجه مخصوص درباره حوائج سوخت موتورهای جدید «احتراق به وسیله فشار» از لحاظ این که عامل مهم حمل و نقل در طرق اراضی و هوایی و راه آهن می‌باشند و هر روز بر اهمیتشان افزوده می‌شود مبذول شده است.

کشتی رانی

بر همه معلوم و آشکار است که به واسطه اوضاع غیر عادی اقتصادی که سال گذشته در سرتاسر عالم حکمفرما بوده است مسئله کشتی رانی دنیا دچار خسارت شده و میزان خسارت مزبور هم تا درجه‌ای استثنایی بوده است. کشتیهای نقاله نفت همه ممالک به سهم خود دچار تعطیل بوده و این بحران به حدی شدت داشته است که در آخر سال ۱۹۳۱ بالغ بر ربع کشتیهای نقاله نفت دنیا بار نداشته و تعطیل کرده بودند. معهداً میزان

متوسط ظرفیت کشتیهای ما که در عرض سال ۱۹۳۱ تعطیل و کار نکرده‌اند از رقم نسبتاً نازل هشت درصد تجاوز نکرده است. به علاوه خوشوقتم اظهار کنم که کلیه کشتیهای نقاله نفت ما که اقیانوس رو هستند چند ماه بعد به کار افتاده و از آن وقت به بعد تمامشان مشغول حمل و نقل نفت بوده‌اند.

فروش

با در نظر گرفتن تمام وقایع و موجبات سال گذشته میزان فروش ما محفوظ مانده است. ولی طبعاً ما هم مانند دیگران سهام در اثرات کساد بازار و تنزل قیمت محصول بوده‌ایم. هیئت مدیره به وسیله صرفه جویی‌های عمده [ای] که در قسمت توزیع محصول کرده سعی وافی نموده است که تأثیر کسر عایدات حاصله از فروش را تقلیل دهد.

قدم دیگری برای تنظیم جریان فروش به طرز مؤثر و با صرفه‌ای در اول ژانویه ۱۹۳۲ برداشته شد که عبارت بود از اتحاد بین مؤسسه ما و مؤسسه فروش شرکت رویال دچ شل. این اتفاق و تشریک مساعی، به وسیله تشکیل دو شرکت موسوم به شرکت سهامی شل - مکس و ب پ و شرکت سهامی نفت اسکاتلند و شل مکس، صورت گرفته است. ما امیدوار به عملیات آتی این دو شرکت هستیم که موقعیت ما را در بازارهای انگلستان بهتر نماید.

صنعت استخراج نفت از صخره در اسکاتلند

عملیات صنعت استخراج نفت از صخره به انضمام سایر شعب در سال گذشته با مشکلات شدیدی مواجه بوده و در آخر ماه ژوئن لازم شد که بعضی از معادن و کارخانه‌هایی که با صرفه کار نمی‌کردند تعطیل شود.

نظر به این که در مجمع عمومی فوق‌العاده‌ای که چندی پیش تشکیل شد قضیه مبادله سرمایه بین این شرکت و شرکتهای مختلف اسکاتلند مشروحاً مذاکره شد بنابراین

دیگر لازم نمی‌دانم در این موضوع صحبت بدارم.

ایران

حوادث مهمه‌ای که مربوط به عملیات ما در ایران و محتاج به ذکر باشد نبوده است. از موقع انعقاد مجمع عمومی سال گذشته تا حال، برای بنده دیگر ممکن نبوده است که مسافرتی به ایران نمایم ولی از طرف دیگر در مسافرت اخیر حضرت اشرف آقای تیمورتاش وزیر دربار پهلوی به اروپا ملاقاتی با معظم‌له دست داد و راجع به مسائل مختلفه ما که مربوط به ایران است با آن نماینده توانا و نیرومند اعلی حضرت همایون شاهنشاهی مذاکراتی شد. در ایام توقف معظم‌له، مذاکراتی در پاره‌ای از نکات مهم مربوط به طرز تنظیم حساب گذشته حق‌الامتیاز دولت ایران که به موجب امتیازنامه داری پرداخته می‌شود و همچنین راجع به طریقه‌ای که محاسبات آتیه باید بر آن قاعده تنظیم شود به عمل آمد. امیدوارم که در نتیجه این مذاکرات ترتیبی که موجب رضایت طرفین باشد فراهم خواهد گشت.

در اوایل سال جاری، اعلی حضرت ملک عراق به دیدن اعلی حضرت همایون شاهنشاهی رفته و به وسیله این ملاقات نهضت موجوده برای رفع اختلافات بین مملکتین و استقرار روابط دوستانه دایمی بین ایران و عراق که سابق هم بنده به آن اشاره کرده بودم تحکیم گردید. امید کامل می‌رود که روابط بین این دو مملکت به وسیله معاهدات جدیدی که منعقد خواهد شد بر اساس محکمی استوار خواهد گشت.

عراق

استخراج از ناحیه امتیازی ما در عراق برای رفع حوائج بازار محل به همان میزان سال ۱۹۳۰ بوده است.

راجع به شرکت نطف عراق که ما از لحاظ مادی - چنانچه مسبق می‌باشید - در آن ذی

نفع هستیم لازم است متذکر شوم که سال گذشته نقصانی در عملیات حفر چاه‌های آن روی داده. عملیات مزبور فعلاً متوجه تشخیص و تأیید حدود معادن اصلی است که در شصت میلی شرقی رودخانه دجله واقع است. مساعی شرکت نفت عراق صرف نقشه‌برداری و مطالعه دقیق در خط لوله‌ای است که بایستی ساخته شود و یکی از آنها به بندر حیفا و دیگری به تریپولی خواهد رفت. قراردادهای لازمه برای تهیه لوله منعقد شده و کنتراست‌های مزبور به ضمیمه سفارشات عمده‌ای که برای خرید اتومبیل و خطوط تلگراف و تلفون و ساختمان و سایر لوازم داده شده باید مساعدت مادی مهمی به سایر صنایع بنماید.

https://t.me/shenakht_lib

ملاحظات کلی

مشکلاتی که صنعت نفت را در سال ۱۹۳۱ احاطه کرده و به نحو شدیدی ادامه دارد ناشی از دو رشته قضایای جداگانه می‌باشد که یکی داخلی و دیگری خارجی است. در قسمت مشکلات خارجی دو موضوع بالاخص نهایت اهمیت را حائز است: یکی از دیاد مرتب بار مالیات در تمام ممالک متمدنه و دیگری تأثیر کساد و بحران اقتصادی دنیا در مصرف کلیه اجناس.

صنعت نفت مانند تمام مؤسسات و صنایع دیگر به واسطه بار فوق‌العاده سنگین مالیات‌های ملی و محلی در زحمت است. صاحبان سهام خودشان به خوبی آگاه‌اند که چه مبلغ از منافع سهام آنها بابت مالیات بر عایدات کسر می‌شود. از کلیه منافع که به حساب ذخیره نقل می‌شود به همین نرخ مالیات می‌گیرند. به این جهت در سنوات اخیر فوق‌العاده مشکل بوده است که حقوق مشروع صاحبان سهام را از حیث دریافت منافع کافی، با احتیاطات مالی که برای حفظ و استحکام استقلال ما در مواقع مشکل و سخت لازم بوده، موافقت داد. در موضوع دیگری که مربوط به مسائل مالیاتی است به صاحبان سهام توصیه می‌کنم بیانات همکار محترم بنده سرجان کارگیل را که اخیراً در مجمع عمومی سالیانه شرکت نفت برمه در این باب کرده‌اند قرائت فرمایند، ایشان در نطق خود متذکر شده‌اند که تنزل قیمت اجناس برای اولیای

دولت که وضع مالیات می‌کنند یک مسئله جالب توجهی شده که صرف نظر کردن از آن بر ایشان ممکن نیست. لکن باید در نظر داشت که نطف یک سوختی است که مولد ثروت می‌باشد و صنعت و تجارت کاملاً متکی به آن است. بنابراین هر مالیاتی که به نطف وضع شود یک مالیاتی به صنعت خواهد بود و هنگامی که قیمت محصولات بالا رود - چنانچه مآلاً بایستی ترقی هم بکند و به میزان تناسب اقتصادی برسد - مسئول بار گران قیمت که متوجه صنایع می‌شود شرکتهای نطف نیستند بلکه مأمورین وصول مالیات می‌باشند.

اکنون اجازه فرمایید چند دقیقه‌ای هم نظر حضار محترم را معطوف به مسائل داخلی نمایم. برای صنعت نطف جای بسی تأسف است که اقدامات جمعی که، در اثر افزایش قیمت تحریک شده و قحطی تهدید آمیز ده سال قبل را پیش آورد، درست در طلیعه بحران اقتصادی دنیا به حداکثر تأثیرات خود رسید. منابع آشکار نطف طبیعی دنیا به واسطه کشف معادن بزرگ و سهل الوصول در بسیاری از ممالک فوق‌العاده زیاد شده است. در عین حال شیمی دانها و مهندسین طرق جدیدی به دست آورده‌اند که برخلاف سابق از هر یک تن نطف خام محصول به مراتب بیشتری تحصیل می‌شود و حوائج بازار از مقدار کمتری نطف خام تأمین می‌گردد.

لهذا چنانچه ملاحظه می‌فرمایید هم مقدار نطف و هم وسایل به دست آوردن محصول در موقعی بر شدت خود افزود که تقاضای بازار به واسطه یک رشته وقایع غیر مساعد، که برای هیچ کس پیش بینی بسیاری از آن مقدور نبود رو به نقصان می‌رفت. با وجود این مراتب و با در نظر گرفتن تمام عوامل بحران اقتصادی که صنایع دنیا را غرق اثرات خود نموده است، باید گفت که مصرف محصولات نفتی مقاومت غریبی با حوادث کرده است. به علاوه نباید هم تصور نمود که مساعی مصروفه در توافق دادن بین عرضه و تقاضا کاملاً به نتیجه مطلوبه نرسیده است. عدم تعادل بین این دو به شدت ادامه داشته و دارد ولی مجاهداتی که برای رفع آن در گذشته شده با جدیت بیشتری تعقیب می‌شود و هیئت مدیره شرکت شما منتهای سعی خود را به خرج می‌دهد که با این امر، چه عملاً و چه فکراً، مساعد نماید.

اجازه بفرمایید این نکته را راجع به شرکت خودمان تأکید کنم که با وجود منابع عظیم

مسلمی که داراست و با وسایل سهلی که برای آن فراهم و می‌تواند تقریباً به طور غیر مشخص بر مقدار محصول بازار بیفزاید در عرض چند سال اخیر عمداً میزان استخراج خود را محدود به مقداری نموده است که آن را در بازارهایی که مستقر شده می‌تواند به فروش رساند از این رو به سهم خود در راه استحکام بازار نفت دنیا عملاً اقدام نموده است. به علاوه، ما برای آن که نفعی در رقابت ببریم هیچ گاه و هیچ وقت برای تنزل قیمت محصول به میزان نازلتر از مأخذ غیراقتصادی که فعلاً حکمفرماست متوسل نشده‌ایم. با این خودداری‌ها و جلوگیری‌ها موازنه صحیحی در رشته عملیاتی که ما خود نظارت می‌کنیم تأمین گردیده و اگر چنانچه سایر مولدین هم قادر به این ادعا و ثبوت آن بودند امروز وضعیت صنعت نفت با آنچه هست تفاوت بسیاری داشت. اجازه بفرمایید قبل از آن که از موضوع مجاهدات شخصی شرکت بگذرم، این را هم بر عرایض خود اضافه کنم که هیئت مدیره جمیع اقدامات عملی را که برای تحکیم موقعیت شرکت در مقابل امکان ظهور بحرانی که به شدت قوه مقاومت و تحمل صنعت را به طور کلی بیامید اتخاذ نموده است. رویه مالی ما همواره محافظه کارانه بوده و در سالهای اخیر و در سالهایی که اوضاع امیدبخش تر بوده احتیاط کافی به عمل آمده است تا آن که کارخانه‌ها و وسایل استحصال ما چه از حیث استخراج و چه از حیث حمل و نقل و تصفیه دائماً تجدید و تکمیل و توسعه یابد. بالنتیجه پس از نیمه آخر سال ۱۹۳۰ و هنگامی که بحران در وهله اول برای اعمال جمیع قوای خود ظاهر شد شرکت وارد مرحله‌ای می‌شد که تا مدت مدیدی مستغنی از مخارج هنگفت برای تهیه ملزومات و غیره می‌بود و فقط مؤسسات جدید مانند آنچه فعلاً در عراق ایجاد می‌شود احتیاج به سرمایه خواهند داشت. البته اهمیت شایان این نکته که شرکت امروز در چنین وضعیتی قرار گرفته لازم به توضیح و تذکار نیست.

در مجمع عمومی سال گذشته و قبل از آن در موارد دیگر هم اشاره کرده‌ام که مجاهداتی در مراکز مسئول صنعت نفت برای تنظیم یک نقشه تعاون و معاضدت عمومی در جریان است تا آن که تعادلی بین عرضه و تقاضا برقرار گردد. در عرض سال قبل با گذشتن هر ماهی این حقیقت اولیه بیشتر به ثبوت رسید که اختلال درونی

یک امر خانگی و داخلی می‌باشد که اگر صنعت نفت بخواهد دوباره بر پایه امیدبخشی استوار گردد باید خود به تداوی آن پردازد.

واحد‌های مختلف صنعت بیش از هر موقعی این احتیاج را امروز درک کرده و به اهمیت آن پی برده‌اند. کنفرانس اخیر نیویورک که از جریان آن ممکن است مستحضر باشید، و دو نفر از اعضای هیئت مدیره شما یعنی مستر فریز و مستر واتسن در آن حضور داشتند، به عقیده من یک قدم مسلمی و به جلو است. لیدرهای صنعت نفت آمریکا به طرز صحیح و جامعی مشغول حل یک مسئله بس پیچیده و مشکلی هستند و بارویه آنها ما کمال موافقت را داریم.

https://t.me/shenakht_lib

مستخدمین

سال گذشته اشاره کردم که تجدید تشکیلاتی که آن موقع در جریان بود و همچنین اتمام قسمت اعظم کارهای ساختمانی عمده و کارهایی که در شرف اتمام بوده باعث تقلیل عده زیادی از اعضا شده است. از آن وقت به بعد و بنا بر همان دلایل عده اعضا باز هم کم شده است. در هر مورد که انفصال اعضا لازم می‌آمده مبالغی در ازای خدمات آنها پرداخته شده است. اعضا و مستخدمین ما از اعضای هیچ مؤسسه‌ای کمتر نیستند و با وجود زحمت کاری که در چنین مواقع غیرعادی به آنها تحمیل می‌شود هیچ وقت از انجام وظیفه به طرز مستحسن خودداری نکرده و هر نوع کاری که از آنها تقاضا می‌شود با کمال رغبت و میل انجام می‌دهند.

صحت اعضا و مستخدمین ما در ایران و سایر نقاط به طرز خوب و رضایت بخشی برقرار است. در این باب ما رهین خدمات اولیای صحی ایران و مأمورین اداره صحیه شرکت هستیم که سال گذشته، در مدت مدیدی که مرض وبا در قسمتهای وسیع مملکت عراق در نزدیکی سرحدات ایران تلفات زیادی می‌داد، سرایت آن در اراضی ایران تحت کنترل جدی واقع شده بود.

در گذشته همواره مرسوم بنده بوده است که چند کلمه‌ای راجع به دورنمای آتیه بیان کنم. امروز بنده خیلی کراهت دارم که پیش بینی راجع به آتیه کنم و البته صاحبان سهام به سهولت علت آن پی می‌برند. مه اقتصادی خیلی غلیظ است. معهداً بنابر آنچه قبلاً عرض کردم خاطر شریف مسبوق است که هیئت مدیرهٔ شرکت با تمام قوا با اقداماتی که برای تجدید ثبات کار در سرتاسر صنعت نفت دنیا می‌شود تشریک مساعی نموده و شرکت هم در موقعیت فوق‌العاده مناسبی قرار گرفته است که به مجرد اعادهٔ اوضاع مساعد منتهای استفاده را از آن بنماید.

اینک با اجازهٔ حضار پیشنهاد می‌کنم که «راپورت و بیلان و حساب نفع و ضرر، برای سالی که در سی و یکم دسامبر ۱۹۳۱ منقضی می‌شود قبول و تصویب گردد». سر ژورژ ل. بارستو پیشنهاد مزبور را تأیید نموده و به اتفاق آراء بدون آن که سئوالی شود تصویب گردید.

مدیرکل بعد پیشنهاد کرد که «بابت منافع سهام متعارفی شرکت، پنج درصد پس از وضع مالیات بر عایدات، اعلان و در تاریخ سی‌ام ژوئیه ۱۹۳۲ پرداخته شود». مستر رابرت ای. واتسن این پیشنهاد را تأیید و به اتفاق آراء تصویب گردید. لرد گرینوی (رییس عالی شرکت) پیشنهاد تجدید انتخاب مدیران مستعفی [را] که عبارت از سرجان کدمن و سرهیوس. بارنز و مستر اس. هرن و مستر ت. ل. ژاکس و مستر رابرت ای. واتسن باشند نمود.

سر ادوارد پک پیشنهاد مزبور را تأیید و به اتفاق آراء تصویب گردید. برحسب پیشنهاد مستر و بوکنن که از طرف مستر ب. کونل تأیید شد «برون فلمینک و موری» مجدداً به سمت مأمورین تفتیش شرکت انتخاب شدند.

سپس مدیرکل پیشنهاد کرد که «۱۳/۴۲۵/۰۰۰ سهام یک لیره‌ای متعارفی شرکت و ۷/۲۳۱/۰۵۹ سهام اولیهٔ مرجحهٔ یک لیره‌ای شرکت که صدی هشت در سال نفع می‌دهد و منافع آن اگر در یک سال پرداخته نشد در سنوات بعد پرداخته خواهد شد و ۵/۴۷۳/۴۱۴ سهام دومی مرجحهٔ یک لیره‌ای شرکت که صدی نه در سال نفع می‌دهد و منافع آن اگر در یک سال پرداخته نشد در سنوات بعد پرداخته خواهد شد که تا به حال اشاعت یافته و وجه آنها تماماً پرداخته شده است به ترتیب مذکور مبدل به

«استاک» متعارفی و «استاک» هشت درصد اولیۀ مرجحه و «استاک» نه درصد دومی مرجحه شود».

برای توضیح این پیشنهاد مدیرکل اظهار داشت که قصد اصلی آن است که تقلیلی در کار زیاد دفتری که برای حاضر کردن و ثبت کردن اوراق سهام هست پیدا شود. زیرا در روی هر ورقه سهم باید نمرات کلیه سهام مربوطه ذکر شود. مدیران شرکت عقیده دارند که خطر تقلب و جعل اوراق «استاک» زیادتر از خطر جعل اوراق سهام نیست خصوصاً که کلیه انتقال‌ها و اشاعه اوراق جدید از طرف مفتشین رسیدگی و تفتیش می‌شود. برای صاحبان سهام لزومی نخواهد داشت که اوراق سهام خود را به اوراق «استاک» تبدیل کنند، زیرا اوراق سهامی که فعلاً در دست است به منزله اوراق «استاک» تلقی خواهد شد و درخواست لازمه هم به مؤسسه بورس تقدیم خواهد شد که اجازه دهند «استاک» به واحدهای یک لیره‌ای مانند آنچه فعلاً هست در بورس به معرض مظنه درآید.

سر ژورژ بارستو این پیشنهاد را تأیید کرده و به اتفاق آراء تصویب شد. سر هارکوت بتلر در زمینه پیشنهاد خود، دایر بر تشکر از مدیرکل و سایر مدیران شرکت برای حُسن جریان امور شرکت در یک چنین سال مشکلی، اظهار داشت که: مدیرکل شرکت برای لیاقت و مهارت و استعداد اداره کردن اشخاص و تحصیل بهترین نتیجه از مساعی آنها در تمام دنیا معروف است. امروز نطق ایشان فوق‌العاده طرف توجه همه ما گردید و به طرز جالبی وضع حاضر و موقعیت آتی را تا حدی که ایشان می‌توانستند پیش‌بینی کنند بیان کردند. مشارالیه در ضمن نطق خود اشاره‌ای به بیانات سر جان کارگیل کردند و بنده که در سابق حاکم ایالت برمه بوده‌ام میل دارم در این موقع خدمات بس شایان و وطن پرستانه‌ای را که شرکت نطق برمه در راه پیشرفت آن ایالت کرده تقدیر نمایم.

پیشنهاد تشکر به اتفاق آراء در میان کف زدن حضار تصویب شد و مدیرکل از طرف خود و همکارانش از حضار تشکر نمود. سپس جلسه ختم گردید

سند شماره ۱۰۷

مکاتبه نادر آراسته با وزارت دربار در خصوص مراسله شرکت نفت ایران و انگلیس به حکومت خوزستان راجع به ویزای سالیانه برای رؤسای بندرگاه برای تردد در آبادان

وزارت داخله

ایالت خوزستان

https://t.me/shenakht_lib

نمره ۴۶۱۳، مورخه ۳۰ ماه ۴/۱۳۱۱

مقام منیع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت عظمته

سواد مراسله نمره ۳۰۲/۳ شرکت نفت ایران و انگلیس مقیم آبادان برای استحضار خاطر مبارک، لفاً تقدیم می‌شود. به طوری که ملاحظه می‌فرمایند مقصود شرکت این است که ویزای سالیانه به رؤسای بندرگاه که نظارت در امر کشتی رانی در رودخانه دارند اعطا شود که بتوانند برای ایفای وظایف خود، یا برای معالجه فوری یا تفریح دماغی، در موقع لزوم در آبادان پیاده شوند. اگر برای دادن ویزای شش ماهه یا یک ساله اساساً محظور و مانعی قانونی موجود نباشد، مستدعی است مقرر فرمایند جواباً مرقوم دارند تا در اطراف قضیه و ترتیب انجام این تقاضا تحقیقات لازم به عمل آمده، با اطلاع اداره گمرکات و نظمی، اقدام مقتضی که برخلاف مقررات مربوطه هم نباشد، به عمل آید. گویا راجع به این موضوع از طرف رییس کل شرکت در طهران هم به حضور مبارک مراجعه شده است. در خاتمه برای مزید استحضار خاطر مبارک معروض می‌دارد که ویزا را ممکن است در صورتی که اجازه بفرمایند قونسول دولت شاهنشاهی در بصره بدهند.

[امضاء: نادر آراسته]

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش: ضبط.]

سند شماره ۱۰۷/۱

وزارت داخله
ایالت خوزستان

سواد مرآتیه شرکت نفت ایران و انگلیس مقیم آبادان

نمره ۳۰۲/۳، مورخه ۱۶ ماه ۴/۱۳۱۱

مقام محترم ایالت جلیله خوزستان دامت شوکته

محترماً بدین وسیله مذاکرات حضوری فی مابین را راجع به نظارت کشتی رانی در رودخانه شط العرب تأیید می نماید.

یقین است آن مقام محترم اهمیت و لزوم حیاتی نظارت کشتی رانی را در این رودخانه تصدیق خواهند فرمود. نظر به کثرت آمد و شد جهازات، لازم است دخول و خروج کشتی ها بر طبق مقررات مخصوصه خود انجام گیرد و متصدی امر نظارت باید وضعیتی داشته باشد که بتواند مقررات مذکوره را به موقع اجرا گذارده و متخلفینی را که کاملاً رعایت آن مقررات را ننمایند، مجازات های لازم بنمایند. به خصوص موقعی که آمد و رفت جهازات برای حمل محمولات خطرناک بوده باشد. این نظارت اکنون، همچنان که خاطر سرکار عالی مطلع است، توسط رؤسای اداره پورت بصره به عمل می آید و برای این منظور مشارالیه یک عده راهنمایی در استخدام خود دارند که داخل جهازات می شوند قبل از این که این جهازات وارد رودخانه شوند و آنها را در موقع دخول و خروج از رودخانه راهنمایی می کنند. پس از این که

جهازات مزبور به بندرگاه آبادان رسیدند، راهنمایان مذکوره وظایف کشتی رانی خود را به عهده رؤسای بندرگاه محول می‌دارند - این رؤسا بعد از آن جهازات را به اسکله‌های (جتی‌های) حمل نطف توقف داده و پس از اتمام بارگیری آنها را از اسکله خارج می‌نمایند - عمل مهار کردن یک کشتی به اسکله و قطع مهار پس از اتمام بارگیری یک کاری است که مستلزم داشتن مهارت مخصوص و در یک رودخانه جزر و مدی لزوم دارا بودن معلومات مختصه را از اوضاع جزر و مدی و جوی و هوایی محلی را ایجاب می‌نماید - نظر به همین علت به خود ناخدای جهازات نمی‌توان اعتماد داشت و بنابراین این کار به عهده رؤسای بندرگاه واگذار گردیده که دایماً در محل اجرای عمل موصوف تمرکز دارند. علاوه بر این عمل مهار کردن و قطع مهار جهازات لزوماً ارتباط به امر کشتی‌رانی در رودخانه بین آبادان و دریا را دارد و این کار وظیفه رؤسای بندرگاه می‌باشد که در حرکت جهازات مراقبت تامه داشته باشند و نیز بایستی ناظر تحولات اوضاع جوی در سرتاسر رودخانه بوده که از روی این قیاس در مواقع لازمه به اسلوب صحیحی نظریات خود را در امر فوق مدخلیت دهند. رؤسای بندرگاه که عده آنها چهار نفر می‌باشد، از طرف اولیای پورت بصره تعیین گردیده و در یک کشتی که در رودخانه لنگر انداخته است اقامت دارند. این شرکت در اثر بعضی مقررات موضوعه از طرف اولیای محترم محلی آبادان - که آزادی حرکات رؤسای بندرگاه را در حدود وظایف خودشان دچار تهدیدات شدیدی نموده است - بسیار نگرانی پیدا کرده، برای این که موضوع را واضح‌تر تشریح نماییم، باید توضیح دهیم که در عمل مهار کردن یک جهازی به اسکله بایستی طنابهای آن را محکم به ساحل بست که با این ترتیب بتوان در مرحله ثانی لوله‌های نطف که به وسیله آنها نطف به کشتی حمل می‌گردد، به جهازات متصل نمود و به واسطه بعضی اوضاع و جهات مخصوص، نظارت کامل در اجرای این عمل [را] فقط به وسیله رئیس بندرگاه که در آن موقع در ساحل توقف دارد می‌توان به عمل آورد و در صورتی که این نظارت به نحو اکمل و احسنی به عمل نیاید، عملیات شرکت عقیم مانده و در بعضی موارد موجب آن خواهد شد که کشتی از استفاده از جریان مد آب در موقع مراجعت باز خواهد ماند. علاوه بر این، اتفاقات غیر مترقبه از قبیل تصادم کشتی‌ها به همدیگر یا به

اسکله - حریق - قطع لولهٔ نطف از تصفیه خانه به داخل رود و حوادث دیگر بسیار که ممکن است به وقوع یابد و از لحاظ بعضی از محمولات خطرناک بسیار زیان آور خواهد بود.

ما نمی‌توانیم قویاً از حدوث عواقب وخیمه که در اثر تهدیدات مربوط به آزادی حرکات رؤسای بندرگاه در چنین مواردی ممکن است به وقوع یابد، جلوگیری نماییم. عواقبی که ممکن است بیشتر مرتبط به تهدیدات مزبور بوده باشد. این تهدیدات دارای نتیجه دیگری نیز می‌باشد که نمی‌توان از آن صرف نظر نمود. محصور بودن در بدنهٔ جهاز غیر متحرکی در رودخانه، آن هم با اوضاع آب و هوایی که در ماههای تابستان در این حدود حکمفرما می‌باشد و محروم بودن از یک لحظه استفاده از خشکی، به طور حتم موجب وارد آمدن لطمه به صحت و عملیات رؤسای بندرگاه خواهد شد که در هر حال دچار فشار مغزی شدیدی هستند. به علاوه این مأمورین باید آزادانه دسترسی به وسایل صحی که در آبادان مهیا می‌باشد داشته باشند. در صورت وقوع مرض خطرناک^۱ تنها طریق نوع پروری و چارهٔ مطلق همانا انتقال مریض به مریضخانهٔ این شرکت در آبادان است. ما تاکنون نتوانسته‌ایم تحصیل اجازه برای امر اخیرالذکر بنماییم. به طوری که ما اطلاع یافته‌ایم تهدیدات مزبوره مبنی بر دو علت می‌باشد: مقررات تذکره که رییس بندرگاه را ملزم می‌دارد برای هر دفعه پیاده شدن به خشکی از نزدیکترین قونسول ایران تحصیل ویزا (اجازه) نماید و همچنین در موقع خروج از خشکی ویزای خروج حاصل نماید. این امر مستلزم آن خواهد بود که برای هر مرتبه دخول و خروج مشارالیه برای تحصیل اجازه به بصره یا محمره مسافرت کند و این البته کاملاً غیر عملی خواهد بود. مقررات گمرکی که رؤسای بندرگاه و عملجاتشان را مجبور می‌نماید که فقط بر اسکله‌های مجازی که مأمورین گمرک در آنجاها حضور دارند پیاده شوند - در موضوع مقررات گمرکی ممکن است ترتیبی داده شود که فقط رؤسای بندرگاه با عملجاتشان به وسیله اسکله موتورهای آبی واقعه در بین اسکله‌های نمره ۱۰ و ۱۵ دریا وارد یا به وسیله

پیاده گاههای مجاز در آبادان که دائماً در تحت نظارت مأمورین گمرکات می‌باشند، برای تفریح به خشکی پیاده شوند. اما در موقع انجام کار فقط برای ایشان لازم است که بر اسکله‌های حمل و نقل که نیز در تحت مراقبت اداره گمرکات می‌باشند، در مدتی که جهازات نفتی نزد آن اسکله‌ها توقف دارند پیاده شوند. از قراری که ما از ریاست محترم اداره گمرکات آبادان اطلاع یافته‌ایم، این ترتیبات کاملاً با مقررات گمرک منطبق می‌باشد. در خصوص مقررات نظمی مربوط به تذکره، به قسمی که از مذاکرات حضوری استنتاج نموده‌ایم، تهدیدات راجعه به این قسمت به این علت می‌باشد که رؤسای بندرگاه مأمورین رسمی مؤسسه دولت خارجی هستند. ممکن است چنین تصور کرد که مشارالیه‌م به عملیات دیگری اشتغال می‌ورزند که در بنادر دیگر معمولاً از وظایف رؤسای پورت بندر است و این گونه عملیات با مسئولیت مأمورین محترم محلی دولت علیه ایران منافات دارد، ولی با نهایت تأکید اطمینان کامل می‌دهد که قضیه از این قرار نیست و لازم است مجدداً تکرار شود که رؤسای بندرگاه تنها مسئول نظارت کشتی‌رانی در رودخانه هستند و این نظارت که کاملاً واجب و ضروری است باید علی‌الدوام و با منتهای کفایت و شدت برقرار بوده باشد. ما بی‌نهایت ممنون و متشکر خواهیم شد در صورتی که آن مقام محترم عرایض ما را در این امر مورد توجه قرار دهند و ما تصور می‌کنیم آن مقام محترم لااقل به یک طریق اصلاحی موافقت خواهند فرمود که به موجب آن‌مبه رؤساء بندرگاه و یزای سالیانه اعطا شود که بتوانند آزادانه برای ایفای وظایف معموله خود یا برای تفریح لازم در اوقات فراغت به آبادان پیاده شوند. اگر چنانچه اوضاع امور فعلی ادامه پیدا نماید ما خوف عظیم داریم که عواقب آن فوق‌العاده زیان‌بخش و خسران‌آور بوده باشد. در خاتمه احترامات فائقه را تقدیم می‌دارد.

از طرف شرکت نفت ایران و انگلیس محدود
نماینده ریاست کل شرکت

سواد مطابق اصل است. [امضاء:] احمدی.

[مهر:] دفتر حکومتی خوزستان

سند شماره ۱۰۸

درخواست شرکت نفت ایران و انگلیس مبنی بر اجازه عزیمت هیئت فنی شرکت به وسیله هواپیما به بندر لنگه، بندرعباس و جزیره قشم جهت نقشه برداری

نمره ۲/۲۸۹۴۷ ج ا، طهران مورخه ۸ مرداد ۱۳۱۱

https://t.me/shenakht_lib

اداره محترمه کل صنعت

طهران

برای کسب اطلاعات طبقات الارضی که اهمیت عاجلی دارد، شرکت در نظر دارد چهار نفر از مهندسین بزرگ طبقات الارضی را با شماره نمره د ۱۱۲۶ از آبادان به لنگه، بندرعباس [و] جزیره قشم به فوریت اعزام دارد. شرکت شماره نمره د ۱۱۲۶ مزبور را از کمپانی یونکرس برای مدت دو سال کرایه کرده است.

مسافرت از طریق دریا مدت مدیدی طول می کشد، به علاوه خیلی گران هم تمام می شود. گذشته از این مهندسین مزبور می خواهند ساختمان طبقات الارضی را از هوا مشاهده کنند.

برای این که تأخیری در راه حاصل نشود، مستدعی است مقرر فرمایند از وزارت داخله تقاضا شود به لنگه، بندرعباس و جزیره قشم دستورات فوری مخابره فرمایند تا اشکال و تأخیری روی ندهد. ضمناً شرکت را از این اقدام مطلع سازند.

لازم نمی داند لزوم اقدام فوری در این امر را تأکید کند. زیرا هیئت محترم دولت از اهمیت فعلی مطالعات طبقات الارض در نواحی مذکور کاملاً مسبوق می باشند.

متمنی است در ارسال جواب امر به تسریع فرمایند.

از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران محدود

سواد برای اطلاع به وزارت داخله وزارت جنگ و وزارت دربار ارسال می شود.

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] ضبط شود.

سند شماره ۱۰۸/۱
https://t.me/shenakht_lib

۱۴ شهریور ۱۳۱۱، ۲/۲۹۲۱۲ ج ا

حضرت اشرف عزیزم:

تحت مراسله رسمی نمره ۲/۲۸۹۴۷ ج ا مورخه ۸ مرداد ماه که سواد آن به وزارتخانه حضرت اشرف و وزارت جنگ ارسال شد، شرکت تقاضا نمود اجازه داده شود بعضی از اعضاء خود را برای معاینه به جزیره قشم بفرستد. در جواب تقاضای مزبور اداره کل تجارت طی مراسله نمره ۹۰۶۴ - ج مورخه ۱۳ مرداد ماه خود اجازه داد و شرکت تعلیمات لازمه به اعضاء مربوطه صادر نمود.

هیئت مأمورین در ۲۱ مردادماه از آبادان حرکت نمود و در دهم شهریور مراجعت کردند.

در ۸ شهریور ماه شرکت مراسله‌ای از اداره تجارت تحت نمره ۹۶۸۴ - ج که سواد آن لفاً تقدیم می شود^۱ دریافت نمود که در آن اجازه صادره خودشان را پس گرفته‌اند. باید در خاطر مبارک باشد که شرکت عملیات حفاری را در جزیره قشم از چند سال قبل موقوف داشته، ولی نظر به علامت تحت الارضی که مشاهده شده، ممکن است هیئت بخواهند مجدداً عملیات حفر را در جزیره مزبور تعقیب کنند. در صورتی که

۱. مراسله اداره تجارت در پرونده موجود نبود.

دستوراتی برای این منظور از لندن برسد لازم خواهد بود در ابتدای ماه اکتبر به این کار اقدام شود و در این مورد از حضرت اشرف تمنا می‌کند، لطفاً اطمینان دهند که در آن موقع دولت اعتراضی نخواهند نمود. خواهشمند است به این مراسله توجه مخصوص مبذول و این جانب را رهین امتنان فرمایند.

ارادتمند واقعی حضرت اشرف

[امضاء: ژاکس]

https://t.me/shenakht_lib

حضرت بندگان اشرف آقای تیمورتاش وزیر محترم دربار پهلوی ملاحظه فرمایند.

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] جواب بدهید در موقعی که همچو تصمیمی کمپانی می‌گیرد، اگر اوضاع عادی در محل مرقومه باشد، اجازه داده خواهد شد.

سند شماره ۱۰۹

مکاتبه گرینهوس با وزارت دربار در خصوص ارسال رونوشت درخواست شرکت نفت ایران و انگلیس به اداره صناعت راجع به نقشه برداری ناحیه قشم

شرکت سهامی نفت ایران و انگلیس

ثبت شده در ایران، به نمره ۲

عنوان تلگرافی: انگلوپرس

نمره ۲۹۵۲۶/۲ ج ۱۰، طهران، مورخه ۲۳ مهرماه ۱۳۱۱

طهران

مقام محترم وزارت جلیله دربار دامت شوکته - طهران

در باب مساحی و عملیات احتمالی حفاری در جزیره قشم، مهندسین طبقات الارض شرکت تصمیم گرفته‌اند به فوریت تا حدود پنجاه میل از اراضی جاسک الی چهاربار^۱ را از لحاظ طبقات الارضی مساحت نمایند.

به موجب دستورات تلگرافی واصله از لندن، شرکت حسب‌المعمول درخواست رسمی به اداره محترم صناعت نوشته و سواد آن را به وزارتخانه‌های مربوطه ارسال داشته است. اینک در تعقیب مراسله نمره ۳۳۱۷۷ مورخه ۱۹ شهریور ۱۳۱۱ آن وزارت جلیله، سوادى از آن جهت اطلاع خاطر مبارک، لفاً ارسال می‌دارد.

نظر به فوریت امر مستدعی است در ارسال جواب امر به تسریع فرمایند.

از طرف شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران

[امضاء: ف.س. گرینهوس]

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش: ضبط.]

سند شماره ۱۰۹/۱

۲/۲۹۴۷۹ ج ۱۰، ۱۶ مهرماه ۱۳۱۱

اداره محترمه کل صنعت

تهران

شرکت پیشنهاد می‌کند که در دوره عملیات خود در ماههای سرد زمستان، دستجات مهندسین خود را بدون فوت وقت :

(۱) به جزیره قشم و نقاط مجاور آن، از نزدیکی بندرعباس تا چارک که چهل میل بالای لنگه است و تقریباً در حدود چهل میل از اراضی ساحلی را اشغال کرده اعزام دارد.

هیئت مزبور مرکب از ۲ یا ۳ نفر مهندس اروپایی و اجزاء لازم خواهند بود که از ماه اکتبر تا مقارن ماه مارس ۱۹۳۳ کار خواهند کرد.

اقدامی که از طرف هیئت مهندسین مزبور به عمل می‌آید مربوط به عملیات حفر در جزیره قشم خواهد بود.

(۲) کرقلی و نواحی مرکزی که در میشون واقع است (فارس) و حدود بهبهان. دکتر ج. و هریسون با اجزاء لازم در این نقطه چادر زده و از اکتبر تا آوریل یا مه ۱۹۳۳ مشغول نقشه برداری میدانهای نفت خواهند بود.

شرکت به هر دو دسته مزبور دستور خواهد داد که با متصدیان امور دولتی در محل ملاقات نموده و از محل اقامت خود پیوسته ایشان را مطلع دارند.

خواهشمند است مقرر فرمایند اقدام لازم فوراً به عمل آورده، اولیاء محلی را از این امر مستحضر سازند. ضمناً از ایشان تقاضا کنند که مساعدت‌های لازمه را در محافظت هیئت‌های مزبور به عمل آورند.

نظر به این که وقت می‌گذرد و مهندسین مزبور آماده هستند که به محض این که اولیاء

امور محلی از قصد آنها اطلاع یابند، فوراً حرکت کنند، خواهشمند است در این موضوع اقدام سریع فرمایند و مخصوصاً تمنا می‌کند جواب فوری ارسال دارند تا شرکت بتواند مقدمات لازمه را فراهم کند.

از طرف شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران
[ف.س. گرینوس]

[حاشیه پایین:] سواد شرح فوق برای آگاهی و سهولت مراجعه به: وزارت جلیله جنگ، وزارت جلیله داخله و وزارت جلیله دربار اعظم ارسال می‌شود.

سند شماره ۱۱۰

گزارش سفارت ایران در لندن راجع به مسافرت کدمن به آمریکا و استقبال شرکت نفت از انعقاد قرارداد جدید با ایران

وزارت امور خارجه

اداره اقتصادیات

نمره ۳۰۸۵۶، ۱۸۳۱۳، ۶۱۰، تاریخ ۲۳ آبان ۱۳۱۱، ضمیمه ۱

وزارت جلیله دربار پهلوی

سواد راپرت سفارت شاهنشاهی در لندن راجع به اظهارات رییس اداره سیاسی شرکت نفت ایران و انگلیس، برای استحضار خاطر مبارک، لفاً تقدیم می‌گردد.

[امضاء:] حسنعلی غفاری

[مهر:] وزارت خارجه

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] ضبط.

سند شماره ۱/۱۱۰/۱۱۰

وزارت امور خارجه

اداره اقتصادیات

سواد مراسله سفارت لندن

نمره ۹۷۴، مورخه ۱۱/۸/۵ [۱۳]

سرتماس لیگرو^۱ (Sir Thomas leagraw) رییس کشتیرانی کمپانی انریک امروز ناهار را از بنده در کلوپ Near East United دعوت کرده بود که از جمله سایر مدعوین سر استوارت، معاون وزارت هندوستان و مستر هرمن M.Hern، رییس اداره سیاسی شرکت نفت ایران و انگلیس در آنجا حضور داشتند. مستر هرمن در سر ناهار به بنده اظهار داشت که به مناسبت حرکت سرجان کدمن، رییس شرکت به آمریکا، امروز تلگرافی به مضمون ذیل به مستر جاکس نماینده شرکت در طهران مخابره گردید.

«سرجان کدمن برای امور مهمهٔ مربوطه به نفت دنیا که نتایج حاصله از آن برای ایران نیز قطعاً مفید خواهد بود، عازم آمریکا گردیده و مسافرت مشارالیه در حدود پنج هفته طول خواهد کشید. لازم است مراتب را به اطلاع امنای محترم دولت شاهنشاهی رسیده و در عین حال تذکر بدهید در صورتی که پروژهٔ قرارداد جدیدی را که دولت علیه مشغول تهیه آن گردیده لطمه به منافع شرکت نرساند، مورد تقدیر و قبول شرکت خواهد شد. مراتب فوق اطلاعاً عرض شد.

https://t.me/shenakht_lib

سند شماره ۱۱۱

رونوشت نطق سرجان کدمن در مجمع سالیانهٔ انستیتوی نفت آمریکا در
۱۶ نوامبر ۱۹۳۲

وزارت دربار پهلوی

ترجمهٔ نطق سرجان کدمن، رییس کمپانی نفت
ایران و انگلیس در مجمع سالیانهٔ انستیتوی
نفت آمریکا در تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۳۲^۱

نفت و پلیتیک

در موقعی که از من درخواست شد که در این مجمع حاضر بشوم، هم خوشوقت و هم مکدر شدم. خوشوقت شدم برای این که به ملاقات دوستان قدیم خود نائل می‌شوم و

مکدر شدم از این که در این موقع بحران و سختی، مجبور به نطق خواهم بود. چهار سال قبل در این مجمع حضور داشته و نطقی ایراد کردم و در ظرف این مدت گرفتاریهای فوق العاده و اشکالات زیادی را داشته‌ایم. معهذ این دوره سخت را گذرانیده و هنوز زنده‌ایم. از حیث نفوذ فقیرتر شده، ولی از حیث تجربه غنی‌تریم. در سنه ۱۹۲۸ که این مجمع در شیکاگو منعقد گردید، اظهار داشتم که سرحداتی برای نطف که یک موضوع دنیایی است نمی‌توان فرض نمود و باید در اطراف نطف نسبت به تمام دنیا صحبت کرد. در آن موقع تصور نمی‌کردم که تا این اندازه دچار اشکالات و سختی‌ها بشویم. در تمام ممالک و در تمام مراکز صنعتی نطف، اشکالات مزبوره وجود داشته. اوضاع مالی دنیا رو به خرابی گذارده و برهم خوردن وضعیت اسعار، تجارت دنیا را فلج ساخته است.

احساسات ملی و فکر رفع احتیاج هر ملتی از منابع داخلی خود باعث تولید سدهای گمرکی شده و مانع تبادل محصولات صنعتی گردیده است. تولید محصولات، عقب رفته و مصرف اجناس هم در همان حال کم شده است. معهذاً و با تمام اشکالات، صنعت نطف بر روی پایه‌های محکم تری از سابق استوار و نسبت به صنایع دیگر دنیا استقامت لازمه را در تقابل حوادث نشان داده است. روی این پیشامد تصور می‌کنم می‌توانیم به خود تبریک بگوییم، ولی این تبریک بیشتر مربوط به صنعت نطف آمریکا و رؤسای قابل آن می‌شود. در آمریکا، با اشکالات زیادی که صنعت نطف مواجه بوده، معهذاً توانسته‌اید که میزان محصولات را در تحت کنترل درآورید. این اقدام، در چند سال قبل، خارج از امکان تصور می‌شد، ولی شما آمریکایی‌ها با جدیت خود توانستید موفقیت حاصل نمایید.

این نتیجه را فقط در اثر اتحاد عمل حاصل کرده‌اید. سالهای قبل این نطف و اثرات مربوطه به آن به هیچ وجه طرف توجه نبود، ولی حالیه هرکس پی به منافع آن برده (البته هر مملکتی در حدود قوانین داخلی خود) و می‌داند می‌توان روزهای بدتری را در تعقیب کردن آن انتظار داشت.

من داخل این موضوع که تاریخ تصمیم راجعه به اتحاد عمل چه موقع بوده و چه اشخاصی پیشقدم فکر آن بوده‌اند نمی‌شوم، ولی همین قدر می‌گویم که نتایج حاصله

از آن خیلی مهم تر از آن بوده است که همگی انتظار داشتیم. موضوع صادر کردن نفت - قیمت و شرایط تجارتي مربوط به آن، اساس اتحاد عمل را تشکیل داده و خیلی خوشوقتم که اغلب ممالک نسبت به همکاری در این زمینه حاضر شده اند. البته قبول اصل فوق از طرف رؤسای صنعت نفت دنیا از نقطه نظر فهم و پیش بینی آنها بوده، ولی ناگفته نگذاریم که اوضاع متشوش تجارت و بحران عمومی، کمک بزرگی در قبول اصل مزبور نموده است. در مواقع عادی، زمان همه چیز را خوب تصور می کند، هر سالی مبلغی منافع به دست می آید و بنابراین تصور

می رود هیچ چیزی عیب ندارد. https://t.me/shenakht_ino اگر در آن مواقع یکی حصه تجارتي دیگر را بر باید، می گوید بسیار خوب، او هم ممکن است آن حصه کم شده را از دیگری تصاحب کند. ولی پس از آن که اوضاع رو به سختی رفت، اشکالات شروع به نمایش کرده و با آن که بنا به مثل معروف باران بر سر اشخاص درست و نادرست یکسان می بارد، معهذاً می توانیم بگوییم بر سر درست ها بیشتر، زیرا نادرست ها قبلاً چتر درست ها را روده اند. لازم می شود که اقلأ سعی کرده و چتر خودمان را محفوظ داریم.

مطلبی که باید گفته شود این است که با این که تصور می کنیم از باران بحران نسبتاً محفوظ هستیم، معهذاً باران تمام نشده، زیرا تقاضای کم و عرضه زیاد ما را گرفتار بحثهای فراوانی نموده و در این موقع سختی هیچ یک از ماها نباید نسبت به دیگری عملیاتی را مرتکب شویم که اشکالات او را زیادتر بکنیم.

موضوع فوق را نه تنها به آقایانی که در اینجا حضور دارند می گویم، بلکه خطاب من نسبت به تمام کسانی است که در صنعت نفت در آنجا و در تمام دنیا ذینفع هستند. منافع هر یک از آنها مربوط به حفظ منافع طرف دیگر است. در تمام مراکز محصولی نفت، کنترل محصول تا حدودی که مربوط به امتیاز دادن بوده پیشرفت خوبی نموده، ولی تحصیل رضایت مراکزی که سهمیه از منافع نفت می برند، در این خصوص مشکل بوده است. با این که این مطلب واضح است که تعادل بین مقادیر عرضه و تقاضا برای حفظ همان سهمیه عامل بزرگی محسوب می شود - و بنابراین سهمیه برها باید نظر دوربینی را اتخاذ نموده و ملتفت بشوند که اگر عایدات فعلی آنها

کسر می‌شود، در آتیه جبران خواهد شد.

وضعیت فعلی طوری است که هر مملکتی برای نفتی که اجازه ورود آن را می‌دهد، وضعیت خاصی را قایل شده و بنابراین محصولات نفتی، قبل از این که به یک نقطه فرستاده شود، باید معلوم نمود دارای صفاتی که آن مملکت درخواست می‌نماید هستند یا خیر.

برای حل این اشکال، باید درجات مخصوصی برای کلیه انواع محصولات نفتی قایل شده و بدین وسیله از مخارج کاست.

موضوع دیگر مربوط به مالیات نفت است. تصور نمی‌کنم هیچ صنعتی تا این اندازه گرفتار فشار مالیاتی، مانند صنعت نفت باشد و تصور نمی‌کنم هیچ صنعتی قدرت کشیدن این بار سنگین را مانند نفت داشته است. در سال ۱۹۳۱ که یکی از سالهای بد و بحرانی بود، مطابق آنچه شنیده‌ام، از مالیات نفت پانصد میلیون دلار به خزانه دولت آمریکا واصل گردیده و علاوه بر آن، یک میلیارد و نیم دلار، از ۲۷ میلیون اتوموبیلی که در حرکت است، واصل گردیده. از نقطه نظر اصل مبلغ، البته هیچ مملکتی با شما برابری نمی‌کند، ولی از نقطه نظر نسبت، می‌توانم بگویم که مملکت خودم از شما پیش افتاده - مالیاتی که از نفت ورودی گرفته می‌شود، نصف تمام قیمتی است که نفت به طور خرده^۱ فروخته می‌شود و بیش از دو مقابل اصل قیمت آن است. مالیات نفتی که از اتومبیلها وصول می‌شود، برای هر قوه اسب یک لیبره است و ما دارای یک میلیون و نیم وسایط نقلیه می‌باشیم. برای این وسایط ۵۷ میلیون لیبره مالیات می‌پردازیم. هر یک از وسایط نقلیه شما ۵۵ دلار در سال مالیات می‌دهد، ولی وسایط ما هر یک ۳۵ لیبره می‌پردازد، یعنی سه مقابل آن.

از نقطه نظر وصول مالیات، نفت و اتومبیل، هر دو خیلی مساعد هستند. از نقطه نظر دولت‌ها وصول آنها سهل و فرار از پرداخت مستبعد به نظر می‌رسد و هر دولتی در مواقع سختی متوسل به این مالیات شده است.

دولتها ممکن است در مواقعی که احتیاج [دارند] به این مالیات متوسل شوند، ولی آیا

هیچ دولتی را دیده‌اید که در مواقع بحران آمده و بگوید عایدات شما کم بوده و باید اقدامی برای ازدیاد آن به عمل آورید.

اغلب صنعت‌ها در مواقع عادی، عایدات زیادی به سهامداران خود می‌دهند و هیچ یک از آنها مصنوعاتشان در زندگی بشر اهمیت نفت را ندارد و هیچ یک هم گرفتار اشکالات این صنعت نمی‌باشند. نفت صنعتی است که اتفاقات پیش بینی نشده‌ای را باید در آن در نظر گرفت، کما این که در پیدا کردن خود نفت اغلب سرمایه‌هایی مصرف می‌شود و به نتیجه نمی‌رسد و الا کسانی که حاضرند سرمایه‌های خود را فدای تجسس این ماده بنمایند، دیگر حاضر به کار نخواهند شد.

در موضوع مالیات بندی و طرز تقسیم منافع، صنعت نفت فقط عمل عادلانه [ای] را تقاضا دارد. البته به نفت همیشه تحمیل مالیات ممکن نشد، ولی انتظار ما این است که این مالیات غیر عادلانه نباشد و البته مواقعی هم خواهد رسید که صنعت نفت دارای منافع زیادی بوده و باز هم مواقع بحران و ضرر خواهد رسید. ولی باید وضعیت را همه وقت روی هم تحت مطالعه قرار داده و اقدام کارکنان این صنعت را که به دنیا از حیث تحصیل این ماده که محتاج الیه بشر است خدمت می‌کند، مورد تقدیر قرار داد. من همیشه میل داشته‌ام وضعیت صنعت نفت را با سایر صنایع مقایسه کنم. وضعیت ما به طور خلاصه این بود که بیشتر از مصرف، تحصیل نفت می‌نموده‌ایم - رقابت زیاد [شد] و قیمت‌ها پایین آمد. بالاخره به این نتیجه رسیدیم که رفع بحران ممکن نیست، مگر این که میزان محصول را مطابق میزان مصرف بکنیم.

آیا تصور نمی‌کنید که این پلیتیکی را که صنعت نفت پیش گرفته، اگر سایر صنایع هم تعقیب کنند رفع بحران و گرفتاری آنها ممکن شود؟ پر بلم دنیا فعلاً این است که مصرف فوق‌العاده تنزل نموده و وسایل تولید محصولات نسبت به آن بی‌اندازه زیاد است و بنابراین قیمت‌ها تنزل کرده و از حدود صرفهٔ تجارتي خارج شده است و بالنتیجه تمام ملل شروع به ایجاد سدهای گمرکی برای ورود مال‌التجاره‌های خارجی نموده‌اند که اگر این مسئله موقتاً وضعیت راحتی را برای آنها ایجاد کند، نتیجه‌اش اوضاع بدی برای سایر ممالک می‌باشد و آخر الامر ضرر آن متوجه تمام ملل می‌شود. ولی به نظر من اگر پلیتیکی که در نفت تعقیب شده، در تمام ممالک و نسبت به تمام

صنایع اعمال شود، البته نتیجه خوبی خواهد داد. خیلی قیمت‌ها از حد تعادل خارج شده و فوق‌العاده تنزل کرده‌اند. دیگر تجارت با صرفه نیست و بنابراین، باید عرضه مال‌التجاره را مطابق میزان تقاضا پایین آورد و بالتیجه بحران رفع خواهد شد. من به خوبی می‌دانم که برای رسیدن به این مقصود هزاران اشکال موجود است، ولی در چند سال قبل هم هیچ‌کس تصور نمی‌کرد که صنعت نفت موفق بشود یک ربع از محصول خود را کسر نماید و اگر همین اقدام را تمام ملل تعقیب نمایند، البته به مقصود اساسی که رفع بحران است خواهیم رسید.

راجع به خود صنعت نفت چیز زیادی ندارم که بگویم. ما پلیتیک خود را تعقیب می‌کنیم و امیدوارم با توافق نظر عملی موفق به خلاصی خود از گرداب بحران فعلی بشویم.

سند شماره ۱۱۲

یادداشت تیمورتاش به وزارت مالیه در خصوص مکاتبه آن وزارت خانه با کمپانی نفت جنوب راجع به عدم تأمین منافع ایران در امتیاز داری و اعلان الغاء آن امتیاز

وزارت دربار پهلوی

از طرف وزارت مالیه به کمپانی نفت جنوب نوشته شود

دولت ایران مکرر به اطلاع کمپانی نفت جنوب رسانده است که امتیازنامه داری مصالح و منافع مملکت ایران را تأمین نمی‌نماید و لازم می‌دانست که هرچه زودتر پایه روابط دولت شاهنشاهی و کمپانی در روی اساسی تازه که مستلزم تأمین منافع

واقعی مملکت ایران باشد گذارده شود. بدی امتیازنامه داری و عدم توافق آن با منافع ایران جای هیچ تردید نیست و این نکته مکرر خاطر نشان گردیده است. زیرا که امتیاز مزبور قبل از استقرار رژیم مشروطیت اعطا گردیده و این گونه امتیازات که طرز تحصیل آنها محتاج به شرح و بسط نبوده و منافع مملکت ایران را تأمین نمی‌کند، مطلقاً و اصلاً برای دولت ایران الزام آور نمی‌باشد [زیرا منافع] ایران در موقع اعطای این گونه امتیازات تأمین نشده است.^۱

متأسفانه در مقابل صبوری دولت ایران، کمپانی نفت نه تنها اقدام عملی در تأمین منافع مملکت ایران به عمل نیاورد، بلکه عملاً منافع مملکت ایران در معرض تهدید برآمده و از منافع هنگفتی که نصیب کمپانی و شعبات آن می‌شود، سهم دولت ایران رو به تقلیل می‌گذارد.

بنابراین دولت ایران از چندی قبل به نتیجه [ای] که در نظر داشت، یعنی از رسیدن به مقصود از طریق مذاکرات با کمپانی نفت جنوب مایوس شده و ناچار راه تأمین حقوق خود را منحصر به الغای امتیاز داری می‌داند و بالتیجه وزارت مالیه به نام دولت شاهنشاهی به آن کمپانی اعلام می‌نماید که از این تاریخ امتیازنامه داری ملغی می‌گردد. در عین حال نظر به این که ایران قصدی جز تأمین منافع مملکتی ندارد، اگر کمپانی نفت جنوب برخلاف گذشته حاضر شود منافع مملکت ایران را مطابق نظر دولت ایران و مطابق عدالت و انصاف تأمین نموده و وثایق لازمه در تأمین منافع مذکوره بدهد، دولت ایران از اعطای امتیاز جدیدی به آن کمپانی اصولاً امتناعی نخواهد داشت.

۱. در سمت راست این پاراگراف، توسط تیمورتاش نوشته شده است «طرز تحصیل این گونه امتیازات و علل موجود بودن معایب آنها محتاج به شرح و بسط نیست. این قبیل امتیازات که قبل از استقرار رژیم مشروطیت اعطا گردیده».

سند شماره ۱۱۳

مکاتبه وزارت مالیه با شرکت نفت ایران و انگلیس در خصوص تصمیم دولت ایران به الغاء امتیاز داری

[۱۳۱۱/۹/۶]

شرکت نفت انگلیس و ایران آقای جکین مدیر مقیم

دولت ایران مکرر به اطلاع کمپانی نفت انگلیس و ایران رسانیده است که امتیاز داری، مورخه ۱۹۰۱ مسیحی مصالح مملکت ایران را تأمین نمی نماید و لازم می دانست هرچه زودتر پایه روابط دولت شاهنشاهی و کمپانی بر اساس تازه [ای] که مستلزم تأمین منافع واقعی مملکت ایران باشد گذارده شود. معایب و نواقص امتیازنامه داری و عدم توافق آن با منافع ایران، به طوری که مکرر خاطر نشان شده جای هیچ تردید نیست و البته دولت ایران حقاً و منطقاً نمی تواند خود را ملزم به مقررات امتیازنامه [ای] که قبل از استقرار رژیم مشروطیت داده شده - با طرزی که اینگونه امتیازات در آن زمانها تحصیل و اعطا می شد - بداند. معذالک به امید این که کمپانی اقتضای زمان و موقعیت امروز مملکت ایرانرا در نظر گرفته و منافع آن را مطابق این مقتضیات تأمین نماید، دولت ایران از اعمال حق خود در الغای امتیاز داری تا به حال خودداری نمود. متأسفانه در مقابل صبوری دولت شاهنشاهی از طرف کمپانی نفت نه تنها اقدام عملی در تأمین منافع مملکت ایران به عمل نیامد، بلکه هرچه بر توسعه و بسط کمپانی نفت انگلیس و ایران افزوده شد، منافع ایران بیشتر دچار تضییع گردید. بنابراین دولت ایران از نیل به نتیجه [ای] که در نظر داشت، یعنی از رسیدن به مقصود از طریق مذاکره با کمپانی مأیوس شده و ناچار راه تأمین حقوق خود را منحصر به الغای امتیاز داری دیده و این وزارت خانه بر حسب

تصمیم دولت شاهنشاهی اعلام می‌نماید که از این تاریخ امتیازنامه داری را ملغی کرده و آن را بلااثر می‌داند.

در همان حال نظر به این که دولت ایران قصدی جز تأمین منافع مملکت ندارد، اگر کمپانی نفت انگلیس و ایران برخلاف گذشته حاضر شود منافع مملکت را مطابق نظر دولت ایران، بر وفق عدالت و انصاف تأمین نموده، وثایق لازم را برای تأمین منافع مذکوره بدهد، دولت ایران از اعطای امتیاز جدیدی به آن کمپانی اصولاً امتناع نخواهد داشت.

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] در بایگانی امتیاز نفت ضبط شود. https://t.me/shenakht_lib

سند شماره ۱۱۴

نامه سیدحسن تقی زاده (وزیر مالیه) به وزارت دربار راجع به رفع شبهه در مورد نکات مبهم تلگراف رمز عیسی خان فیض راجع به اثرات زیانبار الغای امتیازنامه داری بر موقعیت بازار نفت ایران و لزوم تغییر لحن مطبوعات ایران در این خصوص

۸ آذر ۱۳۱۱، ساعت ۷ عصر

دوست عزیز محترم:

خیلی متأسفم که دیروز و امروز به واسطه زکام شدید مجبور به ماندن در منزل شده و از ادای وظایف بازماندم. تلگرافی به رمز از آقای میرزا عیسی خان فیض امروز رسید که کشف آن هم چندین ساعت طول کشید. اینک سوادى از کشف انگلیسی آن با ترجمه فارسی که حالا به عجله به عمل آمد، تقدیم خدمت می‌دارم. چون معزى الیه

خود در آخر تلگراف تقاضا کرده سواد تلگراف او به عرض برسد و سواد دیگری خدمت عالی تقدیم شود، تصور کردم ارسال یک سواد از ترجمه خدمت حضرت عالی برای هر مقصود کافی باشد و خود حضرت عالی فردا صبح آن را به عرض می‌رسانید.

نمی‌دانم باز ارسال نسخه دیگر به دفتر مخصوص لازم است یا نه، در کشف رمز، یک عبارت به نظر این جانب روشن نیامد و شاید اشتباه شده و آن عبارت *by no other means* است در سطر نهم، که تصور می‌کنم شاید عبارت اصلی تلگراف چیز دیگر بوده و شاید ^۱ "by arbitration" بوده است. عقاید آقا میرزا عیسی خان از راه خیرخواهی و وطن‌دوستی قطعاً اظهار شده، ولی به نظر مخلص، تخلف او از اجرای دستور و حرکت از لندن مقتضی نبوده است. زیاده عرضی ندارد جز تجدید مراتب ارادت صمیمی. [امضاء: حسن تقی‌زاده]

[افزوده متن اصلی:] نمی‌دانم آیا می‌توان اجازه گرفت و به آقای فیض جواب داد که به کمپانی اعلام نماید که اگر بدون جر و بحث حاضر به مذاکره تحصیل امتیاز جدیدی در طهران باشد، دولت ایران، محض این که به کمپانی ضرر کلی وارد نیامده و خلل و وقفه [ای] در عملیاتش رخ ندهد، حاضر است با ضرب الاجل دو یا سه ماهه، اجازه مداومت عملیات به طور ^۲ *de Facto* در زمینه امتیاز نامه داری، بدون آن که آن امتیاز را معتبر دانسته یا از الغای آن صرف نظر نماید، بدهد. ولی نه ^۳ *de jure* و اگر تا موعد ضرب الاجل بر طبق آمال دولت توافق حاصل نشد، آن وقت الغاء را عملی و مجری دارند؟؟؟

والله اعلم ح.ت. [حسن تقی‌زاده]

۱. از طریق حکمیت.

۲. شناسایی مشروط و موقت.

۳. شناسایی کامل و قطعی.

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] دولت شما را منفصل کرد، به کمپانی نوشته شد. اگر هم مذاکره شود، باید [در] ایران مذاکره شود.

سند شماره ۱۱۴/۱

در روز ششم آذر، یعنی همان روز که الغای امتیازنامه داری از طرف وزارت مالیه به اداره کمپانی جنوب در طهران اشعار شد، تلگرافی به آقای میرزا عیسی خان فیض در لندن از طرف وزارت مالیه به مضمون ذیل مخابره گردید:

”چون دولت امتیاز نفت را ملغی کرده است، فوراً از لندن خارج شده و به ایران مراجعت نمایید.“

امروز تلگرافی مورخ هفتم آذر از مشارالیه رسید که ترجمه آن ذیل درج می شود:

”جناب آقای تقی زاده، وزیر مالیه طهران - تلگراف نمره ۳۶۴۸۸ شما مورخه نوامبر رسید. کمپانی را ملاقات کردم، به آنها هم از جاکس اطلاع رسیده بود که الغاء در روزنامه های عصر طهران نشر شده. با کمال احترام میل دارم خاطر نشان نمایم که اقدام دولت علیه مستقیماً مخالف منافع ایران است، به دلایل ذیل:

اولاً ماده ۱۷ امتیاز داری برای تصفیه و حل اختلاف راه دیگری پیش بینی نمی کند. علیهذا به عقیده من دولت علیه خود را به واسطه فسخ امتیاز به وسیله اقدام یک طرفی و بدون آن که بدو به حکمیت مراجعه نماید، در موقع ناحقی می گذارد. ثانیاً اگر تصور شود که حکمیت شامل مورد فعلی نیست، مقامات بین المللی معروف دیگری هستند که به آنها می شود توسل جست، مانند دیوان دآوری بین المللی لاهه یا جامعه ملل. ثالثاً و بالنتیجه الغای امتیاز ناچار موجب احساسات شدید ضد ایران در تمام دنیا خواهد شد و عالم اقتصادی اعتمادی به قول یا امضای دولت ایران نخواهد داشت، در صورتی که تا حال قول و امضای دولت نظر بدان که ایران هیچ وقت تعهدات خود را نکول نکرده است، شایسته احترام تلقی می شد.

رابعاً نتیجه انتشار اعلان الغاء در مطبوعات در صورتی که فوراً پس گرفته نشده یا

تغییر خیلی اساسی داده نشود، قهراً و خیم‌ترین آثار را در عملیات تجارتي کمپانی و نفوذ او و بالنتیجه نسبت به ایران هم خواهد داشت. فعلاً کمپانی برای نگاهداری نفوذ تجارتي خود در تمام دنیا بسختی می‌جنگد و این که قیمت نفت اخیراً ترقی کرده و تأثیر مهمی هم در حق الامتياز مسأله دولت بایستی داشته باشد، بیشتر به واسطه نفوذ کمپانی بوده.

خامساً نفوذهای مختلفی در کار است و بر ضد مجاهدات کمپانی در توسعه فروش نفت ایران کار می‌کند که عمده آنها عنوان حفظ معادله و موازنه تجارتي است. در ممالک اروپا نفت ایران در این ممالک استفاده خیلی بزرگی از این فقره می‌کرد که به جای داشتن اسم ایرانی، اسم نفت انگلیسی داشت و معهذ انتظار آن می‌رود که در آن بازارها حملات جدیدی به نفت ایرانی شروع شود و مساعی کمپانی در نگاهداری و توسعه میزان فروش به هدر برود.

نظر به اثرات فوق العاده بی‌پایانی که در انتشارات مطبوعات حاصل می‌شود، من جداً خواهشمندم که بلافاصله، اولین اقدام آن باشد که اظهاراتی مبنی بر تغییر مطلب در مطبوعات طهران به عمل بیاید که به طور کلی اطمینان بخش باشد. سرجان کدمن در آمریکا است و تقریباً در چهار هفته دیگر بر می‌گردد و چون من به بهترین منافع ایران نظر دارم، معهذ با آن که مخالف دستور شماست، در همین جاتا موقع عودت می‌مانم و در این مدت امیدوارم تعلیماتی برسد که مرا قادر بکند، هرگاه خدمات من مطلوب باشد، منتهای مساعدت به دولت ایران بنمایم. به این اقدامی که از طرف دولت به عمل آمده با نگرانی زیاد نگاه می‌کنم و خواهش می‌کنم در کلیه سیاست تجدید نظری بکنید، زیرا معتقدم که اثرات این اقدام ممکن است خیلی وخیم باشد. خواهش می‌شود سواد این تلگراف به عرض اعلی حضرت همایونی ارواحنا فداه رسیده و به حضرت اشرف تیمورتاش تقدیم شود. فیض»

سند شماره ۱۱۵

اخبار مندرج در روزنامه منچستر گاردین راجع به تاریخچه امتیازنامه داری و دلایل الغای آن

نفت ایران در معرض تهدید

تقاضا برای عواید بیشتر

کاهش حق الامتیاز از سال ۱۹۳۰

به نقل از یک خبرنگار <https://t.me/shenakhtlib> ۱۹۳۲ روزنامه منچستر گاردین لندن، سه شنبه

الغای امتیازنامه شرکت نفت انگلیس - ایران که امروز اعلام گردید، نمونه شگفت‌انگیزی از اسلوب مورد توجه طهران می‌باشد. مدتی است از جانب عامه مردم ایران به امتیازنامه موردنظر حمله می‌شود و این واقعیت که امتیازنامه یاد شده در ۱۹۰۱، از سوی شاه ایران مظفرالدین شاه، به مدت شصت سال امضاء گردیده، تأثیر چندانی بر ملی‌گرایان ایرانی، آنانی که خواهان بازنگری در مفاد امتیازنامه بوده‌اند نداشته است. حق سهمی که به دولت ایران تعلق می‌گرفته، شانزده درصد عواید خالص را شامل می‌شده و از سال ۱۹۳۰ به بعد، به طور چشمگیری، کاهش یافته است. همانا در سال ۱۹۳۱ دولت انگلستان رقمی معادل دو برابر دریافتی حق سهم ایران از شرکت مالیات بر درآمد می‌گرفته و شرکت هم بازنگری در مفاد امتیازنامه را به صلاح دانسته است.

در همین امسال، مدتی پیش به طور محرمانه، امید می‌رفت موافقت‌نامه جدیدی بین دولت شاهنشاهی و دولت انگلستان که اکثریت سهام را دارا می‌باشد مورد تصویب قرار گیرد.

تاریخچه امتیازنامه

از قرار معلوم، الغای امتیازنامه از سوی طهران و سیله‌ای برای مطمئن ساختن تجدید نظر اساسی در مفاد امتیازنامه است. تاریخچه امتیازنامه به افسانه شبیه است. در اصل، به دنبال سالها تحقیق در سال ۱۹۳۰، به ام. کی. داری اعطاء گردید. ابتدا همه تلاشها برای اکتشاف نطف عبث و بیهوده بود. اگرچه در سال ۱۹۰۹ شرکت نطف انگلیس - ایران به منظور به دست گرفتن امتیازنامه تشکیل یافت، اما در مدت کوتاهی قبل از جنگ، سرمایه موردنیاز برای به کار انداختن آن، از طریق عموم، قابل حصول نبود و نظارت امتیازنامه هم به معنای افتادن در دست اجنبی‌ها تلقی می‌شد. فعالیت لرد فیشر که مدتها تغییر از غال سنگ به نطف را برای ناوگان انگلیس مصرانه درخواست کرده بود و همچنین تلاش چرچیل در مجلس مشارکت دولت انگلیس در امتیازنامه حاضر ممکن ساخت. این حرکت، از جانب چرچیل، اغلب قابل قیاس با دیسرایلی Disraeli است که در سال ۱۸۷۶ منافع رسمی انگلیس را در توسعه کانال سوئز تأمین کرده بود.

در حال حاضر، بهره‌برداری از زمینهای نطف جنوب همچون گذشته ادامه دارد. طهران می‌خواهد سهم بیشتری از عواید نطف ببرد. احتمالاً ایران نه تأثیر شرایط جهانی بر قیمت را عمیقاً مطالعه کرده و نه عماداً سیاست محدود نمودن تولید را به نفع قیمتها در پیش گرفته است. دولت‌های نوپا و پرانرژی اغلب فاقد چنین شناختی هستند.

سند شماره ۱۱۵/۱

نطف انگلیس - ایران

روزنامه منچستر گاردین ۳۰ نوامبر ۱۹۳۲

همه می‌دانند که پی بردن به حقایق سیاست نفت کار مشکلی است، اما می‌توان به راحتی انگیزه‌هایی را که منجر به الغای امتیازنامه شرکت نفت انگلیس - ایران گردید یافت.

این سازمان عظیم که انگلیس دو سوم سهام آن را داراست، منافعش در ایران در مقابل کلیه مسایل خارجی این کشور و سایر مسایل متقابل بیشتر جلب توجه می‌کند. شرکت مذکور حدود بیست هزار ایرانی را استخدام نموده و فعالیت‌های عام‌المنفعه زیادی در جنوب کشور ایجاد کرده است. رضاشاه پهلوی، شاه فعلی ایران، بانسختن بر اریکه قدرت که انقلاب ملی گرایانه وی در خور تقدیر است، مردم ایران را از قیمومیت دولت انگلیس به درآورد و از او انتظار نمی‌رود که گذشته را به بوتۀ فراموشی بسپارد. سیاستش همواره در راستای رهایی بخشیدن ایرانیان از کاپیتولاسیون و سایر محدودیت‌های دست و پاگیر در حق حاکمیت بوده که شاهان خودکامۀ قاجار به آن تن داده بودند.

شرکت نفت انگلیس - ایران با مهارت اداره می‌شد، به طوری که شاه در حوزه بهره‌برداری آن اعمال نفوذ نمی‌کرد. چنین رویه‌ای در طهران مسلماً ناپسند می‌نمود، زیرا فقط حق سهم کلانی از شرکت می‌توانست دولت با عزت و محتاج ایران را با موجودیت آن آشتی دهد. از سال ۱۹۲۱ به بعد حق سهم ایران پیوسته رو به کاهش گذارده است، به طوری که در سال ۱۹۳۱ رکورد حق سهم به پایین ترین سطح می‌رسد. از آن زمان به بعد، پافشاری ایران برای انعقاد موافقت‌نامه‌ای جدید در زمینه حق سهم شروع می‌شود و به دنبال آن، الغای فوری امتیازنامه به وقوع می‌پیوندد.

این عمل از جانب دولت ایران تحریک کننده و از نظر قانون قابل تعقیب می‌باشد، اما قانون به تنهایی نایستی به این قضیه فیصله دهد. منافع دولت انگلیس در زمینهای مورد بهره‌برداری آن قدر زیادست که از کنار مسئله نخواهد گذشت، ولی این کشور بایستی در رفتار با ایران از شتابزدگی پرهیز نماید. قطعاً شرایط جهانی باعث گردیده که این چنین درآمد ایران افت نماید و قانون و عقل سلیم هم، در این شرایط، مذاکره قطعی با کشوری ماتم زده و در حال رقابت را بجا نمی‌داند. از زمان انعقاد امتیازنامه اولیه که حاکمان اجنبی و منحط روی کار بودند تا به امروز، شرایط خیلی تحول پیدا

کرده است و ایران آمادگی دارد برای انعقاد قرارداد جدید وارد مذاکره شود و بایستی به حرف خودش برگردد:
شرق در حال تغییر است و غرب بایستی با این تحولات مواجه شود.

سند شماره ۱۱۶

کسب تکلیف باقر کاظمی (سفیر ایران در بغداد) از وزارت دربار
در خصوص اعلام الغاء امتیاز دارسی به دولت عراق

وزارت دربار پهلوی

مورخه ۳۰ نوامبر [۱۹۳۲]^۱

کشف تلگراف رمز از بغداد به طهران

حضرت اشرف تیمورتاش - طهران - با الغاء امتیاز دارسی، طرح راجع به نطف، تکلیف^۲ را به دولت عراق بنمایم یا تأمل کنم.

[باقر] کاظمی

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش: [قدری تأمل بفرمایید.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی، تاریخ ۱۳۱۱/۹/۲۴، نمره اندیکاتور ۱۲۲۱

۱. برابر با: ۹ آذر ۱۳۱۱.

۲. در زیر کلمه "تکلیف" دو خط کشیده شده و در سمت راست آن تیمورتاش علامت ؟

گذاشته است.

سند شماره ۱۱۶/۱

وزارت دربار پهلوی

تلگراف نامه

بغداد - سفارت شاهنشاهی ایران، تاریخ خروج ۱۳۱۱/۹/۲۴، نمره کتاب ۱۲۲۱/م

https://t.me/shenakht_lib

راجع به اقدام مربوط به الغاء امتیازنامه داری نزد دولت عراق، قدری تأمل بفرمایید.

۱۳۱۱/۹/۲۴ [امضاء:] خسروانی

سند شماره ۱۱۷مکاتبه سفارت ایران در بغداد با وزارت امور خارجه در مورد اخبار
مندرج در مطبوعات عراق راجع به الغای امتیازنامه داری

سفارت شاهنشاهی ایران

بغداد

نمره ۴۲۱۰، مورخه ۱۱/۹/۱۳، ضمیمه ۵

وزارت جلیله امور خارجه

راجع به الغای امتیاز داری از طرف دولت شاهنشاهی، جرائد بغداد هر کدام بالحن

مخصوصی این خبر را درج نمودند. روزنامه تیمس بغداد هم در دو روز قبل مقاله در این باب نوشته که مسلم است از منبع خاصی به آن القاء گردیده و اطلاعات داده شده است. اینک قطعات جراید عربی را با ترجمه آنها، به انضمام ترجمه مقاله روزنامه تیمس بغداد تلواً تقدیم می دارد.

سواد با ضمائم آن برای استحضار وزارت جلیله دربار پهلوی تقدیم می شود.

وزیر مختار دولت شاهنشاهی

[امضاء:] باقر کاظمی https://t.me/shenakht_lib

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] ضبط دوسیه نطف، الغای امتیاز.

سند شماره ۱۱۷/۱

سفارت شاهنشاهی ایران

بغداد

سواد ترجمه مقاله اساسی جریده تیمس بغداد

نمره ۶۲۹۴، تاریخ اول دسامبر ۱۹۳۲^۱

ای . پی . ا . سی، A.p.o.c

ابداً ای. پی. ا. سی^۱ اطلاعی راجع به تصمیم دولت ایران در موضوع الغای امتیاز ای. پی. ا. سی که در جریده تیمس بغداد دیروز انتشار یافته بود منتشر نکرده است. این اولین دفعه نیست که عدم تجدید امتیاز تهدید شده است. دولت انگلیس که قسمت بزرگ اسهام ای. پی. ا. سی را تملک نموده زیاد علاقه‌مند است و یقین است که مدتی نخواهد گذشت که مذاکراتی راجع به اتخاذ تریبی رضایت‌بخش شروع خواهد شد. عراق هم در این قضیه منفعی دارد و این علاقه در اثر روابطی است که ای. پی. ا. سی با کمپانیهای دیگری که در عراق مشغول کار هستند دارد. لوله‌های نفتی که از کرکوک تا بحر ابيض متوسط^۲ می‌گذرد متعلق به کمپانی نفت ای. پی. ا. سی عراق هستند و در این کمپانی ای. پی. ا. سی هرچند اسهام کمی دارد ولی نفوذش به طوری که در اصطلاح مالیه معمول است بیشتر از آن است که ظواهر امر نشان می‌دهد. کمپانی رافدین که یک کمپانی عراقی است و محصولات نفت خانه را تفتیش می‌کند، در صورت الغای امتیاز داری ممکن است برای کمپانی مزبور مخرجی واقع شود.

این مطلب اخیراً نیز خاطر نشان شده بود که افکار عامه در ایران شدیداً، به واسطه نقصان در عایداتی که دولت از کمپانی نفت انگلیس و ایران دریافت می‌دارد، تهییج شده بودند. در صورتی که در سالهای ۱۹۲۹ و ۱۹۳۰ کمپانی صدی بیست و صدی پانزده منافع می‌داد و منافع بالغ بر ۵/۲۰۶/۷۶۱ در سنه مذکور بوده، یعنی ۱۹۲۹ و در سال اخیر یعنی ۱۹۳۰ منافع کمپانی به ۴/۶۴۸/۵۷۶ لیره انگلیسی رسیده و در سنه ۱۹۳۱ منافع، در اثر وضعیت دنیا و تنزل در قیمت منافع نفت، بالغ به ۲/۳۱۸/۷۱۷ و نفع صدی پنج فقط اطلاع داده شد. برای ایران اثرش این بود که منافع از نفت از ۱/۳۰۰/۰۰۰ به یک کمی بیش از ۳۰۶/۰۰۰ لیره انگلیس رسید. این نقصان قابل ملاحظه را فوراً مطبوعات ایران مورد بحث قرار داده و بر ضد کمپانی حملاتی را شروع نمودند. اغلب از تقیدات قابل ملاحظه نیستند. قسمتی اظهار داشتند که

۱. منظور شرکت نفت انگلیس - ایران است و مخفف عنوان Anglo-Persian Oil

Company.

۲. دریای مدیترانه: در فرهنگ فارسی معین از بحر الروم و بحر متوسط هم نام برده شده است.

محصولات نفت در چاه‌های نفت ایران، در ۱۹۳۱، دو میلیون تن بیشتر از محصولات در سنه ۱۹۳۰ بوده است، ولی صورت‌هایی که حالیه می‌دهند ۵/۹۳۹/۰۰۰ در سال ۱۹۳۰ و ۵/۷۵۰/۰۰۰ تن در سال ۱۹۲۱ می‌باشد. این امر نشان می‌دهد با آن که کمپانی موقعیت خود را در بازارهای کساد ۱۹۳۱ حفظ کرده و تا اندازه [ای] در تنزل صرفیات نفت مداخله داشته است، معذالک تنقید کنندگان کمتر به نقصان صرفیات و همچنین به چیزی که خیلی خیلی بیشتر اهمیت دارد، یعنی به قیمت‌های غیرمناسبی که نفت از طرف کمپانی فروخته می‌شد و وقع و اهمیت داده‌اند. (کمپانی برای حفظ موقعیت خود در بازارهای دنیا که زیاد مورد رقابت می‌باشند، ناگزیر از اقدامات فوق بوده است.) اشاراتی نیز شده است به مبلغ زیادی که از بابت عایدات متجاوز ۸۰۰/۰۰۰ لیره انگلیسی به دولت انگلیس پرداخته شده و با مبلغ ۳۰۶/۰۰۰ لیره انگلیسی که به دولت ایران پرداخته شده مقایسه گردیده است. در این موقع شاید لازم باشد که جلب دقت بشود که مالیات بر عایدات که از منافع کمپانی اخذ می‌شود، عبارت از مالیاتی است که صاحبان اسهام می‌پردازند، زیرا که این مربوط به مبلغی است که برای پرداخت منافع معین می‌شود. در این موضوع مالیات بر عایداتی که کمپانی در صورت بیان ۱۹۳۱ نشان می‌دهد، از منافع زیادی که در ۱۹۳۰ کمپانی داشته اخذ گردیده است و در آن موقع دولت ایران خودش تا ۱/۳۰۰/۰۰۰ لیره انگلیسی فایده برده است. اظهارات بدون دلیلی مشعر بر این که دولت ایران متضرر شده، یک سرزنشی است که به دولت طهران راجع می‌شود، زیرا دولت ایران حق دارد صورت منافع عایدات کمپانی را رسیدگی نموده و هر موقع که توضیحاتی را لازم بداند سؤال کند. سیاستی که بیشتر با منافع ایران مطابقت دارد این است که دولت ایران معتقد شود که منافع مملکت و کمپانی در موضوع ترقی و توسعه نفت یکی و یکسان می‌باشد. ط

سند شماره ۱۱۷/۲

سفارت شاهنشاهی ایران
بغداد

سواد ترجمه از جریده الاوقات البغدادیه

نمره ۶۲۹۳، تاریخ ۳۰ تشرین ثانی ۱۹۳۲

https://t.me/shenakht_lib

ایران امتیاز کمپانی نفت را ملغی می نماید

خبرنگار جریده روتر از طهران خبر می دهد که دولت ایران به کمپانی نفت جنوب رسماً ابلاغ نموده است که امتیاز نفت را که برای مدت شصت سال داده شده بود و در سال ۱۹۶۱ خاتمه خواهد یافت، ملغی نموده، ولی حاضر است که آن را با شرایط جدیدی مجدداً به کمپانی مذکور بدهد و خبرنگار مومی الیه اضافه نموده است که کمپانی فوق الذکر با این قرار دولت ایران موافقت نکرده است.

سواد مطابق ترجمه است [امضاء:] جوادی

[حاشیه پایین:] در جراید دیگر بغداد هم این خبر عیناً تکرار شده است.

سند شماره ۱۱۷/۳

سفارت شاهنشاهی ایران
بغداد

سواد ترجمه از جریده العالم العربی

نمره ۲۶۷۶، تاریخ ۳۰ تشرین ثانی ۱۹۳۲

https://t.me/shenakht_lib

دولت ایران امتیاز کمپانی نطف جنوب را ملغی می نماید

طهران ۲۹ تشرین ثانی ۱۹۳۲ - دولت ایران امتیاز داری را که در سال ۱۹۰۱ داده بود و شامل اراضی که مساحت آن نیم میلیون مربع می باشد بوده است، اخیراً الغای آن را به کمپانی نطف جنوب ابلاغ و اضافه نموده است که حاضر است امتیاز مزبور را در تحت شرائط جدیدی تجدید کند ولی کمپانی فوق الذکر از قبول الغای امتیاز مزبور امتناع ورزیده و مدعی شده است که امتیاز اصلی شصت سال مدت دارد. گمان می رود دولت انگلیس در این مورد به کمپانی مزبور کمک کند، زیرا اغلب اسهام آن تعلق به او دارد.

از بی سیم آلمان

سواد مطابق ترجمه است

[امضاء:] جواد

سند شماره ۱۱۸

مکاتبه عنایت الله سمیعی (سفیر ایران در برلن) با وزارت دربار در خصوص بازتاب الغاء امتیازنامه داری در نشریات آلمان

سفارت شاهنشاهی ایران

برلن

https://t.me/shenakht_lib

نمره ۱۰۱۸، مورخه ۱۴ ماه آذر ۱۳۱۱

وزارت جلیله دربار معظم پهلوی دامت عظمته

دوروز است کلیه جراید آلمان خبر الغاء امتیاز نفت جنوب را منتشر می‌کنند. دیروز و امروز هم در رادیو، جزو اخبار یومیه، از این مقوله صحبت می‌شد و مسرت و خوش وقتی عمومی و چراغان و جشنهای طهران را اطلاع می‌داد. خبر مزبور در محافل سیاسی و مالی برلن نیز تأثیر زیاد نموده است. جراید در پایان اخبار اضافه می‌کنند که شرکت نفت الغاء امتیاز را قبول نکرده و مدعی است که در امتیازنامه ماده خاصی که این اختیار را به دولت بدهد وجود ندارد. از این نظر غالباً تحقیقاتی از بنده می‌کنند، مخصوصاً پریروز در یک میهمانی که اعضاء وزارت خارجه و مستشرقین و عده [ای] از نمایندگان سیاسی حضور داشتند، خیلی در این زمینه صحبت می‌شد. خلاصه توضیحات و جوابهایی که بنده می‌دادم به قرار ذیل بود:

اگرچه مواد قرارداد درست در نظرم نیست، ولی هرگاه سابقاً می‌توانستند بگویند که باید فقط به الفاظ یک قرارداد تکیه کرد و اصول مسلمة حقوق را هم در نظر گرفت، امروز با سوابقی که ممالک معظمه دنیا ایجاد کرده و می‌کنند، چنین عنوانی مسموع نیست. طبقات متوسط و منور مملکت که جای خود را دارند، توده ملت هم با

مشاهدهٔ اوضاع و قرائت اخبار دنیا به این گونه حرفها قانع نمی‌شوند.

جایی که آلمان، به حکم حق حیات، غرامات جنگ را که متکی به قرارداد بین‌المللی بوده لغو کند و ممالک اروپا و امریکا به اعتبار دلیل مذکور صحه بر آن بگذارند، جایی که متفقین تقریباً نظیر همین مساعدت را، آن هم در باب قروض که مربوط به غرامات جنگی نیست، به عنوان حفظ احوال اقتصاد خود و دنیا، از امریکا تقاضا کنند، جایی که دولت آلمان برای حفظ اعتبار پول خود و جلوگیری از پاره [ای] مخاطرات، میلیاردها مطالبات تجاری و دولتی دنیا را از مؤسسات خود به وسیلهٔ فرمانی متوقف نموده و موقتاً^۱ غیر قابل تأدیة اعلام دارد، جایی که انگلستان که بازار نقد عالم و مرکز ذخیرهٔ سرمایه‌های رابع مسکون بوده،^۲ دفعتاً پایه طلا را ترک و دنیا را دچار خسارت کند، دولت ایران به بهانه رعایت الفاظ نباید از حقوق مسلم خود دفاع نماید؟ اعطاء امتیاز به داری و انشاء امتیاز نامهٔ آن در موقع و با احوال و شرایط خاصی به وقوع پیوست که کوچکترین منافع صاحب معدن نمی‌توانست محفوظ بماند. برای مثال همین بس که منافع صاحبان سهام حتی در سالهای بحرانی به ۱۵ الی بیست درصد می‌رسد، ولی به صاحب معدن بیش از ۱۶ درصد عاید نمی‌گردد و حال آن که دولت ایران بیش از این مبلغ باید صرف انتظامات و صحیه و تعلیمات منطقهٔ معدنی بنماید.

معادن نفت مزبور در حقیقت برای دولت زیان آور شده، چه در آن حدود، یعنی در شهرهای جدید الاحداث صنعتی نفت، مردمی غیر از عمال و کارگران نفت و خانواده آنها سکنی ندارند و بنابراین تقریباً هیچ نوع تجارت و صنعت و زراعتی دایر نیست، تا از راههای دیگر مخارج دولت تأمین گردد و آنچه که از عواید عمومی صرف حوائج انتظامی و صحی و معارفی آن قسمتها می‌شود، فقط برای وجود شرکت و مؤسسات آن است و چنانچه شرکت نفت خود می‌خواست این حوائج را انجام بدهد، شاید بیش از سهمی که اکنون به دولت می‌دهد می‌بایست خرج نماید. با این تفصیل تنها به غبن خود در سهم عواید دولت و شرایط اعطاء امتیاز متکی نیستیم و معتقدیم که شرکت نفت از مقررات صریح امتیاز نامه هم تخلف کرده است و شاید خود شرکت

هم در این باب تحاشی^۱ نداشته باشد.

استخراج نفت از سال ۱۹۰۵ شروع گردید. ولی اول دفعه که وجهی از عایدات آن عاید دولت شد، در ۱۹۱۴ آن هم قریب به ۹۰۰۰ لیره بود. پس از آن تا ۱۹۱۹ یعنی در خلال جنگ که کمال ترقی و رونق استخراج و بازار نفت دنیا بود، دولت از عواید آن بی بهره ماند و از این تاریخ تا ۱۹۳۰ یعنی در ظرف یازده سال تمام، آنچه جمعاً دریافت کردیم از ده میلیون تجاوز نمی کرد و حال آن که عایدات شرکت از دو بیست میلیون لیره هم بیشتر می شد. صرف نظر از این مسئله، در باب طرز حساب و ارقامی که برای تعیین عواید خالصی و تشخیصی سهم دولت باید محسوب شود، شرکت همواره اجحاف می کند. به طوری که عواید ما را بر خلاف هرگونه قاعده و حتی به اقل میزانی که ممکن است برآورد می نماید. شرکت هم به بی ترتیبی رویه خود اعتراف دارد، چنان که چند سال است همیشه وعده حل مسئله را داده و حتی موافقت کرده است و جوهی که سالیانه بابت سهم دولت می پرداخته، به رسم علی الحساب باشد. ولی هیچ وقت در مقام اجرای آن بر نیامده و این اختلاف پیوسته باقی مانده است. بنابراین مقدمات، چه از حیث اصول و چه از لحاظ عبارت قرارداد نمی توان گفت که دولت محق به الغاء امتیاز نبوده، بلکه حفظ و دفاع از حقوق ایران ایجاب می کرده است که این اقدام به عمل آید. با این احوال دولت شاهنشاهی راه را باز گذارده و به شرکت تکلیف کرده است که برای مذاکره در شرایط مناسب تری جهت اعطاء امتیاز جدید آماده و حاضر است.

این بود خلاصه توضیحاتی که بنده می دادم. چون قضیه خیلی مهم است و شاید شرکت هم شروع به تبلیغاتی در جرائد بنماید، لازم است که مأمورین دولت شاهنشاهی در خارج بیشتر به کنه قضایا واقف گردند و مستدعی است اگر توضیحات و اطلاعات دیگری را مخصوصاً از نقطه نظر حیث حقوقی و قانونی الغاء امتیاز لازم می شمارند، مقرر فرمایند با ارسال سواد امتیازنامه داری اعلام دارند.

[امضاء:] عنایت الله سمیعی

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] ضبط دوسیه الغای امتیاز نفت.

سند شماره ۱۱۹

مکاتبه فریدالسلطنه با وزارت دربار در خصوص معایب و نواقص قرارداد ۵ دسامبر ۱۹۲۱ آرمیتاژ اسمیت و پیشنهاداتی در مورد انعقاد قرارداد جدید دولت ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس

42 Rue Pergolèse

<https://t.me/shenab1311> Le 5 Decembre 1932^۱

قربانت شوم به طوری که خود حضرت عالی در پاریس ملاحظه فرمودید، وضع زندگی بنده طوری است که ابداً احتیاج الحمدالله به هیچ چیز ندارم، ولی از آنجایی که ایرانی [هستم] و همیشه خدمت وطن عزیز را وظیفه خود می‌دانم، لذا در این موقع که امتیاز نطف جنوب از طرف دولت لغو شده و در نظر است که امتیاز جدیدی داده شود، لازم دانستم که اطلاعات خود را در این باب به عرض دولت علیه رسانده که در موقع انشاء قرارداد جدید، راپورت اوکاء^۲ خود را که در آن موقع داده با دقت تمام ملاحظه و در نظر گرفته شود. این است که لفاً راپورت اوکاء فوق‌الذکر را با دونسخه سواد از راپورت های خود که در آن موقع به عرض دولت علیه رسانده‌ام، توسط حضرت عالی به مقام مقدس حضرت اشرف وزیر دربار ارسال داشته که ملاحظه بفرمایند. با وجود سیاست وضعیت سابق که هیچ کس جرئت دادن چنین راپورتی بر علیه منافع کمپانی و دولت انگلیس نداشت. این بنده به وظیفه خود رفتار و معایب قرارداد آرمیتاژ اسمیت^۳ را به عرض دولت رسانده‌ام.

۱. برابر با: ۱۴ آذر ۱۳۱۱.

2. Avocat = نماینده، وکیل.

۳. در اصل: آرمیتاژ سمیس.

نکات ذیل در قرارداد جدید باید در نظر گرفته شود:

(۱) در ماده ده امتیازنامه اصلی مقرر است که عملجات کمپانی باید تبعه دولت شاهنشاهی باشند. کمپانی نه فقط در خود خاک ایران، در موقعی که بنده کمیسر نفط بودم، متجاوز از پنج هزار عملة هندی در کار داشت، بلکه در یکی از بنادر انگلیسی که به Swanssee معروف است، کارخانه بزرگی دارا است که متجاوز از پانزده الی بیست هزار نفر عملة انگلیسی در آنجا به کار می‌برد و این برخلاف ماده فوق‌الذکر است.

(۲) در ماده پانزده امتیازنامه می‌گوید که پس از انقضاء مدت امتیازنامه، تمام ابنیه و ماشین آلات کمپانی بلاعوض متعلق به دولت علیه ایران خواهد بود.

کمپانی برخلاف این ماده، در همان بندر فوق‌الذکر، به طوری که عرض شد، کارخانه [ای] که در آن پنج میلیون لیره خرج کرده ساخته و این کارخانه حتماً متعلق به دولت ایران است، زیرا که از پول خود کمپانی ساخته شده و ابداً، به موجب امتیازنامه جز در خاک دولت ایران، در جای دیگر حق ساختن کارخانه نداشته که در آن عملجات انگلیسی به کار ببرد. البته حالا که این کار شده است، باید در نظر گرفت که پس از انقضاء مدت امتیازنامه، کمپانی به دولت ایران در عوض این کارخانه اندامیته^۱ بدهد و بلکه بشود کمپانی را مجبور کرد که در عوض عملجات انگلیسی، ایرانی در آنجا به کار ببرد. (رجوع به سواد راپورت خود بشود).

(۳) به طوری که در راپورت نمرة ۴۰۰-۳۱۵ مورخه ۱۲ اوت ۱۹۲۱ که سوادش را لفاً ملاحظه می‌فرمایید، در موقع به عرض رسانده‌ام کمپانی دارای متجاوز از یک صد کشتی نفط کش است که از ایران حمل به Swanssee کرده و تصفیه می‌نماید. این کشتی‌ها تماماً به موجب فصل پانزده امتیازنامه حق دولت ایران است. در صورتی که قرارداد ۱۹۲۰ این ادعا را از دولت ایران سلب می‌کند و قیمت این کشتی‌ها برحسب راپورت خود کمپانی متجاوز از بیست میلیون لیره است.

خدا گواه است که چقدر خوشوقتم که دولت اعلی حضرت شاهنشاه پهلوی توانسته است قرارداد را لغو کند و آن پدر سوخته‌های سابق از ترس انگلیس ابداً راپورت‌های

1. Indemnité = غرامت.

بنده را نمی خواندند و بلکه خودشان سواد آنها را به نماینده کمپانی در طهران می دادند که از بنده دل تنگ بشود و به همین مناسبت هم عاقبت در عوض خدمات خود، از کار افتادم. این بود سزای وطن پرستی من. امیدوارم که انشاءالله از راپورت بنده استفاده بشود و اگر اطلاعات دیگری لازم باشد با کمال افتخار و میل حاضر به دادن آنها هستم و ابدأ تقاضایی ندارم.

[امضاء:] زیاده قربانت - فریدالسلطنه

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش] https://t.me/s/sep_kht_lib

وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه

سواد راپورت نمره ۴۰-۳۱۵ مورخه ۱۲ اوت ۱۹۲۱^۱

مقام منیع وزارت جلیله فواید عامه دامت شوکته العالی در ضمن راپورت مورخه ۲۸ مارس نمره ۳۹-۲۹۲ راجع به تنفیذ قرارداد منعقدہ بین مستشار مالیه و کمپانی نفط در موقع توضیح فصل اول قرارداد مزبور، به عرض مبارک رسانیده ام که به موجب آن فصل و کلماتی که در آنجا گنجانیده اند، این معنی استخراج می شود که از نفطی که با کشتی های کمپانی حمل به خارج بشود، دولت حق دریافت صدی شانزده را نخواهد داشت. اینک توضیحاً نیز به استحضار خاطر مبارک می رساند که از جمله مذکوره در آن فصل، دو معنی می توان استخراج نمود و بنابراین، همین ابهام باعث

خواهد بود که کمپانی در موقع تشخیص حقوق سالیانه دولتی، ترجمه [ای] را که به منفعت خود می‌داند مأخذ قرار داده و به طوری که در راپورت سابق خود معروض داشته‌ام، مبلغ گزافی حقوق دولت را همه ساله از بین ببرد. کما این که جمله ذیل را

"Subject always to the single exception that the Government is not to receive Royalty on the profits arising from the transporting of oil by means of ships"

https://t.me/shenakht_lib

به دو قسم می‌توان معنی و تعبیر نمود، می‌نویسد:

دولت حق ندارد از منافی که از حمل نفت به توسط کشتی‌ها حاصل می‌شود حقوقی دریافت دارد. ممکن است از جمله فوق این طور فهمید که از نفتی که به خارج حمل می‌شود، اساساً دولت حق دریافت صدی شانزده سالیانه را نخواهد داشت و یا این که از عایداتی که فقط از حمل و نقل نفت عاید کمپانی مخصوص کشتی‌رانی می‌شود و آن کمپانی هم تماماً متعلق به کمپانی نفت جنوب است، دولت حقی نخواهد داشت. به هر قسم که معنی کنند باعث خسارات گزافی برای دولت علیه است. زیرا چنانچه معنی اولی را مأخذ قرار بدهند، بیشتر از نصف تمام عایدی دولت از بین می‌رود و چنانچه معنی دومی را صحیح بدانند، از عایدات یکی از کمپانی‌های فرعی که سرمایه‌اش سه میلیون لیره می‌باشد و دارایی کمپانی مزبور فقط کشتی‌های نفت‌کشی است و به طوری که در فوق عرض شد، تمام سرمایه آن هم در دست کمپانی نفت جنوب است، هیچ چیز به دولت نخواهد رسید. نتیجه این خواهد بود که علی‌ای حال برحسب این ماده، ضربه شدیدی به عایدات دولت وارد آورده‌اند. (فریدالسلطنه)

سواد مطابق اصل است. وزارت فواید عامه و تجارت.

سند شماره ۱۱۹/۲

وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه

سواد راپورت نمرة ۴۰-۳۱۶، مورخه ۱۸ اکتبر ۱۹۲۱، مطابق ۱۰ صفر ۱۳۴۰

مقام منیع وزارت جلیله فواید عامه دامت شوکته العالی معایب اساسی قرارداد منعقدہ بین مستشار مالیه و کمپانی نفت که در معنی به کلی امتیازنامه اولی رالغو و باطل می نماید، در ضمن راپورت نمرة ۳۹-۲۹۲ مورخه ۲۸ مارس، به عرض آن وزارت جلیله رسانده ام و یقین دارم که تاکنون از نظر مبارک گذشته باشد. اینک در تعقیب راپورت مزبور، لازم است معروض دارم که برای حفظ ظاهر و اهمیت دادن به پیشنهادات خود، مستشار مالیه، عقیده بعضی قانون دانها را در این کار مدخلیت داده و سواد مراسلات آنها را در کتابچه بزرگی که راجع به قرارداد چاپ نموده، درج کرده است (نسخه [ای] از آن کتابچه را در تاریخ ۲۸ مارس ارسال داشته است).

برای این که کاملاً عدم صحت اظهارات و حتی مطابقت داشتن آنها را با قوانین جاریه این مملکت خاطر نشان نمایم، از یکی از مهمترین ادارات آوکایی^۲ این شهر که آوکای شخص پادشاه و خانواده سلطنتی است مشورت نموده و عقاید آنها را راجع به این مسئله درخواست نمودم. راپورتی در این موضوع برای بنده فرستاده است [که] واقعاً قابل دقت و ملاحظه می باشد. نظر به این که اجازه رسمی و مستقیمی برای اقداماتی بر ضد قرارداد ماضیه، مستشار مالیه تاکنون از طرف دولت نداشته ام، لذا سواد راپورت اداره آوکایی فوق الذکر را تقدیم نمودم. همین قدر منتظرم در جواب این عریضه و راپورت های قبل خود، تلگرافاً به این بنده اجازه بفرمایند که در این مسئله

۱. برابر با: ۱۶ مهر ۱۳۰۰.

۲. وکیل دعاوی، وکیل عدلیه = Avocat.

رسماً تحقیقاتی به عمل بیاورم، فوراً راپورت‌های لازمه را تقدیم خواهم نمود که پس از ملاحظه تصدیق بفرمایند تا چه اندازه در هتک و از میان بردن منافع دولت کوشیده شده و چنانچه واقعاً یک نفر را مأمور می‌نمودند که فقط در تخریب حقوق دولت جد و جهد نماید، بیش از این نمی‌توانست.

تحقیق قانونی در این مسئله نتایج زیادی دارد، زیرا قبل از همه چیز معلوم می‌شود که در انشای قرارداد اخیر، در فکر همه چیز بوده‌اند جز دولت ایران و به علاوه مسلم می‌نماید که با کمال سهولت ممکن است به توسط خود ادارات آوکایی این شهر، به کمپانی ثابت نمود که نمی‌تواند بالاخره با تعبیراتی که به میل خود از امتیازنامه می‌کند، حقوق حقه دولت را از بین ببرد.

مقصود این است از طرف آن وزارت جلیله رسماً اجازه داده شود تحقیقات خود را در این خصوص تکمیل و نتیجه را معروض دارم. پس از رسیدن راپورت‌های لازمه مسئله کاملاً مکشوف خواهد گردید. (فریدالسلطنه).

سواد مطابق اصل است. وزارت فواید عامه و تجارت.

سند شماره ۱۱۹/۳

LUMLEY & LUMLEY
SOLICITORS
THEODORE LUMLEY .J.P
AND AT

15. OLD JEWRY CHAMBERS. BANK. E. C

37. CONDUIT STREET
BOND STREET

لندن ۲۷ ژوئای ۱۹۲۱

به حضور فریدالسلطنه، کمیسر شاهنشاهی وابسته به سفارت ایران

عالی جناب :

به اطلاع می‌رساند اسنادی را که شما برای ما فرستاده بودید به دقت مطالعه و قرائت نمودیم. خواهشمند است موارد زیر را مورد توجه قرار دهید :

علاوه بر موافقت نامه ۲۲ دسامبر ۱۹۲۰ بین دولت ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس، که مستلزم تصویب نهایی جهت الزام ایران است، تمایل داریم به این دیدگاه که آرمیتاژ اسمیت با پذیرفتن موافقت نامه ممکن است از حدود اختیاراتی که به وی مطابق نامه ۲۹ اوت ۱۹۲۰ اعطا شده پافراتر گذاشته باشد (اگرچه فعلاً توصیه نمودن این دیدگاه کار آسانی نیست) [اشاره‌ای داشته باشیم].

این اختیارات به حل و فصل نهایی تمامی مسائل مورد اختلاف منازعه شرکت نفت ایران و انگلیس و دولت ایران محدود می‌شود و اگر مؤکداً این اختیارات را درک کنیم درمی‌یابیم که مطمئناً این اختیارات، ورود وی را به موافقت نامه مجاز نمی‌نماید و امضاء موافقت نامه از جانب دولت ایران که منجر به تغییرات گسترده‌ای مطابق امتیاز نامه داری می‌شود و به زیان دولت ایران است، غیر مجاز می‌داند.

مشاهده می‌شود که مطالعه دقیق بیانیه آقای آرمیتاژ اسمیت از دیدگاه کنسول نشان می‌دهد که در هیچ جا وی نظر کنسول را به این نکته مبنی بر این که آیا وی در محدوده اختیاراتی که دارد می‌تواند وارد موافقت نامه شود یا نه جلب نکرده است و به نظر می‌رسد نامه اختیار دهنده یا دستورات محرمانه ۲۹ اوت ۱۹۲۰ فراروی کنسول گذاشته نشده است.

نظریات مشترک دو گروه اعضای کنسول که قبلاً در پیوند با مسئله ساختار امتیاز نامه مورد استفاده قرار گرفته است، یکی مربوط به آقایان دی.ام. کرلی.کی.سی.^۱ و رینرگارد^۲ مورخه ۲۲ مارس ۱۹۲۰ و دیگری مربوط به آقایان مارک.ل.مرکی.سی. و.و.گردن براون مورخه ۱ دسامبر ۱۹۲۰ [می‌باشد].

نظریه اولی مسلماً نسبت به نظریه دومی برای دولت ایران مساعدتر است. ممکن

1. D.M.Kerly k.c.

2. Rayner Goddard.

است با توجه به پاراگراف دوم، نظریات نوع دوم که به دست آرمیتاژ اسمیت رسیده است چنین گفته شود که امکان دارد شرکت نفت ایران - انگلیس عملاً ریسک کرده و تمامی بهره‌های شرکت‌های فرعی را از اختیار خود بدر آورد. این عقیده بر این نظریه مبتنی است که سهام شرکت در دست مردم نیست. در واقع تعداد زیادی از سهام در اختیار مردم بوده و هست و این میزان در واقع به چند صد سهام دار می‌رسد.

مطابق ماده دهم امتیازنامه، دولت ایران سالانه مبلغی معادل ۱۶٪ از سود خالص شرکت و یا شرکت‌هایی که مطابق مفاد امتیازنامه تأسیس شوند، دریافت خواهد نمود و هیچ‌گونه تخفیفی از سود خالص مزبور مجاز نمی‌باشد.

در عین حال ماده اول موافقت‌نامه، منعقدۀ ۲۲ دسامبر ۱۹۲۰، ۱۶٪ حق الامتیاز عواید را منوط به یک رشته شرایط و محدودیتها می‌نماید که در موارد بعدی موافقت‌نامه به طور مفصل بیان گردیده است. علاوه بر آن، بنا به موافقت‌نامه حق الامتیاز به عوایدی محدود می‌شود که صرفاً از نفت ایران به دست می‌آیند. بنابراین اگر نظریات آقایان "کرلی و گدارد" صحت داشته باشد، یعنی آن بخش از عواید شرکت‌های فرعی که به شرکت مادر می‌رسد در عواید این شرکت منعکس می‌شود، در واقع بخشی از عواید شرکت نفت ایران - انگلیس را تشکیل می‌دهند که در مسئله حق الامتیاز مورد نظر قرار می‌گیرد. پس کاهش حق الامتیاز ۱۶٪ قطعاً به ضرر دولت شاهنشاهی خواهد بود. درست است که آقایان "کرلی و گدارد" این نظریه را صرفاً برای یک نوع شرکت فرعی ابراز کرده‌اند، اما شرکت فرعی مورد نظر آنها بسیار فراتر از انتظار است. بنابراین عقیده آنان با دلایل محکمتری می‌تواند در مورد سایر شرکت‌های فرعی که توسط شرکت نفت ایران - انگلیس تأسیس گردیده‌اند صدق کند.

علی‌الظاهر از نظر عقلی، موافقت با کاهش یاد شده در ۱۶٪ حق الامتیاز موافقت‌نامه این ترس را در آرمیتاژ اسمیت ایجاد خواهد کرد که کل منافع شرکت نفت ایران و انگلیس در شرکت‌های فرعی ممکن است با تهدید روبرو گردیده و شرکت مذکور را از آنها محروم سازد. اما همان طوری که در بالا ذکر شد، اگر نتیجه‌گیری شود که عملاً احتمال فوق به وقوع خواهد پیوست، بر پایه یک اصل نادرست است.

باز هم در ماده هفدهم امتیازنامه، هرگونه منازعه یا اختلافی که بین طرفین بروز کند به

دو نفر داور و یک سر داور (داور نهایی) در تهران واگذار می‌شود. یکی از دو داور توسط طرفین انتخاب می‌شود و سرداور قبل از شروع حکمیت از طرف دو داور مذکور تعیین می‌شود. وقتی که این دو داور در اظهار نظر به بن بست برسند، سرداور تصمیم قطعی را خواهد گرفت.

مطابق ماده دوم موافقت نامه، در صورتی که در مسائل مورد بحث اختلاف نظری پیش آید، مسئله مورد اختلاف به یک داور جهت تصمیم‌گیری نهایی ارجاع داده می‌شود. این داور توسط مدیر اطاق کشتی‌رانی در لندن انتصاب می‌شود. علاوه بر این، بر طبق ماده نهم موافقت نامه در صورت بروز اختلاف بر سر محاسبه حق الامتیاز، مسئله یا موارد مورد بحث را بایستی به یک حسابدار معتمد واگذار کرد که فعلاً توسط مؤسسه حسابداران ذیصلاح در لندن انتخاب می‌گردد. تصمیم این داور نهایی محسوب می‌شود. احساس می‌شود چنین تغییری در اساسنامه دادگاه و حوزه دادرسی به طرز وخیمی با منافع دولت ناسازگار می‌باشد و در این زمینه ممکن است به نظریات کرلی و گدارد رجوع شود که معتقدند وجود یک داور به عنوان تصمیم‌گیرنده نهایی، بین دو طرف در آینده دور، مسئله حائز اهمیت است که بایستی مد نظر قرار گیرد.

در مورد ماده‌های ۳ و ۴ و ۵ موافقت‌نامه، پاراگراف شماره پنج راجع به دیدگاه افراد فوق‌الذکر جلب توجه می‌کند. "کرلی و گدارد" در این پاراگراف اظهار داشته‌اند که اگر شرکت فرعی به منظور کار مرتبط با امتیازنامه و یا هر بخشی [از] آن تأسیس گردند (عمدتاً عملیات جستجو، به دست آوردن، آماده کردن برای فروش، فروش نفت در قلمرو جغرافیایی ایران و یا انتقال نفت از این کشور مد نظر است)، حق الامتیاز قابل پرداخت بایستی رقمی برابر با ۱۶٪ عواید آنها بالغ گردد و بایستی به خاطر این که رقم یاد شده در محاسبه حق الامتیاز بکار می‌رود، در ۱۶٪ عواید شرکت انگلیس - ایران که نیز در محاسبه حق الامتیاز دخیل است، دست به کاهش زد.

از خواندن موارد فوق در می‌یابیم که دولت ایران استحقاق برخورداري ۱۶٪ از عواید خالص شرکتهای فرعی را دارد که برای فعالیت در چارچوب امتیازنامه ایجاد گردیده‌اند.

افزون بر آن، ایران حق بهره‌مندی از حوالامتیاز عواید خالص شرکت نفت انگلیس-ایران به میزان ۱۶٪ را دارد، حتی اگر شرکت مذکور در شرکتهای فرعی سهام داشته باشد.

فرض کنیم این دیدگاه درست است، پس هرگونه کاهش در مضمون ماده ۳ و ۴ و ۵، تا آنجایی که به شرکتهای فرعی مربوط می‌شود، مطمئناً در جهت محدودیت بخشیدن به حقوق دولت شاهنشاهی خواهد بود. موارد دیگری در این موافقت‌نامه وجود دارد که ظاهراً به حقوق و منافع دولت شاهنشاهی مشمول امتیازنامه لطمه خواهد زد.

همان طوری که به موضوع پی بردیم، این که آنها موافقت‌نامه را اختیار کنند یا نه مسئله‌ای است که کاملاً متوجه ایران می‌شود، اما به جرأت می‌توان عقیده داشت موارد متعددی که تا به حال اشاره شده همگی به یک نتیجه منتهی می‌شوند، یعنی قبول موافقت‌نامه به معنی از دست دادن حقوق و منافع ایران در امتیازنامه خواهد بود.

با این حال، اگر هدف رد موافقت‌نامه باشد، معتقدیم برای این منظور بایستی گامهایی در اسرع وقت برداشته شود. اگر نکات دیگری برای اظهار نظر باقی مانده است خوشحال می‌شویم در نزد شما حضور یابیم.

چاکر شما [امضاء: ناخوانا]

سند شماره ۱۲۰

خبر مندرج در روزنامه تایمز راجع به رشد سهام شرکت نفت انگلیس و ایران

از تیمس ۷ دسامبر ۱۹۳۲^۱

خبر مندرج در روزنامه تایمز راجع به رشد سهام شرکت نفت انگلیس - ایران

اسهام نفت که به واسطه الغاء ناگهانی امتیاز آن، به واسطه اعلامیه دولت ایران در بازار تنزل کرده بود، بعد از مداخله و اعتراض دولت انگلیس مجدداً رو به ترقی نهاد. مستر فریزر، نایب رییس متحدالمالی به عموم انباردارها و صاحبان سهام صادر کرد و شرح واقعه تأسف آور مزبور را ذکر کرد. بعد از بیان تاریخچه امتیاز و قراردادی که در ۱۹۲۰ برای تعیین مطالب مبهمه و حق الامتیاز دولت ایران داده شده است، می نویسد دولت ایران علاوه بر این^۲ صدی شانزده، منافع بسیار از کمپانی برده است، زیرا که از حیث عملجات و مصارف کمپانی در خوزستان و غیره به طور غیر مستقیم فواید معتدبه به مملکت عاید شده است. به نظر کمپانی راه آسان همین است که کمپانی با دولت ایران داخل گفتگو شود و حفظ تعادل را در میان طرفین، یعنی دولت ایران و صاحبان منافع بنماید.

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] ضبط.

۱. برابر با: ۱۶ آذر ۱۳۱۱.

۲. در اصل: برین.

سند شماره ۱۲۱

اعتراض سفارت انگلیس در تهران به اقدام یک جانبه ایران در الغای امتیازنامه داری و تقاضای استرداد اعلامیه الغاء امتیازنامه مذکور، به انضمام جوابیه سفارت ایران در انگلیس در این زمینه

سفارت انگلیس - طهران

https://t.me/shenakht_lib

نمره (۶۰۴)، ۸ دسامبر - ۱۷ آذر ۱۳۱۱

آقای وزیر

دولت اعلیٰ حضرت پادشاه انگلستان در مملکت متحده انگلیس، مراسله جناب اشرف، مورخه ۱۲ آذر (۳ دسامبر) را که در جواب مراسله دوستدار، مورخه ۲ دسامبر (۱۰ آذر ۱۳۱۱) مرقوم فرموده بودند و راجع بود به الغای امتیاز شرکت نفت انگلیس و ایران از طرف دولت ایران، مورد مطالعه قرار داده‌اند - اینک محترماً خاطر جناب اشرف را مستحضر می‌سازم که دولت اعلیٰ حضرت پادشاه انگلستان نمی‌توانند اعتبار یک الغای یک جانبه را که از امتیاز مزبور به عمل آمده است، تصدیق نمایند - یک چنین الغایی یک اقدامی است که دارای جنبه توقیفی است و یک نقض صریحی است از قانون بین‌المللی که بر علیه یک کمپانی انگلیسی به عمل آمده و دولت اعلیٰ حضرت پادشاه انگلستان خود را مجبور می‌بیند که این موضوع را برای اعمال حق خود در حفظ مصالح اتباع خویش مورد اقدام قرار دهند. دولت اعلیٰ حضرت پادشاه انگلستان از اول وهله^۱ چنانچه دوستدار در ضمن مراسله خود، مورخه ۲

دسامبر (۱۱ آذر ۱۳۱۱) خاطرنشان نمودم و به طوری که در طی بیانات معاون وزارت امور خارجه انگلستان در تاریخ ۵ دسامبر (۱۴ آذر ۱۳۱۱) در مجلس مبعوثان انگلیس مجدداً اظهار گردیده، مایل بوده‌اند که یک قرار دوستانه [ای] فی مابین دولت ایران و کمپانی نفت انگلیس و ایران داده شود، لکن دولت اعلیٰ حضرت پادشاه انگلستان نمی‌توانند مراسله مورخه ۱۲ آذر ۱۳۱۱ (۳ دسامبر) دولت ایران را طوری محسوب دارند که زمینه رضایت بخشی برای یک چنین قراری در آن پیشنهاد شده باشد. چنانچه دوستان در تاریخ دوم دسامبر (۱۱ آذر) توضیح داده‌ام، دولت اعلیٰ حضرت پادشاه انگلستان اقدام دولت ایران را در الغای امتیاز یک نقض غیر قابل قبولی از مقررات سند مزبور محسوب می‌نمایند و بنابراین، استرداد اعلامیه را که در تاریخ ۶ آذر ۱۳۱۱ (۲۷ نوامبر) به کمپانی ابلاغ شده است تقاضا نمودند. نظر به این که دولت ایران در طی جواب خود به هیچ وجه دلیلی اظهار نمی‌دارد که به یک نحوی مجوز اقدام آنها بوده باشد، دولت اعلیٰ حضرت پادشاه انگلستان بایستی تقاضای خود را تکرار نماید.

۲- چنانچه دولت ایران حاضر نباشند اعلامیه خود [را] دایر به الغای امتیاز در ظرف مدت یک هفته از تاریخ این مراسله، یعنی تا روز پنجشنبه ۱۵ دسامبر (۲۴ آذر ۱۳۱۱) مسترد دارند، دولت اعلیٰ حضرت پادشاه انگلستان چاره [ای] نخواهند داشت جز این که موضوع مشاجره را که بین خود و دولت ایران در باب مشروع بودن اقدام دولت ایران پیش آمده، با قید فوریت و در تحت ^۱Optional Clause به دیوان دایمی داوری بین‌المللی لاهه مراجعه کنند. در موقع اقدام به این امر دولت اعلیٰ حضرت پادشاه انگلستان از محکمه مزبور تقاضا خواهند نمود که، بر طبق ماده ۴۱ اساسنامه، اقدامات موقتی را که برای حفظ حقوق خود باید اتخاذ نماید، تعیین کند.

۳- علاوه بر این، دستورالعمل دارم اشعار نمایم که دولت دوستدار رویه مذکوره در جمله ۳ مراسله جناب اشرف را، دایر به این که دولت ایران نمی‌توانند خود را مسئول هرگونه خسارتی که به شرکت وارد می‌شود بدانند، نمی‌پذیرند. بالعکس محترماً

خاطر جناب اشرف را مؤکداً مستحضر می‌سازم که دولت اعلیٰ حضرت پادشاه انگلستان دولت ایران را مستقیماً مسئول خساراتی که نسبت به منافع کمپانی وارد آید و همچنین مداخله [ای] که در امور مؤسسات یا عملیات تجارتهای آنها در ایران بشود و یا قصور در دادن حمایت کافی به کمپانی می‌دانند و در صورت حدوث هرگونه خسارت، دولت اعلیٰ حضرت پادشاه انگلستان خود را محق خواهند داشت که هرگونه اقداماتی را که وضعیت برای حفظ کمپانی ایجاب نماید به عمل آورند. موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید می‌نمایم.

https://t.me/shenakht_lib

[حاشیه پایین:] جناب مستطاب اشرف آقای میرزا محمدعلی خان فروغی

وزیر امور خارجه

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] ضبط دوسیه نفت، الغای امتیاز

سند شماره ۱۲۱/۱

آقای وزیر مختار

در جواب مراسله آن جناب، مورخه ۱۷ آذر (۸ دسامبر) به نمره ۶۰۴ که در جواب مراسله دوستدار، مورخه ۱۲ آذر مرقوم رفته است، محترماً زحمت افزا می‌شود:

۱- جمله اول مراسله شریفه منتهی می‌شود به این که اولیای دولت ایران دلیلی که مجوز اقدام ایشان برای الغای امتیازنامه داری باشد، نیابورده‌اند و بنابراین دولت پادشاهی انگلستان باید تقاضای خود را در استرداد الغای مزبور تکرار نماید.

در جواب جمله مزبور زحمت می‌دهم که دولت ایران دلایل عدم رضایت خود را از رفتار کمپانی نفت مکرر خاطر نشان نموده و تصور نمی‌رفت که تکرار مکرر محل احتیاج باشد و دولت ایران در صورتی که موفق نشود با کمپانی قرارداد رضایت

بخش جدیدی منعقد نماید و برای اثبات حقانیت خود، در فسخ امتیازنامه داری، محتاج به مراجعه به محکمه شود، دلایل خود را مشروحاً بیان خواهد نمود و جای تأسف است که بی میلی اولیاء دولت شاهنشاهی به وارد شدن به مباحثه و مناقشه، نظر به حسن نیتی که در این کار داشته‌اند (و این فقره موجب شد که دوستدار در مراسله خود به شرح و بسط علل اقدام دولت در الغای امتیازنامه داری نپرداختم)، در نظر اولیاء دولت انگلستان چنین جلوه گر شده است که دولت ایران مجوزی بر صحت اقدام خود ندارد. حالیه نیز برای این که دولت پادشاهی انگلستان تصور نکند دولت شاهنشاهی ایران استنکافی از ذکر دلایل الغای امتیاز دارد، دوستدار به ذکر اجمالی از آن می‌پردازد:

https://t.me/shenakht_lib

علاوه بر این که امتیازنامه داری، فی حد ذاته، موافق مصالح مملکت ایران ترتیب داده نشده و حقوق حقه مملکت در موقع اعطای آن پایمال گردیده، این امتیازنامه در زمانی تحصیل شده است که بدبختانه در موقع اعطای این گونه امتیازات ملاحظه صرفه و مصلحت مملکت نمی‌شده و گیرندگان امتیازات، از بی اطلاعی مصادر امور آن زمان سوء استفاده می‌نمودند. به علاوه در تحصیل امتیازات در آن زمان، همه نوع وسایل تهدید و تضییق، اعمال می‌شد. به طوری که در نتیجه تهدیدات و تضییقات مزبوره، اعطاء کننده امتیاز آزادی نداشت که از دادن این گونه امتیازات خودداری نماید.

خود آن جناب و دولت پادشاهی انگلیس تصدیق خواهند نمود که دنیای امروزه اعتباری برای قراردادهای امتیازاتی که به این نحو تحمیل شده باشد، قایل نشده و آنها را الزام آور نمی‌شمارد.

قطع نظر از معایب فوق، رفتار و عملیات کمپانی نطف با دولت ایران بر همان امتیازنامه غیر مرضیه نیز منطبق نبوده و کمپانی همواره از رعایت حقوق دولت ایران بر طبق همان امتیازنامه بدو غیر معتبر هم قصور کرده و موجبات تضییق حقوق دولت ایران را فراهم نموده است. مثلاً مطابق امتیازنامه داری کمپانی بایستی از تمام عواید خود و کمپانیهای فرعی، بدون استثناء صدی ۱۶ به دولت ایران تأدیه می‌نمود. نتیجه منطقی این تعهد کمپانی این است که دولت ایران باید حق نظارت در مصارفی که قبل

از رسیدن به عایدات خالص از عواید کمپانی کسر می‌شود و همچنین حق اعمال نظر در لزوم و عدم لزوم مخارج مزبوره را داشته باشد و الا عواید مملکت ایران همواره در معرض خطر کسر و نقصان واقع می‌گردد متأسفانه کمپانی نفت که در اسراف و تبذیر مشهور بوده است، هیچ‌وقت راضی نشده است که دولت ایران حق نظارت در مصارف کمپانی را قبل از تأدیه حق الامتياز داشته باشد. حاجت به ذکر نیست که اغلب مخارج بی‌موردی که از طرف کمپانی به عمل می‌آمد، تأثیر کامل در حق الامتياز داشته و عواید مزبور را به حد مضحکی تقلیل می‌داد.

به علاوه کمپانی هیچ‌وقت تا به حال حسابهای جزء و اسناد مثبتۀ مخارج خود و تمام کمپانی‌های فرعی خود را به دولت ایران یا نمایندۀ او ارایه نداده است تا دولت ایران اطمینان حاصل کند که به عواید حقیقی خود می‌رسد.

همچنین کمپانی تا به حال، بر خلاف نص امتیازنامه، از دادن سهم دولت ایران از عواید تمام کمپانی‌های فرعی خود استنکاف نموده و حتی برای بعضی از کمپانیهای مزبور کمکهای مالی مهمی را از عواید خود قایل شده و به خرج منظور نموده است و به این طریق نیز از عواید دولت ایران به طرز مؤثری کاسته است و بالتیجه کمپانی مخالفت خود را با مقررات امتیازنامه ثابت و بر دولت ایران خسارات مهم وارد نموده است.

اگر دوستدار بخواهم موارد عدیده عدم صمیمیت کمپانی را در معاملات با دولت ایران ذکر نمایم، خیلی مفصل خواهد شد و اگر آن جناب به اسناد و راپورت‌هایی که از طرف متخصصین مختلف انگلیسی منتشر شده است مراجعه بفرمایید، ذهن آن جناب در باب رفتار کمپانی در موارد مختلفه که لطمه به منافع ایران وارد می‌نموده است روشن خواهد شد. یکی از شواهد عدم مراعات امتیازنامه داری از طرف کمپانی نفت جنوب این است که با وجود این که در مدت جنگ بین‌المللی قیمت نفت و مواد نفتی و احتیاج به آن دایماً در تزايد بود و نفت ایران در بحریۀ مؤتلفین^۱ عامل مؤثری شمرده می‌شد و بالتیجه فروش نفت ایران، به قیمت دنیایی نفت، مستلزم

منافع هنگفتی برای کمپانی بود. معذالک کمپانی، بر خلاف نص امتیازنامه، از تأدیة حق دولت ایران خودداری نموده و عملاً امتیازنامه مزبور را بی اعتبار ساخت و اگرچه دولت ایران مکرر در صدد استیفای حق خود و تصفیة محاسبات گذشته برآمد، متأسفانه اقدامات دولت منجر به نتیجه [ای] که مورد تصدیق دولت ایران باشد نگردید.

همچنین البته بر آن جناب مخفی نیست که مطابق امتیازنامه داری، کمپانی به استثنای موارد معینه معافیت گمرکی، دارای هیچ گونه معافیتی از مالیات های مملکتی نبوده و بر همان حال محکوم قوانین داخلی ایران می باشد و با وجود این که از سنه ۱۳۰۹ مالیات بر عایدات در ایران برقرار گردیده و با این که کمپانی مکلف به اطاعت از قوانین مملکت ایران می باشد، معذالک تا به حال از تأدیة مالیات خودداری نموده و بی اعتنائی خود را نسبت به قوانین مملکت ظاهر ساخته است.

یقیناً آن جناب محتاج نخواهند بود که دوستانار توسعه و بسط امروزه کمپانی را تذکر بدهم و دارایی آن را تشریح نمایم. این نکته مسلم است که تمام دارایی مزبور از منابع ثروتی ایران تأسیس شده است. با وجود این، اگر عایدات دولت ایران را از بابت نفط با عواید خود کمپانی مقایسه نمایم، معین خواهد گردید تا چه اندازه مملکت ایران از این معامله مغبون گردیده است و به چه نحو غیر عادلانه عواید مملکت شاهنشاهی بر معرض تفریط واقع شده و چگونه با ثروت حاصله از ایران، کمپانی نفط فعلاً در نقاط دیگر عالم مشغول کار شده و از این حیث نیز آتیة نفط ایران را تهدید می نماید.

با وجود این که کمپانی از منابع نفط ایران استفاده کلی می کند و ملت ایران حقاً متوقع بود که نفطی را که برای حوایج صنعتی و حمل و نقل لازم دارد به قیمت مناسبی تحصیل نماید، مع هذا نفط و مواد مستخرجه از آن، در این مملکت، حتی در نقاط محل استخراج، از طرف کمپانی به قیمت هایی به فروش می رسد که از قیمت سایر ممالک گزاف تر است و به این واسطه حوایج صنعتی ایران دچار عسرت می باشد.

اگر بخواهیم نمونه دیگری از بی اعتنائی کمپانی نفط نسبت به منافع ایران ذکر بکنیم این است که با وجود این که مطابق امتیازنامه داری، کمپانی حق استخراج نفط را در تمام ایران به استثنای پنج ایالت دارا بود و موجود بودن نفط هم در تمام ایران محل

شبهه نیست و خود داشتن حق مزبور کمپانی را ملزم به استفاده از آن می نمود، معذالک کمپانی در عوض این که تمام فعالیت خود را در ایران تمرکز داده و به واسطه تکثیر بهره‌برداری خود به دولت ایران نیز منافع بیشتری عاید دارد، از یک طرف بهره‌برداری خود را در ایران محدود کرده و از طرف دیگر در خارج از ایران همواره بر دایره عملیات خود می افزاید.

با تمام تخلفات مذکوره فوق، معذالک دولت ایران مکرر در صدد برآمد که روابط خود را با کمپانی در روی اساس محکم و برازنده گذارده و به تمام این اختلافات خاتمه دهد، ولی متأسفانه تمام مجاهدات دولت ایران به نتیجه عملی منجر نگردید. حتی در تابستان گذشته، دولت ایران ابراز میل نمود که کمپانی نماینده خود را به طهران بفرستد تا این که در اینجا قرار قاطعی داده شود، ولی کمپانی، به عذر بحران عمومی، از فرستادن نماینده اختیاردار خود استنکاف ورزید.

پس با این نوع رفتاری که کمپانی با دولت ایران نمود، که از یک طرف از اداء حقوق دولت سرپیچی کرده و از طرف دیگر برای اصلاح اساس امتیازنامه حسن نیتی بروز نداده است، اولیای دولت پادشاهی انگلستان چگونه اقدام دولت ایران را بی مجوز شمرده و خود را در وارد نمودن تضییقات به دولت ایران ذیحق می دانند.

۲- نظر به مراتب فوق چنان که دوستدار در مراسله سابق خود اشاره کرده بودم، دولت ایران خود را در الغای امتیازنامه داری ذیحق دانسته و موردی برای استرداد الغای آن نمی بیند. این نکته را نیز دوستدار خاطر نشان می نماید که دولت شاهنشاهی ایران همواره تعهدات بین المللی خود را محترم شمرده و دائماً سعی بوده است که عملیات خود را مبنی بر حقانیت و عدالت نماید، ولی در همان حال به هیچ وجه نمی تواند مشاهده کند که حقوق مسلمة دولت ایران مورد احترام و مراعات واقع نشده و منافع مملکت در معرض تفریط واقع گردد و چون امیدوار است در عصر حاضر در دنیا گوش شنوا برای حرف حساب و حق موجود می باشد، لهذا از عرضه داشتن مشکلات خود و تجاوزاتی که به حقوق مملکت ایران می شود، به محاکم بین المللی ذیصلاحیت استنکافی نداشته و همیشه حاضر بوده است. در این مورد هم که آن جناب به نام دولت متبوعه خود، به اعتبار ماده ۳۶ اساس نامه دیوان داوری

دایمی، مراجعه به محکمه مزبور را خاطر نشان می فرمایید، وظیفه خود می دانم که توجه آن جناب را به این نکته جلب کنم که از مقررات ماده مزبور رسیدگی به این گونه امور را در ضمن صلاحیت دیوان داوری مشخص کرده بود. البته دولت ایران از قبول مراجعه به محکمه مزبور تأمل نمی کرد، ولی چنین به نظر می رسد که در اختلافی که بین دولت ایران و کمپانی حاصل شده است، محکمه دایمی داوری صلاحیت رسیدگی را نداشته باشد، زیرا که ماده ۳۶ اساسنامه مزبور در مواردی که به اعتبار Clause Facultative^۱ باید به دیوان مزبور مراجعه شود، صلاحیت محکمه را به نحوی تشخیص داده است که تطبیق بر این مورد نمی کند.

۳- در جمله سوم مراسم تشریفه آن جناب تکرار می فرمایید که دولت ایران را مسئول خسارات وارده به کمپانی می دانید.

اولیای دولت ایران ملتفت نمی شوند که در صورتی که از یک طرف هیچ نوع شرکتی در عملیات کمپانی ندارند و از طرف دیگر هیچ نوع مزاحمت و مداخله در کارهای کمپانی نکرده و نمی کنند، چگونه مسئولیتی بر دولت ایران وارد خواهد بود. پس به ملاحظات فوق است که دوستدار نیز مکرراً زحمت افزا می شود که اگر خسارتی به کمپانی وارد آید، مسئول آن خود کمپانی می باشد.

۴- اما این که در مراسلات آن جناب همواره به لزوم انعقاد قرارداد دوستانه با کمپانی اشاره می شود، اجازه می خواهم جلب توجه آن جناب را به این نکته بنمایم که دولت ایران هیچ وقت استنکاف از انعقاد قرارداد جدیدی که منافع طرفین را منصفانه تأمین نماید نداشته و حالیه نیز ندارد و این حسن نیت خود را عملاً ثابت نموده است و علت این که دولت ایران بعد از الغای امتیاز نامه داری در صدد مداخله در مؤسسات کمپانی بر نیامده و به تصور رسیدن به نتیجه مطلوبه فعلاً نیز در این تصمیم خود باقی است، این است که دولت ایران امیدوار بوده است که در عوض دخول در بحث های اصولی و مشاجرات حقوقی، کمپانی بدون فوت وقت نماینده مختار خود را به طهران اعزام خواهد نمود که تا بلا تأخیر داخل مذاکره با دولت ایران شده و قراری که

منافع حقه ایران را تأمین نماید منعقد سازد، ولی متأسفانه دولت پادشاهی انگلستان گویا در عمل مایل نیست که دولت ایران با کمپانی توافق نظری حاصل نمایند، زیرا تهدید و تخویفی که نسبت به دولت ایران از طرف دولت انگلستان به عمل می‌آید و تقاضاهای غیرقابل قبولی که می‌شود، عملاً مانع از آن می‌شود که دولت ایران و کمپانی بتوانند قدمی برای رسیدن به توافق نظر بردارند و با وجود این که تا به حال در مذاکرات دولت ایران و کمپانی، سفارت انگلیس مداخله نداشته است، حالیه سفارت حایل بین طرفین گردیده و رویه [ای] را اتخاذ نموده است که بالتیجه هر نوع امیدواری در موفقیته به انعقاد قرارداد جدیدی با کمپانی سلب می‌شود و تأسف اولیای امور ایران است که دولت انگلستان با آن که یقیناً از غبن و تضررات دولت ایران بی‌خبر نیستند، به جای این که کمپانی را نصیحت و تشویق کنند که از حسن نیت دولت ایران استفاده کرده در اصلاح وضعیت خود عجله نماید، برعکس به واسطه تضییق بر دولت ایران، کمپانی را تشویق به مقاومت می‌نمایند.

اولیای دولت ایران این رویه دولت انگلستان را، با روح حق‌گذاری و مسالمت خواهی که باید در میان دول دوست و اعضای جامعه ملل حکمفرما باشد، منافی دانسته، خود را ذیحق می‌داند که تهدیدات و تضییقات را که متوجه دولت ایران شده است، به اطلاع شورای جامعه ملل برساند. موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم می‌شمارد.

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] ضبط دوسیه نفت، الغای امتیاز.

سند شماره ۱۲۲

تلگراف ارسالی به وزارت دربار در خصوص لزوم تهیه یادداشت
محکمی در جواب اولتیماتوم سفارت انگلیس در تهران درباره الغای
امتیازنامه داری

وزارت دربار پهلوی

https://t.me/shenakht_lib

کشف رمز از شهسوار

حضور مبارک بندگان حضرت اشرف اعظم آقای وزیر دربار پهلوی دامت شوکته

حسب الامر جهان مطاع مبارک ملوکانه ارواحنا فدا، ابلاغ می نماید - کاغذ
اولتی ماتمی^۱ که اخیراً از سفارت انگلیس به وزارت امور خارجه نوشته اند، به طور
یادداشت جوابی به وزیر امور خارجه مخابره شده است. لازم است همان یادداشت را
در هیئت وزراء تحت مطالعه و دقت بیاورید و جوابی پخته تر و سخت تر تهیه نمایید
که به سفارت مزبور بدهند. ساعت ۲ $\frac{1}{4}$ عصر ۱۱/۹/۱۹ [۱۳] نمره ۱۷۶۲ - رحیم

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش: ضبط دوسیه الغای امتیاز داری.]

سند شماره ۱۲۳

تلگراف حکومت خراسان به وزارت دربار در خصوص عکس العمل روسیه نسبت به اولتیماتوم انگلیس به ایران

کشف تلگراف رمز از مشهد

وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکته - از طرف کارکنان جنرال قنسولگری انگلیس به هند^۱ محرمانه دستور داده شده که روابط انگلیس با ایران تیره شده و خود را برای مراجعت آماده نمایند^۲. از طرف روسها هم خیلی پروپاگاندا بر علیه انگلیسیها که یادداشت به دولت ایران داده و جهازات جنگی برای اجرای مقاصد به آبهای خدابخش^۳ فرستاده‌اند، می‌شود^۴. به نظمی و مأمورین مربوطه دستور داده شده که مراقب باشند.

این تلگراف مغلو ط و بازحمت کشف شد.

نمره ۱۲۷، ۱۱/۹/۲۳

[محمود] جم

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] ضبط.

[مهر:] تاریخ ورود به دفتر وزارت دربار: ۱۳۱۱/۹/۲۷

نمره اندیکاتور ۱۲۴۴

۱. در کشف رمز این تلگراف در زیر کلماتی که با شک و تردید خوانده شده‌اند، دو خط کشیده شده، از جمله کلمه "به هند" که به نظر می‌آید "در مشهد" باشد.

۲. در زیر کلمه "نمایند" دو خط کشیده شده است.

۳. در زیر کلمه "خدابخش" دو خط کشیده شده است.

۴. در زیر کلمه "می‌شود" دو خط کشیده شده است.

سند شماره ۱۲۴

مکاتبه وزارت دربار با وزارت امور خارجه در مورد گزارش
تشکیلات کل نظمی مملکتی راجع به تکذیب شایعه برداشتن تابلوهای
شرکت نفت انگلیس و ایران

وزارت دربار پهلوی

https://www.shenakht_lib.ir اداره کابینه

نمره ۴/۱۲۲۷، تاریخ ۱۳۱۱/۹/۲۴، سواد مراسله ۸۳۴۷، محرمانه

آقای وزیر امور خارجه

دوست عزیزم:

سواد مراسله نمره ۸۳۴۷ مورخه ۱۱/۹/۱۰ اداره کل تشکیلات نظمی مملکتی راجع
به برداشتن تابلوهای شرکت نفت را، لفاً برای اطلاع خاطر محترم ارسال می‌دارم.

[امضاء: خسروانی]

[۱۳] ۱۱/۹/۲۲

سند شماره ۱۲۴/۱

وزارت داخله

تشکیلات کل نظمی مملکتی

دایرة کابینه

نمره ۸۳۴۷، به تاریخ ۱۰/۹/۱۳ [۱۳]، محرمانه - مستقیم

مقام منبع وزارت جلیله در بار پهلوی دامت شوکته

محترماً معروض می‌گردد، بر حسب تحقیقاتی که به عمل آمده موضوع محو نمودن و برداشتن تابلوهای شرکت نفت جنوب عاری از حقیقت بوده و به هیچ وجه در این خصوص اقدامی نشده و به طوری که در طی تحقیقات معلوم شده است، یعقوب نام شریک دواخانه اتحادیه (واقع در خیابان پهلوی)، در ضمن صحبت با حبیب‌الله خان نام، نماینده بنزین فروشی اظهار داشته بوده که محتمل است در این تابلوها تغییراتی داده بشود. از شخص بنزین فروش هم تحقیقات شده و معلوم گردیده که نه آژانی مشارالیه را دیده و نه کسی از مأمورین نظمی با او صحبتی کرده است.

رییس کل تشکیلات نظمی مملکتی - سرتیپ آیرم

[امضاء]

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:]سواد محرمانه برای آقای وزیر امور خارجه ارسال گردد.

سند شماره ۱۲۵

مکاتبه محمدعلی فروغی با تیمورتاش در خصوص مخابره تلگراف به ژنو و لندن و جوابیه به تلگراف مسیواونول راجع به حل اختلافات شرکت نفت ایران و انگلیس و دولت ایران در شورای جامعه ملل

وزارت امور خارجه

۲۷ آذر [۱۳۱۱]

دوست عزیزم

سواد دو فقره تلگرافی که به ژنو و لندن مخابره کردم، ایفاد خدمت می نماید. محض استحضار خاطر محترم عرض می کند، مسیو اونول هم به وزارت خارجه تلگراف کرده بود. جوابی را که لفاً ملاحظه می فرمایید به مشایخه مخابره کردم.

[امضاء:] محمدعلی فروغی

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] ضبط دوسیه الغای امتیاز داری.

سند شماره ۱۲۵/۱

وزارت امور خارجه

ملل متحد - ژنو

عالی جناب اونول:

احتراماً و وصول تلگرام مورخه ۱۷ را اعلام می دارم. برای این که شورا بتواند اقامه دعوی دولت انگلیس را مورد بررسی قرار دهد، دولت ایران ملزم است نمایندگان ویژه را همراه با اسناد و مدارک به ژنو اعزام دارد. بنابراین تحقق چنین کاری عیناً برای جلسه فعلی شورا امکان پذیر نمی باشد. معهداً نماینده دائمی تعلیماتی برای ارایه

نقطه نظرات دولت شاهنشاهی در شورا دریافت نموده است.

[محمدعلی] فروغی

وزیر امور خارجه

سند شماره ۱۲۵/۲

https://t.me/shenakht_lib
به میرزا عیسی خان تلگراف شود

اولاً دولت ایران خود را کاملاً ذیحق در الغای امتیازنامه می داند و اگر از این حیث خسارتی متوجه کمپانی شود تقصیر آن با خود کمپانی خواهد بود. ثانیاً دولت ایران حاضر نیست در لندن با کمپانی داخل هیچ نوع مذاکره شود و اگر کمپانی مایل [به] مذاکره در باب امتیازنامه جدید باشد، باید نماینده مختار خود را به طهران بفرستد و بنابراین جناب عالی دیگر سمت رسمی در لندن نداشته و صلاحیت ادامه مذاکرات را نخواهید داشت. به کمپانی هم اخطار شد که دولت ایران دیگر کمیسر در لندن ندارد. بنابراین توقف جنابعالی در لندن بسته به نظر خودتان است، زیرا که دیگر سمت دولتی و رسمی ندارید.

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش: ضبط دوسیه الغای امتیاز داری، ضبط.

سند شماره ۱۲۵/۳

وزارت امور خارجه

عنوان مسوده: تلگراف به آقای سپهبدی به ژنو

چنان که دیروز به جناب عالی اطلاع دادم، باید به دولت ایران مجال داده شود که نماینده مخصوص، برای دادن توضیحات لازمه، به ژنو بفرستد. برای این مقصود آقای وزیر عدلیه معین شدند که به مجرد تعیین تاریخ جلسه شوری که به این کار رسیدگی خواهد نمود، در معیت آقای علاء یا کس دیگر حرکت خواهند کرد. بنابراین لازم است عاجلاً مراتب را به ریاست دارالانشا و رییس شوری اطلاع بدهید و تقاضا کنید قضاوت یک طرفی نکرده، مجال به دولت ایران بدهند که نماینده خود را برای دادن توضیحات بفرستند. این که انگلیسی‌ها در ضمن شکایت‌نامه خود اشاره به مذاکرات با آقای وزیر دربار و آقای وزیر مالیه کرده [اند] مغالطه است. مذاکراتی که با آقای وزیر دربار به عمل آمده در باب اصل امتیازنامه نبوده و برای قراردادی بوده است که بر طبق آن محاسبه صدی شانزده عایدات دولت باید معین می‌گردید و چون در تسویه مطالبات گذشته موافقت نظر حاصل نشد و دولت ایران هم اساساً امتیازنامه داری را برای مملکت مضر می‌دانست، طبعاً نمی‌توانست مذاکراتی را که راجع به طرز محاسبه بود قبول کند. اظهارات آقای وزیر مالیه در صورتی که چنین اظهاری شده باشد یقیناً مربوط به لزوم انعقاد امتیاز جدیدی با دولت ایران و استخلاص از امتیازنامه داری بوده است. در این باب هم خود کمپانی قصور کرد، زیرا که تصمیم دولت ایران این بود و می‌باشد که مذاکره با کمپانی در طهران وقوع یابد و وقتی که به کمپانی تکلیف شد نماینده به طهران بفرستد تا در باب قرارداد جدید مذاکره شود کمپانی مزبور در فرستادن نماینده تعلل نمود. این رفتار را دولت ایران حمل به بی‌میلی و ظفره کمپانی از انعقاد قرارداد جدید منصفانه با دولت ایران نمود، اما این که دولت انگلیس از شورا تقاضای حفظ اسطاطوکو^۱ می‌نماید. اگر مقصد از اسطاطوکو محفوظ ماندن امتیازنامه داری است، دولت ایران چنان که به سفارت انگلیس اطلاع

1. Status que = حفظ وضع موجود.

داده است امتیاز [نامه] مزبور را ملغی می‌داند و اگر مقصود محفوظ ماندن مؤسسات و عملیات کمپانی است دولت ایران هیچ وقت در صدد نبوده است اقدامی بکند که نتیجهٔ آن ضرر خود دولت باشد. بنابراین به امید این که با کمپانی موفق به عقد قرارداد منصفانه بشود، تصمیم ندارد مداخله در امور کمپانی بکند و بالتیجه در این قسمت از حفظ اسطاطوکو مضایقه نخواهد نمود و می‌توانید این نکته را صریحاً به شوری خاطر نشان نمایید و به واسطهٔ همین تصمیم در عدم مداخله در امور کمپانی است که دولت ایران حاضر نیست زیر بار این نوع خسارت برود. اما این که دولت انگلیس تکذیب می‌کند که حائل بین دولت ایران و کمپانی شده است، رویه و تضييعات دولت انگلیس که نسبت به ما اجرا می‌کند و ممانعت از این که کمپانی با دولت ایران داخل مذاکره شود، بهترین شاهد ادعای ماست و هر شخص منصفی حقانیت ما را تصدیق می‌کند. خلاصه این که دولت ایران امتیاز نامه داری را ملغی کرد، ولی در همان حال اطمینان داد در مؤسسات کمپانی مداخله نداشته و حاضر است با کمپانی داخل در انعقاد قرارداد جدید شود. با این حسن نیت دولت ایران، ساده‌ترین راه حل قضیه در عوض این که دولت ایران را به محاکمه بکشند این بود که کمپانی به طهران آمده قرارداد جدیدی منعقد نماید، ولی دولت انگلیس نه تنها کمپانی را به این راه هدایت نکرد، بلکه مانع از آنست که خود کمپانی در این باب اقدامی بکند. مذاکراتی که در این مسائل هست در موقع خود به اطلاع شوری خواهیم رسانید. عجالتاً رویه جنابعالی در مقابل شوری باید مطابق دستور فوق باشد.

[محمدعلی] فروغی

سند شماره ۱۲۶

تلگراف به انصاری مبنی بر مذاکره با سرجان کدمن در خصوص لزوم مسافرت وی به ایران برای انعقاد قرارداد جدید نفتی و عدم مداخله دولت انگلیس در قضیهٔ امتیازنامهٔ داری

وزارت امور خارجه

عنوان مسوده - تلگراف به آقای انصاری به سفارت لندن مذاکراتی که با سرجان کدمن فرموده‌اید صحیح بوده است. ثانیاً به مشارالیه خاطر نشان فرمایید که چون دولت ایران چنانکه مکرر اظهار داشته است، استنکاف ندارد که قرارداد جدیدی با کمپانی منعقد کند، لهذا اگر مشکلات عملی در پیش نبود ممکن بود اختیار ورود در مذاکره با کمپانی را به جناب مستطاب عالی بدهد، ولی تصمیم قطعی دولت این است که مذاکرات در باب قرارداد جدید در طهران به عمل آید. این رویه به واسطه سهولت مراجعه به دولت در موقع مذاکره است و عقد قرارداد جدید را تسریع خواهد نمود. بهترین شقوق این است که خود سرجان کدمن عاجلاً به طهران بیاید که داخل مذاکره شود. در صورتی که مشارالیه آمدن [به] طهران را قبول کند، می‌توانید اطمینان بدهید که دولت ایران وضعیت حالیه کمپانی و مؤسسات او را در ایران محفوظ خواهد داشت. ضمناً به مشارالیه خاطر نشان فرمایید که رویه دولت انگلیس در کشاندن دولت ایران به محاکمه و کلیه مداخله دولت انگلیس، وضعیت و کنار آمدن با کمپانی را مشکل تر می‌کند.

سند شماره ۱۲۷

یادداشت تهیه شده در زمینه الغای امتیازنامه داری

یادداشت مربوط به الغای امتیازنامه داری

اگرچه تمامی اطلاعات مربوط به الغای امتیازنامه داری در اختیار بنده گذاشته نشده است، ولی فکر می‌کنم با در اختیار داشتن ابزار ارزیابی بتوانم به مطالعه جوانب

مختلف مسئله پرداخته و بابتی طرفی نگرش خود را ابراز نمایم، هرچند چنین اظهار نظری از جانب بنده به عنوان یک جسارت تلقی شود.

قبل از هرچیز سؤال ما این است که آیا دولت شاهنشاهی دارای آنچنان قدرتی بوده که بتواند به اختیار خود و به تنهایی دست به الغای امتیازنامه داری بزند. برای پاسخ‌گویی به این سؤال، می‌باید مسئله را از دو جنبه دوفاکتو و دوزور مورد بررسی قرار دهیم. اگر از زاویه «دوفاکتو» به مسئله بنگریم، فکر کنم دولت شاهنشاهی در کمال اقتدار و حاکمیت خود (مصالح مملکتی) چنین اقدامی را دیکته و موجه ساخته است. از نظر حقوق قضایی چنین عملی «خودسرانه» تلقی می‌شود.

در واقع برای دولت ایران که نگران حیثیت و منافع ملی کشور می‌باشد، سزاوار نیست خود را ملعبه شرکتی قرار دهد که با داشتن حق انحصاری بهره‌برداری از زمینهای نفت خیز جنوب، به نحوی از انحاء امتیازهای اضافی برای خود قائل شده و آن طوری که باب میل و در جهت منافع خودش هست به اداره و هدایت امور بپردازد و دولت ایران را به عنوان مالک حوزه‌های نفتی و یا در واقع به عنوان شریک خود از نظر دور بدارد و علیرغم این که ثروت، منابع و قدرت آن منوط به دولت ایران است، بابتی قیدی با این کشور رفتار می‌نماید. گویی ایران را مستعمره تلقی کرده و حقوق اولیه آن را خوار می‌شمارد. با وجود این که دولت از مدعویین متعددی خواسته که منافع طرفین را روشن سازند، اما شرکت با استفاده از دسایس همواره از بازنگری امتیازنامه‌ای که با انگیزه همکاری و دوستی به آن اعطاء گردیده سرباز زده است. اگر دولت ایران در این شرایط که حوصله‌اش به سر آمده اقدامی حاکی از حق حاکمیت خود به عمل آورد، چه تعجبی دارد؟

حرکت مقتدرانه دولت ایران به راحتی قابل توجیه می‌باشد، چرا که هیچ کشوری چنین بی‌محابا و گستاخانه مورد مضحکه واقع نشده است. بنابراین اقدام غرورآمیز شرکت نفت انگلیس - ایران قبل از هر چیز مستحق چنین عبرتی می‌باشد. این عبرت را در فضایی علنی و همگانی دریافت نموده که اصطلاحاً به موقع و به حق بوده است. بنابر این اگر مسئله از زاویه «دوفاکتو» مورد توجه قرار گیرد، یک حقوق دان مستعد می‌تواند از این رهگذر برداشتی تحسین برانگیز بنماید و به صورت بیانیه‌ای در

محافل حکمیت، عمل دولت ایران را توجیه کند.

با گفته فوق، باید دید که آیا عمل دولت ایران به صورت «دوژور» قابل توجیه می‌باشد یا نه. می‌ترسم که موجه نباشد، زیرا بندی در مفاد امتیازنامه هست که دولت ایران اختیار دارد در هنگام بروز اختلاف و حکمیت به آن متوسل شود.

این بند را از نظر دور داشتن و عدم بهره‌گیری از آن، همچنان که حق ما محسوب می‌شده است، ما را در موقعیت کذب قرار می‌دهد و حذف بند مذکور که از قبل در امتیازنامه آمده، «قهرأ» در محکمه به سهولت قابل توجیه نمی‌باشد.

به هر صورت دولت از کنار آن گذشته و به الغای امتیازنامه دست زده است. شرکت نفت انگلیس - ایران و دولت انگلیس معترض گردیده و خواهان از پس گرفتن فوری امتیازنامه شده‌اند و کابینه انگلیس تهدید می‌نماید که در غیر این صورت برای بررسی اعتبار چنین الغایی از جانب ایران، به دیوان لاهه متوسل خواهد شد.

دولت ایران همان طوری که باید باشد، به مقتضیات دولت انگلستان تن نداده و به موقع پاسخ داده است که مسئله ابتدا بایستی به شورای اس.دی.ان ارجاع گردد. زیرا به هر حال فرجه‌ای لازم می‌باشد که نمایندگان ایران خود را برای حضور در ژنو مهیا سازند. مسلم است راه صعبی در پیش گرفته‌ایم که ماهیتی بسیار ظریف دارد و تمام سؤالات ما در این خلاصه می‌شود که آیا خواهیم توانست سربلند و بادستان پر از معرکه بیرون آییم، بنده فرض را بر مثبت می‌گذارم.

در واقع چه چیزی مایه اختلاف طرفین شده است؟ دولت شاهنشاهی وانمود می‌کند ۱۶٪ عواید سود خالص شرکت را آن طوری که محق می‌باشد دریافت نمی‌کند، زیرا واقعیت امر نشان می‌دهد، شرکت نظام شرکتهای وابسته و انشعابی را راه انداخته که به اصطلاح مستقل از همدیگر عمل می‌نمایند ولی فی الواقع همه یک واحد را تشکیل می‌دهند و شعبه‌های آن از همان ابتدا به نحوی طراحی و منسجم گردیده‌اند که به عنوان حلقه‌های متصل به همدیگر و متصل به شرکت نفت انگلیس و ایران عمل نمایند و سود واقعی را کتمان کنند و با این وضعیت، شرکت تعهدات خود را به طور کتبی و یا شفاهی در برابر دولت ایران، مطابق مفاد امتیازنامه داری ایفا نکرده است و تمام مورد اختلاف در اینجا خلاصه می‌شود که بایستی منحصرأ توجه خود را به آن

معطوف داریم.

بدیهی است دولت انگلیس می‌خواهد قبل از هرچیز برایش روشن شود که آیا ایران حق الغای امتیازنامه را داشته است یا نه. ما هم می‌توانیم در مخالفت با آنها عمل دولت خود را به عنوان پاسخی به مقاصد سوء شرکت و استیضاح آن از طرف عامه توجیه نماییم.

شواهد نشان می‌دهد که الغاء امتیازنامه تحقق نیافته، بلکه دولت شاهنشاهی رسماً از شرکت خواسته تا به بازنگری امتیازنامه روی آورد، به طوری که وضعیت امتیاز روشن شود و هیچ ابهامی در حقوق و تکالیف مورد بحث طرفین بر جای نماند.

اگر دولت انگلیس، به احتمال قوی، می‌خواهد مبحث اعتبار الغای امتیازنامه ابتدا بررسی و مورد قضاوت قرار گیرد، دولت شاهنشاهی هم به نوبه خود می‌تواند برحسب تدبیر و به طور قراردادی تقاضا نماید که مسئله در تمام جوانب و در کلیت آن مورد داوری قرار گرفته و علت منازعه تحقیق شود. حال ممکن است شرکت با سوءاستفاده از حسن اعتماد دولت و با استفاده از روشهای فریب کارانه و در نتیجه وارد آوردن خسارات هنگفتی به ایران، موجبات چنین اختلافی را فراهم کرده باشد. با بررسی مسئله از این بعد، دولت ایران حق به جانب خواهد بود و شرکت نفت انگلیس - ایران نه تنها باید لحن ادعاهای خود را ملایم گرداند، بلکه می‌باید تن به سازش دهد. بنده مسئله را چنین توجیه می‌نمایم:

به عقیده من، به هیچ عنوان سزاوار شرکت نیست که از صلاحیت دیوان دائمی بین‌المللی برای بررسی پرونده و ورود به اسرار مربوط به مدیریت، سیاست نفتی و حسابداری، به ویژه اسرار سازمان خاص شرکتهای انشعابی خود استفاده کند. هدف بدیهی شرکت این بوده که دولت ایران را از ۱۶٪ عواید واقعی خود محروم گرداند و به همین صورت، عواید مالیاتی دولت انگلیس را هم ساقط نماید. اداره وصول مالیات این کشور نیز وقتی متوجه شود فریب خورده مسئله را جدی خواهد گرفت. اگر شرکت چنین دست به چپاول زده باشد، ندامت سختی متوجه‌اش خواهد شد و بهتر آن است که شرکت به جای این که خود را با افشای طرح فریبکارانه‌ای که چیده

است به مخاطره بیاندازد، به خودی خود با ایران کنار بیاید و برای از نظر دور داشتن عواملی که باعث سوء تفاهم شده‌اند و برای برخورداری از کنوانسیون آتی تن به مسالمت بدهد.

من هم به نوبه خود، معتقدم چنانچه درست عمل نمایم و فقط در همین راستا گام برداریم، قبل از این که مسئله حکمیت به میان آید، به موفقیت خواهیم رسید و معنی اش این است که خطاهای مرتکب شده نخواهند توانست در کار ما تزلزل ایجاد کنند. همین طور هم نباید خود را وارد شبهه کنیم، زیرا با دو کشور قوی سر و کار داریم. صرف نظر از قدرت انگلستان، در زمینه حقوقی هم که شده بایستی هوشیاری خود را حفظ نمایم. در واقع دولت انگلستان مشاورین برجسته حقوقی در اختیار دارد که همه آنها را برای این امر فراخواهد خواند تا با اظهار شخصیت و ارائه مجادلات سرشار خود، ما را به ستوه آورند.

ایران هم بایستی در برابر آنها مشاورینی با همان محسنات برگزیند. نمایندگان ایران، هر که می‌خواهند باشند، در فضایی خارج از اروپا به سر می‌برند. ممکن است از نظر روحی مخدوش گردند و نتوانند آن طوری که بایسته و شایسته است از منافع ایران دفاع کنند. اما معتقدم که درخشش حس میهن دوستی در نزد حقوق دانان ما کفایت خواهد نمود و این حقیقتی است که از صمیم قلبم سرچشمه می‌گیرد. پس مسئله‌ای با چنین اهمیت والایی نمی‌تواند دور از توجه دولت مورد بررسی قرار گیرد.

بنابر آنچه گفته شد، لازم می‌باشد نمایندگان ما مورد حمایت حقوق دانان طراز اول واقع گردیده و بالاخص در مسائل حقوق بین‌المللی هم که دارای معروفیت جهانی بوده دخالت داده شوند، اما به شرطی که احتمال هرگونه انحطاط و کجروی بر جای نماند. زیرا همواره بایستی با دیده تردید به طلای سیاه شرکت نفت انگلیس - ایران نگاه کرد و از طرفی هم این شرکت همه ابزار را برای فلج کردن واکنش‌های دفاعی ما بکار نمی‌گیرد.

بنده شخصاً دو مشاور حقوقی طراز اول را می‌شناسم که می‌توان از هر نظر به آنها اعتماد قطعی داشت. علاوه بر حقوق دان، به متخصص امور مالیه نیز، بالاخص در زمینه مسائل نفت نیازمند هستیم.

در این زمینه هم دو کارشناس را می‌شناسم که طراز اول هستند. علاوه بر حقوقدان و کارشناس فنی جا دارد که یک حسابدار واجد شرایط هم اضافه گردد. در پاریس سه نفر کارشناس هستند که در زمینه حسابداری پیچیده تخصص دارند. دادگاههای فرانسه برای روشن کردن نکات ظریف و موارد تقلبی در حسابداری که از نظر مکتوم می‌مانند، از همکاری آنها بهره می‌برند. به عنوان نتیجه گیری، چنین وانمود می‌کنم که حقوق متعلق به ماست و بایستی فداکاریهای لازم را برای دفاع از حق خود به عمل آوریم تا به مقصود نائل شویم. صرف نظر از منافع ملی، حیثیت و اعتبار کشورمان در خطر است و به خاطر مخدوش ساختن همین حیثیت و اعتبار است که آنها به ما حمله می‌کنند تا مجبور به سازش شویم و زیر یوغ دولت انگلیس و شرکت ذی نفوذ انگلیس برویم. ولی اگر ما بدانیم چه کار کنیم عکس قضیه اتفاق می‌افتد. در حال حاضر، نمایندگان دولت، بارسیدن به ژنو، بایستی خواستار فرجه‌ای نسبتاً طولانی شوند تا کارشناسان و حقوقدانانی که مورد نیاز ما هستند، فرصت مطالعه و بررسی پرونده حجیم را پیدا کنند. عناصر همین پرونده، دفاعیه ما را مهیا و آماده‌ا ارائه خواهند نمود. در همین باب، معتقدم فرجه سه ماهه الزامی است، شاید تا گردهمایی بعدی شورای اس.دی.ان فرصت خوبی باشد.

دولت شاهنشاهی کاملاً اطمینان می‌دهد که الغای امتیازنامه داری فعلاً بلااثر و به حال تعلیق درآمده است و برای شرکت نفت انگلیس - ایران به «اصل اسطاطوکو» پایبند می‌باشد. دلیل موجهی برای این که با این فرجه مخالفت ورزیم وجود ندارد، زیرا تا زمان صدور حکم دادگاه مشکلی بابت تأخیر متوجه شرکت نخواهد شد.

تهران ۳۰ آذر ۱۳۱۱

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] دوسیه الغای امتیاز نفت.

سند شماره ۱۲۸

متن اظهارات نمایندگان ایران در شورای جامعه ملل در خصوص علل لغو امتیاز داری از سوی دولت ایران

۳ دی [۱۳۱۱]، اظهارات نمایندگان ایران در شورای جامعه ملل

پیش از این که داخل در صلح مطالب و ماهیت دعوی بشویم، لازم است تاریخچه مختصری از تحصیل امتیاز داری و اوضاع سیاست دنیا و ایران را در آن زمان ذکر کنیم، تا این که مطلب در نظر قضاوت کنندگان روشن گردد و پس از آن به جریان مذاکرات بین دولت ایران و کمپانی پردازیم.

امتیاز داری در ۱۹۰۱ تحصیل شد. یعنی در موقعی که دولت ایران در تحت تضییق دو همسایه خود، روس تزاری و انگلیس واقع شده بود و این هر دو سیاست، در دست گذاردن روی ایران و اعمال نفوذ خود به اندازه [ای] با هم رقابت می نمودند که مختصر تفوق نفوذی یک طرف، مستلزم انواع تشبثات طرف دیگر بود، تا این که معادله نفوذی حاصل گردد.

در آن زمان حکومت های ایران بدبختانه نه خود علاقه [ای] به حفظ مصالح و منافع مملکت ایران داشتند و نه وسیله مقاومت در مقابل اعمال نفوذ دو همسایه قوی را حائز بودند. به این جهت است که ملاحظه [می] کنیم تاریخ گذشته ایران مملو از امتیازاتی است که تحصیل آنها در روی اجبار گذارده شده و مضرات مملکتی آنها محتاج به شرح و بسط نیست.

سیاست استعماری دو همسایه ایران نیز که در آن زمان مایل بودند به تمام وسایل ممکنه دست تصرف به طرف ممالک ضعیفه دراز کرده و آنها را تحت سلطه خود در آورند، محتاج به شرح و بسط نیست.

مراجعه به عهدنامه ۱۹۲۱ دولت ایران که با دولت شوروی منعقد نمود و در آن خود

دولت شوروی اعتراف می‌نماید که حکومت تزاری امتیازاتی را که در ایران داشته است، به قوه قهریه تحصیل و بر ملت ایران تحمیل می‌نموده است. اگر بگوییم که سیاست انگلیس در آن زمان پیروی از سیاست روس می‌کرد و به نوبه خود برای تکثیر نفوذ و عقب‌نماندن از رقیب، از ضعف حکومت‌های ایران استفاده کرده و از اعمال هیچ نوع نفوذی خودداری نمی‌نمود، برخلاف حقیقت نخواهد بود. امتیازات مختلفی که دولت انگلیس در ایران داشت و به تدریج ملغی شد و از بین رفته است، خود نیز این ادعا را ثابت می‌نماید.

تحدید منطقه نفوذ که دولتین روس و انگلیس در ایران ۱۹۰۷ کردند و در همان موقع مورد اعتراض شدید دولت ایران گردید و معذالک عملاً تا آخر جنگ بین‌المللی ادامه داشت، دلیل اثبات دعوی ایران است که دولتین روس و انگلیس در ایران گذشته تا چه اندازه به حقوق مملکت ایران تجاوز^۱ می‌کردند و تا چه اندازه بین خود رقابت داشتند. به نحوی که از این رقابت خسته شده و برای این که هرکس در منطقه خود سیاست استعمارانه خود را فارغ‌البال اجرا کند، در صدد تعیین منطقه نفوذ در ایران برآمدند.

امتیاز داری نیز از امتیازات سیاسی مزبور بوده است که بر دولت ایران تحمیل شده است. اگرچه معمولاً تضییقات سیاسی و دیپلوماتیک کمتر آثار ظاهری از خود می‌گذارد که بتوان به واسطهٔ توسل به آن وقوع تضییق را ثابت نمود و معمولاً این گونه تضییقات به وسیلهٔ مذاکرات و تخویفات شفاهی به عمل می‌آید.

معذالک اگر اظهارات سر ادوارد گری، معاون وزارت امور خارجه انگلستان را در ۱۹۰۰ در نظر بگیریم و سرمقاله تیمس را که در آن موقع راجع به اظهارات معاون وزارت امور خارجه انگلستان نموده است، در نظر آوریم، خواهیم دید که در مدتی قبل از گرفتن امتیاز داری از دولت ایران، دولت انگلیس تا چه اندازه از دولت ایران به واسطه استقراضی که از دولت روس کرده بود، ناراضی بود و تصور می‌نمود که به واسطه استقراض سیاسی که از دولت روس شده بود، بر نفوذ بریتانیای کبیر لطمه

۱. کلمه "تجاوز" در قبل از کلمه "به حقوق" نیز تکرار شده بود که حذف گردید.

وارد آمده است و بالتیجه بر طبق سیاست آن روز همسایگان، لازم بود که برای استقرار موازنه سیاسی عوضی از دولت ایران گرفته شود.

بهترین پاسنگ معادله نفوذ سیاسی دولت انگلیس در ایران، گرفتن امتیاز نفت در تمام ایران، به استثنای پنج ولایت (یعنی همان ولایاتی که در همسایگی مستقیم دولت روس بودند و تصرف انگلیس در آن اسباب مقاومت دولت روس می‌گردید) بود. یکی از دلایلی که نظر ما را تأیید می‌کند که امتیاز مزبور جنبه تعویض سیاسی داشته و به زور از دولت ایران گرفته شده است، سرعت گرفتن امتیاز مزبور از دولت ایران است که اسباب تعجب حاضرین گردیده بود و خود این سرعت در یک همچو [ن] مسئله مهمی که محتاج به مدت مدید مطالعه و تعمق و مراجعه به متخصصین است، ثابت می‌نماید تا چه اندازه دولت آن زمان ایران در تحت فشار و تخویف دولت انگلیس برای تحصیل امتیاز مزبور بوده است. بنابراین، این گونه قراردادهایی که به زور به یک ملت و دولتی تحمیل شده باشد، دارای اعتبار نبوده و برای طرف مقابل مراعات آن الزام آور نیست.

دقت مختصری در خود امتیازنامه کافی است که به خوبی ثابت نماید تا چه اندازه امتیازنامه مزبور منافع ایران را در معرض مخاطره می‌گذارد و اگر امتیازنامه مزبور بر دولت آن زمان ایران تحمیل نمی‌شد، هیچ دولتی این چنین امتیازنامه [ای] را قبول نمی‌کرد.

بی‌مورد نخواهد بود اگر چند مثل از بدی امتیازنامه مزبور ذکر کنیم:

اولاً امتیازنامه مزبور حق انحصاری استخراج نفت را در تمام ایران، به استثنای پنج ولایت (ماده ۶ امتیازنامه) به داری برای مدت شصت سال واگذار می‌نماید. قهراً همچو امتیازی باید برای صاحب امتیاز نیز مجبوری در بهره برداری از امتیاز خود قایل می‌گردید و او را ملزم به استخراج نفت در تمام حوزه امتیاز می‌نمود. کمپانی عملاً نه تنها استخراج نفت ایران را محدود به نقطه کوچکی مثل مسجد سلیمان نمود، بلکه به واسطه موجودیت امتیاز و سلب شدن حق لوله‌کشی از دولت به خلیج فارس، مانع از این بود که دولت ایران منابع نفتی خود را از طرق دیگر مورد استفاده قرار دهد. اگر کسی متوسل به استعداد بازارهای دنیا در استعمال مقدار معینی نفت شده و

بگوید که کمپانی از نقطه نظر استعداد بازار مزبور نمی توانست مقدار نفت بیشتری در ایران استخراج بکند، در جواب عمل خود کمپانی بهترین تکذیب همچو اظهاری خواهد بود. زیرا که با داشتن امتیاز نفت تقریباً در تمام مملکت ایران و با موجود بودن نفت در مناطقی که جزو حوزه امتیاز بوده، علتی ندارد که کمپانی استخراج نفت در ایران را محدود کرده و فعالیت خود را در استخراج نفت در ممالک دیگر اعمال کند و بالتیجه مملکت ایران را برای مدت متمادی از فوایدی که قطعاً باید نصیب او می شد محروم بدارد. اگر شرایط استخراج نفت ایران مساعد نبود، چه علتی داشت که کمپانی مال را به صاحب مال واگذار نکرده و از آن صرف نظر نمی کرد.

https://t.me/shenakht_lib

به این دلیل است که دولت ایران در تمام مذاکرات سنوات اخیر یکی از مسائلی را که از کمپانی مطالبه می نمود، دادن وثیقه به دولت ایران بود که کمپانی را مقید و پایبند^۱ به بهره برداری نفت ایران به طرز مطلوبی بنماید و این تقاضا را به اشکال مختلفه از قبیل تعهد تقلیل ندادن مقدار استخراجی نفت ایران - تعهد در تکثیر فعالیت کمپانی در ایران - تعهد در تأمین عائدات حداقل ایران از بابت نفت و امثال آن از کمپانی به عمل می آمد. ولی متأسفانه از طرف کمپانی به دادن مواعید لازمه در هر مورد، از اجرای عملی این تقاضای مشروع شانه خالی می نمود. چنان که در مارس ۱۹۲۹ که سر جن کدمن، رییس کمپانی برای مذاکره در تجدید امتیاز به طهران آمد، یکی از عللی که اسباب این شد که مذاکرات مزبوره بی نتیجه ماند، همین مسئله عدم تعهد در دادن وثیقه به دولت ایران از بابت این که یا مقدار نفت استخراجی در ایران به تناسبی هر ساله رو به ترقی برود و یا این که کمپانی تعهد تأدیه حداقل عائدات ثابتی را به دولت ایران بنماید.

عیب اساسی دوم امتیاز نامه مزبور این است که به دولت ایران باید صدی شانزده عائدات خالص کمپانی و تمام کمپانی ها و شرکت های فرعیه آن برسد. (مواد ۹ و ۱۰ امتیاز نامه) قطع نظر از این که کمپانی به این شرط عمل نکرده و از عواید کمپانی فرعیه خود سهمی به دولت ایران نداده است، بر فرض این که کمپانی با نهایت درستی صدی

شانزده عائدات خود را به دولت ایران می‌داد، تازه تأدیه صدی شانزده عائدات خالص همواره عواید دولت ایران را دچار مخاطره ساخته و اختیار افزایش و کاستن آن را به میل و طرز محاسبه کمپانی واگذار می‌نماید. علی‌الخصوص که در امتیازنامه پیش بینی نشده است که از عائدات مطلق چه نوع مخارجی باید کم و مخارج مزبوره در تحت نظارت که باید به عمل آید، تا این که عائدات مطلق مبدل به عائدات خالص شود.

عملاً کمپانی بر طبق آن عمل نکرده و در تمام مدت جنگ بین‌المللی و بعد از آن تا ۱۹۱۹ از عواید خود چیزی به دولت ایران نداد. در صورتی که محتاج به ذکر نیست که در تمام مدت جنگ بین‌المللی کمپانی نه تنها ضرری نکرده بود، بلکه عواید زیادی نیز از فروش نفت برده بود و بنابراین کمپانی، دولت ایران را در مدت مدیدی خودسرانه از حق خود محروم نموده و برخلاف امتیازنامه رفتار نموده بود. تا به حال هم کمپانی از پاره [ای] موسسات خود حقی به دولت ایران نداده و هنوز هم برخلاف امتیازنامه عمل می‌کند.

(در اینجا باید مؤسساتی که از عواید خود سهم به دولت ایران نمی‌دهند، از قبیل کمپانی کشتی رانی، کمپانی **British Tankers** و امثال آن ذکر شود و به علاوه امثال دیگر عدم مراعات امتیازنامه، مطابق راپرت مک‌لین تاک و سایر مدارک موجود باید ذکر شود.)

دلایل مذکوره در فوق کافی است که هم بدی امتیازنامه داری و هم بی‌اعتباری او را ثابت نماید.

شاید از طرف کمپانی گفته شود که یک قسمت از اختلافات بین دولت ایران و کمپانی به وسیله قرارداد آرمیتاج^۱ اسمیت و به وسیله شخص مزبور مرتفع گردید. اگر کمپانی همچو اظهاری بکند، این اظهار به دلایل ذیل مقرون به حقیقت نیست:

اولاً شخص مزبور که انگلیسی بوده و یکی از آثار دوره انحطاط ایران است (یعنی یکی از آثار قرارداد ۱۹۱۹ که بر طبق آن دولت انگلیس می‌خواست مالیه و قشون

۱. در اصل: آرمیتاج اسمیت؛ آرمیتاج تلفظ انگلیسی و آرمیتاژ تلفظ فرانسوی است ولی چون در

سایر صفحات این مجموعه آرمیتاژ به کار رفته، تصحیح شده است.

دولت ایران را در دست بگیرد و قرارداد مزبور در موقع خود مورد اعتراض شدید عموم ایرانیان گردیده، به طوری که خود دولت انگلیس رضایت به الغای آن داد، دارای اختیارات لازمه از طرف دولت در انعقاد همچو قراردادی نبود و مشارالیه مأمور بود که به اختلافات محاسبه‌ای که بین دولت و کمپانی موجود بود رسیدگی کرده و راه‌حلی برای تصفیه آن پیدا و پیشنهاد نماید. ثانیاً شخص مزبور صلاحیت این را نداشت که در امتیازنامه تغییراتی بدهد. در صورتی که مواد ۱ و ۳ قرارداد مزبور در امتیازنامه تغییرات و تفسیرات مهمی را به عمل می‌آورد و باعث نکث عائدات دولت ایران می‌گردد و طبیعی است که تغییرات و تفسیرات مزبوره برای این که دارای اعتبار بشود، باید به تصویب مقامات مقننه مملکت ایران می‌رسید، همچو تصویبی به عمل نیامده است. پس قرارداد آرمیتاج اسمیت از حیث معنی و ظاهر نمی‌تواند برای دولت ایران دارای اعتبار باشد و به علاوه دولت ایران مکرر بی‌اعتباری قرارداد مزبور را خاطر نشان کمپانی نموده است.

من جمله در موقعی که در ماه ژوئیه ۱۹۲۸ آقای تیمورتاش، وزیر دربار سابق ایران در لندن بود، معزی‌الیه اعتراضات خود را به بدی امتیازنامه داری و تامین نمودن منافع ایران و بی‌اعتباری قرارداد آرمیتاج اسمیت به سمع مدیران کمپانی رسانید و نظر به کمی مدت توقف آقای تیمورتاش در لندن، رییس کمپانی برای تبادل نظر با معزی‌الیه در ماه اوت ۱۹۲۸ به لوزان رفته و در لوزان نیز چند روزی مذاکره و تبادل نظر به عمل آمد و مطالبی را که آقای تیمورتاش به سرجان کدمن خاطر نشان نمود، به طور خلاصه عبارت بود:

(۱) الغای امتیاز داری و انعقاد امتیاز نامه جدیدی که منافع دولت ایران را تأمین و روابط بین طرفین را نزدیک نماید.

(۲) صرف نظر کردن از داشتن انحصار در تمام منطقه امتیاز داری و محدود نمودن آن به منطقه محدودی که مطابق احتیاجات و استطاعت استخراجی کمپانی باشد.

۳) شرکت دولت ایران در تمام مؤسسات کمپانی، اعم از این که مربوط به نفت ایران و غیر ایران باشد، به وسیله دادن رسمی اسهام شرکت به دولت ایران.

۴) دادن حق الامتیاز به دولت ایران، علاوه بر عواید سهام از هر تن نفتی که در ایران استخراج می شود.

۵) دادن وثیقه به دولت ایران که عواید دولت ایران هیچ وقت از مبلغ معینی کمتر نخواهد بود.

https://t.me/shenakht_lib

۶) صرف نظر کردن از حق انحصاری لوله به خلیج فارس و رودخانه های جنوب ایران.

۷) انتقال مؤسسات موجوده در آخر امتیاز به ایران.

۸) رفع اختلاف محاسبه گذشته

البته این تبادل نظر خصوصی بوده و طرفین اختیار این را نداشتند که قرارداد قاطعی در این باب بدهند، ولی عدم رضایت دولت ایران از قرارداد داری و لزوم الغای آن در آن موقع صریحاً به کمپانی خاطر نشان گردید. اگر مراجعه به مراسله [ای] که آقای تیمورتاش قبل از ملاقات لوزان، در ۱۲ اوت ۱۹۲۸ از رم به سرجان کدمن نوشته است و در آن سرجان کدمن را دعوت به رفتن طهران نموده است، بنماییم، عبارت ذیل را که به طور صریح نظر دولت ایران را حکایت می نماید خواهیم یافت:

(قسمتی از مراسله درج شود)

در ۱۵ نوامبر ۱۹۲۸، بر طبق مراسله [ای] که سرجان کدمن به آقای تیمورتاش نوشته است، مشارالیه اظهار می دارد که مذاکرات لوزان را به اطلاع هیأت مدیره کمپانی رسانیده و اساساً هیأت مدیره کمپانی قبول کرده است که دولت ایران شریک کمپانی

شده و علاوه بر منافع سهام، حق الامتیاز مخصوصی نیز از بابت نفت استخراجی در ایران بگیرد. به علاوه در مراسله مزبور ذکر به حاضر بودن کمپانی در موافقت با نظر دولت ایران و بالنتیجه تجدیدنظر در امتیازنامه داری می شود. در همان حال و در همان موقع از طرف سرجان کدمن اظهار میل به آمدن به ایران برای ادامه مذاکرات به عمل آمد و از طرف دولت ایران به امید این که مذاکرات منجر به نتیجه مطلوبه بشود، این نیت سرجان کدمن به حسن قبول تلقی شد و در ماه مارس ۱۹۲۹ سرجان کدمن به طهران آمد و تمام مذاکراتی که در آن موقع با معزی الیه به عمل آمد راجع به الغای امتیاز داری و انعقاد قرارداد جدید بود که منافع طرفین را عادلانه تأمین نماید. حتی دولت ایران برای ابراز حسن مساعدت خود، راضی شد که امتیازنامه جدید را برای مدت بیشتر از آخر مدت امتیازنامه داری منعقد نماید، ولی تمام کوشش دولت ایران در آن زمان منجر به نتیجه مطلوبه نگردید و رئوس مسائلی که در آن توافق نظر حاصل شد، عبارت بود از میزان سهام مجانی که باید کمپانی به دولت ایران می داد و مبلغی که از بابت هر تن نفت مستخرجه از ایران باید به دولت ایران داده می شد و مبلغی که باید از بابت حداقل عایدات دولت، کمپانی ضمانت می کرد. به این شرط اخیر دولت ایران حتماً خیلی اهمیت می داد، زیرا که بر حسب تجربه گذشته نمی خواست که استخراج نفت در ایران و عواید دولت ایران منحصراً بسته به اراده کمپانی باشد و مایل بود که وثیقه ثابتی به عنوان حداقل عائدات دولت در دست داشته باشد. به علاوه رفع اختلاف حساب گذشته و مسئله مالیات که باید از کمپانی گرفته می شد، نیز از موانع حصول توافق محسوب می گردید. در باب مالیات بر کمپانی آقای تیمورتاش به موجب مراسله ۲۹ مارس خود به سر جن کدمن پیشنهاد کرد که اصولی را که در باب Duplicity از طرف جامعه ملل توصیه شده است طرفین قبول بکنند و دولت انگلیس یک قسمت از مالیات را که از کمپانی می گیرد، به دولت ایران بدهد. سر جن کدمن تا اوائل آوریل ۱۹۲۹ در طهران ماند. ولی چون تقاضاهای حقه دولت ایران مورد قبول واقع نشد، مشارالیه از طهران رفت. ولی هیچ وقت مذاکرات بین کمپانی و دولت ایران قطع نشده و کمپانی همواره دولت ایران را به حسن نیت امیال خود در انعقاد امتیاز جدید و ادامه مذاکرات امیدوار می نمود و دولت ایران با نهایت

بر دباری منتظر نتیجه مذاکرات با کمپانی بود، ولی در همان حال دیگر امید زیادی نداشت که کمپانی صمیمانه در صدد کنار آمدن با دولت ایران باشد. در اوائل ۱۹۳۱ سرجان کدمن که برای امور نفت عراق به بغداد آمده بود، یک مرتبه دیگر به طهران آمد و اگرچه توقف مشارالیه خیلی کم مدت بود، معذالک در لزوم تجدیدنظر در روابط دولت ایران و کمپانی و کم حوصله شدن دولت ایران، تذکرات لازمه داده شد و معزیه و عده داد که بعد از مراجعت به لندن، مطلب را در تحت مطالعه جدی قرار دهد.

مستر گرین هاوز در اواخر مارس یک مرتبه دیگر نظر آقای تیمورتاش را استفسار نمود و معزیه دار جواباً مستر گرین هاوز در اول آوریل ۱۹۳۱ نکاتی را که باید در امتیازنامه جدید ذکر و حل می شد، تذکر داد و ضمناً حق دولت ایران را در نظارت در مخارج کمپانی و لزوم تأدیه مالیات بر عائدات را که از طرف دولت ایران برقرار شده بود، خاطر نشان نمود.

سواد مراسله اول آوریل آقای تیمورتاش عیناً ضمیمه است.

در موقع نوشتن مراسله، مستر جکس، مدیر مقیم کمپانی در طهران، به مرخصی به لندن رفته بود و پس از مراجعت مشارالیه با مشارالیه نیز مذاکرات ادامه یافت و اتمام حجت های لازمه در لزوم تسریع انعقاد قرارداد جدید و تأمین نظریات دولت ایران و هم چنین برای تصفیه محاسبه گذشته و تأدیه مالیات و تأمین حق الامتیاز دولت ایران سه جلسه مذاکرات به عمل آمد. مدیر مقیم مزبور به عنوان بحران عمومی و مشکلات کمپانی، جواب رضایت بخش نداده و مراتب را به رؤسای مافوق خود اطلاع داد. در تاریخ ۱۷ اوت ۱۹۳۱ سرجان کدمن شرحی به آقای تیمورتاش نوشته است که در آن پس از ذکر دلایل بحران بازار نفت به طور صریح قضیه تجدیدنظر در امتیازنامه داری و انعقاد امتیاز جدید را رد و موکول به آتیه غیر معلومی می نماید و خود این عدم موافقت کمپانی در انعقاد قرارداد جدید، بعد از اظهار مکرر در این که خود اعتراف دارد که امتیازنامه داری کهنه شده و به درد احتیاجات امروزه نمی خورد و حاضر است که در آن تجدیدنظر نماید، آخرین امیدواری را که دولت ایران در کنار آمدن با کمپانی داشت زائل و وضعیت دولت ایران را فوق العاده مشکل

می نمود. ولی چون آقای تیمورتاش در ماه سپتامبر همان سال عازم اروپا بود و به تصور این که در اروپا مصادر امور کمپانی را ملاقات و عواقب سوء این رویه کمپانی را خاطر نشان نماید و ضمناً تا آخرین مرحله بردباری دولت ایران ثابت شده باشد، معزی الیه به موجب خواهش سر جن کدمن به سوئیس برای ملاقات آمده بود و برای این که با تمام مدیران کمپانی بشود مذاکره نمود و آنها را نسبت به تقاضاهای حقه دولت ایران قانع ساخت، در اواخر اکتبر به لندن رفته و تا اواخر دسامبر در آنجا مشغول مذاکره با کمپانی بود و برای این که راه حلی در رفع اختلافات بین کمپانی و دولت ایران حاصل شود و پس از یأس از این که کمپانی به طور اساسی اختلافات بین دولت ایران و خود را رفع نماید، شخصاً در صدد برآمد که لااقل در انتظار موقع مناسبی برای انعقاد قرارداد جدید، اختلافات جاری را در باب احتساب حق الامتیاز دولت ایران و سهمیم بودن ایران در منافع تمام مؤسسات کمپانی و در تأدیه مالیات کمپانی و تحصیل وثایق لازمه در این که کمپانی از فعالیت خود در ایران نخواهد کاست و در باب تصفیه محاسبات معوقه کمپانی رفع نماید، ولی متأسفانه مذاکرات مزبوره نیز نتیجه مطلوبه را نداد و اگرچه طرح قراردادی که باید قائم مقام قرارداد آرمیتاج اسمیت که مورد تصدیق دولت ایران نبود، واقع می گردید، تهیه شد، ولی چون قرارداد مزبور باید حتماً از تاریخ انعقاد قرارداد آرمیتاج اسمیت اجرا می گردید و بالتسلیحه عوایدی که از دولت ایران به موجب قرارداد اسمیت سلب شده بود، به دولت ایران می رسید؛ در جلسه ۸ ژانویه ۱۹۳۲ که آخرین جلسه و در پاریس منعقد گردید آقای تیمورتاش دو میلیون و نیم لیره برای حساب گذشته مطالبه نمود و چون مدیران کمپانی از پذیرفتن آن امتناع ورزیدند و به علاوه برای اختلاف نظری که در باب مبلغ فرع سرمایه که کمپانی حق دارد در جزو مصارف خود منظور نماید، جلسه به هم خورده و طرفین مذاکرات را قطع شده تلقی کردند.

مراسله [ای] که در هشتم ژانویه سرجان کدمن به آقای تیمورتاش نوشته است، حاکی از تأسف از قطع مذاکرات بود و در آن وعده داده می شود، که پس از مراجعت کدمن به لندن، پیشنهاد تازه [ای] در باب مسائلی که محل اختلاف بوده است، خواهد داد. روز بعد از جلسه مزبور، آقای تیمورتاش به طرف ایران حرکت کرده و دیگر سرجان

کدامن و مدیران کمپانی را ملاقات ننمود. معذالک مذاکرات توسط آقای فیض ادامه داشت و کمپانی حاضر نگردید بیش از یک میلیون لیره به دولت ایران، از بابت حساب گذشته بدهد.

با وجود این که این مبلغ در مقابل دعاوی و مطالبات گذشته دولت ایران کاملاً غیرعادلانه و غیرمکفی بود، معذالک آقای فیض مذاکرات را ادامه داده و در ۲۰ مه طرح قرارداد جدید به طهران ارسال نمودند. ولی طرح مزبور به اندازه [ای] مورد تصرف شده بود که فهم آن بی اندازه مشکل و دوباره محتاج به تجدیدنظر و مذاکره بود.

مطلب از طرف آقای تیمورتاش به کمپانی خاطر نشان گردید، که برای این که طرح مزبور را بتوان به تصویب دولت رسانید، لازم است که طرح مزبور ثانیاً مورد مطالعه و مذاقه واقع شود و الا نمی توان آن را به تصویب مقامات ذی صلاحیت رسانید و بالتیجه لازم است که نماینده اختیاردار کمپانی به طهران آمده و توضیحات لازمه را بدهد. ضمناً آقای تیمورتاش خاطر نشان کرد که آقای فیض برای دادن توضیحات به طهران احضار خواهد شد.

در جواب این تقاضای خیلی ساده و مشروع دولت ایران، کمپانی به عذر بحران عمومی از فرستادن نماینده امتناع ورزید و بالتیجه رویه خود را در عدم میل به انعقاد هر نوع قراردادی با دولت ایران ثابت نمود.

در خلال همان احوال به دولت ایران اطلاع رسید که حق الامتیاز دولت به مبلغ مضحکی تنزل یافته است و تمام دلایل کمپانی که این تنزل را مبتنی بر بحران عمومی و تنزل قیمت نفت می نمود، به طوری غیر متناسب با اوضاع عمومی دنیا و عواید کمپانی و تقسیم منفعت سهام به صاحبان سهام بود که برای دولت ایران دیگر هیچ نوع امیدواری در کنار آمدن با کمپانی و تردیدی در سوء نیت کمپانی باقی نماند.

از یک طرف کمپانی از انعقاد امتیازنامه جدید بر طبق مراسله ۷ اوت ۱۹۳۱ امتناع ورزید، از طرف دیگر کمپانی از فرستادن نماینده به طهران برای ادامه مذاکرات و تعیین تکلیف قطعی مذاکراتی که در لندن و پاریس بین آقای تیمورتاش و مدیران کمپانی به عمل آمده بود امتناع ورزید. از یک طرف کمپانی عواید ایران را [که] به

واسطه بحران عمومی و اصلاحات مملکتی احتیاج مبرم به آن داشت، خودسرانه و بدون دلیل قانع کننده تنزل داد، که دولت ایران در تحت فشار و تأثیر تضيیقات مختلفه واقع شده و از نظریات و توقعات حقه خود صرف نظر نماید. آیا دولت ایران در مقابل این همه بردباری و اتلاف وقت، پس از یأس از تمام طرقی که او را به مقصود حقه خود ممکن بود برساند و پس از دیدن این که کمپانی نفط، از عواید حاصله از نفط ایران با نهایت جدیت فعالیت خود را در تمام نقاط مختلفه عالم بسط داده و به وسیله ثروت هنگفتی که از ایران تحصیل کرده است، در عوض حق شناسی از دولت ایران، آتیه نفط ایران را دچار خطر می نماید، چه می توانست بکند، جز این که بی اعتباری امتیازنامه داری را که تا به حال به دلایل مذکوره در فوق از ذکر آن خودداری می کرد، اعلان نماید. باعث این اقدام دولت ایران، طرز رفتار خود کمپانی و ابراز عدم میل در کنار آمدن با دولت مزبور بود و هر منصفی تصدیق خواهد کرد که هیچ نوع ایرادی بر دولت ایران وارد نیست.

ما نمی خواهیم بار دیگر تمرد کمپانی را از اطاعت از قوانین مملکتی و عدم تأدیه مالیات بر عائدات را که استقرار آن حق مسلم دولت ایران است، تذکر بدسیم و بگوییم که دولت ایران ممکن بود مؤسسات و محصول کمپانی را در مقابل این تمرد تحت توقیف درآورد. با وجود تمام این مقدمات دولت ایران ممکن بود هیچ نوع راه مذاکره را با کمپانی باز نگذارده و فقط به الغای امتیاز داری اکتفا نکند، معذالک دولت ایران در مراسله ای که الغای امتیاز را رسماً به کمپانی اعلام نمود، در همان حال حاضر بودن خود را برای انعقاد قرارداد جدید خاطر نشان کرد. مع تأسف این ابراز حسن نیت ایران نیز بی نتیجه ماند و در عوض این که از طرف کمپانی از این حسن نیت ایران قدردانی شود و بلا تأخیر با فرستادن نماینده به طهران و انعقاد قرارداد جدید که اصول آن مکرر خاطر نشان کمپانی گردیده است، به اختلاف حالیه خاتمه دهد، دولت انگلیس، دولت ایران را تحت فشار و تهدید قرار داده و موضوع [را] به عنوان اختلاف بین دولتین تحت مطالعه شورای جامعه قرارداد و چنان که دولت

ایران در مراسلهٔ مورخ^۱ خود اظهار داشته است، حائل بین دولت ایران و کمپانی واقع گردید و اگرچه دولت انگلیس این اظهار دولت ایران را که مانع از این است که کمپانی با دولت ایران کنار بیاید تکذیب می‌نماید، ولی خود مراجعه سرجان کدمن به سفارت ایران در لندن و اظهار این که وزیر مختار ایران از وزارت امور خارجه انگلستان اجازه بگیرد تا سرجان کدمن با وزیر مختار ایران در باب رفع اختلافات با دولت ایران داخل مذاکره شود، ثابت می‌نماید تا چه اندازه دولت انگلیس مایل نیست بین دولت ایران و کمپانی مذاکراتی به عمل آید.

رابعاً مطابق ماده ۱۲ امتیازنامه تمام عملجات و کارکنان کمپانی به استثنای پرسنل فنی، از قبیل مدیران و مهندسیین و حفاران و امثال آن باید از اتباع ایران باشند و با وجود این که عملاً این ماده امتیازنامه نیز از طرف کمپانی مراعات [نشده] و با اخطارهای متوالی دولت ایران هنوز هم عده زیادی از عملجات کمپانی از ملل غیر ایرانی می‌باشند، معذالک نه در امتیازنامه و نه از طرف کمپانی که مدعی است عامل مهم ارتزاق و تهیه زندگانی لایق بشر برای کارکنان ایرانی خود است، هیچ نوع پیش بینی برای رفاه حال آنها نشده و نه تقاعدی برای موقع پیری و واماندگی آنها از کار پیش بینی شده و نه بیمه در مقابل حوادثی که در ضمن کار برای عملجات پیش می‌آید، منظور گردیده و بالنتیجه هر کارگر بیچاره بعد از تحلیل رفتن قوا و از کار افتادن و یا مصادف شدن با حادثه در قرنی که این همه اقدامات نوع پرورانه برای آسایش حال عنصر زحمت‌کش به عمل آمده است، جز گدایی چاره [ای] ندارند و بالنتیجه امتیازنامه مزبور قرارداد غیر عادلانه است، که در مقابل دسترنج مردم ایران، تأمینی به آنها داده نمی‌شود. اگر ما بخواهیم تمام معایب اساسی امتیازنامه را شرح بدهیم، خیلی مفصل خواهد شد و ذکر همین چند فقره برای روشن [شدن] اعضای شورای جامعه ملل که مظهر انصاف و عدالت بین‌المللی می‌باشند، کافی خواهد بود.

قطع نظر از معایب مزبوره، کمپانی در این مدت به تمام شرایط این امتیازنامه بد نیز عمل نکرده است و به واسطهٔ عمل خود، امتیازنامه مزبور را بی اعتبار ساخته است و

این اصل مسلم است که اگر یکی از متعاهدین به مقررات تعهد خود عمل ننمود، طرف مقابل نیز از مراعات آن آزاد می‌گردد. مطابق امتیازنامه داری، کمپانی و تمام کمپانی‌های فرعیه باید صدی شانزده عایدات خود را به دولت ایران می‌دادند. عبارت اخیر ماده ۹ امتیازنامه که می‌گوید:

"Mais elles devront prendre à leur charge tous les engagements et responsabilites"

و قسمت اخیر ماده ۱۰ امتیازنامه که می‌گوید:

"Elle devra payer également audit gouvernement anuellement, une somme egale aux 16% des bénéfices annuels nets de toute société ou de toutes sociétés qui pourraient être constituées conformément au dit article"

مؤید این نکته بوده و جای هیچ نوع شبهه را برای کسی باقی نمی‌گذارد. ولی اگر عواید حاصله از کمپانی را دولت ایران صرف تشکیل ذخیره مملکتی که برای اصلاح پول ایران و ثبت مسکوک جدید ایران که تازه امتیاز آن از بانک شاهنشاهی سلب شده، ننموده و یا به مصرف اصلاحات دیگری از قبیل تکمیل تجهیزات قشونی برای استقرار امنیت و یا خرید کشتی برای جلوگیری از قاچاق در خلیج فارس نمی‌رسانید و اگر اصلاحات و مصارف مزبور در نظر بعضی مطلوب نمی‌بود، بهترین راه خشتی نمودن اقدامات دولت ایران کاستن عواید مزبور به حد ناچیزی می‌بود. البته این گونه مسائل بسته به شِم سیاسی سیاستمداران عالم بوده و فقط وجدان آنها می‌تواند مؤید این گونه نگرانی‌های مملکت ایران باشد. در هر حال برای این که صدی شانزده عائدات خالص (که به خودی خود ناچیز و غیر عادلانه است و انصاف نیست که صاحب ثروتی خود صدی شانزده عایدات خالص را گرفته و صدی هشتاد و چهار آن به دیگران برسد) به دولت ایران برسد، دولت مزبور باید نظارت در مخارج کمپانی را داشته باشد، زیرا که رسیدن به عائدات خالص، فرع موضوع نمودن مخارج از عائدات مطلق است و معقول نیست که شخصی که ذی نفع در منافع خالص است، بی‌حق در نظارت در مخارج و تصویب آن باشد. ولی عملاً دولت ایران هیچ‌وقت حق

نظارت و مشارکت در تصویب مخارج کمپانی را نداشته و وسیله [ای] برای حفظ حقوق حقه دولت به مشارالیها داده نشده است و این نکته خود مکرر مورد شکوه و تذکر دولت ایران بوده است. ثالثاً تأثیر نطف در ترقیات اقتصادی و صنعتی مملکتی محتاج به ذکر نیست، همچنین تأثیر وسایل نقلیه و ارزانی سوخت محتاج به ذکر دلیل زیاد نیست. با این تفصیل در امتیازنامه ذکرى از الزام کمپانی در این که باید احتیاجات داخلی مملکت ایران را به قیمت مخففى بدهد نیست و امروز قیمت نطف ایران نه تنها ارزان تر از ممالکی که نطف داخلی دارند نیست، بلکه گران تر از ممالکی که نطف و مواد نفتی را از خارج می آورند می باشد، به طوری که نطف شوروی مقادیر زیادی وارد خاک ایران شده و به مصرف می رسد و به واسطه گرانی قیمت نطف داخلی ایران، جلوگیری از آن غیر ممکن گردیده است.

سند شماره ۱۲۹

مکاتبه محمدعلی فروغی (وزیر امور خارجه) با وزارت دربار در مورد درخواست دولت انگلیس جهت استرداد مراسله وزارت مالیه راجع به الغای امتیازنامه داری و آمادگی این کشور جهت مذاکره دوستانه با ایران

رمزاً به دفتر محترم مخصوص مخبره شود

وزیر مختار انگلیس امروز که جمعه است به ملاقات چاکر آمده، مراسله [ای] را که خلاصه آن به شرح ذیل است تسلیم نمود. اولاً نظر به این که نقض امتیازنامه داری غیر قابل قبول است، دولت انگلیس مایل است مراسله وزارت مالیه به کمپانی بلاتأمل مسترد شود.

ثانیاً دولت انگلیس در ضمن این که امیدوار است دولت ایران با مذاکرات مستقیم با کمپانی موضوع را به طور دوستانه تمام کند، در همان حال خاطر نشان می نماید که از هیچ گونه اقدامات مشروع برای حفظ مصالح حقّه و مسلمه خود خودداری نخواهد نمود. ثالثاً دولت انگلیس هیچ گونه خساراتی را که به منافع کمپانی وارد آید و یا مداخله [ای] را که در مؤسسات و عملیات تجارتي کمپانی در ایران بشود، تحمل نخواهد نمود.

در ضمن مذاکره با وزیر مختار، مطلب لحن خشنی نیز به خود گرفت که در موقع شرفیابی به عرض خواهد رسید. عقیده چاکران این است که عجله در دادن جواب نشود تا این که اطلاعات بیشتری از رویه دولت انگلیس به دست آید و جواب پس از مراجعت از مازندران داده شود.

مراتب را محض رساندن به عرض پیشگاه مبارک تصدیع داد.

[امضاء: فروغی]

[حاشیه پایین، چپ، به خط تیمورتاش: ضبط دوسیه الغای امتیاز داری.]

سند شماره ۱۳۰

متن قانون اعطای امتیاز نفت به شرکت نفت ایران و انگلیس
(قرارداد ۱۹۳۳)

قانون اعطای امتیاز نفت به شرکت نفت انگلیس و ایران محدود

قرارداد امتیازی که از طرف دولت شاهنشاهی ایران به شرکت نفت انگلیس و ایران

محدود در ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ اعطا گردیده است.

مقدمه

به قصد برقرار کردن امتیاز جدیدی به جای امتیازی که در تاریخ ۱۹۰۱ به ویلیام نکس داریسی داده شده بود، این امتیاز را دولت ایران اعطاء و کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود آن را قبول می نماید.

روابط طرفین مذکور در فوق، در آتیه بر طبق این قرارداد خواهد بود.

https://t.me/shenakht_lib

تعريفات

بعضی اصطلاحات مستعمله در این قرارداد قطع نظر از هر معنی دیگری که ممکن است در حال یا در آتیه در موارد دیگر داشته باشد، در این قرارداد مطابق تعریفیات ذیل معنی خواهد شد.

دولت

یعنی دولت شاهنشاهی ایران

کمپانی

یعنی شرکت نفت انگلیس و ایران محدود و تمام شرکتهای تابعه آن

شرکت نفت انگلیس و ایران محدود

یعنی شرکت نفت انگلیس و ایران محدود یا هر شخص حقوقی دیگری که با تصویب دولت ایران، مطابق ماده ۲۶ این امتیاز بدو منتقل شود.

شرکت تابعه

یعنی هر شرکتی که در آن کمپانی حق تعیین بیش از نصف مدیران را مستقیماً یا غیر مستقیم داشته باشد و یا آن که کمپانی در آن شرکت به طور مستقیم یا غیر مستقیم مالک یک مقداری سهام باشد که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) حق رأی در مجمع عمومی شرکت مزبور را برای کمپانی تضمین نماید.

نفت

یعنی روغن نفت خام و گازهای طبیعی و قیرها (آسفالت) و مومهای طبیعی و تمام مشتقات دیگری که یا از مواد مذکوره حاصل می شود یا به وسیله اختلاط و امتزاج این مواد به مواد دیگری به دست می آید.

عملیات کمپانی در ایران

یعنی تمام عملیات صنعتی و تجاری و فنی که کمپانی منحصراً برای اجرای این امتیاز انجام می دهد.

ماده اول - دولت بر طبق مقررات این امتیاز، حق مانع للغير تفحص و استخراج نفت را در حدود و حوزه امتیاز به کمپانی اعطا می کند و همچنین حق انحصاری تصفیه و هر نوع عملی را در نفتی که خود تحصیل کرده و تهیه آن برای تجارت خواهد داشت و همچنین دولت در تمام وسعت خاک ایران به کمپانی حق غیر انحصاری حمل و نقل نفت و تصفیه و هر نوع عملی در آن و تهیه آن برای تجارت و همچنین فروش آن در ایران و صادر کردن آن را اعطاء می نماید.

ماده دوم - الف - حدود و حوزه امتیاز تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ عبارت خواهد بود از حوزه‌ای که واقع است در جنوب خط بنفشی که در روی نقشه [ای] که طرفین امضاء کرده و منضم به قرارداد است، رسم شده است.

ب - کمپانی باید منتهی تا ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ در حوزه مذکور در فوق، یک یا چندین قطعه زمین را به هر شکل و وسعتی و در هر نقطه که مقتضی می‌داند انتخاب نماید. مجموع سطح یک یا چند قطعه [ای] که انتخاب شده باشد، نباید از یکصد هزار میل مربع انگلیسی (۱۰۰/۰۰۰ میل مربع) تجاوز نماید - هر میل ساده مطابق است با یکهزار و ششصد و نه متر.

کمپانی در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ یا قبل از آن یک قطعه یا قطعاتی را که به طریق فوق انتخاب کرده، کتباً به دولت اطلاع خواهد داد.

به هر اطلاعاتنامه نقشه‌ها و اطلاعات لازم برای تشخیص و تحدید قطعه یا قطعات منتخبه از طرف کمپانی ضمیمه خواهد شد.

ج - بعد از تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ کمپانی دیگر حق تفحص و استخراج نفت را جز در قطعه یا قطعاتی که مطابق بند (Paragraphe) (ب) فوق انتخاب کرده است نخواهد داشت و حوزه امتیاز بعد از این تاریخ عبارت خواهد بود از قطعه یا قطعاتی که بدین طریق انتخاب گردیده و از انتخاب آنها نیز به ترتیب مذکور در فوق به دولت اطلاع داده شده باشد.

ماده سوم - کمپانی حق غیر انحصاری ساختن و داشتن لوله‌های حمل نفت را خواهد داشت. کمپانی در تعیین محل سیر لوله‌های نفت خود و بکار انداختن آنها مختار است.

ماده چهارم - الف - هر زمین بایر متعلق به دولت که کمپانی برای عملیات خود در ایران لازم بداند و از برای مقاصد عمومی مورد احتیاج دولت نباشد، مجاناً به کمپانی واگذار خواهد شد.

طریقه تحصیل اراضی مذکور به ترتیب ذیل خواهد بود:

هر وقت قطعه [ای] از اراضی مذکوره مورد احتیاج کمپانی واقع می‌شود، باید کمپانی یک یا چندین نقشه که روی آن زمین مورد احتیاج با رنگ آمیزی مشخص گردیده

باشد، به وزارت مالیه ارسال بدارد. دولت در صورتی که اعتراضی نداشته باشد، متعهد می‌شود که در ظرف سه ماه از تاریخ وصول تقاضای کمپانی، موافقت خود را اظهار بدارد.

ب - اراضی دایر متعلق به دولت را که کمپانی احتیاج پیدا می‌کند، به طریقی که در جزء قبل مذکور است، از دولت تقاضا خواهد کرد و دولت در ظرف سه ماه موافقت خود را در مقابل تقاضای کمپانی دایر به فروش آن اراضی اشعار خواهد داشت. در صورتی که دولت اعتراض و احتیاجی به اراضی مزبوره نداشته باشد.

قیمت این اراضی را کمپانی تأدیه خواهد کرد. قیمت مزبور باید عادلانه باشد و از قیمت متعارفی اراضی که از همان نوع بوده و همان مصرف را داشته و در همان حوزه واقع شده باشد، نباید تجاوز نماید.

ج - در صورتی که دولت در مقابل تقاضای پیش بینی شده در جزوهای (alinca) (الف و ب) مذکور در فوق جوابی ندهد، پس از انقضای دو ماه از تاریخ وصول تقاضاهای مزبور، کمپانی تذکرنامه جدیدی به دولت خواهد فرستاد، چنانچه به تذکرنامه مزبور نیز در ظرف یک ماه از تاریخ وصول جوابی داده نشود، سکوت دولت به منزله تصویب تلقی خواهد گردید.

د - اراضی را که متعلق به دولت نیست و برای کمپانی لازم باشد، با توافق صاحبان اراضی مزبور و با توسط دولت، کمپانی تحصیل خواهد کرد. در صورت عدم حصول موافقت در قیمت، دولت به صاحبان اراضی مزبور اجازه نخواهد داد که بیش از نرخ متعارفی اراضی متشابه مجاور مطالبه نمایند. برای تقویم اراضی مذکور، منظوری که کمپانی از مصرف آنها دارد مأخذ قرار داده نمی‌شود.

ه - اماکن مقدسه و ابنیه تاریخی و محللهایی که جنبه تاریخی دارند و همچنین توابع آنها تا دو بیست متر مسافت، از مقررات مذکوره مستثنی هستند.

و - کمپانی حق غیرانحصاری خواهد داشت که فقط در حوزه امتیازی نه جای دیگر و از هر زمین بایر متعلق به دولت برای مصرف عملیات خود از هر نوع خاک و شن و آهک و سنگ گچ و سنگ و مصالح ساختمانی دیگر مجاناً استفاده نماید.

مسلم است اگر استفاده از مواد مذکوره موجب ضرر شخص ثالثی باشد، باید کمپانی

جبران خسارت ذوی الحقوق را بنمایند.

ماده پنجم - عملیات کمپانی در ایران به طریق ذیل محدود می شود:

۱- ساختمان هر خط آهن و هر بندر جدیدی موکول به حصول موافقت قبلی بین دولت و کمپانی خواهد بود.

۲- اگر کمپانی توسعه ارتباط تلفونی و تلگرافی و تلگراف بی سیم و هواپیمایی فعلی خود را در نظر داشته باشد، قبل از تحصیل اجازه دولت در این خصوص اقدامی نمی تواند بکند.

اگر دولت برای دفاع ملی یا در موقع پیش آمدهای فوق العاده دیگری احتیاج به وسایط نقلیه و وسایل ارتباطیه کمپانی پیدا کند، تعهد می نماید حتی الامکان کمتر موجب تضییق عملیات کمپانی بشود و نیز خسارتی را که از این حیث متوجه کمپانی می گردد، به طور حقانیت جبران نماید.

ماده ششم - الف - کمپانی مجاز است که بدون تحصیل جواز مخصوصی آنچه را که منحصرأ برای مصرف اعضاء و مستخدمین خود لازم دارد وارد نموده و حقوق گمرکی و مالیات های معموله حین ورود را بپردازد. کمپانی تدابیر لازمه را اتخاذ خواهد نمود که اجناس وارده به اشخاصی غیر مستخدمین خودش فروخته یا واگذار نگردد.

ب - کمپانی بدون تحصیل جواز مخصوصی حق خواهد داشت که لوازم و مصالح و آلات طبی و جراحی و ادویه را که برای مریضخانها و مطب های خود در ایران لازم دارد وارد نماید و اشياء و اجناس مذکوره در موقع ورود از تأدیه حقوق گمرکی و هر نوع مالیات و عوارض به دولت و ادارات محلی معاف خواهد بود.

ج - بدون تحصیل هیچ گونه جوازی و بدون پرداخت هیچ نوع حقوق گمرکی و مالیات و عوارض به دولت و ادارات محلی، کمپانی حق خواهد داشت آنچه را که منحصرأ برای عملیات خود در ایران لازم دارد وارد نماید.

د - صادرات نفتی از پرداخت حقوق گمرکی و هر نوع مالیات و عوارض به دولت و ادارات محلی معاف خواهد بود.

ماده هفتم - الف - کمپانی و مستخدمینش از حمایت قانونی دولت بهره مند خواهند

بود.

ب - دولت در حدود قوانین و مقررات مملکتی همه نوع تسهیلات ممکنه را برای عملیات کمپانی مبذول خواهد داشت.

ج - هرگاه دولت در حوزه امتیازیه به اشخاص دیگری امتیازاتی برای به کار انداختن سایر معادن اعطا کند، باید وادار نماید که احتیاطات لازمه را به عمل آورند که عملیات آنها به مؤسسات و عملیات کمپانی خسارتی وارد نسازد.

د - کمپانی مکلف است منطقه [ای] را که برای ساختن خانه و دکاکین و سایر بناهای دیگر خطرناک است تعیین کند تا دولت بتواند اهالی را مسبوق و از سکونت در آن محل منع نماید.

ماده هشتم - کمپانی ملزم نخواهد شد که هیچ قسمتی از وجوه خود و مخصوصاً عواید حاصله از فروش صادرات خود را به پول ایرانی تبدیل نماید.

ماده نهم - کمپانی فوراً تدارکات خود را خواهد دید که بوسیله یک کمپانی فرعی استخراج نطف ایالت کرمانشاه را شروع و در محل تصفیه نماید.

ماده دهم - مبالغی که بر حسب این قرارداد از طرف کمپانی باید به دولت تأدیه شود، علاوه بر مبالغی که در موارد دیگر پیش بینی شده، به شرح ذیل تعیین می‌گردد:

الف - حق الامتیاز سالیانه که از اول ژانویه ۱۹۳۳ شروع می‌شود، مبلغ چهار شلینگ برای هر تن نطفی که برای مصرف داخلی در ایران به فروش برسد و یا از ایران صادر شود.

ب - پرداخت مبلغی معادل با بیست در صد (۲۰٪) آنچه اضافه بر ۶۷۱۲۵۰ لیره به صاحبان سهام عادی کمپانی نطف انگلیس و ایران محدود توزیع می‌گردد، خواه این توزیع به عنوان سهم منافع (Dividant) یکی از سنوات بوده و یا از وجوه ذخیره همان کمپانی که اضافه بر ذخایری که در ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ به موجب دفاتر خود موجود داشته باشد.

ج - مجموع مبالغی که برای هر سال مسیحی بر حسب جزءهای (الف) و (ب) از طرف کمپانی به دولت ایران تأدیه می‌شود، نباید هرگز از هفتصد و پنجاه هزار لیره استرلینگ (۷۵۰/۰۰۰ لیره استرلینگ) کمتر باشد.

II - تأدیه و جوه مذکور در این ماده از طرف کمپانی به طریق ذیل به عمل خواهد آمد:
الف - ۳۱ مارس و ۳۰ ژوئن و ۳۰ سپتامبر و ۳۱ دسامبر هر سال هر دفعه مبلغ یکصد و هشتاد و هفت هزار و پانصد لیره استرلینگ (تأدیه مربوطه به ۳۱ مارس ۱۹۳۳ فوراً پس از تصویب این قرارداد به عمل خواهد آمد).

ب - در تاریخ بیست و هشتم فوریه ۱۹۳۴ و من بعد در همین تاریخ، در هر سال حق الامتیاز مربوط به سال قبل بابت هر تن نطف بر حسب جزء (I الف) پس از وضع مبلغ هفتصد و پنجاه هزار لیره استرلینگ (۷۵۰/۰۰۰ لیره استرلینگ) که مطابق جزء (II - الف) قبلاً تأدیه گردیده است.

ج - مبالغ لازم التأدیه به دولت بر حسب جزء (I الف) این ماده در موقع تقسیم منافع به سهام عادی پرداخته خواهد شد.

III - در موقع انقضای این امتیاز و همچنین در صورت ترک آن از طرف کمپانی، مطابق ماده (۲۵) کمپانی مبلغی مساوی بیست درصد (۲۰٪) از بابت‌های ذیل را به دولت ایران تأدیه خواهد کرد:

الف - از تفاضل بین مبالغ کل ذخایری (General Reserve) که کمپانی نطف انگلیس و ایران محدود در تاریخ انقضاء و یا ترک امتیاز موجود خواهد داشت و مبالغ ذخایری که کمپانی مذکور در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ موجود داشته است.

ب - از تفاضل بین مبالغ موجودی که از طرف کمپانی نطف انگلیس و ایران محدود در تاریخ انقضای یا ترک امتیاز به حساب منقول می‌شود و موجودی‌هایی که در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ از طرف کمپانی مزبور به حساب منقول گردیده است.

پرداخت و جوه لازم التأدیه به دولت بر حسب این جزو یک ماه بعد از تاریخ تشکیل مجمع عمومی کمپانی که پس از انقضای یا ترک امتیاز تشکیل می‌شود، انجام خواهد گرفت.

IV - دولت حق خواهد داشت که محاسبات مربوط به جزو (II الف) را که منتهی تا ۲۸ فوریه هر سال بابت سال گذشته فرستاده می‌شود، تفتیش و رسیدگی نماید.

V - برای جلوگیری از امکان توجه ضرر به دولت در موقع ترقی و تنزل قیمت پول انگلیس، طرفین به شرح ذیل توافق حاصل نمودند:

الف - هرگاه موقعی قیمت طلا در لندن از شش لیره استرلینگ (۶ لیره استرلینگ) در مقابل یک اونس تروی (Ounce Troy) تجاوز نماید، برای هر پنی (Penny) که علاوه بر شش لیره استرلینگ در مقابل یک اونس تروی (Ounce Troy) در روز پرداخت قیمت طلا ترقی نماید، بر کلیه مبالغ لازم‌التأدیه به دولت از طرف کمپانی بموجب این قرارداد (به استثنای مبالغی که بر حسب جزوهای (I.ب) و (III.الف و ب) این ماده و جزو (I.الف) از ماده ۲۳ باید به دولت برسد) به میزان یک یک هزار و چهارصد و چهلم ($\frac{1}{1440}$) مبالغ مزبوره افزوده خواهد گردید.

ب - هرگاه موقعی دولت تصور کرد به این که دیگر طلا مبنای عمومی قیمت‌ها و معاملات نیست و طریق تأدیه‌های مذکور در فوق تضمینی را که منظور طرفین است برای دولت فراهم نمی‌نماید، طرفین موافقت می‌نمایند که وضعیت تضمین مزبور را تغییر دهند و در صورت عدم حصول موافقت، قضیه مطابق (ماده ۲۲) به حکمیت ارجاع خواهد شد و شرایطی را که باید جانشین تضمین مذکور گردد، معین و تاریخ اجرای آن را نیز معلوم خواهند نمود.

VI - هرگاه در پرداخت مبالغ لازم‌التأدیه به دولت مطابق تاریخ‌های مقرر در این قرارداد، اتفاقاً از ناحیه کمپانی تأخیر به عمل آید، برای مدت تأخیر از قرار پنج درصد ۵٪ در سال فرع وجوه مزبوره را کمپانی خواهد پرداخت.

ماده یازدهم - I - کمپانی برای مدت سی سال اول عملیات خود در ایران، از پرداخت هرگونه مالیاتی که به نفع دولت و ادارات محلی فعلاً برقرار و یا در آتیه وضع شود معاف خواهد بود و در عوض مبالغ ذیل را به دولت تأدیه خواهد نمود:

الف - در مدت پانزده سال اول این قرارداد، به تاریخ ۲۸ فوریه هر سال و برای اولین مرتبه در ۲۸ فوریه ۱۹۳۴ نه پنس بابت هر تن از شش میلیون تن (۶/۰۰۰/۰۰۰ تن) نفتی که بابت سنه گذشته مسیحی مشمول حق‌الامتیاز مذکور در جزو (I.الف) از ماده (۱۰) می‌گردد و شش پنس بابت هر تن نفت اضافه بر رقم شش میلیون تن مذکور در فوق تأدیه خواهد نمود.

ب - کمپانی تأمین می‌کند مبالغی را که بر طبق جزوهای فوق‌الذکر تأدیه می‌نماید، هیچ‌وقت از مبلغ دویست و بیست و پنجهزار لیره استرلینگ (۲۲۵/۰۰۰) لیره

استرلینگ) کمتر نباشد.

ج - در مدت پانزده سال بعد، یک شلینگ بابت هر تن از شش میلیون تن (۶/۰۰۰/۰۰۰ تن) نفتی که بابت سنه گذشته مسیحی مشمول حق الامتیاز مذکور در جزو (I الف) از ماده (۱۰) می‌گردد و نه پنس بابت هر تن نطف اضافه بر رقم شش میلیون تن مذکور در فوق تأدیه خواهد نمود.

د - کمپانی تضمین می‌کند مبالغی را که بر طبق جزو (ج) ماقبل تأدیه می‌نماید هیچ وقت از سیصد هزار لیره استرلینگ (۳۰۰/۰۰۰ لیره استرلینگ) کمتر نباشد.

II - قبل از سنه ۱۹۶۳ راجع به میزان مبالغی که کمپانی در ازای معافیت کامل عملیات خود در ایران از پرداخت هرگونه مالیاتی به نفع دولت و یا ادارات محلی در مدت سی سال دوم که منتهی به سنه ۱۹۹۳ می‌شود، باید پردازد، طرفین توافق نظر حاصل خواهند نمود.

ماده دوازدهم - الف - کمپانی راجع به عملیاتی که مطابق این قرارداد در ایران می‌نماید، جمیع وسایل معمول و مناسب را برای تأمین صرفه جویی و استفاده کامل از عملیات خود و برای حفظ مخازن تحت الارضی نطف و برای استفاده از امتیاز خود به طرزى که مطابق آخرین ترقیات علمی وقت باشد به کار خواهد برد.

ب - هرگاه در حوزه امتیاز غیر از نطف سایر مواد معدنی و بیشه‌ها و جنگلهای متعلق به دولت موجود باشد، کمپانی نمی‌تواند آنها را بکار انداخته و استفاده نماید و مانع عملیات و استفاده دیگران شود. (مشروط بر این که مقررات جزو (ج) از ماده ۷ رعایت شود.)

ولی در صورتی که مواد معدنی بیشه و جنگل‌های مذکور برای تجسس و استخراج نطف لازم باشد، کمپانی حق استفاده از آنها را خواهد داشت.

ج - کلیه حفریاتی که منجر به کشف نطف نگشته و آب یا مواد قیمتی دیگر در آن پیدا می‌شود، باید برای دولت حفظ شود و فوراً کمپانی دولت را در کشفیات مزبور مطلع سازد و دولت هرچه زودتر ممکن باشد به کمپانی تمایل خود را نسبت به تصرف حفریات مزبور اعلام خواهد داشت و در صورت تصرف آنها دولت مراقبت خواهد کرد که مانع عملیات کمپانی نشود.

ماده سیزدهم - کمپانی تعهد می نماید که به خرج خود در یک مدت مناسبی هر موقعی که نماینده دولت تقاضا می کند، سواهای صحیح از تمام طرحها و نقشهها و رسمها و سایر مدارک و اسناد راجع به وضعیت سطح الارضی و طبقات الارضی و حفر چاهها [ی] مربوط به حوزه امتیازیه که موجود دارد، به وزارت مالیه بدهد. به علاوه در تمام مدت امتیاز کمپانی تمام اطلاعات مهم علمی و فنی را که از نتیجه عملیات خود در ایران به دست آورده، به دولت ارسال خواهد داشت.

تمام اسناد و مدارک مزبوره را دولت به عنوان محرمانه تلقی خواهد نمود.

ماده چهاردهم - الف - دولت به میل خود در هر موقع مناسبی حق خواهد داشت امر به تفتیش عملیات فنی کمپانی در ایران نموده و برای اجرای این مقصود از اهل خبره و متخصصین فنی مأمورین بگمارد.

ب - کمپانی تمام مدارک و اسناد مربوط به اطلاعات علمی و فنی و تمام مؤسسات و وسائل و آلات اندازه گرفتن استخراج نفت را در دسترس مأمورین خبره و متخصصین دولت خواهد گذارد. به علاوه مأمورین مزبور در تمام ادارات کمپانی در تمام خاک ایران حق تحصیل هرگونه اطلاعی را خواهند داشت.

ماده پانزدهم - دولت حق تعیین یک نفر نماینده را خواهد داشت و نماینده مزبور مأمور دولت شاهنشاهی نامیده شده و اختیارات ذیل را خواهد داشت :

۱- اطلاعاتی را که در حدود حق صاحبان سهام کمپانی است از کمپانی تحصیل نماید.

۲- در تمام جلسات هیئت مدیره و کمیته های آن و در تمام جلسات مجمع عمومی که برای مذاکره در مسائل راجع به روابط دولت و کمپانی تشکیل شده باشد، حضور به هم رساند.

۳- کمیته [ی] را که کمپانی به قصد توزیع اعتبار مذکور در ماده ۱۶ و برای نظارت در تحصیل ایرانیان در لندن تشکیل می دهد، به عنوان رسمی و با حق رأی قاطع ریاست نماید.

۴- تقاضا نماید که جلسات مخصوص هیئت مدیره هر وقت که لازم بدانند، برای

مذاکره در مسائلی که دولت پیشنهاد می‌نماید، تشکیل گردد. جلسات مزبوره در مدت پانزده روز بعد از وصول تقاضای کتبی به منشی کمپانی، تشکیل خواهد شد. کمپانی بابت حقوق و سایر مخارج نماینده مزبور، سالیانه دو هزار لیره استرلینگ به دولت خواهد پرداخت. دولت کتباً کمپانی را از تعیین نماینده مزبور و یا جانشین او مطلع خواهد ساخت.

ماده شانزدهم - I - طرفین تصدیق دارند و قبول می‌نمایند که اصلی که مدار اجرای این قرارداد می‌باشد آنست که در منافع طرفین حفظ حد اعلای منتج بودن و صرفه جویی در اداره و عملیات کمپانی در ایران ضرورت عالی دارد.

II - مسلم است که کمپانی صنعتگران و مستخدمین فنی و تجاری خود را به اندازه [ای] که اشخاص ذی صلاحیت و با تجربه در ایران یافت شود، از اتباع ایران انتخاب خواهد کرد و این نیز مسلم است که مستخدمین غیر فنی کمپانی منحصراً از اتباع ایران خواهند بود.

III - طرفین موافقت می‌نمایند در این که طرح عمومی مطالعه و تهیه نمایند که بر طبق آن هر سال و مرتباً مستخدمین غیر ایرانی را تقلیل داده و بجای آنها به طور تساعدی در کوتاه ترین مدت ممکن، از اتباع ایرانی بگمارند.

IV - کمپانی سالیانه مبلغ دو هزار لیره استرلینگ برای این که اتباع ایران در انگلستان علوم و فنون مربوط به صناعت نطف را فراگیرند، تخصیص خواهد داد.

اعتبار مذکور به وسیله یک کمیته که مطابق ماده ۱۵ تشکیل می‌شود، به مصرف خواهد رسید.

ماده هفدهم - کمپانی تشکیلات و مخارج تأسیسات و تفتیش و اداره وسایل صحی و صحت عمومی را مطابق جدیدترین طریقه حفظ الصحه معموله در ایران، در تمام اراضی و ابنیه و مساکن اعضاء عملجات خود که در حوزه امتیازیه کار می‌کنند، به عهده می‌گیرد.

ماده هیجدهم - هر وقت کمپانی اسهام جدیدی برای عامه اشاعه می‌دهد، باید دفاتر ثبت تقاضای اشتراک آن را در همان موقع که در سایر نقاط شروع می‌شود در طهران نیز برقرار نماید.

ماده نوزدهم - کمپانی برای احتیاجات داخلی ایران و از آن جمله احتیاجات دولت بنزین (Motor Spirit) و نفت لامپ (Kerosene) و مازوت (Fuel oil) که از نفت ایرانی حاصل می‌شود، بر اساس ذیل خواهد فروخت:

الف - در اول ژوئن هر سال کمپانی معدل قیمت‌های (فوب) رومانی را راجع به بنزین و نفت لامپ و مازوت و معدل قیمت‌های (فوب) خلیج مکزیک را راجع به هر یک از مواد مذکوره نسبت به مدت دوازده ماه گذشته، تا تاریخ ۳۰ آوریل معین خواهد کرد - نازلترین معدل‌های مذکور اختیار و (اساس قیمت‌ها) برای سالی که از اول ژوئن شروع می‌گردد، قرار داده می‌شود.

قیمت‌های اساسی به منزله قیمت در تصفیه‌خانه تلقی می‌گردد.

ب - کمپانی بنزین و نفت لامپ و مازوت را به ترتیب ذیل خواهد فروخت:

۱- به دولت برای احتیاجات اختصاصی خودش، ولی نه برای فروش به دیگران مطابق قیمت‌های اساسی مذکور در جزء الف فوق با تخفیف بیست و پنج درصد (۲۵٪)

۲- به سایر مصرف‌کنندگان مطابق همان (قیمت‌های اساسی) با تخفیف ده درصد (۱۰٪)

ج - کمپانی حق دارد که به قیمت‌های اساسی مذکور در جزء (الف) مخارج حقیقی حمل و نقل و توزیع و فروش و همچنین مالیات و عوارض موضوعه بر محصولات مزبور را بیفزاید.

د - دولت صادر کردن محصولات نفتی را که مطابق مقررات فوق کمپانی فروخته است، قدغن خواهد کرد

ماده بیستم - I - الف - در مدت ده سال آخر امتیاز و یا در فاصله دو سال پس از اطلاع قبلی که راجع به ترک امتیاز مطابق ماده ۲۵ داده می‌شود، کمپانی جز به شرکت‌های تابع خود حق فروش یا انتقال یک یا چندین قسمت از اموال غیر منقول خود را که در ایران موجود است ندارد - در مدت‌های مذکور نیز کمپانی حق انتقال و خارج کردن هیچ قسمتی از اموال منقول خود را ندارد، مگر آن که اشیاء مزبوره از حیزانتفاع افتاده باشد.

ب - در تمام مدت قبل از ده سال آخر امتیاز، هیچ قطعه [ای] از اراضی را که کمپانی مجاناً از دولت تحصیل کرده است، نمی تواند انتقال دهد و همچنین هیچ یک از اموال منقول خود را نیز به استثنای آنچه غیر مفید و یا این که دیگر مورد احتیاج عملیات کمپانی در ایران نیست، نمی تواند خارج نماید.

II - در موقع، ختم امتیاز، خواه این ختم به واسطه انقضای عادی مدت و یا بهر نحو دیگری پیش آمد کرده باشد، تمام دارایی کمپانی در ایران به طور سالم و قابل استفاده بدون هیچ مخارج و قیدی متعلق به دولت ایران می گردد.

III - جمله (تمام دارایی) مشتمل است بر تمام اراضی و ابنیه و کارخانه ها و ساختمان ها و چاه ها و سدهای دریایی و لوله های حمل نفت و پل ها و رشته نقب های فاضل آب و وسائل توزیع آب و ماشینها و مؤسسات و تجهیزات (از آنجمله آلات و ادوات) از هر قبیل و تمام وسائط نقلیه (مثلاً از قبیل اتومبیل و گاری و آئروپلان) و تمام اجناس انبار شده و سایر اشیایی که کمپانی در ایران برای اجرای این امتیاز از آن استفاده می نماید.

ماده بیست و یکم - طرفین متعاهدین اعلام می دارند که اجرای این قرارداد مبنی بر اصل متقابل حسن نیت و صداقت و تفسیر معقول و متناسب این قرارداد باشد. کمپانی صریحاً تعهد می نماید که در هر وقت و در هر موقع حقوق و امتیازات و منافع دولت را در نظر داشته و اقدام به هیچ عملی و یا خودداری از عملی که موجب به زیان دولت باشد، ننماید - این امتیاز را دولت لغو نخواهد کرد و مفاد مقررات آن در آتیه بوسیله هیچ قانون عمومی و خصوصی و یا هیچ یک از دستورات و نظامات اداری و یا عملیات مقامات اجرائیه قابل تغییر نخواهد بود.

ماده بیست و دویم - الف - هر قبیل از اختلافات حاصله بین طرفین و مخصوصاً اختلافات ناشی از تغییر مدلول این امتیازنامه و حقوق و مسئولیت های مقرر در آن، همچنین هر اختلاف نظر در مواردی که به موجب این امتیازنامه محتاج به توافق نظر طرفین است، به طریق حکمیت قطع و فصل خواهد شد.

ب - طرفی که تقاضای حکمیت می کند، باید تقاضای خود را به طرف دیگر کتباً اطلاع نماید - طرفین هر یک یک حکم معین نموده و حکمین قبل از شروع به

حکمت یک حکم ثالثی انتخاب خواهند کرد. هرگاه حکمین نتوانند در ظرف دو ماه نسبت به تعیین حکم ثالث توافق نظر حاصل نمایند، حکم مزبور را به تقاضای یکی از طرفین، رییس دیوان دادرسی دایمی بین‌المللی تعیین خواهد نمود. چنانچه رییس دیوان دادرسی دایمی بین‌المللی از حیث ملیت و تابعیت مطابق جزء (ج) حائز شرایط لازمه برای تعیین حکم ثالث نباشد، حکم ثالث بوسیله نایب رییس دیوان مزبور معین خواهد شد.

ج - حکم ثالث باید از ملت ایران و یا انگلیس نباشد و به علاوه ارتباط نزدیک نیز نه با ایران و نه با انگلیس از حیث تعلق به یکی از مستملکات یا ممالک تحت‌الحمايه و یا مستعمرات و ممالک تحت قیمومیت و ممالکی که بوسیله یکی از مملکتین مذکور در فوق اداره و یا اشغال شده و یا مثل این که در خدمت یکی از ممالک مزبوره بوده و یا می‌باشد، نداشته باشد.

د - اگر یکی از طرفین شصت روز بعد از وصول تقاضای حکمت طرف مقابل، حکم خود را معین نکرده و یا تعیین آن را به طرف دیگر ابلاغ ننماید:

طرف مزبور حق خواهد داشت که از رییس دیوان داورى دایمی بین‌المللی (یا از نایب رییس در موردی که مطابق قسمت اخیر جز و (ب) پیش بینی گردیده) تقاضا نماید که یک حکم منفرد و ذیصلاحیت مطابق مقررات مذکور در فوق تعیین کند و در اینصورت اختلاف موجود به وسیله حکم منفرد مزبور قطع و فصل خواهد گردید.

ه - اصول محاکمات در حکمت مطابق همان اصولی خواهد بود که در موقع حکمت در دیوان دادرسی بین‌المللی معمول و مجری است.

وقت و محل حکمت را برحسب مورد حکم ثالث یا حکم منفرد مذکور در جزو (و) معین خواهد کرد.

و - حکم حکمت مستند بر اصول قضایی مذکور در ماده (۳۸) اساسنامه دیوان داورى دایمی بین‌المللی بوده و قابل تجدید نظر نخواهد بود.

ز - مخارج حکمت به نحوی که در رأی حکمت معین می‌شود، تأدیه خواهد گردید.

ماده بیست و سوم - I - از برای تصفیه کلی تمام دعاوی گذشته دولت از هر قبیل تا تاریخ اجرای این قرارداد (به استثنای آنچه مربوط به مالیات‌های ایران است) کمپانی به شرح ذیل اقدام می‌کند:

الف - به فاصله سی روز از تاریخ مذکور، مبلغ یک میلیون لیره استرلینگ (۱/۰۰۰/۰۰۰ لیره استرلینگ) خواهد پرداخت و به علاوه

ب - مبالغ لازم التأدیه به دولت را بابت عملکرد سنوات ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ بر مبنای مذکور در ماده ۱۰ این قرارداد، نه مطابق اساس امتیاز داری پس از وضع دویست هزار لیره استرلینگ (۲۰۰/۰۰۰ لیره استرلینگ) که برسم مساعده در ظرف سنه ۱۹۳۲ بابت حق الامتیاز پرداخته و یکصد و شیزده هزار و چهارصد و سه لیره و سه شلینگ و ده پنس (۱۰-۳-۱۱۳۴۰۳ لیره) که به اختیار دولت قبلاً ودیعه گذارده شده و تصفیه و تأدیه خواهد کرد.

II - در همان مدت مذکور در فوق، در مقابل دعاوی دولت بابت مالیات گذشته، از تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰ الی ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ کمپانی مبلغی بر حسب مبنای مذکور در جزو الف از بند (I) ماده ۱۱ محاسبه و بدون رعایت تضمین مذکور در جزو (ب) از بند مزبور، به دولت تأدیه خواهد نمود.

ماده بیست و چهارم - هرگاه به مناسبت الغای امتیاز داری نسبت به قراردادهای اجاره که قبل از اول دسامبر ۱۹۳۲ تا اندازه [ای] که امتیاز مزبور اجازه می‌داده است، منعقد گردیده، اختلافاتی بین کمپانی و افراد تولید گردد، اختلافات مزبوره مطابق قواعد تفسیریه ذیل فیصله خواهد یافت:

الف - اگر قرارداد بر حسب مدلول خود در آخر امتیاز داری باید خاتمه بیابد، تا تاریخ ۲۸ مه ۱۹۶۱ با وجود الغای امتیاز مزبور به اعتبار خود باقی خواهد ماند.

ب - هرگاه در قرارداد پیش بینی شده باشد که علاوه بر اعتبار آن در مدت امتیاز داری، در صورت تجدید امتیاز قرارداد مزبور نیز تجدید می‌شود، اعتبار آن تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ باقی خواهد ماند.

ماده بیست و پنجم - در آخر هر سال مسیحی کمپانی حق خواهد داشت که این امتیاز را ترک نماید، مشروط بر این که دو سال قبل از آن دولت را از نیت خود کتباً مطلع

ساخته باشد.

در خاتمه مدت فوق‌الذکر کلیه داریایی کمپانی در ایران، به طوری که در قسمت III ماده ۲۰ تصریح شده، مجاناً و بدون هیچ قیدی به طور سالم و قابل استفاده ملک دولت خواهد شد و کمپانی در آتیه از هرگونه تعهدی بری خواهد بود. چنانچه نسبت به تعهدات طرفین مربوط به قبل از انقضای مدت مذکور در فوق اختلافاتی حاصل شود، به طریق حکمیت مذکور در ماده ۲۲ قطع و فصل خواهد شد.

ماده بیست و ششم - این امتیاز برای مدتی که ابتدای آن از تاریخ اجراء و انتهای آن در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ خواهد بود، به کمپانی اعطاء می‌گردد.

قبل از تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ این امتیاز نمی‌تواند خاتمه پیدا کند، مگر در صورتی که کمپانی مطابق ماده ۲۵ آن را ترک کند و یا آن که محکمه حکمیت بر اثر ارتکاب تخلفی از طرف کمپانی نسبت به اجراء مقررات این قرارداد، ابطال آن را اعلام بدارد. تخلف به معنی مذکور در فوق، منحصر به موارد ذیل است:

الف - هرگاه مبلغی که بر حسب رأی محکمه حکمیت باید به دولت پرداخته شود، تا یک ماه بعد از تاریخ صدور رأی تأدیه نگردد.

ب - هرگاه تصمیم بر انحلال اختیاری و یا اجباری کمپانی گرفته شود. در مورد سایر تخلفاتی که نسبت به مقررات این قرارداد، از هر یک از طرفین ناشی شود، محکمه حکمیت درجه مسئولیت‌ها و اثرات مترتبه بر آن را تعیین خواهد نمود.

هر نوع انتقال امتیاز مشروط به تصویب دولت خواهد بود.

ماده بیست و هفتم - این قرارداد پس از تصویب مجلس و توشیح آن از طرف اعلی‌حضرت همایونی قابل اجراء می‌گردد.

در تاریخ ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ این قرارداد در طهران منعقد گردید.

این امتیاز که مشتمل بر بیست و هفت ماده است، در جلسه هفتم خردادماه یک هزار و سیصد و دوازده شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

تصویر نمونہ اسناد

<https://ome/seenakht.lib>

https://t.me/shenakht_lib

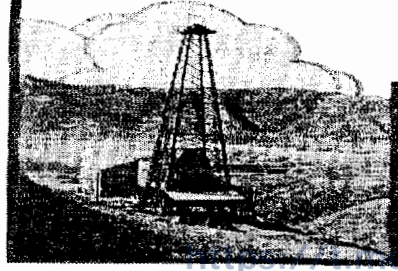
سند شماره ۱

Thursday, December 1, 1932

THE EVENING

D'ARCY—a Portrait in OIL

By IAN COSTER



The romance behind the Anglo-Persian Oil Company, whose concession has been cancelled by the Persian Government.

BUT for a chance consultation in a lawyer's office in a sun-baked Australian town, the most extensive oil-field in the world would never have come under British control and the colossal enterprise known as the Anglo-Persian Oil Company might never have existed.

William Knox D'Arcy, a bluff and hearty solicitor, concerned only with the little processes of the law in his small town, was drawn into the fabric of international finance by the curious weaving of fortune. His future looms large to-day when his original concessions are being challenged by Persia.

D'Arcy's story built fiction. He was born in Newton Abbot, Devonshire, in 1844, and in 1866, when young D'Arcy was 17 and through Westminster, his lawyer father took the family to Australia. D'Arcy Senior set himself up as a solicitor in Rockhampton, Queensland, and his son eventually took over the practice.

He may have dreamed dreams as he sat in his stuffy office, but it is certain that his imagination fell well short of what was in store for him.

One day in the late 'eighties a sheep-grazier client, one Sandy Morgan, dropped in to see him. Morgan owned a big ranch in the hills. He thumped down a lump of rock on D'Arcy's desk and said, "What's this stuff? There's a whole mountain of it back of my place."

D'Arcy had a good look at the rock. He guessed that it was good quartz. He sent it to Sydney to have it assayed. When the report arrived he knew that fortune was within his grasp.

That was the beginning of the famous Mount Morgan mine, one of the world's wonders in gold production. In exchange for his savings and his work as organizer, D'Arcy took a 25 per cent capital stock of £1,000,000. The mine prospered. For the next ten years D'Arcy sat back in his office chair, attended to the wants of his sheep-owner clients, and watched his capital grow.

That might have been the end of the story—Selling the Make-Fortune in Mining Venture—but it was not. William Knox D'Arcy decided to wander round and see a bit of the world with his wife. He had made £100,000, and he left instructions that a parcel of his shares (then worth £8 each) should be sold.

The D'Arcy family went first to Egypt, then to Italy, then to Vienna. They were there at the time. In Vienna, D'Arcy happened to see an old copy of "The Times" containing an announcement that if he got in touch with his bankers in London, he would learn something in his own language. D'Arcy was in a hurry to answer it, but his wife insisted.

When at last he came to London he found that, during his absence, the share had risen to £17 and he had £1,200,000 to his credit. He had been taken suddenly on his breezy, gossamer nature-wide to comb out all his old friends who had sold out at a lower price. He divided £70,000 among them.

Unexploited Country

The life of a millionaire palled. D'Arcy felt an itch to get back to work and to put his capital to good use. He decided to go back to the earth which had given him his fortune and to concentrate on it.

Again he had a chance meeting. This time with a young Persian named Khabib, who told him about the oil seepages in the northern part of his own country. Although oil had been known since the time of the many centuries, the country had been unexploited. Practically all the petroleum came from the United States, Russia, and the Dutch Indies.

Tired with cosmopolitan D'Arcy sent out a geologist to explore. The two sands of the 300 miles oil-belt were found, and in 1901

D'Arcy, sure of his ground, received his independent concessions from the Shah for the exploitation of natural gas, petroleum and asphalt in the whole of Persia, except for the five northern provinces, for the next sixty years.

Desolate, treeless hills and valleys which since the downfall of the Sassanian Kings had been left to the hyenas, the jackals and the occasional passage of a nomadic tribe, were now penetrated. A camp was set up by the Maidan-i-Nafsan, the Field of Oil, where, in ancient days, trickles of oil had been collected from time immemorial and bartered by the wild tribesmen.

Hard by were the ruins of Masjid-i-Sulaiman, the Temple of Solomon. To the eternal fire of this shrine the oil had been fed in the days of the Zoroastrians, the fire-worshippers.

The drills of industry broke the ancient peace. D'Arcy had organized his company to wrest another fortune. Immense difficulties faced him. Supplies had to be carried on the backs of donkeys and camels and there was no adequate port. A pipe line had to be laid over the mountains.

Difficulties Overcome

For two years the pioneers slaved. By 1903 the capital was low. D'Arcy had drilled 2500,000 of his personal fortune into the rock, and there were only two small wells to show for it all. Difficulties of finance began to face him. The Germans, awake to the importance of the concession, began to make tempting offers and to exert pressure on him.

He stuck out against foreign ownership. Help came from Lord Strathcona, head of the ~~Imperial Oil Company~~ who offered another syndicate to work other parts of the concession. Together the pioneers fought against innumerable difficulties. They



A map showing the oilfields of North Persia and the pipe-line to Abadan.

blasted route tracks across the mountains and laid the 150 miles of pipe-line to the sea. They built railways, ships, whatever followers.

In 1908 the Anglo-Persian Oil Company was formed with Lord Strathcona as chairman and D'Arcy as a director. The Admiralty had then seen the vital importance of oil fuel for the Navy. The greatest oil export in the world, Professor (now Sir) John Galloway, was sent out to investigate the field.

The result was that on August 10, 1914, six days after England had declared war on Germany, the Royal Assent was given to the act which confirmed the Anglo-Persian. To-day, the British Government has a majority holding of 27½ millions in the company's ordinary shares.

D'Arcy died in 1917. He had seen his dream fulfilled. The oil he found and fought for was already a big weight in the balance of the fate of nations.

سند شماره ۱۵

TELEPHONE MOUNTVIEW 2901.
TELEGRAMS32, WEST HILL,
HIGHGATE, N. 6.PERSONNELRecue par l'entre- 15 Nov. 28
mise à la page de 8 —
Le Centre (Laurier)https://t.me/shenakht_lib

Mon cher ami,

Vous constaterez d'après la lettre ci-jointe que des progrès appréciables ont été faits dans les discussions qui ont eu lieu ici relativement aux propositions plutôt "révolutionnaires" que vous aviez formulées lors de notre entretien à Lausanne. Il a été extrêmement difficile de se mettre d'accord au sujet des changements fondamentaux à apporter dans les termes de la Concession, bien que je sois persuadé, qu'une fois institués, ces changements nous permettront de coopérer d'une façon beaucoup plus étroite et efficace qu'il n'est possible de le faire dans les conditions actuelles. Si seulement nous pouvions découvrir tout près de Téhéran une autre Lausanne, où nous pourrions échanger nos idées sous un beau ciel aux bords d'un joli lac, il serait facile, je n'en doute pas, d'arriver en peu de temps à une entente !

2.

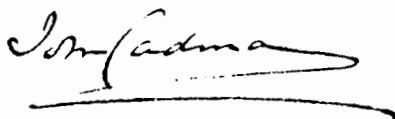
Je me rends parfaitement compte, cependant, que sous certains rapports, nous sommes encore assez éloignées l'un de l'autre, mais puisque nous avons tous deux la volonté d'aboutir, il devra nous être possible d'élaborer un projet à la fois satisfaisant et intéressant pour tout le monde.

Je ne puis assez vous dire combien j'ai été heureux que les circonstances m'aient permis de vous rencontrer de nouveau à Paris pour vous dire "Adieu" ou, disons plutôt, "A bientôt". Je me félicite d'avoir pu faire votre connaissance ici, car j'ai trouvé en vous quelqu'un dont les idées sont étroitement miennes sur toutes les questions ayant trait aux relations anglo-persanes. A force de patience et de persévérance, j'é ne doute pas que, le temps aidant, tout ne se termine pour le mieux. Je ne crois pas qu'il soit nécessaire de vous réitérer qu'en moi vous trouverez toujours un ami qui vous appuiera dans la grande tâche nationale que vous poursuivez.

3.

C'est avec plaisir que j'attendrai de vos nouvelles, car mes mouvements pendant les trois ou quatre mois à venir dépendront de la réponse que vous ferez à ma lettre.

Je vous prie de vouloir bien transmettre mes respectueux hommages à Madame Teymourtache, et de croire pour vous-même, mon cher ami, à l'expression de mes sentiments bien cordiaux.



Son Altesse Teymourtache,

TEHERAN.

سند شماره ۱۵/۱

FROM SIR JOHN CADMAN
TEL: LONDON WALL 6301

BRITANNIC HOUSE,
FINSBURY CIRCUS,
LONDON, E. C. 2.

15 Nov. 28

Son Altesse Teymourtache,
Ministre de la Cour,
TEHRAN.

http://t.me/shenakht_lib

Altesse,

Selon la promesse que j'avais faite de vous écrire, j'ai l'honneur de vous faire savoir que j'ai soumis dans leurs grandes lignes, au Conseil d'Administration, les propositions ayant fait l'objet de nos conversations à Lausanne.

Avant de passer en revue les principales considérations soulevées, voulez-vous me permettre de rappeler brièvement le préambule de nos discussions, dont l'importance, d'après ce qui suit, sera démontrée d'une façon évidente.

Vous avez exprimé le désir, confirmé plus tard par la lettre que vous m'écriviez de Rome, qu'un changement fondamental, sous forme d'une révision des termes de notre Concession soit apporté aux relations

2.

existantes entre le Gouvernement Impérial et l'Anglo-Persian Oil Company. J'ai de suite acquiescé à ce voeu, et pour aucune autre raison si non mon ardent désir d'affermir, entre le Gouvernement Persan et la Compagnie, la communauté d'intérêts qui depuis si longtemps a été troublée par des divergences d'opinion et d'interprétation, surtout en matière financière.

Afin de comprendre clairement la situation, j'ai profité à Lausanne de l'occasion qui s'est présentée de vous donner une indication de ce qu'aurait été la position de la Compagnie au cours de toutes négociations qui devaient suivre. Quelque désirable qu'il puisse être, et pour le Gouvernement Persan et pour la Compagnie, d'élaborer un nouveau projet, il existe un facteur important qu'il ne faudra jamais perdre de vue. Il s'agit en effet, non pas d'un arbrisseau sur le point d'être planté, mais d'un arbre ayant des racines ainsi que des branches vitales, et dont on ne pourrait même pas envisager la mutilation sans courir le risque non seulement de l'affaiblir

3.

sérieusement mais d'en compromettre même la vie. Il n'est pas question ici de la création d'une nouvelle organisation, mais d'une puissante entreprise qui est établie depuis 27 ans et qui exerce aujourd'hui une très grande influence dans le monde pétrolifère. Elle a envers ses actionnaires et d'autres personnes, pour toute la durée de la Concession, des droits et des obligations qui exigent le plus strict examen et la plus sérieuse des attentions par rapport à tout changement draconien qui pourrait être suggéré. C'est pour cette raison que je m'étais permis d'insister à Lausanne sur la nécessité de faire preuve des deux côtés d'un esprit de confiance et d'accommodement, duquel dépend, dans une grande mesure, le succès de ces négociations.

Les propositions formulées par Votre Altesse comportent tant de modifications fondamentales dans la constitution de la Compagnie, que j'ai rencontré auprès de mon Conseil d'Administration des difficultés en essayant de le convaincre de l'opportunité d'un tel changement radical. Toutefois, je suis heureux de.

۴.

pouvoir dire qu'en général le Conseil est maintenant disposé à accepter le principe que le Gouvernement Persan devienne actionnaire de la Compagnie, et qu'il reçoive en plus une redevance par tonne de production. Une fois ce principe admis, la porte s'ouvre et permet de pousser plus loin et plus à fond les discussions sur toutes les questions qu'il renferme. Aussi étendues qu'aient pu nous paraître les différentes questions lors de notre entretien à Lausanne, il ne devrait pas être impossible de les résoudre, si nous conservons toujours présent à l'esprit la raison d'être et le but de ces négociations.

Mes collègues à Londres sont aussi d'accord sur le "motif" suggéré par Votre Altesse à Lausanne, c'est-à-dire, "un règlement des difficultés que nous avons rencontrées au cours de l'exploitation de la Concession d'Arcy", et ils l'ont accepté comme base de ces pourparlers. Le but étant ainsi défini, on peut avoir le ferme espoir que notre "motif" ne sera ni confondu ni mis en danger par d'autres considérations au cours des délibérations qui devront inévitablement suivre la reprise des discussions. L'esprit de bienveillance et de bonne volonté qui a caractérisé nos réunions

5.

constituera, assurément, le meilleur moyen d'éviter toute confusion. Votre Altesse sera de mon avis en estimant qu'il ne peut exister aucune raison qui puisse nous empêcher d'atteindre notre but.

Au sujet de la toute importante question du nombre d'actions, je suis persuadé que Votre Altesse reconnaîtra combien est difficile le problème et combien il est naturel que diverses suggestions soient faites ici par mes collègues en vue de le solutionner. Votre suggestion d'une participation de vingt-cinq pour cent, dans la société telle qu'elle est actuellement constituée, ne serait certainement pas susceptible d'une application pratique sans porter un grave préjudice aux intérêts des autres actionnaires et dont l'opposition concertée mènerait presque fatalement à l'échec de ces pourparlers. Enfin j'espère qu'il sera possible, par suite de l'étude approfondie à laquelle on procède actuellement, de trouver des formules que vous pourrez accepter. Ne puis-je pas raisonnablement supposer qu'il importe peu de quelle manière soit résolu le problème des actions, dès l'instant que le résultat

6.

réponde au désir du Gouvernement Impérial d'une association aussi complète qu'étendue.

La question de la redevance est bien entendu très intimement liée à celle des actions, mais puisqu'elle ne présente pas les mêmes difficultés, je me contenterai ici de n'y faire allusion qu'en passant. Ainsi qu'il avait été dit à Lausanne, la somme effective à payer par tonne doit dépendre d'autres formes de participation et de leur importance. Eu égard à toutes les circonstances, et en supposant qu'un accord soit possible sur le nombre d'actions, je ne crois pas que la question d'une redevance puisse constituer une pierre d'achoppement et empêcher un arrangement amical.

La question de la "délimitation de superficie", ainsi qu'elle est mentionnée dans l'acte de concession, retient actuellement l'attention de nos experts techniques. A part les quelques réserves que nous avons discutées à Lausanne, les propositions avancées par Votre Altesse pourront, j'en suis sûr, être résolues d'une manière satisfaisante.

7.

Le prolongement de la durée de la Concession a provoqué quelques commentaires en raison du fait que l'on envisage de voir le Gouvernement Persan devenir actionnaire dans la Compagnie. Je ne vois pas l'utilité, au point où nous en sommes, d'entrer dans des détails à ce sujet. A mon avis il suffira, à l'expiration d'une période déterminée, de convenir que tout prolongement sera décidé d'un commun accord, et je ne doute pas qu'une formule satisfaisante ne soit trouvée lorsque l'heure en sera venue de régler définitivement ce point.

Je ne me propose pas de traiter ici les questions d'une importance secondaire qui figuraient dans l'Exposé des Motifs que nous avons préparé à Lausanne. Autant qu'il est possible de le prévoir, nous ne devons pas éprouver de grandes difficultés à résoudre chacune d'elles.

Ainsi que Votre Altesse pourra le constater, je me suis borné dans cette lettre aux considérations principales, sans m'égarer dans un labyrinthe de chiffres. Plus j'examine de près la situation, plus

8.

je suis convaincu que d'essayer de traiter un sujet de ce genre par correspondance, ressemble à un effort fait pour divorcer la théorie d'avec la pratique. Aussi explicite que chacun puisse être de son côté, il reste encore le danger de mauvaises interprétations, car une lettre, aussi bien puisse-t-elle être rédigée, n'est qu'un corps auquel il manque une âme. De toute manière, par conséquent, il est clair que nous ne pourrons arriver à une entente que lorsque nous aurons pris place autour d'une table de conférence.

Ce qui précède, permettra à Sa Majesté Impériale et à Votre Altesse de se rendre compte des sentiments qui prévalent de notre côté. Je serais heureux de connaître par votre réponse les impressions que nos conversations auraient pu produire de votre côté, et aussi d'apprendre si et à quel moment vous seriez disposé à reprendre nos discussions en vue d'aboutir à un accord complet, final et mutuellement satisfaisant. Je n'ai point besoin de vous assurer que je suis tout prêt à coopérer de quelque manière que vous pourrez juger utile afin d'atteindre notre but.

9.

Veillez agréer, Altesse, les assurances
de ma très haute considération,

A handwritten signature in black ink, appearing to be 'J. M. (adma)'. The signature is written in a cursive style with a long horizontal stroke at the end.

https://t.me/shenakht_lib

سند شماره ۱۷

Le 12 Décembre 1928

Tehran.

Mon cher Ami,

https://t.me/shenakht_lib

Au moment de Vous envoyer ma lettre du 6 Décembre, que Vous trouverez ci-jointe, j'ai eu le plaisir de recevoir le 8 Décembre par les bons soins de Mr. Jacks Votre lettre du 15 Novembre.

Je suis très heureux de recevoir une preuve de plus de cette sincère amitié qui nous unit et de Votre bonne volonté d'amener au bon port le navire des relations du Gouvernement Persan et de l'A.P.O.C. Nous parviendrons très facilement à trouver près de Tehran un endroit serein et calme pour continuer et achever notre échange de vue amical commencé à Londres et à Lausanne. Le lac nous manquera sûrement et l'endroit sera moins beau et moins confortable que Votre belle demeure de Londres ou même Lausanne mais qu'importe le côté artistique si nous parvenons à créer la consolidation d'une entreprise mondiale à l'abri de toute surprise qui aurait comme base la collaboration étroite du Gouvernement Persan et la confiance du peuple persan. La large perspective du développement de cette énorme affaire nous fera oublier les défauts de l'endroit, surtout que le soleil persan sera aussi pour

A Sir John Cedman

Président de l'A.P.O.C.

-2-

quelque chose pour embellir l'aspect général.

Faut-il Vous dire que j'ai appris avec grande joie Votre décision de venir en Perse, Vous y serez toujours le bienvenu, Mr. Jacks m'a dit que Vous comptez à quitter Londres vers le 10 Janvier et Vous êtes attendu en Perse au mois de Février, Sans parler du grand plaisir pour moi de Vous revoir en Perse, je suis heureux de la conformité de nos idées qu'on ne peut pas traiter une affaire, et encore de l'importance de la nôtre, par lettre et à distance, il faut se mettre autour d'une table de conférence pour s'entendre bien, Quant à mes propositions "révolutionnaires" et aux points sur lesquels nos pourparlers de Londres et de Lausanne nous ont amenés et dont le résumé est donné dans Votre lettre du 15 Novembre, je veux de mon côté Vous en exposer encore une fois les motifs, Vous verrez que je ne suis pas révolutionnaire dans le sens de bouleverser un ordre parfait établi, Tout au plus, je suis un chirurgien qui après avoir fait son diagnostic, est d'avis dans l'intérêt du malade et non par amour de couper et tailler dans la chair-d'opérer sans retard et profiter des circonstances favorables à l'opération, Evidemment tout étant relatif dans ce meilleur des mondes, j'avoue d'avance que je n'ai pas cet esprit de "conservatisme" dont la cause est la perfection des institutions du pays, Ce luxe n'étant pas donné à tout le monde, nous autres, ceux qui n'ont pas ce sentiment du "conservatisme", préférons de faire disparaître le mal le plus vite possible, En tout cas, je suis heureux de Vous avoir comme complice dans mes desseins "révolu-

-3-

tionnaires" ou évolutionnistes.

Je suis bien aise d'apprendre que, grâce à Vos efforts, le motif suggéré par moi, e. à d. "le règlement des difficultés que nous avons rencontrées au cours de l'exploitation de la concession d'Arcy " et la participation du G.P. ont été agréés par Votre Conseil d'Administration et que la question de redevance par tonne à régler et celle de la délimitation de superficie de la concession sont également acceptées. Quant à la prolongation, Votre formule ne m'est pas tout à fait claire mais je ne veux pas en parler à présent et préfère attendre Vos explications verbales.

Concernant Votre comparaison de l'A.P.G.C. à un arbre plein de vitalité, je suis le premier à reconnaître qu'il ne s'agit pas d'un arbrisseau à planter ou transplanter, qu'il est question d'un arbre qui a poussé les racines et les branches très solides et très vitales et que ce n'est pas dans notre intérêt de les lui couper et le mutiler imprudemment. Que Dieu nous garde de lui causer un préjudice quelconque.

Notre Souverain, dont la sagesse politique et le grand intérêt pour la prospérité de Son peuple et de Son pays sont connus, attachant une énorme importance à l'A.P.G.C. et nous tous Lui obéissant par conviction et Le suivant dans Ses idées, considérons cette entreprise utile au relèvement national persan, si l'on élimine les difficultés rencontrées et les obstacles ou plus tôt les causes de la division des intérêts. Mais nos considérations à part, Sire-Vous, Vous même, absolument

4

convaincu que le terrain actuel du développement de cet arbre est par -
faitement favorable? Vous avez là un bel arbre, fort, vigoureux, jeune, avec
beaucoup de sève de vie. Il a vécu 28 ans et il vivra encore 32 ans, mais
il ne vivra que 32 ans. Croyez-Vous que pour ce laps de temps il sera très
aisé de trouver les capitaux indispensables à son complet développement et
que les racines s'enfonçant encore deux ou trois mètres, ne rencontreront
pas une couche de pierre? //t.me/shenakht_lib

Il est incontestable que Vous avez une concession qui Vous donne toutes
les garanties d'existence. Mais, parlant en toute franchise, est-ce qu'elle a
dans sa forme actuelle la force morale et la simplicité d'application ?
Certainement, non. Vous connaissez, Vous même, trop bien l'opinion publique
persane pour que je Vous en parle. Tout gouvernement, étant obligé de la pren-
dre en considération, est par conséquent paralysé dans son plan de donner la
totalité de son concours. L'opinion publique considérant les intérêts per-
sans légitimes par les dispositions actuelles de la concession, la prospérité
de la Compagnie au lieu de donner la satisfaction due, accentue le sentiment
d'amertume des intérêts locaux, prétendus ou réels. Quant aux difficultés
pratiques, elles sont nombreuses et n'ont pas besoin d'être mentionnées ici.
Il suffirait seulement de se rappeler de nombreuses divergences d'opinion
survenues entre nous. Il est clair que tout arrangement du genre de celui
de d'Arm, Smith (qui n'avait jamais le pouvoir de le faire) n'aplanirait
les difficultés existantes ou à survenir entre les deux parties.

-5-

Etant d'accord sur la déféctuosité de létat des choses existantes, nous avons cherché ensemble à y remédier. Notre objectif était le rapprochement et même la communauté des intérêts de la Perse et de la Compagnie et nous étions d'accord que le règlement des points discutés pourrait donner la satisfaction mutuelle . Selon moi, la seule voie d'y arriver est la création d'une nouvelle concession comprenant les questions mentionnées afin que, une fois légalement et dûment approuvées, e.à s. tout élément d'inquiétude éliminé, elle puisse prendre place de l'ancienne.

Au même temps, comme nous en avons parlé, il faudrait liquider la question des réclamations du G.P. par un versement de 500,000 L.S. pour ne pas laisser d'éléments de discord.

J'ai été très heureux de constater que les intérêts de la Perse, à l'égal de ceux de la Compagnie, Vous étaient chers. Ceci me donne et me donne toujours la confiance en un succès prochain.

Nous nous rendons évidemment compte des difficultés que nous allons rencontrer en luttant contre l'esprit de routine et une opinion publique pétrifiée dans certaines idées. Vous reconnaissez même que notre situation serait beaucoup plus difficile de faire accepter la prolongation de la concession. Mais Vous sachant animé du meilleur désir du monde de faire aboutir les négociations à une entente et sachant Votre crédit près de Votre Conseil d'Adminis -

-6-

tration, je ne faisais fort de mon côté, une fois l'autorisation et l'approbation de S.M.I. obtenues, de pouvoir ~~de~~ convaincre à mes idées les nôtres; A mon retour en Perse, comme je Vous écris dans ma première lettre, j'ai été heureux de constater que je ne me trompe pas d'espérer à avoir l'appui de mon Souverain dans mes négociations. Tout ceci récapitulé et étant tout à fait de Votre avis que pour résoudre une question d'une telle importance, il est absolument nécessaire de se rencontrer, Votre arrivée en Perse est indispensable. Surtout que S.M.I. a une grande sympathie pour Votre personne et une confiance absolue en Votre bonnoy volonté de concourir au rapprochement des intérêts de deux parties. Donc, mon cher Ami, mettez Vos pouvoirs d'accepter nos propositions, d'ailleurs très modérées, dans Votre poche, oubliez, comme je Vous ai dit à Londres, Votre carnet de abbé à Londres ou, au moins, à la frontière et venez pour être le bienvenu.

Avant de finir ma lettre, je veux Vous dire également quelques mots d'une autre question. Il s'agit de cette région contestée entre la Perse et l'Iraq où nous avons actuellement des raisons à nous plaindre du procédé d'exploitation employé. Comme Vous savez, on a perforé à des distances inégales des deux côtés de la frontière (contestée aussi) les puits. Le puit du côté d'Iraq étant tout près de la frontière et le maré "noche de nétrale" se trouvant sous la frontière

-7-

perso-irakuise, notre pétrole s'en va vers l'Iraq. Pour remédier
https://t.me/shenakht_lib
à cela il paraît logiquement nécessaire ou bien creuser un puit à
même distance de notre frontière et le mettre dans les mêmes con-
ditions d'exploitation ou bien fermer le puit du côté d'Iraq.
Je suis sûr que Vous même ferez le nécessaire à cet effet.

Ma femme envoie ses salutations à Lady Codman et à Vous et je pré-
sente à Lady Codman mes respectueux hommages.

Je Vous prie, mon cher Ami, d'agréer mes sentiments les plus cor-
dialement amicaux.

سند شماره ۱۷/۱

Le 6 Décembre 1938

Tehran

Mon cher ami,

Depuis mon retour du Sud je veux Vous écrire pour répondre à Vos lettres du 30 Septembre et du 1 Novembre et pour Vous exprimer, ainsi qu'en Votre personne à Mr. Jacks et Vos autres collaborateurs en Perse, mes vifs remerciements pour l'accueil cordial que nous avons reçu pendant notre visite aux installations de l'A.P.O.C. à Abadane et Masdjidi - Suleiman. L'hospitalité que nous y avons vue et l'amabilité d'accueil dépassaient toutes les limites d'attente et notre visite était rendue si intéressante que nous avons emporté les souvenirs inoubliables de notre, malheureusement, court séjour. J'ai été ravi de faire la connaissance de Votre frère, le professeur Codman, à Masdjidi-Suleiman. La partie la plus intéressante pour moi était la visite au laboratoire de Votre frère qui nous a donné des explications très sérieuses et précieuses sur son travail exclusivement intéressant. Nous étions surpris d'apprendre que manipulant et travaillant le gaz dans le but des recherches du benzol, il a trouvé le caoutchouc.

A Sir John Codman

Président de l'A.P.O.C.

En visitant les installations et les créations de la Compagnie, j'avais deux sentiments très prononcés, l'un d'admiration pour la volonté humaine qui parvient à dompter et vaincre tout et surmonter les difficultés apparaissant insurmontables et l'autre d'étonnement vis-à-vis de la grandeur de l'entreprise, tant de richesse à extraire et à exploiter. Je suis encore plus convaincu qu'auparavant de la nécessité d'unir tous nos efforts et de les diriger vers le but du développement et de la prospérité de l'entreprise. Vous connaissez là-dessus mon avis et les moyens à employer pour y parvenir. Vos lettres du 30 Septembre et du 1 Novembre me prouvent qu'heureusement Vous travaillez de Votre côté pour y parvenir.

Précisément hier nous parlions avec Sir Robert Clive du programme du Gouvernement approuvé récemment par la Chambre (et où, pour poser dès à présent les bases de la possibilité de la révision des concessions existantes et pour Vous donner un argument de plus près de Votre Conseil d'Administration pour prouver la nécessité de s'entendre avec le Gouvernement Persien sur les nouvelles bases, le Gouvernement a déclaré et le Radjiss a approuvé que si les détenteurs des concessions se croient avoir besoin de l'entier concours du Gouvernement, ce concours aurait pu être donné si les concessions existantes étaient l'objet d'une révision) et j'ai vu avec grand plaisir que Sir Robert était sommairement au courant de nos négociations. Je suis convaincu que son concours sera très utile à l'affaire.

-3-

Seulement, mon cher Sir John, je vois que l'affaire ne marche pas très vite et que Vos nouvelles ne me sont pas encore arrivées.

Comme il a été convenu, j'attends toujours sans pouvoir agir et sauf Sa Majesté Impériale, personne n'est encore au courant. Je ne Vous cacherais pas d'être déjà un peu inquiet pour le retard apporté car nous allons tantôt commencer nos autres affaires à négocier avec Sir Robert Clive et je suis convaincu qu'avec son expérience, son tact et son intelligence et surtout avec son désir de créer les relations d'une parfaite cordialité entre son pays et la Perse, il nous sera possible de nous entendre sur tous les points et je ne voudrais pas que les questions relatives à l'A.P.O.C. restent en suspens. Mais Vous connaissant le partisan convaincu de notre extente et Vous sachant à l'œuvre, je me tranquillise et j'attends toujours la nouvelle de Votre arrivée en Perse.

Je Vous ai écrit une lettre en date du 22 Octobre mais mon voyage m'a empêché de Vous l'envoyer à son temps. Je la joins à celle-ci avec la prière de faire le nécessaire pour les commandes.

Je Vous prie, mon cher ami, d'agréer mes sentiments les plus cordialement dévoués.

-4-

Ma femme me charge de présenter à Lady Codman, à qui j'of -
fre mes hommages respectueux, ainsi qu'à Vous son amitié,

Nous Vous prions également de transmettre nos salutati -
ons au cher Docteur Young,

Bien cordialement à Vous

سند شماره ۳۰

THE TREASURY GENERAL
MINISTRY OF FINANCE

TEHRAN

DATE 11 Esfand 1307

Inclosures



خزانه داری کل

وزارت مالیه

تهران

تاریخ

در جواب مکتبی است مراجعه شود به شماره

ضمیمه

A Son Altesse

le Prince Firouz

Ministre des Finances.

https://t.me/shenakht_lib

Altesse,

Faisant suite à mon rapport sur l'Anglo-Persian Oil Co, j'ai l'honneur de vous informer de ce qui suit:

L'Administration des Mines m'a transmis une série de Papiers concernant l'Anglo-Persian Oil Co et entre autres un recueil des Conventions de la Société avec les Chefs Fakhtary et avec le Shaikh de Mohammerah.

Je n'ai pu, pour le moment, prendre connaissance des Traités avec les Chefs Fakhtary, qui sont en langue persane, mais j'ai étudié l'Accord avec le Shaikh de Mohammerah. Je ne puis me rendre compte de la portée actuelle de cet Accord, - je ne sais s'il est encore en vigueur et à l'égard de qui il peut déployer ses effets, - mais ce que je puis dire, c'est que le texte tel que je l'ai sous les yeux, est de nature à mériter l'attention toute spéciale du Gouvernement Persan.

Je me permets de relayer rapidement les dispositions qui me paraissent les plus importantes au point de vue des questions dont l'étude nous occupe actuellement:

THE TREASURY GENERAL
MINISTRY OF FINANCE

TEHERAN

DATE

IN FAVOR OF

INCLOSURES



خزانه داری کل

وزارت مالیه

تهران

تاریخ

در جواب مستندات مراجعه شود به نامه

شعبه

1. L'Agreement est conclu, telle est du moins la volonté des parties, de façon à lier non seulement le Shaikh de Mohammerah et ses héritiers, mais encore tous les membres de ses tribus. Nous remarquons en effet les passages suivants dans l'Introduction: "Agreement between the Shaikh of Mohammerah, on behalf of himself, heirs and successors, and his tribesmen, on the one part, .. and Messrs Anglo-Persian Oil Co Limited of London on the other part..", puis à l'article 5: "In order that the Company may be satisfied that it has received from the Shaikh good and sufficient title to this land, and that no one in future can put forward any claims in regard to the lands, the Shaikh undertakes for the complete validity thereof to cause this document to be signed and sealed by the elders of his tribes."

essentiellement

2. L'Agreement est un contrat de bail, entre le Shaikh de Mohammerah comme bailleur et l'Anglo-Persian Oil Co comme locataire, portant sur certains terrains dont la Société a besoin pour ses installations. Les terrains donnés en bail sont étendus (Voir Art. 1: 650 jaribs à 4.669 yards carrés, sur l'île d'Abbadan, avec une bande de terrain allant jusqu'au Bahmanshir River, Art.2: faculté d'obtenir des terrains supplémentaires contigus à ceux mentionnés à l'article 1, Art. 3: concession gra-

THE TREASURY GENERAL
MINISTRY OF FINANCE

TENERAN

DATE

IN RECEIPT OF

Inclosures



خزانه داری کل

وزارت مالیه

طهران

تاریخ

در جواب مستقیماً است ملاحظه شود به شماره

شعبه

taite d'une bande de terrain pour la construction des pipe-lines nécessaires, et concéder de terrains pour la construction de stations télégraphiques et téléphoniques, de "Pumping Stations" et de logements pour les inspecteurs et ses employés, Art. 4, location de terrains à Anvaz et Nasiri)

3. La Société construira sur les terrains données en bail les installations les plus diverses. Il n'y a pas de spécification pour les terrains mentionnés aux articles 1 et 2 (comp. l'Introduction "for the purposes of their business"),-- à l'article 3 il est question de pipe-lines, stations de télégraphe et de téléphonie, Pumping Stations, "caserne for line inspectors and staff",-- enfin l'article 4 parle de "storage of material, and building of store-houses and such other buildings as are needed for the Company's business".

4. A l'expiration de la durée de la Concession le Shaikh reprend tous les terrains donnés en bail, et la Société s'engage à abandonner toutes ses installations sans prétendre à aucune compensation pour les dépenses qu'elles a effectuées à cet égard. Nous citons les passages suivants: Art. 3: "It is understood that at the expiration of the Concession or any extension or renewal thereof, the Company shall relinquish every Pumping or other station that may be erected on these lands, and shall not be

THE TREASURY GENERAL
MINISTRY OF FINANCE
TEHRAN



خزانه داری کل

وزارت مالیه
تهران

DATE
IN WHOLE PAID FOR BY
INCLOSURES

تاریخ
در جواب مستفی است مراجعه شود به نامه
ضمیمه

entitled to demand any refund of expenses in this connection
Art. 4: "Whatever buildings there shall be on this area shall be left by the Company on the expiry of the lease or of any extension or renewal thereof, and they are not entitled to demand any refund of expenses in this connection
Art. 8: "The Company undertakes that on the expiry of the Concession, or of the period of the extension or the renewal thereof, all these lands which have been acquired from the Shaikh on lease or free of charge, shall be abandoned and shall be given back into the hands of the Shaikh, and the Company will have no further rights in them."

Il nous paraît sans de doute que d'après les dispositions de l'Agreement, interprétées en elle-mêmes, le bailleur a le droit de recevoir ses terrains, à l'expiration du bail, avec toutes les constructions qui y ont été faites et dont la propriété suit celle du sol, selon le principe "superficies solo cedit".

D'or constate dès lors que l'Agreement est en contradiction avec la Concession d'Arcy, article 15, qui dit: "A l'expiration de la durée de la présente Concession tous les matériaux, bâtiments et appareils dont il serait fait alors usage par la Société pour l'exploitation de son industrie deviendront la propriété du dit Gouvernement et la Société n'aura droit à aucune indemnité de ce chef."

THE TREASURY GENERAL
MINISTRY OF FINANCE

TANZANIA

DATE

NO. OF THE LETTER

INCLOSURES



خزانه داری کل

وزارت مالیه
طهران

تاریخ

در جواب فتیله است مراجعه شود به شماره

ضمیمه

L'article 15 de la Concession sous-entend clairement que la Société doit construire ses installations sur les terrains cédés par l'Etat ou sur les terrains acquis par la Société à titre de propriété en conformité de l'article 3 al. 2 de la Concession. Si la Société a construit sur des terrains qui ne lui appartenant pas, cela peut conduire à de graves difficultés au moment de l'expiration de la Concession.

Il est nécessaire d'examiner quelle est la situation juridique actuelle des terrains donnés en gage par le Shaikh de Mohammerah, s'il existe d'autres Conventions sur le même modèle que l'Accord avec le Shaikh de Mohammerah, et il faut liquider la question dans les pourparlers avec la Société, dans ce sens que la Société doit faire l'achat des terrains sur lesquels elle a construit ses installations.

Veuillez agréer, Altesse, l'expression de ma haute considération.


خزانه دار کل
Le Trésorier Général

۱۱۱۱۰۰

سند شماره ۳۱

THE TREASURY GENERAL
MINISTRY OF FINANCE
Tehran
DATE 26 Esfand 1307.
No. 31



خزانه داری کل
وزارت مالیه
تهران

تاریخ
در جواب مکتوبی است مراجعه شود به اسره
شعبه

A Son Altesse

le Prince Firouz

Ministre des Finances.

https://t.me/shenakht_lib

Altesse,

Vous avez bien voulu me demander un rapport
supplémentaire sur la question de l'Anglo-Persian Oil
Company : sur le remplacement de la Concession
actuelle par une nouvelle Concession.

1. Une nouvelle Concession.

La Concession d'Arcy serait remplacée par une nouvel
le concession dont je me bornerai, dans le présent rapport
à indiquer les principes fondamentaux.

Note. Avant que le Gouvernement entame la discussion
des principes d'une nouvelle concession avec l'A.P.O.C.,
il est indispensable de déterminer les prestations
surquelles le Gouvernement a droit, sur la base de
la Concession d'Arcy, pour les années écoulées. Je
crois que le droit incontestable du Gouvernement de
recevoir ce qui lui est resté dû dans le passé, ne soit
perdu de vue au cours des discussions sur la nouvelle
concession, ou que la société cherche à faire passer
l'éponge sur le passé en compensation des avantages
qu'elle accorderait au Gouvernement dans la Nouvelle

THE TREASURY GENERAL
MINISTRY OF FINANCE

TEHRAN

DATE
BY
INCLOSURES

خزانه داری کل

وزارت مالیه
تهرانتاریخ
در جواب مکتوبی است مراجعه شود به امره
شعبه

Concession.

2. Contenu de la Concession.

Pour définir le contenu de la nouvelle Concession l'on s'inspirera du texte des articles 1 et 2 de la Convention de 1928, en tenant les termes " raffiner, rendre propre au commerce, transporter, acheter, vendre ou exporter" rentrent également dans la catégorie des droits spéciaux et exclusifs, sous réserve de quelques exceptions bien déterminées. Ces exceptions sont les suivantes:

- a) L'exportation du pétrole de toutes les provinces et à toutes les frontières sera libre.
- b) le transport du pétrole brut et de ses produits, par quelque moyen que ce soit: pipe-line, chemins de fer, et ions etc, sera libre dans toute la Perse,
- c) en faveur du Concessionnaire les termes "raffiner, rendre propre au commerce, transporter, acheter, vendre ou transporter" vaudront pour toute la Perse.

3. Durée de la Concession.

Elle ne dépassera pas cinquante ans.

4. Étendue géographique.

La Concession s'étend à toutes les provinces de la Perse, à l'exception des cinq provinces du Nord: Azerbaïdjan, Guilan, Mazencelan, Asterabad et Khorassan.

THE TREASURY GENERAL
MINISTRY OF FINANCE
TENERAM

DATE
BY
In closures



خزانه داری کل
وزارت مالیه
طهران

تاریخ
در جواب مکتوبات مراجعه شود به شماره
شعبه

Fete. Comme le Gouvernement ne peut à la longue réunir en une seule concession plus des 4/5 de la Perse, il faudra prévoir la réglementation suivante:

pendant les trois premières années le Concessionnaire a le droit d'ex ploiter sa Concession dans toute son étendue géographique. Au bout de ces trois années la Société devra libérer entièrement et à son choix un tiers de la superficie concédée par la Concession,- après un nouveau délai de deux ans la Société devra libérer encore un sixième de telle sorte que cinq ans après le début de la Concession la Concession ne pourra s'exercer que sur la moitié de la superficie originale. Les terrains libérés seront à la libre disposition ^{du} ~~de~~ Gouvernement.

Cet e réglementation pourrait présenter pour le Gouvernement un inconvenient sérieux, en ce sens que la Société appliquera naturellement, pendant la période relativement courte de trois ou cinq ans, toutes ses ressources à l'exploration des terrains de sa Concession, ce qui se traduira par la baisse du dividende. De plus les terrains libérés au bout des trois ou cinq ans auront la réputation d'être sensiblement plus pauvres en pétrole que les terrain restés en possession de la A.P.O.B. et le Gouvernement aura notablement de la difficulté pour en organiser l'exploita-

THE TREASURY GENERAL
MINISTRY OF FINANCE
TEHRAN
DATE



خزانه داری کل

وزارت مالیه
تهران

تاریخ

در جواب مستفی است مراجعه شود به لثرو

ضمیمه

tion, par un nouveau Concessionnaire, à des conditions
favorables.

5. La participation du Gouvernement dans l'A.P.O.C.
et ses subsidiaires.

https://t.me/shenakht_jib
En conséquence de la nouvelle Concession l'A.P.O.C.
et ses subsidiaires assurent au Gouvernement l'apport d'une
participation au capital social de 25 %.

Cette participation est réalisée par l'émission
d'actions de préférence. Celles-ci recevront un dividende
cumulatif de 5 %, c'est-à-dire que les profits nets
serviront en première ligne à assurer un dividende de 5 % à
aux actions de préférence,-- sur le surplus l'on prélève à
5 % pour les actions ordinaires, et le reste sera distribué
également entre les actions de préférence et les actions
ordinaires.

Le fonds nouvelle augmentation du capital le Gouverne-
ment aura le droit d'acheter un quart au noir. Si la
Société distribue un bonus ou tout autre avantage le Gouver-
nement aura toujours le droit de participer pour un quart.

L'augmentation du capital par laquelle la partici-
pation du Gouvernement sera réalisée, trouvera sa contrepartie
au point de vue du Bilan de la Société, dans la valeur de
la nouvelle Concession, et au point de vue de la conduite
des affaires, la Société pourra certainement en assumer la

THE TREASURY GENERAL
MINISTRY OF FINANCE

TEHERAN

DATE

TO WHOM IT MAY CONCERN

INCLOSURES



خزانة داری کل

وزارت مالیه
طهران

تاریخ

در جواب مکتبی است مراجعه شود به شماره
شومره

responsabilité, car d'après les déclarations qui ont été faites de temps à autre dans les Assemblées d'actionnaires, la Société doit disposer de réserves achées très importantes.

En prenant en considération la solution indiquée dans le présent arrangement, le Gouvernement Persan ne doit jamais perdre de vue le fait qu'il ne possèdera jamais qu'une minorité d'actions et que certains grands actionnaires peuvent avoir des intérêts dans la Société qui ne se concordent nullement avec le simple intérêt économique de recevoir des dividendes aussi conséquents que possible.

Beaucoup plus difficile à réaliser est la participation au capital des subsidiaires, conformément à l'idée que Votre Altesse a bien voulu me suggérer.

Comme la plupart de ces sociétés ne reçoivent pas une contre-valeur déterminée, il est presque impossible, au point de vue de la conduite des affaires et au bilan de ces sociétés, de réaliser la participation du Gouvernement au capital de ces sociétés *par une autre action ou autre capital.*

Il va sans dire que le Gouvernement Persan, en accordant une nouvelle Concession, a le droit de poser ses conditions. Mais il faut éviter que ces conditions se heurtent à des principes juridiques ou commerciaux fondamentaux ou qu'elles puissent être une nouvelle source de

THE TREASURY GENERAL
MINISTRY OF FINANCE

GENERAL

DATE

IN FULL PAID

INCLOSURES



خزانه داری کل

وزارت مالیه

طهران

تاریخ

در جواب محتسبی است مراجعه شود به امره

ضمیمه

méfiance réciproque.

Pour les subsidiaires dont la Société-Mère possède plus des 75 % du capital-actifs, la participation du Gouvernement pourrait être réalisée facilement, en supposant toujours que l'A.P.C.C. en accepte le principe, par la possibilité en faveur du Gouvernement d'une partie des actions en possession de la Société-Mère.

Mais je prévois la grande objection que l'A.P.C.C. ne manquera pas de faire valoir contre la participation du Gouvernement au capital des subsidiaires et qui consistera à dire que le Gouvernement, en participant avec 25 % au capital social de la Société-Mère, participe eo ipso à tout l'actif de la Société, y compris les participations de l'A.P.C.C. dans ses subsidiaires.

Pour les sociétés subsidiaires dont l'A.P.C.C. n'a pas les 75% au moins des actions, elle refusera naturellement à céder au Gouvernement les 25 % du capital, ce qui lui priverait de sa majorité.

Le Gouvernement doit en outre toujours examiner la question si cette participation au capital des subsidiaires de 25 %, est plus favorable que la participation aux profits nets, de 16 %, prévue par la Concession d'Arcy. Dans mes rapports précédents, sur la Concession d'Arcy j'ai montré combien compréhensive cette participation au profit doit être, en conformité du programme de l'article premier.

THE TREASURY GENERAL
MINISTRY OF FINANCE

TERRAC

DATE

IN FAVOR OF

INCLOSURES



خزانه داری کل

وزارت مالیه
طهران

تاریخ

در جواب محتوی است مراجعه شود به اسره

شماره

Pour plus de clarté je donne un exemple purement théorique:

Une subsidiaire réalise £ 1.000.000 de profits nets.
D'après la Concession d'Arcy, en déterminant la participation du Gouvernement aux profits avant le calcul de l'Income Tax, le Gouvernement recevra £ 160.000.- Si par contre il possède le quart des actions, il devra se soumettre à la politique commerciale de la Société, - il ne pourra pas s'opposer à ce que l'on déduise des sommes importantes du profit, avant le calcul de dividendes, pour l'Income Tax, pour amortissement et dépréciations, pour toutes les autres réserves, de telle sorte qu'il est fort possible que le régime de la Concession d'Arcy soit plus favorable dans notre exemple que ne le serait le nouveau système.

La compagnie ne peut être avant ou encore or de avoir le nouveau système, quand il s'agirait de subsidiaires dont l'A.P.C.C. possède un plus faible pourcentage d'actions et dont elle ne se déciderait donc jamais à céder au Gouvernement le 20 % du capital.

Dans cet ordre d'idées je désire insister à nouveau sur les difficultés juridiques que présenterait cette participation du Gouvernement au capital des subsidiaires - difficulté qui résulterait du fait également pour la participation aux profits nets selon la Concession d'Arcy - dans le cas de subsidiaires dont l'A.P.C.C. ne posséderait pas le 100 %

THE TREASURY GENERAL
MINISTRY OF FINANCE

TEHRAN

DATE
IN HOW MANY COPIES
INCLOSURES



خزانه داری کل

وزارت مالیه

تهران

تاریخ

در جواب پیشنهاد است مراجعہ شود به شماره
شعبه

du capital et dont les Statuts ne prévoient pas la participation du Gouvernement, au capital ou aux profits. Chaque actionnaire, abstraction faite de l'A.P.O.C. et des personnes ayant partie liée avec elle, pourrait invoquer le principe de la bonne foi. Chaque participation au Gouvernement supposerait la modification des Statuts par l'Assemblée Générale. Il importe de se rendre pleinement compte de toutes ces difficultés.

Toute participation au Gouvernement aux subsidiaires, que ce soit au capital ou aux profits, pourrait pousser l'A.P.O.C. à détacher ces sociétés de son organisation. Que l'on conserve donc le système actuel ou que l'on adopte le nouveau régime, il importe que le Gouvernement étudie une réglementation qui lui permette d'intervenir dans le cas d'un pareil détachement, par une vente ou autrement. ^{révisé} Les difficultés envisagées à cet égard.

Même si on concédait au Gouvernement le principe de la participation aux subsidiaires, le danger subsisterait que cette participation soit rendue illusoire par la modification des méthodes par lesquelles l'A.P.O.C. assure les moyens financiers de son organisation (recours à un système d'emprunts, de la part des subsidiaires, et de prêts de la Société principale).

THE TREASURY GENERAL
MINISTRY OF FINANCE
TEHRAN



خزانه داری کل

وزارت مالیه
تهران

تاریخ

در جوابه مستقیماًست مرامه شود به شماره

شصت و نه

DATE

MEMORANDUM FOR THE SECRETARY

Inclosures

Je me rends pleinement compte, également, du danger que court le Gouvernement, en sa qualité de participant au capital de la Société Mère et des subsidiaires, par le fait de la conclusion de certains contrats, par la politique de la fixation des prix entre la société principale et ses subsidiaires, et, si nous ne nous allons plus loin encore, par des conventions syndicales avec d'autres organisations similaires.

Faut-êtré to the end d'ailleurs devraient-elles conduire le Gouvernement, ou bien à limiter sa participation à la Société-Mère, en augmentant éventuellement le pourcentage, ou bien de déterminer nettement la catégorie des subsidiaires auxquelles cette participation doit s'étendre en en limitant le cercle à celles dont les matériaux, bâtiments et installations couvront, à l'expiration de la Concession, devenir propriété du Gouvernement.

سند شماره ٣٢

Le 29 Mars 1929

Mon cher Sir John,

Dans la préparation du contre-projet de la nouvelle concession, nous nous sommes heurtés à une difficulté en ce qui concerne la rédaction définitive de l'article Z, ayant trait aux impositions douanières et fiscales.

Pour éviter tout malentendu à cet égard, je désire Vous expliquer clairement la situation telle que nous l'envisageons.

Vous savez bien, quel est notre principe :

nous ne voulons pas créer de précédent pour l'exemption des impôts et taxes, surtout l'exemption des impôts sur le revenu et sur le capital. D'autre part voulant aller à la rencontre de Votre désir et créer pour la Compagnie pour un laps de temps raisonnable une base fixe pour ses redevances de ce chef, nous étions disposés à fixer à forfait la charge devant compenser ces différentes impositions. Voici maintenant le fait qui vient nous barrer cette voie - le Gouvernement Britannique perçoit de la Compagnie des impôts sur le revenu et le Gouvernement Persan se croit justifié à recevoir de cette somme toute la part afférente aux revenus produits sur son territoire. La meilleure justification de ce point de vue se trouve dans le fait que les experts gouvernementaux d'un grand nombre de nations, et parmi eux les experts du Gouvernement Britannique, à la suite des études et du rapport des experts techniques de la S.E.N. en matière de double imposition et d'évasion fiscale, ont reconnu et recommandé dans le projet de convention qu'ils ont préparé et soumis au Conseil de la S.D.N. le principe qui nous préoccupe.

À Sir John Cadman

Président de l'A.P.O.C.

Nous avons l'intention d'exposer ce point de nos réclamations de ce chef au Gouvernement Britannique. Si nous venions donc à décider ce point avec Vous sans avoir éclairci définitivement la question avec le Gouvernement Britannique nous aurions nous même créé une contradiction dans nos actes car si nous voulions d'une part recevoir les impôts qui nous seraient dus par Vous en vertu de notre loi des impôts sur les revenus qui est en préparation, nous ne devrions pas d'autre part Vous faire supporter autant que possible les charges d'une double imposition.

Vous admettez donc avec moi qu'il est difficile de statuer sur cette disposition dans le projet de la nouvelle concession sans avoir préalablement tiré au clair ce point important avec le Gouvernement Britannique.

Veillez agréer, mon cher Sir Jehn, l'assurance de ma haute considération.

سند شماره ۳۷

WESTERN 4887.

44B, LEXHAM GARDENS,

لندن W.8.

۱۹۲۹ / ۳۱

قوانینم
پس از مشاهده زود مطلع و متفحص

https://t.me/shenakht_lib

با ارفاق حضرت از دلالان جراب سلفی صرفاً میفرماید

و حال آنکه شرح مربوط نوشته و تیره تیره بود در وقت ارفاق

بزرگترین منت مدونه در فرشته ه اطلاعات لازم است یافته

و محافظت کرد اینکه با کمترین افعال و تصرفات بخرد

و خواننده و دلبر فاش تمام سید در روز پنجشنبه از بند خود استم

باج بد فرج است سند حکام و معنی بر روز سه شنبه داده اند

کمان حکم تصدیق از سر و گردن هم و سر بد محبت

و کهنه در میان نیست و هر دو کمان میخوانند با کار کاران
در بر سر دست دلالان حکام خود را مقتضی

Handwritten notes on the right side of the document, including the name 'L. H. B. LEXHAM' and other illegible text.

سند شماره ۵۰

"Financial Times"

26/7/29

ANGLO-PERSIAN OIL
GROWTH OF VALUE OF
STATE HOLDING.

In the House of Commons yesterday the Chancellor of the Exchequer gave details of the Government holding in the Anglo-Persian Oil Company. MR. JAMES GARDNER (Lab., Hammersmith N.) asked the amount of interest which has accrued to the Government from its holding in Anglo-Persian Oil stock for each year since 1908, together with the nominal and market value of such Government-held stock in each year.

MR. SNOW EN, in reply, wrote: The Government holding in Anglo-Persian Oil stock, etc., only dates from 1914, when the Anglo-Persian Oil Company (Acquisition of Capital) Act, 1914, was passed.

The following Table shows for each year since (1) interest receipts, and (2) Nominal and market value of stock, etc., held at 31st March:—

	(1) Interest received 1st year.	(2) Government holding on 31st March		
		Ordinary shares.	Debenture stock.	Market value.
1914-15 ...	—	£750,000	—	£751,031
1915-16 ...	22	1,000,000	—	21,001,969
1916-17 ...	79	1,250,000	—	21,251,994
1917-18 ...	58,879	2,000,000	199,000	22,133,179
1918-19 ...	3,285	2,000,000	199,000	22,182,402
1919-20 ...	452,077	4,000,000	199,000	24,215,331
1920-21 ...	427,756	4,000,000	199,000	24,211,320
1921-22 ...	577,022	4,000,000	199,000	24,226,307
1922-23 ...	1,017,971	5,000,000	199,000	24,416,289
1923-24 ...	501,335	5,000,000	199,000	15,180,225
1924-25 ...	528,000	5,000,000	199,000	16,127,831
1925-26 ...	635,070	5,000,000	199,000	17,438,341
1926-27 ...	865,030	7,500,000	199,000	37,690,331
1927-28 ...	947,660	7,500,000	199,000	24,569,311
1928-29 ...	672,570	7,500,000	199,000	34,882,869

a In addition to £1,000 Preference share.
 b Paid on account of £2,000,000 shares. c Paid on account of £1,000,000 shares. d Increase due to issue of £2,500,000 bonus shares. e No market quotation for Ordinary shares before 1922. The figure represents the cash paid for Ordinary shares plus the market value of Debenture stock and Preference shares.

از این قطع شده است
 هر دو کلمه در این سند
 نام این از آن است که در آن

سند شماره ۴۱

سفارت شاهنشاهی ایران در پاریس
یاد داشت به جناب هیئت محترم، تاریخ ۱۵ مرداد ماه ۱۳۰۸

در باب طرح جدید تجار زلفه مدینه است بخصوصی که در بعضی نظرات است و آنست که
حضرت در حسب اظهار مشورت فرموده اند که می گویند که این امر را نمی توانیم بکنیم
و اینست که این رسم را تا ساله در بر حق حرکت نمودن دارد و مردان و فرزندان خان
سلم نیز بطرف حقه وقت و غیره نیک که حقیقتاً بر آن است و اینست که در بعضی
مرحله و بطرف حقه وقت و غیره نیک که حقیقتاً بر آن است و اینست که در بعضی

https://t.me/shenakht_lib

(۱) در این باب که در بعضی نظرات است و آنست که در بعضی نظرات است و آنست که
بدانکه در بعضی نظرات است و آنست که در بعضی نظرات است و آنست که
ایشان که در بعضی نظرات است و آنست که در بعضی نظرات است و آنست که
فقط در بعضی نظرات است و آنست که در بعضی نظرات است و آنست که
بوده اند و در بعضی نظرات است و آنست که در بعضی نظرات است و آنست که
بر اینست که در بعضی نظرات است و آنست که در بعضی نظرات است و آنست که
تنی است که در بعضی نظرات است و آنست که در بعضی نظرات است و آنست که
و آنرا به بعضی معنی ندارد که در بعضی نظرات است و آنست که در بعضی
بر اینست که در بعضی نظرات است و آنست که در بعضی نظرات است و آنست که
بر اینست که در بعضی نظرات است و آنست که در بعضی نظرات است و آنست که
ماده جدیدی که در بعضی نظرات است و آنست که در بعضی نظرات است و آنست که

(۲) مدینه در بعضی نظرات است و آنست که در بعضی نظرات است و آنست که
می تواند

سفارت شاهنشاهی ایران در پاریس

یادداشت به ۲ تاریخ

متذکره مضامین خبری و اخبار مفید در مجله نیکه جنبه را پرست و انتمی بود
 که ناسنجان ایراد نسبت به در وقت را برساند مگر حق و کوز است و گفته
 انستامتر قرار نگرفته و اینها در نظر این حق را دادند و اینها که
 هر دو است و شیرین گوشت و غیره است اینها زار از است
 بطور کلی عقیده بر بصیرت است که اول عقیده در ایراد از است
 و در سنوات اخیر اهمیت آن خیابان را در فراموشی مرقع است که از است
 تا باز با فراموشی بگرداند تا در یک سو دانسته است که در عقیده
 و تبه عقیده من لایق است و اول قاده بر غیر است و حکم است و اصل است

سند شماره ۴۳

FROM SIR JOHN GADMAN
TEL: LONDON WALL 6301

BRITANNIC HOUSE,
FINSBURY CIRCUS,
LONDON, E. C. 2.

PERSONNELLE.

le 20 août 1929.

Mon cher Teymourtache,

Greenhouse m'a transmis la lettre dans laquelle vous me demandiez si l'état des négociations, pour la part qui me concernait, était en voie de progrès et s'il était possible pour moi de venir à Téhéran à la fin de septembre. J'ai répondu que les discussions se poursuivaient ici avec un ensemble satisfaisant, que nous aurons prêtes pour septembre des propositions à vous soumettre et que je me proposais d'envoyer à Téhéran mon ami et collègue Monsieur Hearn, pour discuter avec vous l'ensemble de la question. J'espère qu'il vous sera possible à tous deux de conclure l'affaire d'une manière satisfaisante. Bien entendu, je suis disposé à venir en personne en Perse si ceci était nécessaire. Je suis convaincu que vous conviendrez avec moi qu'il est essentiellement nécessaire pour moi de rester à Londres, de façon à pouvoir prendre en mains les questions que vous auriez des difficultés à résoudre d'accord avec Monsieur Hearn.

Issa Khan a examiné très attentivement le projet et il est maintenant en train de discuter avec Sir William MacLintock les nombreuses questions de chiffres.

Les deux questions d'imposition que vous m'aviez demandées ont été résolues d'une manière qui vous paraîtra, j'espère, satisfaisante; je laisse à Monsieur Hearn le soin de vous les expliquer.

J'espère vivement que nos travaux de recherches géologiques qui avaient été suspendus au printemps dernier, par suite de très regrettables événements du

Son Altesse Teymourtache,
Ministre de la Cour,

2.

Sud, pourront être repris cet hiver. Ils sont essentiels pour la délimitation de la future zone d'opérations de la compagnie et par conséquent je ne saurais trop insister sur leur importance.

J'espère bien que l'aide que j'ai pu apporter de votre part à Ala lui aurait été de quelque utilité. Il m'avait consulté au cours d'un de mes voyages à Paris en ce qui concernait votre désir de le voir entrer en contact avec Monsieur Henderson et les raisons qu'il avait pour cela. J'ai pu non seulement lui arranger une entrevue avec Monsieur Henderson mais j'ai pu le mettre également en relations avec la plupart des membres du nouveau ministère et j'espère sincèrement que sa mission aura été fructueuse.

J'ai été incliné à penser que peut-être dans votre esprit ou dans celui des membres du gouvernement persan il y avait cette idée que l'Anglo-Persian Oil Company, ou son personnel, auraient pris quelque part active en cette circonstance, ou auraient montré autre chose qu'une attitude de parfaite admiration ou de soutien pour la personne de Sa Majesté Impériale ou pour son gouvernement. Non seulement je suis parfaitement sûr de notre personnel, mais j'ai la satisfaction de croire que la politique du gouvernement anglais est vis à vis de la Perse empreinte de mêmes sentiments amicaux.

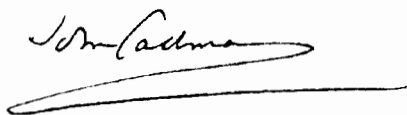
Croyez moi, mon cher Teymourtache, Sa Majesté Impériale et vous même, avez beaucoup d'amis ici et je vous conseille vivement de faire votre possible pour éloigner de votre esprit toute idée contraire qui ne ferait que perpétuer l'atmosphère de suspicion pour laquelle, j'en suis convaincu, il n'y a aucun fondement ni aucune justification.

3.

Je vous saurais un gré infini si vous vouliez bien présenter à Sa Majesté mes sentiments de respectueuse sympathie pour les soucis qu'il ressent à l'heure présente et mes vœux ardents pour que ces difficultés soient rapidement surmontées.

Le travail que nous avons entrepris tous deux, s'il était heureusement achevé, aurait pour résultat, j'en suis sûr, de faire progresser matériellement les sentiments de cordialité entre nos deux pays et c'est pourquoi je partage votre désir de le voir promptement aboutir.

Recevez, mon cher Teymourtache, mes sentiments les plus sincèrement dévoués,



سند شماره ۴۵

Dans toute convention entre une partie contractante qui doit constituer une minorité d'actionnaires - tel que le Gouvernement persan- et une Société comme l'Anglo Persian qui comprend un bloc formant déjà une majorité - tel que le Gouvernement britannique - ou une Société formée de plusieurs Groupements qui peuvent s'unir et constituer une majorité il faut toujours avoir devant soi que les lois anglaises donnent des latitudes et des pouvoirs qui peuvent être très dangereux pour la défense des intérêts de la minorité. Dans aucun pays les lois ne sont aussi protectrices de la majorité qu'en Angleterre: les lois anglaises permettent à la majorité des tractations et des manipulations contre les intérêts de la minorité, qui dans tout autre pays - en Amérique ou en Allemagne par exemple - seraient sévèrement punies. Mais elles sont permises et légales en Angleterre.

Pour cette raison il faut que les intérêts du Gouvernement persan soient protégés par des conventions spéciales, stipulant très clairement et très rigidelement les droits qui ont été agréés et concédés: Il faut, par des stipulations très claires, sauvegarder ces droits contre toutes les éventualités qui peuvent nuire à l'esprit des conventions.

En Angleterre le législateur a été imbu des principes conservateurs qui régissent encore aujourd'hui toutes les institutions britanniques.

Nous allons donner quelques exemples des diverses méthodes qui peuvent être employées par une majorité d'actionnaires pour restreindre les intérêts de la minorité:-

-2-

EXEMPLE: 1°/- Un bloc d'actionnaires formant la majorité est à même de contrôler tout le Conseil d'Administration de la Société. Ce bloc de majorité peut nommer ses représentants et dicter ses conditions sur la politique générale et sur la conduite des affaires de la Société. Or, si cette dictature était exercée honnêtement et avec équité il n'y aurait rien à craindre mais, dans le cas contraire, ceci pourrait avoir des suites très sérieuses.

2°/- La majorité des actionnaires peut former une nouvelle Société, en dehors de toute attache avec l'Anglo Persian et de manière que cette nouvelle Société ne soit pas, légalement, subsidiaire de l'Anglo Persian. Une fois cette Société formée ce même bloc d'actionnaires de la majorité - qui contrôle le Conseil d'Administration - peut contraindre l'Anglo Persian à vendre tout ou partie de sa production à la nouvelle Société, à des prix qui peuvent ne pas être rémunérateurs pour l'Anglo Persian. En Amérique un pareil fait serait considéré illégal mais on peut jouer avec les lois anglaises en disant par exemple que "c'était de bonne politique", pour telle ou telle raison ou prétexte qu'on peut facilement trouver, et que "c'est fait dans l'intérêt de l'Anglo Persian" de vendre sa production à la nouvelle Société qui, de ce fait, réaliserait des bénéfices qui devraient légitimement revenir à l'Anglo Persian; de cette façon la minorité des actionnaires, en

.....

-4-

Deuxième exemple: Le bloc d'actionnaires de la majorité peut faire apport à l'Anglo Persian d'une nouvelle affaire à un prix excessivement élevé, payable en actions. Par cette méthode la valeur des actions de la minorité diminuerait, à cause de l'augmentation démesurée du capital pour l'acquisition de l'apport du bloc de la majorité.

Nous donnons ces exemples sur des cas tout à fait réels, qui se sont produits et se produisent encore en Angleterre, en raison de la défectuosité des lois de ce pays, dont l'esprit est toujours de protéger le plus fort.

Tout arrangement entre le Gouvernement persan et l'Anglo Persian doit être méticuleusement étudié par des juristes anglais, sous la surveillance d'experts qualifiés, connaissant les affaires de pétrole non seulement du point de vue théorique, mais aussi du point de vue pratique.

Il ne faut pas non plus oublier qu'en dehors des conventions spéciales, préparées avec soin, il faut aussi surveiller la rédaction des statuts de la Société Anglo Persian, afin qu'ils ne rendent pas illégales les nouvelles conventions arrêtées. Il est absolument indispensable que, comme c'est le cas pour ceux nommés par le Gouvernement britannique, les Administrateurs nommés par le Gouvernement persan aient le droit de veto sur les tractations de la Société, chaque fois que les intérêts de la minorité sont directement ou indirectement menacés.

-5-

Il est difficile dans un memorandum comme celui-ci de développer toutes les éventualités où la majorité des actionnaires peut léser la minorité et réduire ses intérêts.

Dans le projet des conventions qui nous est soumis il existe un très grand nombre d'échappatoires qui, dans l'avenir, peuvent restreindre les nouveaux droits, apparemment acquis par le canal de l'acquisition gratis de 25% des actions.

https://t.me/shenakht_lib

En ce qui concerne la redevance en espèces en commençant par 2 Shillings, avec une échelle ascendante, il faut que cette redevance soit basée sur l'or, c'est à dire qu'il faut protéger le Gouvernement Impérial persan contre toute fluctuation du change. Par exemple, avant la guerre 2 fcs. représentaient 2 Fcs.-or; mais aujourd'hui les 2 Fcs. d'avant guerre, à moins d'une stipulation de "francs or", ne représentent ^{plus} qu'un cinquième de la valeur d'avant-guerre. Il n'y a pas de doute aujourd'hui que le crédit du Gouvernement britannique est hors pair; mais dans une concession de 70 ans il est légitime que les redevances soient basées sur des unités en or.

On pourrait faire la rédaction de la manière suivante: 2 Shillings or représentent 1/10 d'une Livre Sterling représentant un poids d'or d'X grammes, à un titre de X.. Cette façon de définir les redevances est déjà très usitée lorsqu'il y a des émissions pour le paiement des coupons.

Il faudra que le Gouvernement persan soit consulté et donne son approbation à toute émission de nouvelles actions,

-6-

de toutes catégories, car autrement, pour une raison ou pour une autre, qui peut ne pas être dans l'intérêt du Gouvernement persan, les autres parties contractantes peuvent décider l'émission d'actions pour des sommes considérables, à des moments qui peuvent ne pas être opportuns pour le Gouvernement persan. Une pareille facilité laissée sans frein à la Compagnie peut constituer un très grand danger pour l'avenir.

La modalité des actions, leur forme, doivent être aussi agréées par le Gouvernement persan. D'un côté on laisse à la Compagnie et à son Conseil toutes les latitudes possibles, tandis que d'un autre on contraint le Gouvernement Persan à ne pas vendre ses actions pendant 28 ans; ceci n'est pas équitable et ouvre la porte à beaucoup d'abus.

Le Gouvernement britannique est toujours libre de vendre ses actions et, de ce fait même, on peut constituer de nouvelles Sociétés qui achèteront la part du Gouvernement britannique. Des arrangements non anticipés peuvent surgir et nuire beaucoup aux intérêts du Gouvernement persan.

Le fait que le Gouvernement a le droit de revenir à l'ancienne concession d'Arcy n'est pas satisfaisant; cette option n'existe que sur le papier. La majorité des actionnaires, par les latitudes qu'elle possède, suivant la rédaction du projet, peut créer de telles positions embarrassantes pour le Gouvernement persan que ce droit de retour à l'ancien système perd tous ses avantages et devient absolument illusoire.

-7-

Les articles 11 & 12 du projet de conventions sont très dangereux et ouvrent la porte à beaucoup d'abus. En formant des subsidiaires, sous la seule condition que la Cie Anglo Persian retiendra la majorité, soit 51%, ceci donne la faculté à la Cie de faire des tractations avec d'autres Groupes, en retenant 51% et en leur donnant 49%. De ce chef les intérêts du Gouvernement seraient réduits en faveur d'autres Groupes ou formations qui intéresseraient directement ou indirectement le ou les blocs formant la majorité des actionnaires.

Il faut une stipulation que les représentants du Gouvernement persan soient nommés comme administrateurs dans toutes les subsidiaires et dans tous les Comités et aient le droit d'avoir tous les renseignements en la possession de la Cie ou de ses Administrateurs.-

سند شماره ۴۶

Le moment est mal choisi et trop précoce pour accorder à la A.P.O.C. une extension aussi importante de sa concession. La situation du pétrole a été mauvaise depuis 3 années.

Jusqu'en 1920, l'Anglo-Persian était été sous la tutelle de la Royal Dutch-Shell parceque par un contrat elle avait rendu toute sa production à la Royal Dutch faite l'organisation propre à elle-même. Ce n'est donc que depuis quelques années que la A.P.O.C. commence à se développer. Elle est encore dans son enfance, vu l'immensité de la richesse nationale, cette société est venue de s'épanouir. Ce n'est donc pas le moment, la compagnie étant encore petite, de parler de renouvellement.

سند شماره ۵۰

نمونه (۱۱)

بتاریخ ۳/۴ ماه سنه ۱۳۰۸
نمونه ۱۹۷ ضمیمه



وزارت آموزش عالی

اداره.....

دائرة.....

کتابخانه وضع در وزارت آموزش عالی فنون خجسته از طرف
 وزیر دربار مدرسین نمونه عالی است. این سال دهنه، گذشته بود که در اول
 آریستاج اسرار در دفتر فنی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
 ، این دو طبقه تنظیم و ۲۵ در صد بجا ، جلد اول
 کتب بابت کتابخانه و کتب دیگر فراهم است. در این مورد از طرف
 اسرار و اسرار آریستاج فنی، در آستانه تقدیم کتب نامبرده
 فقط بقایای اسرار در اسرار اسرار است. از این جهت و دلایل معنی
 کتب موجود در این کتابخانه است. در این کتابخانه کتب
 دارد که این کتابخانه را در این کتابخانه است. در این کتابخانه
 ترین باقیست. در این کتابخانه، در این کتابخانه است. در این کتابخانه

سند شماره ۵۱/۱

Copie

Le 23 septembre, 1929

Cher Monsieur Greenhouse,

<https://www.iranicaonline.org/> Etant donné que nos études

du nouveau projet de concession ne sont pas encore terminées et les avis que je reçois, étant défavorables, nous obligent de réexaminer la question, je Vous prie de vouloir bien télégraphier de ma part à Sir John Cadman en le priant de retarder le départ de Mr. Hearn jusqu'à la réception de ma lettre.

Je crains que si Mr. Hearn arrive maintenant, il ne sera pas en état de donner son avis définitif sur certaines modifications sans les connaître au préalable.

Très cordialement à Vous

سند شماره ۵۲

موزه خانه ۸ ماه ۷ ۱۳۰۵

نمبر ۴۰۵

ضمیمه



سفارت شاهنشاهی ایران
لندن

دولت عهدیه بدینوسیله
 عهدی قبری آبی سیر میر خانی در ضمن حدوت کتواری با این سفارت آورده و تصدیق
 کرد که در این سند در این دولت خارجه ای طرف دولت عهدیه بدین
 بدین منبر محمد لایح تقاضای او قبول و انجام شد چنانکه معلوم است طرف
 باج بذاکرت با کین لغت بود و جواب که کتواری شایسته رسید با اطلاع
 بعد کتیب روز با کتواری منضم برین دولت خارجه لظرف حضرت ارف
 رسید کتیب شایسته با اطلاع شد و باز جواب که داد برین سفارت خارجه کتیب
 دلی طهران غرب مقدم بود به نظر مندر است شایسته کتواری خطاب
 با این جانب است شایسته که ذکر کتواری خارج از حد و کتیب است
 حصر در این نامه در این روش کرده بشیبه و نظیر این این جانب کتیب است
 کتیب نشدم و تفهیم آبا منظم نیست که این جانب نیز در این کار به حد
 در کتیب در شده بشم یا تصدیق خود آبی سیر میر خانی است با این تاریخ
 نه آبی سیر میر خانی در کتیب لغت در باب سید یا سید امین زاینجان
 در حد کرده اند و نظیر این نیز در این باب رسید با کتواری رسید و کتیب
 نیز در این بذاکرت این دولت و کتیب و نه این آبا سیر میر خانی کتیب
 طبعی نه استم جز طبعی جلا از کتیب است کتیب که در طهران صحیح
 با این خبر کار آبا سیر میر خانی در این صحبت (فراوانه) سید در این تاریخ
 و خاطر کار نه است و نه آبا در دسته شی اگر تصدیق است

موزه ۸ ماه ۱۳۰۸

۱۹۲۹

نمبر ۴۰۵۸

ضمیمه



سفارت شاهنشاهی ایران

لندن

که بنام رسا در این کار دهن در کار گرفته و با اینکه طرف مذاکره است شرم
 در صورت چون مذاکره از جاری منتف صدمت نماند باید در جهت این کار بنام
 و آنچه در این جهت بشمار شود و نامش که با بسته که از اطلاعات کسب
 و امر غیر منطبق را از بسته آراء آنها مطالعه و تحقیق نموده عمده خود را عرض کنیم
 بنام بر حسب تکلیف با بعد از مذاکره خصوصی که در طرف
 عمده خود را پس از این کار عرض کنیم و حال آنکه لازم است این عمل را هم که
 بنام صلاح دولت در این است که در صورت امکانی فعلا تجدید بنام تمام
 تعمیریه چیزی برای کار کشید و بر هر دوام دهن و قدرت ایران مشیر و غیر
 است از تجدید نموده است در این بهتر مشیرت خواهد کرد و با این جهت
 امکان تا چیزی تا این وقت به بعد سعه در کسب نام برای ایران کشند
 هر حال مستعد این است که تکلیف این سفارت در این کار
 روشن شد و اگر لازم است اقدامی شود صریحا بنام
 حسن تقی زاده

سند شماره ۵۸

MAX M. DIXON.
 M. INST. M. M. A. INST. M. E.
 CONSULTING
 MINING ENGINEER
 AND
 MINING GEOLOGIST.
 TELEPHONE
 LONDON WALL 9391.
 TELEGRAPHIC ADDRESS
 DIXIMINE. WYCK, LONDON.

*4, Great Winchester Street,
 London, E.C.2.*
 May 29th, 1930.
 Teheran.

His Highness Teymourdash,
 Teheran.

Your Highness:

I have to ask you to accept my most sincere thanks for your letter of the 26th May with reference to our proposals concerning petroleum rights covering the five northern provinces of Persia.

It is my intention to leave Teheran at once for a conference with my company with reference to this proposed business, returning here later on during the summer. I am hoping to meet certain representatives either in Paris or London, although it may prove necessary for me to continue through to New York.

Before receiving your letter, I took the liberty of preparing a second proposal, based entirely on the first one handed to you, but including a clause relative to a possible arrangement for a pipe-line to the Persian Gulf which may possibly meet with the approval, in principle, of your Government.

In carrying out the idea embodied in this clause, and in coming to any arrangement with the present holders of the D'Arcy concession relative to such a pipe-line, it is, of course, clearly understood that such an arrangement would, before we could accept it and before it could

Page Two.

possibly become effective, have to receive the complete approval and sanction of your Government. In this connection, I should advise you that the consistent policy of my company involves complete and utter independence so far as other commercial interests are concerned; and I may assure you that, in working out any possible arrangement in connection with a pipe-line, no portion of those rights that might be granted would be sacrificed or delivered as a consideration.

Your Highness will at once appreciate the fact that, from a commercial point of view, the transportation of petroleum through Soviet territory could not at the present be considered by an American company. There remain therefore two alternative routes, - one to the Black Sea, which would pass through Turkish territory, and one to the Persian Gulf, which would remain in Persia throughout and therefore under the control of your Government. From a strictly commercial point of view, a pipe-line to the Black Sea presents serious engineering difficulties, although it is of course not impossible. The route to the Persian Gulf, provided it can be arranged to the satisfaction of your Government, and provided there are no further considerations of which I am at this moment unaware, would be more logical.

Page Three.

The second proposal mentioned above is being delivered to the Minister of Commerce, His Excellency Fouroughi.

During the course of my conference with my company, it is possible that I may take advantage of the permission Your Highness has so kindly extended to me, and telegraph to you for advice as to the impression, in principle, which my second proposal may have made upon you.

Some solution of the pipe-line question, satisfactory to your Government both economically and politically, is a matter of the greatest interest to us.

I remain, Your Highness, with the most sincere thanks for your consideration,

Yours faithfully,

W. W. Dyer

سند شماره ۵۹

Dr. Kurt Lindenblatt
Directeur de la Banque
tionale de Perse.

Téhéran, le 12 Juin 1930
Khaban Ala-ed-Doleh N° 46


Altesse,

Je me permets de Vous remettre ci-inclus une proposition pour la répartition des £ 1.450.000.-/- que l Gouvernement Impérial a reçues comme Royalties. Cette proposition a été dressée en commun accord avec Monsie Delcorde, Trésorier Général. ^{ad int.} Les taux d'intérêts ayant actuellement subi une forte baisse dans les pays européens il n'est pas possible d'obtenir plus de 2 7/8 à 3 d'intérêts par an.

Une plus grande partie de banques européennes de premier ordre nous a déclaré télégraphiquement de n'avoir, pour le moment, aucun intérêt pour des offres en Dépôts Fixes Livres Sterling.

Le seul pays où actuellement les banques importantes peuvent accorder encore des taux d'intérêts favorables est l'Allemagne. Pour cette raison nous avons proposé dans le projet ci-annexé un nombre relativement

Son Altesse Teymourtache
Ministre de la Cour
T é h é r a n

élevé de banques allemandes.

Finalement je voudrais, en ce qui concerne le traitement technique ultérieur, Vous faire la proposition que des instructions télégraphiques soient données au Représentant de l'Anglo-Persian Oil Company à Londres de verser le montant à la Midland Bank Ltd., Londres, en faveur du Compte Courant de la Banque Nationale de Perse. Le placement dans les différentes banques s'effectuerait ensuite, comme dans les cas précédents, par l'intermédiaire de la Banque Nationale de Perse au nom du Gouvernement Impérial.

Veillez agréer, Altesse, l'assurance de ma considération la plus parfaite.

1 annexe.

سند شماره ۵۹/۱

PROPOSITION

de la Banque Nationale de Perse pour le placement des
Lstg. 1.450.000.-/- que le Gouvernement Impérial a reçu des
Royalties de l'Anglo-Persian Oil Comp.Ltd.

BANQUE	LIEU	Montant pour un délai de six mois.	Taux
Bayr.Hypoth.und Wechselbank	Muenchen	£ 100.000.-/-	3 5/8%
Darmstaedter & Nationalbank	Berlin	" 100.000.-/-	3 1/2%
Deutsche Bank & Disconto- Gesellschaft	"	" 200.000.-/-	3 1/2%
Berliner Handelsgesellschaft	"	" 100.000.-/-	3 1/2%
Reichscreditgesellschaft	"	" 50.000.-/-	3 1/2%
Commerz- und Privatbank	"	" 150.000.-/-	3 5/8%
Crédit Général Liègeois	Bruxelles	" 100.000.-/-	3%
Banque de Paris et des Pays Bas	Paris	" 100.000.-/-	3%
Banque de l'Union Parisienne	"	" 100.000.-/-	2 7/8%
Amsterdamsche Bank	Amsterdam	" 150.000.-/-	2 7/8%
Guaranty Trust Comp.of N.Y.	New-York	" 200.000.-/-	2 7/8%
Acceptance Bank	"	" 100.000.-/-	2 7/8%
		£ 1.450.000.-/-	

Téhéran, le 22 Khordad 1309
12 Juin 1930

BANQUE NATIONALE DE PERSE

سند شماره ۵۹/۲

Le 16 juin 1930.

Cher Docteur Lindenblatt,

En réponse à votre lettre du 13 juin 1930 relative au placement des £ 1.450.000, je vous informe que j'ai soumis la question au Conseil des Ministres, dans la séance du 14 juin.

Voudriez-Vous me dire quel est le taux d'intérêts que les banques anglaises et, particulièrement, la Banque Impériale donnent? Je ne vois pas de noms des banques anglaises dans votre liste. Quelle serait la raison?

Je vous informerai de la décision y relative ultérieurement.

Veillez agréer, cher Docteur Lindenblatt, mes meilleurs sentiments.

A Monsieur
le Docteur Lindenblatt, Directeur de la
Banque Nationale de Perss.

سند شماره ۶۱

r. Kurt Lindenblatt
Directeur de la Banque
Nationale de Perse.

Le 31 Khordad 1309

Altesse,

Je me permets de Vous soumettre ci-annexée une nouvelle proposition concernant la répartition des $\text{R} 1.450.000.-/-$ entre diverses banques étrangères. Je Vous serais reconnaissant si une décision définitive dans cette affaire pouvait être prise bientôt pour éviter des retards ultérieurs et afin que les banque en question, dont les offres d'intérêts se trouvent, partiellement, déjà depuis deux semaines entre nos mains, ne procèdent pas, en attendant, à des réductions éventuelles de leurs offres.

Veuillez agréer, Altesse, l'expression de ma plus haute considération.

Je salue.

Son Altesse Mehdi Ghohli Khan
Président du Conseil des Ministres
T é h é r a n

Copie à: Son Altesse Teymouratche, Téhéran.
Ministre de la Cour.

سند شماره ۶۱/۱

Proposition

de la Banque Nationale de Perse pour le placement des
 Estg. 1.450.000.-/- pour une durée de six mois que le Gouvernement
 Impérial a reçu des Royalties de l'Anglo-Persian Oil Comp.Ltd.

Midland Bank Ltd. Londres	£ 200.000.-/-	2 3/4 %	
Imperialbank "	" 200.000.-/-	2 3/4 %	*
Interbank Basel	£ 200.000.-/-		**
Paribas Paris	" 100.000.-/-	3 %	
Parunion "	" 100.000.-/-	2 7/8 %	
Guaranty Trust Co. New-York	" 100.000.-/-	2 7/8 %	
Amsterdamsche Bk. A'dam	" 100.000.-/-	2 7/8 %	
Bayr. Hyp. Bank Muenchen	" 100.000.-/-	3 5/8 %	
Deutsche Bank & Disconto-Ges. Berlin	" 100.000.-/-	3 1/2 %	
Berliner Handelsges. "	" 100.000.-/-	3 1/2 %	
Reichskredit-Ges. "	" 50.000.-/-	3 1/2 %	
Commerz- & Privatbk. "	" 100.000.-/-	3 5/8 %	
	<u>£ 1.450.000.-/-</u>		

|*| "La Imperial Bank of Persia est prête à bonifier 4% p.a. en cas que le dépôt de £ 200.000.-/- lui sera cédé fixe jusqu'au 20 Mars 1931 et le Gouvernement s'engage définitivement à ce qu'il serve à effectuer le payement à valeur sur la concession des billets de Banque.

|**| La " Interbank" a déclaré qu'elle ne peut pas suivant ses statuts accepter des dépôts directes du Gouvernement mais seulement de la Banque Nationale de Perse. Elle n'a pas encore fixé son taux d'intérêts, toutefois il s'élèvera à plus de 2% p.a.

Téhéran, le 31 Khordad 1309
 21 Juin 1930

BANQUE NATIONALE DE PERSE

سند شماره ۶۳

Dr. Kurt Lindenblatt
Directeur de la Banque
Nationale de Perse.

Téhéran, le 21 Juin 1930
Khiaban Ala-ed-Doleh N° 40

Altesse,

https://t.me/shenakht_lib

J'ai l'honneur de Vous remettre ci-annexée
copie d'une lettre que je viens d'adresser à Son
Altesse Mehdi Gholi Khan Hedayat et par laquelle
j'ai fait des nouvelles propositions concernant
la répartition des ₪ 1.450.000.-/-.
annexe.

Veillez agréer, Altesse, l'assurance de ma
plus haute considération.

annexe.



Son Altesse Teymouratche
Ministre de la Cour
T é h é r a n

سند شماره ۶۴

Le 26 juin, 1930

Cher Mr. Jacks,

Je Vous remercie bien de Votre aimable lettre du 21 courant, par laquelle Vous m'envoyez la lettre de Sir John Cadman ainsi que son discours qui devait se prononcer le 17 à l'Assemblée générale de l'A.P.O.C.

Je profite de cette occasion pour Vous prier de vouloir bien Vous renseigner près de Sir John pour demander son conseil et avis pour le placement de la royalty de l'année passée (un million quatre cents cinquante mille francs et quelques cents livres sterlings). Je veux connaître son avis sur les banques anglaises et autres qui, étant sûres, donneraient le maximum d'intérêt pour le placement en dépôt fixe de cette somme.

Je Vous envoie, ci-jointe, la liste des banques qui me sont parvenues et le taux d'intérêts qu'elles se déclarent prêtes à payer. N'y a-t-il pas d'autres banques qui auraient donné plus d'intérêts ?

Je Vous remercie, cher Mr. Jacks, d'avance et je Vous prie d'agréer mes sentiments les plus cordiaux.

سند شماره ۶۵

Confidentielle.

Le 27 juin, 1930.

Cher Monsieur Wilkinson,

https://t.me/shenakht_lib

Vous savez que nous avons

à recevoir de l'A.P.O.C., comme royalty de l'année
passée, £.I.450.000.

Voudriez-Vous avoir l'obligeance de me donner
Votre Conseil pour le choix des banques anglaises
et d'autres où l'on pourrait placer ladite somme ?
Pour nous la nationalité de ces banques n'aurait
aucune importance, à la condition qu'elles
soient solides et qu'elles paient les $\%$ suffisants

Cette somme peut être placée en dépôt fixe
pour une période de plus de six mois, jusqu'à une
année.

Veuillez agréer, cher Mr. Wilkinson, avec
nos remerciements anticipés mes sentiments les plus
cordiaux.

سند شماره ۶۵/۱

The Imperial Bank of Persia
Tehran.

confidentielle

Le 29 Juin, 1930

Chere Altesse,

https://t.me/shenakht_lib

En reponse à votre lettre du 27 Juin

au sujet du placement de vos £ 1.450.000.-, je
 vous conseillerais, vu la crise mondiale et
 l'incertitude qui règne partout, de placer la
 plus grande partie de cet argent chez les quatre
 Grandes Banques à Londres en donnant une part
 égale à chacune:

Midland Bank Ltd.
 Lloyds Bank Ltd.
 Westminster Bank Ltd.
 Barclays Bank Ltd.

Je pourrais me renseigner, si vous le
 désirez, du taux d'intérêt quelles offrent, mais
 comme vous le savez ces banques, vu leur solidité,
 n'allouent pas des intérêts très élevés.

Par les temps qui courent il serait, à
 mon avis, imprudent, afin d'obtenir un intérêt plus

The Imperial Bank of Persia.
Tehran.

1912

élevé, de placer des fonds en Europe dans des
banques qui ne sont pas de tout premier ordre.

Si vous désirez nous confier une modeste
somme - et je vous garanti de notre solidité,
comme d'ailleurs notre bilan le démontre - nous
pouvons vous offrir pour six mois, à $\frac{1}{4}\%$ au dessous
du taux de la Banque d'Angleterre qu'elle qu'il
soit, actuellement $2\frac{3}{4}\%$.

Croyez-moi, Cher^{re} Altesse

Votre très dévoué

E. Weillinson

Son Altesse
Teymourtache
Ministre de la Cour
etc., etc., etc.,
Tehran.

سند شماره ۶۶/۱

Le 2 juillet, 1930.

Cher Mr. Jacks,

En réponse à Votre lettre du 1 courant, pour laquelle je Vous remercie beaucoup, je m'empresse de Vous informer que les parts de royalty à confier aux différentes banques peuvent être placées en dépôt fixe pour une durée d'au moins six mois. Ce délai peut être, probablement, prolongé jusqu'à 8 mois.

Merci pour l'information concernant le placement provisoire des Livres sterlings dans la National Provincial Bank of England. Ne pourrait-on prolonger ce placement pour une dizaine de jours qui sont nécessaires pour la décision à prendre à cet effet ?

N'y a-t-il ^{pas} moyen de faire accepter cette Banque ou une autre banque solide un taux d'intérêt plus élevé que 3½%, par exemple 4% ?

Merci d'avance et très cordialement à Vous

سند شماره ۶۷

Confidentielle. Le 2 juillet, 1930

Cher Mr. Wilkinson,

<http://ft.mofonakht.lib>
Merci pour Votre lettre du 29 juin écoulé. Comme Vous savez, nous plaçons nos livres dans les différentes banques, et je Vous saurais un gré tout particulier si Vous pouviez Vous renseigner près des banques mentionnées dans Votre lettre du taux d'intérêt qu'elles peuvent offrir.

Il m'a été rapporté que la Banque Impériale était prête de donner 4%, si l'on lui confier £.200.000. en dépôt fixe jusqu'au 20 mars 1931, après quoi ces livres appartiendront à la Banque Impériale, en vertu de l'arrangement récent.

Ne pourriez-Vous pas nous offrir le même taux d'intérêt pour une autre somme de, par exemple, £.200.000. ?

Croyez-moi, cher Mr. Wilkinson, très cordialement à Vous.

سند شماره ۷۰



Teneran, le 5 Juillet //30

Chere Altesse,

https://t.me/shenakht_lib

Voici les termes qui sont offerts par les 4 grandes

Banques à Londres:

Westminster Bank Ltd.	}	3% par an, pour 6 mois seulement
Barclays Bank Ltd.		
Midland Bank Ltd.	2 7/8%	par an pour 6 mois seulement
Lloyds Bank Ltd.	2 7/8%	par an pour 6 mois ou plus longtemps.

Une réponse est demandée.

En ce qui concerne la Banque Impériale, pour une autre somme de £ 200.000.- nous pouvons vous offrir 3 1/4% par an pour 6 mois.

La raison pour laquelle nous vous avons offert le taux de 4% pour les £200.000.- si le Gouvernement s'engageait à ce que cette somme serve à payer la Concession des billets de banque, est que nous serions en mesure de la placer en titres, ce qui est plus avantageux qu'un placement en dépôt fixe.

À mon point de vue il me semble que, pour une bonne partie de vos fonds, l'offre que je vous ai faite dans ma

lettre



11

lettre du 29 Juin, i.e. un dépôt fixe de six mois à $\frac{1}{4}$ %
au dessous du taux de la Banque d'Angleterre quoi qu'il
soit, et qui actuellement donnerait $2\frac{3}{4}$ %, serait à votre
avantage car je ne peux pas croire, à moins que la crise
mondiale ne s'aggrave, que nous verrons des taux d'intérêts
encore plus bas.

D'un autre côté, si une hausse se produit^{rait} - ce qui
n'est pas improbable - en fixant le taux pour six mois
maintenant vous n'y bénéficieriez pas.

Je ne sais pourtant si les grandes Banques consen-
tiraient à offrir de pareilles conditions, mais, si vous le
desirez, je pourrais me renseigner.

Croyez-moi, Chère Altesse

vos très dévoué

E. Wickham

Son Altesse
Teymourtsche
Ministre de la Cour
etc., etc., etc.,
Teneran.

سند شماره ۷۲

Le 9 juillet, 1930

Cher Mr. Jacks,

https://t.me/akhsakht_lib La décision est prise de placer la totalité de royalty de 1929 (un million quatre cents cinquante milles et quelques centaines de livres sterlings) dans la National Provincial Bank of England à 3 1/4% et en dépôt fixe pour 6 mois. C'est une marque de confiance que le gouvernement de Perse signale à l'égard de la Banque recommandée par l'A.P.O.C.

Très cordialement à Vous

سند شماره ۷۳

Le 9 juillet, 1930.

Cher Mr. Wilkinson,

La décision est prise
https://t.me/shenakht_lib
de placer dans la Banque Impériale de
Perse deux cents milles livres ster-
lings, à 4%, en dépôt fixe jusqu'au
20 mars 1931, après quelle date cette
année
deviendra propriété de la Banque Im-
périale , en vertu de l'Accord conclu,
relatif à la cession du droit d'émis-
sion des banknotes au gouvernement
persan.

Très cordialement à Vous

سند شماره ۷۴

Le 9 juillet, 1930.

Cher Docteur Lindenblatt,

Je Vous en-
https://t.me/shenakht_lib
voie, ci-jointe, la liste des banques
dans lesquelles la réserve d'Etat en
Livres Sterlings doit être placée.

La décision y relative
a été prise par le Conseil des Minis-
tres.

Ladite liste est notifiée
au Ministère des Finances pour exé-
cution.

Très cordialement à Vous

سند شماره ۷۴/۱

Handwritten signature or stamp

Les Livres sterlings à placer en dépôt fixe pour 6 mois :

En Angleterre:-

National Provincial Bank of England + Royalty de 1929	+ £. 1,450,...	3,500 à 3 1/4%
Imperial Bank of Persia jusqu'au 20 mars 1931.	£. 200,000	à 4%
Westminster Bank	£. 100,000	à 3%

En Allemagne:-

Deutsche Bank:	£. 200,000	à 5 1/2%
Darmstädter & National Bank	£. 100,000	à 5 1/2%
Berliner Handelsgesellschaft	£. 100,000	à 5 1/2%
Dresdner Bank:	£. 100,000	à 5 3/4%
Commerz und Privatbank:	£. 50,000	à 5 5/8%

En Belgique :-

Crédit général Liégeois	£. 100,000	à 3%
-------------------------	------------	------

En France :-

Banque de Paris et des Pays - Bas	£. 100,000	à 3%
Banque de l'Union Parisienne	£. 100,000	à 3%

H.1) Le Ministère de la Guerre aura à payer :-

Versé la fin juillet	£. 200,000
" " " août	£. 200,000
" " " septembre	£. 200,000
" " " octobre	£. 200,000

Toutes les autres Livres Sterlings peuvent être placées en dépôt fixe pour 6 mois.

H.2) A partir du 20 mars 1931, les 200.000 Livres Sterlings, confiées à la Banque Impériale, deviendront propriété de cette banque, en vertu de l'Accord, relatif au rachat du droit de l'émission des banknotes.

Westminster Bank	3%	£. 1,450,000
Barclays Bank	2 7/8%	
Midland Bank	2 7/8%	
Lloyds Bank	2 7/8%	
National Provincial Bank	3 1/2%	£. 1,450,000
Imperial Bank	4%	£. 200,000-
Imperial Bank	2 1/2%	
Dresdner Bank (pour un an 4 1/4%)	3 5/4%	£. 100,000-
Darmstaedter & National Bank	3 1/2%	£. 100,000-
Deutsche Bank	3 1/2%	£. 100,000-
Berliner Handelsgesellschaft	3 1/2%	£. 100,000-
Commerz und Privatbank	3 5/8%	£. 50,000-
Crédit Général Liégeois	3%	£. 100,000-
Banque de Paris et des Pays-Bas	3%	£. 100,000
		£. 2,300,000

در ۷ آبان ماه ۱۳۰۳
در دفتر ثبت واقع گشته

سند شماره ۷۴/۲

	3%	Westminster Bank
	2 7/8%	Barclays Bank
	2 7/8%	Midland Bank
	2 7/8%	Lloyds Bank
200,000	4%	Imperial Bank
	2 1/2%	Imperial Bank
1,450,000	3 1/4%	National Provincial Bank
100,000	3 5/8%	Comque & Muenchen
100,000 4/4 %	3 3/4%	Breslauer Bank
100,000	3 1/2%	Barmskredit (Berlin)
100,000	3 1/2%	Deutsche Bank
100,000	3 1/2%	Berliner Handelsgesell.
	3 1/2%	Reichscredit
50,000	3 5/8%	Commerce und Privat Bank
100,000	3%	Credit General Liegeois
100,000	3%	Comque de Paris et de Pays-Bas
	3%	Comque & l'Union Parisienne
	2 7/8%	Amster Bank
	2 7/8%	Guaranty Trust
	2 7/8%	Accy Loan Co

سند شماره ۷۵

LE 10 juillet, 1930

Cher Mr. Jacks,

En réponse à votre lettre d'hier et comme suite à ma lettre du même jour, je m'empresse de vous remercier de vos aimables démarches aux fins d'augmenter le taux du placement dans la National Provincial Bank of England, ainsi que de vous prier d'être l'interprète de mes remerciements pour les efforts faits dans cette voie par le siège de Londres de l'A.P.O.C.

J'ai immédiatement communiqué la teneur de votre lettre au Ministère des Finances, en le priant de mettre la totalité de la royalty de 1929 dans la National Provincial Bank pour six mois et à un taux d'intérêt de 3 5/16%.

Tout en vous priant d'agréer, cher Mr. Jacks, mes sentiments les plus cordiaux, je vous salue un gré particulier si vous vouliez en prévenir Londres.

سند شماره ۷۷

Anglo-Persian Oil Company; Limited,
TEHRAN.

Ref. C/2

۲۰۹۵

TEHRAN,

12th July, 1930

The Treasurer-General https://t.me/shenakht_lib

TEHRAN.

Dear Sir,

I thank you for your letter dated the 19th Tir 1309, No. 15-837.

Following instructions received from His Highness the Minister of Court on the 10th instant, I at once telegraphed priority to my London Office requesting them to immediately accept the National Provincial Bank's offer for a fixed deposit of 6 months. I have now received London's confirmation that they have deposited for a period of 6 months the 1929 Royalty amounting to 21,452,153 with the National Provincial Bank at 5-5/16% interest.

I shall be obliged if you will place me in a position to communicate the following information to London:

- (1) In what name is the deposit account to be kept with the National Provincial Bank?
- (2) Who will the Persian Government nominate to retain the deposit receipt in safe custody?
- (3) Who will the Persian Government authorize to grant a discharge to the Bank when the deposit is to be withdrawn on the expiry of 6 months?

With the assurance of my high esteem.

Yours faithfully,



RESIDENT DIRECTOR.

سند شماره ۷۸

Le 13 juillet, 1930.

Cher Mr. Jacks,

En réponse à votre lettre d'hier je m'empresse de vous exprimer tous les remerciements dus à la Direction de l'A.P.O.C. pour ses démarches faites aux fins du placement de la royalty de 1929, ainsi que de répondre aux questions que vous me posez dans votre lettre :-

1. Les £.1.452.163- doivent être placées aux noms du ministre des Finances et du Trésorier Général en fonction.

2. La Direction de l'A.P.O.C. est priée de prendre les mesures nécessaires afin que le reçu de la National Provincial Bank soit envoyé par votre entremise à Tehran, pour être gardé au Ministère des Finances.

3. Pour les dépôts que nous avons dans les différentes banques, tout chèque doit être signé par le ministre des Finances et le Trésorier Général en fonction; à l'échéance des 1.452.163 L.S. la décision du Gouvernement Persan sera communiquée à la National Provincial Bank.

Encore une fois merci et très cordialement à Vous.

سند شماره ۸۲

COMMISSION DE CONTROLE DES DEVISES ETRANGERES:

No. 4972

4th Novembre, 1930.

The Anglo-Persian Oil Co.

T E H E R A N.

Messieurs,

En réponse à votre honorée lettre No. AA/4532 en date du 28 Octobre dernier, nous avons l'honneur de vous faire savoir que la Commission de Contrôle vous libère des prescriptions de l'Art. VI de la Loi du 31 Tir, jusqu'à concurrence d'une somme de:

£. 25.000 -- (L. Stg. Vingt-cinq mille)

par mois, pour l'importation des marchandises reprises à la liste, au lieu de Lstg. sept mille par mois, objet de notre lettre No. 2548 du 9 Aout passé.

Il est bien entendu que ces importations seront faites à l'effet de servir uniquement aux besoins de votre honorable Compagnie et ceux de votre Personnel.

Veuillez agréer, Messieurs, nos considérations les plus distinguées.

COMMISSION DE CONTROLE DES DEVISES
ETRANGERES

(Sgd) DR. LINDENBLATT

Copie de la lettre qui précède est envoyée à l'Administration Générale des Douanes pour information.

سند شماره ۸۳/۱

محرر

23rd December 1930.

His Excellency Mirza Eissa Khan Fayz,
44B, Lexham Gardens,
W. S.

Your Excellency

https://t.me/shenakht_lib
With reference to your letter of 10th instant I have considered the question of the liability to Persian Income Tax of the First Exploitation Company Limited, and the Anglo Persian Oil Company Limited. I have carefully perused the Persian Income Tax Act and I note that in advising on this question I may take it that the First Exploitation Company and the Anglo Persian Oil Company admit liability in principle under Article II (b).

I have also examined the pro-forma computation of liability prepared by the Anglo Persian Oil Company showing their calculation of the liability based on 1929 operations for both Companies, and also future liability based on an annual production of 10,000,000 tons.

My views on the specific points which you ask me to consider are:

(1) I am of opinion that the liability of both Companies to Persian Income Tax must be restricted to profits attributable to operations in Persia. I have arrived at this conclusion not only from the wording of Article II (b) - "they shall pay the tax on their net profits /resulting

resulting from their operations or products obtained by them in Persia" - but also from my experience of the manner in which this question is dealt with in all the principal Countries in the World. Both in this Country and in America, and generally speaking in every Country where the Taxing Law deals with profits made partly in and partly out of the Country, there is no attempt to tax the whole of the profits made from the purchase or production of a commodity in one Country and its sale in another Country, unless the whole of the operations relating to the commodity, from its purchase or production to its sale, are directed, controlled and managed by a person or persons resident in the Country of taxation. This would include a Company incorporated in that Country and such a Company would come under Article II (a) of the Persian Income Tax Act, and be liable on the whole of its profits wherever made.

Neither the First Exploitation Company nor the Anglo Persian Oil Company is incorporated in Persia, nor are they controlled or managed there. Consequently they come under Article II (b), and I am of opinion that Article II (b) draws a clear distinction between the liability of Companies incorporated in Persia, which would be taxable on the whole of their profits, and Companies incorporated outside Persia, which are taxable only on their net profits resulting from their operations or products obtained by them in Persia. The distinction made between Companies referred to in Article II (a) and Article II (b) can only mean that Companies referred to in Article II (b) shall pay the tax on something less than the whole of their profits. Otherwise they would have been included under Article II (a) without any distinction.

Accordingly I am of opinion that "the net profits

/resulting

resulting from their operations or products obtained by them in Persia" must mean the profits directly attributable to their operations in Persia up to the point where the products leave Persia.

(2) a and b. With regard to the question as to whether the profit shown by the First Exploitation Company on the sale of its oil to the Anglo Persian Oil Company and the profits shown by the latter Company on the Pipe Line and Refinery in Persia are fair commercial profits, I am of opinion that there are prima facie grounds for the view that the profits shown in the pro-forma computation prepared by the Anglo Persian Oil Company may not be fair commercial profits attributable to operations in Persia, having regard to the profits made by both Companies together on the whole of their operations for 1929. At the same time I am not in a position to state, without a detailed and lengthy investigation of the operations and accounts of both Companies, what is a fair commercial profit attributable to operations in Persia.

The definition of "profits" for this purpose is a matter for careful consideration, as, apart from the question of what is a fair proportion attributable to operations in Persia, the profits for the purpose of Persian Income Tax would not necessarily be the profits as shown by the Companies' accounts, nor the profits as adjusted for the purpose of calculating the royalty.

As regards the future, the profits attributable to operations in Persia would, in my opinion, depend to some extent on the profits resulting from the whole of the operations of both Companies, and the profit per ton of oil produced and refined in Persia could not be assumed to remain stationary for
/different

different outputs and varying prices of refined products. This appears to be the assumption on which the pro-forma computation of the Anglo Persian Oil Company is based.

As regards the tonnages on which the profit is to be calculated, there should be no difficulty in checking these figures when the method of calculating the profit is agreed.

(c) The difficulties referred to above lead me to suggest that the simplest and most practical method of arriving at the profits attributable to operations in Persia is to agree with the Anglo Persian Oil Company a sliding scale rate of profit per ton of oil,

- (a) produced,
- (b) conveyed by Pipe Line, and
- (c) refined,

in Persia. The sliding scale would be graded according to different outputs and also for varying prices of refined products. Alternatively the profit on each of the above three operations might be calculated as an agreed proportion of the total profits, such profits to be adjusted on agreed lines.

(3) On the third point as to the modus operandi existing between other foreign Governments and the various oil producing and refining Companies with respect to Income Tax and dual taxation, it would require a considerable investigation to ascertain how other Oil Companies are taxed in the various Countries in which their different operations are carried out. In this Country and in America, and I think, generally, the profits attributable to the operations in each Country (other than the Country in which the whole of the operations are directed and controlled) are taken to be the profits as shown by the accounts of the Subsidiary Company or Branch operating in that Country, provided there is no reason to suspect that

/the price

the price at which the Subsidiary Company or branch buys or sells its goods is an artificial price. If there is reason to suspect that the price is artificial, the Taxing Authorities have power to make adjustments which they consider necessary in order to arrive at the true profit, or a reasonable profit, attributable to the operations in the particular Country. In this Country such adjustments are generally based on a fair apportionment of the profits resulting from the whole of the operations of the Parent Company or business or on a generally known rate of profit or turnover in the particular industry, while in America there is a very complicated formula for allocating the profit between the operations carried on in America and out of America.

With regard to dual taxation, generally speaking, as between different Countries, tax paid in one Country is not allowed as a set off against or reduction of, the tax payable in another Country. The tax paid in one Country is, however, allowed as a deduction from the profits which are taxable in the other Country. Thus the British Income Tax paid by the First Exploitation Company and the Anglo Persian Oil Company in respect of profits which are also taxable in Persia would be deductible from those profits before calculating the Persian Income Tax, and similarly the Persian Income Tax would be allowed as a deduction from the profits in calculating the British Income Tax.

In the case of America, Companies incorporated there are allowed to set off foreign taxes against the American tax payable by them in the proportion which the foreign profits bear to the total profits. Thus, if the foreign profits of the American Company were one-third of its total profits, only

/one-third

one-third of the foreign tax would be allowed as a set off against American tax. This relief is allowed only in the case of Companies incorporated in America, and as the First Exploitation Company and Anglo Persian Oil Company are not incorporated in Persia, no analogy can be drawn between America and Persia in considering whether any proportion of British tax should be allowed as a set off against, or reduction of, Persian tax payable on the same profits.

In the case of the Countries forming the British Empire the tax paid in one Country is generally speaking allowed as a credit against the tax payable in the other Country on the same profits, subject to certain restrictions, but here again no analogy can be made with the position as between Persia and other foreign Countries.

As you may be aware, the whole question of dual taxation is being considered by the League of Nations, with a view to arriving at an equitable method of limiting liability to one Country according to the test of residence, incorporation, control, or situation of property as the case may be.

If the Persian Government desire me to take any further steps in connection with this matter I shall be glad to have their further instructions.

Yours sincerely,

Signed

William McLintock

سند شماره ۸۴/۱

THE total market of Persian of Benzine and Kerosene is estimated very approximately to be to-day:

BENZINE.	5,000,000 gallons.
KEROSENE.	10,000,000 "

This demand is met by Persian and Russian supplies in approximately the following proportions:

	<u>PERSIAN</u>	<u>RUSSIAN</u>
BENZINE.	3,000,000	2,000,000
KEROSENE.	3,200,000	6,800,000

Owing to the geographical position of the largest towns the areas of greatest consumption lie in the Northern and North-Western provinces of Persia, which are more economically supplied from Russian sources of supply. The heaviest cost of distribution in Persia is transport, and it is for this reason that Russian oil can be supplied to these Northern towns at cheaper rates, even after taking account of duty and road tax, which do not compensate for the longer haul and heavier transport costs from Abadan.

Until 1925 Persian oils were marketed solely in the Southern provinces which can be described as their economic sphere. During the winter of 1925/26 the Alimentation Department sought the assistance of this Company to ensure supplies of Benzine for its service, as at that period supplies of Benzine from Russia had practically ceased. Without counting the financial cost involved, the Company placed its resources unreservedly at the disposal of the Alimentation Department, and during that critical time was able to make adequate stocks of benzine promptly available for the alimentations services.

Since that date the Company has extended and consolidated its oil distribution services throughout the Persian Empire, and B.P. products are on sale at practically all the larger towns and villages.

That the public have secured much benefit from the intensive activities of the Company is clearly demonstrated by the steady forcing down of prices that has taken place during the past five years, and the consumers now enjoy stabilized rates.

- (2) -

This is well illustrated by a comparison of the prices ruling in the larger towns in the North in 1926 and those current to-day:

	<u>B E N Z I N E</u>		<u>Percentage Reduction</u>	<u>K E R O S E N E</u>		<u>Percentage Reduction</u>
	<u>Erans per gallon</u>			<u>Er. per gal.</u>		
	<u>1926</u>	<u>1930</u>		<u>1926</u>	<u>1930</u>	
HAMADAN.	11.05	5.60	60%	6.59	3.19	52%
ISFAHAN.	10.12	5.72	55%	4.79	4.08	63%
MIRHANGSHAN.	9.35	5.00	55%	7.40	3.21	55%
MESHEH.	10.58	7.49	44%	6.55	5.06	39%
TEHRAN.	14.09	6.35	66%	5.20	3.44	48%
TABRIZ.	9.41	5.45	54%	3.35	3.35	0%
CAEVIN.	8.12	6.07	41%	5.10	3.01	53%

During the past twelve months a reasonable commercial return has been achieved from the sales of Benzine in Persia, but on Kerosene the return has amounted to Ers. 0.125 per gallon only, which has resulted in an actual loss to the Company as this figure falls far short of the cost of producing and refining this product. Taking into consideration the "return" which could have been derived from this quantity of kerosene in other markets, it will be appreciated that the policy adopted by the Company to stabilize the price of oil throughout Persia, in order to prevent exploitation of the Northern markets by Russia, has only been accomplished at considerable financial loss to the Company.

To obtain an understanding of the price structure which is built up in all consuming countries it is necessary to explain the method adopted of expressing the revenue which is derived from the sale of oil.

This is expressed in terms of "return" or revenue obtained at the Refinery for each product. As a simple example, if oil is sold at a point for Erans 24 per tin, and it costs after taking delivery of the tin of oil at the Refinery, Ers. 20 to transport it to destination, handle it at the various points and sell it, the "return" or revenue obtained at the Refinery for that tin of oil is Ers. 4. To arrive at the actual profit, all cost of production, transport to the Refinery,

- (3) -

refining and delivery to the point of despatch from the Refinery must be deducted.

The consumption of oil in those markets which are outside the economic sphere of indigenous oil is estimated very approximately to be:

BENZINE,	3,800,000 gallons.
KEROSENE,	8,100,000 "

of the total Persian market, and of these quantities the proportion met by indigenous oil is estimated to be:

BENZINE,	1,800,000 gallons.
KEROSENE,	1,300,000 "

If, therefore, it comes to a question of extending the markets which are to be met by indigenous oil, an increase in the price of Kerosene would be inevitable in order to compensate to some extent for the heavy losses that would otherwise be sustained. It must be remembered that Russian oil is not sold in the markets of South Persia and that any further extensions of marketing activities would therefore take place in the unremunerative area, with no compensating advantages in the remunerative zone, and the further forth that indigenous oil is taken, the higher will become the transport costs. It will be recognised, therefore, that the interest of the consuming public is the better served by the distribution of indigenous and imported oils within their respective economic spheres, as transport costs which are the dominating calculation in selling prices would then be confined to accepted limits.

Without actual working experience of the full demand and the cost of distributing the additional quantity of oil to meet the entire need of the Northern markets, it is impossible to do more than estimate approximately the prices which would have to be established in order to limit the financial sacrifice of the Company to what it is to-day.

Estimates have, however, been taken out, and as a rough guide it may be said that the price of petrol prevailing to-day could probably be continued, but that the prices of Kerosene would require to be advanced throughout the country. The extent of this advance in price

- (4) -

will be indicated in a separate statement that will be submitted shortly.

F. S. Greenhouse

A Persian Translation is attached hereto.

https://t.me/shenakht_lib

T E H R A N,

28th January, 1931.

سند شماره ۹۶

Traduction de la lettre du 7 Août 1931 de Sir
John Cadman.

Cher Taymourtache,

Je viens récemment de recevoir une lettre de Mr. Jacks me rendant compte de trois conversations qu'il a eu avec vous après son arrivée à Tehran.

Je me hâte de profiter du courrier en partance pour vous faire connaître mes pensées préalables, sans attendre l'occasion où je pourrai écrire plus longtemps afin de traiter le sujet en question à fond et d'une manière plus ample.

Permettez-moi de dire en forme de préface à mes remarques que Mr. Jacks n'a aucunement exagéré les conditions défavorables du commerce pétrolier mondial qui obtient aujourd'hui. Après les effets naturels de la crise économique générale qui, se manifestent dans le monde entier, a arrêté la marche normale vers l'augmentation annuelle de la consommation des produits pétroliers - dont nul ne peut prévoir la durée - la situation a été rendue encore plus précaire à raison de ce qui suit :

1° La grande production, sans arrêt, d'huile brut à bon marché dans les nouveaux champs pétroliers des Etats-Unis.

2° La concurrence bon-marché et non économique de la production à excès du pétrole russe et roumain dans les marchés européens.

3° Frais de transport phénoménalement bon marché et courtes distances à traverser.

A présent il existe dans tous les marchés européens la plus violente concurrence entre les compagnies distributrices afin de maintenir leur position commerciale; et cette concurrence a été rendue plus aggravante par l'intrusion de nouvelles organisations qui, profitant d'une production excessivement bon-marché, sont pour le moment à

même

-2-

même de s'introduire dans les régions où la demande est considérable et les frais de distribution minimes, et ainsi de vendre à des prix dérisoires.

L'effet inévitable en a été que les grandes compagnies telles l'Anglo-Persian, afin de maintenir leur position commerciale, ont dû réduire leur prix à tel point qu'elles ne rendent que très peu ou point de profit. Combien de temps cet état de choses va-t-il durer, je n'en sais rien. De toute façon il ne peut pas être permanent puisque la plupart des organisations plus faibles doivent inévitablement s'écrouler sous la pression de la concurrence et des gains non-économiques. Tant que l'Anglo-Persian se trouve dans une position forte pour lutter et sortir victorieusement de cette période de dépression afin de se trouver, quand les temps seront meilleurs, dans une situation qui lui permettra de profiter des occasions pour avancer plus en avant, il serait vain de dissimuler la vérité qu'aujourd'hui, ainsi que pour un temps considérable à venir, elle sera obligée de faire face à une période d'adversité.

Ces considérations doivent être toujours présentes dans la pensée de tous ceux qui sont responsables d'une pareille organisation. Je ne doute pas que vous n'en soyez au courant d'une façon générale, quoiqu'il se peut qu'elles ne soient pas aussi clairement apparentes en Perse qu'elles le soit ici. C'est pourtant dans une pareille atmosphère commerciale que nous devons prendre en considération les problèmes qui se posent dans nos relations avec le Gouvernement Persan, et nous désirons nous y prendre de la manière la plus saine et la plus équitable.

Les sujets que Mr. Jacks a discutés avec vous se divisent en deux catégories, c'est à dire les questions qui demandent à être réglées sans retard, et celles qui peuvent attendre des temps meilleurs et plus *clair* à propos où l'horizon en général serait plus clair.

-3-

Dans la première catégorie outre la question des impôts et celles de Redevance (Royalty) qui restent à être réglées.

En ce qui concerne les impôts, nous avons été fortement d'avis qu'il serait mieux de s'entendre pour un nombre d'années sur une somme globale qui nous indiquerait, et dans l'estimation de nos problèmes financiers, les genres d'engagements auxquels nous devons faire face de période en période. Mais je crains, vu les discussions qui ont eu lieu jusqu'ici, qu'il ne soit extrêmement difficile de nous entendre sur une somme globale qui pourrait, en toute circonstance, être considérée équitable de votre part ainsi que de nôtre. En conséquence, pour le moment, nous sentons qu'il serait plus avantageux aux deux parties d'adopter un plan d'action se mettant d'accord sur un chiffre pour 1930, et faire de même d'année en année jusqu'à ce que la situation générale du commerce ait montré quelque amélioration, et que la perception se soit devenue moins troublante - sur ce point je suis en train d'écrire à Mr. Jacks qui s'en entretiendra avec vous.

En ce qui concerne les questions de Redevance (Royalty), je suis fortement d'avis que dans toutes les circonstances il serait bien de poursuivre plus en avant les propositions qui vous ont été faites par M. Jacks. Comme vous je voudrais éviter l'arbitrage et préfère bien plus régler toutes les questions par entente mutuelle. C'est dans cet ordre d'idées que M. Jacks vous a fait cette proposition, et j'espère vivement que, réflexion faite, vous y donnerez votre assentiment.

Concernant les grandes questions qui ont été discutées au sujet de la révision de la Concession je peux à peine en ce moment-ci entrer dans les questions de détail, mais je dois dès à présent déclarer très catégoriquement qu'il y a pour le moment une divergence de vues énorme entre le Gouvernement persan et la Compagnie concernant ce qui

-4-

serait possible et en même temps équitable. Après mûre réflexion je sens que la question entière d'une révision de la Concession y compris son extension ne peut être discutée effectivement que quand les temps seront meilleurs et que la situation chaotique actuelle de l'industrie du pétrole aura disparu. Alors seulement serait-il faisable de calculer avec une précision raisonnable les possibilités de l'avenir et ainsi projeter un plan compréhensif qui pourrait subir l'épreuve des temps.

سند شماره ۱۰۰/۱

TRADUCTION DE LA LETTRE DU 12 JANVIER DE
SIR JOHN CADMAN A SON ALTESSE TEYMOURTACHE.

Il ne reste que deux questions à trancher: -

1. La question de la provision par 100,000 tonnes à titre des intérêts sur le capital.
2. Une somme globale pour régler le passé.

En ce qui concerne 1, comme déjà indiqué par nous, les provisions qui ont été en vigueur récemment se chiffraient à £1,000,000

En outre, une provision devrait être faite à titre des intérêts sur le capital de la British Tanker Company, dont les bénéfices seront à l'avenir assujettis aux rédevances. Ce chiffre, selon nous, revient à pas moins de . . . £400,000
 Ou en tout £1,400,000

Nous sommes prêts, comme beau geste, qui dépasse la générosité, à couper ce chiffre en deux en disant £700,000. En rapportant ce chiffre sur une base par 100,000 tonnes produites nous arrivons à un chiffre de £11,500.

En ce qui concerne 2, il a été convenu entre nous que la seule solution, autre que par voie d'arbitrage, est celle d'un chiffre rond, et à cet effet nous sommes prêts à nommer le chiffre généreux de £1,000,000 destiné à comprendre le règlement de tous désaccords du passé, ainsi que des intérêts et l'impôt sur le revenu.

Il a été déjà convenu entre nous que l'Accord dans son état éventuel devrait, tout en conservant les principes et les intentions arrêtés pendant nos pourparlers, être rédigé d'une façon telle qu'il ne restera aucun doute au sujet de son interprétation dans l'avenir. Pour atteindre ce but, il sera nécessaire que les conseils légaux et comptables des deux parties recevront des ordres pour une collaboration dans ce sens, et que le projet qu'ils rédigeront sera soumis à notre approbation définitive.

C'est ici que j'en fais mention, car en parcourant le texte anglais de la dernière rédaction, que l'on m'assure représente une traduction serrée du texte français, je m'aperçois des ambiguïtés dans des phrases où l'intention des deux parties était bien nette.

En outre, il a été convenu également que les experts comptables des deux parties devraient faire préparer un état modèle, qui servira comme guide à l'avenir en faisant ressortir les principes compris dans l'Accord. Il sera nécessaire de leur donner aussi des ordres à cet égard.

سند شماره ۱۰۰/۲

TRADUCTION DE LA LETTRE DU 12 JANVIER 1932

DE SIR JOHN CADMAN A SON ALTESSE TEYMOURTACHE.

Il me semble que ja devrais vous écrire séparément en réponse à votre lettre du 10 janvier tout en laissant à part la lettre que je vous ai expédiée aujourd'hui au sujet des chiffres.

Laissez-moi tout d'abord vous remercier de la bonne volonté que vous avez bien voulu m'exprimer. J'ai toujours eu l'impression que, bienque nous n'ayons pas naturellement la même opinion de temps en temps sur ce qui est "dans l'intérêt des deux parties", nous contribuons tous deux de la bonne volonté et intention à la solution des problèmes dans lesquels nous avons un intérêt mutuel. C'est mon espoir sincère - et je suis convaincu que vous le partagez - que cet esprit de coopération sera toujours maintenu entre nous - à l'avenir comme dans le passé.

Je suis amené à croire que la méthode, que nous sommes prêts à adopter dans le but de régler les différences du passé, fera ressortir des chiffres qui seront d'une éloquence frappante du point de vue du Gouvernement. Néanmoins, il me semble que plus important encore sera l'effet dans l'avenir du nouvel Accord.

Bienqu'à l'heure actuelle il ne soit pas praticable d'indiquer quand l'industrie du pétrole repartira sur un chemin d'une prospérité nouvelle, je suis convaincu que vous pourrez tirer pour le Gouvernement persan un grand avantage des formules qui seront appliqués aux opérations futures, et que cet avantage se fera valoir de plus en plus dès que les conditions des affaires se rétablissent d'une façon générale.

Il reste bien entendu que vous pourrez compter sur l'organisation de l'Anglo-Persian d'assister dans un tel rétablissement d'affaires par tous les moyens possibles dans l'étendue de son influence.

سند شماره ۱۰۰/۳

TRADUCTION D'UNE LETTRE ADDITIONELLE DU
21 JANVIER DE SIR JOHN CADMAN A SON ALTESSE TEYMOURTACHE.

Son Excellence Eissa Khan Fayz a bien voulu me faire parvenir votre communication de Berlin. Cette communication a reçue ma considération très soigneuse, et à l'égard de la première question des provisions, je suis prêt à accepter le chiffre de £500,000 étant bien entendu que la British Tanker Company en reste exclue.

En ce qui concerne cette dernière société, je suis à même de laisser à votre décision la question suivante, à savoir:-

- (a) S'il y aura une provision additionnelle annuelle de £200,000 qui fera une somme globale de £700,000, ou
- (b) S'il y aura lieu de ^{suivre le} ~~procédé~~ procédé de règlement dans l'avenir comme par le passé sur la base des taux du marché pour charte-parties.

En ce qui concerne le versement résultant du règlement de tous les différends du passé, nous sommes prêts à payer la somme de £1,000,000 pour régler d'une façon complète toutes les demandes à titre de redevances ou d'impôt jusqu'à la fin de l'année 1931. En outre, nous sommes prêts à convenir que la base des redevances à taux de 20% sera applicable à la redevance qui est due le premier janvier 1932 et payable en juin 1932.

P.S.

Les bénéfices de la British Tanker Company dépendent naturellement des taux des frets courants - actuellement les taux sont très bas - mais en tenant compte de toute considération et d'un retour aux temps normaux, cette société devrait vous donner une redevance aux environs de £100,000 l'an.

سند شماره ۱۰۱

Confidentielle.

Dès mon arrivée, j'ai porté à la connaissance de Sa Majesté Impériale les détails de notre échange de vue à Londres et en Suisse et les points sur lesquels nous étions personnellement d'accord, tels que la participation du Gouvernement Persan pour 25% dans l'entreprise, la redevance à payer par tonne, la liquidation des réclamations du Gouvernement, la restriction et délimitation du champ d'action de l'A.F.O.C., la résiliation du droit exclusif pour le pipe - line, la formation d'une société spéciale ou autre forme d'exploitation pour les terrains pétrolifères de l'Ouest, la prolongation du droit d'exploitation sur les bases d'une nouvelle concession, enfin toutes les questions qui étaient soulevées et discutées entre nous.

J'ai également porté à la connaissance de S.M.I. que Vous étiez l'ami dévoué de la Perse, que Vous faisiez tout Votre possible de rapprocher les intérêts de la Compagnie et de la Perse, que Vous supposiez pouvoir me communiquer prochainement le résultat de Vos délibérations avec Votre Conseil d'Administration ainsi que son consentement probable et qu'alors Vous viendrez à Tehran pour négocier la forme définitive ^{former à} nos nouvelles relations.

Sa Majesté a bien voulu approuver tous les points sur lesquels nous étions tombés d'accord et spécialement le principe de la participation du Gouvernement, comme actionnaire, dans l'entreprise.

Le général, S.M.I., tout en accordant Sa bienveillance à l'A.F.O.C., considère que les intérêts persans devraient être mieux sauvegardés dans les arrangements de l'avenir et que l'on doit travailler à la consolidation des bases de la communauté d'intérêts de deux parties.

Je suis heureux de pouvoir Vous communiquer ces dispositions de S.M.I. qui sont une grande garantie de succès des négociations et de Vous dire qu'il faut en profiter le plus vite

- 2 -

J'espère que Vous avez pu obtenir le consentement des Vôtres,
En même temps je veux attirer Votre attention sur ce point que le
versement immédiat de 500,000 L.S. produirait un effet très avan-
tageux sur l'esprit de tout le monde ici. lib

La question reste chez nous absolument confidentielle
et, sauf Sa Majesté, personne n'en sait rien. Je n'ai rien dit à
Mr. Jacks, comme il a été convenu entre nous.

Pourriez - Vous me communiquer le résultat de Vos dé-
marches faites jusqu'à présent?

سند شماره ۱۰۲

Tehran

Il est joint un dessin

Mon cher ami,

J'ai bien reçu votre aimable lettre du 13 Septembre ainsi que votre photographie. Merci pour l'une et l'autre.

La fièvre et mon regret pour le fait que Lady Cobden ne s'est pas complètement rétablie. Nous lui envoyons tous nos vœux et souhaitons une guérison prompte et complète.

Je Vous remercie également de l'article de *Teimes* qui a apparu grâce à Vous et dont j'ai eu l'honneur de porter la teneur à la connaissance de Sa Majesté Impériale. La Perse ayant un ami de Votre envergure en Angleterre, peut évidemment espérer d'avoir la meilleure presse.

De même agréer mes remerciements pour les films cinématographiques qui nous rappelleront notre séjour, rendu grâce à Vous encore si agréable, à Londres.

Je viens de rentrer d'un voyage sur la côte de la Caspienne en accompagnement Sa Majesté qui est en train de faire dans peu de jours un voyage au Sud pour l'inauguration de la route Lorestan - Khuzestan. J'accompagnerai également S.M.I. et j'en suis ravi, car outre les autres agréments de ce voyage, j'aurai l'occasion de voir les installations de l'A.P.C.C.

Pour notre affaire et pour quelques prières que j'ai à Vous adresser les notes spéciales sont ci-jointes.

La femme envoie à Lady Cobden et à Vous toute son amitié et espère recevoir la photo promise. Je la prie d'agréer mes hommages respectueux.

Dans l'espoir de Vous voir très prochainement en Perse je reste, mon cher ami, Votre très cordialement dévoué

سند شماره ۱۱۵

GUARDIAN, WEDNESDAY.

PERSIA'S OIL
THREAT

More Profits Demand

FALL IN ROYALTIES
SINCE 1930

(From a Correspondent.)

LONDON, TUESDAY.

The annulment of the Anglo-Persian Oil Company's concession announced to-day is a startling illustration of the methods now in favour at Teheran. For some time there have been public attacks in Persia on this concession, and the fact that it was signed in 1901 on behalf of the Shah, Muzaffar ud-Din, for a period of sixty years has had little effect on the Persian Nationalists, who have been demanding a revision in its terms.

The royalties accruing to the Persian Government, which comprise 16 per cent of the net profits, have fallen spectacularly since 1930. In 1931, indeed, the British Government received in income tax from the Anglo-Persian Oil Company more than twice as much as the Persian Government received in royalties. The Anglo-Persian Oil Company has recognised the desirability of some revision in the terms of the concession, and earlier in the year it was confidently hoped that a new agreement between the Persian Government and the company, in which the British Government holds a majority of shares, would be ratified.

HISTORY OF CONCESSION

The denunciation by the Teheran Government of the concession is presumably one way of attempting to secure radical revision. The history of this concession is a romantic one. It was originally granted after years of research to Mr. M. K. D'Arcy in 1901. At first all efforts to locate oil proved futile. In 1909, however, the Anglo-Persian Oil Company was formed to acquire the concession, but shortly before the war the capital required to work it was not forthcoming from the public, and control of the concession looked like falling into foreign hands. It was the work of Lord Fisher at the Admiralty, who had long urged the conversion of the Grand Fleet from coal to oil, and of Mr. Winston Churchill, in Parliament, that made possible the participation of the British Government in this concession. Mr. Churchill's stroke has often been compared with that of D'Israeli in 1876, when he secured British official interest in the development of the Suez Canal.

For the present, the exploitation of the fields in Southern Persia will continue as hitherto. What the Teheran Government want is a greater share in the profits from the oil. Possibly it has not studied deeply the effect of world conditions on the price of Persian oil, nor the policy of deliberately restricting output in the interests of price. Such knowledge is not often possessed by young and energetic Governments.

سند شماره ۱۵/۱۱۵

Anglo-Persian Oil

It is notoriously hard to know the truth about "oil politics," but it is easy to discover motives for the sudden cancellation of the Anglo-Persian Oil Company's concession by the Persian Government. This huge organisation, in which the British Government holds two-thirds of the shares, has larger interests in Persia than all the other British and foreign concerns there put together. It gives employment to some twenty thousand Persians and has created many public works in the south of the country. The present Shah of Persia, Reza Khan Pahlavi, came to the throne thanks to a nationalist revolution, which saved his people from a British protectorate. He cannot be expected to forget the recent past. His policy has been consistently directed to free the Persians from capitulations and all the other irksome limitations on their sovereignty to which the Kadjar monarchs had submitted. The Anglo-Persian Oil Company has been tactfully administered and has allowed the Shah to carry his authority unchecked into the areas which it exploits. But it was certain to be disliked at Teheran, where splendid royalties alone could reconcile a proud but needy Government to its existence. These royalties have steadily declined since 1921; in 1931 they reached a record in low levels. Hence Persia's pressure for another royalty agreement; hence her abrupt cancellation of the whole concession. Her action is provocative and legally assailable. But legal points should not decide this case. Great Britain has too big an interest in the fields to let the matter go, but she should treat the Persian Government with patience. It is, no doubt, true that world conditions are responsible for Persia's loss of revenue, but law and common sense are sorry aids in argument with an aggrieved and struggling nation. Times have changed much since the original concession was obtained from decadent and alien rulers. Persia is ready to negotiate for a new contract. She should be taken at her word. The East is changing and the West must meet it.

سند شماره ۱۱۷/۱

BAGHDAD TIMES.

THURSDAY, DECEMBER 14, 1933.

Telephone: Baghdad 24.

Printed and Published by the Press Printing and Publishing Company (S.M.A.S.A.) Ltd.

METEOROLOGICAL.

Maximum temperature during the week ending 13th Dec. 1933. 70.0 and 60.0.

Minimum temperature during the week ending 13th Dec. 1933. 41.0 and 31.0.

YESTERDAY'S READINGS

Maximum	Minimum	Direction	Force
61.0	38.0	N.W.	41

Direction of wind in next Month and 15th day.

Maximum	Minimum
62	34

Shahab 58

THE A.P.O.C.

No statement has been made by the A.P.O.C. on the subject of the decision reported in yesterday's *Baghdad Times* of the Persian Government's intention of the amendment of the A.P.O.C.'s concession.

This is not the first time that a threat has been made that the concession will not be renewed, but this is apparently the first time that it has been seriously threatened to extend to a year.

The Persian Government as a big stockholder in the A.P.O.C. is closely involved and it may be regarded as certain that before long negotiations will be in progress to seek kind of a satisfactory footing. Iran has a certain interest in the matter because of the concession which the A.P.O.C. through subsidiary companies has in the oil fields in this country.

It is now being laid from Kirkuk to the Mediterranean in the proposed *Baghdad Times* in which the A.P.O.C. through a minority holder, appears to exercise an influence considerably greater than its share would warrant.

It is a fact that was recently pointed out that public opinion in Persia has been very exercised over the sudden fall in the revenue that the Government receive as royalties from the Anglo-Persian Oil Company.

Whereas in 1929 and 1930 the Company paid dividends of twenty and fifteen per cent respectively, out of profit amounting to £5,206,761 in the former year and to £4,648,579 in the latter year, in 1931 profits, as a result of world conditions and low prices ruling for oil products, amounted to £2,318,717, and a dividend of five per cent only was declared. For Persia the effect was to reduce the oil royalties from £1,300,000 to a little over £306,000.

This considerable reduction was at once seized upon by the Persian Press, and a campaign was launched against the Anglo-Persian Oil Company. Most of the criticism does not merit serious attention.

In one quarter it was stated that the output of oil from the Persian fields for 1931 was two million tons greater than in 1930; but the actual published figures of production are 5,939,000 tons in 1930 and 5,750,000 tons in 1931—an indication that, while the Company has fully preserved its position in the depressed markets of 1931, it has to some extent shared *pro rata* in the fall in consumption.

Critics, however, lay little stress on this reduced consumption or—what is vastly more important—on the uneconomic prices at which oil had to be sold by the Company, in order to maintain and consolidate its position on the

(Continued in next Column)

/shenakht_lib

world's markets, which are highly competitive. Reference has also been made to the large sum paid in income-tax to the British Government (over £800,000), as compared with the accruing to Persia (£306,000).

On this point, it is, perhaps, necessary to call attention to the fact that income-tax levied on company profits is really a tax paid by the shareholders, as it reduces to the extent of the sum paid the amount available for the dividend. In the present instance, moreover, the income-tax that the Company shows in its balance sheet for 1931 has been levied on the big profits made in 1930, when the Persian Government itself benefited to the extent of over £1,300,000.

To suggest without any evidence that Persia is being victimized is a reflexion ultimately on the Teheran Government, which has the right to examine the Company's balance-sheet and to call for such explanations as may be required. The policy that will be found to be most to Persia's advantage is to proceed upon the assumption that the interests of the country and of the Company in regard to oil development are identical.

سند شماره ۱۱۹/۳

LUMLEY & LUMLEY,
SOLICITORS.

THEODORE LUMLEY & CO.
AND AT
10 OLD LONDON CHAMBERS, BARRACK

35 & 36 GERRARD,
LONDON, E.C. 4.

37, CONDUIT STREET,
BOND STREET,

D.W.

LONDON 27th July 1921

To
H.E. Farid-er-Saltaneh,
Commissaire Imperial,
Chambellan to H.I.M. The Shah,
Attached to the Imperial
Legation of Persia.

Your Excellency,

We have the honour to inform you that we have now perused and considered the various documents you have laid before us, and beg to submit the following observations for your consideration.

Apart from the Agreement of 22nd December 1920 between the Imperial Persian Government and the Anglo Persian Oil Company Limited requiring ratification to make it binding on the Government we are rather inclined to the view (although it is not easy to advise with confidence) that in entering into the Agreement Mr. Armitage Smith may have exceeded the powers conferred upon him by the letter of the 29th August 1920. These powers were limited to the final adjustment of all questions in dispute between the Anglo Persian Oil Company and the Imperial Government of Persia, and if such powers are to be construed strictly they certainly do not appear to authorise his entering into and signing an agreement on behalf of the Imperial Government of Persia effecting extensive variations in the terms of the original

- 2 -

Concession to the detriment of the Imperial Government.

It is to be observed that a perusal of the statement drawn up by Mr. Armitage Smith for the opinion of Counsel shows that nowhere does he ask Counsel to direct their mind to the question whether he had authority to enter into the alleged agreement under the powers conferred upon him, and no copy of the letter of authority or of the private instructions of the 29th August 1920 appear to have been laid before them.

The joint opinions of two separate sets of Counsel have already been taken in relation to the matter including the construction of the Concession, namely, that of Mr. D.M. Kerly K.C. and Mr. Rayner Goddard, dated 22nd March 1920 and that of Mr. Mark L. Romer K.C., and Mr. W. Gordon Brown, dated 1st December 1920.

The first mentioned opinion certainly seems more favourable to the Imperial Government than the second, and it may be mentioned in passing with regard to paragraph 2 of the latter opinion, which was obtained by Mr. Armitage Smith, that the view expressed as to the possibility in practice of the Anglo Persian Oil Company carrying out its threat to divest itself of all interest in the subsidiary companies, is based on the assumption that the shares of the Company are not held by the public, whereas, as a matter of fact, a very large number of its shares were and are held by the public, there being, indeed, many hundreds of shareholders.

- 3 -

Article 10 of the Concession provides for the Imperial Government being paid annually a sum equal to 16% of the annual net profits of any company or companies that may be formed in accordance with the terms of the Concession, and no mention is made of any deduction from such net profits of any kind. Article 1 of the alleged Agreement of the 22nd December 1920, however, makes the 16% royalty on profits subject to certain conditions, limitations and exceptions which are set out in detail in the subsequent Articles of the Agreement. Moreover, according to the alleged Agreement, the royalty is confined to profits arising from Persian oil only. If therefore the view taken by Messrs. Kerly and Goddard in their opinion, be correct, namely, that such part of the profits of a subsidiary company as reach the parent company and are reflected in its own profits will form part of the profits of the Anglo Persian Oil Company for royalty purposes, then this cutting down of the 16% royalty is certainly disadvantageous to the Imperial Government. It is true that Messrs. Kerly and Goddard express this view in regard to only one type of subsidiary company, but the type contemplated by them is an extreme one and the view would accordingly apply a fortiori to the other subsidiary companies formed by the Anglo Persian Oil Company.

It seems reasonable to suppose that in agreeing to the

- 4 -

deductions mentioned in the alleged agreement from the 16% royalty, Mr. Armitage Smith was actuated by the fear that the Anglo Persian Oil Company would and could carry out its threat to divest itself of all interest in the subsidiary companies, but as indicated above the conclusion that this might be possible in practice appears to have been based upon false premises.

Again, by Article 17 of the Concession, any dispute or difference between the parties is to be submitted to two arbitrators at Teheran one of whom is to be named by each party, and to an umpire who is to be appointed by the arbitrators before proceeding to arbitrate, the decision of the arbitrators, or in the event of their disagreeing, that of the umpire, being final. By article 2 of the alleged agreement, failing agreement with regard to the matters referred to the question is to be submitted to a single arbitrator whose decision shall be final, such arbitrator in default of agreement being nominated by the President, for the time being of the Chamber of Shipping in London. Furthermore, by Article 9 of the alleged agreement in the event of any dispute arising in connection with the calculation of royalty, &c. the question or questions in dispute are to be submitted to a Chartered Accountant to be nominated by the President for the time being of the Institute of Chartered

- 5 -

Accountants in England, the decision of such arbitrator being final. This change in the constitution of the tribunal and the venue of the proceedings might conceivably militate very seriously against the interests of the Government, and in this connection reference may be made to the statement of Messrs. Kerly and Goddard that one consideration of far-reaching importance must necessarily be, who is to be the arbitrator whose opinion will ultimately decide between the parties.

With regard to Articles 3,4, and 5 of the alleged agreement attention is called to the paragraph numbered 5 of the opinion of Messrs. Kerly and Goddard in which they state that if the subsidiary companies are formed for the purpose of working the Concession or any part thereof (that is, substantially to search for and obtain or to prepare for sale or to sell oil within the Empire of Persia or to carry oil away from the Empire) the royalty payable ought to include ^{an} ~~the~~ amount equal to 16% of their profits and that no deduction should be made in respect of the 16% of the profits of the Anglo Persia Oil Company itself, also included in the calculation of the royalty, on the ground that the first mentioned amount has been brought into calculation.

Our reading of this is that the Imperial Government are entitled to a royalty of 16% of the net profits of all subsid

- 6 -

companies formed to work the Concession, and also to a royalty of 16% of the net profits of the Anglo Persian Oil Company notwithstanding that the latter may hold shares in such subsidiary companies. Assuming this view to be correct, then, in so far as Articles 3,4, and 5 apply to such subsidiary companies all deductions stipulated for in those Articles would certainly seem to be a curtailment of the Imperial Government's rights; and there are other matters included in the alleged Agreement which appear to prejudicially affect the rights and interests of the Imperial Government under the Concession.

As we understand the matter it is a question entirely for the Imperial Government whether they adopt the alleged Agreement or not, but we venture to think that the various matters we have indicated above point to the conclusion that the adoption of the Agreement would mean the Imperial Government giving up important rights and interests under the Concession.

If however, it is intended to repudiate the Agreement, we are of opinion that steps should be taken to do so as promptly and with as little delay as possible.

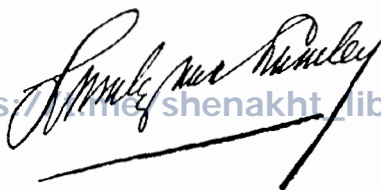
If there are any further points upon which Your Excellency would like to have our views it will give us much pleasure

- 7 -

to place ourselves at Your Excellency's disposal.

We have the honour to be,

Your Excellency's Obedient Servants,



Handwritten signature of Stanley James Stanley, written in cursive script. The signature is written in black ink and is positioned above a horizontal line.

<https://www.shenakht.lib>

سند شماره ۱۲۵/۱



..... نمبر

..... ادارہ کل

..... تاریخ

..... ادارہ

..... تلگراف بہ

EXCELLENCE AVENUE // NATIONS' shenahib GENEVE

AI HONNEUR ACCUSER RECEPTION VOTRE TELEGRAMME 17 STOP POUR QUE
 CONSEIL PUISSE EXAMINER DIFFEREND SOUMIS PAR GOUVERNEMENT
 BRITANNIQUE GOUVERNEMENT PERGAN SE TROUVE DANS LA NECESSITE
 ENVOYER GENEVE DELEGUES SPECIAUX AVEC DOCUMENTS STOP IL EST
 DONC MATERIELLEMENT IMPOSSIBLE DE LE FAIRE POUR PRESENTE SESSION
 STOP NEANMOINS DELEGUE PERMANENT A RECU INSTRUCTIONS PRESENTER
 DEVANT CONSEIL POINT DE VUE GOUVERNEMENT IMPERIAL
 FOROUGH
 MINISTRE EXTERIEUR

- 2 -

elle l'entendait, c'est à dire, à son seul profit, en feignant d'ignorer, et pour cause, le Gouvernement propriétaire de ces champs pétrolifères et en fait son associé.

Traiter, avec un pareil sans-gêne, l'Etat de qui l'on tient sa richesse et sa puissance, c'était vouloir agir comme en pays conquis, et faire fi des droits les plus élémentaires de ce Gouvernement. Et malgré les nombreuses invites de l'Etat Persan de mettre au clair les intérêts de chacun, la Compagnie de l'A.P.O.C., usant de subterfuges, s'est toujours rérobée à cette révision de la concession à laquelle elle était conviée, de la façon la plus cordiale, dans un réel esprit de collaboration.

Qu'à bout de patience, le Gouvernement Imperial ait marqué qu'il était, tout de même, maître chez lui, quoi d'étonnant à cela ?

Le geste d'autorité du Gouvernement s'explique aisément, car jamais un Etat n'a été baffoué de façon aussi cavalière et impudente que ne l'a été la Perse. La morgue de l'A.P.O.C. méritait, avant tout, une leçon. Cette leçon elle l'a reçue publiquement et, comme on dit vulgairement, elle ne l'a pas volée.

En plaçant la question " de facto " sous ce jour, un juriste de talent peut en tirer un excellent parti pour justifier l'action du Gouvernement dans l'exposé qu'il serait appelé à faire devant une juridiction arbitrale quelconque.

Cela dit, il reste à voir si l'action gouvernementale peut se justifier " de jure ".

Je crains que non, car l'acte de concession contient une clause dont le Gouvernement Imperial avait la faculté d'user en cas ~~de~~ de conflit, celle de l'arbitrage.

- 3 -

Avoir abandonné ce moyen, c'est à dire n'en n'avoir pas profité, comme c'était notre droit, nous met dans une fautive position et "à priori" cette omission ne s'expliquerait pas facilement devant une juridiction appelée à en connaître.

Quoi qu'il en soit le sort en est jeté, le Gouvernement a passé outre et à dénoncé la Concession d'Arcy.

L'A.P.O.C. et le Gouvernement Britannique ont protesté et réclamé le retrait immédiat de cette annulation, faute de quoi le Cabinet de Londres a menacé de soumettre la question de la validité de cette annulation à la Cour de La Haye

Comme de juste le Gouvernement n'a pas osé devoir obtempérer aux exigences anglaises et a répondu, avec beaucoup d'à propos, que la question devait, au préalable, être soumise au Conseil de la S.D.N. et qu'en tous cas, un délai était nécessaire pour permettre aux représentants persans d'être en mesure de pouvoir se présenter à Genève.

Il est certain que nous nous sommes engagés dans une voie évidemment difficile et d'une nature très délicate. Toute la question est de se demander si nous pouvons nous en tirer avec honneur et profit?

Pour ma part, je prétends que OUI.

En fait, en quoi consiste la cause du conflit qui oppose le Gouvernement Persan à l'A.P.O.C. ? Le Gouvernement Imperial prétend qu'il ne touche pas effectivement les 16 % qui lui reviennent sur les bénéfices nets de la Compagnie. Qu'en effet l'A.P.O.C. a institué un système de compagnies filiales, soit-disant indépendantes les unes des autres, mais qui, en réalité, ne forment qu'une seule et même chose. Que ces filiales n'ont été imaginées et créées que pour servir, en quelque sorte, de vases communicants entre elles et l'A.P.O.C. et qu'elles n'ont d'autre effet que de camoufler les bénéfices réalisés Que cela étant, la Compagnie

- 4 -

n'a pas rempli, ni dans sa lettre ni dans son esprit, ses engagements vis-à-vis du Gouvernement Persan, tels qu'ils découlent de l'acte de Concession d'Arcy.

Toute la question du différend se résume en cela. Et c'est sur le terrain de ce différend que nous devons nous tenir exclusivement.

Il est certain que le Gouvernement Britannique voudra qu'il soit, tout d'abord, statué sur la question de savoir si l'Etat Persan avait le droit d'annuler la Concession D'Arcy.

Nous pouvons toujours opposer que cet acte gouvernemental n'a été qu'un geste que la mauvaise volonté de la Compagnie justifiait et une mise en demeure publique à elle adressée. Que preuve en est que l'acte d'annulation n'a pas été mis à exécution. Que plus est, le Gouvernement Impérial a invité formellement la Compagnie à conférer avec Lui pour une révision, une mise à jour de la Concession D'Arcy, de telle façon qu'aucune équivoque ne puisse s'élever entre eux sur les droits et les obligations de chacune des parties en cause.

Si, comme il est plus que probable, le Gouvernement Britannique voulait que la question de principe de la validité de l'acte de dénonciation soit examinée et jugée tout d'abord, le Gouvernement Impérial aurait la ressource d'opposer, à son tour, une DEMANDE RECONVENTIONNELLE d'avoir à juger l'affaire dans son entier, dans toute sa plénitude, en examinant la cause même du conflit, soit que la Compagnie, par des manœuvres dolosives, a abusé de la bonne foi du Gouvernement Persan et Lui a porté, de ce fait, un préjudice considérable.

En portant la question sur ce terrain, le Gouvernement Impérial est fort de son bon droit et l'A.P.O.C. sera non seulement dans la nécessité de baisser le ton de ses prétentions, mais de venir à composition.

- 5 -

Je m'explique:

A mon sens, il ne convient, en aucune manière, à l'Anglo Persian Oil Co qu'une juridiction comme celle de la Cour Permanente de Justice Internationale, soit appelée, pour l'examen du dossier, à pénétrer dans les arcanes de son administration, de sa politique pétrolifère, de sa gestion de sa comptabilité et surtout de son organisation spéciale de compagnie filiales, dont le but évident a été de frustrer le Gouvernement Imperial de ses 16 effectifs et également de frustrer le fisc anglais et on sait que le fisc anglais ne badine pas quand il découvre qu'il a été fraudé. Il en cuirait terriblement à l'A.P.O.C. si elle était prise la main dans le sac.

Or plutôt que de courir le risque d'avoir à étaler au grand jour le système frauduleux qu'elle a instauré l'A.P.O.C. viendra d'elle-même à composition, soit-disant pour dissiper les malentendus et s'entendre à l'amiable avec nous pour une future convention.

Pour ma part, je suis convaincu que si nous tenons bon et dans cette seule voie, nous aurons gain de cause, avant même qu'un jugement arbitral n'intervienne.

C'est dire que, malgré les erreurs commises, nous sommes forts. Mais il ne faut pas tout de même nous illusionner, nous allons avoir à faire à très forte partie. Sans même qu'il soit question de la puissance que représente l'Angleterre, en ne nous plaçant que sur le seul terrain du droit, nous devons nous tenir sur nos gardes.

En effet tout ce que l'Angleterre possède de juristes éminents seront mis sur pied pour tenter de nous accabler sous le poids de leurs personnalités et de leurs arguments massifs. A ces juristes de valeur certains il nous faudra opposer des juristes de même qualité.

- 6 -

Les représentants de la Perse, quels qu'ils soient, vivant dans une atmosphère qui n'est pas celle de l'Europe, pourraient être handicapés et hors d'état de défendre la cause persane comme il conviendrait. Je suis persuadé que le patriotisme éclairé de nos juristes conviendra, qu'en disant ainsi franchement ma pensée, je suis dans la vérité. Or l'affaire est trop grave pour que le fait ne soit pas signalé à l'attention du Gouvernement.

Il faut donc que nos représentants soient secondés par des juristes de premier ordre, spécialement versés dans les questions de droit international et de telle réputation qu'il n'y ait aucune crainte de corruption, car, il y a toujours à redouter l'or de l'A.P.O.C..... et elle ne se gênerait nullement de se servir de tous les moyens pour nous paralyser dans notre défense.

Je connais personnellement deux juriconsultes de tout premier ordre dans lesquels nous pouvons avoir une confiance absolue et à tous les points de vue.

A côté du ou des juristes, il nous faut un expert financier, spécialement versé dans les questions pétrolifères. J'en connais personnellement deux qui sont de première force.

A ces juristes et experts techniques, il y a lieu d'adjoindre en expert comptable qualifié. Il y a à Paris, trois grands experts qui ont la spécialité de ces comptabilités enchevêtrées; c'est toujours l'un d'eux qui est désigné par les tribunaux pour découvrir et mettre à jour toutes les subtilités frauduleuses qu'on est capable d'introduire dans une comptabilité pour la camoufler.

- 7 -

Pour conclure, je prétends que le DROIT étant pour nous, nous devons faire tous les sacrifices nécessaires pour défendre nos droits et avoir gain de cause. L'honneur du Pays et son crédit sont en jeu, sans parler de nos intérêts. Et c'est précisément dans notre honneur et notre crédit que l'on cherche à nous attaquer et à nous atteindre pour nous obliger à capituler et à passer sous " les fourches caudines " du Gouvernement Britannique et de la toute puissante Anglo-Persian Oil Co.

Sinon savons tenir c'est l'A.P.O.C. qui capitulera !

Pour l'instant, les représentants du Gouvernement, une fois arrivés à Genève, devront demander une prolongation de délai suffisamment longue pour permettre que les experts et juristes, dont nous avons besoin, soient en état d'étudier le volumineux dossier dont les éléments serviront à préparer et présenter notre défense. A cet effet j'estime qu'un délai de trois mois est indispensable, soit jusqu'à la prochaine réunion réglementaire du Conseil de la S.D.N.

Le Gouvernement Imperial donnant toutes assurances que l'acte de dénonciation de la Concession d'Arcy est suspendu, quant à ses effets, et que vis à vis de l'A.P.O.C. il s'en tient au " statu quo ante " il n'y a aucune raison valable à nous opposer pour nous refuser ce délai, puisqu'il n'y a pas et il n'y aura pas, jusqu'à prononcé du Jugement à intervenir, péril en la demeure pour l'A.P.O.C.

Téhéran, le 21 décembre 1932
30 azar 1311

https://t.me/shenakht_lib

نمایه

	«آ»
آثار تاریخی ۴۲۰	
آذربایجان ۹، ۹۱	
آراسته، نادر ۳۳۰	آبادان ۱۵، ۱۶، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۳۸،
آرژانتین ۱۲۵، ۲۸۱	۴۸، ۶۰، ۶۴، ۶۸، ۷۹، ۸۰، ۸۸، ۹۹،
آسایش (حکمران آبادان) ۱۰۸، ۱۰۹،	۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶،
۱۱۱	۱۱۰، ۱۱۳، ۱۲۶، ۱۳۰، ۲۱۲، ۲۱۷،
آسیا ۷۱، ۲۷۳	۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۳۲، ۲۴۰،
آشویگری ۳۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۰۶،	۲۴۱، ۲۴۴، ۲۵۸، ۲۷۹، ۲۸۶، ۲۸۷،
۱۰۸، ۱۰۷	۲۹۷، ۳۱۳، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳،
آفریقا ۷۱، ۱۲۹	۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶
آلبانی ۱۲۵، ۲۸۱	آب بید (چهار محال بختیاری) ۴۸

- آلمان ۵، ۱۲۹، ۱۴۶، ۱۷۶، ۱۸۲، ۱۸۳،
 ۲۰۰، ۳۱۸، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵
- آلمانیها ۵
- آمریکائیهها ۷۱، ۷۲، ۷۳
- آمریکای جنوبی ۴۱
- آمریکای شمالی ۳۹
- آمستردام ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۸۷
- آیرم، محمدحسین ۳۹
- «الف»
- اتابک اعظم ← امین السلطان، علی
 اصغر
- اتازونی ← ایالات متحده آمریکا
- اتاق کشتیرانی لندن ۳۷۵
- اجاره ۸۸، ۹۷، ۹۸
- احمدی (از کارکنان دارالحکومه
 خوزستان) ۳۳۴
- اختلافات مالی ۲۹۲، ۲۹۸
- اخراج ۳۶، ۳۷، ۲۵۷
- اداره پست ایالتی خوزستان ۱۱۱
- اداره تلگرافی دولت ایران ۸۲
- اداره سکره و تأمینات ۳۳
- اداره کل گمرکات ۲۲۹
- اداره کل معادن ۱۱۴
- اداره گمرکات آبادان ۳۳۴
- اداره نظمیة اهواز ۱۰۱
- اداره نظمیة خوزستان ۸۱
- ارتباطات ۴۲۱
- اردلان، امان الله ۱۴
- اروپا ۷۱، ۱۲۸، ۱۷۶، ۱۹۴، ۲۷۳، ۳۲۳،
 ۳۵۳، ۳۶۵
- اروندروود ۱۱۰، ۳۱۳، ۳۳۱
- اساسنامه‌ها ۵۶، ۳۷۴
- استخدام ۳۳، ۴۴
- استخراج گاز ۴، ۷
- استخراج نفت ۴، ۷، ۹، ۱۸، ۳۱، ۳۹،
 ۴۱، ۶۴، ۷۱، ۷۲، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۳۲،
 ۱۴۹، ۱۶۱، ۲۲۸، ۲۵۸، ۲۸۰، ۲۸۶،
 ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۶، ۳۶۶، ۳۸۳، ۴۰۸،
 ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۶
- استرآباد ← گرگان
- استراتکونا (لرد) ۵
- استرالیا ۱، ۲، ۷۱
- استوارت (معاون وزارتخانه امور
 هندوستان انگلیس) ۳۴۱
- اسدخان (رئیس ایل باوی) ۲۱۵
- اسکاتلند ۳۲۲
- اسمیت، آرمیتاج ← اسمیت، آرمیتاژ
 اسمیت، آرمیتاژ ۶۳، ۱۵۴، ۲۳۲، ۲۳۳،
 ۲۶۳، ۲۳۴، ۳۰۰، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۷۴،
 ۴۰۵، ۴۰۶

- اسنون (از کارکنان اتاق بازرگانی انگلیس) ۱۱۶
اصفهان ۲۴۴، ۲۴۵
اعتصاب ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۹، ۲۵۷
اعلیحضرت ← پهلوی، رضا
افکار عمومی ۶۲، ۶۳، ۱۵۲، ۳۶۰
اکتشافات زیرزمینی ۲، ۴، ۵، ۲۴، ۵۱
الاوقات البغدادیه (روزنامه) ۳۶۲، ۴۱۹، ۳۵۵، ۲۸۵، ۲۸۴، ۱۵۱
الستن (از سهامداران شرکت نفت ایران و انگلیس) ۲۸۹
الکینگتن (رئیس اداره آبادان شرکت نفت ایران و انگلیس) ۳۷، ۳۸، ۲۶۷، ۳۱۶
الیت (از کارکنان شرکت نفت ایران و انگلیس) ۴۴
العالم العربی (روزنامه) ۳۶۳
امام حسن (قصر شیرین) ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳
امتیازنامه نفت دارسی ۴۰، ۴۱، ۴۶، ۲۵، ۴۶، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۸۹، ۹۰، ۹۱
۹۳، ۹۴، ۹۵، ۱۱۸، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۵۴
۱۵۵، ۱۵۹، ۱۷۴، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۵۰
۲۵۱، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱
۲۶۳، ۲۶۴، ۲۷۰، ۲۷۲، ۳۰۰، ۳۲۳
۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲
۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸
۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵
۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۳
۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹
۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴
۳۸۷، ۳۸۸، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴
۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۴۰۰، ۴۰۱
۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸
۴۰۹، ۴۱۲، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۳۱
امتیازنامه نفت سینکدر ۹۱
امتیاز نامه‌ها ۴۱۶، ۴۳۲
امکانات خدماتی ۳۱۴، ۴۲۷
امنیت ۱۵۱
امیر مجاهد، یوسف ۸۵
امیر مفخم، لطفعلی ۸۶
امین السلطان، علی اصغر ۱۳، ۱۴
انصاری، علیقلی (مشاور الممالک) ۲۶۶، ۳۹۴، ۳۹۵
انگلستان ۵۱، ۵۴، ۶۹، ۷۲، ۹۶، ۱۱۶
۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۸، ۱۴۵، ۱۴۶
۱۴۹، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۲۰۰، ۲۳۹
۲۶۶، ۲۷۱، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۹، ۲۸۳
۲۸۷، ۳۰۱، ۳۱۰، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۵
۳۱۹، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۶۰، ۳۶۱
۳۶۳، ۳۶۵، ۳۶۷، ۳۶۹، ۳۷۳، ۳۷۴
۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۴

ایلخانی، امامقلی ۸۴، ۸۶	۳۸۶، ۳۸۸، ۳۹۳، ۳۹۷، ۳۹۹، ۴۰۰
ایلخانی، حسینقلی ۸۴، ۸۵	۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۶، ۴۱۲، ۴۱۳
	۴۱۵، ۴۱۶، ۴۳۰
«ب»	انگلیسیها ۷۲، ۷۳
	اوراق بهادار ۲۷۹، ۳۱۹
بادکوبه ۳۰۶	اولتیماتوم ۳۸۷، ۳۸۸
بارستو، ژرژ ۱۳۴، ۲۸۹، ۳۲۸	اولدبراد (لندن) ۱۲۱
بارنز، هیو ۱۳۹	اولیور، ت.ا ۱۳۹
بازداشت ۱۰۵، ۱۰۸	اونول (از وکلای مدافع ایران در جامعه
بازدیدها ۶۴	ملل) ۳۹۰، ۳۹۱
بازل (سوئیس) ۱۸۱	اونینگ استاندارد (روزنامه) ۱
باشت ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۲	اهواز ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۱۰۲
بانک آمستردام ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۸۷، ۲۰۴	۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۸، ۲۱۱، ۲۱۸، ۲۲۰
بانک اکسپتنس ۱۷۸، ۱۸۷، ۲۰۴	۲۲۱
بانک ایالتی ملی ← بانک	ایالات متحده آمریکا ۴، ۳۱، ۶۹، ۷۲،
نشال پروونشیال انگلستان	۷۳، ۱۳۲، ۱۴۶، ۱۴۷، ۲۲۸، ۲۳۶
بانک امپریال ← بانک شاهنشاهی ایران	۲۸۴، ۲۸۵، ۲۹۳، ۳۱۶، ۳۲۷، ۳۴۰
بانک اینتر ۱۸۱	۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۵، ۳۵۳، ۳۶۵
بانک بارکلی انگلستان ۱۸۳، ۱۸۴	ایتالیا ۳
۱۹۶، ۲۰۱، ۲۰۳	ایران (غرب) ۲۴، ۲۵
بانک بایر. هیپوت. اوند و سلارک ۱۷۷	ایسلند ۷۱
۱۸۱	ایلات و عشایر ۴، ۵۰، ۱۵۲، ۲۱۴
بانک برلینر هندلس گزلسافت ۱۷۸	۲۱۵، ۲۱۸
۱۸۲، ۱۸۶، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۳	ایل بیگی، غلامحسین ۲۱۶
بانک پاریس باس ۱۸۱	ایلخان، خسرو ۸۵
بانک پارونیون ۱۸۱	ایلخان، مرتضی قلی ۸۵

- بانک دارمشتاتر اوند ناسیونال ۱۷۷،
۱۸۶، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۳
- بانک درستنر ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۳
- بانک دو پاری ادیبی با ۱۷۸، ۱۸۷، ۲۰۲،
۲۰۱، ۲۰۳
- بانک دولونیون پاریزین ۱۷۸، ۱۸۷،
۲۰۲، ۲۰۱، ۲۰۳
- بانک دو مونشن ۲۰۳
- بانک دویچه اوند دیسکونشو گزلسافت
۱۹۶، ۲۰۳
- بانکهای آمریکایی ۲۷۶
- بانکهای اروپایی ۲۷۶
- بانکهای خارجی ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۰
- بانکهای فرانسوی ۲۷۶
- باوی، حسن ۲۱۹
- باوی (ایل) ۲۱۵
- بتلر، هارکوت ۳۲۹
- بحر ابیض ← دریای مدیترانه
بحرین ۲۹۶
- بختیاری (منطقه) ۴۹، ۵۲، ۶۷، ۱۵۳
- بختیاری، سردار اسعد ۸۵
- بختیاری (ایل) ۴۶، ۴۸، ۵۲، ۶۸، ۷۵
- ۷۶، ۸۲، ۸۳، ۸۵، ۸۷، ۱۱۲، ۱۵۳
- بدیع، محمدحسن ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶
- ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۱
- ۳۱۲
- براون، و. گردن ۳۷۳
- بانک دارمشتاتر اوند ناسیونال ۱۷۷،
۱۸۶، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۳
- بانک درستنر ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۳
- بانک دو پاری ادیبی با ۱۷۸، ۱۸۷، ۲۰۲،
۲۰۱، ۲۰۳
- بانک دولونیون پاریزین ۱۷۸، ۱۸۷،
۲۰۲، ۲۰۱، ۲۰۳
- بانک دو مونشن ۲۰۳
- بانک دویچه اوند دیسکونشو گزلسافت
۱۹۶، ۲۰۳
- ۱۷۷، ۱۸۱، ۱۸۶، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۳
- بانک رایش کردیت گزلسافت ۱۷۸،
۱۸۲، ۱۸۶
- بانک شاهنشاهی ایران ۱۷۹، ۱۸۱،
۱۸۲، ۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۵،
۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳
- ۳۱۵، ۴۱۴
- بانک کردیت ژنرال لیژوا ۱۷۸، ۱۸۶،
۲۰۲، ۲۰۱، ۲۰۳
- بانک کومرتس اوند پریوات آلمان
۱۷۸، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۶، ۲۰۰، ۲۰۲،
۲۰۳
- بانک گارانتی تراست کمپانی نیویورک
۱۷۸، ۱۸۱، ۱۸۷، ۲۰۴
- بانک للوید انگلستان ۱۸۳، ۱۸۹، ۱۹۶،
۲۰۳، ۲۰۲
- بانک ملی ایران ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۰،

بویدکارپنتر، ارچیبالد ۱۴۰	برلین ۱۷۷، ۱۸۱، ۱۸۶، ۳۰۵، ۳۶۴
بویراحمد ۲۱۴	بروکسل ۱۷۸، ۱۸۶
بهجهان ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۳	برون، ج. ت ۱۴۰
۲۲۴، ۳۳۹	بریتانیا ← انگلستان
بهره بانکی ۱۹۲، ۱۹۳	بصره ۳۴، ۱۰۵، ۱۱۰، ۲۵۹، ۳۳۳
بیماری وبا ۳۲۷	بغداد ۱۶۲، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۲
	۳۶۳
	بلدیه آبادان ← شهرداری آبادان
	بلژیک ۲۰۱
	بلشویکها ۱۰۹
پاریس ۵۴، ۱۱۸، ۱۴۲، ۱۷۱، ۱۷۴	بلوچستان پاکستان ۲۹۷
۱۷۸، ۱۸۱، ۱۸۷، ۳۰۰، ۳۶۷، ۴۰۰	بلوچستان هند ← بلوچستان پاکستان
۴۱۱	بلوم، لئون ۲۹۹
پازنون (خوزستان) ۲۲۰	بمبئی ۲۸۷
پالایشگاه آبادان ۲۴۰، ۳۱۳	بندر انزلی ۲۴۱
پالایشگاهها ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۸۲، ۲۸۷	بندر پهلوی ← بندر انزلی
۳۳۳، ۴۲۸	بندر شاهپور ۱۳۰، ۱۳۱
پالایش نفت ۴۱، ۱۲۶، ۲۲۷، ۲۳۲	بندر عباس ۳۳۵، ۳۳۹
۲۳۷، ۲۴۰، ۲۷۹، ۲۸۲، ۳۱۸، ۳۲۱	بندر لنگه ۳۳۵
۴۱۸	بنزین ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰
پریشان (مدیر کل اداره شرکت نفت	۲۳۹، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۸۳
ایران و انگلیس در آبادان و رئیس	۲۹۶، ۴۲۸
اداره شرکت مذکور در مسجد	بوذر جمهری، کریم ۱۶۲
سلیمان) ۷۹	بوشهر ۳۱۳
پک، ادوارد ۲۹۱، ۳۲۸	بوکنز، و ۳۲۸
پهلوی، رضا ۶۲، ۶۳، ۶۶، ۶۷، ۷۹	بونکور، پل ۲۹۹
۱۲۰، ۱۴۳، ۱۶۳، ۱۶۹، ۲۰۲، ۲۸۸	

تنگو (قصر شیرین) ۱۹، ۲۰، ۲۱
 تهران ۵۴، ۵۵، ۵۸، ۶۰، ۶۴، ۶۸، ۸۰
 ۸۲ ۹۷، ۹۸، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۸،
 ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۵۵،
 ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۳،
 ۱۸۵، ۱۸۷، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۱،
 ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۵،
 ۲۶۵، ۲۷۷، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۲، ۲۹۳،
 ۳۰۶، ۳۱۸، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴،
 ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۷۵،
 ۳۷۸، ۳۶۹، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴،
 ۴۰۴، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۲۷،
 ۴۲۲
 تیارکس، ف.س ۲۹۱
 تیمس (روزنامه) ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۶،
 ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۵۹، ۳۶۰، ۴۰۲
 تیمورتاش، عبدالحسین ۱۸، ۲۸، ۳۳،
 ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۴۸، ۵۳، ۵۴، ۵۵،
 ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۴، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۷۴،
 ۷۵، ۷۶، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳،
 ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۰،
 ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۵۸،
 ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰،
 ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۰،
 ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۲،
 ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰

۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۲۳، ۳۵۶، ۳۶۹،
 ۳۸۷، ۴۳۲
 بینارد (وزیر نفت فرانسه) ۲۹۹
 پیرنیا، حسن (مشیرالدوله) ۱۴
 «ت»
 تایمز (روزنامه) ۳۷۷، ۳
 تایمز مالی (روزنامه) ۱۱۶
 تایمز (مجله) ۳۱۰
 تأسیسات نفتی ۷، ۸۸، ۱۲۵، ۱۳۰،
 ۲۵۰، ۲۶۱، ۲۶۴، ۳۶۸، ۴۰۷، ۴۲۵،
 ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۲
 تبریز ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۵
 تبلیغات کمونیستی ۱۰۹، ۱۱۰
 تجارتخانه فرانک اسمیت سان ۱۷۰
 ترنر (پروفسور) ۱۶۷
 تشکیلات کل نظمیہ مملکتی ۳۸۹
 تقسیم سود ۹۴
 تقی زاده، حسن ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹،
 ۱۶۰، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۸۲، ۱۸۴، ۲۹۸،
 ۳۰۰، ۳۵۱، ۳۵۲
 تمدید قراردادها ۱۳، ۵۷، ۶۱، ۶۳، ۸۹،
 ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۵۲، ۱۵۹، ۱۶۰، ۴۰۴
 تنگ (میخواره خان) ← تنگو (قصر
 شیرین)

جونس (از کارکنان شرکت نفت ایران و انگلیس) ۴۴

۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۸، ۲۲۵، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۶۶، ۲۶۷

«ج»

۲۶۸، ۲۸۸، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۸، ۳۰۹

چاپ اسکناس ۱۹۹، ۲۰۱

۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۳

چارک (بندر لنگه) ۳۳۹

۳۳۱، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۴۱، ۳۴۷

چهاربار (هرمزگان) ۳۳۸

۳۵۰، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۷، ۳۶۷

چاههای نفت ۶۴، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۵

https://t.me/shenakht_lib

۳۶۹، ۳۷۷، ۳۸۰، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸

۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۶۰، ۱۶۱

۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۴۰۰، ۴۰۶، ۴۰۷

۲۸۱، ۲۸۶، ۳۳۸، ۳۶۱

۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۶

چرچیل، وینستون ۳۵۵

چاه‌برآ ← چهاربار (هرمزگان)

«ج»

«ح»

جاسک ۷۷، ۳۱۳، ۳۳۸

جاسوسی ۴۲، ۱۱۱

حبل‌المتین (روزنامه) ۱۰۴

جامعه ملل ۳۵۲، ۳۸۶، ۳۹۰، ۳۹۱

حفاظت فیزیکی ۵۹، ۷۶

۴۰۱، ۴۰۸، ۴۱۳

حق و تو ۱۱۹

جبل‌میش داغ (اهواز) ۱۵۰

حقوق و مزایا ۷۷، ۱۰۴، ۱۱۰

جکس ← ژاکس، لارینگتن

حکمت ۱۳، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۷۵، ۳۹۹

جم، محمود ۱۴۴، ۳۸۸

۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۲

جنگ ۵

حمل و نقل ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۳، ۳۱۶

جنگ جهانی اول (۱۹۱۸ - ۱۹۱۴)

۴۱۸، ۴۳۲

۲۶۳، ۳۸۲، ۴۰۲، ۴۰۵

جنکیز (از کارکنان شرکت نفت ایران و

انگلیس) ۷۸

- دارسی، ویلیام ناکس ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶،
 ۴۱۷، ۴۰۳، ۳۵۳
- خانقین ۱۷۳
 خراسان ۹، ۹۱، ۱۳۱، ۳۸۸
 حرم آباد ۲۴۱
 خرمشهر ۱۹، ۲۳، ۳۴، ۸۱، ۹۷، ۹۸،
 ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷،
 ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۳، ۳۳۳
- دکتر) ۱۹، ۲۰،
 درارو، نایب عبدالله ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۹،
 ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴
- خرید زمین ۴۸، ۵۱
 خزعل بن جابر ← شیخ خزعل
 خسارات و خرابیها ۳۸۳
 خسروانی ۳۵۸، ۳۸۹
 خسروی ۸۱
 خلیج فارس ۷، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۷۴، ۱۷۵، ۲۹۶،
 ۳۱۳، ۳۱۶، ۴۰۳، ۴۰۷، ۴۱۴
- دانه کوشک (قصر شیرین) ۲۰
 دیبخ، هل(دکتر) ۱۹، ۲۰
 دریای خزر ۳۱۰، ۳۱۶
 دریای سیاه ۱۷۵
 دریای مدیترانه ۱۲۸، ۳۶۰
 دشت لالی (شوشتر) ۱۵۳
 دفتر مخصوص شاهنشاهی ۱۹، ۲۹،
 ۷۷، ۷۹، ۸۱، ۱۶۸، ۱۶۹، ۳۵۱، ۴۱۵
 دلکرد (رئیس خزانه داری کل) ۹۰،
 ۹۵، ۱۷۶
 دهلران ۲۶۲
 ده یاری (پشتکوه) ۲۶۲
 دیزرائیلی، بنجامین ۳۵۵
 دیکسن، ام.ماکس ۱۷۴، ۱۷۵
 دیکسی ماین-استاک (لندن) ۱۷۴
 دیسرائیلی ← دیزرائیلی، بنجامین
 دیوان داوری بین المللی لاهه ۳۵، ۳۵۲،
 ۳۷۹، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۹۷، ۳۹۸، ۴۳۰
- دادگر، حسین ۴۳۲
 دیوانشایر (انگلستان) ۱

- «ذ» رودخانه دجله ۳۲۴
 رودخانه دیره (قصر شیرین) ۲۰
 رودخانه کرخه ۱۵۰
 رودخانه کیلان (قصر شیرین) ۲۰
 روسیه ۴، ۴۰، ۱۷۱، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵،
 ۲۴۶، ۲۸۴، ۲۹۳، ۳۸۸، ۴۰۱، ۴۰۲
 «ر»
 ۴۰۳
 رومانی ۲۸۴، ۲۹۳
 رویترا (روزنامه) ۳۶۲
 راندا (از کارکنان شرکت نفت ایران و
 انگلیس) ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۲۵۲
 ۳۱۱، ۲۵۳
 رانیتید، ویلیام کنکسی ← داری،
 ویلیام ناکس
 راه آهن ۱۳۱، ۲۴۱، ۳۱۴، ۳۱۵، ۴۲۱
 رخشانی ۷۸، ۸۰، ۸۱
 رشت ۲۴۰، ۲۴۱
 رشته کوه امام رضا (خوزستان) ۹۸۶
 رکن الدین خان (سرهنگ) ← مختار،
 رکن الدین
 رم ۵۵، ۴۰۷
 رمکی. س، مارک. ل ۳۷۳
 رنی (از سهامداران شرکت نفت ایران
 و انگلیس) ۲۹۱
 روابط خارجی ۵۴
 روادید ۳۳۰
 رودخانه امام حسن (قصر شیرین) ۲۰
 رودخانه بهمن شیر ۸۸، ۱۰۴
 «ز»
 زبان فرانسه ۱۳
 زلزله ۱۳۱، ۱۶۷
 زمین شناسی ۱۹، ۲۰، ۱۲۵، ۱۷۴
 «ژ»
 ژاکس، لارینگتن ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۴۸
 ۵۴، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۴، ۶۶، ۶۸
 ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۹۷، ۹۹، ۱۳۰، ۱۴۵
 ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶
 ۱۸۷، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۷
 ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹
 ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۹۳
 ۲۹۵، ۲۹۷، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۶

- ۳۰۸، ۴۱۰
سوانسی (ولز جنوبی) ۳۶۸، ۲۶۰
سهام ۶، ۱۰، ۴۱، ۵۳، ۵۶، ۵۷، ۶۱، ۷۳
۸۴، ۸۳، ۸۲، ۷۴، ۹۳، ۹۲، ۸۵، ۱۱۶
۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۴۵
۱۴۸، ۱۴۹، ۱۶۲، ۱۷۶، ۱۸۰، ۱۸۴
۱۸۵، ۱۸۸، ۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۷، ۱۹۸
۱۹۹، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۲۶، ۲۴۸، ۲۴۹
۲۶۳، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۴، ۲۷۵
۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۹۰، ۳۰۷، ۳۰۸
۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۴، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۵۴
۳۵۶، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۶۵، ۳۷۴
۳۷۷، ۳۸۲، ۴۰۴، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۱۱
۴۲۶، ۴۲۷
سیاست پولی ۲۷۸، ۳۱۵، ۴۲۲، ۴۲۴
- «س»
سپرده‌های بانکی ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲
۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۴، ۲۰۷
۲۰۸، ۲۰۹
سپهبدی، انوشیروان ۳۹۳
سرتیپ خان (از رؤسای ایلات بویر احمد) ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۸
سرکوبی ۹۹
سرویس حمل و نقل ترانس پرس ۱۷۳
سفارت انگلیس در تهران ۳۷۸، ۳۸۶
۳۸۷، ۳۹۳
سفارت ایران در برلن ۳۶۴
سفارت ایران در بغداد ۳۵۷
۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۲، ۳۶۳
سفارت ایران در پاریس ۱۱۸، ۲۶۹
۲۹۸، ۳۰۰
سفارت ایران در لندن ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۶۹
۳۴۰، ۳۴۱، ۳۷۳، ۳۷۸، ۳۹۵، ۴۱۳
سفارت ایران در واشنگتن ۶۹
سلطان علی خان (شهاب‌السلطنه) ۸۶
سمیعی، عنایت‌الله ۳۶۴، ۳۶۷
سن بوری ۲۸۲، ۳۲۱
- «ش»
شرکت اسلینک کار ۱۷۱
شرکت فرست‌اکسپلوریشن ۱۱۱، ۱۱۲
۲۲۶، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۵
شرکت رافدین عراق ۳۶۰
شرکت عراق و ایران، محدود ۱۷۱
شرکت کشتیرانی انریک ۳۴۱
شرکت نفت بورما (برمه) ← شرکت نفت برمه

شرکتهای آمریکایی ۱۷۵، ۲۳۸	شرکت نفت ترکی ۱۱۹
شط العرب ← اروند رود	شرکت نفت عراق ← شرکت نفت
شفق سرخ (روزنامه) ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵	عراق و انگلیس
شکرایی ۱۷۹	شرکت هواپیمایی سلطنتی انگلستان
شورای جامعه ملل ← جامعه ملل	۳۱۳
شوروی ۱۷۵، ۴۱۵	شرکت یولن ۱۱۳
شهرداری آبادان ۱۱۱	شرکت استاندارد اوپل ۴۰
شیبانی ۴۸	شرکت اولکس ۱۲۹، ۳۱۹
شیخ خزعل ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۷، ۹۸	شرکت بریتیش تانکرز ۳۰۵، ۴۰۵
۹۹	شرکت تامین وجوه تقاعد انگلیس و
شیرازی (از تجار ایرانی مقیم فرانسه)	ایران محدود ۱۲۳
۲۶۹، ۲۶۸	شرکت تجارتی و نقلیه شل ۱۳۵
شیکاگو ۶۹، ۷۰، ۳۴۳	شرکت ح. ویلیم سان محدود ۱۷۲
«ص»	شرکت رویال دوچ شل ۴۰، ۱۵۰، ۳۲۲
صاحبقرانیه (تهران) ۱۳	شرکت سهامی شل-مکس و ب پ
صادرات ۹۱، ۲۳۰، ۲۴۱، ۲۹۵، ۴۱۸	۳۲۲
۴۲۸، ۴۲۲	شرکت سهامی نفت اسکاتلند و شل
صورتجلسه ۱۲۱، ۲۷۸، ۳۱۷	مکس ۳۲۲
«ط»	شرکت متفقه نفت ۱۲۹
طلا ۳۶۵، ۴۲۴	شرکت نفت آسیا ۱۲۹
	شرکت نفت اکس محدود ۱۲۶، ۲۸۰
	۲۸۲
	شرکت نفت برمه ۵، ۱۲۹، ۱۳۸، ۱۳۹
	۲۷۵، ۲۰۸
	شرکت نفت عراق و انگلیس ۷۲، ۷۳
	۱۲۵، ۲۸۱، ۳۲۴، ۳۶۰

«ع»

عبدالله خان (ازرؤسای ایلات بویر
احمد) ۲۱۵
عبدالرضاخان (سردار اشجع) ۸۶
عراق ۱۶، ۱۷، ۶۴، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۸۰،
۸۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۲۵، ۱۳۱،
۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۲۴۱، ۲۶۲، ۲۸۱،
۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۲۳، ۳۲۶، ۳۵۷،
۳۵۸، ۳۶۰، ۴۰۹
عراقیها ۳۳
عربستان سعودی ۲۹۷
علاء، حسین ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۴۲، ۲۶۸،
۲۶۹، ۲۷۶، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۹۳
علی اصغر خان (سالار اشراف) ۸۶
عمارت ریور پلات (لندن) ۲۷۸، ۳۱۸
عمارت وینچستر (لندن) ۱۲۱

«غ»

غرامتها ۳۷۸
غفاری، حسنعلی ۳۴۱
غلامحسین خان (سردار محتشم) ۸۶

«ف»

فاتح، مصطفی ۳۴، ۳۵، ۱۶۹، ۱۷۰
فرآورده‌های نفتی ۴۱۸، ۴۲۸
فرانسه ۲۰۱، ۲۶۱، ۳۱۵، ۳۲۱، ۴۰۰
فرج الله خان (حکمران خوزستان)
۳۳، ۳۴، ۳۶، ۳۸، ۵۹، ۶۸، ۶۹، ۷۶،
۱۰۸، ۱۵۰
فرد، روتر ۲۸۶، ۲۹۰
فرزین، محمدعلی ۷۹
فروغی، محمدعلی ۳۸۰، ۳۹۰، ۳۹۱،
۳۹۲، ۳۹۴، ۴۱۵، ۴۱۶
فریدالسلطنه (کمیسر نفت ایران) ۱۵،
۱۶، ۱۷، ۳۶۷، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۲
فریزر، ویلیام ۲۹۰، ۳۲۷، ۳۷۷
فلمنگ، برون ۱۳۹، ۲۹۱، ۳۲۸
فوروماژو (حقوقدان) ۲۹۹
فیروز، فیروز ۲۸، ۳۹، ۷۴، ۷۵، ۸۳، ۸۷،
۹۰
فیروز، مظفر ۷۰، ۷۴، ۴۱۱
فیروز، نصرت‌الدوله ← فیروز، فیروز
فیشر ۳۵۵
فیض، عیسی ۳۹، ۷۵، ۸۲، ۸۳، ۱۱۱،
۱۱۲، ۱۳۵، ۱۴۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵،
۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۴،
۱۸۴، ۲۳۰، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۹۰، ۳۰۱

«ک»	۳۰۲، ۳۰۵، ۳۰۷، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲	
	۳۵۳، ۳۸۵، ۳۹۲، ۴۱۱	
کائوچو ۶۵	فیلد، فرش ۲۹۹	
کاپیتولاسیون ۳۸، ۳۵۶	فیلم سینمایی ۳۰۹، ۳۱۰	
کارتر، وت ۲۱۲، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴		
کارستر (از کارکنان شرکت نفت ایران و انگلیس) ۴۴		«ق»
کارگران ۱۱، ۳۷، ۹۹، ۱۰۲، ۱۲۷	قائد، حبیب الله (رئیس قسمت قائد یوسفی ایل باوی) ۲۱۵	
کارگران ایرانی ۳۵، ۳۶، ۱۰۴، ۱۰۶	قاجاق ۴۱۴	
۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۱، ۲۵۶، ۲۵۷	قرارداد ۱۹۰۷ ۴۰۲	
۴۲۷	قرارداد ۱۹۱۹ ۴۰۵	
کارگران چینی ۱۵	قرارداد ۱۹۳۳ ۴۱۶	
کارگران خارجی ۴۲، ۲۵۸، ۳۶۸، ۴۱۳	قراردادهای ۴۸، ۸۷، ۹۸، ۲۲۷، ۲۳۲	
کارگران عراقی ۳۲، ۳۶	۳۴۰، ۳۴۲، ۳۵۴، ۳۵۷، ۳۶۴، ۳۶۵	
کارگران هندی ۱۵، ۱۷، ۳۶، ۱۰۴، ۱۰۷	۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۱، ۳۷۳	
۱۰۹، ۲۵۸، ۳۶۸	۳۷۴، ۳۹۴	
کارگیل، جان ۱۳۷، ۱۳۹، ۲۸۲	قزوین ۲۴۱، ۲۴۵	
کاستر، ایان ۱	قشم ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹	
کاشی، نظام‌الدین ۱۴	قونسولگری انگلیس در محمره ←	
کاظمی، باقر ۳۵۷، ۳۵۹	کونسولگری انگلیس در خرمشهر	
کانال سوئز ۳۵۵	قونسولگری ایران در بصره ←	
کاهش تولید ۷۳	کونسولگری ایران در بصره	
کاهش قیمت‌ها ۳۹	قویم، لطفعلی ۲۹	
کتابچی ۴	قیر ۷	
کدمن، جان ۵، ۱۸، ۳۵، ۵۳، ۵۴، ۵۵		
۵۸، ۶۰، ۶۴، ۶۶، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲		

- آمریکا) ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۶۱،
۱۶۲، ۲۹۸
- کلارک، جان ۱۲۱، ۲۷۸، ۳۱۸
- کلایو، دوبرت ۶۰، ۶۵، ۶۶
- کلگ (رئیس اداره سیاسی شرکت نفت
ایران و انگلیس) ۴۴، ۲۱۸
- کلوپ اتحادیه خاورمیانه ۳۴۱
- کلهر (قصر شیرین) ۲۱
- کمیته بین‌المللی ثبت ارتعاشات زلزله
۱۶۷، ۱۶۸
- کنترل تردد ۴۴
- کنسولگری انگلیس در خرمشهر ۳۴
- کنسولگری انگلیس در مشهد ۳۸۸
- کنسولگری ایران در بصره
۳۵، ۳۳، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۱۰۴، ۱۰۷، ۳۱۲،
۳۳۰
- کنفرانسها و کنگره‌ها ۷۰، ۳۲۷
- کورا (قصر شیرین) ۲۲، ۱۹
- کوشک (قصر شیرین) ۱۹
- کونل، ب ۳۲۸
- کونیس لند (انگلستان) ۲
- کویت ۲۹۶
- کهگیلویه ۲۱۶
- ۷۳، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۹۵، ۱۲۱، ۱۳۵،
۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۵۵، ۱۵۶،
۱۵۸، ۱۶۲، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۳،
۱۷۵، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۷، ۲۱۰، ۲۴۲،
۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۸، ۲۹۲،
۲۹۵، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶،
۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۸، ۳۴۰، ۳۴۱،
۳۴۲، ۳۵۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۴۰۴، ۴۰۶،
۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۲
- کدمن (پروفسور) ۶۵
- کدمن (همسر سرجان کدمن) ۳۱۰
- کر، جان ۱۳۹، ۲۹۱
- کرکوک ۱۲۵، ۳۶۰
- کرلی کی. سی. دی. ام. ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵
- کرمانشاه ۲۴۱، ۲۴۵
- کرمانی، محمدعلی ۱۰۸
- کرنلیوس (از کارکنان شرکت نفت
ایران و انگلیس) ۱۷۳
- کسری بودجه ۲۷، ۳۱
- کشتی بریتیش افیسر ۱۲۸
- کشتی بریتیش کورج ۱۲۷
- کشتی بریتیش هوپ ۱۲۸
- کشتیهای جنگی ۱۰۶، ۱۱۰، ۳۱۴
- کشکولی، احمد ۲۲۲
- کشکولی (ایل) ۲۱۹
- کلاب (متخصص نفت از کشور

«گ»

۴۰۹، ۳۴۰، ۳۳۷، ۲۶۸، ۲۶۷

گزه (حقوقدان) ۲۹۹

گلاسکو (انگلستان) ۲۸۲

گلبنکیان (متخصص نفت) ۳۰۰، ۲۹۸

گناوه، ۲۱۲، ۲۲۰

گودمن، آژ ۲۳

گیلان ۹، ۱۹

گاز ۱۱۹

گاورنر هوس (لندن) ۳۰۵

گتوند (چهار محال بختیاری) ۴۸

گچ پوکک (بویر احمد) ۲۱۰، ۲۱۵،

۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۲

گچ کورقلی (بویر احمد) ۲۱۰، ۲۱۲،

۲۱۳، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲،

https://t.me/shenakht_lib

«ل»

۲۲۴، ۳۳۹

لالی (چهار محال بختیاری) ۴۸

لاندارسی (ولز جنوبی) ۲۶۰، ۲۹۰،

۳۲۱

لا یروبی ۱۲۷

لیدل، میله راند ۲۹۹

لرستان ۳۱۰

لندن ۳، ۱۹، ۵۶، ۶۰، ۶۱، ۸۸، ۱۱۲،

۱۴۲، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۷۱، ۱۷۲،

۱۷۴، ۱۸۱، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۴،

۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۳۰، ۲۴۸،

۲۵۲، ۲۵۳، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۵، ۲۸۷،

۳۰۶، ۳۰۸، ۳۱۰، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۵۱،

۳۷۲، ۳۷۵، ۳۹۰، ۳۹۲، ۴۰۶، ۴۰۹،

۴۲۶

لندن وال ۵۵، ۱۴۱، ۱۷۱، ۱۷۴

لوزان (سوئیس) ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۶۰،

گدارد، رینر ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵

گذرنامه ۳۴

گرانج موات (اسکاتلند) ۲۶۰

گراندر، جیمز ۱۱۶

گرگان ۹

گری، ادوارد ۴۰۲

گری، و ۲۳

گریفیتز، ا.ج ۲۱۲

گرین، وینفیلد ۲۹۹

گرینوی (از سهامداران شرکت نفت

ایران و انگلیس) ۱۳۶

گرین هاوس ← گرینهوس، ف.س

گرین هاوس ← گرینهوس، ف.س

گرینهوس، ف.س ۳۴، ۳۵، ۱۱۳، ۱۲۰،

۱۴۱، ۱۴۵، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۶،

۲۳۹، ۲۴۳، ۲۴۷، ۲۵۱، ۲۵۵، ۲۶۶،

- متخصصان انگلیسی ۳۸۲، ۳۳۵
- مجلس شورای ملی ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳۲
- مجلس مبعوثان انگلیس ۳۷۹
- مجمع اتفاق ملل ۳۲
- مجمع سالیانه انستیتوی نفت آمریکا ۳۴۲
- محمدرضاخان (سردار فاتح) ۸۶
- محمره ← خرمشهر
- مختار، زکین الدین ۱۰۰، ۱۰۳
- مرزها ۶۴، ۹۱
- مایو (زمین شناس) ۱۹
- مسجد سلیمان ۴، ۳۶، ۴۵، ۶۰، ۶۴، ۶۵
- ۶۸، ۶۹، ۷۵، ۷۶، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۱۲۴
- ۱۶۷، ۲۸۱، ۲۸۶، ۲۸۷، ۳۲۰، ۴۰۳
- مشار، حسن ۱۶۴
- مشهد ۲۴۱، ۲۴۵، ۳۸۸
- مصر ۳، ۱۲۹
- مطالبات ۶۳، ۹۱، ۲۴۸، ۳۰۸، ۳۹۳
- ۴۳۱
- مطبوعات ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۶۰
- مطبوعات آلمان ۳۶۴
- مطبوعات عراق ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۶، ۳۱۲
- ۳۱۳، ۳۵۸، ۳۶۲
- مظفردین شاه ۳۵۴
- مظفر خان (از رؤسای ایلات بویر احمد) ۲۱۵، ۲۱۶
- ۶۱، ۴۰۶، ۴۰۷
- لوله کشی نفت ۷، ۲۴، ۸۸، ۱۷۴، ۳۰۸
- ۴۰۳، ۴۰۷، ۴۱۹
- لوله‌های نفتی ۹، ۲۵، ۱۲۴، ۲۲۶، ۲۲۷
- ۲۳۲، ۲۳۷، ۲۶۳، ۲۸۷، ۳۱۳، ۳۲۴
- ۳۳۳، ۳۶۰، ۴۱۹
- لوید، جان ۱۸۷، ۱۹۴، ۲۹۱
- لیگرو، توماس ۳۴۱
- لیندن بلات، کورت ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸
- ۱۸۰، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۹۹، ۲۲۹
- «م»
- مازندران ۹، ۹۱، ۴۱۶
- مال امیر (چهار محال بختیاری) ۴۸
- مالکیت ۷
- مالیات ۸، ۳۱، ۹۳، ۹۵، ۱۲۳، ۱۳۶
- ۱۴۲، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۱
- ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸
- ۲۳۹، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۶۳، ۲۷۹، ۲۹۸
- ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۱۴، ۳۱۸
- ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۵۴
- ۳۶۱، ۳۸۳، ۴۰۸، ۴۱۲، ۴۲۱، ۴۳۱
- مایلز (از کارکنان شرکت نفت ایران و انگلیس) ۴۴

۳۷۵

مؤسسه نفت آمریکا ۶۹، ۱۳۳
مونتویو (لندن) ۵۳

«ن»

ناصری ← اهواز

نصیرخان (سردار جنگ) ۸۶
نصیری (اهواز) ۸۸

نفت ۴، ۲۱، ۲۳، ۲۵، ۳۰، ۳۱، ۳۹،

۷۱، ۷۳، ۷۸، ۹۱، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۲۶،

۱۲۸، ۱۳۲، ۱۳۷، ۱۵۱، ۱۵۹، ۲۲۷،

۲۳۲، ۲۳۹، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۶، ۲۴۷،

۲۶۹، ۲۷۳، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۹۲،

۲۹۳، ۲۹۵، ۲۹۸، ۳۱۳، ۳۱۹، ۳۲۱،

۳۳۲، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۵۰، ۳۵۲،

۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۹، ۳۶۰،

۳۶۱، ۳۶۵، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۷۴، ۳۷۵،

۳۷۷، ۳۸۲، ۳۸۳، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۷،

۴۰۹، ۴۱۲، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۸،

نفت خانه (عراق) ۲۴، ۱۱۴، ۱۲۵،

۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۶۱، ۱۶۲،

نفتکشها ۱۲۷، ۲۸۲، ۲۸۳، ۳۰۲، ۳۰۵،

۳۲۱، ۳۶۸، ۳۷۰

نفتون ۴

نقشه برداری ۱۹، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۳۹

معافیت گمرکی ۲۴، ۳۸۳، ۴۲۱

معافیت مالیاتی ۹، ۲۴، ۹۶، ۱۲۷، ۲۲۵،

۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۵۰، ۲۵۱، ۳۸۳،

۴۲۱، ۴۲۴، ۴۲۵

معدن طلای ماونت مرگان ۲

مفرز (عراق) ۱۱۰

مفتاح، داود ۶۹

مکدونالد ۲۹۹

مکران ۷۸

مک لین تاک، ویلیام ۱۴۲، ۱۵۵، ۱۵۷،

۱۵۸، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴،

۲۳۹، ۲۹۹

مناطق مرزی ۱۱۳

مناطق نفت خیز ۷۶، ۲۷۴، ۳۰۸، ۳۹۶

منچسترگاردین (روزنامه) ۳۵۴، ۳۵۵،

مرگان، ساندری ۲

موری (بازرس محاسبات شرکت نفت

ایران و انگلیس) ۲۹۱، ۳۲۸

موم ۷

مونیک ۱۷۷، ۱۸۱

مهاجر، عبدالله ۲۱۳

میدان فینز بوری (لندن) ۲۷۸، ۳۱۸

میشون (فارس) ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۲۱، ۲۲۲،

۳۳۹

میلسپو، آرتور ۳۰، ۳۲

مؤسسه حسابداران ذیصلاح (لندن)

- نگهبانان ۷۷
- نیروی دریایی انگلستان ۳۵۳
- نیوتن ابات (دیوانشایر انگلستان) ۲
- نیویورک ۱۷۴، ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۸۷، ۳۲۷
- (و)
- واتسن، رابرت ۱۳۸۱، ۳۲۷، ۳۲۸
- وارث، تقی ۱۴ https://t.me/shenakht_lib
- واردات ۲۴۱
- واکسیناسیون ۸۱
- واگذاری زمین ۶۷، ۴۲۹
- والکر (زمین شناس) ۱۹
- وایلد (رئیس تشکیلات امنیتی و پاسپورت شرکت نفت ایران و انگلیس) ۴۴، ۱۰۴
- ورت، چارلز ۱۳۴
- وزارت اقتصاد ملی ۲۵۰، ۲۵۳، ۲۵۴
- وزارت امور خارجه ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۶۹، ۷۰، ۱۰۳، ۸۰
- ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۹
- ۱۶۰، ۲۹۸، ۳۱۲، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۵۸
- ۳۸۰، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲
- وزارت امور خارجه انگلستان ۳۸۷
- ۴۱۳
- وزارت پست و تلگراف و تلفن ۹۹
- ۱۰۲، ۱۰۱
- وزارت جنگ ۷۷، ۷۸، ۲۰۱، ۳۳۶، ۳۴۰
- وزارت داخله ۸۰، ۳۳۶، ۳۴۰، ۳۸۹
- وزارت دارایی انگلستان ۱۱۶
- وزارت دربار ۱۸، ۲۶، ۲۷، ۲۸۷، ۲۹
- ۳۴، ۳۶، ۳۸۷، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۶۶
- ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۲، ۱۰۵، ۱۱۱، ۱۱۴
- ۱۱۵، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۵۴
- ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲
- ۱۶۳، ۱۶۹، ۱۷۹، ۱۹۰، ۲۱۰، ۲۳۹
- ۳۱۰، ۳۱۲، ۳۳۰، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۴۰
- ۳۴۲، ۳۴۷، ۳۵۰، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹
- ۳۶۴، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹
- ۳۹۰، ۴۱۵
- وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه ۶، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۳، ۲۶، ۴۷، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۴۳
- ۱۴۴، ۱۵۰، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۳۶۹
- ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲
- وزارت فواید عامه ← وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه
- وزارت فواید عامه و تجارت ← وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه
- وزارت مالی ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۹
- ۷۴، ۸۲، ۸۳، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۲۰۰

۳۴۱، ۱۵۸، ۱۵۷، ۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۴	۲۴۸، ۲۳۰، ۲۲۷، ۲۰۹، ۲۰۴، ۲۰۲
هریسون، ج. و ۳۳۹	۴۱۵، ۳۵۰، ۳۴۹، ۳۴۷، ۳۰۰، ۲۴۹
هژیر السلطان، محمود ۸۶	۴۲۶، ۴۲۰
هفت گل (چهار محال بختیاری) ۵۸، ۵۹، ۶۶، ۶۸، ۷۵، ۷۶، ۸۰، ۱۲۴	وزارت معادن و طرق و شوارع ۱۴
۳۲۰، ۲۸۷، ۲۸۱، ۱۳۰	وست مینیستر ۱
هلند ۴	وکلاي دادگستری ۲۹۹، ۲۹۸
همدان ۲۴۵، ۲۴۴	ویگهام، گ. ک ۲۹۱
همسلی (کاپیتان) ۱۲۸	ویلکینسن، ای ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۵
هند ۴، ۱۲۹، ۲۵۰، ۳۱۳	۱۹۹
هندرسن ۱۴۲	وین ۳
هوپر، گرانت ۲۹۱	وین، ت. ر ۲۹۱
	وینه ← وین
(ی)	(ه)

هدایت، مهدیقلی ۲۶، ۱۸۰، ۱۸۴
 هرن، اس ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۱، ۱۴۲

یانگ (دکتر) ۶۶، ۷۹، ۸۰، ۸۱
 یهودیان ۲۶۲

